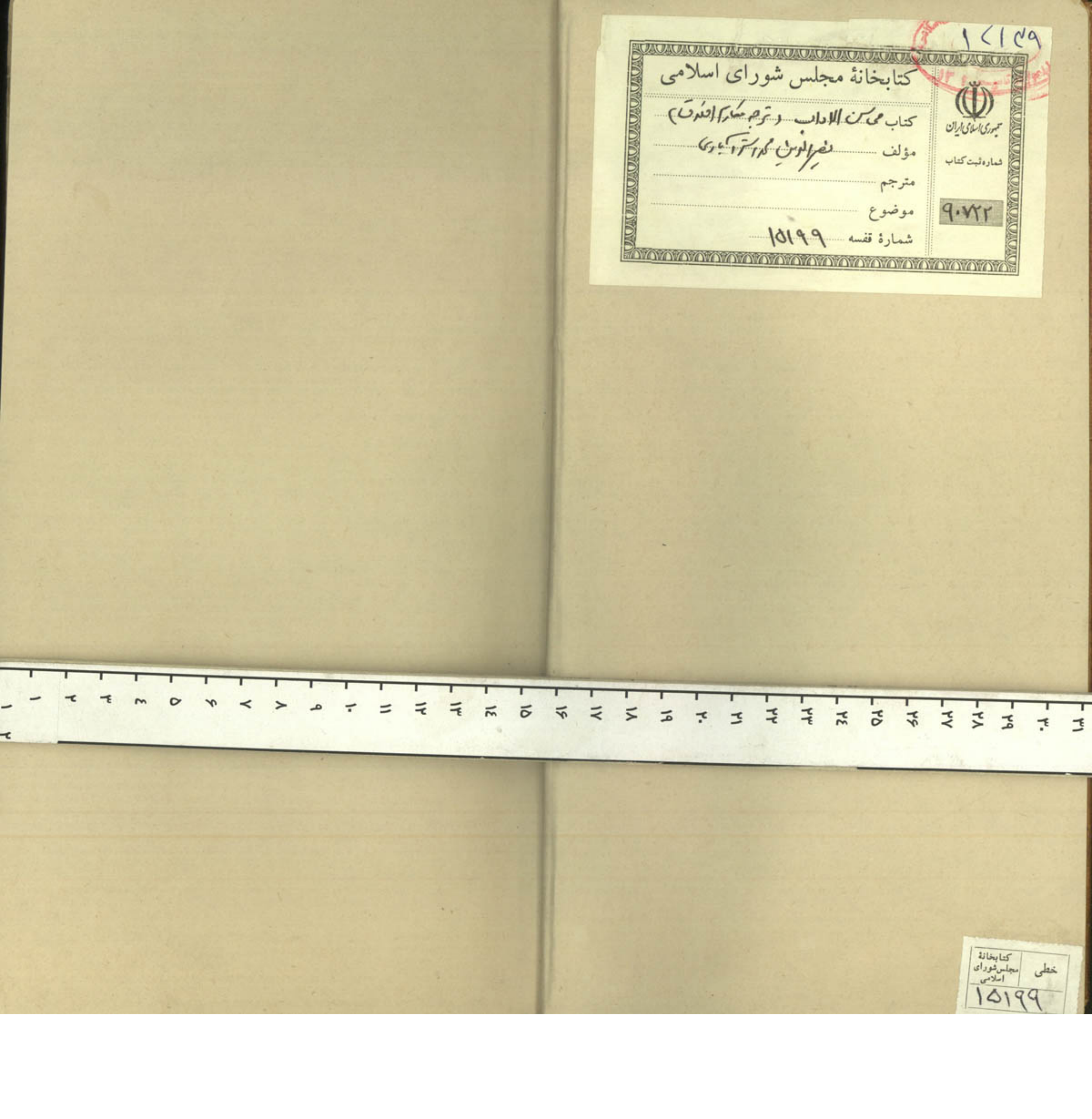
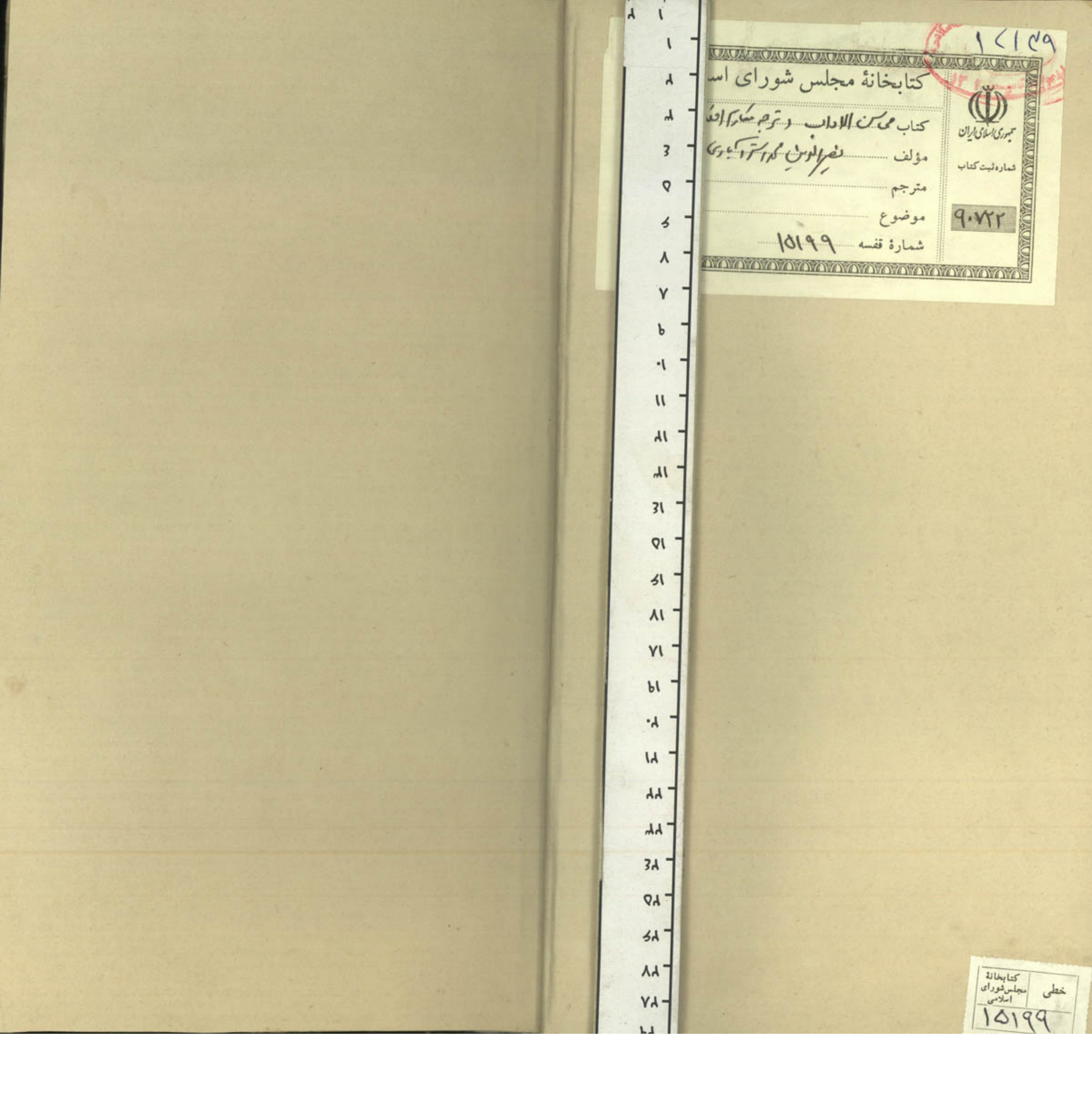
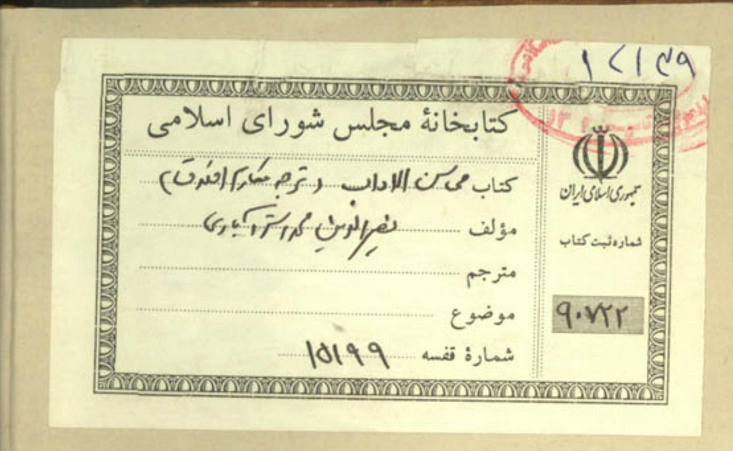
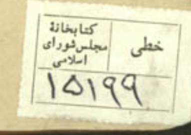


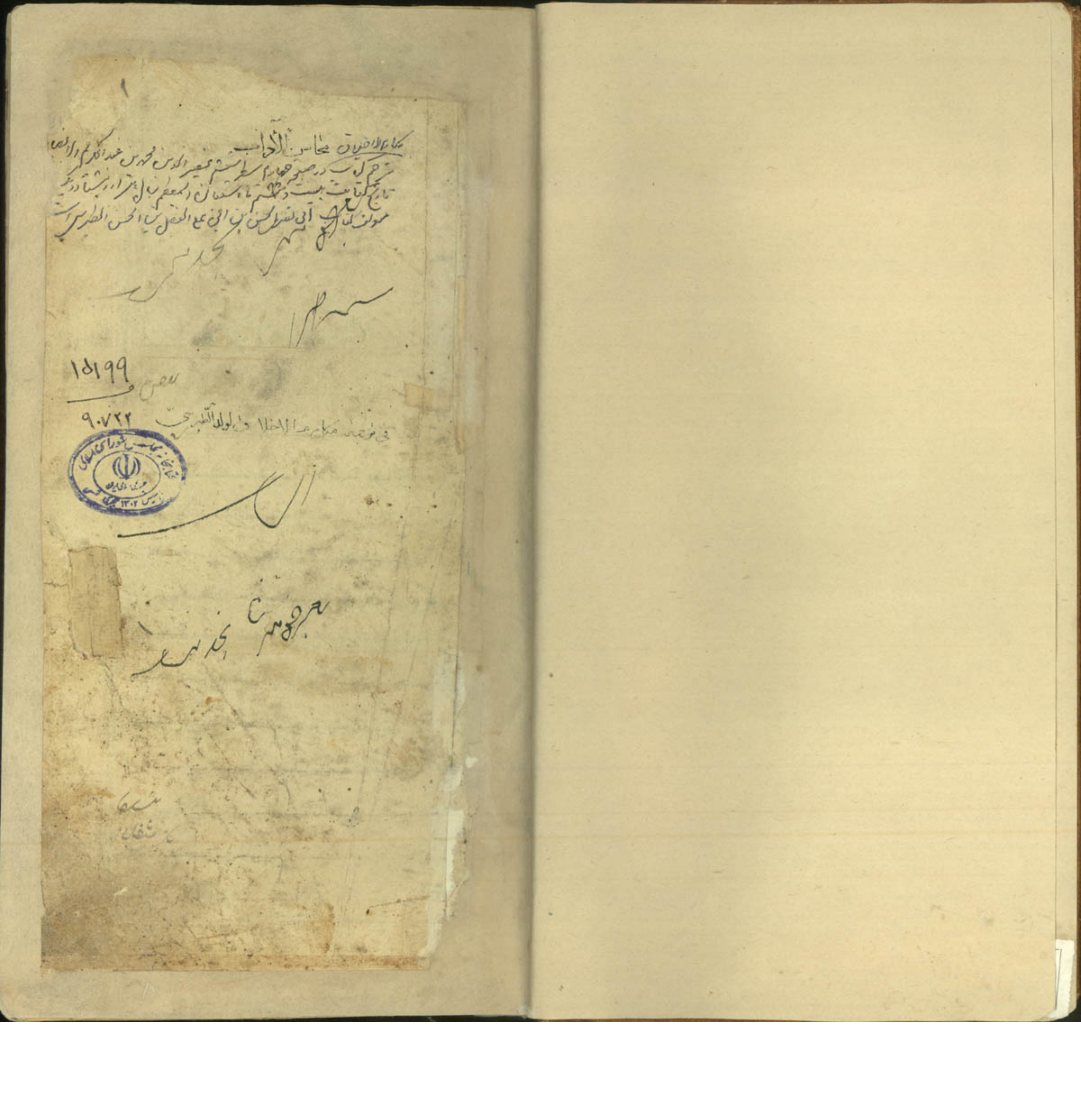




کتابخانهٔ مجلس شورای اس
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۹۰۷۲۲
کتاب
مؤلف
مترجم
موضوع
شمارهٔ قفسه
۱۵۱۹۹
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۵۱۹۹


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب محاسن الاداب (ترجمه مکارم اخلاق)
مؤلف
مترجم
موضوع
شمارهٔ قفسه ۱۵۱۹۹
شماره ثبت کتاب
۹۰۷۲۲


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۵۱۹۹


مکارم الاخلاق محاسن الآداب
ابی نصر الحسن بن ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی
15199
90722



بسم الله الرحمن الرحیم

وعلیک الاعتماد فی التتمیم باکریم جواهر زواهر حمد وسپاس وَلا
لی شکر بی قیاس نثار بارگاه خلاقی که مکارم اخلاق عباد
اثری از آثار فیض جود اوست و محاسن اداب و اعمال خلایق شمه
از لطف نامحدود اوست کریمی که نوع انسان را مظهر قابلیت اتصاف
بصفات حسنه و اکتساب اخلاق متحسنه ساخت کریم رحیمی که
متابعان و پی روان حضرت رسالت محمدی را بنوید قل ان کنتم
تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله بنواخت جلت آلاؤه و عمت نعماؤه
و صلوات زاکیات و تحف تحیات نامیات بر سید کاینات و
خلاصه موجودات که کریمه وانک لعلی خلق عظیم نکته ایست
از کمال ذات او و کلمه انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق نبذه

از جلال صفات او عالی مسند بارگاه وما ارسلناک الا رحمة للعالمین
صدر نشین صفه کنت نبیا و آدم بین الماء والطین افتاب عالم تاب
سپهر اصطفا عالی قدر فلک اهتدی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
و عترته الطاهرین الطیبین خصوصا بر امیر المومنین و امام
المتقین و سید الوصیین و یعسوب الدین فاتحه کتاب قضا و
خاتمه صحیفه ولایت مظهر غرایب مظهر عجایب امیر المومنین
علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه اما بعد بر ضمایر صافیه
ارباب بصیرت و بصایر ازکیا اصحاب فطنت پوشیده و مخفی نماند که ناسکان
مناسک شریعت و سالکان مسالک طریقت و حقیقت را بعد از
اعتصام بحبل متین قران مجید و فرقان حمید هیچ متمسکی رفیع تر از
اخبار حضرت رسالت و وسیلتی منیع تر از آثار ان منبع جاه نیست
و حضرت حق سبحانه و تعالی در هر قرنی از قرون جماعتی از امت
محمد را بادراک این سعادت فایز گردانیده که اقوال و افعال و اخلاق
هر جمیع منسوبان ان حضرت را در سلک جمع و عقد ضبط کشیده
تصانیف متعدده در منصه ظهور جلوه داده اند از جمله کتاب
مکارم الاخلاق است که از بدایع مصنفات افضل المتقدمین
و اکمل المتاخرین شیخ الاسلام والمسلمین رضی الملة والدین ابی
نصر الحسن بن ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی است نور الله مرقده
و برد مضجعه که مشتمل است بر مکارم الاخلاق و محاسن آداب

آنحضرت و انحضرت را بان امر فرموده اند و فی الواقع مثل این کتابی
درین باب مؤلف نشده و نزد خواص و عوام دلپذیر است بلکه
کافه انام را از دانستن آن ناگزیر است اما چون کتاب مذکور
بلغت فصیحه عربیه در سلک تالیف و عقد تصنیف در آمده
اکثر اهل فرس از استفاده و استفاضه آن محروم‌اند و عموم فائده
آن معدوم در ایام سلطنت و اعوام خلافت حضرت شاه دین
پناه ستاره سپاه آفتاب سپهر عزت و جاه مسند نشین بارگاه
السلطان العادل ظل الله اختر برج شهریاری دُر درج بختیاری
صاحب سریر کشورگیری ائمه اثنی عشر سلطان صاحب قران
سلیمان مکان گیتی ستان مالک رقاب الامم مولی ملوک الترک
والعرب والعجم قدوة اساطین السلاطین فی الآفاق عمدة اعاظم الخواقین
بالارث والاستحقاق مروج الشریعة المطهرة المصطفویة
القویمة المرتضویة حافظ بلاد الاسلام والمسلمین مغیث السلطنة
والخلافة والسیادة والدین المؤید من عند الله الغازی فی سبیل الله
سلطان شاه طهماسب بن السلطان شاه اسمعیل الحسینی شید الله
قوائم سریر السلطنة والخلافة بوجوده و ایّد ارکان الابهة والجلالة
بفیض جوده اشارت بابشارت و مثال بی مثال عالیحضرت کیوان
رفعت مریخ صولت مشتری طلعت خورشید منزلت دین
پرور معدلت گستر ممهد قواعد ایالت و بختیاری مشید مراسم

عدالت

عدالت و کامکاری امیر الامراء و عون الضعفاء والفقراء مرجع الاکابر
والاکابر والاعالی ملجاء الافاضل والموالی مظهر الطاف حضرت اله
مصداق مقال تخلقوا باخلاق الله شعر سمی نبی خان محمد کز و
خراسان بود رشک خلد برین ممالک مدار عدالت شعار
پناه جهان بنده شاه دین باین فقیر قلیل البضاعة و حقیر
عدیم الاستطاعه نصیر الدین محمد بن عبد الکریم الانصاری الاسترابادی
غفر الله له و لوالدیه رسید که کتاب مذکور را بلغت فارسی
ترجمه کند بنوعی که عرایس ابکار مفهومات و معانی از نقاب الفاظ
و عبارات عربی چهره نماید و پرده خفا و اختفا از عارض ظهور
و رخسار وضوح کشوده گردد و آنحضرت همچنانکه بنام نامی
و اسم سامی حضرت رسالت پناه موسوم است مکارم اخلاق
و محاسن اداب و اوصاف محمدیه را اکتساب فرموده بدان
نیز متصف و منعوت باشد و بمیامن دولتش سایر امت
محمد خواص و عوام از خواص فضایل و عموم فواید آن محظوظ
و بهره مند گردند هر چند این کمینه را قدرت ارتکاب باین
امر خطیر و قوت اشتغال باین شغل کبیر نبود بحکم المأمور
معذور امتثالا للامر العالی استعانت از حضرت باری
عز اسمه جسته و از ارواح مقدس حضرت سید المرسلین
و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

استمداد نموده دران شروع کرد واین ترجمه را محاسن الاداب
نام نهاده ملتمس از مکارم اخلاق ناظرین وناظرین مکارم الاخلاق
آنکه بنظر اصلاح دران دیده اگر بر زلل وقصوری مطلع شوند
قلم عفو بران کشیده راقم را معفو ومعذور دارند مسئول از
حضرت ملک متعال آنکه توفیق اتمام کرامت فرماید وحضرت
آمر وسایر مؤمنان را باین ترجمه منتفع ومستفید گرداند واین ترجمه
را ذخیره از برای مترجم یوم لا ینفع مال ولا بنون انه ولی ذلک
وما توفیقی الا بالله وهو حسبی ونعم الوکیل شروع در
ترجمه کتاب بسم الله الرحمن الرحیم ابتدا میکنم بنام خدای سزاوار
پرستش نیک بخشنده برخلق بوجود حیات بخشاینده
برایشان ببقا ومحافظت از آفات هرچنا که از ازل تا ابد موجود
ومعلوم بود وهست وخواهد بود حمد آن مر خدای را که
مسما وموصوف است بهمه اسما وصفات وکمال آن خدا
که یکی است بذات ویگانه است بصفات بی نیاز است از همه و
اوست پناه نیازمندان وحاجتمندان ونزاد کسی را ونزاده نشد
از کسی ونیست ونبود مر ورا همتا ودرود بر محمد که بنده وبرگزیده
اوست که فرستاد او را بتمام آفریدگان مژده دهنده مؤمنان را
ومطیعان را بهشت ورحمت خدای تعالی وبیم کننده مر کافران را
وعاصیان را از دوزخ وعقوبت او وخواننده مر بندگان را

به پرستش خدای تعالی بفرمان او وتوفیق او ودلیل ظاهر بر
وجود او وبر اهل بیت او که پیشوایان راه راست اند وبه
پی روی ایشان از ظلمت وتاریکی جهالت وضلالت نجات می
توان یافت همچنانکه در تاریکی وظلمت شب چراغ نور دهنده راه
بمقصود میتوان برد آنچنان اهل بیتی که خدای تعالی دور گردانیده
است از ایشان هر چیزی را که منکر وناشایسته است ومعصوم و
پاک گردانیده است ایشانرا از جمیع گناهان وسلام بر کسی باد
که متابعت کرد راه راست را اما بعد از حمد خدا وصلوات
بر رسول وآل او پس بدرستی که حق سبحانه وتعالی چون که گردانیده
است پیروی حضرت پیغمبر را کلید خشنودی خود وراهی بسوی
بهشت چنانکه گفته است لقد کان لکم فی رسول الله اسوة
حسنة یعنی بدرستی که مر شما را رسول خدای پیشوای نیکوست
لمن کان یرجوا الله والیوم الآخر یعنی مر کسی را که امید میدارد
ثواب خدای تعالی ونعمتهای آخرت را وگردانیده است متابعت
آنحضرت را وپی روی کردن سنت او وآنچه از او روایت کنند
سبب محبت ووسیله رحمت خود چنانکه گفته است که
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله یعنی بگوای محمد
که اگر دوست میدارید شما خدای تعالی را پس متابعت کنید مرا
تا دوست دارد شما را خدای تعالی باعث شد این دستکاری

عظیم بجمع کردن کتاب که مشتمل ... باشد بر اخلاق کریمه حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله و اداب حسنه انحضرت وانجام فرموده است
بان امت را این امتراض کفت انحضرت که انما **بعثت لاتمم مکارم**
الاخلاق یعنی خدای تعالی مرا فرستاده است به بندکان برای
انکه تمام کردانم مکارم اخلاق را که بر پیغمبران دیکر تمام نشده وجمع
کردن کتاب مذکور بجهت انست که دانستن هرچیز مقدم است
بر عمل کردن بان چیز پس یافتم در کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام
چیزی که مشتمل است بر حقیقه روش پیغمبران علیهم السلام وان
بریدن ودور بودن است بتمامی از مردمان ومتوجه شدن
بخدای تعالی در حالت امید وترس وقطع نظر کردن از دنیا و
زینت او وتوجه کردن باحوال اخرت وامیر المؤمنین علیه السلام
خاص کردانیده است از میان پیغمبران پیغمبر ما را صلوات الله
علیه بکمال این سیرت وروش ومبالغه وترغیب کرده است مارا
بر اقتدا کردن بانحضرت بعد از کلام طویل مرکسی را که دعوی
دروغ میکرد که امید میدارد بخدا پس فرموده است که دعوی
میکند بکمان خود که امید میدارد بخدا بحق خدا که دروغ میکوید
چیست حال او که ظاهر نمیشود امید او در عمل او ظاهر نمیشود امید
او در عمل او مکر امید داشتن بخدای تعالی که این از عمل او ظاهر
نمیشود زیرا که هر که در امید خود صادق است عمل میکند که

ببب

بسبب آن عمل بمطلوب خود برسد وامید میدارد از خدای تعالی هشت
را وکناه میکند پس امید او در عمل او ظاهر نمیشود وهر ترسی که هست
محقق ومعلوم است مکر ترس از خدای تعالی بدرستی که این معلوم نیست
زیرا که اکر ترس بنده از خدای تعالی محقق می بود مرتکب معاصی
نمیشد امید میدارد بنده از خدای تعالی امر بزرکی که آن بهشت
است ونعمتهای اخرت وامید میدارد بنده از خدای تعالی
چیزی بی اعتبار که ان امور دنیوی است وباوجود این صرف
میکند بسیاری از مال خود را وخدمت میکند بنده را تا انکه
بمطلوب صغیر خود برسد وعبادت نمیکند پروردکار را و
تصدق نمیکند اندکی از مال خود را تا انکه بمطلوب بزرک خود
برسد پس چیست حال خدای تعالی جل شانه که تقصیر کرده میشود
با و از انچه کرده میشود بر بندکان وایا میترسی که باشی در
امید داشتن خود از خدای تعالی کاذب ودروغ کو یا نمیدانی
خدای تعالی را محل امید وهمچنین اکر کسی ترسد بنده را از
بندکان خدای تعالی مید هد با و از ترس خود انچیز برا که نمیدهد
پروردکار خود را پس ترسیدن ان کس از بندکان ظاهر میشود
وترسیدن او از افریننده ایشان ظاهر نمیشود وهمچنین هر که دنیا در چشم
او بزرک است وقعی دارد در دل واختیار میکند دنیا را بر خدای
تعالی پس ترک میکند خدای تعالی را ومتوجه دنیا میشود

ومیکرد دشنه دنیا وبدرستی که رسول خدا کافیست مرترا
در مقتدا بودن ودلیل است مرترا بر مذمت دنیا وعیب او
وبسیاری رسوائیها وبدیهای او زیرا که انحضرت متوجه دنیا
وزینتهای او نشد وحق سبحانه وتعالی دنیا را وارایشهای
او را بانحضرت نداد وبغیر انحضرت داد واکر خواهی بکویم بعضی
از حالات حضرت موسی کلیم الله چون کفت رب انی
لما انزلت الی من خیر فقیر یعنی پروردکارا بدرستی که انچه
فرستادی بمن محتاج بان بحق خدا سؤال نکرد حضرت موسی
مکر نانی که بخورد برای انکه میخورد کیاه زمین را وسبزی کیاه
مینمود از تنکی پوست شکم حضرت موسی بجهت لاغری و
کم کوشتی اکر خواهی شمه از احوال حضرت داود علیه السلام بیان
کنم بدرستی که زنبیل می بافت از برک خرما بدست خود ومیکفت
همنشینان ومصاحبان خود را که ایا کدام یک از شما میفروشد
این زنبیل را برای من ومیخورد قرص جو از بهای آن واکر خواهی
بکویم از حال عیسی بن مریم علیه السلام بدرستی که سنک را
بالین خود ساختی وجامه درشت پوشیدی ونان خورش
او کرسنکی بود وچراغ او شب ماه بود وپناه او سایه وانچه
بدان کرم میشد در زمستان مشرقها ومغربهای زمین
بود ومیوه وریحان او انچه از زمین میرویید از برای حیوانات

ونو

وبنود او را زنی که در فتنه اندازد او را ونه فرزندی که اندوهکین
کند او را ونه مالی که مشغول کرداند او را ونه طمع که حقیر کرداند
او را مرکب او هر دو پای او بود وخدمتکار او دستهای او پس اقتدا
کن به پیغمبر خود که او پیشواست مر کسی را که پیروی کند او را ودو
بندکان نزد خدای تعالی کسی است که پیروی کند پیغمبر خود را
واقتدا کند ومتابعت نماید سنت او را وانچه از او روایت کنند
وانحضرت رغبت نکرد بدنیا ونظر در دنیا نکرد وخالی وتهی بود
از دنیا وکرسنه ترین اهل دنیا بود بشکم وعرض کرده شد دنیا
بر وپس قبول نکرد از این دانست که خدای تعالی دشمن وحقیر
وصغیر داشت دنیا را پس او نیز دشمن داشت دنیا را واعتبار نکرد
ومتوجه او نشد واکر نبودی در ما هیچ کناهی مکر دوست
داشتن ما چیزی را که دشمن داشت خدای تعالی ان را وتعظیم
کردن وبزرک داشتن ما چیزی را که خدای تعالی اعتبار
نکرده هر اینه همین بس می بود در مخالفت کردن بخدای تعالی
وخلاف کردن بدرستی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله طعام
میخورد بر زمین بی سفره وخوانی ومی نشست همچو نشستن
بندکان ومیدوخت بدست خود نعلین خود را وپیوند
میکرد بدست مبارک خود جامه خود را وسوار میشد دراز
کوش برهنه را وکاهی ردیف خود میساخت کسی را وبود

پرده بر در خانه آنحضرت و دران پرده صورتها بود پس گفت بیکی
از زنان خود که ای فلانه غایب گردان و دور گردان این پرده را از چشم
من بدرستی که چون نظر میکنم درین پرده بیاد آید مرا دنیا و آرایشهاء
او پس آنحضرت اعراض کرد از دنیا بدل خود و دور کرد یاد دنیا را
از نفس خود و دوست داشت که غایب باشد زینت دنیا از چشم
او تا متوجه دنیا و زینتهای او نشود و اعتقاد نکند دنیا را سرای
قرار پس بیرون کرد دنیا و زینتهای او را از نفس خود و غایب
گردانید او را از چشم خود و همچنین هر که دشمن میدارد چیزی را
دشمن میدارد نظر کردن و یاد کردن آنچیز را بدرستی که رسول
خداست دلالت کننده و راه نماینده ترا بر بدیها و عیبهای
دنیا زیرا که گرسنه بود در دنیا با خاصان خود و باز گرفته شد
از وی آرایشها و زینتهای دنیا و با وجود بسیاری قرب و منزلت
او بخدای تعالی پس باید که فکر کند عاقل که آیا خدای تعالی
اکرام کرد محمد را باین که نداد دنیا و زینتهای دنیا را باو و یا اهانت
کرد و حقیر داشت او را پس اگر گوید که اهانت کرد بحق خدا که
دروغ گفته باشد و اگر گوید که اکرام کرد محمد را پس باید که بداند که
خدای تعالی اهانت کرد و حقیر داشت دنیا را زیرا که بگسترانید
دنیا را از برای غیر او و دور گردانید آنرا از نزدیک ترین مردمان
بخود پس باید که اقتدا کند اقتدا کننده بپیغمبر خود و متابعت

نماید

نماید اثر او را و اگر پیروی نکند پیغمبر خود را ایمن نباشد از هلاکت
پس بدرستی که خدای تعالی گردانیده است حضرت محمد را صلی الله
علیه واله نشان و علامت قیامت زیرا که او پیغمبر آخر الزمان است
و بعد از آن پیغمبری نخواهد بود که بپیروی او ایمن شوند از هلاکت
و آنحضرت بشارت دهنده است ببهشت و بیم کننده است بعقوبت
و با وجود این علو مرتبه بیرون رفت از دنیا گرسنه و رسید
باخرت سالم و بی عیب و ننهاد سنگی بر سنگی و خانه و منزل و
عمارتی بنا نکرد تا آنکه از دنیا برفت و اجابت کرد خواننده پرو
دگار خود را پس خدای تعالی را چه منت عظیم است بر ما که انعام
کرد ما را بپیشوا و مهتری چون محمد که متابعت و پیروی او کنیم
و امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه میفرماید که بحق خدا که چندان
پیوند کردم جامه خود را تا آنکه شرم داشتم از پیوند کننده آن پس
گفت مرا کسی که چرا نمی اندازی این جامه را پس گفتم مرو را
که دور شو از من پس نزد صباح ستایش میکند قوم شب رفتن
را و معنی این سخن ظاهر است که اگرچه شب رفتن مشقتی
تمام دارد و در هنگام رفتن ستایش نمیکند اما صباح که
بمنزل رسیدند ستایش میکنند شب رفتن را همچنین آن کار
که امیر المؤمنین علیه السلام میکرد از پیوند کردن جامه را اگر
چه درین دنیا مشقتی دارد و ستایش نمیکنند آنرا اما بمنزل

انحضرت که بپرسند ستایش خواهند کرد انرا و خواهند گفت کاشکی
ما هم این عمل میکردیم تا الحال فراغت میداشتیم پس این خطبه
که روایت کرده شد از امیر المؤمنین علی علیه السلام کافیست
بطریق اجمال در مقصود ما که پیروی کردن حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم سبب نجاتست و ما ذکر میکنیم بر تفصیل مکارم
اخلاق را که مخصوص انحضرتست در جمیع احوال و اقوال و
اعمال و نشستن و برخواستن و سفر و حضر و خوردن و آشامیدن
و جمیع انچه روایت کرده شده است از انحضرت و حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین در احوال مردمان بر سبیل عموم و سؤال
میکنیم ما خدای تعالی را که توفیق کرامت کند بتمام شدن این کتاب
بدرستی که حق سبحانه و تعالی بر همه چیز و هر چه میخواهد قادر است
و آسان گردانیدن دشوار بر و سهل و آسان است و گردانیدم این
کتاب را دوازده باب فهرست بابها باب اول در صفات
ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و باقی حالات
انحضرت و درین باب پنج فصل است فصل اول در صفات
ظاهری و باطنی انحضرت و روش او با همنشینان فصل دوم
در بیان بعضی از حالات و اخلاق انحضرت منقول از کتاب
شرف النبی و غیر ان فصل سیوم در صفت اخلاق انحضرت
در طعام خوردن فصل چهارم در صفت اخلاق انحضرت در خوردن

واشا

واشامیدن فصل پنجم در بیان مجملی از باقی حالات انحضرت باب
دوم در اداب پاک بودن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن
و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن و درین باب
سه فصل است فصل اول در اداب پاک گردانیدن بدن و
لباس و بوی خوش بکار بردن و مانند ان فصل دوم در سرمه
کشیدن و روغن مالیدن فصل سیم در مسواک کردن
باب سیم در اداب حمام رفتن و انچه متعلق است بان
و درین باب شش فصل است فصل اول در کیفیت در
امدن بحمام فصل دوم در پوشیدن عورت در حمام فصل
سیم در مالیدن خشت و روغن زیتون و ارد و غیر ان در
بدن مالیدن فصل چهارم در تراشیدن سر و موی زهار و
زیر بغل فصل پنجم در شستن سر بخطمی و سدر فصل ششم
در نوره مالیدن باب چهارم در ناخن گرفتن و شارب گرفتن
و سر شانه کردن و نظر در آینه کردن و حجامت کردن و درین
باب چهار فصل است فصل اول در ناخن گرفتن فصل دوم
در شارب گرفتن و گرد ساختن محاسن و نظر کردن در آینه
و انچه متعلق است بان فصل سیم در سر شانه کردن و انچه
متعلق است بان فصل چهارم در حجامت کردن باب پنجم
در اداب رنگ کردن محاسن و زینت کردن و انگشتری و انچه

متعلق است بانها ودرین باب شش فصل است فصل اول
در فضیلت رنك کردن وترغیب کردن دران فصل دوم در
سیاه کردن محاسن وغیر آن فصل سیوم در رنك کردن بحنا وغیر
آن ورنك کردن دست زنانرا فصل چهارم در کراهیت رنك
کردن جنب وحایض ودر کراهیت پیوند کردن موی زنان فصل
پنجم در انکشتری وانچه متعلق است بان فصل ششم در زینت
کردن زنان بزیور وانچه در سر دست میکنند از طلا الات
وغیر آن باب ششم در اداب لباس ومنزل وانچه متعلق است
بان هر دو ودرین باب ده فصل است فصل اول در تجمل بلباس
وکیفیت پوشیدن انواع لباس واختلاف رنکهای آن فصل
چهارم در پوشیدن رنکهای بثمین وردا وازار وغیر آن فصل
پنجم در تکبر کردن بجهت پوشیدن لباس وتواضع وفرو
تنی نمودن فصل ششم در کراهیت لباس شهرت ونکته چند
در لباس فصل هفتم در عمامه وتاج وغیران فصل هشتم در پوشیدن
موزه ونعل فصل نهم در بیان خانه ومنزل وانچه جایز است
ازان وانچه متعلق است بان فصل دهم در زینت کردن خانه
ومتاع خانه وفرشها وفروتنی نمودن در آنها باب هفتم
در اداب خوردن واشامیدن وانچه متعلق است بآن هر دو
ودرین باب سیزده فصل است فصل اول در فضیلت و

فصل دوم در بلند کردن جامه [illegible] فصل سیوم در پوشیدن [illegible] آن

وثواب طعام دادن ونیکویی کردن وروزه سنت داشتن
فصل دوم در اداب دست شستن فصل سیم در اداب
طعام خوردن وانچه متعلق است بآن فصل چهارم در اداب
اشامیدن وانچه متعلق است بان فصل پنجم در اداب خلال
کردن فصل ششم در فضیلت نان فصل هفتم در نفع آنها
فصل هشتم در کوشتها وانچه متعلق است بآن فصل نهم
در شیر بیها فصل دهم در میوها فصل یازدهم در سبزیها
فصل دوازدهم در حبوبات فصل سیزدهم در طعامهای نادر
باب هشتم در اداب نکاح وانچه متعلق است بآن ودرین
باب ده فصل است فصل اول در رغبت کردن نکاح مبارك
وشوم فصل دوم در اصناف زنان واخلاق ایشان فصل سیم
در مناسبت زن وشوهر با یکدیکر ونکته چند در نکاح فصل
چهارم در اداب زفاف ومباشرت کردن وغیر آن فصل
پنجم در حق زن بر شوهر وحق شوهر بر زن فصل ششم
در فرزندان وانچه متعلق است بایشان فصل هفتم در عقیقه
وانچه متعلق است بآن فصل هشتم در ختنه کردن وانچه
متعلق است بآن فصل نهم در حضانت بدکه متعلق است
بزنان فصل دهم در چیزهای نادر که متعلق است بنکاح
باب نهم در اداب سفر وانچه متعلق است بآن ودرین

باب هشت فصل است فصل اول در سفر و در بیان اوقاتی که سفر
کردن خوبست و اوقاتی که سفر کردن بد است فصل دوم
در افتتاح کردن سفر بصدقه و غیر آن فصل سوم در بیان آنچه
سنت است بجا آوردن نزد بیرون رفتن فصل چهارم در اخلاق
نیکو در سفر فصل پنجم در نگاه داشتن متاع خود در سفر و استعاره کردن
و حاجت طلبیدن فصل ششم در آداب راه رفتن و کراهت
تنهایی در سفر و دعاهای که در سفری باید خواند فصل هفتم
در رعایت کردن مرکب و حق او بر صاحب فصل هشتم در چیزهای
نادر که در سفر می باشد باب دهم در آداب دعاها و آنچه متعلق است
بآن و درین باب پنج فصل است فصل اول در فضیلت دعا
و کیفیت آن فصل دوم دعاهای که اختیار کرده شده است در
روز و شب فصل سوم در ذکر حق تعالی و صلوات بر نبی و آل
و استغفار و گریه کردن فصل چهارم در نمازهای نادر فصل
پنجم در دعاهای نادر باب یازدهم در آداب مریض و علاج
او و آنچه متعلق است بآن هر دو و درین باب پنج فصل است
فصل اول در آداب مریض و عیادت و علاج کردن او فصل
دوم در طلب شفا کردن بقرآن در جمیع مرضها فصل سوم در طلب
کردن بصدقه و دعا و نماز از برای جمیع مرضها فصل چهارم در افسونها
و تعویذها از برای تمام مرضها فصل پنجم در بیان حرزها که

لایق

لایق است باین کتاب باب دوازدهم در چیزهای نادر که درین کتاب است
و درین باب هفت فصل است فصل اول در ذکر حقوقی که
امام زین العابدین علیه السلام ذکر کرده است فصل دوم در ذکر
بعضی چیزهای که نهی فرموده است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله فصل سوم در وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر
المؤمنین را صلوات الله علیه فصل چهارم در پند دادن رسول
صلی الله و آله ابن مسعود را رضی الله عنه فصل پنجم در وصیت
رسول صلی الله علیه و آله ابوذر غفاری را رضی الله عنه فصل
فصل در اختیارات روزها منقول از امام جعفر صادق علیه السلام
فصل هفتم در ختم کتاب بخطبه امیر المؤمنین علیه السلام
باب اول در صفات ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و باقی احوال آنحضرت و درین باب پنج فصل است روایت است
در صفات ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و روش
آنحضرت با همنشینان روایت کرده است محمد بن ابراهیم بن
اسحق الطالقانی در کتاب خود از جماعتی که معتمد و راست
گویند و ایشان روایت کرده اند که گفت حضرت امام حسین علیه
السلام که پرسیدم هند بن ابی هاله تمیمی را از صورت و هیئت و
شکل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و او مردی بود که نیکو صفت
میکرد و من آرزو داشتم که صفت کند از برای من حلیه آنحضرت را

بتر بود سینه و شکمش هم راست بود و سینه‌ی کینه اش پهن بود
دوشهایش از هم دور بود استخوانش بزرگ بود هرگاه انحضرت
برهنه شدی بدنش سفید و نورانی بود از سینه تا ناف خطی باریکی
کشیده بود و سینه و شکمش موی نداشت بغیر آن موی باریک
دستهایش از مرفق تا سر دست و دوشها و بالای سینه اش
موی بسیار داشت استخوان سر دست آن حق پرست دراز
بود و کف دست فیاضش کشاده و استخوان پایش دراز بود
دستها و پایش پر گوشت بود و انگشتهایش دراز بود و زیر قدمش
برداشته بود بوجهی که در حالت راه رفتن بر زمین نرسیدی
پشت پایش نرم و هموار بود بحیثیتی که روز از آنجا آب در میگذشت
در حالت سیر پاها را از زمین درست برداشتی و میل بر پیش
کردی و قدمها را بر زمین نهادی برفق و نرمی از یکدیگر دور نهادی
و تند رفتی که گویا از بالا بر نشیب امدی هرگاه متوجه بکسی
شدی بتمام بدن خود متوجه شدی چشم خود را می خوابانیدی
و متوجه باطراف و جوانب نشدی نظر در زمین بیش فرمودی
که در آسمان بیشتر نظر در چیزها بگوشه چشم کردی در حالت
رفتن پیش داشتی اصحاب را و خود در عقب ایشان رفتی
و پیشی گرفتی بسلام کسی را که ملاقات کردی حضرت امام
حسن علیه السلام فرمود که گفتم هند بن ابی هاله را که

که بدانم و حفظ کنم از او پس گفت که بود رسول خدا صلی الله علیه و آله
عظیم و بزرگ در دلها و چشمها روی مبارکش می درخشید همچو
درخشیدن ماه شب چهارده و انحضرت دراز تر از میانه بالا و
کوتاه تر از بلند بالا بود سر مبارکش بزرگ بود و مویش نه جعد
بود و نه کشیده و فتی که موی سر انحضرت بخود دو بخش میشد میگذاشت
همان طریق و در این حال در میگذشت از نرمه گوش و اگر بخود
دو بخش نمیشد انحضرت جمع میکرد و در هم می پیچید و را و در نمیکرد
از نرمه گوش رنگ مبارک بدن انحضرت درخشنده و نورانی بود
پیشانی نورانیش پهن بود ابروانش باریک و خم دار و تمام و کشیده
بود و پیوسته نبود در میان دو ابرو رگی داشت که در وقت
غضب پر میشد بینی انحضرت کشیده و بلند بود و طرف بینی که نزدیک
با بروست باریک بود بینی انحضرت را نوری بود که کسی فکر و
تامل نمیکرد در ان گمان می برد که پشت بینی مبارکش بلند است
محاسن انحضرت انبوه بود و روی انورش هموار سیاهه چشمش
سخت سیاه بود و سفیدی بغایت سفید بود دهانش فراخ
و دندانهایش سفید و ابدار و گشاده بود از سینه تا شکم انحضرت
خطی باریک از موی کشیده بود گردنش گویا گردن صورتی بود
از نقره خام ریخته و درخشنده و سفید در غایت اعتدال و
نهایت حسن و جمال اعضایش معتدل و متناسب و بزرگ در هم

که صفت کن از برای من سخن کردن حضرت پیغمبر را صلی الله
علیه وآله گفت هند بن ابی هاله بود رسول خدا صلی الله علیه
وآله همیشه حزین واندوهناک بجهت امت دایم الفکر در امور
آخرت بود مر ورا راحتی بجهت طاعت وعبادت بغیر حاجت سخن
نگفتی بیشتر اوقات خاموش بودی افتتاح سخن وختم آن بگوشه
لب کردی وتکلم کردی بکلامی که لفظ اندک ومعنی بسیار داشت
وسخن را چنان روشن گفتی که حاضران همه میدانستند که آنحضرت
چه میگوید بادنی ونقصان در سخن آنحضرت نبود وخوش خلق بود
وجفا کننده واهانت کننده نبود بزرگ داشتی نعمت را اگرچه اندک
بودی ومذمت نکردی هیچ نعمت را وعیب نکردی ومدح نگفتی
مزه هیچ خوردنی را ودر غضب نیاوردی آنحضرت را امر دنیوی پس
هرگاه کسی بکسی ظلم کردی آنحضرت در غضب شدی بوجهی که هیچ
کس آنحضرت را نشناختی وهیچ چیز تسکین ندادی غضب آنحضرت را
تا آنکه انتقام کشیدی از ظالم واز برای نفس خود در غضب نشدی
وانتقام نکشیدی ووقتی که آنحضرت اشارت کردی بچیزی بتمام
دست خود اشارت کردی وگاهی که تعجب کردی دست خود را
گردانیدی وقت سخن کردن اشارت بدست خود کردی پس
باطن انگشت بزرگ دست چپ را برکف دست راست زدی
ووقتی که در غضب شدی اعراض نمودی وروی گردانیدی و

مبالغه

ومبالغه کردی در غضب وگاهی که فرح داشتی خوابانیدی چشم
خود را بیشتر خنده آنحضرت تبسم بود ودرین حالت ظاهر شدی
دندانهای آنحضرت مثل ژاله در سفیدی وصفا گفت امام حسن
علیه السلام که پوشیده داشتم این اوصاف را از امام حسین علیه
السلام زمانی وبعد از آن گفتم بامام حسین علیه السلام پس یافتم
او را که پیش از من پرسیده بود این اوصاف را از هند ابی هاله
وپرسیده بود از پدر خود علیه السلام از کیفیت بودن حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله در خانه خود وبیرون خانه واز نشستن وشکل
آنحضرت در حالت نشستن وهیچ چیز از اینها فروگذاشت نکرده
بود گفت حسین بن علی علیهما السلام که پرسیدم پدر خود را از احوال
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در وقتی که در خانه میرفت چه کار
میکرد پس هرگاه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بمنزل خود رفتی
اوقات خود را سه قسم کردی قسمی بطاعت خدای تعالی صرف کردی
وقسمی بمعاشرت اهل خود پرداختی وقسمی بمهمات خانه خود
پرداختی وآن قسم که تعلق بنفس آنحضرت داشت قسمت کردی
میان خود ومیان مردمان پس عام وخاص نزد آنحضرت می آمدند
وفایده میگرفتند وپنهان نداشتی از ایشان هیچ چیز را وبود از
سیرت آنحضرت که اختیار کردی اهل فضل را در اذن دادن بمنزل
خود وفایده رسانیدی بایشان بقدر فضل ودانش ایشان

در دین پس بعضی از ایشان یك حاجت داشتی و بعضی دو حاجت
و بعضی حاجتها پس انحضرت مشغول شدی بایشان و مشغول
ساختی ایشانرا در انچیزی که صلاح ایشان و امت دران بود و
سؤال کردی از ایشان و اخبار کردی ایشانرا بچیزی که لایق و
سزاوار بودمر ایشانرا و میفرمود انحضرت که هر کس که حاضر است
در مجلس من انچه میشنود باید که بغایب برساند که برسانید بمن
بمن حاجت انکسی را که استطاعت و قدرت ندارد که برساند حاجت
خود را سلطان ثابت و محکم میکرداند خدای تعالی قدمهای اورا در
روز قیامت بر پل صراط ذکر کرده نمیشد نزد انحضرت مگر حاجت
انکسی که استطاعت رسانیدن حاجت خود با نحضرت نداشت و متوا
تر میکرد از کسی غیر انرا امدند مردمان نزد انحضرت و طلب حاجت
میکردند و بیرون نمی رفتند مگر انکه بمطلوب خود میرسیدند
و علم و دانش اقتباس میکردند از انوار نبوت و بیرون میرفتند
راه نما و دانا گفت حضرت امام حسین علیه السلم که پرسیدم پدر خود را
از احوال حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که در حالتی که بیرون بود
از خانه چکار میکرد گفت امیر المؤمنین علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله نگاه میداشت زبان خود را در چیزی که
ضرورت داشتی امت با یکدیگر الفت دادی و مصاحبت و موانست
فرمودی و ایشان را از یکدیگر متنفر نساختی و اکرام و تعظیم کردی

بزرك هر قوم را و اورا والی ساختی بر ایشان و ترسانیدی مردمان را
از عذاب خدا و خود را نگاه داشتی از ایشان بی انکه روی خود
در هم کشید و کج خلقی نماید و چون یکی از اصحاب غایب بودی
پرسش و جست و جوی او فرمودی و پرسیدی مردمانرا
از احوال مردمان پس نیك را نیك داشتی و تقویت آن فرمودی
و بد را بد داشتی و بی اعتبار گذاشتی احوال انحضرت مختلف نبود
بلکه بر یك منوال و در حد اعتدال بود غافل نشدی از اصلاح
حال مردمان از ترس انکه ایشان غافل شوند یا میل کنند و بگردند
از حق در هر حال اسباب جمیع عبادات نزد انحضرت مهیا بود
تقصیر نکردی و در نگذشتی از حق اهمای نزدیك انحضرت بودند
بهترین امت بودند و فاضلترین مردمان نزد انحضرت انکسانی
بودند که بیشتر نصیحت میکردند مردمان را و بزرگترین مردمان
نزد انحضرت از روی قرب و منزلت انها بودند که مواسات و معاونت
ایشان مؤمنانرا بهتر بود گفت حضرت امام حسین علیه السلام
که پرسیدم پدر خود را از کیفیت نشستن حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که رسول خدا
صلوات الله علیه و آله ننشستی و بر نخواستی مگر بذکر
خدای تعالی و وطن نساختی جاها را و نهی فرمودی امت را
از ان یعنی معین نساختی جائی از برای خود بلکه هر جا

اتفاق افتادی نشستی ونهی فرمودی امت را از وطن ساختن
جاها وچون برسیدی بقومی بنشستی جائی که مجلس بانحضرت
منتهی گشتی وامر فرمودی امت را باین دادی هر یك از همنشینان
خودرا بهره خودرا وبودی گمان نمیکرد همنشین انحضرت که هیچ کس بزرك
تر از و باشد نزد انحضرت هر کس که نزد انحضرت نشستی یا بایستادی
بجهت حاجتی ان حضرت صبر کردی تا انکس برفتی وانکس که طلب
حاجت کردی از انحضرت حاجت اورا براوردی یا جوابی از روی
رفق ورحمت گفتی لطف ورحمت انحضرت بهمه مردمان بنوعی
بود که گویا پدر ایشان بود وهمه مردم نزد انحضرت یکسان بودند مجلس
حلم وحیا وصبر وامانت بود در مجلس انحضرت آواز بلند نشدی
وظاهر نشدی در مجلس شریفش چیزهای حرام واگر از کسی در
~~مجلس شریفش چیزهای حرام واگر از کسی~~ امر ناخوشی واقع شدی
در جای دیگر مذکور نشدی وشایع نگشتی اهل مجلس انحضرت
رعایت تعادل میکردند وبا یکدیگر موافق بودند تفضیل
ایشان بر یکدیگر در مجلس انحضرت بتقوی بود نه بچیزی دیگر
وبا یکدیگر تواضع وفروتنی نمودن وتعظیم میکردند در
مجلس شریفش پیران را ورحم میکردند بر خوردان واختیار
کردند صاحب حاجت را ومحافظت ورعایت احوال غریبان
میکردند گفت حضرت امام حسین علیه السلم که پرسیدم

از پدر

از پدر خود که چگونه بود سیرت وروش حضرت پیغمبر صلی الله
با همنشینان امیر المومنین علیه السلم فرمود که رسول خدا ص
دایم گشاده رو وخوش خلق وملایم بود ودرشت خو وبلند اواز
ودشنام دهنده وعیب کننده ومدح کننده نبود تغافل کردی
از انچه نخواستی ونا امید نساختی کسی را از انچیز وانحضرت سه چیز
را ترك کرده بود ودور داشته بود از نفس خود جدل کردن
وبسیار گفتن وانچیز را نخواستی وترك کرده بود نسبت بمردمان
سه چیز را مذمت هیچ کس را سرزنش نکردی عیب کسی را وانحضرت
سخن نگفتی مگر در چیزی که ثواب داشتی ووقتی که انحضرت سخن
گفتی اهل مجلس خاموش میشدند وسر خودرا در پیش می افکندی
که گویا بر سر ایشان مرغ نشسته بود وگاهی انحضرت خاموش شدی
اهل مجلس سخن میگفتند ونزاع وجدل در سخن نمیکردند چون
کسی نزد انحضرت سخن کردی اهل مجلس تمام خاموش میشدند
تا انکس از سخن فارغ شدی سخن ایشان نزد انحضرت مثل سخن
ایشان نزد انحضرت مثل اول ایشان بود یعنی انحضرت در اخر مجلس
نیز گوش میکرد بسخنان ایشان وملول نمیشد همچنانکه در اول
مجلس میخندیدند وتعجب نمودی از انچه ایشان تعجب می نمودند
واز غریب جفای که با انحضرت رسید بجهت سخن کردن و
چیزی پرسیدی بجهت سخن کردن وچیز پرسیدن صبر

فرمودی تا آنکه اصحاب آنکس را از مجلس آنحضرت بیرون می
بردند و آنحضرت با اصحاب که چون ببینید کسی را که طلب
حاجتی کند پس یاری کنید او را وسعی نمایید در برآوردن
حاجت او و قبول نمودی ستایش را که زیاده از مرتبه آنحضرت بود
بلکه ثنائی که در خور و لایق آنحضرت بودی نمودی و قطع نکردی
سخن کسی را مگر آنکه از حد در گذشتی پس منع کردی آن کس را
از سخن کردن یا از مجلس برخواستی گفت حضرت امام حسین ع
که پرسیدم پدر خود را از کیفیت و خاموشی حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله گفت امیرالمومنین علی ع که در خاموشی حضرت پیغمبر ص
چهار خصلت و فایده بود حلم و حذر و تقدیر و تفکر اما تقدیر آن
بود که همه کس برابر نظر کردی و سخنان همه کس را برابر استماع
نمودی اما فکر کردن آنحضرت در چیزی بود که باقی می ماند که
آن امور آخرت و علوم است و در چیزی که فانی میشود که آن بعضی
امور ضروری دنیویست و جمع شده بود در آن حضرت حلم
و صبر پس در غضب نیاوردی و سبک نگردانیدی آنحضرت را
هیچ چیز و جمع شده بود آنحضرت را حذر در چهار چیز فرا گرفتن
چیزهای نیکو تا مردمان اقتدا کنند با آنحضرت و ترک کردن چیزهای
قبیح تا دیگران باز ایستند از آنها و جهد کردن در چیزی که بصلاح
آورد امت را و سعی کردن در خیر دنیا و آخرت امت را و سعی کردن

در خیر دنیا و آخرت امت را **فصل دوم** در بیان بعضی از احوال
و صفات معنوی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقول
از کتاب شرف النبی و غیر آن **در بیان تواضع و حیای**
حضرت پیغمبر ص روایتست از انس بن مالک که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله پرسش میکرد بیماران را و از عقب
جنازه میرفت و اگر مملوکی آنحضرت را بطعام میطلبید قبول
میفرمود و بر دراز گوش سوار میشد و در روز جنگ خیبر و
روزی که با کفار بنی قریظه و بنی نضیر جنگ میکرد بر دراز گوشی
سوار بود که افسار و پالان او از لیف خرما بود **روایتست** از انس
که گفت هیچ شخصی نزد اصحاب رسول دوستتر نبود از رسول خدا
صلی الله علیه و آله و چون میدیدند آنحضرت را بر نمیخواستند
بتعظیم آنحضرت بجهت آنکه میدانستند که آنحضرت را بد می آید **و**
روایتست از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه
و آله بر زمین چیزی میخورد و خود علف میداد گوسفند را
و روایتست از انس مالک که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم گذشت بر جماعتی کودکان و بر ایشان سلام
کرد و حال آنکه بشتاب میرفت **و روایتست** از اسما بنت یزید
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعتی زنان
و سلام کرد بر ایشان **و روایتست** از ابن مسعود رضی الله

عنه که گفت که آمد مردی بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و
سخن گفت پیغمبر صلی الله علیه واله بآن مرد که آسان گردان بر خود
ومترس که من پادشاهی نیستم من پسر زنی ام گوشت قاق میخورد
روایتست از ابی ذر غفاری که گفت رسول خدا صم در میان اصحاب
می نشست وغریبی که می آمدی دانست که انحضرت کدام است
تا آنکه می پرسید پس طلب کردم از پیغمبر صم که بسازد از برای خود
جایی که اگر غریبی بیاید بنزد انحضرت بشناسد انحضرت بر انجا
می نشست وما بود و جانب او می نشستیم روایتست که پرسیدند
از عایشه که پیغمبر صم چه کار میکرد در خانه خود چون تنها میبود
گفت عایشه که میدوخت جامه ونعلین خود را ومیکرد آنچه
میکنند مردمان با اهل خانه خود روایتست از عایشه که دوسترین
کارها نزد پیغمبر صم چیزی دوختن بود منقولست از کتاب
شواهد النبوة که ابی عبد الله ع که حضرت رسالت پناه صم بگذشت
زنی بی شرمی وانحضرت نشسته بود وطعام میخورد آن زن گفت
یا محمد تو چیزی میخوری مثل چیز خوردن بندها ومی نشینی
مثل نشستن ایشان پس انحضرت فرمود که وای بر تو ای زن
کدام بنده از من بنده تر است پس آن زن گفت یک لقمه از آن
طعام که میخوری بمن ده انحضرت یک لقمه از آن طعام باو داد
آن زن گفت بحق خدا که میخواهم مگر آن لقمه را در دهان تست

پس انحضرت لقمه که در دهان داشت بیرون آورد باو داد و آن
زن آن لقمه را خورد حضرت امام علیه السلام میفرماید که برکت آن
لقمه طعام صفت بی شرمی از آن زن زایل شد وبعد از آن
بی شرمی نکرد تا از دنیا برفت روایتست از انس بن مالک
که گفت خدمت کردم پیغمبر صم را نه سال ودر این مدت خدمتی
که کردم هرگز بمن نفرمود که چرا این کار کردی وهرگز هیچ کار مرا عیب
نکرد و روایتست از انس بن مالک که گفت ده سال با انحضرت
بودم وهر بویی خوشی که در دنیا هست بوییدم هیچ بوی خوشی
مثل بوی انحضرت نبود وچون با یکی از اصحاب استادی بر نگشتی
تا آنکس برگشتی وچون یکی از اصحاب دست انحضرت را گرفتی دست
خود را نکشیدی تا آنکس دست خود را بکشیدی وچون با جماعتی
نشستی زانوهای انحضرت پیش از زانوهای ایشان نبودی وهرگز
پیش از آنکه اهل مجلس برخیزند برنخواستی وهم روایتست از انس که حضرت
رسالت پناهی براهی میرفت از عقب آن حضرت اعرابی آمد
ردای انحضرت را محکم کشید آنکه دیدم که گردن انحضرت را که اثر
کرده کناره ردا از محکم کشیدن او وگفت یا محمد امر کن تا از مال
خدا که نزد تست چیزی بمن دهند پس آن حضرت روی باو
کرد وخنده شد وامر کرد که باو چیزی بدهید از مال خدا
روایتست از ابی سعید خدری که حیا وشرم حضرت رسالت

پناه بیشتر بود از حیا و شرم دختران بکر و چون چیزی مکروه
داشتی از روی حضرت معلوم شدی روایتست از ابن مسعود
که حضرت پیغمبر ص فرمود که نرساند هیچ یک از شما چیزی بدی عن
از اصحاب من بدرستی که من بدرستی که من دوست میدارم
بیرون آیم از خانه بسوی شما و من سلیم الصدر باشم یعنی خاطر
من به همه کس صاف باشد و از هیچکس رنجشی نداشته باشم
در بیان جود پیغمبر ص روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی ع
که فرمود که رسول خدا ص بخشنده ترین مردمان بود و از بزر
گترین قبیلها بود هر کس با آنحضرت اختلاط میکرد و قدر و منزلت
آنحضرت میدانست دوست میداشت آنحضرت را و منقولست
از کتاب النبوة که گفت ابن عبّاس که رسول خدا ص فرمود
که هر چه حضرت حق سبحانه و تعالی امر کرده است مرا بآن من بجای می
آرم و هر چه من علی را امر کرده ام علی آنرا بجای می آرد امر کرده است
مرا خدای تعالی بسخاوت و نیکویی کردن و نهی کرده است مرا
از بخل کردن و بد خلقی نمودن بدرستی که بد خلقی ضایع میکرداند
عمل را همچنانکه ضایع میکرداند خل عسل را و بروایتی دیگر هم
از امیر المؤمنین ع که چون وصف کردی رسول خدا را ص
گفتی که رسول خدا بخشنده ترین و بجرات ترین و راست
گوترین و بوفاترین و خوش خلق ترین مردم بود و قبیله

آنحضرت

آنحضرت بزرگترین قبیلها بود هر کس اول مرتبه آنحضرت را بدیدی
بترسیدی از هیبت آنحضرت و چون با آنحضرت اختلاط کردی
و بشناختی دوست داشتی او را ندیدم مثل آنحضرت نه پیش از و
و نه بعد از آن ص روایتست از ابن عمر که گفت که ندیدم هیچکس
را سخی تر و بزرگتر و دلیرتر و نورانی تر از رسول خدا ص روایتست
از جابر بن عبد الله که گفت که رسول خدا ص هرگز در جواب سوال
هیچ کس نی نگفت روایتست از ابن عباس که مسلمانان نظر با بو
سفیان نمی کردند و با او نمی نشستند پس ابو سفیان نزد حضرت
پیغمبر ص آمد و گفت یا رسول الله سه مدعا دارم میخواهم قبول
فرمایی یکی آنکه ام حبیبه که دختر منست و خوش شکل ترین
دختران عرب است بنکاح خود در آری حضرت پیغمبر ص فرمود که چنین
باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست کاتب خود سازی حضرت
فرمود که چنین باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست کاتب خود
ابن زمیل که یکی از راویان حدیث است گفته که حضرت پیغمبر ص هیچیک
از مدعیات ابو سفیان را تجویز نمیکرد و امید داشت اگر او
نمی طلبید و چون طلب کرد آن حضرت فرمود زیرا که عادت
آنحضرت آن بود که هر کس از آنحضرت چیزی التماس میکرد قبول میفرمود
روایتست از عمر که مردی نزد حضرت رسول ص آمد و چیزی
طلب کرد آنحضرت هیچ چیز حاضر نداشت فرمود که چیزی نزد من

بیت اما هر چیز که میخواهی بخر وبهای انرا بمن حواله کن هرگاه چیزی
بدست من آید انرا ادا کنم عمر گفت که یا رسول الله تکلیف نکرده
است خدای تعالی بر تو چیزیرا که قادر نیستی بران یعنی چرا خودرا بتکلف
می اندازی وباین طریق باین شخص چیزی میدهی حضرت پیغمبررا
صلی الله علیه وآله ازین سخن بسیار بد آمد پس ان مرد سایل گفت چیزی
بده یا رسول الله ومترس ازین که خدای تعالی ترا درویش کند پس
رسول خدا صلعم بخنده در امد وخوشحال شد از سخن آن شخص چنانچه
اثر خوشحالی از روی انحضرت معلوم شد در بیان شجاعت حضرت
رسالت پناهی روایتست از امیر المومنین علی ع که گفت در روز
جنگ بدر پناه میگرفتیم ما بحضرت پیغمبر صلعم وانحضرت نزدیکتر بود
بدشمنان ودران روز انحضرت از همه بیشتر جنگ کرد با کافران وهم
روایتست از امیر المومنین علی ع که در روز جنگ بدر چون جنگ
بسیار میشد ولشکرها باهم میرسیدند ما پناه می بردیم برسول خدا
صلعم وهیچکس از انحضرت نزدیکتر بدشمن نبود روایتست از انس
که گفت که رسول خدا صلعم دلیرتر وخوبتر وبخشنده تر بود از همه
مردمان ویکشبی حوالی مدینه بعضی از کفار امدند ومردم مدینه
چون خبر یافتند در فریاد شدند ومرد طلبیدند جمعی دیگر از
مردم مدینه متوجه انجماعت شدند بهمان طرف که او از ایشان
می آمد وچون حضرت پیغمبر صلعم خبر یافت اسب ابوطلحه حاضر

بود وان اسبی بود بغایت کاهل وکند وفی الحال انحضرت بران
اسب سوار شد وشمشیر خودرا حمایل ساخت وازان جماعت
متوجه شده بودند درگذشت وبا جماعت که در فریاد آمده
رسید ومیگفت بایشان که مترسید وفریاد مکنید وانحضرت
فرمود که این اسب دریاست یعنی در غایت تندیست وقوت
در بیان علامت خشنودی وغضب پیغمبر صلعم روایتست از ابن
عمر که گفت خشنودی وغضب حضرت رسالت پناه صلعم از روی
او معلوم میشد چون خوشحال شدی روی انحضرت در غایت
درخشندگی شدی بمرتبه که دیوارها در روی انحضرت نمودی
وچون در غضب شدی رنگ روی انحضرت تیره شدی
روایتست از کعب بن مالک که چون چیزی حضرت پیغمبررا صلعم
خوشحال ساختی روی انحضرت درخشنده شدی چون ماه شب
چهارده روایتست از امیر المومنین ع که چون رسول خدا صلعم
چیزی دیدی که انرا دوست داشتی میفرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ یعنی سپاس وستایش مر خدا برا که
بنعمت او تمام میشود وکمال می یابد چیزهای خوب روایتست
از عبد الله مسعود که مقداد اسود گفت که چون رسول خدا ع
در غضب میشد روی انحضرت سرخ میشد در بیان ملایمت
حضرت پیغمبر صلعم روایتست از انس که گفت چون یکی از اصحاب

حضرت پیغمبر ص سه روز بخدمت آنحضرت نرسیدی حضرت احوالش
پرسیدی و اگر در سفر بودی دعا فرمودی از برای آن و اگر در حضر
بودی بدیدن او رفتی و اگر مریض بودی بعیادت او رفتی روایتست
از جابر بن عبد الله که گفت رسول خدا ص بیست و یک جنگ با کفار
بنفس نفیس خود کرد و من در نوزده جنگ حاضر بودم و در دو جنگ
نبودم پس یک شبی از شبها که با آنحضرت بودم در بعضی غزوات
شتر من مانده شد و بسینه در آمد و حضرت رسول ص در عقب مردمان
بود و ردیف میساخت ضعیف را و دعا میکرد از برای مردمان
پس رسید بمن من میگفتم ای فریاد رس امت ما را شتر بی قوت
و ضعیف است آنحضرت گفت که کیست این گفتم منم جابر پدر و
مادر من فدای تو باد یا رسول الله آنحضرت گفت چیست حال
و کار تو گفتم شتر من مانده شده آنحضرت گفت آیا با تو عصایی هست
گفتم بلی پس زد شتر مرا بآن عصا و برانگیخت شتر را پس ازانجا نه
خوابانید و پای مبارک خود بر دست شتر نهاد و گفت سوار شو
پس سوار شدم و با آنحضرت رفتم و شتر من پیش از شتر آنحضرت میرفت
استغفار و طلب آمرزش کرد از برای من در آن شب بیست و پنج نوبت
پس گفت بمن که پدر تو چند فرزند گذاشته بغیر تو گفتم هفت دختر
گذاشته گفت از پدر تو قرضی مانده است گفتم بلی گفت وقتی
که بیایم بمدینه مقاطعه کن با قرض خواهان پدر خود و اگر ابا کنند

وقبول

و قبول نمایند مقاطعه را پس چون وقت خرما بریدن شود دانا
گردان مرا و آنحضرت گفت ای جابر نکاح کرده و زن خواسته گفتم بلی
گفت بکر وصلت کردی گفتم بفلان زن دختر فلان که زن بیوه بود
در مدینه حضرت گفت چرا زنی جوان نخواستی که با هم بازی کنید
گفتم یا رسول الله خواهران من هیچ کار نتواند کرد و گفتم این زن بیوه
بهتر است از برای جمع کردن کارهای من حضرت گفت خوب کردی
پس گفت ای جابر شتر خود را بچند خریدی گفتم بوزن دویست درهم
از طلا حضرت گفت میخریم ما شتر ترا چون پیغمبر ص بمدینه رسید شتر
را نزد آنحضرت بردم فرمود که ای بلال بهای شتر با و بده که بقرض
پدر خود بدهد و بوزن صد و بیست درهم از طلا زیاده کن و شتر
او را با و ده پس حضرت پیغمبر ص گفت که آیا مقاطعه کردی بقرض خواهان
پدر خود گفتم نه یا رسول الله گفت آیا مقدار چیزی مانده از پدر تو
که بقرض او وفا کند گفتم نه گفت چون برسد وقت خرما بریدن اعلام
کن مرا چون وقت رسید اعلام کردم آنحضرت را پس آمد و دعا
کرد از برای ما و ما بریدیم خرما را پس وفا کرد خرما بهمه قرض خواهان
و قرض ایشان ادا شد و باقی ماند از برای ما آن مقدار که دایم می بریدیم
و حاصل میکردیم و بیشتر از آن پس گفت رسول خدا ص که بردارید
خرماها را و کیل مکنید پس برمیداشتیم و میخوردیم از آن خرما
مدتی روایتست از ابن عباس که گفت رسول خدا ص هرگاه

هرگاه سخن میکردیم یا می پرسید از چیزی سه بار میگفت تا مردم
بفهمند روایت از ابن عباس که مردی ندا کرد حضرت پیغمبر را ص
باین طریق که گفت یا رسول الله آنحضرت در جواب او گفت لبیک گفت
زید بن ثابت که هرگاه ما می نشستیم نزد حضرت پیغمبر ص اگر سخن آخرت
میکردیم آنحضرت موافقت می نمود با ما و اگر ذکر طعام و شراب میکردیم
موافقت میکرد با ما و اگر سخن دنیا میکردیم موافقت می نمود با ما
پس همه اینها که مذکور شد حکایت میکنم از رسول خدا ص روایت
از ابی الحمیسا که متابعت کردم حضرت پیغمبر را ص پیش از آنکه آن حضرت
مبعوث شود پس وعده کردم من آنحضرت را که فلان روز در فلان
مکان شما را ملازمت خواهم کرد و فراموش کردم آن روز و روز دیگر
و در روز سیم آمدم گفت حضرت پیغمبر ص که ای جوان در مشقت
انداختی سه روز است که من اینجا ساکنم روایت از جریر بن عبد الله
که حضرت پیغمبر ص در آمد بخانه از خانهای خود پس آنخانه پر شد از مردم
و جای کسی دیگر نماند پس من در آمدم و چون جای نبود برگشتم و در
بیرون خانه نشستم چون دید آنحضرت که در بیرون خانه بر روی زمین
نشسته ام جامه خود را درهم پیچید و پیش من انداخت و گفت که بیا بر
این جامه بنشین پس من جامه آنحضرت را گرفتم و بر روی خود مالیدم
و بوسیدم روایت از سلمان فارسی که گفت رفتم نزد رسول خدا
و آنحضرت تکیه کرده بود بر بالشی پس انداخت آن بالش را بجانب من

وگفت یا سلمان هر مسلمانی که بیاید نزد او مسلمانی دیگر پس بیندازد
بالش را جهت اکرام برادر مسلم البته او را خدای تعالی بیامرزد در
مزاح حضرت پیغمبر ص روایت که رسول خدا ص گفت بدرستی که من
مزاح میکنم و نمیگویم در مزاح مگر حقی روایت از ابن عباس
که مردی پرسید از وی که آیا حضرت پیغمبر ص مزاح میکرد ابن عباس گفت
بلی مزاح میکرد و روایت از حسن بن ع که گفت که پرسیدم خال خود
هند را از صفت رسول خدا ص پس گفت هند که وقتی که حضرت پیغمبر
ص در غضب شدی اعراض کردی و روی گردانیدی و مبالغه کردی
در غضب و گاهی که فرح داشتی می خوابانید چشم خود را بیشتر خنده
آنحضرت تبسم بودی و در حال خنده کردن ظاهر شدی دندانهای
آنحضرت مثل ژاله در سفیدی و صفا و روایت از انس بن مالک
که گفت دیدم رسول خدا را ص که چون تبسم کردی در حالت سخن کردن
از یونس شیبانی که گفت از من پرسید ابو عبدالله ع که چگونه است
مزاح کردن بعضی از شما با بعضی گفتم کم است ابو عبدالله ع گفت
که چنین مکنید زیرا که مزاح کردن با یکدیگر از حسن خلق است
و تو خوشحال میگردانی بسبب مزاح کردن برادر مؤمن را و حضرت
پیغمبر ص مزاح میکرد با مردم و قصدش آن بود که آنکس خوشحال شود
در بیان گریه کردن حضرت پیغمبر روایت از انس مالک که گفت دیدم
ابراهیم پسر رسول خدا را ص در حال نزع پس آنحضرت میگریست

سخن گفتن

ومیکفت چشم اشك میریزد ودل محزون واندوهناك است وغمکویم مکر انچیزی که راضی است پروردکار بآن وبجهت تو ای ابرهیم محزون وغمکینم **روایتست** از خالد بن سلمه مخزومی که کفت چون زخم خورد زید بن حارثه رفت رسول خدا صلعم بخانه او وچون دختر او دید حضرت پیغمبر را صلعم اغاز کریستن کرد پس انحضرت باواز بلند کریست یکی از اصحاب با انحضرت کفت که سبب این شوق دوستی است بدوست

در بیان راه رفتن حضرت پیغمبر صلعم روایتست از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که کفت رسول خدا صلعم در وقت راه رفتن میل به پیش کردی وپاها را درست از زمین برداشتی که کویا از بالا بشیب امدی ندیدم مثل شبیه او از انحضرت ونه بعد از ان حضرت **روایتست** از جابر که کفت رسول خدا صلعم وقتی که بیرون امدی از منزل وبجائی رفتی اصحاب در پیش انحضرت میرفتند وعقب انحضرت را برای فرشتها میکذاشت **روایتست** از ابن عباس که کفت رسول خدا صلعم وقتی معلوم شدی از رفتار انحضرت که نیست رفتن انحضرت همچو رفتن کسی که عاجز باشد ونه همچو رفتن کسی که کاهل باشد **روایتست** از انس که کفت وقتی که می امدیم ما بخدمت حضرت پیغمبر صلعم حلقه می نشستیم **روایتست** که رسول خدا صلعم وقتی که سوار بودی نمیکذاشت کسی را که پیاده با او برود تا انکه انکس را سوار میکرد با خود واکر انکس ابا میکرد از سوار شدن با انحضرت میکفت انحضرت که پیشتر از

من

من برو در یاب مرا جایی که میخواهی **روایتست** که طلب کردند حضرت پیغمبر را صلعم قومی از اهل مدینه بجهت طعامی که پخته بودند برای انحضرت وپنج کس از اصحاب انحضرت پس انحضرت اجابت فرمود دعوت ایشان را پس در راه شخصی دیکر همراه ایشان شد چون بنزدیك خانه ان قوم رسیدند حضرت پیغمبر صلعم کفت بآن که در راه همراه ایشان شده بود که قوم ترا نخواندند بطعام پس بنشین تا بکویم بودن ترا وطلب رخصت کنیم از ایشان برای تو **در بیان مجملی از اخلاق حضرت پیغمبر صلعم منقول از کتاب شرف النبی** از امیر المؤمنین علی علیه السلام که مصافحه نکرد رسول خدا صلعم با کسی هرکز که دست خود را از دست انکس کشیده باشد تا انکه انکس دست خود را از دست انحضرت میکشید وهرکس با انحضرت حاجتی داشتی یا سخنی کفتی انحضرت برنکشتی تا انکس باز کشتی ونزاع نمیکرد انحضرت در سخن کسی تا انکه انکس خاموش شدی وهرکز کسی ندید که انحضرت پای خود را دراز کرده باشد وعرض نمیکرد بانحضرت دو چیز را مکر انکه اختیار میکرد انچیزی را که مشقت ان زیاده بودی ویاری نمی کرد نفس خود را وانتقام نکشیدی بجهت ظلمی که بران حضرت واقع شدی تا انکه از ان ظالم امر حرامی صادر شدی وهرکز تکیه کرده انحضرت چیزی نخورد در مدت عمر وهیچ چیز از ان حضرت طلب نمودند که کفته باشد نه وهرکز حاجت هیچ سایل را رد نکردی بلکه حاجت او را بر اوردی یا جوابی از روی سلامت ومرحمت دادی

و نماز انحضرت سبکتر از نماز مردمان دیکر بود با انکه تمام انچه در نماز معتبر
بود بجای اوردی و خطبه آن حضرت کوتاه تر بود از خطبه مردمان
دیکر و سخن بیفایده در سخنان انحضرت نبود و هرکاه ان حضرت طعام
خوردی با قومی بیش از ایشان بنیاد طعام خوردن کردی و بعد از
همه دست از طعام کشید و هرکاه طعام خوردی از پیش خود خوردی
و هرکاه خرما خوردی از همه جا خوردی و هرکاه آب خوردی بسه مرتبه
خوردی و اندک اندک آب خوردی نه بسیار و دست راست انحضرت
برای طعام خوردن و چیزی کرفتن و چیزی دادن بود و نمیکرفت و
نمیداد چیزی را مکر بدست راست و دست چپ انحضرت از برای
غیر اینها بود از بدن و دوست میداشت که ابتدا بجانب راست
کند در هر کاری در جامه و نعلین پوشیدن و شانه کردن و هرکاه
دعا کردی و وقتی که سخن کردی یک سخن یک سخن را سه بار کفتی
و هرکاه رخصت طلبیدی بجهت در آمدن در خانه کسی سه بار
رخصت طلبیدی و سخنان انحضرت ظاهر بود بمرتبه که هر کس شنیدی
دانستی و فهمیدی و وقتی که سخن کردی میدیدند که نوری بیرون
می امد از میان دندانهای پیش انحضرت و هرکاه کسی ان حضرت را
دیدی کمان بردی که میان دندانهای پیش انحضرت کشاده است
و حال انکه کشاده نبود و نظر انحضرت بچیزها بکوشه چشم بود و نکفتی
بکسی که انکس را بد آید از ان سخن و وقتی که راه رفتی بطریقی رفتی

که کویا

که کویا که از بالا بر نشیب امدی و ان حضرت میکفت باصحاب که بهترین
شما انکسانند که خلق ایشان بهتر باشد و هیچ خوردنی را عیب نکردی
و مدح نکفتی و نزاع نمیکردند اصحاب نزد انحضرت در سخن و کسی که صفت
کردی انحضرت را کفتی که ندیدم بچشم خود مثل انحضرت نه پیش از ان حضرت
و نه بعد از ان حضرت ص روایتست از ابی عبد الله ع که کفت که یا
محمد رسول الله ص وقتی که میدیدند در شب تاریک نوری از ان
حضرت ظاهر شدی که کویا پارهٔ از ماه بود روایتست از ابی عبد الله
که جبرئیل فرود امد نزد حضرت پیغمبر ص و کفت که بدرستی که حضرت
حق سبحانه و تعالی بتو سلام میرساند و میکوید که سنکریزهای رود
خانه مکه را از برای تو طلا کنم از ابی عبد الله ع کفت که حضرت پیغمبر
ص سر بالا نظر سوی آسمان کرد و کفت که نمیخواهم ای پروردکار من
لیکن میخواهم که یکروز سیر باشم تا حمد و ثنا کویم ترا و روز دیکر کرسنه
باشم تا چیزی طلب کنم از تو و هم روایتست از ابی عبد الله ع که کفت
رسول خدا ص میدوشید بزی را که در خانه انحضرت بود روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که کفت رسول خدا ص فرمود که عار
ندارم از سواری در ان کوش بالان دار و از طعام خوردن
بر روی زمین با بندکان و چیزی دادن سایل را بدست خود
روایتست از جابر بن عبد الله که کفت در رسول خدا ص چند
خصلت بود یکی انکه حضرت پیغمبر ص هر راهی که رفتی دانستی که انحضرت

باین راه رفته است از بوی خوش انحضرت دیگر آنکه انحضرت هیچ سنگ و
درختی نگذشتی مگر آنکه آن سنگ و درخت انحضرت را سجده کردی
و روایت است از ثابت بن انس بن مالك که گفت رنگ
رسول خدا صلعم سفید و روشن و درخشنده بود همچون رنگ مروارید
خوشاب و ندیدم هیچ مشك و عنبری که خوشبوی تر بود باشد از بوی
انحضرت و مس نکردم هیچ دیبا و جامه را که نرم تر بوده باشد از دست
انحضرت و نماز انحضرت سبك تر بود از نماز همه مردمان با آنکه اجر معتبر بود
در نماز انحضرت سبك تر بجای آوردی روایت از جریر بن عبد الله
که گفت که چون حضرت پیغمبر صلعم مبعوث شد بر پیغمبری آمدم نزد انحضرت
که بیعت کنم پس انحضرت گفت ای جریر بچکار آمدی گفتم که آمدم که مسلمان
شوم بدست تو یا رسول الله پس انحضرت انداخت از برای من ردای خود را
بجهت آنکه بنشینم بر آن پس انحضرت متوجه شد باصحاب و گفت که هر گاه
بزرگ قومی نزد شما بیاید اکرام کنید او را و روایت از ابی عبد الله ع
که گفت بدرستی که رسول خدا صلعم وعده کرد مردی را بموضع معین و گفت
من اینجا ساکنم تا تو بیایی ابی عبد الله ع گفت بجهت آفتاب بانحضرت
مشقت بسیار رسید بعضی از اصحاب گفتند که یا رسول الله کاش
بسایه بیایی انحضرت فرمود که من اینجا وعده کرده ام آنکس بجای دیگر
چون روم روایت از عایشه که گفت که گفتم یا رسول الله هر گاه
بخلا جا میروی و بیرون می آیی و من در عقب تو میروم هیچ بول

دعا

و غایطی نمی بینم بلکه بوی خوش میشنوم انحضرت گفت ای عایشه ما که پیغمبرانیم
ما اهل بهشتیم هر فضله که از ما بیرون می آید زمین آن را فرو می برد
روایت از ابن عباس که گفت که عمر نزد رسول خدا صلعم آمد و انحضرت
بر روی حصیری تکیه فرموده بود و اثر حصیر در پهلوهای مبارک انحضرت
کرده بود پس عمر گفت یا رسول الله کاشکی فرشی بینداری پس انحضرت
گفت چه کار است مرا با دنیا مثل من و مثل دنیا همچو آن کسی است که سوار میرفته
باشد در روز تابستان و ساعتی از روز در سایه درختی جا کند و
بعد از آن برود و بگذارد آن سایه را روایت از ابن عباس که گفت
عمر نزد رسول خدا صلعم آمد و انحضرت بر روی حصیر نشسته بود وفات
کرد و زره انحضرت در گرو بود نزد مردی از یهود بسی صاع جو که گرفته
بود از برای معیشت عیال خود روایت از ابی رافع که گفت
که شنیدم که حضرت پیغمبر صلعم میگفت که هر گاه شما فرزند خود را
محمد نام کنید با او ناخوشی مکنید و دشنام مدهید او را که با برکت است
خانه که در و محمد نام باشد و مجلسی که در و محمد نام باشد و با برکت
اند جماعتی از رفیقان که در میان ایشان محمد نام باشد در بیان
نشستن حضرت پیغمبر و امر کردن اصحاب را در آداب نشستن که طفل صغیر را
نزد حضرت پیغمبر صلعم می آوردند که انحضرت دعا کند از برای آن طفل
برکت یا نام نهد آن طفل را پس انحضرت میگرفت آن طفل را و
در کنار خود میگرفت بجهت اکرام اهل آن طفل و گاهی بول میکرد

صغیر در کنار آنحضرت بول کرد بس فریاد میکردند بعضی که میدیدند آنحضرت

میگفت قطع مکنید بول صبی را و بگذارید که بول را تمام کند پس آنحضرت فارغ

میشد از دعا کردن برای آن طفل یا از نام نهادن و بسبب این اهل آن

طفل خوشحال میشدند و بر ایشان ظاهر نمیشد که آنحضرت ایذا یافته باشد

از بول طفل و چون اهل آن صبی از خدمت آنحضرت بر میگشتند آنحضرت

جامه خود را میشست **روایتست** که آمد مردی بمسجد نزد حضرت پیغمبر

ص و آنحضرت تنها نشسته بود پس دور شد آنحضرت از جای خود و آن

شخص را جا داد آن شخص گفت یا رسول الله جا گشاده است حضرت پیغمبر

ص گفت حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ببیند مسلمانی را

که میخواهد که نزد او بنشیند دور شود از جای خود برای او و جا بوی

دهد او را **روایتست** که حضرت رسالت پناهی ص گفت آنکسی که دوست

میدارد که مردم از برای او بر پا بایستند و تعظیم کنند او را جای او

در دوزخ است و گفت رسول خدا ص باصحاب که بر مخیزید از برای

یکدیگر همچنانکه عجمان بر میخیزند بعضی از برای بعضی و باکی نیست

اگر حرکت کنید از جای خود و کسی را در میان خود را جا دهید **روا**

یتست از ابی عبد الله ع منقولست از کتاب محاسن که گفت هرگاه

که رسول خدا ص بمنزلی می آمد می نشست در پایین مجلس آن هنگام

که در می آمد **و هم روایتست** از ابی عبد الله ع که گفت رسول خدا ص

بنشین رو بقبله نشستنی **و هم روایتست** از ابی عبد الله ع که گفت رسول خدا

ص باصحاب گفت که وقتی که یکی از شما بیاید بمجلسی باید که بنشیند

آنجا که مجلس باو منتهی شود **و هم روایتست** از ابی عبد الله ع رسول

خدا ص گفت باصحاب که وقتی که بر خیزد یکی از شما از مجلس بقصد

بیرون رفتن باید که اهل مجلس را سلام کند پس نیست سلام اول

سزاوارتر از سلام دوم یعنی سلامی که در وقت در آمدن بمجلس

میکند نیست سزاوارتر از سلام که در وقت بیرون رفتن میکند

و هم روایتست از ابی عبد الله ع که رسول خدا ص گفت باصحاب که وقتی

که بر خیزد یکی از شما از مجلس و بیرون رود و باز بیاید پس اولی است

بهمان جائی که نشسته بود **روایتست** از حضرت پیغمبر ص که باصحاب

گفت که بدهید حق مجلس را کسی پرسید که چیست حق مجلس یا رسول الله

آنحضرت فرمود که حق مجلس آنست که بپوشید چشمهای خود را و نظر

در عیب مردم مکنید و چشم بپوشید از عیب مردم و جواب سلام

بگویید و راه نمایید نابینا یان را و امر کنید بمعروف و نهی کنید از منکر

روایتست از ابی امام گفت رسول خدا ص می نشست با بن طریق

که کفهای پای خود را بر زمین می نهاد و هر دو ساق پای خود را

راست میداشت و هر دو دست خود را پیش هر دو ساق می آورد

و بید دست محکم میگرفت ساق دست دیگر را **و منقولست**

از کتاب محاسن که حضرت رسالت پناهی ص سه نوع می نشست

یک نوع بطریقی که گفته شد و دیگر آنکه دو زانو می نشست و دیگر آنکه

دونر میکرد یک پارا و پای دیکر را بر بالای آن پا مینهاد و نه بدند

ترا انحضرت را هرکز که چهار زانو نشسته باشد و دو زانو می نشست

و تکیه میکرد در وقت دو زانو نشستن **فصل سیم در صفت اخلاق**

حضرت در طعام خوردن منقولست از کتاب موالید الصادقین

که حضرت پیغمبر ص از همه اصناف طعامهای خورد و انچه حق سبحانه و تعالی

حلال کرده است از برای او میخورد با اهل و بیت و خدمتکاران خود

و با انکسی که دعوت کردی انحضرت را از مسلمانان بر روی زمین

و بران چیزی که مسلمانان طعام میخوردند برا و از ان چیز که

ایشان میخوردند مکر وقتی که مهمانی برسیدی پس آن وقت

طعام با مهمانان میخوردی **روایتست** که روزی اصحاب نزد حضرت

پیغمبر ص حاضر بودند انحضرت کفت که اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

وَرَحْمَتِكَ الَّذِيْنَ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ یعنی بار خدایا طلب میکنم از تو فضل

و رحمت ترا انچنان فضل و رحمتی که مالک نیست آن هر دو را غیر

تو پس انحضرت در میان دعا خواندن بود که شخصی کوسفندی بریانی

بر سبیل هدیه نزد ان حضرت آورد انحضرت با اصحاب کفت که بستانید

این کوسفند را که این از فضل خدای تعالی است که بما رسیده

و ما انتظار میکشیم رحمت او را و هر کاه خوان طعام پیش انحضرت

می نهادند میکفت بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُوْرَةً تَصِلُ بِهَا

نِعْمَةَ الْجَنَّةِ یعنی بار خدایا بکردان این خوان طعام را نعمت شکر

کفت

کفته شده بود که برسد بسبب این نعمت بنعمت بما و بسیار بود که وقتی

که انحضرت می نشست بطعام خوردن از پیش خود طعام میخورد

و جمع میکرد زانوها و قدمهای خود را همچنانکه کسی که در وقت نماز

کذاردن می نشیند یعنی دو زانو می نشست اما یک زانو را بر بالای

زانوی دیکر می نهاد و قدم را بر بالای قدم دیکر و میکفت که من بنده ام

از بندکان خدای تعالی طعام میخورم همچنانکه بندکان طعام میخورند

و می نشینم همچنانکه ایشان می نشینند **روایتست** از ابی عبد الله

ع که کفت که چیزی نخورد رسول خدا ص تکیه کرده از ان زمان که

فرستاد خدای تعالی انحضرت را به پیغمبری تا انکه از دنیا برفت بجهت

تواضع مر خدای تعالی را و انحضرت هرکاه دست خود را بر طعام نهادی

کفتی بسم الله بَارِكْ لَنَا فِيْمَا رَزَقْتَنَاهُ وَعَلَيْكَ خَلَفُهُ یعنی خداوندا

برکت ده ما را در ان چیزی که روزی ما کردی و بر تست که بعد

از ان ما را چیزی خوبی بدهی **مصنف** کتاب مکارم الاخلاق

میکوید که منقولست از کتاب که جمع کرده است بدرستی که امام

جعفر صادق ع روایت کرده است از پدران خود ع که رسول خدا

ص وقتی که روزه کشودی کفتی اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلٰى رِزْقِكَ

اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوْقُ وَبَقِيَ الْاَجْرُ

یعنی بار خدایا از برای تو روزه داشتم و بروزی تو روزه

کشادم پس قبول کن این روزه را و از ما رفت تشنکی و تر شد

رگها و باقی ماند اجر **روایتست** از امام جعفر صادق ع که گفت رسول خدا
ص طعام خورد نزد قومی و گفت که افطر عندکم الصائمون واکل
طعامکم الابرار یعنی روزه گشودند نزد شما روزه داران و خوردند
طعام شما را نیکان و آنحضرت گفت که دعای روزه دار مستجاب میشود
نزد روزه گشودن او **روایتست** که حضرت پیغمبر ص روزه میگشود بخرما
و اگر شکری می یافت روزه میگشود بآن **روایتست** از امام جعفر صادق
ع که رسول خدا ص روزه میگشود بشیرینی و اگر شیرینی نمی یافت
روزه میگشود بآبی که نه سرد بود و نه گرم و میگفت که روزه گشودن
باین آب پاک میکند جگر و معده را و خوشبو میکند دهن را و
قوت میدهد دندانها و چشمها را و تیز میکند نظر را و می برد
گناهان را و تسکین میدهد رگهایی را که حرکت میکند و صفرایی
که غالب باشد و قطع میکند بلغم را و می نشاند حرارت معده را و
می برد درد سر را و حضرت پیغمبر ص نمی خورد طعام گرم را تا آنکه خنک
میشد و میگفت که خدای تع طعام نکرده ما را آتش نیست که طعام
گرم بی برکتست پس خنک کنید طعام را و حضرت پیغمبر ص هرگاه چیزی
میخورد نام خدا می برد و بسه انگشت طعام میخورد و از پیش خود میخورد
و از پیش غیر خود نمی خورد و طعامی که نزد آنحضرت می آوردند پیش
از همه قوم شروع در طعام خوردن میکرد و بعد از آن قوم شروع
در خوردن میکردند و بسه انگشت طعام میخورد انگشت بزرگ

وانگشت

وانگشت شهادت وانگشت وسطی و گاهی بچهار انگشت نیز طعام میخورد
و گاهی بتمام دست طعام میخورد و بدو انگشت طعام نمیخورد و میگفت
که طعام خوردن بدو انگشت عمل شیطانست **روایتست** که روزی
بعضی از اصحاب برای آنحضرت پالوده آوردند آنحضرت میل کرد بآن
پالوده و گفت از چه چیز است این ای ابی عبدالله انس گفت پدر و مادر
من فدای تو باد روغن و عسل را در یک دیگ میکنم و دیگ را بربالای
آتش می نهم و بجوش می آورم انرا و آرد گندم در میان روغن و
عسل می اندازم و آمیخته میسازم آنها را با یکدیگر تا آنکه پخته شود پس
می آید بر وجهی که می بینی حضرت پیغمبر ص گفت این طعام خوبیست
روایتست که حضرت پیغمبر ص آرد جو نابیخته را نان می پخت و میخورد
و شوربا می پخت و میخورد و همه اینها را حضرت رسالت پناهی ص میل
میفرمود **در کتاب** روضة الواعظین واقع است که گفت عیص بن
قاسم که گفتم امام جعفر صادق را ع که حدیثی روایت میکنند از بهر
این نوع و آن حدیث اینست که حضرت پیغمبر ص هرگز نان گندم سیر نخورد آیا
حدیث صحیح است حضرت امام جعفر صادق ع گفت که این حدیث
صحیح نیست بلکه حضرت پیغمبر ص نان گندم هرگز نخورد و نان جو هرگز
سیر نخورد **گفت** عایشه که رسول خدا ص نان جو سیر نخورد دو روز
پی در پی تا آنکه از دنیا برفت و گفت که رسول خدا ص هرگز چیزی
نخورد بر خوان تا آنکه از دنیا رحلت فرمود و نان تنک نخورد تا

انکه از دنیا برفت کفت عایشه که همیشه دنیا بر ما دشوار بود و اوقات
ما بعسرت میکذشت تا انکه قبض روح حضرت پیغمبر ص شد و چون قبض
روح آن حضرت شد دنیا بر ما بسیار شد منقولست از کتاب النبوة
که ابی عبد الله ع کفت که همیشه طعام رسول خدا ص جو بود تا انکه بجوار
رحمت حق پیوست روایت از انس که کفت که رسول خدا ص قبول
میکرد دعوت بنده را و ردیف خود میساخت بنده را و طعام
خود را بر روی زمین می نهاد و میخورد و خیار با خرمای تر میخورد و دوست‌ترین
میوها نزد انحضرت خربزه و انکور بود و خربزه را با نان میخورد و کاهی
خربزه را با شکر میخورد و کاهی خربزه را با خرمای تر میخورد و در بن حال
یاری میجست بهر دو دست خود روایت که روزی حضرت
پیغمبر ص نشسته بود و خرمای تر میخورد بدست راست و هسته خرما را
نکاه میداشت بدست چپ و نمی انداخت بر زمین پس کوسفندی
نزدیک انحضرت کذشت انحضرت اشارت کرد بآن کوسفند که هسته‌ها
در دست مبارک انحضرت بود کوسفند نزدیک انحضرت آمد و از دست
چپ انحضرت آن هسته‌ها را میخورد و حضرت بدست راست خود خرما
تر میخورد و هسته را بدست چپ می انداخت از برای آن کوسفند
تا انکه آنحضرت فارغ شد از خرما خوردن و این هنکام بازکشت آن کوسفند
که حضرت پیغمبر ص وقتی که روزه داشتی افطار کردی بچیزهای تر و
که خرما بودی و کاهی انحضرت انکور را دانه دانه خوردی و کاهی خوشه

انکور

انکور را در دهن کرفتی و کشیدی تا انکه میدیدند که می آمد
آب انکور بر محاسن مبارک انحضرت همچو مروارید و حضرت پیغمبر ص میخورد
طعامی را که از مسکه و خرما می ساختند و میخوردند خرما را و آب بالای
آن می اشامید و بیشتر طعام انحضرت خرما و آب بود و خرما را در شیر
اغشته میکرد و میخورد و نام میکردشی و خرما الاطیبین یعنی دو چیزی
که بهترین چیزهاست و میخورد روایتی را که از آرد جو می پختند با پیه
کداخته و حضرت پیغمبر ص هریسه را بیشتر میخورد روایت که نوبتی
که نوبتی جبرئیل ع آورد هریسه را از بهشت برای انحضرت در صحن خود
انرا و حضرت پیغمبر ص میل میفرمود در خانه خود انچه مردم نزد او میخوردند
یعنی مقید بتکلیف نبود و هرچه میسر میشد میل میفرمود و حضرت
رسالت پناهی ص میخورد کوشت پخته را بی نان و با نان و کوشت
بریان را با نان میخورد و کوشت قاق را تنها میخورد و با نان نیز میل
میفرمود و دوست‌ترین طعامها نزد انحضرت کوشت بود و میکفت
که کوشت زیاده میکند قوت دیدن و شنیدن را و حضرت پیغمبر ص میکفت
که کوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اکر مطلبیدم
از پروردکار خود که هر روز کوشت طعام کند مرا هر اینه میکرد
و حضرت پیغمبر ص ترید را با کدو و کوشت می خورد و دوست میداشت
کدو را و میکفت که کدو درخت برادر من یونس ع است و حضرت
پیغمبر ص را در عجب می آورد کدو و بر میچید از ظرفی که در ان طعام میخورد

وحضرت رسالت پناهی صلعم میخورد گوشت مرغ خانگی و گوشت شکار را
وگوشت مرغی را اگر صید میکردند وانحضرت نمی خرید گوشت صید را
وخود صید نمیکرد و دوست میداشت که صید کنند از برای او وبیارند
نزد او پختنش میخورد از او میفرمود که نا پخته بیارید پس انحضرت امر
میکرد بپختن آن ومیل میفرمود وحضرت پیغمبر صلعم هرگاه گوشت میخورد
وسر خود را در پیش نمی انداخت وگوشت بر میداشت وبر پیش دهن
می آورد وبر دندان میگرفت آن گوشت را ومیخورد وحضرت پیغمبر صلعم
نان وروغن میخورد ودوست میداشت دست وشانه گوسفند را
واز نان خورشها سرکه را دوست می داشت واز سبزیها کاسنی و
وبادروج وکرنب را وبادروج نوعی از ریحانست وحضرت پیغمبر صلعم
سیر وپیاز وگندنا نمیخورد وعسل را که در ومغافیر بودی نخوردی ومغافیر
آن چیزیست که از درخت در شکم زنبور ویا از زنبور در عسل می اندازد
وبعد از خوردن عسل بوی آن چیز از دهن می آید ومذمت نمیکرد
حضرت پیغمبر هیچ طعامی را هرگاه طعامی انحضرت خوش می آمد میل
میفرمود وهرگاه کراهت میداشت از طعامی میل نمیکرد از او
اجتناب که کراهت میداشت حرام نمیکرد ایند بر غیر خود ودشمن نمیداشت
آنکس را بر آن چیز وانحضرت بعد از طعام خوردن انگشت خود را بر
طرف سه مالید وبدهان خود می برد ومیگفت برکت در طعام آخر کاسه
بیشتر است وانحضرت چون فارغ میشد از طعام خوردن انگشتانی

کرمان

که بان طعام خورده بود بدهان خود می برد وپاک میکرد از طعام
پس اگر چیزی باقی می ماند از طعام بان بدهان می برد تا انکه پاک
میکرد اینرا انگشتها را وپاک نمیکرد دست خود را بدستمال ومانند
آن تا انکه انگشتها را یک یک بدهان می برد وپاک میساخت ومیگفت
که کسی نمیداند که برکت در کدام انگشت است وانحضرت میخورد نکرک را
ومیطلبید از اصحاب واصحاب بر میچیدند از برای انحضرت می
شست دستهای خود را بعد از طعام خوردن اعتقاد که پاک میشد ونمی
ماند بوی آن چیزی که خورده بود در دست انحضرت وانحضرت هرگاه
نان وگوشت خوردی دست خود را پاک شستی ومسح کردی روی
خود را بان که در دست انحضرت مانده بود **روایتست** که حضرت
رسالت پناهی صلعم گفت باصحاب که ایا خبر دهم شما را به بدترین شما
اصحاب گفتند بلی یا رسول الله انحضرت گفت بدترین شما انکس است
که تنها چیزی میخورد ومیزند بنده خود را ومنع میکند یاری وبخشش
خود را از مردمان **فصل چهارم در صفت اخلاق حضرت پیغمبر صلعم**
واشامیدن نفست که رسول خدا صلعم وقتی که آب خوردی ابتدا کردی بسم
الله وبعد از آن ظرف ابرا بر دهن نهادی ویک نوبت ودو نوبت
فرو بردی وبعد از آن آب را از دهن بر داشتی وحمد گفتی خدای
تعالی را وبعد از آن بسم الله گفتی وآب را بر دهن نهادی وبعد از
آب خوردن حمد گفتی ودر مرتبه سیم پیش بسم الله گفتی وآب خوردی

ومیگفت نافع است از برای
کرم خوردن دندانها و

وبعد از آن حمد گفتی خدای تعالی را پس انحضرت در آب خوردن سه
نوبت بسم الله گفتی و سه نوبت حمد گفتی خدای تعالی را و انحضرت می
مکید آب را و آب بسیار بیکبار فرو نمی برد و میگفت درد جگر از فرو
بردن آب بسیار است بیکبار و انحضرت نفس نیز در ظرف وقتی
که آب میخورد پس اگر میخواست که نفس زند ظرف را دور میکرد از
دهن خود و نفس میزد و گاهی ان حضرت می آشامید آب را بیک نفس
تا انکه فارغ میشد و انحضرت آب میخورد از قدحهای شیشه که می آوردند
از شام و آب میخورد از قدحی که میساختند از چوب و آب میخورد از
ظرفی که از پوست میساختند و از ظرف سفالین نیز آب میخورد و بر
هر دو دست خود میریخت و میخورد و میگفت هیچ ظرفی پاک تر از دست
نیست و آب میخورد از دهن مشک و مطهره و بر میگردانید دهن مشک را
و انحضرت آب میخورد ایستاده و گاهی آب میخورد سواره و گاهی می
ایستاد و از مشک و سبو یا مطهره آب میخورد در هر ظرفی که می یافت
و بهر دو دست خود نیز آب میخورد و انحضرت می اشامید آبی را که تر بود شیر
دوشیده بودند و گاهی تلخانه در میان آب میکرد و می آشامید و
دوستترین شربتها نزد انحضرت شربت شیرین خنک بود و انحضرت
می اشامید آب را بربالای عسل و نان را در آب ترید میکرد و میخورد
و انحضرت میگفت که بهترین شربتها در دنیا و آخرت آبست **کفت**
انس مالک که بود رسول خدا را صلعم شربتی که بآن افطار میکرد بآن

و

وشربتی دیگر که بسحر می اشامید از او گاهی هر دو یکی بود و گاهی شربت
انحضرت شیر بود و گاهی شربت انحضرت نان بود که در آب ترید میکرد
روایتست از انس که گفت که یکشب مهیا کردم برای حضرت پیغمبر صلعم شربتی
انحضرت دیر می امد و من گمان بردم که بعضی از اصحاب انحضرت را دعوت
کردند و خوردم ان شربت را که برای ان حضرت مهیا کرده بودم ان حضرت
بعد از خفتن بیک ساعت آمد پرسیدم از بعضی که با انحضرت بودند
که با حضرت پیغمبر صلعم افطار کرده در جایی یا کسی دعوت کرد انحضرت را
انکس گفت نی پس شبی بروز آوردم که عیدانند آن شب را غیر خدای
تعالی از غم این که انحضرت شربت را طلب نماید از من و نیابد و آن شب گرسنه
باشد و روزش روزه دارد و آن حضرت نطلبید ان شربت را و ذکر آن
هم نکرد تا این ساعت **روایتست** که نزد حضرت پیغمبر صلعم ظرفی آوردند
که در ان شیر بود و ابن عباس بجانب راست انحضرت نشسته بود و خالد
بن ولید بجانب چپ انحضرت اشامید از ان شیر و گفت عبد الله عباس
را که این شربت از تست اما رخصت میدهی که این شربت را بدهم
بخالد بن ولید ابن عباس گفت نی بحق خدا که نمیدهم پس خورد
رسول خدا را صلعم بکسی دیگر پس ابن عباس گرفت آن قدح را و اشامید
ان شربت را **روایتست** که ابن خولی نزد حضرت رسالت پناهی صلعم
ظرفی آورد که در وی عسل و شیر بود انحضرت اباکرد از اشامیدن آن
و گفت دو شربت را یکی ساختید و چیزی که در دو ظرف می بایستی کرد

در یك ظرف کردید پس آن حضرت گفت حرام نمیکنم این را ولیکن
کراهت میدارم فخر را و حساب روز قیامت را بر زیادتی دنیا و دوست
میدارم تواضع و فروتنی را بدرستی که انکسی که تواضع کند برای خدا بلند
گرداند خدای تعالی مرتبه او را فصل پنجم در بیان صفت اخلاق
حضرت پیغمبر صلی الله در بوی خوش بکار بردن و روغن مالیدن
و پوشیدن جامه و غیر آن در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر
که رسول خدا دوست میداشت روغن مالیدن را و مکروه
میداشت ژولیدگی موی را و میگفت که روغن مالیدن می برد غم و اندوه
را و انحضرت روغن می مالید همه اصناف روغنها و چون انحضرت روغن
مالیدی ابتدا بسر مبارك خود کردی دیگر محاسن خود را روغن
مالیدی و میگفت که سر را پیش از محاسن روغن می باید مالید و انحضرت
بیشتری روغن بنفشه مالیدی و میگفت که روغن بنفشه بهترین روغنهاست
و انحضرت چون روغن مالیدی ابتدا با بروهای خود کردی و بعد از ان
شاربی خود را روغن مالیدی و بعد از ان روغن را در بینی خود
کشیدی و بوییدی و بعد از ان سر خود را روغن مالیدی و انحضرت روغن
مالیدی ابروهای خود را جهت درد سر و روغن مالیدی شارب
خود را بعینه و غن محاسن یعنی جهت شارب خود علیحده روغن پیدا
واکتفا نمی نمود بهمان روغنی که در محاسن مالیده بود در بیان
فرو گذاشتن رسول خدا موی خود را روایت که حضرت پیغمبر

م شانه کردی و فرو گذاشتی موی سر خود را و فرو میگذاشتند موی سر
انحضرت را زنان آن حضرت متعهد شانه کردن انحضرت بودند وقتی که
انحضرت شانه میکرد سر و محاسن خود را میگرفتند زنان انحضرت ان مویها را
که جدا میشد در وقت شانه کردن و بر میداشتند و نگاه میداشتند و
میگویند که موی انحضرت که در دست مردم است از ان مویهاست اما
موی سر انحضرت که تراشیده بود در وقت حج و عمره جبرئیل فرود می آمد
و گرفت ان موی را و برد باسمان و بسیار بود که انحضرت محاسن خود را روزی
دو بار شانه کردی و انحضرت چون شانه میکردی می نهاد شانه را در زیر
بالش خود و میگفت که شانه کردن می برد وبا را و انحضرت چون محاسن
خود را شانه کردی شب محاسن خود را چهل نوبت شانه کردی و بالای
از هفت نوبت و میفرمود که شانه کردن زیاده میکند ذهن را و قطع
میکند بلغم را در بیان بوی خوش بکار بردن حضرت پیغمبر روایت
که رسول خدا مشك انقدار بکار می برد که ظاهر میشد درخشندگی
در فرق مبارك انحضرت و انحضرت ذکور طیب بکار می برد و مراد از ذکور
طیب مشك و عنبر است روایت که زنان انحضرت بوی خوش
بدست خود با انحضرت می مالیدند و انحضرت بخور میکرد بعود قاری
و عود قماری بوی خوشیست که از جانب هندی اورند روایت
که رسول خدا را میشناختند در شب تاریك پیش از انکه ببینند از بوی خوش انحضرت پس میگفتند اصحاب که این رسول خداست

درخشندگی

روایت از امام جعفر صادق ع که گفت که خرج پیغمبر ص ببوی خوش بیشتر بود از خرج آنحضرت بطعام وگفت محمد باقر ع که در رسول خدا ص سه خصلت بود که در غیر آن حضرت نبود یکی آنکه آن حضرت را سایه نبود و دیگر آنکه آنحضرت بهر راهی که رفتی و کسی بآن راه رفتی بعد از دو روز یا سه روز دانستی که آنحضرت باین راه رفته است از بوی خوش آنحضرت و دیگر آنکه نگذشتی بهیچ سنگی و درختی مگر آنکه آن سنگ و درختان آن حضرت را سجده کردندی و هیچ بوی خوشی بآنحضرت عرض نکردند مگر آنکه خوشبو ساختی خود را بآن و میگفت که بوی این خوب است و برداشتن این سبک و آسان است و اگر خوشبو نمیساخت خود را بآن بوی خوش می نهاد انگشت خود را بآن و بعد از آن انگشت مبارک خود را بزبان خود می نهاد و آنحضرت میگفت که لذت من در زنان و بوی خوش است و روشنی چشم من در نماز و روزه است و آنحضرت وقتی که میخواست که از خانه بیرون آید میدانستند اصحاب که آنحضرت میخواهد که از خانه بیرون آید بجهت بوی خوش آنحضرت و آنحضرت بوی خوش بکار می برد در هر جمعه و اگر بوی خوش نمی یافت و میسر نمیشد میگرفت مجمر بعضی از زنان خود را و آنرا تر میساخت بآب و می مالید آنرا بر دست و روی خود بجهت بوی خوشی که در آن مجمر بودی

در بیان سرمه کشیدن پیغمبر ص

روایت که رسول خدا ص سرمه میکشید در چشم راست خود سه میل و در چشم چپ خود

دو میل و گفت که آنکسی که خواهد که سه بار سرمه بکشد باکی نیست وگاه بودی که آنحضرت سرمه کشیدی در روزی که روزه داشتی و آنحضرت را سرمه دانی بود که سرمه میکشید بآن بشب و سرمه آن سرمه اصفهانی بود

در بیان نظر کردن حضرت پیغمبر ص در آینه

روایت که رسول خدا ص نظر کردی در آینه و فرو گذاشتی موی خود را و شانه کردی و در آب نظر کردی و موی خود را راست کردی و آن حضرت زینت دادی خود را بجهت اصحاب زیاده بر زینت دادن بجهت اهل و بیت خود و آنحضرت این مضمون را گفت بعایشه در وقتی که عایشه در حجره خود دید آنحضرت را که نظر میکرد در ظرف که در آن آب بود و راست میکرد موی خود را عایشه گفت حال آنکه تو رسول خدائی و بهترین خلق آنحضرت فرمود که خدای تعالی دوست میدارد از بنده خود که چون خواهد که بیرون رود بسوی برادران خود راست کند خود را و زینت دهد

در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر ص

روایت که هر گاه که رسول خدا را ص روغن می مالید چون میرسید بشیب بما تحت انرا آنحضرت خود روغن می مالید خود را و آنحضرت جدا نمیساخت از خود در سفرها شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آیینه و مسواک و شانه را روایت که در سفر با آنحضرت می بود ریسمان و سوزن و مخصف و تسمه که میدوخت آنحضرت بآن ریسمان جامه خود را و پیوند میکرد بآن تسمه نعلین خود را

چون مسواک کردی عرضا مسواک کردی در بیان لباس حضرت پیغمبر ص

روایت است که رسول خدا ص می پوشید شمله را و لنگ نیز میساخت از آن

و می پوشید گلیم پشمین را و ازار نیز لنگ میساخت و آن گلیم آنحضرت

را خوب می نمود بجهت سیاهی آن گلیم بر سفیدی اندام ظاهر بود آن سا[ق]

و قدمهای آنحضرت که از دنیا رحلت نمود دو گلیم ماند که در قبیله

بنی عبد الله الاشهل یافته بودند که آنحضرت پوشید از او و گاه بود که آن

حضرت نماز میکرد با مردمان و لباس آنحضرت شمله بود گفت

انس که گاهی میدیدم آنحضرت را که نماز پیشین با ما میگذارد و لباس

آنحضرت شمله بود که طرفهای ازار بر میان دو شانه خود می انداخت

در بیان عمامه و طاقیه حضرت پیغمبر ص روایت است که رسول خدا ص می پوشید

طاقیه با دستار و بی دستار و دستار بی طاقیه می پوشید و آنحضرت

بر طله می پوشید و بر طله نوعی است از طاقیه و می پوشید طاقیهای

یمنی و طاقیهای سفید مصری و می پوشید طاقیها را که گوشها داشت

در وقت جنگ بعضی از آن طاقیها از طیلسان سبز بود و گاهی بر

میداشت طاقیه خود را و در پیش خود می نهاد و نماز میگذارد بجهت

آنکه اگر کسی از پیش نماز بگذرد مکروه نباشد و آنحضرت دستار بود

که دستار بخیه سیاه بر سر می بست در سفر و غیر سفر بی تحت الحنک

و گاه بود که آنحضرت را دستار نبود پس محکم می بست سر بند را بر سر

خود یا بر پیشانی خود و محکم بستن سر بند عادت آنحضرت بود و بسیار

آنحضرت

آنحضرت را باین طریق می دیدند و آنحضرت را دستاری بود که بر سر می بست

که آن را سحاب میگفتند آن دستار را بامیر المؤمنین علی ع بخشید و گاهی

امیر المؤمنین علی ع آن دستار را بر سر می نهاد و از خانه بیرون می آمد

و حضرت پیغمبر ص در آن وقت باصحاب میگفت که نزد شما آمد علی در

سحاب یعنی با دستاری که رسول خدا ص بآنحضرت بخشیده بود و

گفت عایشه که رسول خدا ص جبه از پشم و دستاری از پشم پوشید

و بیرون رفت و خطبه خواند برای مردمان بر منبر و ندیدم هیچ چیز

از چیزهائی که خدای تعالی آفریده است که بهتر باشد از آنحضرت در این

لباس در صفت جامه پوشیدن حضرت پیغمبر ص روایت است که حضرت پیغمبر ص چون

جامه نو پوشیدی گفتی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مَا یُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَ اَتَجَمَّلُ

بِهِ فِی النَّاسِ یعنی سپاس و ستایش مر خدای را که بپوشانید ما را جامه

که بپوشید عورت ما را و تجمل میکنیم باین جامه در میان مردمان و آنحضرت

چون جامه را بیرون کردی اول از جانب چپ بیرون کردی و چون

جامه نو پوشیدی حمد گفتی خدای تعالی را و بعد از آن طلب کردی

مسکینی را و جامه کهنه را باو دادی و بعد از آن گفتی که هر مسلمانی بپوشد مسلمانی را

که از برای رضای تو باشد مادامی که پوشیده باشد آن مسلمان

آن جامه را خواه آنکس که جامه داده است زنده باشد و خواه مرده و

خواهد بود در ضمان خدا و حفظ او و جوار او و امان او

حضرت پیغمبر ص چون جامه پوشیدی و بایستادی پیش از آنکه بیرون

رود گفتی اَللّٰهُمَّ بِکَ اسْتَتَرْتُ وَ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ بِکَ اعْتَصَمْتُ و

انتَ م
وَما لا اَهتمّ به وما اَنتَ اَعلَمُ به

وعَلَيكَ توكّلتُ اَللّهمّ نِقتِي وانتَ رَجائِى اَللّهمّ اكفِنى ما اَهمّنى به
مِنّي عزّ جارُكَ وجلّ ثناؤكَ ولا اِلهَ غيرُكَ اَللّهمّ زَوِّدْنِي التقوى
واغفِرلي ذَنبي ووَجِّهنِي للخَيرِ حيثُ ما توجّهتُ وبعدازان كه اين
دعا خواندي متوجه حاجت خود شدي وانحضرت را دو جامه بود
مخصوص روز جمعه بغيرازان جامها كه در غير جمعه پوشيدي وانحضرت
را خرقه ومنديلي بود كه خشك ميكرد روي خود را از وضو وگاه
بود كه با انحضرت منديل نبود پس خشك ميكرد روي خود را بطرف
ردائى كه با انحضرت بود **دربيان** انگشتر حضرت پيغمبر ص **روايتست**
كه حضرت پيغمبر انگشترى نقره در انگشت خود ميكرد ونگين او سياه
رنگ بود پس ميكرداند نگين [را] نزديك بكف دست وانگشترى نقره
در انگشت ميكرد كه نگين او فولاد بود كه بطريق هديه فرستاده بود
براي انحضرت معاذ جبل ودران انگشترى نقش كرده بودند محمد رسول [الله]
وانحضرت انگشتري خود را در دست راست ميكرد وبعدازان نقل
ميفرمود بدست چپ وآخرين انگشتري كه در دست انحضرت بود
وانحضرت از دنيا رحلت فرموده انگشتري نقره بود كه نگين آن نقره
بود ودران انگشتري نقش كرده بودند محمد رسول الله وانحضرت [انگشتري را]
دران انگشتري نقش كرده بودند محمد رسول الله ص وانحضرت انگشتر را
در انگشت ميكرد همچنانكه مردمان در انگشت ميكنند وانحضرت
استنجا ميكرد بدست چپ وانگشتري درهمان دست انحضرت [مى بود]

روايتست كه هميشه انگشتري در دست راست انحضرت بود تا وقتى كه
از دنيا رحلت فرمود وانحضرت گاهي انگشتري خود را در انگشت ميانه
خود ميكرد در بند دوم وگاهي بهمين طريق در انگشتي ميكرد كه پهلو[ى]
انگشت بزرگ است كه انرا انگشت شهادت ميگويند وگاهي بيرون
مي آمد نزد اصحاب ودر انگشتري خود ريسمان بسته بود تا بياد او [د]
باين ريسمان چيزي را وانحضرت مهر ميكرد بانگشتر خود بر كتابتى كه
بكسى ميفرستاد وميگفت كه بركتابت نگاه ميدارد انرا از تهمت **دربيا[ن]**
نعلين حضرت پيغمبر ص **روايتست** كه حضرت رسالت پناهي ص مى پوشيد
نعلين را بدوالى كه نعلين را بآن مى بندند ونعلين انحضرت باريك
ميان بود واز نزديك پاشنه هموار بود وبلندي نداشت وبسيارى
پوشيد نعلينى را كه از پوست دباغت كرده ميد وختند وآن حضرت
چون نعلين پوشيدي ابتدا بپاي راست كردي وچون بيرون كرد[ى]
بپاى چپ كردى وامر ميكرد بپوشيدن هر دو نعلين وترك كردن هر دو
بجهت انكه مكروه ميداشت كه كسى يك نعلين بپوشد وديگرى را
نپوشد وانحضرت موزهاي مى پوشيد از هر نوع **دربيان** فراش حضرت
پيغمبر ص **روايتست** كه جامه خواب حضرت پيغمبر ص در وقت رفتن از
دنيا فراش كهنه بود كه در وادي القرى ساخته بودند وپر بود از پشم [شتر]
وبعضى گفته اند كه درازي آن دو گز با نزديك بان وپهناى آن يك
گز ويك وجب بود **روايت** از امير المؤمنين على ع كه گفت جامه خواب

رسول خدا ص یك نوع کلیمی بود که از امی پوشید و بالش انحضرت پوستی بود که پر کرده بودند از لیف خرما روایتست که گفت امیر المومنین علی ع که یك شبی ان کلیم را دو ته کردم و در زیر حضرت پیغمبر ص انداختم چون صباح شد انحضرت فرمود که منع کرد مرا در این شب این جامه خواب از نماز و بعد از ان امر فرمود که یك ته کنند ان کلیم را روایتست که حضرت پیغمبر ص جامه خوابی بود از پوست که پر کرده بودند از لیف خرما و ان حضرت را کلیمی بود که فراش خود میساخت هر جا میرفت و کاهی دو ته میکرد از او انحضرت بسیار اوقات بالین خود میساخت بالشی که از پوست بود و پر کرده بودند از لیف خرما و نشست بر ان و انحضرت را قطیفه بود که در فدك یافته بودند می پوشید از او و فرو نمی نمود بان و انحضرت را قطیفه مصری بود و انحضرت را بساطی بود از موی که بر ان می نشست و کاهی بر ان نماز میکذارد در بیان خواب کردن رسول خدا ص روایتست که حضرت رسالت پناهی ص بر حصیر خواب میکرد و در زیر انحضرت غیر از ان حصیر چیزی نبود و انحضرت چون میخواست که بخواب کند مسواك میکرد و بعد از ان بجامه خواب میرفت و انحضرت چون جای میکرفت بر جامه خواب بر پهلوی راست می خوابید و دست راست خود را در زیر روی راست می نهاد و این دعا میخواند اللهم قِنِي عَذابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبادَكَ یعنی بار خدایا نکاه دار مرا از عذاب خود در روزی که بر می انکیزی بندکان خود را در بیان دعائی

کر

که رسول خدا ص نزد آمدن بخوابکاه میخواند از جمله انها این دعاست اللهم اِنِّي اَعُوذُ بِكَ بِمُعافاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ واَعُوذُ بِكَ مِنْكَ اللهم اِنِّي لا اَسْتَطِيعُ اَنْ اَبْلُغَ فِي الثَّناءِ عَلَيْكَ ولو حرصت اَنْتَ كَما اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ و انحضرت در وقت خوابیدن این دعا نیز میخواند بسم الله اَمُوتُ واَحْيا واِلَى اللهِ الْمَصِيرُ اللهم آمِنْ رَوْعَتِي واسْتُرْ عَوْرَتِي واَدِّ عَنِّي اَمانَتِي در بیان انچه حضرت پیغمبر ص میکفت نزد خوابیدن روایتست که رسول خدا ص آیة الکرسی میخواند نزد خواب کردن و میکفت که امد بمن جبرئیل و کفت ای محمد بدرستی که عفریتی از جن میخواهد که بتو ضرری برساند در وقتی که در خواب باشی بر تو باد که آیة الکرسی بخوانی در وقت خوابیدن در بیان انچه حضرت پیغمبر ص بجای آورد در وقت بیدار شدن از خواب روایتست که کفت ابو جعفر ع که رسول خدا ص هر کاه از خواب بیدار میشد سجده میکرد حضرت حق سبحانه و تعالی را روایتست که حضرت پیغمبر ص هر کاه خواب میکرد مسواك نزد سر خود حاضر داشت و هر وقت بیدار شدی اول مسواك میکرد وکفت و حضرت رسالت پناهی ص که امر کرده است خدای تعالی مرا بمسواك کردن و مبالغه نمودن است تا انکه می ترسم که واجب شود بر من و از جمله دعاهای که حضرت پیغمبر ص میخواند در وقت بیدار شدن از خواب این بود که الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي اَحْيانِي بَعْدَ مَوْتِي اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ شَكُورٌ و این دعاها نیز میخواند اللهم اِنِّي اَسْأَلُكَ خَيْرَ هذا الْيَوْمِ وَنُورَهُ وهُداهُ وبَرَكَتَهُ وطَهُورَهُ ومُعافاتَهُ اللهم اِنِّي اَسْأَلُكَ

فَنَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ سَخَطِكَ
حَدَّهُ سُبْحانَكَ لا اُحْصِي
ثَناءً عَلَيْكَ

جنبه‌ی هیبته و خیر ما فیه و اعوذ بک من شره و شر ما بعده در بیان مسواک
کردن حضرت پیغمبر ص روایتست که حضرت پیغمبر ص مسواک میکرد هر شب
سه نوبت یک نوبت پیش از خواب کردن و نوبتی دیگر وقت برخواستن
از خواب بجهت وردی که داشت در شب و نوبتی دیگر پیش از بیرون
رفتن بنماز صبح و آنحضرت مسواک میکرد بچوب درخت اراک و جبرئیل
امر کرده بود آنحضرت را باین روایتست که گفت امام جعفر صادق ع
که مکروه میدارم که شخصی فوت شود و باقی مانده سنتی از سنتهای
رسول خدا ص که بجا نیاورده باشد باب دوم در آداب پاک گردانیدن
بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و سرمه کشیدن و روغن
مالیدن و مسواک کردن و درین باب سه فصل است فصل اول در
آداب پاک گردانیدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و مانند
آن در بیان پاک گردانیدن بدن و لباس روایت از ابی عبدالله ع
که گفت امیرالمؤمنین علی ع که پاکی نمائید بآب از بوی بد بدرستی
که خدای تعالی دشمن میدارد از بندگان ناپاکی را و روایتست که گفت
ابو عبدالله ع که شستن جامه بر دغم را و پاکیست از برای نماز و گفت
حضرت پیغمبر ص با انس که گفت ای انس بسیار طهارت کن تا زیاده کرداند
خدای عمر ترا اگر قدرت داری که شب و روز بطهارت باشی
بطهارت باش بدرستی که وقتی که میری و بر طهارت باشی شهید مرده
منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی

کر

که آنکسی که وضو سازد و اعضای وضو را و اعضای وضو را خشک
سازد بدستمال و مانند آن یک حسنه دارد و آنکسی که وضو سازد
و اعضای وضو را خشک نکند تا آنکه بخود خشک شود سی حسنه دارد
روایتست از علی بن اسباط که گفت که شنیدم از ابی الحسن ع که میگفت
که چهار خصلت از اخلاق پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن روایتست
که گفت حضرت پیغمبر ص که بوی خوش قوت میدهد دل را روایتست از امالی
شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر صادق ع که خدای
تعالی دوست میدارد شکل خوب و تجمل و زینت را و مکروه میدارد
سختی را و بر سختی داشتن خود را و هرگاه خدای تعالی انعام
کند بر بنده خود نعمتی دوست میدارد که اثر آن نعمت دیده شود
بر آن بنده مردی پرسید از امام جعفر صادق ع که چگونه اثر نعمت
بر بنده دیده میشود حضرت امام ع گفت که جامه پاک بپوشد و بوی
خوش بکار برد و خانه خود را پاکیزه کند و جاروب درسرای
خود کند تا آنکه چراغ روشن کردن پیش از فرو رفتن آفتاب در بر
ای برد و زیاده میکند روزی را روایتست که گفت ابو عبدالله ع که
چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است مسواک کردن و حنا بستن
و بوی خوش بکار بردن و دوست داشتن زنان روایتست که گفت
ابو عبدالله ع که رسول خدا ص بوی خوش بکار می برد در هر جمعه و
هرگاه بوی خوش نمی یافت میگرفت معجر بعضی از زنان خود

و تنظیف نمودن و نوره کشیدن
و زیاد جماع کردن

را واب میزد بران و بر روی خود می مالید روایتست که گفت امام
جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که نرسیدم از دنیا مگر بزنان
و بوی خوش روایتست که گفت ابو عبدالله ع بکسی که انچه صرف میکنی
در بوی خوش اسراف نیست روایتست که گفت امام جعفر صادق ع
که چون بیارند نزد شما ریحانی باید که بو کنید او را و بنهید بر چشمهای خود
بدرستی که ریحان از بهشت است منقولست از کتاب روضة الواعظین
گفت مالک جهنی که دادم بابی عبدالله ع ریحانی انحضرت گرفت از او و بوسید
بر چشم خود نهاد و گفت که انکسی که بگیرد ریحان نیز او ببوید و بر چشم
ونهد بر چشم خود و بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هنوز آن ریحان
در دست او باشد که امرزیده شود روایتست که گفت حضرت پیغمبر
ص که وقتی که بدهید شما ببرادر مومن خود ریحانی باید که رد نکنند
اینرا بدرستی که ریحان از بهشت است منقولست از صحیفة الرضا
که امام رضا روایت کرده است از پدران خود ع و ایشان روایت کرده
اند که گفت امیر المؤمنین علی ع که بوی خوش تعویذ است و غسل تعویذ است
و نظر کردن بسبزه تعویذ است و سواری تعویذ است روایتست
که گفت امام رضا ع که مردمان میدانستند جای امام جعفر صادق را
ع در مسجد ببوی خوش انجا و بموضع سجده او و گفت امام رضا ع که
از اخلاق پیغمبران بوی خوش بکار بردن است و گفت امام جعفر صادق
ع که دو رکعت نمازی که با بوی خوش بگذارند فاضلترست از هفتاد

نماز

نماز که بی بوی خوش بگذارند روایتست که گفت امام جعفر صادق ع
که سه چیز سنت پیغمبرانست نوره کردن و بوی خوش بکار بردن و
بسیار مجامعت کردن بزنان روایتست که پرسیدند ابا عبدالله و ابا
الحسن را علیهما السلام از حال مردی که رد میکند بوی خوش را ایشان
گفتند که انکسی که رد میکند بوی خوش را رد کرده میشود کرامت از وی
رد نمیکند کرامت را از خود مگر کسی که بی عقل باشد روایتست که گفت
ابو عبدالله ع که بوی خوش در شارب بکار بردن از اخلاق پیغمبر
انست و کرامت کاتبین است و مراد از کاتبین آن دو فرشته اند
که موکل آدمی اند روایتست که گفت امام رضا ع که علی بن الحسین
ع ظرفی داشت که می اویخت از از پهلوی خود و در ان ظرف مشک
بود چون میخواست که بیرون رود می پوشید جامهای خود را و
میگرفت ان ظرف را و بوی خوش بیرون می آمد از ان ظرف و می
مالید بر روی خود منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت
کرده است صولی ان جده خود و جده او زنی بود که بسیار می پرسیدند
از او احوال امام رضا را ع که گفت بیاد ندارم از احوال امام رضا ع
چیزی بغیر اینکه میدیدم که بخور میکرد بعود هندی و استعمال میکرد
بعد از ان گلاب و مشک را ومنقولست از مسموعات سید ناصر الدین
ابو البرکات که رسول خدا ص گفت که بر شما باد که استعمال کنید عود
هندی را بدرستی که در وی هفت نوع شفاست و بهترین بوهای خوش

مثل است و گفت امام جعفر صادق ع که خرج رسول خدا ص ببوی خوش
بیشتر بود از خرج آنحضرت بطعام و گفت رسول خدا ص با امیر المؤمنین
علی ع که یا علی بر تو باد که بوی خوش بکار بری در هر جمعه که این سنت منست
و حسنای ع می نویسند از برای تو حسنات مادام که بوی خوش از تو می
آید روایتست که گفت حضرت پیغمبر ص که باید که هر کسی هر روز چیزی
از بوی خوش بکار برد و اگر هر روز میسر نشود یک روز در میان این
کار بکند و اگر میسر نشود باید که در هر جمعه بوی خوش بکار برد روایتست
که گفت رسول خدا ص که هر زنی که بوی خوش بکار برد و بعد از آن
از خانه بیرون رود لعنت کرده میشود تا آنکه باز گردد بخانهٔ خود
هر گاه باز گردد در بیان خوشبوی گردانیدن بخور روایتست که گفت
مرازم که رفتم با ابوالحسن ع بحمام چون بیرون آمد و بجامه کن آمد مجمری
طلبید و بوی خوش بخور کرد و گفت که بوی خوش بخور کنید برای مرازم
مرازم میگوید که پرسیدم که اگر کسی دیگر خواهد که بگیرد نصیب خود
از این بوی خوش بگیرد حضرت امام ع گفت که آری روایتست که گفت ابو
عبد الله ع که باید که بخور کنید برای جامهٔ خود وقتی که قدرت داشته باشید
روایت کرده است عمر بن مامون از دختر خود و دختر او از زوجت
امام حسن ع بود که بمن گفت که طلبید ابن زبیر امام حسن را ع بجهت
طعامی که برای عروس مهیا کرده بودند آنحضرت رفت بضیافت او
و آنحضرت روزه داشت ابن زبیر گفت بآنحضرت که چون روزه داری

تحفه

تحفهٔ روزه داران برای تو بیاورم پس روغن آورد و محاسن مبارک
آنحضرت را روغن مالید و بخور کرد جامهٔ او را و آنحضرت گفت تحفهٔ کسی
که روزه داشته باشد شانه کردن است و بخور کردن جامهٔ او را
روایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که گفت
رسول خدا ص که بوی خوش زنان آنست که ظاهر شود رنگ او و مخفی
باشد بوی او و بوی خوش مردان آنست که مخفی باشد رنگ او و ظاهر
باشد بوی او و تا اینجا از این باب اختیار کرده شده است از کتاب
لباس که منسوب است بعیاشی رحمه الله علیه در بیان گل و گلاب
منقولست از کتاب طب الائمه که گفت حسن بن منذر که چون حضرت
پیغمبر را ص بآسمان بردند زمین حزین ماند و غمناک شد از مفارقت
آنحضرت و رویانید کبر را و چون آنحضرت مراجعت فرمود بزمین
زمین خوشحال شد و رویانید گل سرخ را و در حدیث دیگر
واقع شده که چون حضرت پیغمبر ص بآسمان رفت عرق کرد و عرق
آنحضرت بزمین چکید و رویانید زمین از عرق آنحضرت گل سرخ را
و آنحضرت گفت که آنکسی که میخواهد که دریابد بوی مرا باید که ببوید
گل سرخ را منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا
ص فرمود که گل سفید مخلوق شده است از عرق من در شب
معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق روایتست
که گفت حضرت پیغمبر ص که گلاب گل سفید زیاده میکند تازگی روی

راوی بر در روشنی را روایت کرده است ابوحمزه ثمالی که گفت حضرت
پیغمبر ص که آنکسی که گلاب بمالد بر روی خود نرسد باو در آن روز سختی
و درویشی و آنکسی که خواهد که گلاب بمالد باید که گلاب بر روی
خود بمالد و صلوات بر نبی و آل او علیهم السلام بفرستد روایتست که گفت
امام حسن ع که حضرت پیغمبر ص داد گل سرخ را بمن بهر دو دست خود و گفت
این سید دنیا و آخرتست دربیان نرگس روایت کرده است حسن بن منذر
که رسول خدا ص فرمود که در بوییدن نرگس و روغن فضایل بسیارست
و چون افروخت نمرود آتش را برای حضرت ابراهیم ع گردانید خدای تع
آن آتش را بر ابراهیم خنک و رویانید در آن آتش نرگس و اصل نرگس از آن
نرگیست که رویانیده است خدای تعالی در آن زمان دربیان مرزنگوش
روایتست از انس که گفت رسول خدا ص که بر شما باد که بوی کنید مرزنگوش
را بدرستی که نیکوست برای گرفتگی دماغ روایتست که گفت که هر جائی
که میدادند بحضرت پیغمبر ص می بویید و رد میکرد از آنها مگر مرزنگوش
روایتست که گفت امام موسی کاظم ع که رسول خدا ص فرمود که خوب
ریحانیست مرزنگوش می روید در زیر ساق عرش و آب او شفای درد چشم
است فصل دربیان در سرمه کشیدن و روغن مالیدن دربیان سرمه
کشیدن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امام محمد باقر ع
که گفت سرمه کشیدن میرویاند مژهٔ چشم را و تیز میکرداند بصر را
و یاری میکند بر بیداری شب بسیار سجده کردن روایتست که گفت امام جعفر صادق ع

که اعرابی آمد نزد حضرت پیغمبر ص که نام او قلیب بود و چشمهای او آب
میریخت آنحضرت گفت بآن اعرابی که از چشمهای تو آب میریزد ای قلیب
بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه روشنی چشم است منقولست
از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر صادق ع که مسواک کردن جلا میدهد
چشم را و سرمه کشیدن می برد بوی دهن را روایتست که گفت امام
رضا ع که هر کسی که چشم او ضعیف شود باید که هفت میل سرمه بکشد
چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ بدرستی که سرمه میرویاند
موی مژه را و جلا میدهد چشم را و نفع میدهد خدای تع بآن سرمه
کشنده تا سی سال روایتست که گفت امام رضا ع که آنکسی که ایمان دارد بخدا
و بروز قیامت باید که سرمه بکشد و گفت امام رضا ع شخصی که بر تو
باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه جلا میدهد چشم را و میرویاند مژهای
چشم را و خوشبو میکند دهن را و زیاده میکند قوت جماع را و نیز گفت
امام رضا ع که آنکسی که چشم او ضعیف شود باید که هفت میل سرمه بکشد
وقت خواب کردن چهار در چشم راست و سه در چشم چپ روایتست
که گفت امام جعفر صادق ع که سرمه کشیدن میرویاند موی مژه را و
بطرف میکند آب زدن چشم و خوش مزه میکند آب دهن را و
جلا میدهد چشم را و گفت امام جعفر صادق ع که سرمه کشیدن
زیاده میکند قوت جماع و نیز گفت که سرمه کشیدن خوشبو میکند
دهن را روایتست که سرمه کشیدن در شب خوشبو میکند دهن

و منفعت آن می ماند تا چهل روز روایتیست که امام جعفر صادق ع بیشتر
در شب سرمه میکشید و سرمیل میکشید در هر چشمی روایتست که گفت امام
جعفر صادق ع که سرمه کشیدن در محل خواب امان است از نزول آب
در چشم و منقولست از کتاب لباس که گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا
ص سرمه میکشید وقتی که میخواست که خواب کند روایت کرده است
ابن فضال که حسن بن جهم نمود بمن میلی را از آهن و گفت که این میل از ابو الحسن است
و او سرمه کشیده باین میل و من نیز سرمه کشیدم بان میل روایت کرده است
نادر الخادم که گفت ابو الحسن ع بعضی از انکسانی که همراه او بودند که سرمه
بکشد انکس عرض کرد که دوست نمیدارم زینت را در منزل خود انحضرت فرمود
که بترسید از خدا و سرمه بکش و دست مدار از سرمه کشیدن و گفت
رسول خدا ص که انکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او
طاق باشد انکسی که این کار بکند نیکو کرده است و انکسی که این کار نکند
بر و چیزی نیست و روایت کرده امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهما السلام
که گفت رسول خدا ص که انکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن
او طاق باشد و انکسی که استنجا میکند باید که عدد انچه بان استنجا میکند
طاق باشد و انکسی که استخاره میکند بخدای تعالی باید که عدد استخاره
کردن او طاق باشد روایتست که امام جعفر صادق ع گفت که بر شما باد
که سرمه بکشید بدرستی که سرمه کشیدن خوشبوی میکند دهن را و بر شما
باد که مسواک کنید بدرستی که مسواک کردن جلا میدهد چشم را و ی

میکوید

میکوید که گفتم که چگونه سرمه کشیدن خوشبوی میکند دهن و مسواک کردن
جلا میدهد چشم را انحضرت گفت زیرا که هر گاه کسی مسواک کند بلغم
از دماغ فرو می آید پس جلا میدهد چشم را و هر گاه سرمه کشد بلغم فرو میرود
پس خوشبو میکند دهن را روایتست که وقت سرمه کشیدن می باید
خواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ
تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری وَ الْبَصیرَةَ فی دینی وَ الْیَقینَ فی قَلْبی وَ الْاِخْلاصَ
فی عَمَلی وَ السَّلامَةَ فی نَفْسی وَ السَّعَةَ فی رِزْقی وَ الشُّکْرَ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی
در بیان روغن مالیدن و منقولست از کتب شیخ سعید ابی جعفر بن بابویه
که گفت امام جعفر صادق ع که هر گاه بریزی روغن را بر دست خود بگو
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ الزَّیْنَ وَ الزّینَةَ فی الدُّنْیا وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّیْنِ وَ الشَّنانِ
فی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ و گفت امام جعفر صادق ع که روغن نرم میکند
پوست بدن را و قوت میدهد دماغ را و آسان میکرداند مجاری آب را
و می برد درویشی را و درخشنده میکند رنگ بدن را و نیز گفت هر که
مسلمانی را روغن بمالد بنویسد خدای تعالی برای او بعدد هر مویی
نوری در روز قیامت و نیز گفت که روغن مالیدن می برد سختی
و مشقت را و نیز گفت که روغن بنفشه بهترین روغنهاست و نیز گفت
که حضرت پیغمبر ص در وصیتی که امیر المؤمنین علی را ع کرده بود که یا علی
بخور روغن زیتون را و بمال بر بدن خود بدرستی که انکس که بخورد روغن
زیتون را و بمالد بر بدن خود نزدیک نشود او را شیطان چهل روز روا

روایت که گفت امیر المؤمنین علی ع که روغن بنفشه بر روغنهای
دیگر همچو فضل اسلام است بر باقی ادیان روایت که گفت امام جعفر
صادق ع که رسول خدا صلعم فرمود که فضل روغن بنفشه بر باقی روغنها
همچو فضل منست بر باقی خلایق و نیز و نیز گفت امام جعفر صادق ع
که روغن بمالید یک روز در میان بعدد طاق در فضل مسواک
کردن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که رسول خدا صلعم گفت که
همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم که دندانهای
من سوده شود یا بیرد و همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا در رعایت
حال همسایه تا آنکه گمان بردم که میراث خواهد برد و همیشه وصیت میکرد
مرا برعایت حال مملوک تا آنکه گمان بردم که یقین خواهد کرد برای مملوک
مدتی که آزاد شود بعد از آن مدت روایت که گفت امام موسی
کاظم ع که خوردن اشنان میکاهاند بدن را و خشت پخته مالیدن بر بدن
کهنه وپی صفا میکند بدن را و مسواک کردن در آب خانه بدبوی میکند
دهن را روایت که گفت حضرت پیغمبر صلعم که مسواک کردن زیاده میکند
فصاحت را روایت که وقتی که روزه داری که خشک باشد لبهای
او در آخر روز نوری در میان دو چشم او خواهد بود در روز قیامت
و نیز گفت که خوب مسواکی است مسواکی که از چوب زیتون باشد
زیرا که زیتون درخت مبارکیست و مسواک کردن بزیتون بوی بد دهن میبرد
دندان را و چوب زیتون مسواک من و مسواک پیغمبرانست که پیش از

بوده اند

بوده اند روایت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است ختنه
کردن و بوی خوش بکار بردن و جماع کردن و مسواک کردن روایت
که گفت امام جعفر صادق ع که چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است
بوی خوش بکار بردن و مسواک کردن در شب تراشتن زنان و نعلین
از کتاب روضة الواعظین که گفت ابوالحسن ع که احتیاج دارد شیعه
بچهار چیز سجاده که نماز کند بر آن و انگشتری که در انگشت کند و مسواکی
که مسواک کند بآن و تسبیحی که از خاک قبر ابی عبد الله الحسین ع که در آن
سی و سه دانه باشد هر گاه بگرداند آن تسبیح را و ذکر حق سبحانه و تعالی
بگوید بنویسد خدای تعالی بعدد هر دانه چهل حسنه از برای او و هر گاه
بگرداند آن تسبیح را از روی سهو و عبث و ذکر خدای تعالی نگوید بنویسد
حق تعالی بیست حسنه روایت که گفت حضرت پیغمبر صلعم در وصیتی که کرد
امیر المؤمنین علی را ع که یا علی بر تو باد که مسواک کنی نزد هر وضو و در هر نماز
که مسواک کردن جزو وضوست روایت که گفت امام جعفر صادق ع
که چون مردمان در آمدند در دین گروه گروه قبیله از یمن آمدند
که آن قبیله را ازد میگفتند رقت قلب ایشان بیش از همه مردمان بود
و دهن ایشان خوشبوتر بود از دهن مردمان دیگر شخصی گفت یا
رسول الله رقت قلب ایشان بیشتر است پس چرا دهن ایشان خوشبو
تر است آنحضرت گفت بجهت آنکه ایشان مسواک میکردند پیش از آنکه
اسلام آورند و نیز گفت امام جعفر صادق که هر چیز را پاک کننده‌ای است

ومنقولست

وپاك كننده دهن مسواك است روايت كه گفت ابو جعفر ع كه رسول خدا
ص بسيار مسواك ميكرد ومسواك كردن واجب نيست پس ص ترك ميكند تا
ترك آن در بعضي از روزها وباكي نيست كه مسواك كند روزه دار در ماه
رمضان در هر وقت از روز كه خواهد وهمچنين باكي نيست مسواك كردن
كسي را كه احرام بسته باشد براي حج ومكروه است مسواك كردن در حمام
بجهت انكه موجب وباء دندانهاست روايت كه امام محمد باقر ع وامام
جعفر صادق ع فرموده كه دو ركعت نماز بمسواك فاضلتر است از هفتاد
نماز بي مسواك ونيز گفت امام محمد باقر ع بكسي كه وامگذار مسواك
كردن را در هر سه روز واگرچه يكبار مسواك را در دهن كني وگفت
حضرت پيغمبر ص كه سر بكشيد بعدد طاق ومسواك كنيد بطريق عرض
كه امام جعفر صادق ع مسواك كردن را ترك كرد پيش از انكه از دنيا برود بيك سال
واين بنا بر ان بود كه دندانهاي مباركش ضعيف شده بود روايت
كه سيد علي بن جعفر از برادر خود موسى بن جعفر عليهما السلام از حال
مردي كه مسواك ميكرد بانگشت خود وقتي كه برميخواست بنماز شب و
او قادر بود بر مسواك كردن انحضرت گفت كه اگر مي ترسيد كه صبح شود
باكي نيست وگفت حضرت پيغمبر ص كه اگر در مشقت نمي افتادند امت من هر آينه
امر ميكردم ايشانرا بمسواك كردن نزد وضوي هر نماز روايت كه خانه
كعبه شكايت كرد بخداي تعالى از بوي بد كه ميرسيد باو از نفس مشركان
خداي تع وحي كرد بخانه كعبه وگفت قرار گير اي كعبه بدرستي كه تبديل

كنم اين قوم را بقومي كه پاكي نمايند بشاخهاي درخت چون بر وتنظيف كنند
چون بر پيغمبر فرستاد حق تعالى محمد را ص فرود آمد بر ان حضرت جبرئيل
وآورد مسواك وخلال را گفت امام جعفر صادق ع كه در مسواك
كردن دوازده خصلت است سنت پيغمبر است وپاك ميكند دهن را
وجلا ميدهد چشم را وخوشبو ميكند خداي تع را وسفيد ميكند
دندانها را وميبرد تباهي دندانرا ومحكم ميكند گوشت بيخ دندانرا
واشتهاي طعام مي آورد ومي برد بلغم را وزياده ميكند حفظ را و
مضاعف ميگرداند حسنات را وخوشحال ميگرداند فرشتها را نقلست
كه امام رضا ع را خليطه بود كه در وي پنج مسواك بود ونوشته بود بر هر
مسواكي نام نمازي از نمازهاي پنجگانه كه مسواك ميكرد بآن نزد
آن نماز روايت از كتاب طب الائمه كه امام رضا ع گفت كه
مسواك كردن روشن ميكند چشم را وميرويانيد موي را وميبرد
آب زدن چشم را مذكور است در وصيت حضرت پيغمبر ص بامير المؤمنين
علي ع كه يا علي بر تو باد كه مسواك كني واگر قدرت داري وكم نكني مسواك
كردن را كم مكن بدرستي كه هر نمازي كه بگذاري بمسواك فاضلترست
از چهل روزه نمازي كه بگذاري بي مسواك ومنقولست از كتاب لباس
كه مرابي نضر عياش راست كه روايت كرده است ابو جميله كه گفت ابو
عبد الله ع كه فرود آمد جبرئيل وآورد خلال ومسواك وحجامت را
روايت كرده است ابو عبد الله از پدران خود عليهم السلام كه گفت

رسول خدا ص که پاك کردایند راه قرآن را اصحاب گفتند یا رسول الله

چیست راه قرآن آن حضرت گفت دهنهای شما اصحاب گفتند بچه چیز

پاك کنیم آنحضرت فرمود که بمسواك **روایتست** که گفت که پاك کنید دهنهای

خود را بمسواك بدرستی که دهن شما راه تسبیح است **منقولست** از کتاب

تهذیب الاحکام که گفت ابو عبد الله ع که خوردن اشنان میکند اندرها را

وخشت پخته مالیدن در بدن کهنه وپی صفا میکند بدن را و مسواك

کردن در آب خانه بدبوی میکند دهن را **روایتست** که گفت امیر

المؤمنین علی ع که مسواك کردن موجب خشنودی خدای تعالی است

وسنت پیغمبر است ص وخوشبوی کننده دهن است **روایتست** که گفت

ابو عبد الله ع که مسواك کردن در آبخانه بدبوی میکند دهن را **روایت**

کرده است امام جعفر صادق ع از پدر خود علیهما السلام وپدر او روایت

کرده است امام که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که سه چیز

که بلغم را می برد وحفظ را زیاده میکند مسواك کردن وروزه داشتن

وقرآن خواندن **باب سیم** در اداب حمام وانچه متعلق است بآن

ودرین باب شش فصل است **فصل اول** در کیفیت در آمدن

بحمام **منقولست** از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است

محمد بن حمران که گفت امام جعفر صادق ع که چون در آیی بحمام در وقتی

که میکنی جامه خود را بگو اللّهمّ انزع عنّی ربقة النّفاق وثبّتنی علی الا

یمان وهرگاه در آیی بخانه اول از حمام بگو اللّهمّ انّی اعوذ بك من شرّ

نفسی

اللّهمّ

نفسی واستعیذ بك من اذاه ووقتی که در آیی بخانه دوم از حمام بگو اذهب

عنّی الرّجس النّجس وطهّر جسدی وقلبی وبردار آب گرم وبریز بر میان

سر خود وبر هر دو پای خود واگر می توانی خوردار آب گرم جرعه بخور

بدرستی که پاك میکند مثانه را وساعتی درنگ کن در خانه دوم وچون

در آیی بخانه سیم بگو نعوذ بالله من النّار ونسئله الجنّة وبگو این را

تا وقت بیرون رفتن از گرم خانه وبپرهیز از خوردن آب خنك و

فقاع در حمام بدرستی که آب خنك بر پاهای خود بریز در وقت بیرون

آمدن از حمام بدرستی که آب خنك بریختن بر پا در وقت بیرون آمدن

از حمام میکشد درد را از بدن وچون بیرون آیی از حمام وبپوشی لباس

خود را بگو اللّهمّ البسنی التّقوی وجنّبنی الرّدی چون این کار کنی که گفته شد

ایمن میشوی از هر دردی وباکی نیست قرآن خواندن در حمام که تحریك

نکنی ولنگ داشته باشی **روایتست** که پرسید محمد بن مسلم از امام جعفر صادق

ع که آیا امیر المؤمنین علی ع منع میکرد از قرآن خواندن در حمام وقتی

که کسی لنگ بسته باشد باکی نیست **وگفت** علی بن یقطین بامام موسی

کاظم ع که در حمام قرآن میخوانم وجماع میکنم آیا قصوری دارد آنحضرت گفت

باکی نیست **روایتست** که گفت امیر المؤمنین علی ع که خوب خانه ایست

حمام زیرا که بیاد می آید در وآتش دوزخ ومی برد چرك را **روایتست** که

بد خانه ایست حمام زیرا که میدرد ستر او می برد شرم وحیا را **وگفت**

امام جعفر صادق علی که بد خانه ایست حمام زیرا که بیادمی اورد حرارت

بحمام رفتن میکند از اندیشه کرده را **گفت** عبد الرحمن بن مسلم که بودم در حمام
در خانه میان پس در آمد امام موسی ع ولنگی بسته بود بر بالای نوره
گفت السلام علیکم و من جواب سلام گفتم و رفتم در خانه که در وی حوض
بود و غسل کردم و بیرون رفتم **روایتست** که گفت امام رضا ع که اگر کسی
بشوید پاهای خود را بعد از بیرون آمدن از حمام باکی نیست **روایتست**
که بیرون آمد امام حسن ع از حمام پس گفت مردی طاب استحمامک یعنی
خوش باد بآب گرم شستن تو آنحضرت گفت ای مرد لئیم چه کار داری با
اینجا آن مرد گفت طاب حمیمک یعنی خوش باد حمام تو آنحضرت گفتند
که خوش باشد حمام پس چیست راحت بدن آنمرد گفت فطاب حمیمک آنحضرت
گفت وای بر تو نمیدانی که حمیم عرق را میگویند آن مرد گفت یا امام چه بگویم
آنحضرت گفت که بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک یعنی خوش
باد بدن تو **گفت** امام جعفر صادق ع که چون بیرون آمده باشی
از حمام و بگوید مر ترا برادر مؤمن که طاب حمامک بگو مر ورا انعم الله بالک
یعنی خوش گرداند خدای تعالی دل ترا **گفت** رسول خدا صلعم که درد
سر است و دوا سر است اما درد خونست و صفرا و بلغم و دوای خون
حجامت هست و دوای بلغم حمام و دوای صفرا راه رفتن **گفت** امام
جعفر صادق ع که سه چیزست که فربه میسازد بدن آدمی را و سه
چیزست که لاغر میسازد اما آن چیزها که فربه میسازد مداومت
حمام است و بوییدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم و اما آن چیزها

که میدهد ستر را و ظاهر میسازد عورت را و خوب خانه ایست حمام زیرا که
بیاد می آورد حرارت جهنم را و از ادبست که کسی فرزند خود را بحمام نبرد
تا نظر در عورت او کند **روایتست** که گفت رسول خدا صلعم که آنکسی که ایمان
دارد بخدای و بروز قیامت باید که زن خود را نفرستد بحمام **نقلست**
که منع میکنم زنان امت خود را از حمام رفتن **گفت** امام موسی کاظم ع که
برهنه حمام مروید ناشتا **منقولست** از کتاب محاسن که گفت ابو عبد الله ع شخصی
که بحمام مرو مگر وقتی که در اندرون تو چیزی باشد که بنشاند حرارت معده
را و چیز خوردن و بعد از آن بحمام رفتن قوت میدهد بدن را و بحمام مرو
وقتی که طعام بسیار خورده باشی و نیز گفت که باکی نیست قران خواندن
در حمام وقتی که از برای خدا باشد و اراده نکرده باشد که ببیند که آواز
او چون است در حمام **روایتست** که گفت ابو یعقوب که پرسیدم از ابی عبد الله
ع که آیا اگر برهنه شود کسی وقت آب ریختن و عورت او را ببیند و آب
برو بریزند و او ببیند عورت مردمان را قصوری دارد یا نه آنحضرت گفت که
برهنه مکروه میداشت این را از همه کس **گفت** امام جعفر صادق
ع که باید که بر پشت نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت خوابیدن در
حمام میکند از اندیشه کرده را **نقلست** که بیرون آمد امام جعفر صادق
ع از حمام و جامه پوشید و عمامه بر سر نهاد و گفت که ترک نکردم عمامه
بر سر نهادن را وقت بیرون آمدن از حمام در زمستان و تابستان و گفت
امام موسی ع که حمام رفتن یک روز در میان بسیار میگرداند گوشت بدن را

کہ لاغر میسازد مداومت خوردن تخم مرغ است و ماهی و هر روز بحمام رفتن

بدرستی کہ اگر کسی هر روز بحمام رود کم میشود گوشت بدن او **گفت** امام

محمد باقر ع کہ آب حمام پاکی نیست یا یعنی نجس نیست وقتی کہ او را ماده بوده باشد

کہ کر باشد یا زیاده و مراد با آب حمام آن آبیست کہ در حوضهای خورد نیست

کہ کمتر از کر باشد **گفت** داود بن سرحان کہ گفتم بابی عبد الله ع کہ چہ

میگویی در آب حمام آنحضرت گفت کہ او مثل آب روانست و مراد آنحضرت

آن آب حامیست کہ او را ماده بوده باشد **وگفت** محمد بن مسلم کہ گفت بابی

عبد الله ع کہ غسل میکند جنب و غیر جنب در حمام آیا غسل بکنم از آب او آنحضرت

گفت غسل لیکن باکی نیست کہ غسل کند جنب از آب حمام محمد بن مسلم گفت

کہ غسل کردم از آب حمام و بعد از آن شستم پاهای خود را مگر بجهت آنکہ گل

جسبیده بود بر پاهای من **وگفت** زراره کہ دیدم امام محمد باقر را ع کہ

بیرون آمد از حمام و رفت همچنانکہ بود و پای خود را نشست و همانکذارد

وگفت امام جعفر صادق ع کہ بشویید پاهای خود را بعد از آنکہ از

حمام بیرون امدید بدرستی کہ شستن پا بعد از بیرون امدن از حمام

عمامہ بر سر بنهید **روایت** کرده است محمد بن موسی از امام محمد باقر و امام جعفر صادق

ع وقتی کہ بیرون می امدند از حمام عمامہ بر سر می نهادند در وقت بیرون

امدن از حمام امانست از درد سر **روایتست** کہ چون کسی در آید

بحمام و حرارت و غلبہ یابد کہ آب خنک بر خود بریزد تا حرارت او تسکین

یابد **منقولست** از کتاب طب الائمہ کہ بگیرید ناخن خود را روز سه شنبه

بیرون امدن از حمام ... (حاشیه)

وحجامت کنید روز چهارشنبه و بحمام روید روز پنجشنبه و بهترین بوهای

خوش بکار برید روز جمعه **منقولست** از کتاب خصال کہ گفت ابو الحسن ع

کہ بگیرید ناخنها خود را روز سه شنبه و بحمام برو روز چهارشنبه و حجامت

روز پنجشنبه و بهترین بوها خوش بکار برید روز جمعه **منقولست** از کتاب

لباس کہ گفت سعدان بن مسلم کہ امد نزد ما امیر المؤمنین علی ع و ما در

حمام بودیم آنحضرت سلام کرد من برخواستم و غسل کردم و بیرون رفتم **روایت**

کرده است حنان بن سدیر از پدر خود کہ گفت کہ در امدم من و پدر من

و جد و عم من بحمام مدینہ مردی در جامہ کن حمام بود گفت کہ شما از کدام

قومید گفتیم ما از اهل عراقیم گفت از کدام شهر عراق گفتیم از اهل کوفہ ایم

گفت خوش امدید ای اهل کوفہ شما لنگ نمی بندید در حمام و چہ چیز است

کہ شما را باز میدارد از لنگ حمام بدرستی کہ رسول خدا ص گفت دیدن عورت

مسلمان بر مسلمان حرام است پس عم من کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و

هر کدام از ما یک پاره را گرفتیم و لنگ کردیم چون بیرون امدیم از حمام

پرسیدیم کہ آن مرد کہ بود گفت امام زین العابدین بود ع و پسر او امام

محمد باقر ع با او بود **فصل دویم** در بیان پوشیدن عورت **و دیگر**

و منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه کہ گفت رسول خدا ص کہ هر کسی

کہ ایمان دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید کہ در نیاید بحمام مگر آنکہ

لنگ بسته باشد و منع کرد حضرت پیغمبر ص از در در آمدن با آب روان

بی لنگ و گفت بدرستی کہ در آب جماعتی ساکنند **روایت** کرده است

ابو عبدالله ع از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی
وقتی که برهنه شوند شیطان نظر میکند وطمع میکند در شما پس بپوشانید
خود را وگفت که گفت ابو عبدالله ع که منع کرد حضرت پیغمبر ص در آمدن
مردان بحمام بی لنگ روایت کرده است امام محمد باقر ع از پدر خود ع و پدر
او روایت کرده است که کسی گفت با امیر المؤمنین علی ع که سعید بن
عبدالملک در می آید بحمام با کنیزان خود امیر المؤمنین ع گفت که باکی نیست
وقتی که او وکنیزان او لنگ بسته باشند وبرهنه نباشند همچو خران که بعضی
نظر میکنند بعورت بعضی روایت است که گفت امام جعفر صادق ع که مکروه
است نظر کردن بعورت کسی که مسلمان نباشد مانند نظر کردن بهمت
بعورت در از کوش روایت است که باید که کسی نظر نکند بعورت برادر مؤمن
در حمام واگر مخالف او باشد در مذهب باکی نیست ودر روایت که در آن
داخل عورت نیست در روایت است که گفت ابو بصیر که گفتم با بی عبدالله ع
که آیا جایز است که مرد برهنه غسل کند انحضرت گفت وقتی که او را هیچکس نه بیند
باکی نیست ومنقول است از کتاب تهذیب الاحکام که گفت حذیفه بن منصور
که گفتم با بی عبدالله ع که مردمان میگویند که عورت مؤمن حرام است
انحضرت گفت که نیست چنین که مردمان بر آن رفته اند وگمان برده اند
ومراد بعورت مؤمن آنست که چیزی ناخوش از مؤمنی واقع شود
یا سخنی بگوید که عیب کنند او را کسی بلغزش او یا آن سخن را حفظ کند
بجهت انکه آن مؤمن را سرزنش کند بآن روزی روایت است که گفت

عبدالله بن سنان که پرسیدم از ابی عبدالله ع این حدیث را که عورت
مومن بر مؤمن حرام است انحضرت گفت بلی چنین است گفتم مراد من
بعورت مومن پس وپیش اوست انحضرت گفت که چنین نیست که
گمان برده بلکه فاش کردن سر مؤمن بر مؤمن حرام است روایت
کرده است زید شحام که گفت ابو عبدالله ع که مراد ازین حدیث که عورت
مؤمن بر مؤمن حرام است این نیست که برهنه شود مؤمن ودیده
شود عورت او بلکه مراد آنست که خوار داری مؤمن را یا عیب کنی
او را فصل چهارم در بیان مالیدن خشت پخته وروغن زیتون
وآرد وغیر اینها در بدن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت
امیر المؤمنین علی ع که باید که بر پشت نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت
خوابیدن در حمام میگدازاند پیه گرده را و باید که نمالید خشت پخته را
بپای خود بجهت انکه جذام می آورد وگفت امام جعفر صادق ع که مالیدن
خشت پخته را در بدن خود که برص می آورد ومالیدن فوطه را که لنگ کرده
بر روی خود نیز که می برد صفا وطراوت روی را وروایت که گل
مصر وخشت پخته شام است که برص وجذام می آورد وگفت امام جعفر
صادق ع السلام که حذر کنید از خشت پخته بر بدن مالیدن که بدن را کهنه
وبی طراوت میکند وبر شما باد که کیسه بر بدن بمالید وگفت امام رضا
علیه السلام که باکی نیست که بمالد کسی در حمام نخان وآرد وسبوس را در
بدن خود و باکی نیست که بمالد کسی آرد را که تر کرده باشد بروغن

زیتون و اسراف نیست در این چیزی که نفع میدهد بدن را اسراف آنست
که کسی مال خود را تلف کند و ضرر رساند بیدن او گفت امام جعفر
صادق ع که باکی نیست که بمالد کسی خلوق را در بدن خود در حمام و بمالد به
دست خود بجهت شکافی که خلوق آنرا دوا میکند و خلوق نوعی است
از بوی خوش و سنت نیست که خلوق را بنوعی بمالد که اثر آن بر انکس ظاهر
شود منقولست از کتاب لباس که گفت ابوالحسن ع در شان مردی که
نوره مالیده بود در حمام و روغن زیتون و آرد مالید بر بدن خود بعد از
نوره که باکی نیست این کار کردن روایت کرده است ابوالصباح از بعض
اصحاب خود که پرسیدند از ابی عبدالله ع که ما در راه مکه بودیم و
اراده احرام کردیم و نبود با ما سبوسی که بعد از نوره بر بدن بمالیم و آرد
طلبیدیم و بر بدن خود مالیدیم پس رسید بما بجهت این چیزی که خدا
بآن داناتر است گفت ابوعبدالله ع که اینچیز اسرافست گفتیم بلی آنحضرت
گفت که اسراف نیست در چیزی که اصلاح بدن میکند بدرستی که
گاه میکنم من که آرد بیخته را ترکنند بروغن زیتون و میمالم بر بدن خود
اسراف آنست که مال تلف شود و ضرر ببدن رسیدن و ضرر ببدن
رسد گفتم تنگی در معیشت کدام است گفت خوردن نان و نمک و
حال آنکه قادر باشی بر غیر آن گفتم میانه روی در معیشت کدام است گفت
خوردن گوشت باشیر یا با روغن زیتون یا روغن یعنی هر بار یکی از اینها
را با نان بخورد نقلست که گفتند نزد ابی الحسن ع که مردی نوره مالیده بود

ترکرده بود و می مالید بر بدن خود و بعد از نوره تا بوی نوره را ببرد آنحضرت
گفت باکی نیست این کار کردن فصل چهارم در بیان در تراشیدن سر و حنا
زهار و زیر بغل منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت رسول
ص بمردی که بتراش سر خود را که زیاده میشود جمال تو و گفت امام جعفر
صادق ع که سر تراشیدن در غیر حج و عمره عقوبتست مر دشمنان شما را
و جمال و زینت است مر شما را پس گفت آنحضرت که بیرون میروند دشمنان
شما از دین همچنانکه بیرون میرود تیر از کمان و علامت ایشان
آنست که سر می تراشند و روغن نمی مالند منقولست از کتاب
نادر الحکمه که روایت کرده است امام جعفر صادق از پدران خود
عَلَیْهِمِ السلام و ایشان روایت کرده اند که گفت امیرالمؤمنین علی ع
که متراشید سر طفلان را باین طریق که بعضی از سر ایشان را بتراشید و
بعضی را بگذارید و دیگر و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام
که گفت ابوعبدالله ع که نزد حضرت پیغمبر ص طفلی آوردند که آنحضرت دعا
کند برای او و موی بر گرد آن طفل گذاشته بودند آنحضرت دعا نکرد و
فرمود که تراشیدند سر آن طفل را روایتست که رسول خدا ص امر
کرد بتراشیدن موی شکم روایتست که گفت حضرت امام محمد باقر ع
که ختنه کرد رسول خدا ص امام حسن و امام حسین علیهما السلام
در روز هفتم از ولادت ایشان و سر ایشان را تراشید در همان روز
و بنقره تصدق کرد بوزن موی سر ایشان و عقیقه کرد برای ایشان

روز و بدابر دادران کو سفند را روایتست که چون کسی خواهد که سر خود را
بتراشد که ابتدا کند از پیشانی و بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله
صلی الله علیه و آله اللهم زینی بالتقوی وجنبنی الردی منقولست
از کتاب طب الائمه که امام جعفر صادق ع گفت که در هر هفته سر می باید
تراشیدن و در هر پانزده روز نوره می باید کرد منقولست از کتاب لباس
که گفت امام رضا ع که سه چیز است که هر که بداند فائده از دست باز نمیدارد
از آن گرفتن موی و نکاح زنان و بالا گرفتن جامه روایتست که سه چیز
از سنتهای پیغمبر است بوی خوش بکار بردن و گرفتن موی و بسیار
جماع کردن روایت کرده است عمر بن عثمان که گفت کسی که گفتم
ما با امام رضا ع مردمان گمان می برند که سر تراشیدن در عین متی
است آنحضرت گفت سبحان الله پدر من وقتی که بازگشت از حج و رسید
بملک خود که در بیرون مدینه بود در نیامد بمدینه تا آنکه سر خود را
تراشید روایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق ع از گذاشتن موی
سر که دراز شود آنحضرت گفت که اصحاب رسول خدا ص می تراشیدند
موی سر را و بگذاشتند که دراز شود گفت حضرت امام جعفر
صادق ع که گرفتن موی بینی نیکو میگرداند رو را گفت حضرت پیغمبر ص
که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید که موی زهار را
نگذارد زیادة از چهل روز و حلال نیست زنی را که ایمان داشته باشد
بخدای تعالی و بروز قیامت که بگذارد موی زهار را زیاده از بیست روز

وگفت

گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی و
بروز قیامت باید که نگذارد موی زهار را زیادة از هفت روز و زن که
نکند نوره کردن بیشتر از یکماه و آنکسی که ترک کند بیشتر از یکماه نماز
او درست نیست گفت حضرت پیغمبر ص که باید مرد و زن بتراشند
موی شکم را وگفت امام جعفر صادق ع که فرمود خدای تعالی بابرهیم ع
که پاکی نمای آنحضرت موی زهار را تراشید روایتست که امام جعفر صادق
ع نوره می مالید زیر بغل خود را در حمام و میگفت کندن موی زیر بغل
بی قوت میسازد کتفهار اوست و ضعیف میکند چشم را وگفت آنحضرت
که تراشیدن زیر بغل فاضلتر و بهتر است از کندن او و نوره مالیدن
فاضلتر است از تراشیدن روایت کرده است زراره که گفت امام
جعفر صادق ع که کندن موی زیر بغل فاضلتر است از تراشیدن او و نوره
کردن از هر دو بهتر است وگفت امیرالمؤمنین علی ع صلوات الله
علیه که کندن موی زیر بغل میبرد بوی بد را و پاک کننده است و از
جمله سنتهاییست که امر کرده بآن حضرت پیغمبر ص وگفت رسول خدا ص که باید
که نگذارد موی زیر بغل را که دراز شود بدرستی که شیطان در آنجا پنهان میشود
و پاکی نیست که جنب نوره کند زیرا که نوره زیاده میکند پاکی را وگفت
امام جعفر صادق ع که میان نوح و ابرهیم علیهما السلام هزار سال فاصله بود
و شریعت ابرهیم ع توحید و اخلاص و برطرف کردن شریکان خدای
تعالی بود و مردمان مخلوق شده اند بر شریعت ابرهیم ع و شریعت ابرهیم

دین اسلام است و عهد کرفت خدای تع با ابراهیم که بسنتش نکند غیر او را و او را شک
نکرداند با هیچ چیز را و امر کرد ابرهیم را بنماز و امر معروف و نهی منکر و حکم
نکرد بر و احکام فرض میراث را و زیادة کرد در دین او ختنه کردن و شارب
کرفتن و موی زیر بغل کندن و ناخن کرفتن و تراشیدن زهار را و امر کرد
او را بر بنای خانه کعبه و حج و مناسک حج و اینها همه که مذکور شد سنت
ابرهیم است ع وکفت امام جعفر صادق ع که خدای تع فرمود بابرهیم ع
که پاکی نمای آنحضرت کرفت شارب خود را بار خدای تع امر کرد بپاکی آنحضرت
موی زیر بغل را کند باز امر کرد بپاکی آن حضرت ناخن کرفت باز امر کرد
بپاکی آنحضرت تراشید زهار را باز امر کرد بپاکی آنحضرت ختنه کرد فصل سیم
در شستن سر بخطمی و سدر ومنقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که
کفت امام جعفر صادق ع که شستن سر بخطمی در هر دو جمعه امانست از
برص و دیوانکی روایتست که شستن سر بخطمی می برد درد و پیشی را و زیاده
میکند روزی را روایتست که شستن سر بخطمی تعویذ است وکفت
امیر المؤمنین علی ع که شستن سر بخطمی می برد چرک را روایتست که رسول
خدا ص روزی غمناک بود جبرئیل ع کفت بآن حضرت که بشوید سر خود را
بسدر و آن سدر که آنحضرت سر خود را بآن شست از سدرة المنتهی بود
وکفت امام موسی کاظم ع که شستن سر بسدر زیاده میکند روزی را
وکفت امام جعفر صادق ع که بشوید سر خود را ببرک سدر بدرستی
که پاکی یاد کرده است سدر را هر فرشته مقربی و پیغمبر مرسلی وانکسی

که

وانکسی که بشوید سر خود را ببرک سدر دور میکرداند خدای تع از و وسوسه
شیطان را هفتاد روز وانکسی که دور باشد از وسوسه شیطان هفتاد
روز کناه نمیکند وانکسی که کناه نکند بهشت میرود منقولست از کتاب
تهذیب الاحکام که کفت امام جعفر صادق ع که انکسی که بکیرد شارب و ناخن
خود را و بشوید سر خود را بخطمی در روز جمعه حکم آن دارد که بنده آزاد کرده
باشد منقولست از کتاب طب الائمه که کفت امیر المؤمنین علی ع در وصیتی
که کرد اصحاب خود را که شستن سر بخطمی می برد چرک را و برطرف میکند
شپش را وکفت جابر جعفی که شکایت کردم نزد ابی جعفر ع از چرکی که در
سر من بود آن مقدار که میخواهی و بشوی بآن سر و محاسن خود را هر
وقتی که خواهست و بعد از آن بمال بر سر خود روغن سیره تازه را بدرستی
که چون چنین کنی خلاص میشوی از چرک فصل ششم در بیان در نوره مالیدن
منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت امام جعفر صادق ع که انکسی
که میخواهد که نوره کند باید که تا باید که بکیرد اندکی از نوره و بر سر بینی
خود بمالد و بکوید اللّٰهُمَّ ارْحَمْ سُلَیْمَانَ بْنَ دَاوُدَ کَمَا اَمَرَنَا بِالنُّورَةِ بدرستی که
چون چنین کنی نوره نمیسوزاند بدن او را روایتست که انکسی که بنشیند
در وقتی که نوره مالیده باشد در بدن خود خوف فتق است برو
منقولست از کتاب محاسن که کفت حکم بن عتیبه که دیدم امام
جعفر صادق را ع که حنا بر ناخنهای خود می مالید کفت یا حکم چه میکوئی
در حق این کفتم چه توانم کفت و حال آنکه تو میکنی این کار را و نزد ما جوانان

روایت شده

این کار میکنند گفت ای حکیم هر گاه نوره بناخنها رسید تغیر میدهد نا
خنها را چنانکه می ماند بناخنهای مرده باکی نیست تغیر دادن ناخنها
بحنا گفت دیگر رسول خدا ص که انگسی که نوره بنهند و بعد از نوره حنا
بمالد بر بدن خود ایمن گرداند خدای تعالی او را از سه چیز جذام و برص و
خوره بعد تا نوره کردن و حنا مالیدن دیگر وگفت امیر المؤمنین علی
ع که نوره میکند در روز چهارشنبه بدبختی کرد و روز چهارشنبه روز نحس است
و مصلحتی ندارد نوره کردن در باقی ایام که نوره کردن در روز جمعه
برص می آورد وگفت امام رضا ع که هر که نوره کند در روز جمعه و
برص پیدا کند باید که ملامت نکند مگر خود را وگفت امام جعفر
صادق ع که حنا مالیدن بعد از نوره امانست از جذام و برص نقلست
از کتاب روضه که گفت رسول خدا ص که پنج چیز که برص می آورد نوره
کردن در روز جمعه و روز چهارشنبه و وضو ساختن و غسل کردن بآبی
که در آفتاب گرم شده باشد و چیزی خوردن در وقتی که جنب باشد
و جماع کردن با زن در حال حیض و چیزی خوردن در وقت سیری
وگفت که گفت امام رضا ع که دور کنید موی را از بدن خود بدرستی
که مو نجس است و مراد مبالغه است در پاکی و انا الداعی منقولست از کتاب محاسن
که انکسی که نوره کند و بعد از نوره حنا بمالد از سر تا قدم خود بطرف کند
خدای تعالی از وی درویشی را و منقولست از کتاب لباس که امام جعفر
صادق ع نوره میکرد چون بزهار میرسید میگفت با نکس که نوره

می مالد

می مالید که دور شو و خود زهار خود را نوره می مالید وگفت
که امام جعفر صادق ع بحمام در می آمد و نوره می مالید زیر بغل را و بس
اگر موی میداشت وبعد از آن پیرهن میپوشید روایتست که گاهی بعضی که از خدمتکاران امام
جعفر صادق ع تمام بدن آن حضرت را نوره می مالیدند روایتست
از رفقا که آمدم نزد امام جعفر صادق ع بجهت حاجتی پس یافتم آنحضرت را
در حمام که نوره مالیده بود گفتم حاجت خود را با آنحضرت گفت تو نوره
نمیکنی گفتم دیروز نوره کرده ام گفت نوره کن که نوره پاک کننده است
که گفت امام جعفر صادق ع که امیر المؤمنین علی ص وقتی که نوره می مالید
زهار خود را نوره می مالید وگفت لیث المرادی که پرسیدم از امام
جعفر صادق ع از نوره کردن جنب گفت باکی نیست وگفت وگفت امام
رضا ع که چهار چیز از اخلاق پیغمبر آنست بوی خوش بکار بردن و
تراشیدن موی و نوره کردن و بسیار جماع کردن باب چهارم
در گرفتن ناخن و شارب و گرد ساختن محاسن و سر شانه کردن
و فرو گذاشتن موی و نظر در آینه کردن و حجامت کردن و در این
باب چهار فصلست فصل اول در ناخن گرفتن منقولست از کتاب
لباس که گفت سلیمان بن خالد که گفتم بابی عبد الله الحسن ع که آیا هر روز جمعه
ناخن بگیرم گفت بگیر اگر دراز باشد وگفت موسی بن بکیر
که گفتم بابی الحسن ع که اصحاب ما میگویند که می باید گرفتن شارب
و ناخن را در جمعه آنحضرت گفت سبحان الله بگیر اگر میخواهی بگیر در روز

جمعه و اگر میخواهی در باقی روزها **و گفت** امام جعفر صادق ع که گرفتن ناخن
و شارب و شستن سر بخطمی میبرد درویشی را و زیاده میکند روزی را
روایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر
ص که انکسی که بگیرد ناخن خود را در روز جمعه بیرون کند خدای از سر
انگشتان او درد را و داخل گرداند شفا را **و گفت** ابو عبد الله ع که
گرفتن ناخن و شارب تا جمعه امانست از جذام **روایت** کرده است ابو
عبد الله ع که بگیرد ناخن خود را در روز جمعه نمی ترقد انگشتهای او **و گفت**
ابو عبد الله ع که بگیر ناخن و شارب خود را در هر روز جمعه و هر گاه
ناخن کوتاه باشد بخراش از اید رستی که نمیرسد بتو جذام و برص **منقولست**
از کتاب محاسن که گفت حسن بن العلا که گفتم بابی عبد الله ع که چیست
ثواب انکسی که بگیرد ناخن و شارب خود را هر روز جمعه انحضرت گفت
که همیشه پاک باشد تا جمعه دیگر **و روایت** کرده است ابو حمس
که گفت مردی که گفت مردی که گفتم بعبد الله بن الحسن که بیاموز بمن
چیزی در طلب روزی عبد الله بن الحسن گفت که بگو اَللّٰهُمَّ تَوَلَّ اَمْرِی
وَلَا تُوَلِّهٖ غَيْرَكَ اعز دگفت که اعلام کردم آنرا بابی عبد الله ع انحضرت گفت
ایا تعلیم تراجهت طلب روزی چیزی که فایده آن زیاده ازین باشد
گفتم بلی گفتم بگیر شارب و ناخن خود را در هر روز جمعه **و گفت** خلف که دیدم
مرا ابو الحسن ع و من درد چشم داشتم گفت ایا بیاموزم ترا چیزی که هر گاه
بجا اوری چشم تو درد نکند گفتم بلی گفت بگیر ناخن خود را هر روز پنجشنبه

گفت

گفت چنین کردم چشم من دیگر درد نکرد **و گفت** ابو عبد الله ع که
رسول خدا ص فرمود که هر کسی که بگیرد شارب و ناخن خود را روز
شنبه و روز پنجشنبه عافیت یابد از درد دندان و درد چشم **و گفت**
ابو جعفر ع که هر که بگیرد شارب و ناخن خود را هر روز جمعه و در محل گرفتن
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ عَلٰى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ نیفتد از و ناخنی و موئی
مگر انکه بنویسد خدای تعالی از برای او بعدد هر یک ثواب ازادی بنده ای
و بیماری که در ان بیماری بمیرد **روایتست** که گفت ابو عبد الله ع
بمردان که بگیرید شارب و ناخن خود را و گفت بزنان که بگذارید
ناخن خود را بدرستی که ناخن زینت میدهد شما را **و منقولست**
و از کتاب طب الائمه که گفت ابو عبد الله ع که انکسی که بگیرد ناخن خود را
روز چهارشنبه و ابتدا کند بانگشت خورد دست راست و ختم کند
بانگشت خورد دست چپ ایمن شود از درد چشم **و گفت** امام محمد باقر ع
که انکسی که بگیرد ناخن خود را روز جمعه باید که ابتدا کند بانگشت خورد دست
چپ ایمن شود از درد چشم **و گفت** امام محمد باقر ع که انکسی که بگیرد ناخن
خود را روز جمعه باید که ابتدا کند بانگشت خورد دست چپ و ختم
کند بانگشت خورد دست راست **و گفت** و امام جعفر صادق ع
که انکسی که بگیرد ناخن خود را روز پنجشنبه و یک ناخن را بگذارد که روز
جمعه بگیرد دور گرداند خدای تعالی از و درویشی را **و منقولست** از کتاب
فردوس که گفت رسول خدا ص که هر که میخواهد که امان یابد از درویشی

و بیمار نشود مگر بمرضی

ودرد چشم وبرص وديوانكى بايد كه بكيرد ناخن خودرا روز پنجشنبه بعد از
عصر وابتدا كند بانكشت خورد دست چپ ازكتاب محاسن

دست راست وختم كند بانكشت خورد

كه كفت امام جعفر صادق ع كه وحى نيامد بحضرت پيغمبر ص چند وقت كسى كفت
بآنحضرت كه وحى برطرف شد از تو يا رسول الله آنحضرت كفت كه چكونه برطرف
نشود از من وحال آنكه شما ناخن نميكيريد وبوى بد را از خود برطرف نميكنيد
وكفت امام محمد باقر ع كه كرفتن ناخن بجهت اينست كه ناخن خوابكاه
شيطانست ودرازى ناخن فراموشى مى آورد وكفت رسول خدا ص
بمردان كه بكيريد ناخن خودرا وبزنان كفت كه يكيكى بكذاريد ناخن
خودرا بدرستى كه ناخن زينت دهنده است شمارا وكفت امام
جعفر صادق ع كه چون كسى موى وناخن خودرا بكيرد بايد كه دفن كند
واين سنت است منقولست ازكتاب محاسن كه كفت اين سنت است
واجب يعنى سنت مؤكده است روايتست كه از جمله سنتهاست دفن كردن
موى وناخن وخون روايتست كه پرسيدند ابا الحسن سيم را ع از حال
مردى كه ميكيرد موى وناخن خودرا وبريزد بى آنكه بپوشاند
موى وناخنهاى خودرا از جامه خود آنحضرت كفت كه باكى نيست وكفت
ابو عبد الله ع كه آنكسى كه بكيرد شارب وناخن خودرا روز جمعه وبكويد
بسم الله وعلى سنة محمد وال محمد بدهد خداى تع باو بعدد هر ناخن كه
بيفتد از ثواب آزادى بنده از فرزندان اسمعيل ع روايتست كه بن الحسين ع
چون مى تراشيد سر خودرا در منى ميفرمود كه دفن كنند آن موى را در بيان

فصل دويم در بيان كرفتن شارب ومنقولست ازكتاب من لا يحضره الفقيه
كه كفت امام جعفر صادق ع كه كرفتن شارب از جمعه تا جمعه امانست از جذام
وكفت حضرت پيغمبر ص كه بايد كه نكذاريد كه شارب شما دراز شود بدرستى
كه شيطان پنهان ميشود در او ونيز كفت آنحضرت كه آنكسى كه نكيرد شارب
خودرا از ما نيست روايتست كه بكيريد شارب خودرا ونكذاريد محاسن
خودرا وموافقت مكنيد يهود وكفت مجوس ميكيرند محاسن خودرا
وميكذارند شارب خودرا ~~از ما نيست~~ روايتست كه بكيريد شارب خودرا
ونكذاريد محاسن خودرا وموافقت ميكنيد يهود روايتست كه مجوس
ميكيرند محاسن خودرا وميكذارند شارب خودرا وما ميكيريم شارب
را وميكذاريم محاسن را وهمچنين مى بايد ووقتى كه ميكيرد كسى شارب
خودرا بايد كه بكويد بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله
عليه وآله منقولست ازكتاب محاسن كه كفت امام جعفر صادق ع كه كرفتن
شارب سنت است روايتست از سكونى كه رسول خدا ص كفت كه از جمله
سنتها آنست كه بكيرد كسى شارب را تا آنكه برسد بكناره لب روايتست كه عبد الله
بن عثمان ديده است ابا عبد الله را ع كه كرفته شارب خودرا تا آنجا كه شاه
ميرويد در بيان كرفتن محاسن وكم ساختن آن روايتست كه نظر
كرد حضرت پيغمبر ص بمردى محاسن درازى وكفت اين چه چيز است كاشكى
اصلاح كند محاسن خودرا اين سخن رسيد بآنمرد وآن مرد اصلاح كرد
محاسن خودرا بطريقى كه نه دراز بود ونه كوتاه پس نزد آنحضرت آمد چون ديد

وما ميكيريم شارب را وميكذاريم محاسن را

او را باصحاب گفت که چنین کنید **روایتست** که گفت محمد بن مسلم که دیدم
امام محمد باقر را ع که اصلاح میکرد محاسن خود را و گفت بانکسی که اصلاح
میکرد محاسن آنحضرت را که گرد ساز محاسن مرا **و گفت** امام جعفر صادق
ع بتخصص که بگیر بدست خود محاسن خود را و ببر آنچه زیاده است از یک
مشت **منقولست** از کتاب محاسن که گفت علی بن جعفر که پرسیدم برادر خود را
از حال مردی که اصلاح میکرد محاسن خود را آنحضرت گفت اگر بگیرد از موی عارض
خود باکی نیست اما باید که از پیش محاسن چیزی نگیرد **روایتست** که گفت
حسن زیات که دیدم ابا جعفر را ع که سبک میساخت محاسن خود را
ابو عبد الله ع که آنکسی که زیاده باشد محاسن او از یک قبضه در دوزخ
است **روایتست** که از سعادت مرد سبک بودن محاسن اوست **روایتست**
که آزموده میشود عقل مرد در سه چیز در درازی محاسن او و در
نقش انگشتری او و در کنیت او **و روایت** کرده است ابو ایوب
از محمد که گفت که دیدم که سر تراش ابی جعفر را اصلاح میکرد محاسن ابی جعفر را ع
آنحضرت گفت که گرد ساز محاسن مرا **در بیان** سفیدی موی **و منقولست**
از کتاب لباس که گفت حضرت پیغمبر ص که سفیدی موی پیش سر مبارکست
و خجستگی و سفیدی موی پیش سر مبارکست و در عارض دلیل سخاوتست
و در گیسوها دلیل شجاعتست و در پس سر شومست **گفت** امام
جعفر صادق ع که آمد مردی نزد حضرت پیغمبر ص آنحضرت دید سفیدی
در محاسن او پس گفت سفیدی محاسن نورست و آنکسی که پیر شود موی او

سفید

او سفید شود در اسلام نوری باشد او را در روز قیامت **و گفت**
امام محمد باقر ع که حضرت ابراهیم ع دید در صباحی در محاسن خود
یک موی سفید پس گفت الحمد لله الذی بلغنی هذا المبلغ ولم اعص الله طرفة
عین یعنی سپاس و ستایش مر خدا را که رسانید مرا باین سن و عاصی
نشدم خدا را مقدار یک زدن چشم بر هم **و گفت** امام جعفر صادق
ع که موی مردمان سفید نمی شد حضرت ابراهیم ع دید موی سفید را
در محاسن خود گفت بار خدایا این چه چیز است حق تعالی گفت که این
وقار و آهستگی است حضرت پیغمبر ابراهیم ص گفت بار خدایا زیاده کردان
وقار مرا **و گفت** امام جعفر صادق ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که موی
سفید نور است پس بر مکنید آنرا **و منقولست** از کتاب محاسن که گفت
ابو عبد الله ع که باکی نیست بریدن موی سفید که آمیخته است بموی سیاه
و برکندن آن و اما بریدن او نزد من دوست تر است از برکندن او
که گفت ابو عبد الله ع که امیر المؤمنین علی ع مکروه میداشت بریدن
موی سفید را و مکروه میداشت کندن آنرا **در بیان** فرو گذاشتن
موی **روایتست** از ابی عبد الله ع که حضرت پیغمبر ص منع میکرد از دو بار
شانه کردن در یک روز **و نیز روایتست** از ابی عبد الله ع حضرت پیغمبر ص فرو
میگذاشت موی خود را **و روایتست** و بیشتر در وقت فرو گذاشتن
موی نظر در آب میکرد و موی را تر میساخت باب **در بیان** نظر کردن
در آینه **منقولست** از کتاب نجاة که آنکسی که خواهد که نظر در آینه کند

باید که بگیرد آینه را بدست چپ و بسم الله بگوید و دست راست خود
را بر میان سر خود نهد و فرو آورد بر روی خود و بگیرد محاسن خود را
و نظر کند در آینه و بگوید الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا وزانني ولم
يشنّي وفضّلني على كثير من خلقه ومنّ عليّ بالاسلام ورضيه لي دينا
پس هر گاه نهد آینه را از دست خود باید که بگوید اللهم لا تغيّر ما بي من
نعمك واجعلنا لأنعمك من الشاكرين وگفت حضرت پیغمبر صلعم در وصیتی که
کرد با امیر المؤمنین علی ع یا علی چون نظر کنی در آینه بگو اللهم كما حسّنت خَلقي
فحسّن خُلقي ورزقي روایت که امام جعفر صادق ع در وقت نظر کردن
در آینه این دعا میخواند الحمد لله الذي خلقني فاحسن خلقي وصوّرني
فاحسن صورتي الحمد لله الذي زان منّي ما شان من غيري واكرمني
بالاسلام فصل ستیم در شانه کردن سر و محاسن منقولست
از کتاب من لا یحضره الفقیه که پرسیدند امام رضا را ع از تفسیر قول
خدای تع که خذوا زينتكم عند كل مسجد آن حضرت گفت که از جمله زینت
نزد هر مسجد شانه کردن است در آن مسجد نزد هر نماز و معنی اینست
که ای بنی آدم که فرا گیرید و بپوشید نیکوترین و پاکیزه ترین لباسهای خود را
و شانه کنید محاسن خود را در هر مسجدی نزد هر نمازی وگفت امام جعفر
صادق ع در تفسیر قول خدای تع که خذوا زينتكم عند كل مسجد که زینت
شانه کردن است بدرستی که شانه کردن زیاده میکند روزی را و
نیکو میکند موی را و بر می آورد حاجت را و زیاده میکند قوت پشت را

و می برد بلغم را روایت که شانه کردن سر می برد وبا را و شانه کردن
محاسن محکم میکند دندانها را وگفت امام موسی کاظم ع که چون
شانه کنی محاسن و سر را بگذار آن شانه را بر سینه خود بدرستی که می برد
غم و وبا را وگفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که شانه کند محاسن
خود را هفتاد بار و بشمرد نزدیک نشود شیطان او را چهل روز منقولست
از کتاب روضة الواعظین که رسول خدا صلعم شانه میکردند محاسن
خود را چهل بار و بالای محاسن را هفت بار و میگفت که این کار کردن
زیاده میکند دهن را و می برد بلغم را روایت که حضرت پیغمبر صلعم گفت
آنکسی که بکشد شانه را بر سر و سینه و محاسن خود هفت بار نزدیک
نشود او را دردی هرگز روایت که آنکسی که ایستاده شانه کند قرض
بسیار شود او را وگفت امام موسی کاظم ع که شانه کنید بشانه عاج
بدرستی که می برد وبا را و عاج استخوان فیل است وگفت امام جعفر
صادق ع که شانه کردن می برد تب را وگفت امام جعفر صادق ع
که باکی نیست که شانه دان و سرمه دان و روغن دان از عاج باشد
وگفت که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که موی نیکو از پوششهائیست
که خدای تع داده است پس گرامی دارید آنرا روایت که آنکسی
که موی سر بگذارد باید که نیکو نگاه دارد او را یا بتراشد روایت
که آنکسی که موی سر بگذارد و دو بخش نکند آنرا دو بخش کند خدای
تع موی او را به اره آتش روایت که موی سر رسول صلعم تا نرمه

گوش بود و بمن رسید بیش تر که دو بخش توان کرد وگفت امام جعفر
صادق ع که دور کنید مو را از بدن خود بدرستی که مو نجس است
و مرادم مبالغه است در پاکیزگی نقلست از کتاب لباس که ایوب
بن هرون گفت که پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا حضرت پیغمبر ص دو بخش
میکرد موی سر خود را گفت نی و موی سر رسول خدا ص وقتی که
دراز میشد تا نرمه گوش میرسید روایت کرده است عمر بن ثابت
که گفت امام جعفر صادق ع که مردمان گمان می برند که دو بخش کردن
موی سر سنت است نیست چنین گفتم مردمان گمان می برند که حضرت
پیغمبر ص موی سر خود را دو بخش میکرد حضرت امام ع گفت که حضرت
پیغمبر ص موی سر خود را دو بخش نکرد و پیغمبران دیگر موی سر خود را
نمیگذاشتند وگفت امام جعفر صادق که شانه مکن در حمام بدرستی که
ضعیف میکند مو را روایت کرده است زید بن مسلم که گفت ابو عبدالله
ع که شانه کردن می برد درد و بیتی ~~و درد اختن~~ و درد را روایت کرده است
زید بن مسلم که گفت رسول خدا ص که شانه کردن می برد وبا را و عن
مالیدن می برد بختی وگفت ابو عبدالله ع که کثرت زدن شانه بر سینه
می برد بلغم را وگفت عبدالله بن سلیمان که پرسیدم اباعبدالله
را ع از استعمال عاج آنحضرت گفت باکی نیست و مرا شانه ایست
از عاج وگفت قاسم بن ولید که پرسیدم اباعبدالله ع از شانه
و روغن دان که از عاج باشد آنحضرت گفت باکی نیست روایتست که

ابوعبدالله ع مکروه میداشت که روغن بمالند از روغن دان نقره
با نقره کوفت و شانه نیز چنین است وگفت محمد بن عیسی ع که پرسیدم
اباجعفر را ع از ظرف طلا و نقره آنحضرت مکروه داشت آنرا گفتم روایت
کرده اند بعضی اصحاب ما که بود ابوالحسن را ع آینه نقره پوشی آنحضرت
گفت نه بدرستی که بود آن آینه را حلقه نقره روایت که چون عباس را
ختنه میکردند ساختند برای او چوب نقره پوشی مقدار ده درهم
پس عباس امر کرد بشکستن آن و شکستند آنرا وگفت ابو جعفر ع که باکی
نیست که بیاشامد کسی از قدح نقره کوفت وقتی که دور دارد دهن خود را
از موضع نقره ومنقولست از کتاب نجات که گفت امام جعفر صادق ع
وقتی که خواهید شانه کنید باید که بگیرید شانه را بدست راست خود
و نشسته باشید و بنهید شانه را برمیان سر خود و شانه کنید پیش سر را
اللهم حسن شعری وبشری وطیبهما واصرف عنی الوباء پس شانه کنید
پس سر را و بگوئید اللهم لا تردنی علی عقبی واصرف عنی کید الشیطان
ولا تمکنه من قیادی فتردنی علی عقبی پس شانه کنید ابروهای خود را
و بگوئید در هر دو حال اللهم سرح عنی الغموم والهموم و وحشة الصدور
ووسوسة الشیطان پس مشغول شوید بشانه کردن مو و ابتدا کنید از
شیب محاسن و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخوانید گفت یحیی
بن حماد بن سلیمان بن یحیی که امام رضا ع روزی جامه پوشید برای
آنکه سوار شود و بخانه مامون رود و من در میان خدمتکاران آنحضرت

بودم انحضرت شانه طلبید و شانه میکرد و گفت ای سلیمان حرزها را
بده من از بدان خود ع که گفت حضرت پیغمبر ص که هرکسی که بکند این شانه را
بر سر و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود او را هیچ دردی
منقولست از کتاب طب الائمه که گفت ابوالحسن العسکری ع شانه کردن
علاج میبرد و باند موی سر را و دور میکند کرم را از دماغ و فرو می نشاند
صفرا را و پاک میکند گوشت بن دندان را و گوشت میان دندانها را و گفت
امام موسی ع که ایستاده شانه مکن که ضعف دل پیدا میکنی و نشسته شانه
کن بدرستی که نشسته شانه کردن قوت میدهد دل را و فربه میکند پوست
بدن را وگفت امام جعفر صادق ع که سر شانه کردن می برد بلغم را
و شانه کردن ابرو امانست از جذام و شانه کردن ریش عارض محکم میکند
دندانها را روایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق ع از سر تراشیدن
گفت نیکوست روایت کرده است ابن عباس که گفت حضرت پیغمبر ص
که شانه کردن سینه محاسن در عقب هر وضوی میبرد درویشی را وگفت
امیرالمؤمنین علی ع ایستاده شانه کردن درویشی می آورد روایتست
که چون خواهی که شانه کنی محاسن خود را شانه کن از شیب ببالا چهل بار
و سوره انا انزلناه بخوان و از بالا بشیب هفت بار و سوره والعادیات
بخوان اللّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ
الشَّيْطَانِ

فصل چهارم

در بیان در حجامت کردن منقولست از کتاب طب الائمه
که گفت امام جعفر صادق ع که بسیار خون را سه علامت جوشش

بدن

بدن و حرکتی که در بدن ظاهر شود که بدان ماند که جنبنده بر تن میرود
روایتست که بسیاری خواب نیز علامت بسیاری خون است
که چون یکی از اهل منزل امام جعفر صادق ع بیمار شدی انحضرت میگفت
با اهل منزل که نظر کنید در روی او پس اگر میگفتند که روی او زرد است
میگفت که از صفراست و میفرمود که آب بدهند باو و اگر میگفتند که
روی او سرخ است میگفت که از خون است و میفرمود که او را حجامت
کنند روایت کرده اند ائمه معصومین علیهم السلام که گفت امیرالمؤمنین
علی ع که رسول خدا ص فرمود که حجامت کنید بدرستی که بسیار باشد
که خون غالب شود و انکس را بکشد روایت کرده است انصاری که
بسیار بود که امام رضا ع را خون غلبه میکرد و حجامت میکرد در میان
شب وگفت امام جعفر صادق ع که اگر کسی خواهد که حجامت کند
کسی که روزه داشته باشد در غیر ماه رمضان هرگاه خواهد حجامت
کند اما در ماه رمضان حجامت نکند مگر انکه خون غالب شود تا ما
ما که اهل بیتیم حجامت کردن ما در ماه رمضان در شب می باشد
و حجامت کردن دوستان ما و موالیان ما در روز دوشنبه می باشد
وگفت ابوعبدالله ع که حجامت ناشتا می باید کرد روایتست که میرفتند
امام در حالت سیری و حجامت میکرد تا انکه چیزی نخورد بدرستی
که حجامت کردن بعد از چیزی خوردن میکند خون را از رگها و آنکه
ناشتا برای بیرون آمدن خون زیاده قوه میدهد بدن را

وگفت امام موسی کاظم ع که حجامت بعد از چیزی خوردن می باید
کرد بجهت آنکه چون کسی سیر شود و بعد از آن حجامت کند خون جمع میشود
و درد بیرون نمی رود و چون حجامت کند پیش از چیزی خوردن
خون بیرون نمی رود و درد می ماند وگفت زید شحام که بودم نزد ابی
عبد الله ع پس حجام طلبید وگفت بحجام که بشوی شیشه را که بآن حجامت
میکنی و مشغول شو بحجامت کردن و انار طلبید و خورد و چون فارغ
شد از حجامت انار دیگر طلبید و خورد و گفت انار خوردن بعد
از حجامت تسکین میدهد صفرا را وگفت ابو عبد الله بمردی
از اصحاب خود که چون خواهی که حجامت کنی و بیرون آید خون از شیشه
که بآن حجامت میکنی بگو پیش از آنکه فارغ شوی در حالتی که خون
میرفته باشد بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من
العین فی الدم و من کل سوء پس گفت چون بخوانی این دعا بالخیر بسیار
جمع شود ترا و خیر بسیار جمع می باید کرد زیرا که خدای تعالی در کتاب خود
میگوید و لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء یعنی
اگر من غیب میدانستم خیر بسیار جمع میکردم و منفعت و فتح و غنیمت
و بدی بمن نمی رسید از قحط و مرض و رنج و هزیمت روایت از ابی بصیر
که گفت ابو جعفر ع که چه چیز میخورید شما بعد از حجامت گفتم کاسنی و
سرکه گفت باکی نیست روایت که ابو عبد الله ع حجامت کرد و گفت
کنیز خود را که بیاور برای من شکر و گفت که شکر بعد از حجامت باز

میکرداند

میکرداند خون تازه را و زیاده میکند قوت را روایت از امام موسی
ع که گفت رسول خدا ص که هر کس که خواهد که حجامت کند باید که
روز شنبه حجامت کند وگفت امام جعفر صادق ع که حجامت
کردن در روز یکشنبه شفاست از همه دردها روایت که امام جعفر
صادق ع گذشت بقومی که حجامت میکردند گفت چه بود شما را که
تعجیل کردید در حجامت کردن کاشکی تاخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه
بدرستی که حجامت کردن درین وقت فرو می آورد درد را از بدن
وگفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص حجامت میکرد در روز
دوشنبه بعد از عصر روایت از ابی سعید خدری که گفت رسول
خدا ص که آنکسی که حجامت کند روز سه شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم
یا بیست و یکم شفا یابد در تمام سال وگفت حضرت پیغمبر ص که
حجامت کنید روز پنجشنبه [illegible]دهم و هفدهم و بیست و یکم تا غالب نشود بر شما خون
و بکشد شما را روایتست که منع کرد حضرت پیغمبر ص از حجامت کردن
در روز چهارشنبه وقتی که آفتاب در برج عقرب باشد روایت
کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت
کرده اند از امیر المؤمنین علی ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که آنکسی که
حجامت کند در روز چهارشنبه و برص پیدا کند باید که ملامت
نکند مگر خود را روایت کرده است امام جعفر صادق از
پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا ص از امیر المؤمنین که جبرئیل ع فرود

آمد بر من وگفت که حجامت نکن وگفت که روز چهارشنبه روز
نحسی است وگفت امام جعفر صادق ع که انکسی که حجامت کند در
آخر روز پنجشنبه آخر ماه درد از بدن او بیرون رود وگفت مفضل
بن عمر که رفتم نزد امام جعفر صادق میکرد در روز جمعه گفت بحجام
که با خواندی آیة الکرسی را ومنع کرد از حجامت کردن بعد از زوال
در روز جمعه وگفت ابوالحسن ع که ترک مکن حجامت کردن را
در روز هفتم از حزیران وحزیران نام ماهیست از ماههای رومی
پس اگر میسر نشود در روز هفتم باید که حجامت کنی در روز چهاردهم
وگفت امام جعفر صادق ع که آیة الکرسی را (بخوان با حجامت کن) ومنع کرد از حجامت
کردن بعد از زوال در روز جمعه وگفت ابوالحسن ع که ترک مکن
حجامت کردن را در روز هفتم از حزیران وحزیران نام ماهیست از
ماههای رومی پس اگر میسر نشود در روز هفتم باید که حجامت کنی
در روز چهاردهم وگفت امام جعفر صادق ع که آیة الکرسی بخوان
وهرگاه خواهی حجامت کن وگفت شعیب عقرقوفی که رفتم نزد ابوالحسن ع
او حجامت میکرد در روز چهارشنبه گفتم که روز چهارشنبه روز نحس است
که مردمان میگویند که هرکه در این روز حجامت کند برص پیدا کند
آنحضرت این حال کسیست که آبستن شده باشد مادرا و با او در حال حیض
وگفت امام جعفر صادق ع که هرگاه خون غالب شود شما را باید
که حجامت کنید زیرا که چون خون غالب شود میکشد آدمی را وهرگاه

در روز چهارشنبه ... وگفت آنحضرت که خون روز پنجشنبه جمع میشود در محل حجامت ... بعد از زوال ... پس حجامت کنید پیش از زوال

ملامت نکند مگر نفس خود را وگفت

شما

شما خواهید که حجامت کنید باید که حجامت کنید (در وقت عصر) منقولست از کتاب
فردوس که گفت انس که رسول خدا ص فرمود که حجامت کردن بر (نهار ناشتا)
دواست وبر سیری درد است ودر هفتم ودهم ماه شفاست ودر روز
سه شنبه صحت بدنست روایتست که حضرت پیغمبر ص فرمود که وصیت
کرد مرا جبرئیل ع بحجامت کردن تا آنکه گمان بردم که ناچار است از حجامت
کردن وگفت حضرت پیغمبر ص که حجامت در روز سه شنبه هفدهم
ماه دواست درد یک سال را وگفت حضرت پیغمبر ص که حجامت کردن
در روز یکشنبه شفاست روایتست که حجامت کردن سر را دواست
از هفت چیز دیوانگی وجذام وبرص وخواب ودرد دندان وتاریکی
چشم ودرد سر روایتست از انس که گفت حضرت پیغمبر ص که حجامت کردن
بر ناشتا بیفزاید عقل وحافظه را روایتست که حجامت کردن در نقره (فراموشی)
می آورد ونقره مغاک پس سر است وگفت انس که حجامت کرد رسول خدا ص سر خود ومیان دو کتف وپس سر او نام کرد یکی
ازین حجامتها را نافعه یعنی فائده دهنده ودیگری را معینه یعنی یاری
رسنده وسیم را منقذه یعنی رهاننده از مرض روایتست که حجامت
مغاک پس سر معینه است وحجامت میان دو شانه نافعه است وگفت
امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص اشارت کرد بدست خود بسر خود
وگفت بر شما باد که حجامت معینه بکنید بدرستی که نفع میدهد دیوانگی
وجذام وبرص وخواب ودرد دندان را وگفت امام جعفر صادق ع که

که چون طفل بچهار ماهگی برسد حجامت کنید در هر ماه مثال پس
سر او را بدرستی که کم میشود لعاب دهن او و فرو می آید حرارت
از سر و بدن او و گفت رسول خدا صلعم که در سر است دوا شر اما
در دصفرا و بلغم و خون است و دوای خون حجامت است و دوای صفرا
پیاده رفتن و دوای بلغم حمام **وگفت** و گفت معاویه بن حکم که
که ابو جعفر ع طلبید طبیبی را و فصد کرد رگی از کف دست خود و گفت
محسن الوشاء که شکایت کردم نزد ابی عبدالله ع از درد جگر آنحضرت
فصاد طلبید که از قدم من فصد کن **وگفت** ابو عبدالله ع که بیا
شامید کاشم را بجهت درد تهی گاه و کاشم گیاهیست (او شم کنید) **روایتست** که شکایت
کردم مردی نزد امام جعفر صادق از خارش بدن آنحضرت گفت که سه
بار حجامت کن هر دو پا را میان ساق را و کعب را مرد چنین کرده رفت
از وی آن خارش و نیز شکایت کرد مردی دیگر نزد آنحضرت از خارش
بدن آنحضرت گفت که حجامت کن (یکی از) پاهای خود را سه نوبت که
خلاص میشوی **وگفت** امام جعفر صادق ع که شکایت کردند بعضی
از مردمان نزد ابی الحسن ع از بسیاری حب آنحضرت گفت که حب از بخار
جگر است پس فصد کن از پای راست خود و بگیر دود و هم روغن
بادام شیرین و در آب کند بریز و بخور و بپرهیز از ماهی و سرکه آن مرد
چنین کرد و خلاص شد **وگفت** مفضل بن عمر که شکایت کردم نزد ابی
عبدالله ع از جرب و حرارت آنحضرت گفت بر تو باد که فصد کنی از رگ

میاین

میاین دست چنین کردم و رفت از من آن تشویش **روایتست**
که شکایت کردم مردی نزد ابی عبدالله ع از خارش بدن آنحضرت گفت
با مرد که آشامیدی دوا را آن مرد گفت بلی آنحضرت گفت فصد کردی آن مرد
گفت بلی فصد کردم و فایده نیافتم آنحضرت گفت که حجامت سه نوبت پا
ها خود را در میان پی ساق و کعب چنین کرد آن مرد و رفت از وی آن تشویش

باب پنجم در آداب رنگ کردن و زینت کردن

و زینت کردن و انگشتری و آنچه متعلق است بآن و درین باب شش
فصل است

فصل اول در ترغیب برنگ کردن و فضل آن

منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت رسول خدا صلعم که
رنگ کنید محاسن خود را بحنا بدرستی که جلا میدهد چشم را و می
رویاند مو را و خوشبو میکند دهن را و آرمیده میشود بزنان و (گفت)
وگفت امام جعفر صادق ع که حنا می برد بوی ناخوش را که از
آدمی می آید در وقت عرق کردن و طراوت میدهد رو را و خوشبو
میکند دهن را و نیکو میگرداند فرزند را **وگفت** امیر المؤمنین
علی ع که رنگ کردن سیرت و روش پیغمبرهاست ع و از جمله سنتهاست
وگفت امام جعفر صادق ع باکی نیست رنگ کردن محاسن
بهر رنگی که باشد **روایتست** که مردی آمد نزد رسول خدا صلعم
و رنگ زرد کرده بود محاسن خود را آنحضرت گفت باو که نیکوست این
بعد از آن همان شخص آمد نزد آنحضرت و رنگ کرده بود محاسن خود را

بجا آنحضرت تبسم فرمود و گفت این رنگ نیکوتر است ازان رنگ بعد
ازان همان شخص آمد نزد آنحضرت و محاسن خود را سیاه کرده بود آنحضرت
گفت این رنگ ازان هر دو بهتر است وگفت رسول خدا صلعم با امیر المؤمنین
علی ع که یک درهم که صرف شود بجهت رنگ کردن محاسن فاضلترست از
هزار درهم که در غیر رنگ صرف شود در راه خدا و در رنگ کردن
چهارده فایده است می برد باد را از گوش و جلا میدهد چشم را و
میسازد دماغ را و خوشبو میکند دهن را و محکم میکند بن دندان را و می
برد مرض را و کم میکند وسوسه شیطان را و خوشحال میشود مؤمنان و
خشمناک میشود کافران و رنگ کردن زینت کردن و خوشبوی است
و شرم میکند منکر از و منکر و نکیر و عذاب نمیکند او را در قبر و برات
از مشتی بیانی که گفت رسول خدا صلعم که دوسترین رنگها نزد خدای تعالی
رنگیست که بسیار سیاه باشد منقولست از کتاب لباس که گفت
وردان مداینی که رفتم نزد ابی الحسن دوم ع و او رنگ میکرد محاسن
خود را گفتم فدای تو گردم رنگ میکنی گفت بلی در رنگ کردن اجر و
ثوابی هست آیا نمیدانی که خود را زینت دادن زیاده میکند پرهیزکاری
زنان را آیا خوش می آید ترا که نزد اهل خانه خود روی و ببینی اهل
خانه را بی زینت گفتم نه آنحضرت گفت اهل خانه خود را وی و ببینی اهل
خانه را بی زینت گفتم نی آنحضرت گفت اهل خانه را هم خوش نمی آید که تو بی
زینت باشی وگفت ابوالحسن دوم ع که سلیمان را هزار زن بود سیصد

ازان

حلیه کابین داشتند و هفت صد کنیز بودند و سلیمان ع در هر شبانروزی
بیش همه ایشان میرفت فصل دویم در بیان رنگ سیاه منقولست
از کتاب لباس ابی نصر عیاشی که گفت ابو عبد الله ع که آمد مردی نزد
حضرت پیغمبر آنحضرت سفیدی در محاسن او دید گفت این نور است و اگر
که سفید شود در اسلام ان سفیدی مرورا نور خواهد بود در روز
قیامت و همان شخص رنگ کرد محاسن خود را بحنا و بعد ازان آمد بخدمت
آنحضرت چون دید آنحضرت که آن شخص محاسن خود را رنگ کرده است
گفت نور و اسلام است بعد ازان آن شخص محاسن خود را سیاه کرد و بخدمت
آنحضرت آمد آنحضرت گفت نور و اسلام و ایمان و دوستی بزنان و ترس
در دلهای دشمنان است و روایت کرده است ابن فضال که گفت حسن
بن جهم که رفتم نزد ابی الحسن ع و او محاسن خود را رنگ سیاه میکرد گفتم
فدای تو گردم محاسن خود را سیاه میکنی گفت در رنگ کردن اجر و
حسنه هست بدرستی که رنگ کردن محاسن و خود را زینت دادن
زیاده میکند پرهیزکاری زنان را و بدرستی که ترک کرده اند زنان
پرهیزکاری را بجهت آنکه شوهران ایشان خود را زینت ندادند برای
ایشان وگفت دیگر ابو عبد الله ع که امام حسین ع سر خود را رنگ
میکرد و میکشود سر خود را وند ماجیزی بود که آنحضرت می پیچید
بان سر خود را روایت که سیاه کردن محاسن موجب ترسیدن
دشمنان و خوشحالی زنانست روایت کرده است جابر که گفت

ابو جعفر ع که جماعتی آمدند نزد امام زین العابدین ع و دیدند که انحضرت محاسن خود را سیاه کرده است پرسیدند که سیاه کردن محاسن چون است انحضرت دست بمحاسن خود کشید و گفت که رسول خدا ص فرمود اصحاب خود را در جنگی از جنگها که محاسن خود را سیاه کنید تا انکه قوت یابید بسبب این و غالب شوید بر مشرکان و کافران و گفت ابو جعفر ع که زنان دوست میدارند که زینت کنید همچنانکه مرد دوست میدارد که زنان بر بیند زینت را در و

فصل سیم در رنگ کردن بحنا و وسمه و وزردی و رنگ کردن زنان دست خود را منقولست از کتاب لباس که گفت حلبی که پرسیدم ابا عبد الله را ع از رنگ کردن انحضرت گفت که حضرت پیغمبر ص و امام حسین ع و امام جعفر ع رنگ کرده اند بوسمه و گفت معوید بن عمار که دیدم که ابو جعفر ع رنگ کرده بود بحنا و گفت ابو الصباح که دیدم اثر حنا در هر دو دست ابو جعفر ع گفت محمد بن موذن که ابو عبد الله ع رنگ زرد کرده بود محاسن خود را بخطمی و حنا و نیز گفت که حنا موی را بسیار سفید میکند و زیاده میکند طراوت روی را روایت کرده است عبد الله بن مسکان که گفت حسن زیات که مردی از اهل بصره مصاحب من بود و من همیشه صفت میکردم برای او ابا جعفر را ع پس من و آن مرد رفتیم بمکه و مناسک حج بجای اوردیم و متوجه مدینه شدیم چون بمدینه رسیدیم رفتیم نزد ابی جعفر ع و انحضرت در خانه لای است نشسته بود و بر بالای او جامه بیت کلکونی بود و رنگ کرده بود محاسن خود را وسمه

کشیده بود و اصلاح کرده بود محاسن خود را مصاحب من نگاه کرد بانحضرت و بخاطرش چیزی در دل او گذشت چون برخواستیم انحضرت گفت ای حسن چون فردا شود تو و مصاحب خود هر دو نزد من بیایید چون فردا شد گفتم بمصاحب خود هر دو نزد من بیایید چون فردا شد گفتم بمصاحب خود که بیا برویم نزد انحضرت گفت مصاحب من تو برو و مرا بگذار گفتم سبحان الله ایا نگفت انحضرت که تو با مصاحب خود هر دو باهم بیایید باز مصاحب من گفت تو برو و مرا بگذار بحق خدا که از وجدا نشدم تا او را همراه خود بردم نزد انحضرت پس انحضرت در خانه بود که در ان خانه بود مگر بوریایی پس بیرون آمد پس بیرون آمد و جامه درشت پوشیده بود و کردالود بود پس متوجه ما شد و گفت که انخانه که دیروز دیدید که من در انجا بودم انخانه از زن من بود و از من نبود و دیروز نوبت آن زن بود و او زینت کرده بود و واجب بود بمن که زینت کنم برای او همچنانکه او زینت کرده بود برای من و این خانه که امروز در وی هستم خانه منست چیزی در دل خود مکن زان ای برادر بصری پس گفت ابن نخض که از بصره بود که فدای تو کردم پیش از این چیزی در خاطر من میگذشت اما حالا خدای تعالی انچیز را از خاطر من بیرون برد منقولست از کتاب محاسن که گفت اسمعیل بن بوشع که گفتم بامام رضا ع که من زن جوانی دارم و چون حیض او برطرف شده است انحضرت گفت که بفرما که سر خود را رنگ کند بحنا ببینی که خون حیض باز میگردد چنین کردم بانگشت باز خون

حیض وکفت ابوالحسن ع که در رنگ کردن سر مهیا شدن است
برای جنگ ودرو ستیت بزنان وزیاده کردانیدن جماع وکفت حسن
بن جهم که کفتم بامام رضا ع که آیا رنگ کردی تو کفت بلی رنگ کردم بحنا
ووسمه اباعبدالله که در رنگ کردن اجر وثوابی هست بدرستی که زن
دوست میدارد که ببیند از تو مثل آنچه دوست میداری که تو از وی
ببینی از لباسهای فاخر وزینت کردن وبدرستی که بیرون رفتند زنان از
پرهیزکاری وفسق کردند وبیرون نبرد ایشانرا از پرهیزکاری مگر کم
زینت کردن شوهران وکفت امام رضا ع که خبر داد مرا پدرهن از
پدران خود علیهم السلام که زنان بنی اسرائیل بیرون رفتند از پرهیز
کاری وفسق وفجور کردند بجهت آنکه شوهران ایشان کم زینت میکردند
وآنحضرت کفت که زنان دوست میدارند از تو مثل آنچه تو دوست میداری
از ایشان وکفت ابوعبدالله ع که رنگ کردن سر ومحاسن سنت است
روایت کرده است عبدالله بن عثمان که کفت حسن بن زیات که رفتم
نزد ابی الحسن ع واو در خانه ای مستر بود ویک روز بعد از آن رفتم واو در
خانه بود که در آنخانه شود مکر بوریا پس بیرون آمد وجامه درستی پوشیده
بود وکفت آنخانه که دیروز دیدی خانه زن بود خانه زن ودیروز نوبت
آنزن بود روایت کرده است محمد بن مسلم ع که کفت امام محمد باقر وامام
جعفر صادق علیهما السلام که سزاوار نیست که دست او خالی باشد
از زینت واکرچه دست خود را بحنا بمالد واکرچه آن زن پیر باشد

ومنقولست از کتاب فردوس که کفت رسول خدا که حنا سید خضابهای جنان است
وآنکسی که رنگ کرده باشد بحنا مثل کسی است که شهید شده باشد در راه
خدا روایتست که حنا رنگ اهل اسلام است زینت میدهد مؤمن را و
میبرد درد سر را وجلا میدهد چشم را وزیاده میکند قوت جماع را
ویک حسنه که با حنا باشد برابر ده حسنه است که بی حنا بوده باشد
ویک درهم که بحنا صرف شود برابر هفتصد درهم است که در راه خدا
صرف شود کفت دیکر مولای نبی ص که بر شما باد که رنگ کنید بدرستی
بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را ونیکو میکرداند بدن وکفت
حضرت پیغمبر ص که فاضلترین چیزهایی که تغییر دهند بآن سفیدی موی را
حناست ووسمه روایت کرده است امیر المؤمنین علی ع که کفت
رسول خدا ص که رنگ کنید بحنا بدرستی که می افزاید جوانی وجمال و
قوت جماع وحسن را وتفاخر میکند بایشان فرشتکان ویک درهم که صرف
شود در راه حنا برابر هفتصد درهم است ویک درهم که صرف شود
در رنگ برابر هفت هزار درهم است وهرکاه کسی بمیرد واو را در قبر
بنهند ومنکر ونکیر بیایند چون نکاه کنند که او رنگ کرده است
بیکدیکر بکویند که بیرون میرویم از قبر که ما را بر دستی نیست روایت
کرده است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا ص
رخصت داد که زنان سر خود را سیاه کنند وکفت امام جعفر صادق
ع که رسول خدا ص امر فرمود زنان شوهردار وغیر شوهردار را بزینت

بخضاب نهی شده مردان

کند بجهت آنکه دست او بدست مردان نماند **و گفت** امام جعفر صادق

ع که اگر رنگ کنند زنان در حالت نفاس باکی نیست **روایتست** که امیر المؤمنین

علی ع منع کرد از رنگ کردن موی حوالی سر و پیشانی را **فصل ٤** در بیان

کراهیت رنگ کردن جنب و حایض که آمده است در ترک کردن رنگ و کراهت

پیوند کردن مو **منقولست** از کتاب لباس که گفت امام رضا ع که مکروه

رنگ کردن مرد را در حالتی که جنب باشد **روایت** که آنکسی که رنگ کند

و جنب باشد یا آنکه جنب شود در حالت رنگ کردن ایمن نیست از بدی

رسانیدن شیطان باو **گفت** امام جعفر صادق ع که رنگ مکن در

حالتی که جنب باشی و جنب مشو در حالتی که رنگ میکنی و رنگ مکن در

وقت حالتی که حایض باشی بدرستی که شیطان حاضر میشود نزد زن حایض در

رنگ کردن و باکی نیست رنگ کردن در حالت نفاس **گفت** ابو الحسن اول

ع که باید که رنگ نکند زن حایض **روایت** کرده است حنان بن سدیر از

پدر خود که گفت که رفتم من و پدر و جد و عم من بحمام مدینه و مردی در حمام

کن بود پرسید که شما از چه طایفه اید گفتیم از اهل عراقیم گفت از کدام عراق

گفتیم از اهل کوفه ایم گفت خوش آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید

در حمام و چه چیز است که منع میکند شما را از لنگ بستن بدرستی که

رسول خدا صلعم گفته دیدن عورت مسلمان بر مسلمان حرام است پس عم من

کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و هر کدام ما یک پاره را لنگ کردیم و در

آمدیم بحمام و رفتیم بگرم خانه و در گرم خانه بودیم که آن شخص آمد و متوجه حزین

شد

شد و گفت ای پیر چرا رنگ نکردی محاسن خود را آنحضرت در غضب شد

ازین سخن تا آنکه یافتیم غضب او را و گفت که کیست که بهتر از من پس

جد من گفت که دریافتم علی بن ابی طالب را و او رنگ نکرده بود

آنحضرت سر خود را در پیش افکند و عرق ریخت از جبین مبارک او

گفت که راست و درست گفتی بعد از آن گفت ای پیر اگر خواهی رنگ کنی

بدرستی که رسول خدا صلعم رنگ کرد و او بهتر از امیر المؤمنین علی ع بود

و اگر میخواهی رنگ مکن و اقتدا کن بامیر المؤمنین علی ع چون بیرون

آمدیم از حمام پرسیدیم که آن مرد که بود گفتند که امام زین العابدین است

و پسر او محمد باقر علیهما السلام بود **و گفت** سلیمان بن هرون العجیل

که پرسیدم از ابی عبد الله ع که آیا رسول خدا صلعم رنگ کرده بود لیکن پدر

و جد من رنگ کرده بودند پس اگر رنگ کنی نیکوست و اگر رنگ نکنی

نیز نیکوست **و گفت** جریر بن محمد که پرسیدم ابا جعفر را ع از رنگ کردن

گفت رسول خدا صلعم رنگ میکرد و این موی آنحضرت است که نزد ماست

گفت حفص اعور که پرسیدم ابا عبد الله را ع از رنگ کردن سر و محاسن

گفت که سنت است گفتم امیر المؤمنین علی ع رنگ نکرده بود گفت بجهت

آنکه حضرت پیغمبر صلعم گفت بامیر المؤمنین علی ع که زود باشد که رنگ شود

این باین یعنی محاسن مبارک امیر المؤمنین زود باشد که رنگین شود

بخون او **و گفت** ابو عبد الله ع که ترک رنگ کردن در وقتی می

آورد **در بیان** کراهیت پیوند کردن مو **و گفت** سلیمان بن خالد

کفت بلی کفتم امیر المؤمنین علی خضاب کرده بود

که گفتم یکی از ائمه علیهم السلام که آیا پیوند کردن زن موی را بگیسوی
خود مکروه هست آنحضرت گفت اگر پشم باشد یا از موی خودش مکروه نیست
ومکروه است که پیوند کند از موی غیر خود گفت عمار ساباطی که گفتم
بابی عبدالله ع که مردمان روایت میکنند که رسول خدا صلعم لعنت کرده
است آن زنی را که شانه کند و پیوند کند موی را بگیسوی خود گفت باکی
نیست ازین گفتم کیست پیوند کننده و پیوند کرده شده که حضرت پیغمبر
ایشان را لعنت کرده است گفت زنی که زنا کند و زنی که قوادی کند
گفت ابوبصیر که پرسیدم اباعبدالله را ع از کندن موی پیشانی
که زنان میکنند بجهت زینت برای شوهر خود را و از کندن موی بدن
و از پیوند کردن موی و پیوند کردن پشم بگیسو و مانند آن آنحضرت
گفت باکی نیست بهمه اینها روایت کرده است محمد که گفت یونس که
باکی نیست پیوند کردن گیسو و وقتی که اگر پیوند میکنند بگیسو پشم باشد
اما باید که پیوند نکند موی را که موی میت است روایت کرده است
ابوعبدالله از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلعم که حلال
نیست زنی را که در محل حیض بگذارد موی پیشانی و موی بناگوش را

فصل ششم در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بآن در بیان انواع
انگشتری در انگشت کردن و مکروه و کراهیت آن منقولست از کتاب
لباس که گفت ابوالحسن ع که قیمت کردند انگشتری ابی عبدالله را ع پس
گرفت از پدرش هفت دینار و گفت عبدالله بن سنان که پرسیدم از

ابی

واصله موصوله کفتم مقصود

ابی عبدالله ع که انگشتری رسول خدا چه چیز بود گفت از نقره بود و
پرسیدند بعضی از اصحاب ما از ابی عبدالله که انگشتری رسول خدا ص
از چه چیز بود گفت از نقره بود و در و نقش کرده بودند محمد رسول الله
گفتم انگشتری را نگین بود گفت نی روایت کرده است سکونی که گفت
ابوعبدالله که رسول خدا صلعم فرمود که پاک نمیگرداند خدای نمی دستی را که
در و انگشتری از آهن بوده باشد روایت کرده است ابوعبدالله ع
از پدر خود ع که گفت امیر المؤمنین علی ع امر کرد رسول خدا صلعم مارا بهفت چیز
و منع کرد از هفت چیز منع کرد از انگشتری طلا و از آشامیدن در ظرف
طلا و نقره و از نشستن بر زینی که بر و بالش سرخ باشد و از رنگ ارغوانی
و از ابریشم و از دیبای نرم ستبر و امر کرد بپرسیدن بیمار و در عقب
جنازه رفتن و آشکارا سلام کردن و یاری دادن مظلوم و قبول کردن دعوت
و سوگند خود را راست کردن و یرحمک الله گفتن کسی را که عطسه کند
روایت کرده است ابوعبدالله ع که گفت رسول خدا صلعم با امیر المؤمنین
علی که یا علی بپرهیز از انگشتری طلا در دست کردن بدرستی که این
زینت تست در بهشت و گفت امیر المؤمنین علی ع که منع کرد مرا
رسول خدا صلعم از انگشتری طلا در انگشت کردن و نمیگویم که منع کرد شما را
ازین و گفت داود بن سرحان که پرسیدم اباعبدالله ع از طلا که
که زینت میکنند بان طفلان را آنحضرت گفت که بدرستی زینت کرد فرزندان
و زنان خود را بطلا و نقره و باکی نیست بآن روایت کرده است

محمد بن علی از پدران خود علیهم السلم که روزی رسول صلعم انگشتری طلا
در دست کرده بود مردمان نظر میکردند بان آن حضرت دست خود را
بان انگشت نهاد که انگشتری در و بود و بازگشت بمنزل خود و انداخت
آن انگشتری را منقولست از کتاب طب الائمه که امام موسی ع روایت
کرده است از پدر خود که منع کرده است که در انگشت کنند انگشتری را که
نگینش بجادی باشد و بجادی مهره ایست و آن حضرت گفت زید بن
علی ع در روزی که کشته شد در انگشت او همچنین انگشتری بود
وگفت که امیر المؤمنین علی ع چهار انگشتری داشت انگشتری که
که نگین او یاقوت سبز بود در انگشت میکرد جهت بزرگی و شرف
وانگشتری که نگین او عقیق سرخ بود در انگشت میکرد جهت حرز
و نگاه داشتن او را از بلا و انگشتری که نگین او فیروزه بود در انگشت میکرد
جهت ظفر یافتن بر دشمن و انگشتری که نگین او آهن چینی بود در
انگشت میکرد جهت قوت و منع کرد آنحضرت شیعه خود را از آنکه انگشتری
آهن در انگشت کنند وگفت آنحضرت وقتی که وصیت میکرد اصحاب
خود را که آنکسی که در انگشتری آهن در انگشت کند وگفت آنحضرت
وقتی که وصیت میکرد اصحاب خود را که آنکسی که در انگشتری او
اسماء الله نقش کرده باشد باید که در محل استنجا کردن از دست چپ بیرون
آورد و در دست راست کند وگفت رسول خدا صلعم که انگشتری عقیق
در دست کنید بدرستی که نمیرسد بشما غمی مادام که انگشتری در دست

شما باشد روایت که انگشتری عقیق در انگشت کنید بدرستی که
جبرئیل ع آورد نگین عقیق را از بهشت و گفت یا محمد انگشتری عقیق در دست
خود کن و بفرما است خود را که انگشتری عقیق در دست کنند در بیان
نگین انگشتری نقلست از کتاب لباس که گفت حسین بن عبدالله
که پرسیدم از یکی از ائمه علیهم السلام که نگینی که از سنگ زمزم باشد در
انگشت می توان کرد گفت بلی اما هرگاه خواهد که وضو سازد باید که از دست
خود بیرون کند وگفت احمد بن محمد که دیدم یکی از ائمه را علیهم السلام
که در دست او انگشتری از عقیق بود گفت بمن که چگونه می بینی این انگشتری را
و بیرون آورد از دست خود و گفت که نظر کن باین انگشتری پس نظر کردم
و گفتم که چه نیکوست این انگشتری گفت همیشه از خدای تع بمن نعمت
میرسید از آن زمان که این انگشتری در دست منست و خدای تع شفق
ساخت مرا برین انگشتری پس هرگاه میخواهم وضو سازم او را از انگشت
بیرون میکنم بدرستی که شبی رفتم بطواف خانه کعبه و در میان طواف
بودم که شفقت برین انگشتری باعث این شد که او را از انگشت بیرون
آوردم و در کف خود نهادم پس ناگاه از دست افتاد بر خواستم که بجویم
او را شخصی آمد و گفت چرا برخاستی گفتم که انگشتری من افتاد آن شخص
دست خود را بر زمین زد و گفت بگیر انگشتری خود را پس گرفتم و روایت
کرده است ابو عبدالله ع که گفت رسول خدا صلعم که در انگشت کردن انگشتری
که نگین او یاقوت باشد درویشی را می برد و آنکسی که در انگشت کند

انگشتری که نگین او عقیق باشد زود برآورده میشود حاجت او بر
نیکویی منقولست از کتاب طب الائمه که روایت کرده است معاذ که
گفت امیر المومنین علی ع که انگشتی که در انگشت کند انگشتری که نگین
او عقیق باشد خاتمهٔ کار او امن و ایمان باشد وگفت ابو عبد الله
ع که در انگشت کنید انگشتری که نگین او عقیق باشد و عقیق اول کوهی هست
که اقرار کرده است بخدای حق تع و به پیغمبر محمد ص و بوصی بودن امیر المومنین
علی ع که در وسخن گفتن خدای تع با موسی ع وکسی که انگشتری که نگین
او عقیق باشد در انگشت کند و نماز کند چهل درجه ثواب بیشتر دارد
از نماز کسی که انگشتری غیر عقیق از انواع جواهر در انگشت کند وگفت
سلیمن بن اعمش که بودم با امام جعفر صادق ع بر در خانهٔ ابی جعفر منصور
دوانقی پس بیرون آمد شخصی از پیش منصور که او را تازیانه زده بودند
آنحضرت گفت بمن که ای سلیمان نظر کن در نگین انگشتری او گفتم یا ابن
رسول الله نگین انگشتری او عقیق نیست آنحضرت گفت ای سلیمان
اگر نگین انگشتری او عقیق می بود او را تازیانه نزدندی گفتم یا ابن رسول الله
زیاده کردان بیان فایدهٔ عقیق را برای من گفت عقیق امانست از
بریدن آن دست که عقیق در وست گفتم یا ابن رسول الله زیاده کردان
بیان را گفت عقیق امانست از خون ریختن کسی که عقیق در دست
اوست گفتم زیاده کردان بیان را گفت خدای تع دوست میدارد
که برداشته شود او در دعا دستی که در زیر نگین عقیق باشد گفتم

زیاده کردان بیان را گفت بسیار عجب است آن دستی که در و نگین عقیق باشد و خالی باشد آن دست از
درهم و دینار گفتم زیاده کن بیان را گفت انگشتری عقیق
حرز است از جمیع بلاها گفتم زیاده کن بیان را گفت عقیق امانست
از درویشی گفتم نقل کنم اینها را که فرمودید از جد شما امام حسین ع که
او روایت کرده از امیر المومنین علی ع گفت بلی منقولست از کتاب
ثواب الاعمال که روایت کرده امام رضا ع که گفت ابو عبد الله ع که انگشتی
که در انگشت کند انگشتری که نگین او عقیق باشد هرگز درویش نشود
و برآورده شود حاجت او به نیکوترین وجهی وگفت امیر المومنین
علی ع که در انگشت کنید انگشتری که نگین او عقیق باشد تا خدای تع
زیاده کند برکت شما را و ایمن باشد از جمیع بلاها روایت کرده است
جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که شکایت کرد مردی نزد
حضرت پیغمبر ص از راه زنان که غارت کرده بودند او را آنحضرت گفت
چرا انگشتری عقیق در انگشت نکردی بدرستی که عقیق نگاه میدارد
از همه بدیها وگفت ابو جعفر ع که انگشتی که در انگشت کند انگشتری
عقیق را همیشه باو نیکویی برسد مادام که آن انگشتری در دست او
باشد و همیشه خدای تع او را نگاه دارد وگفت عبد الرحمن قصیر که
فرستاد حاکمی بسوی مردی از آل ابی طالب بجهت گناهی که کرده بود
و او را طلبید آن شخص گذشت بابی عبد الله ع آنحضرت گفت که انگشتری
عقیق باو برسانید پس رسانیدند انگشتری عقیق را بآن شخص
هیچ مکروهی باو نرسید وگفت عبد المومن انصاری که شنیدم از

از عبد الله که می‌گفت که درویش و محتاج نشود دستی که در و انگشتری
بود که نگین او فیروزه باشد وگفت علی بن مهزیار که رفتم نزد ابی
الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام دیدم در دست آنحضرت انگشتری
که نگین او فیروزه و نقش کرده بود والله الملک و من همیشه نظر میکردم
در آن انگشتری آنحضرت گفت حبیب من که نظر میکنی این سنگیست که
که جبرئیل ع هدیه برای رسول خدا ص از بهشت آورد و آنحضرت او را
با میرالمؤمنین علی ع داد و پس گفت که میدانی که چه چیز است نام
این گفتم فیروزه است گفت این نام اوست بفارسی میدانی نام او را
بعربی گفتم نه گفت نام او بعربی ظفر است که در انگشت کنید انگشتری
که نگین او جزع یمانی باشد بدرستی که باز میدارد کید شیطان او جزع
یمانی مهره ایست سیاه و سفید وگفت ابو عبد الله ع که خوب نگینی
است بلور منقولست از کتاب مناقب الرضا که امام رضا روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر ص کرد در
انگشت کنید انگشتری که نگین او زبرجد باشد بدرستی که کسی که این
انگشتری در دست کند همه کارها برو آسان شود گفت رسول
خدا ص که انگشتری که نگین او یاقوت زرد باشد درویش نشود
در بیان نقش نگین انگشتری منقولست از کتاب لباس که گفت
ابو عبد الله ع که نقش نگین انگشتری حضرت پیغمبر ص محمد رسول الله
بود و نقش نگین انگشتری امیرالمؤمنین علی ع الله الملک بود و

نقش

و نقش نگین انگشتری ابی جعفر ع العزة لله بود روایت کرده است
محمد بن عیسی ع از صفوان که گفت که آوردند نزد ما انگشتری ابی عبد الله
را ع و نقش نگین انت ثقتی فاعصمنی من خلقک بود روایتست از
ابراهیم بن عبد الحمید مثل این وگفت که آوردند نزد ما انگشتری ابی
الحسن را ع و نقش نگین او حسبی الله بود و در پایین نوشته صورتی
بر شکل گلی بود و در بالای نوشته صورت هلالی بود روایت
کرده است امام جعفر صادق ع از پدران خود ع که نگین انگشتری
امیرالمؤمنین علی ع از نقره بود و نقش او این بود که نعم القادر الله
وگفت حسن بن خالد که گفتم بابی الحسن دوم ع که روایت کرده شده
بما حدیثی که نقش نگین حضرت پیغمبر ص محمد رسول الله بود آنحضرت
گفت که روایت صحیح است پس گفت بمن که میدانی که نقش نگین آدم
ع چه چیز بود گفتم نه گفت لا اله الا الله محمد رسول الله بود و گفت
و علی ولی الله
بمن که حق تع وحی کرده است بنوح ع که وقتی که تو و آنکسی که بتو ایمان
آورده در کشتی نشیند هزار بار لا اله الا الله بگویید و بعد از آن
حاجت خود را از من طلب کنید چون نوح در کشتی نشست و باد
کشیدند بادی تندی برخواست و نوح ع ترسید از غرق شدن
اضطراب کشتی وگفت که اگر من هزار بار لا اله الا الله بگویم می‌ترسم
که کشتی غرق شود پیش از آنکه فارغ شوم پس مضمون لا اله الا الله
را بزبان سریانی ادا کرد وگفت الفا هو هو هو یا ماریا اتقن پس

کشتی قرار گرفت و بسلامت داشت خدای تعالی نوح را ع که بدرستی که کلامی
که من وانکسی که بامن است نجات یافتیم بسبب آن از غرق شدن سزاوار
آنست که آنرا نقش نگین کنم وانگشتری را از خود جدا نکنم وگفت
حسین بن خالد که گفتم بابی الحسن ع که چیست معنی سخن نوح ع آنحضرت
گفت که این سخن نوح ع بزبان سریانیست و معنی او بعربی هزار مرتبه
لا اله الا الله بالله اصلحها است وگفت ابوالحسن ع که نقش نگین
ابراهیم ع شش کلمه بود که آورد جبرئیل ع بحضرت ابراهیم وقتی که او را در
منجنیق نهادند پس گفت جبرئیل ع که ای ابراهیم خدای تعالی بتو سلام میرساند
و میگوید که خوشحال باش که هیچ باکی نیست ترا و فرمود که جبرئیل ع بابراهیم ع
که آن انگشتری که در نگین او این شش کلمه را نقش کرده بودند در انگشت
خود کند چون آن انگشتری را در انگشت کرد خدای تعالی گردانید آن آتش
را بر وخنک وان شش کلمه اینست لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی
الله اسندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله لا حول ولا قوة الا
بالله این بود نقش ابراهیم ع ونقش نگین سلیمان ع این بود که سبحان
من الجم الجن بکلمته ونقش نگین موسی ع دو کلمه بود که از توریت بیرون
آورده بود وان دو کلمه اینست طوبی لعبد ذکر الله من اجله والویل
لعبد نسی الله من اجله روایت کرده است حسین بن خالد که گفت
ابوالحسن دوم ع که نقش نگین حضرت پیغمبر ص محمد رسول الله بود ونقش
نگین امیر المؤمنین علی ع الله الملک بود ونقش نگین امام حسن ع

اصبر اصبر تؤجر اصدق تنج ونقش نگین حضرت عیسی دو کلمه بود که از انجیل بیرون آورده بود وان دو کلمه این است

العزة لله بود ونقش نگین امام حسین ع ان الله بالغ امره بود ونقش
نگین امام زین العابدین ع وابوجعفر ع همان نقش نگین امام حسین ع
بود ونقش نگین امام جعفر صادق ع الله ولی وعصمتی من خلقی بود ونقش
ابی الحسن اول ع حسبی الله بود ونقش نگین ابی الحسن دوم ع ما شاء الله
لا قوة الا بالله وگفت حسین بن خالد که ابوالحسن دوم ع دراز کرد دست
خود را بجانب من وگفت که نقش نگین انگشتری من وانگشتری پدر من
وانگشتری ابی جعفر دوم علیهم السلم حسبی الله حافظی بود وهمچنین
بود نقش نگین ابی جعفر ع ونقش نگین ابی الحسن سیم ع الله الملک بود
وگفت عبدالله بن سنان که پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا مکروه است
در انگشت کردن انگشتری که در نگین او نام خدای تعالی باشد وبآبخانه
رفتن وجنب شدن در وقتی که این انگشتری در انگشت باشد آنحضرت
گفت نه ونقش نگین حضرت پیغمبر ص محمد رسول الله بود ونقش نگین امیر
المؤمنین علی ع الملک لله بود ونقش نگین ابی جعفر ع العزة لله بود ونگین امیر
المؤمنین علی ع که آن نگین از آهن چینی سفید صافی بود وآنحضرت در
انگشت میکرد آن انگشتری را در جنگها که دستجیها الجد نقش کرده بود ودر
هفت سطر اینست اعددت لکل هول لا اله الا الله ولکل کرب
لا حول ولا قوة الا بالله ولکل مصیبة نازلة حسبی الله ولکل
ذنب وکبیرة استغفر الله ولکل هم وغم فادح ما شاء الله
ولکل ذنب وکبیرة استغفر الله ولکل نعمة متجددة الحمد لله وما

وما نعلي بن ابي طالب مِنْ نِعَمِ الله فَمَنَّ الله وگفت اسمعیل بن موسی که
که انگشتری جد من امام جعفر صادق ع تمام او (ظ) از نقره بود و نقش نگین او این
بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک در وقتی که پدر من با برادر خود عبدالله
بن جعفر قسمت میراث میکردند قیمت آن انگشتری به پنجاه دینار رسیده
بجهت زیاده کردن پدر من قیمت از ابی قبول کرد پدر من آن انگشتری را
به پنجاه دینار وگفت امیر المؤمنین علی ع که انکسی که نقش نگین او
ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله باشد او را ثواب بسیار خواهد
بوده وگفت امام محمد باقر ع که انکسی که نقش نگین او آیتی از قران باشد
خدای تعالی او را بیامرزد روایتست که نقش نگین قاسم وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ
روایت کرده است امام رضا ع از جد خود امام جعفر صادق ع که
گفت که بود نقش نگین پدر من امام محمد باقر ع ظَنِّي بِاللهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِيِّ
الْمُؤْتَمَنِ وبالوصي ذي المنن وبالحسين والحسن وگفت محمد بن عیسی که
موفق نزد ابی جعفر ع دوم بود و عود بن انگشتری که در دست او بود
وگفت که میشناسی این انگشتری را گفتم میدانم که نقشی دارد اما نمیدانم
که آن نقش چه چیز است و چه صورتست پس معلوم شد که تمام انگشتری
از نقره بود و نگین او مدور بود و بان نگین و بران نگین نقش کرده
بودند حسبی الله و در بالای آن نقش صورت هلالی بود و در پایین
آن نقش صورت گلی بود پس گفتم با او که انگشت این انگشتری گفت این
انگشتری ابوالحسن است ع پس گفتم با او که چگونه در دست تو افتاد گفت وقتی

که او را وفات نزدیک شد این انگشتری را بمن داد و گفت این انگشتری را از دست
خود بیرون مکن مگر برای علی نقی و بگیر مدت این انگشتری را از دست
مگر به پسر من علی نقی ع در بیان کیفیت انگشتری در انگشت کردن
منقولست از کتاب لباس که گفت بحر که پرسیدم ابا عبدالله ع را
از انگشتری در دست راست کردن و دیگر وگفت که من دیدم بنی هاشم
را که انگشتری در دست راست میکردند آنحضرت گفت که پدر من انگشتری
در دست راست میکرد و پدر من فاضلترین قریش و داناترین و پرهیز
کارترین ایشان بود خالد که گفتم بابی الحسن دوم ع که روایت کرده اند
بما حدیثی که رسول خدا ص استنجا میکرد و انگشتری در انگشت
او بود و امیر المؤمنین علی ع نیز چنین میکرد و نقش نگین حضرت
پیغمبر ص محمد رسول الله بود گفت ابوالحسن دوم ع که این روایت صحیح است
گفتم ما را سزاوار هست که چنین کنیم گفت نه بجهت آنکه ایشان انگشتری را
در دست راست میکردند و شما در دست چپ میکنید پس من خاموش
شدم روایت کرده است ابن القداح از امام جعفر صادق ع
که روایت کرده است امام محمد باقر ع که امیر المؤمنین علی ع و امام حسن
و امام حسین ع گاهی انگشتری در دست چپ میکردند روایت
کرده است محمد بن علی علیهما السلام از پدر خود و پدر او روایت
کرده است از پدر خود ع که گفت امام حسن و امام حسین علیهما السلام
گاهی انگشتری در دست چپ میکردند وگفت امام جعفر صادق

م که رسول خدا ص میگفت که منع میکنم امت خود را ازین که انگشتری در
انگشت شهادت وانگشت میانه کنند وگفت که می باید خواند در وقت
انگشتری در انگشت کردن اللّهمّ سوّمنی بسیماء الایمان وتوّجنی بتاج
الکرامة وقلّدنی حبل الاسلام ولاتخلع ربقة الایمان من عنقی نقش نگین
که نیکوست از برای دفع هر بیماری ومنقولست از کتاب طب الائمه که نقش
می باید کرد در اول جمعه از ماه رمضان بر نگینی که از آهن چینی بود
این صورت را در دو سطر کهسلون لا ام لا اله الا الاول بالله فصل ششم
در زینت کردن زنان بزیور وانچه در سر دست میکنند وغیر اینها
در بیان زینت کردن زنان بحجر [?] وزیور وانچه مکروهست ایشانرا
منقولست از کتاب لباس که روایت کرده است فضیل که گفت ابو جعفر ع
که حضرت فاطمه ع سیده زنان اهل بهشت است ومعجر او تامیان بازوی او بود
وبیرون نکرد ابو جعفر ع ازین حکم کسی را یعنی می باید که معجر زنان اینچنین
باشد وگفت ابو عبدالله ع که نیکو نیست که زنی مسلمان بپوشد معجر
وپیراهنی که نمایان باشد چیزی از بدن او روایت از ابی جعفر ع مثل
این روایت کرده است محمد بن مسلم از امام محمد باقر یا از امام جعفر صادق
علیهما السلام که پرسیدم از زیور طلا مر زنان را انحضرت گفت باکی نیست
وسزاوار نیست زنرا که بی زیور باشد واگر چه آن زیور کردن بند باشد
وسزاوار نیست زن را که دست او خالی باشد از رنگ واگرچه ما
لیدن دست باشد بحنا واگر چه آن زن پیر باشد در بیان انچه زنان در دست

میکنند

کسلهونی

میکنند از طلا وغیر آن روایت کرده است زراره که گفت ابو جعفر
ع که رسول خدا ص وقتی که میخواست که سفر کند وداع میکرد از اهل
وبیت خود انکسی را که میخواست وآخر انکسانی که حضرت وداع میکرد
حضرت فاطمه ع بود پس توجه انحضرت بسفر از خانه حضرت فاطمه بود و
هرگاه انحضرت باز میگشت از سفر بخانه حضرت فاطمه میرفت پس نوبتی
انحضرت سفر کرد ورسیده بود با میر المؤمنین علی ع در سفری چیزی از
غنیمت وامیر المؤمنین علی ع انچیز را بحضرت فاطمه داد وبیرون رفت بسفر
~~همراه حضرت فاطمه از ان مال غنیمت که امیر المؤمنین علی ع در سفری چیزی~~
~~از غنیمت که امیر المؤمنین علی ع~~ انچیز را که بحضرت فاطمه داده بود فاطمه دو دستینه
ساخت از نقره وپرده خرید وبر در خانه خود اویخت چون حضرت
پیغمبر ص از سفر باز گشت در امد بمسجد وبعد از ان متوجه خانه حضرت
فاطمه شد همچنانکه عادت انحضرت بود حضرت فاطمه چون دید انحضرت
را شادان برخاست ومتوجه انحضرت شد از روی شوق وشعف
انحضرت نظر کرد در هر دو دست حضرت فاطمه دو دستینه از نقره در
دست او دید وبر در خانه او پرده اویخته دید نشست واز روی غضب
نظر کرد بحضرت فاطمه بعد از ان انحضرت برخاست وبیرون رفت
حضرت فاطمه گریست واندوهگین شد وگفت که پدر من هرگز این
نوع کاری نکرده بود پیش ازین نسبت بمن پس حضرت فاطمه طلبید
امام حسن وامام حسین را ع وبرداشت پرده را از در خانه خود

وبیرون کرد دستبنهارا از دست خود و دستبنهارا بیکی داد و پرده را بدیکری وکفت بایشان که بروید نزد پدر من و سلام من برسانید وبکویید بانحضرت که فاطمه میکوید که بعد از انکه شما بسفر رفته بودید کاری غیر ازین نکردم هر چه میخواهید بکنید باین پرده و دستبنها پس امام حسن و امام حسین آمدند نزد حضرت پیغمبر صلعم وکفتند بانحضرت هر چه حضرت فاطمه کفته بود انحضرت بوسید ایشانرا و دست در کردن ایشان کرد و ایشانرا در کنار خود نشاند و بعد از ان فرمود که دستبنها را شکستند و قطعه قطعه کردند و بعد از ان طلبید اصحاب صفه را که طایفه از مهاجرین بودند که ایشانرا خانه و منزلی و مالی نبود و قسمت کرد انرا بایشان و بعد از ان طلبید مردی از اهل صفه را که برهنه بود و ستر پوشی نداشت و این پرده را باین پرده دار با ان شخص داد این پرده دراز بود و پهنا نداشت پس از ان بمقدار لنکی برداشت و باقی را انحضرت قسمت کرده با اصحاب صفه و بهر یک مقدار لنکی داد و بعد از ان فرمود زنانرا که سر خود را از رکوع و سجود بر ندارند پیش از انکه مردان بردارند واین حکم جهت ان بود که لنک اصحاب صفه کوتاه بود هر کاه رکوع و سجود میکردند عورت ایشان ظاهر میشد از پس پشت ایشان پس سنت شد که زنان سر خود را از رکوع و سجود بر ندارند پیش از مردان و بعد از ان آن حضرت کفت که خدای تعالی رحمت کند بر فاطمه و خدای تعالی خواهد پوشانید او را بسبب این پرده از جامهای بهشت

وزیور خواهد داد از زیورهای بهشت بجهت این دستبند **کفت** امام موسی کاظم ع که رسول صلعم نزد حضرت فاطمه آمد و در کردن حضرت فاطمه کردن بندی بود انحضرت اعراض کرد از حضرت فاطمه پس حضرت فاطمه بریان کردن بند را واند اخت انحضرت خشنود کشت وکفت ای فاطمه تو از منی بعد از ان سائلی آمد و چیزی طلبید حضرت فاطمه آن کردن بند را بان سائل داد **و نیز کفت** در اوردن در میان داخل کردن طلا یا دندان غیری بجای دندان شکسته یا افتاده کفت حلبی که پرسیدم ابا عبد الله را علیه السلم از دندان پیش که شکسته شده باشد و جدا نشده باشد که آیا می توان محکم کرد انرا بطلا واکر افتاده باشد بجای ان دندان کوسفند بنهد می توان نهاد کفت بلی بشرط انکه آن کوسفند را ذبح کرده باشد و مضمون این حدیث عبد الله بن سنان نیز از ابی عبد الله ع روایت کرده وکفت زراره که پرسیدم من ابا عبد الله را و من حاضر بودم از حال مردی که دندان او افتاده بود که آیا تواند که دندان ادمی مرده را بجای آن بنهد انحضرت کفت باکی نیست **باب ششم** در بیان لباس و منزل و انچه متعلق است بان هر دو و درین باب ده فصل است و انچه مذکور است درین باب اختیار کرده ایم از کتاب لباس مکر اندکی که ذکر خواهم کرد در محل خودش **فصل اول** در بیان تجمل بلباس و کیفیت پوشیدن آن و دعائی که می باید خواند در وقت پوشیدن لباس **در بیان** تجمل بلباس **وکفت** ابو عبد الله ع که چون امیر المؤمنین علی ع فرستاد

ابن عباس را رضی الله عنه سوی خوارج ابن عباس رض پوشید بهترین جامهای
خودرا و بهترین بوی خوش بکار برد و بهترین مرکبهای خودرا سوار شد
و رفت سوی ایشان و با ایشان جنک کرد پس خوارج کفتند ای ابن عباس
تو بهترین مردمانی چونکه آمدی نزد ما بلباس متکبران و مرکبهای ایشان پس ابن
عباس خواند برایشان این آیه را که قُل مَن حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بکوای محمد که کی حرام کرده است آرایشی که
خدای تعالی مقرر فرموده یعنی جامهای رنکارنک آن آرایشی که بمحض قدرت
بیرون آورده برای بندکان خود را انباتات چون کتان و پنبه و از حیوانات
چون پشم و حریر و از معادن و کی حرام کرده است روزی حلال لذیذرا
از خوردنی و آشامیدنی پس کفت ابن عباس که لباسهای خوب
بپوش و تجمل کن با آن بدرستی که خدای تعالی نیکوست و دوست میدارد
نیکورا و می باید که این لباس از وجه حلال باشد و کفت اسحق بن
عمار که پرسیدم یکی از ائمه را علیهم السلم از حال مردی که مال دار باشد
و جامهای بسیار و پیراهن بسیار داشته باشد و تجمل کند بان که آیا این
شخص مسرف است آنحضرت کفت که خدای تعالی میکوید که لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ
مِنْ سَعَتِهِ یعنی باید که نفقه دهد خداوند فراخی و توانکری از غنای
خود یعنی بقدر توانایی خواهی صرف می باید کرد روایت کرده است
ابوعبدالله ع از پدر خود ع که کفت امیر المومنین علی ع که روغن
مالیدن اشکار امیکند توانکری را و جامه اشکار امیکند جمال را و نیکویی

کردن

کردن با بندکان خود خوار میکرداند دشمنان را روایت کرده است
امام جعفر صادق ع از پدر خود ع که مردی بدر خانهٔ حضرت پیغمبر
ص آمد و رخصت طلبید که در آید آنحضرت ایستاد و نظر کرد در آن
ظرف و اصلاح کرد محاسن خود را و بعد از آن بیرون رفت چون باز
کشت و در آمد بخانه عایشه کفت با آنحضرت که یا رسول الله تو بهترین
فرزند آدمی و رسول پروردکار عالمی چون ایستادی و نظر کردی در
ظرف آب و اصلاح کردی محاسن و موی سر خود را آنحضرت ای عایشه
دوست میدارد که هر کاه بیرون رود بنده مومن نزد برادر مومن
زینت کند خود را و تجمل کند بلباس در بیان لباس نیکو کفت
سفیان ثوری که کفتم بابی عبدالله ع که روایت میکنی که امیر المومنین علی ع
لباس درشت می پوشید و تو لباس سفید خوب می پوشی آنحضرت کفت
وای بر تو بدرستی که امیر المومنین علی ع در زمان عسرت و دشواری
بود و وقتی که در زمان وسعتی باشد نیکان زمان سزاوارترند بچیز
های خوب روایت کرده است امام حسن عسکری که کفت امام
رضا ع که حضرت یوسف ع دیبای پوشید و لنک زربفت می بست
و بر تخت می نشست و عدالت میکرد روایت که امام زین العابدین
ع دو جامه می پوشید در تابستان که می پوشید که خریده بودند از برای
او به پانصد دینار یا پانصد درهم و می پوشید در زمستان جامه
خز برای او به پانصد دینار یا پانصد درهم و می پوشید در زمستان جامهٔ
جبهٔ علمدار و میفروخت آن جامه را در تابستان به پنجاه دینار

پس آنحضرت بیرون آمد پس یافت ظرف آبی را دید

دقتی بمذهب ما آن است که دید کرد بعضی محتاج به قیمت آنها

و تصدق میکرد بهای آن را **گفت** عبدالله بن سنان که شنیدم از ابی
عبدالله ع که میگفت که من در طواف بودم که مردی کشید جامه مرا
چون متوجه شدم عباد بصری بود گفت ای جعفر بن محمد می‌پوشی مثل
این جامه را و حال آنکه تو بجای امیرالمؤمنین علی ع نشسته گفتم با و که وای
بر تو این جامه سعیدی را خریده‌ام بیک دینار و کسری و امیرالمؤمنین علی
ع در زمانی بود که نیکو بود او را پوشیدن آن جامه در آن زمان و اگر
این نوع لباس در این زمان بپوشم مردمان میگویند که این کس ریا
میکند مثل عباد **گفت** امیرالمؤمنین علی ع که باید که زینت کنند برای
برادر مؤمن وقتی که بیاید نزد شما همچنانکه زینت میکنند برای غریبی که
دوست میدارید که ببیند آن غریب شما را در بهترین صورتی
گفت ابو خداش المهری که آمد نزد ما در بصره غلام امام رضا ع
که نام او عبیده بود و گفت که آمدند طائفه از اهل خراسان نزد ابو الحسن ع
و گفتند با و که مردمان منکرند این لباس را که پوشیده آنحضرت گفت
با ایشان که یوسف ع پیغمبر بود و پدر و جد او نیز پیغمبر بودند و دیبا می‌پوشید
و بند زربفت می‌بست و می‌نشست بجای آل فرعون و حکم میکرد و حیف
نشد نزد خدای تعالی و عدالت میکرد و واجبست بر امام که وقتی حکم
کند عدل کند و هرگاه وعده کند وفا کند و هرگاه سخن گوید راست
گوید و خدای تعالی حرام گردانیده است حرام را خواه کم باشد و خواه بسیار
روایت کرده است محمد بن عیسی که گفت یکی از ائمه علیهم السلام

که

بنشینم

که آنهائی که مشقت میکشند از دوستان من دوست میدارند که بنشینند بر
نمد و لباس درشت بپوشم و زنان اقتضای آن نمیکنند **در بیان** بسیاری
جامه **روایت** که گفت اسحق بن عمار که گفتم بابی عبدالله ع که آیا می‌تواند
بود که مؤمن را ده پیراهن باشد گفت بلی گفتم بیست میتواند بود گفت
بلی و این اسراف نیست اسراف آنست که جامهٔ که بآن تجمل کنی همیشه
بپوشی آنرا **روایت** کرده ابو اسحق از ابی عبدالله ع مثل این و گفت
که گفتم بابی عبدالله ع که آیا می‌تواند بود مؤمن را صد هزار جامه گفت بلی
و گفت اسحق بن عمار که گفتم با امام موسی ع که آیا اگر مردی ده پیراهن
داشته باشد اسراف است گفت نه بلکه پیراهن بسیار داشتن نگاه
میدارد جامه را لیکن اسراف آنست که بپوشی جامه تجمل خود را در جای
که پاک نباشد **در بیان** دعائی که در وقت جامه پوشیدن می‌باید
خواند **و گفت** معاویة بن عمار که ابو عبدالله ع در وقت جامه
پوشیدن این دعا میخواند اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ یُمْنٍ وَ بَرَکَةٍ اَللّهُمَّ ارْزُقْنِی
فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ وَ حُسْنَ عِبادَتِکَ وَ الْعَمَلَ بِطاعَتِکَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی رَزَقَنِی
ما اَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِی وَ اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ **و گفت** ابو عبدالله ع که
آنکسی که جامه نوی بپوشد باید که سی و شش نوبت انا انزلناه بخواند
و چون به تنزل الملائکه برسد بگوید تنزل الملائکه و بعد از آن اندک
آبی بردارد و بیفشاند بعضی از آن آب را بر جامه و بعد از آن در آن
جامه دو رکعت نماز بگذارد و این دعا بخواند الحمد لله الذی رزقنی

ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و حمد بکوید خدای تعالی را پس هر گاه چنین کند همیشه فراخ روزی باشد تا آنکه آن جامه کهنه شود

دو ا روایت کرده بسند از ابی جعفر ع که چون شخصی جامه نو بپوشد چه دعا بخواند گفت باید که بخواند بسم الله و بالله اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس

از کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع که صالح ازرق روایت کرده است از جد خود صالح که گفت که ندیدم هرگز مردی که زهد و پرهیزکاری کند او در دنیا بیشتر باشد از علی و قسمت کردن او و بیوت بیشتر باشد از امیر المؤمنین علی ع بحق خدا که آنحضرت دو جامه هرگز نپوشید تا آنکه از دنیا رحلت کرد و نمی پوشید ندر آن زمان دو جامه مگر مردم فرود

وگفت علی بن ابی ربیعه که دیدم در بدن امیر المؤمنین علی ع جامهای درشت گفتم که چیست این آنحضرت گفت که این جامه پوشنده تر است عورت را و خشک کننده تر است عرق را از این جامه دوات کرده است امام جعفر صادق از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی ع که آنکسی که قناعت کند از دنیا با چیز کافی باشد او را اندک چیزی که کافی نیست در دنیا با چیز کفایت کند او را هیچ چیز در دنیا کفایت نکند او را وگفت عبد الاعلی مولای آل سام که گفتم با بی عبد الله که مردمان میگویند که مال تو بسیار است آنحضرت گفت بدمی آید مرا این سخن بدرستی که امیر المؤمنین علی

وکسی که قانع نباشد

ع گذشت روزی بجماعتی گفتند که علی را مالی نیست آنحضرت شنید این سخن را پس فرمود آنکس را که مالی او را بصدقه میداد که جمع کند خرمای او را و هیچ کس از آن خرما ندهد و بفروشند و بهای آنرا نقد کند آنکس چنین کرد و از نزد آنحضرت برد آنحضرت آن زرها را بجای خرما نهاد و گفت با آنکس که هر گاه خرما طلب کنم بالا رو و بزن پای خود را بر آن زرها بطریقی که گویا تو قصد آن زر نکردی تا آنکه پراکنده شود بعد از آن آنجماعت را طلبید و بعد از آن خرما طلبید آن مرد رفت و پای خود را بر آن زرها زد و پراکنده ساخت این زرها را آنجماعت گفتند این چه زر است یا ابو الحسن آنحضرت گفت که این مالی کیست که گمان شما این بود که او را مالی نیست چون آن جماعت بیرون رفتند آنحضرت گفت با اصحاب خود که هر اهل و بیتی که من بفرستم این زر را با ایشان شما برسانید با ایشان پس گفت ابو عبد الله ع که دوست نمیدارم که بگویند مردمان غنی این را وگفت مختار تمار که شب بروزی آوردم در مسجد کوفه و ندانی میگفتم از بقالی که از اهل بصره بود روزی بیرون رفتم پس آواز کرد مرا مردی و گفت لنگ خود را بالا کش بدرستی که جامه تو پاکتر می ماند و تقوی و پرهیزکاری تو زیاده میشود پس پرسیدم کیست این مرد گفتند امیر المؤمنین علی ع است پس در عقب آنحضرت رفتم و او متوجه بود ببازار شتر چون بآن بازار رسید گفت ای جماعت بازرگانان سوگند دروغ نخورید بدرستی که سوگند دروغ کم میکند متاع را

و آنحضرت جامه پاره پوشیده بود

که نظر کنید که هر اهل و بیتی که آنها میفرستادم از برای آنها شما بفرستید این زرها و با ایشان بهمان تعداد برسانید

وی برد بوکت را و بعد از آن از آنجا گذشت و ببازار خرما فروشان رسید
بر کنیزی میگریست نزد خرما فروشی آنحضرت گفت با آن کنیز که چیست ترا
آن کنیز گفت که بنده مردم و ایشان یک درهم دادند بمن و فرستادند که برای
ایشان خرما بخرم چون خرما خریدم و نزد ایشان بردم قبول نکردند باز آوردم
خرما را نزد خرما فروش و او قبول نمیکند آنحضرت گفت بخرما فروش که بگیر
این خرما را و زر کنیز را وا پس ده خرما فروش قبول نکرد کسی گفت بخرما
فروش که این علی ابن ابی طالب است پس خرما فروش گرفت خرما را و زر را
بکنیز داد و گفت که نشناختم ترا یا امیر المؤمنین عفو کن مرا آنحضرت گفت
ای جماعت بازرگانان بترسید از خدای تعالی و نیکو کنید خرید و فروخت
خود را تا آمرزیده شویم ما و شما بعد از آن آنحضرت از آنجا گذشت و
باران شد پس نزدیک خانه رسید و اذن طلبید که بآنجا نزد در آید صاحب
خانه رخصت نداد و آنحضرت را دور کرد حضرت شاه ولایت بقنبر گفت
بیرون آر صاحب خانه را و تازیانه بزن قنبر چنین کرد بعد از آن آنحضرت
گفت بصاحب منزل که ترا بجهت آن نزدم که مرا بخانه خود راه ندادی و لیکن
بجهت آن زدم که مسلمان ضعیفی را منع نکنی از خانه خود بعد از آن از آنجا
گذشت و آمد ببازار کرباس فروشان پس رسید بمردی که دکان داشت
و گفت که آیا نزد تو دو جامه هست که بهای آن پنج درهم باشد آن مرد برجست
و گفت یا امیر المؤمنین که نزد من هست آنچه تو میخواهی چون آنحضرت
را آن مرد شناخت آنحضرت از او درگذشت و رسید بغلامی و گفت ای غلام

نزد

نزد تو دو جامه هست که بهای او پنج درهم باشد غلام گفت بلی آنحضرت دو
جامه خرید از آن غلام یکی را بسه درهم و دیگری را بدو درهم آن جامه را که بسه
درهم خریده بود بقنبر داد قنبر گفت یا امیر المؤمنین تو با این جامه سزا
وارتری بجهت آنکه تو بر بالای منبر میروی و خطبه میخوانی آنحضرت گفت
تو جوانی و ترا حرص جوانی هست و من شرم میدارم از پروردگار خود
که تفضیل جویم بر تو و جامه بهتر را بپوشم و من شنیدم از رسول خدا صلعم
که میگفت که از آنچه شما می پوشید بندگان خود را بپوشانید و از آنچه
خود میخورید بایشان بدهید چون امیر المؤمنین ع آن جامه را پوشید
دست خود را دراز کرد و آستین جامه دراز تر بود از انگشتان آنحضرت
گفت بآن غلام که این زیادتی را ببر آن غلام زیادتی را برید و گفت
بیار تا بدوزم آستین را آنحضرت گفت بگذار که همچنان باشد بدرستی
که دنیا زود میگذرد و باین چنینها متوجه نمی باید شد **وگفت** ابو
بصیر که شنیدم از ابی جعفر ع که میگفت که امیر المؤمنین علی ع پیرهنی
خرید بچهار درهم و پوشید آن را و دست خود را دراز کرد آستین او دراز
تر بود از انگشتان آنحضرت گفت بخیاط که مقراض بیار خیاط مقراض آورد
آنحضرت برید آستین پیرهن را تا سر انگشتان و بعد از آن این دعا خواند
الحمد لله الذی کسانی من الریاش ما استر به عورتی واتجمل به فی الناس
اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اسعی فیه لمرضاتک عمری واعمر فیه
مساجدک بعد از آن گفت که شنیدم از حضرت پیغمبر ص که میگفت که اینکه

که انکسی که جامه نو بپوشد و این دعا بخواند خدای تعالی گناهان او را بیامرزد

و دیگر که منقولست از کتاب نجات که می باید خواند نزد پوشیدن زیر جامه اینست که اللّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتی وَآمِنْ رَوْعَتی وَاعْفُ فَرْجی وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فی ذلِكَ نَصیباً وَلا لَهُ اِلی ذلِكَ وُصُولاً فَیَصْنَعُ اِلَیَّ الْمَکائِدَ وَیُهَیِّجُنی لِارْتِکابِ مَحارِمِكَ **روایت** کرده است امام جعفر صادق ع که امیر المؤمنین علی ع گفت که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از زیر جامه می پوشیدند **روایت** که زیر جامه را ایستاده و رو بقبله و برهنه نمی باید پوشید **و گفت** امام جعفر صادق ع که امیر المؤمنین علی ع روزی غمگین شد پس گفت این غم از کجا آمد نمیدانم که نشسته باشم بر آستانه دری و رفته باشم در میان گوسفندان و ایستاده زیر جامه پوشیده باشم و دست و روی خود را بدامن خود خشک کرده باشم **و گفت** حضرت پیغمبر ص که وقتی که جامه بپوشید و وضو کنید ابتدا بدست راست کنید **روایت** کرده است امام جعفر صادق ع که امیر المؤمنین علی ع گفت که هرگاه بپوشاند خدای تعالی مؤمنی را جامه نوی باید که وضو کند و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه بخواند پس حمد بگوی خدای تعالی را که بپوشانید عورت او را و زینت داد او را در میان مردمان و بسیار بگوید لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ بدرستی که چون چنین کند مادام که این جامه را پوشیده باشد گناه نکند

بعدد هر رشته که درین جامه است فرشته طلب آمرزش و رحمت کند **و گفت** ابو عبد الله ع که وقتی که وضو سازی یا چیزی بیاشامید یا طعامی بخورید یا چیزی بپوشید و هر کاری که کنید سزاوار آنست که بسم الله بگوئید و اگر نگوئید شیطان شریک شما میشود در ان **روایت** که انکسی که بگیرد قدحی را و در وی آب کند و در آن آب سی و پنج نوبت انا انزلناه بخواند و آن آب را بیفشاند بر جامه نو بعد از ان بپوشد آن جامه را همیشه فراخ روزی باشد تا آن جامه کهنه شود **روایت** که امام رضا ع در جامه پوشیدن ابتدا بدست راست میکرد و هرگاه جامه نوی پوشید قدح آبی طلبید و بران ده نوبت اِنّا اَنْزَلْناهُ و ده نوبت قُلْ هُوَ اللّه و ده نوبت قل یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ میخواند و این آب را بران جامه می پاشید و بعد از آن جامه را می پوشید و گفت که انکسی که چنین کند همیشه در فراخ و خوشی باشد مادام که از ان جامه رشته باقی باشد **گفت** زراره که شنیدم از ابی جعفر ع که میگفت که امیر المؤمنین علی ع عراق خرید پیراهنی درشتی بچهار درهم و استینهای از آن برید تا رسید بسر انگشتان و کوتاه ساخت آن پیرهن را تا نصف ساق چون پوشید حمد و ثنای خدای تعالی بجای آورد **روایت** کرده است ابن عباس رض که گفت حضرت پیغمبر ص که انکسی که لنگ نیابد باید که زیر جامه بپوشد و انکسی که نعلین نیابد باید که موزه بپوشد **فصل دوئم** در بیان بالا کشیدن جامه و پاک نگاه داشتن آن **روایت** کرده است اسحق

بن عمار که گفت ابو عبدالله ع که کمتر بن اسراف آنست که بریزند آبی
را که مانده باشد در ظرف و جامه تجمل خود را همیشه بپوشی روایت
کرده است حسن بن علی بن علی بن یقطین که گفت ابو جعفر ع که بالا
کشیدن جامه را خب جامه است و بیشتر می ماند روایت که جامه
پاکیزه خوار میکرداند دشمن را و روغن مالیدن می برد سختی و سر شانه
کردن می برد وبا را و محاسن شانه کردن محکم میکرداند دندانها را
روایت کرده است ابو جعفر ع که گفت امیرالمؤمنین علی ع که شستن
جامه می برد غم و اندوه را و پاک کننده است برای نماز و خدای تعالی فرمود
که و ثیابک فطهر یعنی جامهای خود را پاک کردان امیرالمؤمنین علی
ع فرمود که مراد از پاک کردانیدن بدستی که جامها را بالا کشند
روایت کرده است ابو جعفر ع از پدر خود ع که حضرت پیغمبر ص فرمود
که انکسی که جامه بپوشد باید که پاک نگاه دارد جامه را
ابو جعفر ع که قول خدای تعالی که و ثیابک فطهر این معنی دارد که جا
مهای خود را بالا کیر فصل سیم در بیان پوشیدن انواع لباس و
اختلاف رنگهای آن در بیان پوشیدن جامه سفید روایت
کرده است ابو عبدالله ع که گفت امیرالمؤمنین علی ع جامه کتان بپو
شید بدرستی که این لباس رسول خدا ص و لباس ما است و نمی پوشیم
ما که اهل بیتیم جامه که از پشم و مو ساخته باشند مگر بجهت علتی
و گفت امیرالمؤمنین ع که خدای تعالی جمیل است و دوست میدارد

که ببیند اثر نعمت خود را بر بنده خود و گفت ابو عبدالله ع که کتان
لباس پیغمبران است علیهم السلام روایت کرده است جابر از ابی جعفر ع
که رسول خدا ص فرمود که نیست از لباسهای شما چیزی بهتر از جامه سفید
پس بپوشید انرا و کفن کنید بآن مردهای خود را در بیان لباس
سیاه روایت کرده است سلیمان بن رشید از پدر خود که گفت دیدم
ابا الحسن را ع که ردای سیاه و ردای کبود بر دوش خود انداخته بود
و گفت ابوظبیان الحسینی که امد نزد ما امیرالمؤمنین علی ع و ما در صحن
مسجد بودیم و او با خمیصه بود و خمیصه جامه سیاه چهار گوشه است
که دو علم دارد و گفت حسین پوشیده بود خمیصه جامه سیاه چهار
گوشه است که دو علم دارد و گفت حسین بن مختار که گفتم بابی عبدالله
ع که احرام می توان بست در جامه سیاه گفت جایز نیست احرام بستن
در جامه سیاه و کفن کردن میت را با آن فصل سیم پوشیدن لباس
زرد و زعفرانی و گفت ابوظبیان الحسینی که امد نزد ما امیرالمؤمنین
علی ع و ما در صحن مسجد بودیم و او لنگ زردی بسته بود و خمیصه سیاهی
و نعلین پوشیده بود و در دست او نیم نیزه بود و گفت نداره که بیرون
آمد ابو جعفر ع که غمانکدار در بعضی از اطفال و پوشیده بود جبه و
لم و مطرفی که هر یک از انها زرد بود و مطرف ردای است که از خز
و ابریشم بافته باشند و بر و علمها منقش باشد و گفت ابو عبدالله ع
که هیچ چیز نیکوتر نیست از چادر یکپارچه تنک هموار که بزعفران رنگ

در بیان پوشیدن لباس معصفر

کرده باشند گفت عبد بن عطا که دیدم که ابو جعفر ع پوشیده
بود بالاپوشی سرخی سبز رنگی که از ورنگین شده بود بدن مبارک آنحضرت
گفتم چه چیز است این آنحضرت گفت بالاپوش زن خبر منست وگفت
حکم بن عتیبه که رفتم نزد ابی جعفر ع وآنحضرت بالاپوشی پوشیده بود که
بگل کاثیره رنگ کرده بودند ومیان دو دوش وگردن آنحضرت از آن
رنگین شده بود نظر کردم بان بالاپوش آنحضرت گفت ای حکم چه میگوئی
در حق این بالاپوش گفتم ما عیب میکنیم جوان بالغی را مثل این کار کند چه
گویم وحال آنکه تو برخود پوشیده آنحضرت گفت ای حکم که حرام کرده است
زینت خدای تعالی را که داده است بر بندگان خود و روزی حلال را ای
حکم من تو کدخدا شده ام وکسی که نو کدخدا شده باشد باید که زینت
کند خود را وگفت ابو جعفر ع که همیشه بکراهت می پوشم جامه سرخ سبز
رنگ را مگر در عروسی وگفت مالک که رفتم نزد ابی جعفر ع وآنحضرت
بالاپوشی پوشیده بود که بسیار سرخ بود وقتی که در آمد نزد آنحضرت
تبسم کردم گفت آنحضرت که دانستم که چرا خندیدی بجهت این بالاپوش
که پوشیده ام بدرستی که ثقفیه زن من پوشانید این بالاپوش را بمن و
ثقفیه زوجه آنحضرت بود بعد از آن آنحضرت گفت که ما نماز نمیگذاریم
در این جامه باید که شما هم نماز نکنید در جامه سرخ پس رفتم نزد آنحضرت
بعد از این واقعه بچند روزی واحوال ثقفیه پرسیدم آنحضرت گفت
که او را طلاق دادم بجهت آنکه وقتی با او خلوت کرده بودم معلوم شد

که او

که او دشمن امیر المؤمنین علی ع بود ونتوانستم که نگاه دارم او را وحال
آنکه او دشمن آنحضرت باشد وگفت حکم بن عیینه که دیدم که ابو
جعفر ع لنگ سرخی بسته بود پس تیز نظر کردم در و گفت ای ابو محمد پو
شیدن این باکی نیست وبعد از آن خواند این آیه را که قُلْ مَنْ حَرَّمَ
زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگوای محمد
که کی حرام کرده است آرایشی که خدای تعالی مقرر فرموده یعنی جامه‌ها
رنگارنگ آن آرایشی که بمحض قدرت بیرون آورده برای بندگان خود
از نباتات چون کتان وپنبه واز حیوانات چون پشم وحریر واز معا
دن وکی حرام کرده است روزی حلال لذیذ را از خوردنی واشامیدنی

در بیان پوشیدن لباس گلگون وعدسی وکبود وسبز

وگفت حسین بن زیات که دیدم که ابو جعفر ع بالاپوشی گلگونی
پوشیده بود وگفت محمد بن علی که دیدم که ابو الحسن ع جامه عدسی
پوشیده بود روایت کرده سلیمان بن رشید از پدر خود که گفت
که بر دوش ابی الحسن ع ردای کبودی بود وگفت ابو العلا که دیدم
ابو عبد الله را ع که جامه سبز پوشیده باشد در وقتی که حج بسته بود
وگفت ابان بن تغلب که رفتم نزد ابی عبد الله ع در روز آخر
ماه رمضان بعد از عصر بود چون جبرئیل ع متوجه آسمان شد آنحضرت
طلب کرد حضرت فاطمه را وحضرت فاطمه هر گاه می شد که حضرت او را طلب
کرده بود قبول میکرد پس حضرت فاطمه رفت نزد آنحضرت و بر رو فوطه بود

که نصف او را بر میان بسته بود و نصف دیگر را بر سر خود انداخته بود
آنحضرت گفت بفاطمه که طلب کن امیرالمومنین علی را ع حضرت طلبید امیر
المومنین را ع پس آنحضرت امیرالمومنین را گرفت و در کنار خود نهاد و حضرت
فاطمه را بر دست چپ خود نشاند و دست او را گرفت و در کنار خود نهاد
و بعد از آن با امیرالمومنین و حضرت فاطمه گفت که آیا خبر دهم بشما بخبر
داد بمن جبرئیل گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت جبرئیل خبر داد بمن
که من از جانب راست عرش خواهم بود در روز قیامت و خدای تعالی دو
جامه خواهد پوشانید مرا که یکی سبز باشد و دیگری سرخ و تو هم
یا علی از جانب راست عرش خواهی بود و خدای تعالی ترا دو جامه خواهد
پوشانید یکی سبز و دیگری سرخ و توای فاطمه نیز از جانب راست
عرش خواهی بود و خدای تعالی ترا دو جامه خواهد پوشانید یکی سبز و دیگری
سرخ ابان بن تغلب میگوید که گفتم بابی عبدالله ع که فدای تو گردم بدرستی
مردمان کراهت میدارند جامه سرخ آنحضرت گفت ای ابان خدای تعالی چون
حضرت عیسی را ع بآسمان برد او را برهنه برد کرد و هفتاد عزیز بود دو
جامه باو پوشانید یکی سبز و دیگری گلگون گفتم فدای تو گردم خبرده
نشنفت ما بیچ این از قرآن آنحضرت گفت ای ابان خدای تعالی میگوید که فاذا
انشقت السماء فکانت وردةً کالدهان یعنی وقتی که آسمان شکافته شود برای
فرو آمدن فرشتها پس رنگ گل سرخ گردد مانند ادیم سرخ فصل چهارم
در بیان پوشیدن جامه خز و حله و غیر آن در بیان در بیان پوشیدن

جامه

جامه خز و خز جوانیست که در دریا می باشد و از موی او جامه می بافند
و گیسه را نیز خز میگویند و گفت عبدالله بن سلیمن که شنیدم از ابی
عبدالله ع که میگفت که امام زین العابدین را ع هر سرما و وقت در می یافت برزدی
ها و میخرید جامه خز را بهزار درهم یا پانصد درهم و چون زمستان بیرون
میرفت میفروخت آنرا و بهای او را تصدق میکرد و هیچ جامه خود را بجز
خز و غیر خز و گفت قتیبة بن محمد که گفتم بابی عبدالله ع که ما می پوشیم
جامه خز را و تار آن ابریشم است آنحضرت گفت باکی نیست پوشیدن
جامه ابریشمین وقتی که با ابریشم چیزی دیگر باشد و خز مو دیگر روایت که رسید نخعی
بحضرت امام حسین ع و آنحضرت جامه خز پوشیده بود که تار آن ابریشم بود
و گفت با آنحضرت که ما می پوشیم لین لباس بربری او بنم او میت است و
بربریم طایفه از مردمند آنحضرت گفت که در پشم روح نمی باشد آیا نمی بینی
که پشم را می برند و میفروشند و آن حیوان زنده است و روایت کرده است
امام حسن عسکری ع که گفت امام زین العابدین ع دو جامه می پوشید
در تابستان که خریده بودند برای آنحضرت آن هر دو را به پانصد درهم
و می پوشید در زمستان ردای از خز و میفروخت در تابستان آنرا به پنجاه
دینار و تصدق میکرد بهای آنرا روایت است از محمد بن مسعد که گفت
ابو عبدالله ع که دیدم می پوشید جامه خز که به پانصد درهم میخرید هر
سال بر آن جامه میگذشت تصدق میکرد آن جامه را شخصی گفت با آنحضرت
که کاشکی بفروشی و بهای آنرا تصدق کنی آنحضرت گفت که چون بفروشم

و امام حسین روزی که شهید شد جامه جبه در تن داشت که تار آن ابریشم بود

جامه را که در آن نماز گذارده ام وگفت عبد الرحمن بن حجاج که
پرسید مردی ابا عبد الله را ع از پوست خز و من حاضر بودم آنحضرت گفت
باکی نیست پوشیدن آن مرد گفت فدای تو گردم خز در شهر ما می باشد و
او سگ آبی است که از آب بیرون می آید آنحضرت گفت هرگاه از آب
بیرون آمدن زنده می ماند در خشکی آن مرد گفت بلی آنحضرت گفت باکی نیست
بآن ومنقولست از کتاب زهد امیر المؤمنین ع که روایت کرده علی که روایت
کرده علی ابن عمران که بیرون رفت امام حسین ع و علی ع در صحن مسجد بود امام
حسین ع پیرهنی از خز پوشیده بود و طوق طلا در گردن داشت گفت
امیر المؤمنین علی ع که این پسر منست گفتند بلی آنحضرت طلبید امام حسین را
ع و پاره کرد پیرهن او را بر تن او و گرفت طوق را و شکست در بیان
پوشیدن حله روایتست از معلی بن خنیس که گفت ابو عبد الله ع
که آوردند نزد امیر المؤمنین علی ع حله ها و در میان آنها یک حله بود امام
حسین ع گفت این حله را بمن بده امیر المؤمنین علی ع قبول نکرد و گفت
بجای آن دو جامه بتو بدهم امام حسین قبول نکرد و گفت که این حله
بهتر از آن هر دو است آنحضرت گفت بجای آن سه حله بتو بدهم امام
حسین قبول نکرد و گفت آن حله بهتر از این سه حله است آنحضرت گفت
چهار حله بدهم تا آنکه به پنج حله رسانید امام حسین قبول کرد آنحضرت
پنج حله را بامام حسین داد و گفت می پوشی این پنج حله را پس مردمان
بگویند که پسر امیر المؤمنین پنج حله می پوشد و چرکین و ضایع میکند

پنج حله را و حال آنکه این پنج حله را به پنج مسلمان می پوشانم در بیان
پوشیدن جامه ابریشمین روایتست کرده است امام جعفر صادق ع
که گفت پدر من که آمد اسامة بن زید نزد رسول خدا ص و جامه ابریشمین پوشیده
بود آنحضرت فرمود که این لباس کسی است که او را نصیبی نیست از آخرت
و بعد از آن آنحضرت فرمود که پاره کن این جامه را او پاره کرد این جامه را
و مقنعه زنان خود ساخت وگفت ابو عبد الله ع که نیکو نیست
پوشیدن جامه ابریشمین و دیبا اما فروختن آن باکی نیست روایتست از ابراهیم مهران
که پرسیدند ابا عبد الله یا ابا الحسن را علیهما السلام از پوشیدن جامه
ابریشمین و دیبا آنحضرت گفت که پوشیدن آن جامه در جنگ باکی نیست
و اگر چه در و صورتها باشد منقولست از کتاب زهد امیر المؤمنین ع که
گفت علی بن عمران که بیرون رفت امام حسین ع و امیر المؤمنین علی ع
در صحن مسجد بود و امام حسین ع پیرهن خز پوشیده بود تا آخر
روایت که از پیش گذشت و غرض از نقل این روایت درین مقام اینست
که پوشیدن جامه خز جایز است روایتست از عمرو یا از عمر بن نجبة
السکونی که گفت که آوردند نزد امیر المؤمنین علی ع اسب دهقانی را
که آنحضرت سوار شود چون آنحضرت پای خود را در رکاب نهاد گفت
بسم الله چون دست خود را بر زین نهاد دست آنحضرت لغزید آنحضرت
گفت که آیا میان این زین دیبا است شخصی گفت بلی آنحضرت سوار نشد چون
دانست که دیباست در بیان پوشیدن جامهای مصری که در

کرده و ابریشم باشد و غیر آن روایتست از داود بن سرحان که گفت ابو عبدالله ع
که امیر المؤمنین ع فرمود که منع کرد حضرت پیغمبر ص مرا از پوشیدن جامهای
مصری که در او ابریشم باشد و انگشتری طلا در انگشت کردن و سوار شدن
بر زینی که بر و بالش سرخ باشد و قرآن خواندن در رکوع و نمیگویم که
منع کرد شما را از اینها فصل پنجم در بیان تکبر و تواضع کردن بجهت پر
شدن لباسها و پیوند کردن جامها و پوشیدن جامهای وگفت عبدالله
بن هلال که فرمود مرا ابو عبدالله ع که بخرم برای او فوطه که لنگ کند گفتم
با انحضرت که نمی یابم مگر فوطه کشادی انحضرت گفت ببر از ان فوطه و بدوز کنار
از آن پس گفت انحضرت که پدر من گفت که انچه از جامه در گذرد از کعبین
در دوزخ است روایت کرده است عبدالله بن هلال از ابی
عبدالله مثل این روایت که گذشت و گفت که انچه در گذرد از کعبین از
دو جامه در دوزخ است گفت ابو اسحق السبیعی که حضرت پیغمبر ص
فرمود که بپوش لنگ را تا نصف ساق یا تا کعبین و بپرهیز از فرو گذاشتن
لنگ آن قدر که بگذرد از کعبین بپرهیز که فرو گذاشتن لنگ از تکبر است
و خدای تعالی دوست نمیدارد تکبر را گفت حضرت پیغمبر ص فرمود که فرو
گذاشتن در زیر جامه و پیرهن و دستار می باشد و انکسی که بکشد یکی
از ینها را بر زمین از روی تکبر نظر نکند خدای تعالی باو در روز قیامت
نقلست از کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع که گفت ابو مطر که امیر
المؤمنین علی ع روزی گذشت بمن و پسر عم من و نزد من بود بایبه

وگفت

وگفت بالا کش جامه خود را یا لنگ خود را تا سوده نشود بجهت کشیدن
بر زمین پس گفت پسر عم من که کیست این کس که میزند پسر عم خود را روایتست
از جابر که گفت ابو جعفر ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که بوی بهشت را در می یابند
از هزار ساله راه و در نمی یابد بوی بهشت را کسی که بکشد لنگ خود را بر زمین
از روی تکبر و بزرگواری زیرا که لایق نیست بزرگی مگر حق تعالی را که پروردگار عالم
و عالمیانست وگفت ابو عبدالله ع که حق تعالی دشمن میدارد کسی را که
تکبر کند و کسی را که فرو گذارد لنگ خود را مقدار که از کعبین بگذرد و کسی
که رواج دهد متاع خود را بسوگند روایت کرده است ابو عبدالله ع از
پدر خود که گفت که حضرت پیغمبر ص فرمود که سه کس اند که سخن نمیگوید خدای
تعالی با ایشان در روز قیامت و پاک نمیکند ایشان را از عملهای بد که کرده اند
و مر ایشانراست عذاب دردناک یا انکسی که فرو گذارد دامن خود را از
روی عظمت و بزرگی دیگران انکسی که انکسی که رواج کند متاع خود را بدروغ دیگر
انکسی که اظهار محبت و صفای خاطر کند و دلش پر از عداوت و کینه باشد
روایت کرده است ابو عبدالله ع از پدران خود علیهم السلام که حضرت
پیغمبر ص فرمود که وقتی که تغافل کنند امت من بکسی که از ایشان سؤال
کند و فرو گذارند مویهای خود را و راه روند از روی تکبر سوگند میخورد
خدای تعالی بعزت و جلال خود که بترسانم بعضی از آن امت را ببعضی
روایت کرده است ابو عبدالله ع از پدر خود که حضرت پیغمبر ص که انکسی
که راه رود از روی تکبر لعنت کند زمین او را وگفت بشیر نبال که روزی

تو را می گفت امیر المؤمنین که مسکینم
بالا کن جامه خود را تا
بزمین کشیده نشود فرمود ان
[illegible] نقشنما تو خواست مسکین
مرا حیا نکند این تحفه حمایت میکند

در مسجد بود با ابوجعفر ع پس گذشت بر ما مردی سیاهی که دو حله پوشیده
بود یکی را لنگ کرده بود و دیگری را ردا و از روی تکبر میرفت آنحضرت گفت
بمن که این مرد جبار است من گفتم که فدای تو گردم این مرد درویش است
آنحضرت گفت این جبار است **روایت** که وصیت کرده حضرت
پیغمبر ص اباذر غفاری را رحمة الله علیه این است که ای ابوذر بیشتر کسانی که بدوزخ
میبروند متکبرانند مردی گفت یا رسول الله آیا هیچکس باشد
که از تکبر خلاص شود آنحضرت گفت بلی آنکسی که پشمینه بپوشد و دراز
گوش سوار شود و گوسفند بدوشد و با مسکینان در روی ایشان بنشیند
از تکبر خلاص میشود آنحضرت گفت بلی آنکسی که پشمینه بپوشد و دراز گوش
سوار شود و گوسفند بدوشد و متاع خود را حمل کند ای ابوذر لنگ مرد تا نصف ساقین
آدمی باید و باکی نیست اگر تا میان ساق و کعب باشد و آنچه پایین تر است
از کعب در آتش دوزخ خواهد بود **ای ابوذر** آنکسی که کوتاه کند جامه
خود را برای رضای خدای تعالی خلاص میشود از تکبر **در بیان** تواضع کردن
در لباس **گفت** ابوعبدالله ع که امام زین العابدین ع روزی از خانه
بیرون آمد و جامهای نیکو پوشیده بود زود بازگشت و بمنزل خود رفت
و گفت بکنیزی که جامهای که پیش پوشیده بودم بمن ده که چون من در این
جامها نیکو راه رفتم گویا علی بن الحسین نبودم **روایت** که هرگاه امام
زین العابدین ع میرفت سر خود را در پیش می انداخت و می جنبانید
و کتفهای خود را نیز می جنبانید **گفت** ابوعبدالله ع که هرگاه

کی

کسی جامه زیبا بپوشد از حد خود در میگذرد **گفت** حسن الصیقل
که آمد بسوی ما ابوعبدالله ع جامه را که امیر المؤمنین ع پوشیده بود
در وقت وفات دامن آنرا وجب کردم دوازده وجب بود[2] **گفت**
ابوجعفر ع بجماعتی که صاحب شما امیر المؤمنین علی ع دو پیراهن میخرید
و بعد از آن میگفت بغلام خود که هر کدام میخواهی بردار یکی را غلام
برمیداشت و دیگری را آنحضرت می پوشید و هرگاه آستین پیراهن از
از سر انگشتان در میگذشت می برید زیادتی را و اگر از کف دست در
میگذشت و از سر انگشتان در نمیگذشت میگذاشت از اجمال خود **گفت**
زراره که شنیدم از ابی جعفر ع که میگفت که امیر المؤمنین علی ع خرید در عراق
پیراهن درشتی بچهار درهم و برید آستینهای آنرا تا سر انگشتان و آن پیراهن
تا نصف ساق آنحضرت بود چون پوشید پیراهن را حمد و ثنای حق تعالی
گفت و فرمود که آیا بنمایم این جامه را بشما گفتم بلی پس طلب نمود آن جامه
را آستینهای آن سه وجب بود و میان آن سه وجب بود و درازی آن
شش وجب بود **نقلست** از کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع که روایت
کرده است اصبغ بن نباته که رفتیم ما با امیر المؤمنین علی ع تا آنکه بیازار خرمافروشان
رسیدیم آنحضرت گفت ما اهل آن بازار که بریکدیگر می بینید خرماها را
که از یک نوع بینند و بعد از آن از آنجا گذشت و به بازار برده فروشان
رسید بیازار ماهی فروشان و گفت مفروشید از انواع ماهی جری
و مارماهی و طافی را جری و مارماهی نوعیست از مارماهی که فلوس

[2] و بلندی آن شش وجب بود و میان دست آن سه وجب بود

ندارد و طاقی ماهی است که در آب مرده باشد و بعد از آن از آنجا
گذشت و رسید بدار بن و داری نام محله ایست در بحرین و دو جامه
خریداری کرد از مردی و قنبر با آنحضرت بود امیر گفت یا امیر المؤمنین
چون آنحضرت دانست که او را شناخت او را باز گذشت و ازو جامه
نخرید و رفت تا آنکه رسید بغلامی و گفت با آن غلام دو جامه بمن بفروش
آن غلام مضایقه کرد در بهای جامه تا آنکه بهای هر دو جامه را بهفت
درهم رسانید یک جامه را بچهار درهم خرید و دیگری را بسه درهم پس
آنحضرت گفت بقنبر که یکی ازین دو جامه را اختیار کن قنبر برداشت آنجامه
را که بچهار درهم خریده بود و آنحضرت پوشید آنجامه را که بسه درهم خریده
بود و گفت الحمد لله الذي كساني ما اواري به عورتي واتجمل به في
خلقه و بعد از آن آمد بمسجد اکبر پس توده کرد پاره ریگ را و پشت خود را
بآن ریگ نهاد پس آمد پدر آن غلام که آنحضرت ازو جامه خریده بود
و گفت پسر من ترا نشناخت یا امیر المؤمنین و دو درهم سود کرده است
از بهای این دو جامه که بشما فروخته است بگیرید این دو درهم را آنحضرت
گفت که نمیگیرم بجهت آنکه مبالغه و مضایقه کردیم در خرید و فروخت و
هر دو باین بها راضی شدیم **گفت** ابو سعده که دیدم که امیر المؤمنین
ع بیرون رفت از قصر نزدیک او رفتم و سلام کردم بر آنحضرت دست
مرا گرفت و رفت تا بدار فرات رسید و از آنجا خرید پیرهن درشتی
بسه درهم یا بچهار درهم و پوشید از او آستین آن پیرهن برابر دست

آنحضرت

آنحضرت بود **گفت** وشیکه که دیدم که امیر المؤمنین علی ع لنگ خود را
بر بالای ناف بسته بود و آن لنگ تا نصف ساق آنحضرت بود و در دست
آنحضرت دره بود و میگردید در بازار و میگفت که بترسید از خدای تعالی
و کم مفروشید و نصیحت میکرد مردمان را بر وجهی که گویا تعلیم میکرد
طفلان را **گفت** مجمع امیر المؤمنین علی ع بیرون آورد شمشیر خود را
و گفت که کیست که بخرد این شمشیر را و اگر مرا پیرهنی می بود در گرو نمیکردم
شمشیر را پس شمشیر را بسه درهم در گرو کرد و پیرهن کرباسی خرید
که آستین پیرهن تا نصف ساق دست آنحضرت بود و درازی آن تا نصف
ساق پای آنحضرت بود **گفت** عبد الله بن ابی الهذیل که دیدم که امیر
المؤمنین علی ع پیرهنی پوشیده بود که هرگاه میکشید بطرف آستین
را با انگشتهای آنحضرت میرسید و هرگاه میگذاشت تا سر دست آنحضرت بود
روایت کرده است ابو الاشعث العبدي از پدر خود که گفت که دیدم
امیر المؤمنین علی ع که در روز جمعه غسل کرد در آب فرات و بعد از آن خرید
پیرهن کرباسی بسه درهم و نماز جمعه گذارد با مردمان در آن پیرهن و
ندوخته بودند گریبان پیرهن را **روایت** کرده است سالم بن مکرم
که گفت ابو عبد الله ع که امیر المؤمنین علی ع سه جامه خرید بیک دینار و
یک دینار عبارت از یک مثقال طلا است پیرهنی که تا بالای کعب آنحضرت
بود و لنگی که تا نصف ساق بود و ردائی از پیش تا سینه بود و از پشت
تا نشستگاه و پوشید آنجامه را و بعد از حمد و ثنا میگفت خدای تعالی

را تا آنکه بمنزل خود در آمد پس گفت ابو عبد الله ع که این لباسی است که
سزاوار نیست که بپوشیم ما فاما نمی توانیم پوشید درین زمان بجهت آنکه اگر بپوشیم
مردمان میگویند که دیوانه است یا بجهت ریا پوشیده است و هرگاه که
صاحب الزمان ع ظاهر کند این نوع لباس خواهد داشت گفت هشام
بن سالم که شنیدم از ابی عبد الله ع گفت که در راه مکه برفیقان خود که میگفت
که هرگاه فرود آیید منزلی باید که بپوشید جامه کهنه یا جامه درشت
خود را بدرستی که هرکه فرود آید بوادی مکه در دل و هیچ کبر و تکبر
باشد خدای بیامرزد او را عبد الله بن یعقوب پرسید از ابی عبد الله
ع که حد کبر چیست آن حضرت گفت که حد کبر آنست که کسی نظر کند بخود و فوق
که جامه خوب پوشیده باشد و خواهد که مردمان که مردمان بر بینند آن
جامه را بدن او و بعد از آن خواند آنحضرت این آیه را که بل الانسانُ علی
نفسه بصیرةٌ یعنی آدمی را بخود در نفس اوست دانا است باید که بخود
ندبست نکند روایت از ابن سنان که گفت ابو عبد الله ع که بود پدر
مرا دو جامه درشت که در آن نماز میگذارد و هرگاه میخواست که از خدای تعالی
حاجتی بطلبد آن دو جامه را می پوشید و طلب حاجت میکرد در بیان
پیوند کردن جامه روایتست از طلحه بن زید که گفت ابو عبد الله ع که روزی
امیر المؤمنین علی ع خطبه خواند و پوشیده بود لنگی که از کرباس درشتی
بود که پیوند کرده بود ندا از پیشتر کسی گفت با آن حضرت که این چه جامه است
آنحضرت گفت پوشیدن این جامه موجب تواضع و فروتنی است بجهت و ما

آن

آن پوشیده ایم این جامه را که مؤمنان متابعت و پیروی ما کنند روا
یتست که چون عبد الله بن عباس که باز گشت از بصره وارد مالی و
در آمد بکوفه در یافت امیر المؤمنین علی را ع در بازار آنحضرت ایستاده
بود و منادی میکرد بنفس نفیس خود و میگفت ای جماعت مردمان
آنکه که بدانیم ما که بعد از این و زجری و دیباج و طافی و مارماهی میفروشند
میزنیم او را باین دره و دیباج و مارماهی نوعیست از ماهی که فلوس
که فلوس ندارد و طافی ماهی است که در آب مرده باشد ابن عباس
گفت که سلام کردم بر آنحضرت پس آنحضرت جواب سلام من داد و گفت
ای ابن عباس چه کردی مال را گفتم یا امیر المؤمنین نزد تو من آمدم و حساب
کوی مرا که مال آوردم بعد از آن شخصی آمد نزد آنحضرت و با آن شخص
شمشیری بود که آنحضرت با او داده بود که بفروشد آن شخص گفت که بست
که این شمشیر را بهفت درهم بخرد و پیرهنی خرید بچهار درهم که گریبان او را
فاو بزی بود و دو درهم را تصدق کرد و یک درهم سه روز مراهما
کرد گفت یزید بن شریک که روزی امیر المؤمنین علی ع شمشیر خود را
بیرون آورد و گفت که کیست که بخرد شمشیر مرا و اگر مرا بهای لنگی می بود
نمیفروختم این شمشیر را گفت فضل بن کثیر که دیدم که ابو عبد الله
ع جامه کهنه پوشیده بود که پیوند داشت نظر کردم بسوی آنحضرت
گفت بمن آنحضرت که چه نظر میکنی بمن نظر کن درین کتاب که انجا حاضر
نظر کردم در آن کتاب نوشته بود که جامه نو نیست کسی را که جامه

کهنه نداره و گفت امیرالمؤمنین علی ع لنگی کهنه پوشیده بود که پیوند
کرده بودند از او کسی گفت چیست این آنحضرت گفت که پوشیدن این
جامه موجب تواضع و فروتنی است و خوار میکند نفس را و ما
بجهت آن می پوشیم این جامه را که مؤمنان متابعت ما نمایند
در بیان پوشیدن جامهای میانه گفت معاویة بن وهب که گفتم
بابی عبدالله ع که مردی بود که مال بسیار داشت و جامهای نیکو میپوشید
و او را اسباب بسیار بود بعد از آن مال او تلف شد و حال او متغیر
گشت و میخواهد که دشمنان خوشحالی کنند و بشفقت اسباب خوب
بهم میرسانید آنحضرت گفت که باید که نفقه کند آنکسی که مال دارد
بقدر وسع خود و آنکسی که تنگ روزیست باید که نفقه کند از آنچیزی
که خدای تعالی باو داده است بقدر حال خود و مشقت نکشند و بهم
رسانند اسباب در بیان پوشیدن جامه پشمینه و جامه درشت
گفت محمد بن کثیر که دیدم که ابو عبدالله ع جبه پشمینه پوشیده
بود میان دو پیرهن درشتی گفتم این چیست آنحضرت گفت که دیدم
پدر خود را ع که پوشیده بود جبه پشمینه باین طریق و ما هرگاه میخواهیم
نماز کنیم می پوشیم درشترین جامهای خود را و گفت معمر بن خلاد
که شنیدم از امام رضا ع که میگفت که بحق خدای که اگر من مرتکب امر
خلافت میشدم دایم طعام نیکو میخوردم و دایم جامه نیکو می پوشیدم
و دایم راحت و خوش نمی بودم و گفت رسول خدا ص در وصیتی

که کرده

که کرده است اباذر غفاری را که ای ابوذر بدرستی که لباس درشت
می پوشم و می نشینم بر روی زمین و میلیسم انگشتان خود را وقت طعام
خوردن و سوار میشوم بر دراز گوش بی زین و کسی را ردیف خود
میسازم پس آنکسی که نخواهد سنت مرا و متابعت من نکند از دوستان
و محبان من نیست ای ابوذر گاهی جامهای درشت بپوش و گاهی
جامهای نرم نازک تا آنکه فخر نباید بتو و منقولست از امالی شیخ بابویه
رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر ص فرموده است که پنج چیز را وا نمیگذارم
تا وقتی که از دنیا بروم تا آنکه اینها سنت باشد بعد از من چیزی خوردن
بر روی زمین با بندگان و سوار شدن بر دراز گوش پالان دار
و دوشیدن بز بدست خود و پوشیدن پشمینه و سلام کردن بر طفلان
و نقلست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر ص که پوشیدن جامه
پشمینه و سیر نا خوردن بدرستی که این جزوی است از پیغمبری و نیز
گفت که جامه پشمینه و جامه کوتاه بپوشید و سیر مخورید تا آنکه
مرتبه شما بلند شود و منقولست از کتاب محاسن که ذکر کرده اند
نزد ابی عبدالله ع که راهبی گفته است که لباس مویینه شبیه است با
بلباس اهل مصیبت آنحضرت گفت کدام مصیبت بزرگتر است از مصیبت
دین و منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر ص که بر شما باد
که لباس پشمینه بپوشید تا بیابید حلاوت ایمان را و کم چیزی بخورید
تا آنکه در آخرت معروف و مشهور شوید و بدرستی که نظر در

در لباس پشمینه موجب تفکر است و تفکر موجب حکمت است و
حکمت روان میشود در دل شما مانند خون **فصل ستم** در کراهیت
لباس شهرت و نکته چند در لباس **در بیان** لباس شهرت **گفت**
ابو عبدالله ع که کافیست مرد را در رسوائی این که بپوشد لباسی یا
سوار شود اسبی که موجب شهرت او شود **روایت** که عباد بن
کثیر البصری نزد ابی عبدالله ع آمد و لباس شهرت پوشیده بود آنحضرت
گفت ای عباد این چه جامه است که پوشیده عباد گفت یا اباعبدالله
عیب میکنی مرا بجهت پوشیدن این جامه آنحضرت گفت بلی زیرا که حضرت
پیغمبر ص فرموده که آنکسی که لباس شهرت بپوشد در دنیا بپوشاند خدای
تعالی او را لباس خواری در روز قیامت گفت عباد که کی خبر داد ترا
باین حدیث آنحضرت ای عباد شک در این سخن داری بحق خدای خبر
داد مرا باین حدیث پدران من از رسول خدا ص **گفت** امیر المؤمنین
علی ع که نیست چیزی دشمن تر نزد خدای تعالی از پوشیدن لباس شهرت
و روایتست که امیر المؤمنین علی ع گفت نیست چیزی دشمن تر نزد خدای
تعالی از پوشیدن لباس شهرت و روایتست که امیر المؤمنین علی ع
میفرمود که جامه نو را در آب فرو می بردند و بعد از آن می پوشید
در بیان پوشیدن قناع و قناع دو پاک بزرگیست که مردان بر سر
می اندازند گفت عبدالله بن وضاح که دیدم امام موسی را ع که نشسته
بود در پس خانه کعبه و قناع بر سر خود انداخته بود و بیرون آورده

بود

بود گوشهای خود را از آن **و گفت** ابو عبدالله ع که پوشیدن قناع
در شب زینت است **و گفت** عبدالله بن ولید بن صبیح که درخواست
کرد از من شهاب بن عبد ربه که طلب رخصت کنم برای او که در آید
نزد ابی عبدالله ع پس رفتم نزد آن حضرت و طلب رخصت کردم
و آوردم او را نزد آنحضرت و او بر سر خود قناع داشت و آوردم بالشی
و انداختم برای او و او بر آن بالش نشست آنحضرت گفت که بینداز قناع
خود را ای شهاب بدرستی که قناع در شب زینت است و در روز
مذلت و خواریست پس شهاب انداخت قناع خود را و روایت کرده
است ابو عبدالله ع از پدران خود علیهم السلام که گفت علی بن ابی
طالب ع که قناع در شب زینت و در روز خواری و مذلت است
در بیان حمایل کردن **روایتست** که مردی حمایل کرده بود لنگی را بر بالای
پیرهن یکی از ائمه معصومین علیهم السلام فرمود که چنین مکن
بدرستی که این تکبر است **و گفت** محمد بن مسلم که ابو جعفر ع مکروه
میداشت که حمایل کنند لنگ را که بر بالای پیرهن و میگفت که این
کار متکبرانست **و گفت** ابو عبدالله ع که رسول خدا فرمود که
منع میکنم امت خود را از اشتمال صما و مراد از اشتمال صما و مراد از اشتمال
صماء آنست که لنگ را بر دوش خود اندازند و هر دو طرف آن را
از زیر بغل بیرون آورند و هر دو را بر یک کتف اندازند و نیز گفت
که رسول خدا ص فرمود که منع میکنم امت خود را از گشودن بندها

قبا واز برهنه کردن رانها در بیان پوشیدن لباس پشمینه منقولست از کتاب
مجمع البیان که گفت امام جعفر صادق ع که آمد رسول خدا ص نزد حضرت
فاطمه و حضرت فاطمه جامه پوشیده بود از پشم شتر و بدست خود آرد میکرد
و شیر میداد فرزند خود را آنحضرت چون حضرت فاطمه را چنان دید
بگریه در آمد و گفت ای دختر من زود باشد که تلخی دنیا بشیرینی آخرت
مبدل کردد بدرستی که فرستاده است خدای تعالی در شان من این آیه را که
وَلَسَوفَ یُعطِیكَ رَبُّكَ فَتَرضَى یعنی زود باشد که بخشند پروردگار
تو کمال نفس و مرتبه عالی تا پس خشنود شوی یعنی چندان عطا ازنی
فرماید که کویی بس است و راضی شدم منقولست از کتاب عیون
الاخبار که گفت ابن عباد که امام رضا ع در تابستان بر حصیری می نشست
و در زمستان بر پلاس و جامهای درشت می پوشید و هرگاه بیرون
می آمد برای مردمان جامهای زینت می پوشید در بیان تشبیه مردان
بزنان در لباس روایت کرده است سماعة بن مهران که مردی جامه
خود را بر زمین میکشید ابو عبدالله و ابوالحسن علیهما السلام باعزد
گفتند که مکروه میداریم ما که مشابه شوی بزنان و روایت کرده است
ابو عبدالله ع از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا ص منع میکرد
مردان را که مشابه شوند بزنان در لباس و منع میکرد زنان را که مشابه
شوند بمردان در لباس و گفت حضرت پیغمبر ص که بهترین جوانان
آنست که خود را مشابه سازد به پیران و بدترین پیران آنست که

خودرا

خود را مشابه سازد بجوانان در بیان پوشیدن پوستین سنجاب و غیر آن
گفت یونس بن یعقوب که رفتم نزد ابی عبدالله ع و آنحضرت بیمار
بود و در خرگاهی بود و قبای پوشیده بود و بر بالای خود قبای چیزی
پوشیده بود بستر آنحضرت تغاری بود و در ریحان بود و جبه خز
پوشیده بود و دست راست آنحضرت ظاهر بود گفتم باو که فدای تو گردم
چه میگویی در پوست روباه آنحضرت فرمود که این از برای پوشش
است نه برای نماز گفت سماعة بن مهران که پرسیدم ابا عبدالله ع
و ابا الحسن را ع از گوشت درندها و پوست ایشان گفتند گوشت درنده
خواه مرغ باشد و خواه غیر مرغ مکروه میداریم اما پوستهای آنها را می
توان بر بالای زین انداخت و سوار شد و نمی پوشید پوست درنده
که نماز گذارید در آن گفت عبدالله بن سنان که شنیدم از ابی عبدالله ع
که میگفت که تحفه آوردند برای پدر من پوستینی بطریق جبه از عراق
و هرگاه میخواست که نماز گذارد میکند آنرا و نیز گفت ابجر بیارند
از برای توان پوستهای مینماز بگذارد در آن و مپرس از آن روایت
که پرسیدند از امام رضا ع از پوست روباه و سنجاب و سمور آنحضرت
گفت که دیدم پدر خود را که سنجاب پوشیده بود در نماز و منع کرد
ما را از پوشیدن پوست روباه و سمور در نماز در بیان در بیان
پوشیدن عمامه و طاقیه دیگر پوشیدن عمامه گفت سکونی
که ابو عبدالله ع که روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت

رسول خدا ص که عمامه افسر عرب است هر گاه عمامه را بنهند از سر خود بردارد
خدای تعالی عزت را از ایشان و نیز گفت که عمامه بر نهید تا زیاده شود حلم
شما گفت ابو اسحق که دید من مرد که علی بن ابی طالب را ع بمن و آنحضرت
خطبه میخواند و لنگی بسته بود و ردائی بر دوش انداخته بود و عمامه
بر سر داشت گفت اسماعیل بن همام که ابو الحسن ع گفت که مراد از مسومین
که در قرآن واقع است که وَ یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ
مُسَوِّمِینَ فرشتگانی اند که خدای تعالی بمدد حضرت پیغمبر ص فرستاد و ایشان
عمامه بر سر داشتند و معنی آیه اینست که مدد میکند شما را پروردگار
شما به پنج هزار سوار از فرشتگان که نشان کنند کاشته خود را و این
عادت مستمره است میان مبارزان که در روز جنگ علامتی بر
خود یا بر مرکب خود می بندند و آن روز فرشتگان خود را نشان
کرده بودند بعمامهای سفید طرّهای آن میان دو کتف فرو گذاشته
بودند روایت که حضرت پیغمبر ص عمامه بر سر خود بست و علاقه از
پیش و پس گذاشت و جبرئیل نیز چنین کرد گفت معاویة بن
عمار که شنیدم از ابی عبد الله ع که میگفت که در آمد رسول خدا ص
در حرم کعبه روزی که در آمده بود بمکه و عمامه سیاهی بر سر داشت
و سلاح بسته بود بعد از آن بیرون رفت از مکه بجانب حنین
بجنگ کافران چون فارغ شد از جنگ رسید بموضعی که آنرا اوطاس
میگویند و بقیه کافران که آنجا مانده بودند بقتل در آورد چون

از

از جنگ ایشان نیز فارغ شد و رسید بموضعی که آنرا جعرانه میگویند
در آن موضع قسمت کرد میان مسلمانان غنیمتی را که گرفته بود و بعد
از آن احرام مکه بست و در آمد بمکه گفت حضرت پیغمبر ص که دو ر
کعت نماز که با عمامه بگذارند فاضل تر است از چهار رکعت نماز که بی
عمامه بگذارند گفت ابو جعفر ع که فرشتگانی که بمدد رسول خدا
ص آمده بودند در روز جنگ بدر عمامهای سفید بر سر داشتند
و علاقها گذاشته بودند گفت عبد الله بن سلیمان که بودم
با پدر خود در مسجدی پس در آمد امام زین العابدین ع در آن
مسجد و من نشناختم او را و عمامه سیاهی بر سر داشت و از هر دو طرف
آن عمامه علاقه گذاشته بود در میان دو دوش خود پرسیدم از مردی
که نزدیک من نشسته بود که کیست این پیر آمرزد گفت که چیست ترا که نپرسیدی
از هیچکس از کسانی که باین مسجد در آمدند غیر این پیر گفت که ندیدم
هیچ کس را از کسانی که باین مسجد در آمدند غیر این پیر گفت که ندیدم
که صورت ایشان بهتر باشد از صورت این پیر ازین جهت پرسیدم
آمرزد گفت که این امام زین العابدین است ع در بیان کیفیت عمامه بر سر بستن
روایت کرده است ابو عبد الله ع از پدر خود که گفت که رسول خدا ص
عمامه بر سر امیر المؤمنین علی ع بست بدست مبارک خود و علاقه از پیش
و از پس گذاشت و علاقه پس را کوتاه تر کرد از علاقه پیش بمقدار
چهار انگشت بعد از آن آنحضرت گفت با میر المؤمنین علی ع که پشت

بجانب من کن امیرالمؤمنین ع چنین کرد بعد از آن گفت رو بجانب من
کن چنین کرد بعد از آن آن حضرت گفت که چنین است عمامهای فرشتگان
گفت ابوالحسن ع که کسی که بسفر بیرون رود و عمامه بر سر داشته باشد
و از آن عمامه تحت الحنک بسته باشد من ضامنم که مال او را دزد نبرد و
غرق نشود و نسوزد منقولست از کتاب نجات که در وقت عمامه
بر سر بستن این دعا می باید خواند که اللّهمّ سوّمنی بسیماء الایمان وتوّجنی
بتاج الکرامة وقلّدنی بحبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی و
و باید که عمامه را ایستاده بر سر بر بندد و تحت الحنک نیز بر بندد
در بیان طاقیها گفت محمد بن علی که دیدم ابوالحسن را ع که طاقیه خزی
بر سر داشت که آستر آن سمور بود گفت ابوعبدالله ع که رسول
خدا ص می پوشید طاقیه سفید مصری می پوشید در جنگ و طاقیه
که دو گوشه که گوشهای آنحضرت را می پوشید روایت کرده است
امام جعفر صادق از پدر خود که گفت رسول خدا ص می پوشید از
طاقیها طاقیه یمنی و سفید و مصری و طاقیه که دو گوش داشت
در جنگ می پوشید و عمامه آنحضرت را سحاب میگفتند و آنحضرت
را طاقیه درازی بود که بر سر می نهاد روایتست که پرسیدند امام رضا
را ع از مردی که برطله پوشیده بود و برطله نوعیست از طاقیه آنحضرت
گفت بود ابا عبدالله را ع طاقیه که سایه میکرد برو و ازان آفتاب
نگاه میداشت گفت یزید بن خلیفه که دیدم ابوعبدالله ع که طواف میکردم

درکرد

در گرد خانه کعبه و من برطله بر سر داشتم گفت بمن که مپوش این طاقیه
را وقتی که طواف میکنی بدرستی که این از لباس یهود است گفت
حسن بن مختار که امیرالمؤمنین علی ع بمن گفت که برای من طاقیه بدوز و
باید که آن طاقیه بسیار رنگین نباشد فصل هشتم در بیان پوشیدن
موزه و نعلین روایت کرده است نادر الخادم که امام رضا ع با آنجناب میرفت
با موزه خوردی روایت کرده است ابوالصبّاح که گفت ابوعبدالله ع
که امیرالمؤمنین علی ع در سفری بود و عادت آنحضرت این بود که در سفر
شبگیر میکرد پس وقتی خواست که شبگیر کند پس پوشید جامهای
خود را چون فارغ شد از جامه پوشیدن یک موزه خود را برداشت
و پوشید و میخواست که موزه دیگر را بردارد که ناگاه مرغی فرود آمد
و زد خود را بر آن موزه و گرفت آن موزه را امیرالمؤمنین علی ع در عقب
مرغ رفت که بگیرد موزه را مرغ سبقت گرفت و متوجه آسمان شد
و میگردید در هوا تا صباح چون صباح شد موزه را انداخت و
از موزه ماری بیرون آمد منقولست از مسموعات سید ناصح الدین
ابی البرکات که گفت ابوجعفر ع که پوشیدن موزه زیاده میکند قوت
چشم را و گفت امام جعفر ع که مداومت کردن بپوشیدن موزه
امانست از جذام کسی که گفت که در زمستان یا تابستان آنحضرت
گفت ~~در زمستان یا تابستان~~ آنحضرت گفت در زمستان و تا
بستان و گفت ابوالجارود که رفتم نزد ابی عبدالله ع آنحضرت

گفت بمن که آیا می‌دانی که موزهٔ سرخ را متکبران و گردن کشان می‌پوشند
و موزهٔ سفید را پادشاهان می‌پوشند و موزهٔ سیاه سنت ما و
بنی هاشم است و نیز گفت که در خدمت ابی عبدالله ع بودم در راه مکه
و آن حضرت موزهٔ سرخ پوشیده بود گفتم یا ابن رسول الله تو خبر دادی
بمن که موزهٔ سرخ را متکبران می‌پوشند آنحضرت گفت در سفر باکی
نیست بدرستی که موزهٔ سرخ بهتر است برای آب و گل اما در غیر سفر خوب
نیست روایت کرده است ابو عبدالله ع از پدران خود که گفت
حضرت پیغمبر ص که آنکسی که نعلین میخرد باید که نعلین نو بخرد گفت ابو
عبدالله ع که وقتی که رسول خدا ص میخواست که نعلین بپوشد مردی
برخاست و نعلین را در پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت در حق او
دعا کرد و گفت اللّهُمّ إنّ عبدك تقرّب إليك فقرّبه یعنی بار خدایا
بندهٔ تو نزدیکی جست بتو پس نزدیک گردان او را بخود و نیز گفت که
رسول خدا ص مضمضه کرد و ریخت آب را از دهن خود مردی برجست
و گرفت آن آب را و خورد آنحضرت در حق آن مرد دعا کرد و گفت اللّهُمّ
إنّ عبدك تحبّب إليك فأحِبّه یعنی بار خدایا بندهٔ تو دوستی نمود
بتو پس دوست دار او را و نیز گفت که امیرالمؤمنین علی ع فرمود که
ساختن نعلین نگاه دارندهٔ بدن است و یاری دهندهٔ نماز
و پاکیزه گیست و نیز گفت در تفسیر قول خدای تعالی که فاخلع نعليك
إنّك بالوادِ المقدّسِ طوى که نعلین که حضرت موسی ع پوشیده بود

از پوست دراز گوش بود و معنی آیه اینست که بکن ای موسی نعلین
خود را بدرستی که تو در وادی مقدسی در بیان آنکه پوشیدن نعلین
میان باریک پاشنه دار سنت است و گفت صباح الحذاء که آورد
نزد من حلبی نعلینی و گفت نعلینی مثل این نعلین برای من مهیا
کن بدرستی که این نعلین رسول خدا است ص گفتم باو که این نعلین از
کجا بدست تو افتاده است گفت ابو عبدالله ع بمن گفت که آیا بنمایم بتو نعلین
رسول خدا را ص گفتم بلی پس بیرون آورد این نعلین را گفتم ببخش این
را بمن گفت از تو باشد گفت صباح که مهیا ساختم برای حلبی نعلینی مثل
آن نعلین و برای اصحاب خود نیز مهیا ساختم برای حلبی نعلینی مثل
آن نعلین و برای اصحاب خود نیز مهیا ساختم و گفت ابو احمد که
من دیدم آن نعلین را و آن میان باریک بود و پاشنه داشت و گفت
ابو جعفر ع که دشمن میدارم مردی را که نعلین او پاشنه نداشته باشد
و گفت صباح الحذاء که مهیا ساختم نعلینی برای ابی عبدالله ع مثل آن
نعلینی که فرستاده بود نزد من و آن نعلین باریک میان بود از میان
تا پاشنه و گفت منهال که بودم نزد ابی عبدالله ع و پوشیده بودم نعلین
هموار آنحضرت گفت که این نعلین یهود است برگرد از این نوع نعلین
و کاردی بگیر و باریک ساز میان او را و گفت علی الساوی که دید
ابوالحسن ع که من نعلینی پوشیده بودم که باریک میان نبود گفت ای
علی تو که یهود شدی در بیان کراهیت بستن بند نعلین گفت

ابو عبدالله ع گرفت نعلین بعضی را و گشود بند از او و گفت اول کسی که بند
نعلین بست شیطان بود در بیان کیفیت پوشیدن نعلین گفت
ابو جعفر ع که سنت است که در محل نعلین پوشیدن نعلین گفت ابو
جعفر ع که سنت است که در محل نعلین پوشیدن ابتدا بپای راست
کنند و در محل کندن ابتداء بپای چپ کنند منقول است از کتاب نجات
که موزه و نعلین را نشسته می باید پوشید و در وقت پوشیدن این
دعای باید خواند بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی
فی الدنیا والاخرة وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و هرگاه بکنند
موزه و نعلین را باید که ایستاده بکند و بگوید بسم الله الحمد لله الذی رزقنی
ما اوقی قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک ولا تزلهما عن
صراطک السوی و گفت حضرت صادق ع که مراد از زینت که در قول
خدای تعالی است که خذوا زینتکم عند کل مسجد نعلین و انگشتری است
و معنی آیه اینست که بگیرید ای بنی آدم زینت خود را نزد هر نمازی
و نیز گفت که پاک کنید نعلین خود را از نجاست نزد در آمدن
مسجد در بیان بند نعلین وقتی که گسسته شود گفت یعقوب
سراج که رفتیم ما با ابا عبدالله ع و او میخواست که تعزیت گوید
عبدالله بن الحسن را ع بجهت آنکه دختر او یا پسر او فوت شده بود
پس گسسته شد بند نعلین آنحضرت بعضی از مردمان کندند نعلین
خود را و گشودند بند از او و با آنحضرت دادند آنحضرت گرفت از او و چون

رسید باهل تعزیت گفت که صاحب مصیبت اولی است بصبر کردن
بمصیبت گفت ابو عبدالله ع که آنکسی که بپوشد گریبان خود را
زند نعلین خود را و بردارد متاع خود را خلاص میشود از نکبت در بیان
راه رفتن بیک نعل و بیک موزه گفت ابو عبدالله ع که امیر المؤمنین
یک نعلین پوشیده بود و راه میرفت و اصلاح میکرد نعلین دیگر خود را
گفت ابو جعفر ع که رسول خدا ص فرمود که آنکسی که ایستاده آب
بیاشامد یا بیک نعل راه رود پس شیطان وسوسه کند او را جدا
نشود شیطان ازو مگر وقتی که خدا خواهد در بیان کندن نعلین
و موزه وقتی که می نشیند گفت ابو عبدالله ع که رسول خدا ص فرمود
که بکنید نعلین را بدرستی که کندن نعلین سنتی نیکو است و راحت
قدمهاست و نیز گفت که هرگاه چیزی میخورید بکنید نعلین خود را
بدرستی که کندن نعلین راحت قدمهاست و سنتی نیکو است روایت
از کتاب طب الائمه در بیان موزه و نعلین که گفت ابو عبدالله ع
که آنکسی که نعلین زرد بپوشد کهنه نشود آن نعلین تا آنکه مالی باو
برسد و بعد از آن این آیه را خواند که صفراء فاقع لونها تسر الناظرین
یعنی زردی که بسیار زرد باشد رنگ او خوشحال میسازد ناظران را
گفت ابو عبدالله ع که آنکسی که بپوشد نعلین زردی همیشه خوشحال
باشد تا آنکه آن نعلین کهنه شود گفت سنان بن سدیر که رفتیم
نزد ابی عبدالله ع و پوشیده بود نعلین سیاهی آنحضرت گفت چیست

یا بر قری تحلید کند یا بعتیق
کند در جای یو انبه

ترا که نعلین سیاه پوشیده ای نمیدانی که در وی سه خصلت است
گفتم کدام است گفت ضعیف میسازد چشم را و سست میکند ذکر را و غم
می آرد و با وجود این لباس متکبرانست و بر تو باد که نعلین زرد
بپوشی بدرستی که در وی سه خصلت است گفتم کدام است گفت تیز
میکند چشم را و محکم میسازد ذکر را و می برد غم را و با وجود این لباس
سبز آنست گفت ابوعبدالله ع که پوشیدن موزه سیاه و نعلین زرد سنت است
در بیان اگر پوشیدن موزه می افزاید قوت چشم را گفت ابوالحسن العسکری
ع که انکسی که ریش شود پای او از موزه و نعلین باید که بگیرد گل از
دیواری و نرم کند آنرا و بعد از آن بساید با آب دهن بر سنگی و بر آن
جراحت بنهد میرود آن جراحت **فصل هشتم** در بیان خانه و منزل
و آنچه جایز است از آن و آنچه جایز نیست و آنچه متعلق است بآن در بیان
منزل گشاده و غیر آن **روایت** از هشام بن الحکم که گفت ابو عبد
الله ع که از نیک بختی است گشادگی منزل و نیز گفت راحت است
مومن را در گشادگی منزل **روایت** که پرسیدند ابا الحسن را ع از
بهترین عیشهای دنیا گفت بهترین عیشها گشادگی منزلست و بسیاری
دوستان **گفت** ابوالحسن ع که عیش در گشادگی منزل است و در
بسیاری خدمتکاران **گفت** معمر بن خلاد که ابوالحسن ع خرید منزلی
و امر کرد غلام خود را که برود بآن منزل و گفت این منزل تنگ است ان غلام
گفت که باجارت دادی این منزل را بمن آنحضرت گفت که اگر پدر تو احمق باشد

سزاوار نیست که تو هم مثل او باشی **و گفت** سکونی که روایت کرده است
ابوجعفر از پدر خود که گفت حضرت پیغمبر ص که از سعادت مرد است
که او را زن صالح و منزلی گشاده و مرکب خوب و فرزند صالحی داشته باشد
روایت کرده است ابوعبدالله ع از پدر خود ع که گفت امیرالمؤمنین
علی که منزل را شرفیست و شرف او آنست که میان سرای او گشاده
باشد و ساکنان او صالح باشند و منزل را برکتیست و برکت او آنست
که نیکو باشد جای نشست او و وسعتی داشته باشد میان سرای او
و همسایهای خوب داشته باشد **گفت** امام جعفر صادق ع که از
سعادت مرد است که نیکو باشد جای نشست و وسعتی داشته
باشد در سرای او و پاکیزه باشد آنجا نزد او **و گفت** رسول خدا
ص که چهار چیز از نیک بختی است زن صالحه و منزلی گشاده و همسایه صالح
و مرکب خوب و اما آن چهار چیز که از بدبختی است همسایه بد و زن
بد و منزل تنگ و مرکب بد و نیز گفت که مومن نیست بنده که ایمن
نباشد همسایه او از بدی او و نیز گفت که حرمت همسایه می باید داشت
همچو حرمت مادر خود **در بیان** مقدار بلندی سقف خانه روایت
کرده است محمد بن مسلم که گفت امام جعفر صادق ع که ای محمد می باید
که بلندی خانه تو هفت گز باشد و آنچه از آن بلندتر است جای شیطان
است بدرستی که شیاطین نه در آسمانند و نه در زمین ملکه ایشان
در هوا ساکنند **و نیز گفت** که بلندی خانه می باید که هفت گز باشد یا

گز و انچه بلندتر است جای شیاطین است روایتست که هرگاه بلندی
خانه بیشتر از هشت گز باشد آیة الکرسی در آن خانه بنویس و گفت عبد الله
بن سنان که شنیدم از ابی عبد الله ع که میگفت که انچه بلندتر باشد از ده
گز باشد از سقف خانه جای شیاطین است روایت کرده است
ابو عبد الله ع از پدران خود علیهم السلام که مردی از انصاریان شکایت
کرد نزد رسول خدا ص از سراهای که در گرد سرای او بود آنحضرت گفت
که بلند کن خانه خود را انقدر که می توانی و سوال کن از خدای تعالی که گشاده
کند خانه ترا گفت ابو عبد الله ع که انکسی که بنا کند خانه که بلندتر از هشت
گز باشد شیطان جای کند در انچه زیاده است از هشت گز و واجبست
که آیة الکرسی بنویسید تا شیطان دور جا نگیرد روایتست که بنائی که بلند
تر باشد از قدر کفایت وبال است بر صاحب او در روز قیامت
و گفت که بنا نمیکند کسی خانه که بلندتر باشد از هشت گز مگر انکه
منادی ندا میکند از آسمان و میگوید که تا کجا میخواهی که بلند کنی خانه
خود را ای فاسق منقولست از کتاب جوامع الجامع که گفت حضرت پیغمبر ص
که هر خانه که بنا کند کسی وبالست بر صاحب آنخانه در روز قیامت مگر خانه
که ضروری باشد در بیان آنچه سنت است نزد بنا کردن منزل روایت
کرده است ابو عبد الله ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا
ص که انکسی که بنا کند منزلی باید که گوسفندی بکشد و گوشت آنرا بدرویشان
و فقیران تصدق کند و بگوید اللّهمّ ادحر عنّی و عن اهلی و ولدی

مردة الجن والشیاطین وبارک لی فی بنائی بدرستی که چون این
کار بکنی خدای تعالی میدهد باو انچه طلب کرده است در بیان اسراف
کردن در بنا گفت ابو عبد الله ع که هر بنائی که زیادة از کفایت
باشد وبال است بر صاحب آن بنا در روز قیامت و نیز گفت که انکسی که
کسب کند مالی که حلال نباشد صرف شود آن مال در گل و آب در بیان
جاروب کردن منزل گفت ابو عبد الله ع که رسول خدا ص فرمود که
جاروب کنید در سرای خود را و مشابهت مجوسید بیهود گفت
امام جعفر صادق ع که شستن ظرف و جاروب کردن در سرا می افزاید
روزی را در بیان وقت در آمدن بخانه و گفت امام جعفر صادق ع
که رسول خدا ص هرگاه بیرون میرفت از خانه در تابستان روز پنجشنبه
بیرون میرفت و وقتی که میخواست که بخانه در آید در زمستان
بجهت سرما روز جمعه در می آمد و گفت ابن عباس که حضرت
پیغمبر ص چون تابستان میشد شب جمعه از خانه بیرون رفت و چون زمستان
میشد شب جمعه بخانه در می آمد در بیان بستن در سرا و خانه و غیر
آن گفت سماعة بن مهران که پرسیدند از ابی عبد الله ع یا ابی الحسن
ع از بستن درها و سرنگون نهادن ظرفها و کشتن چراغ آنحضرت
گفت ببندید در خانه را بدرستی که شیطان نمیگشاید دربسته را و بکشید
چراغ را تا موش نسوزاند خانه را و سرنگون بنهید ظرف را بدرستی که شیطان
بر نمیدارد ظرف را و گفت رسول خدا ص که مگذارید آتش را در خانه

خود وقتی که میخوابید وگفت امام رضا ع که رسول خدا ص فرمود
که بکشید چراغ را در وقت خواب تا موش نسوزاند خانه شما را و انچه
در خانه شماست درشان چیزی که تعلق بمنزل دارد روایت که
آمد مردی و شکایت کرد نزد ابی جعفر ع و گفت که جن بیرون کرد
ما را از منزلهای ما انحضرت گفت بگذارید سقف خانهای خود
را هفت گز و نگاه دارید کبوتر را در اطراف منزل خود امرد گفت که
چنین کردیم پس هیچ مکروهی ندیدیم وگفت ابو داود الرقی که دیدم
که کبوتری از زیر تخت ابو عبد الله بیرون آمد گفتم فدای تو گردم یا ابن
رسول الله برای تو بیارم هدیه کبوتری چندی که نزد ماست که دو رند
است و آوازی خوبی دارد و خوب می سراید انحضرت گفت آن کبوترها
که داری از جمله مسوخانند هرگاه کبوتر نگاه میداری مثل این کبوتر
نگاه دار بدرستی که این بقیه کبوتر اسماعیل است ع منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر ص از تنهائی
انحضرت فرمود که یک جفت کبوتر نگاه دار در خانه خود وگفت
امیر المؤمنین علی ع که از صدای کبوتر شیاطین میگریزند و نیز گفت
که بهترین کاری کنید در انچه خدای تعم بشما داده است و در سالهای
عجم خود پرسیدند از انحضرت که عجم کدام است گفت گوسفند وکوبر
وکبوتر و مانند اینها ومنقولست از کتاب فردوس که گفت انس که
حضرت پیغمبر ص فرمود که گوسفند از چهارپایان بهشت است وگفت

که نگاه

که نگاه داشتن گوسفند در خانه نمی برد هفتاد نوع درویشی را
و نیز انحضرت فرمود که نگاه داشتن گوسفند در خانه برکت است و
نگاه داشتن گربه در خانه برکت است و دستاس در خانه برکت
است و یک گوسفند یک برکت است و دو گوسفند دو برکت و سه
گوسفند سه برکت و نیز گفت که گوسفند از چهارپایان بهشت است
وگفت ابو عبد الله ع که هر مومنی که در منزل او بز شیردار باشد پاک
میشوند اهل آن منزل و برکت نازل میشود بر ایشان پس اگر دو بز باشد
پاک میشوند اهل آن منزل هر روز دو بار مردی وگفت چگونه پاک میشوند
انحضرت گفت که میگویند با ایشان بورک علیکم وطبتم ما طاب البانکم
یعنی برکت دهاد خدای تعم شما را و خوش باد حال شما مادام که خوش باشد
که نان خورش شما و نیز گفت که زنی عذاب کرده شد بجهت آنکه گربه
را بسته بود تا وقتی که آن گربه از تشنگی مرد وگفت حضرت پیغمبر ص
که منع میکند پرستوک را از جا گرفتن در خانهای شما و نیز گفت که شب
مروید بگرفتن مرغهای که در آشیانه خود اند بدرستی که شب امانست
ایشان را و امان بودن بجهت آنست که گذاشته است خدای ع
شب را رحمت بر مرغان منقولست از کتاب طب الائمه که گفت رسول
خدا ص که نگاه دارید در خانهای خود گوسفند دست آموز را بدرستی
که مشغول میشود بان شیطان و متوجه طفلان شما نمیشود گفت
ابو جعفر ع که هر که دوست میدارد ما را که اهل بیت پیغمبریم باید که

دوست دارد کبوتر را **وگفت** ابو الحسن ع که سزاوار نیست که خالی
باشد خانه شما از کبوتر و کبوتر و خروس بدرستی که این سه چیز معمور
میسازد خانه را پس اگر با خروس ماکیانی باشد باکی نیست کسی را که
کراهیت نداشته باشد از نگاه داشتن ماکیان **وگفت** امام رضا
ع که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران علیهم السلام شناختن
اوقات نماز و غیرت و شجاعت و سخاوت و بسیار جماع کردن **وگفت**
رسول خدا صلعم که هر گاه آواز خروس بشنوید بدانید که آن خروس فرشته
را دیده است پس درین وقت طلب حاجت خود کنید از خدای تعالی
و هر گاه آواز دراز گوش بشنوید بدانید که شیطان را دیده است **روایت**
از انس که گفت رسول خدا صلعم که خروس سفید دوست منست و دشمن
او دشمن خداست و او نگاه میدارد البته صاحب خود را و هفت
سرای اگر نزدیک او باشد **در روایتست** که حضرت پیغمبر صلعم شب روزی
آورد با خروس در خانه **گفت** حضرت پیغمبر صلعم که مرغ خانگی گوسفند
درویشان امت منست **ونیز گفت** دشنام مدهید خروس را بدرستی
که دلالت میکند شما را بر اوقات نماز **ونیز گفت** که دشنام مدهید خروس
را بدرستی که او دوست منست و من دوست اویم و دشمن او
دشمن منست بحق خدا که فرستاده مرا بحق که اگر بدانند بنی آدم آنچه را
که در خلقت خروس است هر آینه بخرند گوشت او را بطلا و نقره
بدرستی که خروس دور میکند طایفه را که از جن بودند **و در روایت**

94

کسانی که نگاه دارد خروس سفیدی در منزل خود نگاه داشته میشود
از شر طایفه کافر و کاهن و ساحر **منقولست** از کتاب روضة الواعظین
که گفت امام محمد باقر ع که خدای تعالی آفریده است خروس سفیدی که گردن
او در زیر عرش است و پاهای او تا طبقه هفتم از زمین و بال او تا
آفتاب بر آمدن است و بال دیگر تا آفتاب فرو رفتن این خروسها آواز میکنند
تا او آواز نکند پس هر گاه او آواز میکند بر هم میزند بالهای خود را و میگوید
سبحان ربی العظیم الذی لیس کمثله شیء یعنی پاک و منزه است خدای
بزرگی که نیست مثل او هیچ چیز پس خدای تعالی او را زمید[؟] هد و میگوید
که آنکسی که سوگند دروغ میخورد بمن ایمان نیاورده است با خبر این
خروس میگوید **گفت** جعفری که دیدم در خانه ابی الحسن ع یک جفت
کبوتر که بوج[؟] برای آن کبوترها و میگفت که اینها است حرکت میکنند و
امینی اند و او از ایشان دور میکند جانورانی را که از زمین بیرون
می آیند **گفت** ابو عبدالله ع که نبود هیچ خانه پیغمبری مگر آنکه
در آن خانه کبوتری بود بجهت آنکه سفیهان جن بازی میکنند
بطفلانی که در خانه اند پس هر گاه در خانه کبوتر باشد جنیان
بان کبوتر مشغول میشوند و میگذارند طفلان را **فصل دهم**
در زینت کردن خانه و متاع خانه و فرشها و فروشی نمودن در آنها
وگفت عبدالله بن عطا که رفتم نزد ابی جعفر ع پس دیدم که در منزل
او متاعها برهم چیده بود و بعضی درهم ریخته بود و بساطها و بالشها بود

بود اما مدتی که آنها میبرد و ما دادیم آنها سیاه دانه حضرت نان دیده میکرد از برای

گفتم چیست این آن حضرت گفت که متاع زنان است روایت کرده است
جابر بن عبد الله که گفت امام محمد باقر ع که جماعتی آمدند نزد امام حسین ع
و گفتند یا بن رسول الله چیزهای مکروه در منزل تو می بینیم و انچه در منزل
انحضرت دیده بودند بساطی و بالشها بود انحضرت گفت که ما نکاح میکنیم
زنان را و کابین ایشان را میدهیم و ایشان هر چه میخواهند میخرند اینها که شما دیدید
هیچکدام از ما نیست روایتست از جابر که گفت ابو جعفر ع که چون نکاح
کرد امیر المؤمنین علی حضرت فاطمه را بساط خانه ریگ بود و فراش ایشان پوست
میش بود که دباغت نکرده بودند و بالش ایشان پر بود از لیف خرما و نصب
کرده بودند چوبی و مشک را بر و نهاده بودند و بر ان مشک گلیمی پوشیده
بودند وگفت حسین بن نعیم که شنیدم که ابو عبد الله ع میگفت که
نکاح کردند رسول خدا صلعم حضرت فاطمه را با امیر المؤمنین علی ع و پوستی
بود که پر کرده بودند از لیف خرما وگفت ابو عبد الله ع که فراش امیر
المؤمنین علی ع و حضرت فاطمه پوست میشی بود که دباغت نکرده بودند
و ایشان پر میکردانیدند آن پوست را و میخوابیدند بر آن و در کتاب موالید
الصادقین آورده است که گفت محمد بن ابرهیم الطالقانی که کسی خبر داد
بمن که رسول خدا صلعم عزلت اختیار کرد از زنان خود دو ماه و رفت در
غرفه مسجد نشست عمر نزد انحضرت آمد و در خانه انحضرت پوستی بود که دباغت
نکرده بودند از او بوی بد میکرد و در ان خانه برگ درختی بود که بآن
دباغت میکنند پوست را و انحضرت خوابیده بود بر حصیری و آن حصیر اثر کرده

پوشش ان یمنیه عبائی
بود فرش ایشان

بود

بود در پهلوی انحضرت عمر دریافت بوی آن پوست و گفت یا رسول الله این
چه بو است انحضرت گفت ای عمر این متاع کسانیست که زندگانی میکنند در
دنیا چون نشست انحضرت عمر دید که حصیر اثر کرده است در پهلوی مبارک
انحضرت عمر گفت من گواهی میدهم که تو رسول خدایی و بزرگتری نزد خدا
از قیصر و کسری و ایشان این همه اسباب دنیوی داشته باشند و تو بر روی
زمین حصیر باشی و حصیر اثر کرده باشد در پهلوی تو انحضرت گفت بعمر که
ایا راضی نیستی که دنیا از ایشان باشد و اخرت از ما وگفت فضل که
پرسیدم از ابی عبد الله ع که نخی که در و طلا باشد می توان نگاه داشت
در خانه انحضرت وگفت اگر طلا باشد نه و اگر باب طلا باشد باکی نیست
وگفت حلبی که ابو عبد الله ع فرمود که برخواستم که نماز کنم و پیش
روی من بالشی بود که در و صورت مرغها بود پس جامه بر بالای آن
انداختم روایتست که گفت ابو عبد الله ع که هدیه آوردند بالشی برای
من از شام که در و صورت مرغها بود پس فرمودم که تغییر دادند سر آن
صورتها را و آن صورتها گردید بصورت درختی روایتست که شیطان
قصد آدمی میکند وقتی که آدمی تنها باشد وگفت ابو الحسن ع که آمدند
جماعتی نزد ابی جعفر ع و او بر بساطی نشسته بود که در و صورتها بود
پرسیدند که این چیست گفت که میخواستم که بخشم این بساط را وگفت
محمد بن مسلم که ابو جعفر ع فرمود که باکی نیست نقش کردن صورتها
در خانه وقتی که تغییر داده شود آن صورت بوجهی که موافق صورت

صورت اصلی نباشد **وگفت** که پرسیدم ابا عبدالله را ع از نقش کردن
صورتهای درخت و آفتاب و ماه آنحضرت گفت که باکی نیست مادام
که آن صورتها صورت حیوان نباشد **وگفت** ابو العباس که پرسیدم
از ابی عبدالله ع که مراد چیست از تماثیل که در قول خدای تعالی است
که یَعْمَلُونَ لَهُ مَا یَشَاءُ مِن مَحَارِیبَ وَتَمَاثِیلَ آنحضرت گفت که تماثیل
صورت آدمی نبود اما صورت درخت و مانند آن بود وتشبیه **ومعنی آیه** اینست
که عمل میکردند جنیان برای حضرت سلیمان ع آنچه میخواست از محرابها
وصورتها **وگفت** ابو بصیر که گفتم بابی عبدالله ع که می اندازند با
ما بالشهای که در وصورتها است و ما او اش میاندازیم آن بالشها را آنحضرت
گفت باکی نیست نشستن و راه رفتن بر بساط و فراشی که در وصورت
باشد آنچه مکروه هست آنست که صورت بکشند بر دیوار یا بر تخت **ومنقولست**
از کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع که روایت کرده است عقیل بن
عبدالرحمن الخولانی که عمه من زوجه عقیل بن ابی طالب بود پس رفتم نزد
امیر المؤمنین علی ع بکوفه و آنحضرت نشسته بود بر پلاسی کهنه که بر بالای
دارکوبی انداخته بودند پس رفتم نزد زوجه آنحضرت که از قبیله بنی تمیم
بود و گفتم با وی که وای بر تو بدرستی خانه تو پر از متاع است و امیر المؤمنین
علی ع نشسته است بر چنان پلاس کهنه آن زن گفت که ملامت مکن
مرا بحق خدا که امیر المؤمنین علی ع نمی بیند هیچ چیزی خوبی را مگر آنکه
می گیرد و می اندازد در بیت المال **روایتست** کرده است شریک بن عبدالله

از

از نخعی و آن نخعی روایت کرده است از مادر خود که گفت که دیدم نان امیر
المؤمنین علی را ع در زیر فراش او یا در میان فراش او **وباب هفتم**
در بیان خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن هر دو و در این
باب سیزده فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت طعام دادن و نیکوئی
کردن و روزه سنت داشتن **منقولست** از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت حق تعالی که وَمَا أَنفَقْتُم مِن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ یعنی
آنچه نفقه میکنید شما در راه خدا عوض میدهد خدای تعالی شما را او و
بهترین روزی دهندهاست و مدح کرده است خدای تعالی در نفقه
کردن کسی را که چیز اندک داشته باشد و نفقه کند و گفته است که ویؤثرون
عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
یعنی آنکسانی که اختیار میکنند دیگران را بر خود در دادن چیزهائی که نزد
ایشان است و اگرچه احتیاج داشته باشند باین چیزها و آنکسانی که نگاه
دارند نفس خود را از بخیلی پس ایشان رستگاران اند **وگفت** رسول خدا
ص که ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که سیر باشد و برادر
مؤمن او گرسنه باشد و همچنین ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی
که پوشیده باشد و برادر مؤمن او برهنه باشد و بعضی از آن خواندند
حضرت این آیه را که وَیُؤْثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ومعنی
این آیه از پیش گذشت **روایتست** که آنکسی که یقین میداند که خدای تعالی
عوض میدهد آنچیز را که نفقه میکند سخی میشود نفس او در نفقه

کردن روایت که شنید امیرالمؤمنین علی ع مردی را که میگفت که بخیل
عذراوتر دیگری است از عذر ظالم آنحضرت گفت دروغ میگوئی بدرستی
که ظالم توبه و استغفار میکند و آنچه بظلم گرفته است بصاحب باز میدهد
وکسی که بخیل است زکوة و صدقه نمیدهد و صلهٔ رحم بجا نمی آورد
و مهمانی نمیکند و نفقه نمیکند در راه خدا و نیکوئی نمیکند حرام است
بهشت بر بخیل وگفت امام جعفر صادق ع که آنچه نجات میدهد
از آتش دوزخ طعام دادن است و بر همه کس سلام کردن و نماز شب
گذاردن وقتی که مردم در خواب باشند روایت که اگر کسی خرج کند
در طعامی هزار درهم و از آن طعام بخورد یک مؤمن اسراف نکرده است
وگفت رسول خدا ص که آنکسی که ایمان دارد بخدای تع و بروز قیامت
باید که اکرام کند مهمان خود را و آنکسی که ایمان دارد بخدای تع و بروز قیامت
باید که سخن خیری بگوید یا خاموش باشد و نیز گفت که لازم نکردن بر مهمان
چیزی را که دشوار باشد بر او وگفت امیرالمؤمنین علی ع که اول
عملی که ابتدا کنند بآن در روز قیامت ثواب دادن تصدق آب است
وگفت ابو محمد باقر ع که خدای تع دوست میدارد سیراب کردن تشنه را و آنکسی که
آب دهد تشنه را از چهارپا و غیر آن خدای تع او را سایه عرش پناه دهد
در روزی که هیچ سایه نباشد مگر سایه عرش وگفت امام جعفر صادق
ع که آنکسی که آب دهد تشنه را در جائی که آب یافت شود همچنان است
که بنده آزاد کرده باشد و آنکسی که آب دهد تشنه را در جائی که آب یافت

نشود

نشود همچنانست که زنده کرده باشد نفسی را و آنکسی که زنده کند نفسی
را همچنان است که زنده کرده باشد تمام مردم را و نیز گفت که از جمله دوستترین
عملها نزد خدای تع سیر گردانیدن مؤمن است و بردن غم او و ادا کردن
قرض او وگفت امام موسی ع که آنکسی که نتواند که ملاقات کند بما باید
که ملاقات نماید بشیعه ما که فقیر باشد و آنکسی که نتواند زیارت
کند قبر ما را باید که زیارت کند قبر برادران صالح ما را وگفت ابوعبدالله
ع که رسول خدا ص فرمود که یکبار صدقه دادن ده ثواب دارد و یکبار
بقرض دادن همچنان ثواب هیجده حسنه دارد و نیکوئی کردن با برادران مؤمن
مؤمن بیست حسنه دارد و نیز گفت که خدای تع فرموده است
که هر چیزی که هست تعیین کرده ام دیگری را که بگیرد از آن مگر صدقه
بدرستی که من بدست خود میگیرم از آن تا آنکه مردی تصدق کند بیک
خرما یا بنصف خرما تربیت میکنم از آن همچنانکه تربیت میکند کسی
کره خود را یا فرزند خود را که از شیر باز گرفته باشد پس میشود آن
صدقه در روز قیامت برابر کوه احد و بزرگتر از آن و نیز گفت که خدای
تع دوست میدارد طعام دادن را در راه خدا و دوست میدارد
آنکسی را که طعام میدهد در راه خدا و برکت در خانه که طعام میدهد
برای خدا زودتر در می آید از کارد در کوهان شتر وگفت رسول
خدا ص که اول کسی که بهشت میرود و بحوض کوثر میرسد نیکوئی است
و آنکسی که نیکوئی کرده است و نیز گفت امام جعفر صادق ع که هر مؤمنی

و صله کردن بارحام بیست و چهار حسنه دارد

که نیکوئی کند برادر مؤمن خود پس آن نیکوئی برسول خدا ص کرده
روایتست که نیکوئی کردن همچو نام خود نیکو است و نیست چیزی فاضلتر از
نیکوئی مگر از ثواب آن و مراد از نیکوئی ثواب است و نیست چنین
که هر که رغبت کند در نیکوئی کردن قادر باشد بر آن و نیست چنین که
هر که قادر باشد بر نیکوئی کردن توفیق یابد بر نیکوئی پس هر گاه جمع شود
رغبت و قدرت و توفیق این هنگام تمام میشود سعادت و نیکبختی
طالب را و انجز مطلوب اوست و گفت روایتست که نیکوئی بصلاح
نمی آید مگر به سه خصلت خورد شمردن آن و پنهان داشتن آن و تعجیل
کردن در آن بدرستی که چون خورد شماری نیکوئی را بزرگ میشود بزرگ
میشود نزد آنکسی که با او نیکوئی کردی و هر گاه پنهان داشتی تمام کردی
اما و هر گاه تعجیل کردی در نیکوئی گوارنده ساختی آن را بر آنکس و اگر
نیکوئی این سه خصلت نداشته باشد نیست و نابود میشود و گفت
که هر گاه میخواهی که بدانی که کسی بدبخت است یا نیکبخت بر بین که
نیکوئی بکه میکند پس اگر نیکوئی بکسی میکند که سزاوار نیکوئیست بدان
که او را نزد خدای تع خیری هست و اگر نیکوئی بکسی میکند که سزاوار
نیکوئی نیست بدان که او را نزد خدای تع خیری نیست روایتست که بهترین
شما سخی ترین شماست و بدترین شما بخیل ترین شماست و از ایمان خالص است
که نیکوئی کردن برادران مؤمن و سعی کردن در حاجتهای ایشان
روایتست که جوان بخشنده که گناه بسیار داشته باشد دوست تر است

نزد خدای تع از پیر عابدی که بخیل باشد و گفت حضرت پیغمبر ص که اگر کسی
که ادا کند اینچنین را که واجب گردانیده است خدای تع بر وی پس او سخی ترین
مردمان است روایتست که نیست و نابود نمیکند هیچ چیز اسلام را چون
بخل و بعد از آن گفت که بخل نرم نرم میرود و سوراخ میکند در آدمی
~~ام را بچیز اسلام را چون بخل~~ بد میدارد همچو نرم رفتن مور و بخل
شاخها دارد همچو شاخهای کفن و روایتست که یک تا نان صدقه
دادن بهتر است از عبادت کسی که لاغر شده باشد از عبادت کردن بنی
و گفت امام محمد باقر ع که نیکوئی کردن و صدقه دادن می برد رو
را و زیاده میکند عمر را و دفع میکند هفتاد نوع مردن بد را گفت
ابوعبدالله ع که صدقه دادن بدست خود نگاه میدارد کسی را از مردن
بد را و گفت ابوعبدالله ع که صدقه دادن بدست خود نگاه
میدارد کسی را از مردن بد و دفع میکند هفتاد نوع بلا را و خلاص
میکند از نزاع هفتاد شیطان که هر کدام از ایشان وسوسه میکند او را
که طاعت نکند و گفت حضرت پیغمبر ص که صدقه دادن پنهان می نشاند
غضب پروردگار را و گفت امیرالمؤمنین علی ع که پیروی کنید سخن
رسول خدا را ص بدرستی که آنحضرت گفته است که هر کسی که بگشاید بر خود
یکدر سؤال و طلب بگشاید خدای تع بر او یکدر فقر و درویشی و گفت
امام جعفر صادق ع که هر بنده که سؤال کند از کسی بی حاجت نمیرود
تا آنکه محتاج گرداند خدای تع او را و ثابت گرداند و را جهت این سؤال

در آتش دوزخ روایتست که مردی بحضرت پیغمبر صلعم گفت که یا رسول
الله تعلیم کن مرا چیزی که هرگاه بکنم آنرا دوست دارد خدای تعالی و اهل
زمین مرا آنحضرت گفت که رغبت کن در آنچه نزد خدای تعالی است تا آنکه
دوست دارد خدای تعالی ترا و رغبت مکن در آنچه نزد مردمان است
تا دوست دارند مردمان ترا وگفت امام محمد باقر ع که اگر بدانند
مردمان که چه مقدار بدست سؤال کردن هرگز هیچکس از هیچکس سؤال
نکند و اگر سخی بداند که چه نکوست بخشیدن کسی رد نکند هیچکس سؤال
هیچکس را وگفت که امام زین العابدین ع روزی که روزه میداشت
میفرمود که در آن روز گوسفندی بکشند و پاره پاره کنند اعضای
آن گوسفند را و بپزند چون شب میشد نزدیک می آمد تا آنکه در دیگ می
یافت بوی مرقها را و روزه میگشود بآن طعام و میگفت که قدحها
بیاورند و قدحها پر کنند و برای فلان جماعت ببرند و قدحی پر کنند
و برای فلان جماعت ببرند و بعد از آن نان و خرما میطلبید و بآن روزه
میگشود وگفت حضرت صادق ع که آنکسی که بگشاید روزه روزه
داری را او را ثواب مثل آن روزه دار است گفت رسول صلعم که آنکسی
که بگشاید روزه مؤمنی را در ماه رمضان او را بجهت این نزد خدای تعالی
ثواب آزادی بنده ایست و می آمرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را
کسی گفت یا رسول الله همه ما قادر نیستیم که بگشاییم روزه روزه دار را
آنحضرت گفت که حق تعالی کریم است میدهد این ثواب را بآنکسی که بگشاید

روزه دار را باندک شیری یا بشربت آبی یا بخرمای چندی و قادر نباشد
بر زیاده از این گفت امام رضا ع که روزه برادر مؤمن گشودن
فاضلتر است از روزه داشتن گفت رسول صلعم باصحاب
خود که آیا خبر دهم شما را بچیزی که اگر بکنید آن چیز را دور شود شیطان
از شما همچنانکه دور است مشرق از مغرب اصحاب گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت روزه داشتن سیاه میکند روی شیطان را و صدقه دادن
میشکند پشت شیطان را و استغفار کردن قطع میکند رگ دل شیطان را
و هلاک میسازد او را و بعد از آن آنحضرت گفت که هر چیزی را زکوتیست
و زکوة بدن روزه داشتن است گفت که روزه دار در عبادتست
و اگر چه در خواب باشد بر فراش خود مادام که غیبت نکند مسلمانی را
و روایتست که خدای تعالی فرموده است که روزه داشتن برای منست
و من جزا میدهم روزه دار را بجهت روزه داشتن و روزه دار را دو فرح
است یکی در محل افطار و دیگری در محل ملاقات بخدای تعالی و بحق
آنکسی که نفس محمد در قبضه قدرت اوست که بوی دهن روزه دار نزد
خدای تعالی بهتر است از مشک وگفت امام جعفر صادق ع که رسول
خدا صلعم در اوایل پیغمبری بعضی اوقات روزه میداشت بر وجهی
که مردمان میگفتند که دایم روزه خواهد داشت و گاهی روزه
نمیداشت بر وجهی که میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت
و بعد از آن یکروز روزه میداشت و یکروز روزه نمیداشت و بعد

قرار داده که از ماهی سه روز روزه دارد پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه
میان ماه و پنجشنبه آخر ماه و میگفت که هر که اینچنین روزه دارد چنانست
که همه عمر روزه دار باشد **وگفت** امام جعفر صادق ع که هر گاه سه
روز روزه بدارید از ماهی باید که جدل و نزاع نکنید بکسی و شتاب
نکنید سوگند خوردن بخدای تعالی و اگر کسی نسبت بشما جفای کند از
روی نادانی از وی تحمل کنید **وگفت** امیر المؤمنین علی ع که یکماه
روزه داشتن از صبر است و سه روز روزه داشتن از هر ماهی می برد
غم و وسواس را و سه روز روزه داشتن از هر ماهی مثل روزه داشتن تمام عمر است
بدرستی که خدای تعالی میگوید که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها
یعنی هر که یک نیکویی کند مر او را ده نیکویی است پس سه روز روزه
داشتن در ماهی برابر روزه داشتن تمام ماه است پس سه روزه
روزه داشتن از هر ماهی برابر روزه داشتن تمام عمر است **روایت**
که پرسیدم امام جعفر صادق را ع از کسی که سه روز روزه ندارد از هر
ماهی بجهت آنکه دشوار باشد بر او روزه داشتن که آیا بدل دارد
این روزه گفت بلی بدل هر روز یک مد طعام بدهد **وگفت** امیر المؤمنین
علی ع که رسول خدا ص فرمود که هر که یکی روز روزه سنت بدارد خدای
تعالی او را به بهشت می برد **وگفت** ابو عبد الله ع که افطار کردن در منزل
برادر مؤمن فاضلتر است هفتاد بار یا نود بار از روزه داشتن **روایت**
که هر که نزد برادر مؤمن بیاید و روزه دار باشد و آن برادر افطار مهمانی

کند

کند و او افطار کند نزد آن برادر مؤمن و نگوید که روزه دارم و منت
ننهد بر آن برادر مؤمن بنویسد خدای تعالی برای او ثواب روزه یکساله
روایت که حضرت پیغمبر ص وقتی که افطار میکرد میگفت اللهم لكَ
صُمتُ وعلی رِزقِكَ افطرتُ **فصل دویم** در آداب دست شستن و مسواک
از کتاب من لا یحضره الفقیه که و غیر آن که گفت حضرت پیغمبر ص که آنکسی که
میخواهد که بسیار شود خیر او باید که دست خود را بشوید نزد حاضر
شدن طعام **روایت** که جمع کنید آب دست شستن را تا جمع کند خدای
تعالی پریشانی شما را **روایت** که دست شستن پیش از طعام می برد درد
را و بعد از طعام می برد دیوانگی را و صحت میدهد جسم را **وگفت** امام
جعفر صادق ع که آنکسی که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از
طعام برکت میدهد خدای تعالی او را در اول طعام و آخر طعام و بفراغت
میگذراند مادام که زنده است و عافیت می یابد از رنجی که در بدن است
روایت که بکشید به دندان خود سعد را بدرستی که خوشبو میگرداند
دهن را و زیاده میکند قوت جماع را و سعد گیاهیست خوشبو **روایت**
که آنکسی که بشوید دست خود را پیش از طعام باید که خشک نکند
بدستمال و مانند آن بدرستی که همیشه در طعام برکت است مادام که دست
تر است **گفت** حضرت پیغمبر ص که وقتی که طعام خورید باید که پاک
نکنید دست خود را بدستمال تا آنکه بلیسید دست خود را **روایت**
که باید که پیش از طعام اول صاحب منزل دست بشوید و بعد از آن

انکسی که بجانب راست اوست و بعد از طعام ابتدا کند از انکس که بر
جانب چپ صاحب منزل است بدرستی که صاحب منزل سزاوارتر است
بصبر کردن بر بوی طعام و دست خود را پاک کند بعد از دست شستن
بدستمال و مانند آن روایتست که امام جعفر صادق ع پاک کردن دست
خود را از طعام پیش از دست شستن و بعد از دست شستن می مالید
دست خود را بر سر و روی خود پیش از انکه پاک کند بدستمال وگفت
اللّهمّ اجعلني ممّن لا يرهق وجوههم قترٌ ولا ذلّةٌ وگفت امام
جعفر صادق که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام می برد
درویشی را همچنانکه اهنگران می برد کثافت آهن را و بفراغت میگذراند
مادام که زنده است و فرشتگان طلب آمرزش میکنند برای انکس که
میلیسد انگشت خود را در اخر طعام روایتست که امام جعفر صادق ع
مکروه میداشت نزد دست شستن برداشتن طشت را پیش از انکه
پر شود و چون پر میشد آب از آن میریختند وگفت امام جعفر صادق
ع که انکسی که دوست میدارد که بسیار شود خیر در منزل او باید که
دست خود را بشوید پیش از طعام و بعد از طعام بدرستی که انکسی که چنین
کند بفراغت بگذراند مادام زنده است و عافیت یابد از رنجی که
در بدن اوست و نیز گفت که وقتی که دست خود را بشوید بعد
از طعام باید که بمالد بر چشمهای خود دست تر را بدرستی که امان است
از درد چشم وگفت صفوان الجمال که ما بودیم نزد ابی عبدالله ع که

خوان طعام آوردند پس خادم امد و اب دست شستن آورد و
انحضرت دست شست و خادم خواست که مندیلی بانحضرت بدهد
که دست خود را خشک کند انحضرت قبول نکرد و گفت که ما دست خود را
نشوییم از انجهت که دست ما تر باشد در وقت طعام خوردن وگفت
ابو عبدالله ع که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی
را و زیاده میکند روزی را منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت
ابو جعفر ع که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی
را وگفت یونس که یک نوبتی ابوالحسن ع بمنزل من آمد چون طعام حاضر
شد طشتی اوردند که انحضرت دست بشوید و انحضرت دست بشوید
و انحضرت در صدر مجلس بود گفت ابتدا کن بانکسی که در جانب راست

بصاحب منزل پس

ویست چون یکی دست شست خواست غلام که بردارد طشت را انحضرت گفت
که بگذار طشت را تا دیگران هم دست بشویند گفت مدائنی که دیدم ابا
الحسن را ع که وقتی که دست می شست پیش از طعام دست خود را خشک
نمیکرد بدستمال و وقتی که دست می شست بعد از طعام دست خود را بدستمال خشک
میکرد کتاب موالید الصادقین آورده است که حضرت پیغمبر وقتی که
فارغ میشد از دست شستن بعد از طعام می مالید دست تر را بر روی
خود و میگفت الحمد لله الّذي هدانا واطعمنا وسقانا وكلّ بلاءٍ صالحٍ ابلانا
فصل سیم در اداب چیز خوردن و انچه متعلق باین روایتست از
کتاب طب الائمه که گفت امیرالمؤمنین علی ع که یاد کنید خدای تعالی را نزد طعام

خوردن وسخنان بیهوده مگیند وقت طعام خوردن بدرستی که طعام
نعمتی است از نعمتهای خدای تعـ و واجبست بر شما حمد و ثنا و شکر گفتن
بر نعمتهای خدای تعـ و نیکو عمل کنید با نعمت پیش از انکه فارغ شوید از نعمت
بدرستی که نعمت چون برطرف شود گواهی میدهد بر صاحب خود بان عملی که
با او کرده است و نیز گفت که وقتی که بنشیند بطعام خوردن باید که بنشیند
همچو نشستن بندها و طعام بخورید بر روی زمین و چهار زانو ننشیند
بدرستی که خدای تعـ دشمن میدارد چهار زانو نشستن را و خشم میکند
بر کسی که چهار زانو می نشیند و گفت امام جعفر صادق ع که بسیار
مکث کنید در طعام خوردن بدرستی که این ساعتی است که حساب
از عمر شما نمیشود
نقلست از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است
امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت امام حسن ع که در مائده
دوازده خصلت است که واجبست بر هر مسلمانی که بداند آنها را چهار
از ان خصلتها سنت و چهار ادب اما انچه واجبست شناختن است
که این نعمت از خدای تعالی است ... پیش از طعام و شکر گفتن است بعد از
طعام اما ان چهار که سنت است دست شستن است پیش از طعام
و نشستن بر جانب چپ و طعام خوردن بسه انگشت و لیسیدن
انگشتان و اما انچه ادب طعام خوردن است از پیش خود لقمه
خرد بر داشتن و بسیار خاییدن و کم نظر کردن در روی مردمان
وقت طعام خوردن گفت عمر بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر ع محمد باقر

و یک پای خود را بر پای دیگر نشیند

در پیش انحضرت خوانی بود و انحضرت طعام میخورد پرسیدم که چه عملی باید
کرد با خوان طعام انحضرت گفت هرگاه خوان نهی بسم الله بگو و هرگاه
برداری الحمد بگو خدای تعـ را و بخور از کرد خوان اینست آن عملی که
می باید کرد بخوان طعام وقت خوردن گفت محمد بن ولید که طعام خوردم نزد ابی
جعفر ع تا انکه فارغ شد از طعام خوردن و خوان را برداشتند پس
میخواست غلام که انچه ریخته بود از طعام بر زمین بردارد انحضرت گفت
انچه در صحرا بیفتد از طعام بگذار و اگر چه ران گوسفندی باشد
وانچه در صحرا بیفتد از طعام بگذار و اگر چه ران گوسفندی باشد
وانچه در خانه بیفتد پیروی کن و بردار انرا گفت رسول خدا صـ
که هر کسی که بیابد ریزه طعام یا خرمائی و بخورد انرا هنوز ان ریزه نخورد در شکم
او باشد که خدای تعالی بیامرزد او را روایت کرده است امام
رضا از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صـ گفت که انچه می افتد
از خوان طعام کابین حور العین است روایت است امام جعفر صادق ع که
مکروه میداشت بدست چپ چیزی خوردن را و آشامیدن
و بدست چپ چیزی گرفتن و گفت حضرت پیغمبر صـ با امیر المؤمنین
علی ع که یا علی در وقت طعام خوردن ابتدا کن بنمک و ختم کن
بنمک بدرستی که شفاست از هفتاد درد که از جمله انها دیوانگی
و جذام و برص و درد گلو و درد دندان و درد شکم است روایت کرد ابن عباس
که حضرت پیغمبر صـ فرمود که سر با انگشت بنمک زدن و خوردن پیش از طعام

پیش بحمد شده در اطراف خوان را جمع کنی و بخورد

با انگشت نمک زدن و خوردن پیش از طعام و بعد از طعام دور میکند
از بنی آدم هفتاد و دو نوع بلا را که از جملهٔ آنها دیوانگی و جذام و برص است
و گفت امیر المؤمنین علی ع که ابتدا کنید بنمک در طعام خوردن پس اگر
بدانند که چه خاصیت است در نمک اختیار کنند نمک را و مگذارند تریاک
فاروق را گفت ابو عبد الله ع که ما ابتدا میکنیم بنمک و ختم میکنیم
بسرکه و گفت حضرت پیغمبر ص که خوب نان خورشی است سرکه محتاج
نمیشوند اهل خانه که در آن خانه سرکه باشد و گفت امام جعفر صادق
ع که رسول خدا ص فرمود که هر گاه مائده بنهند چهار فرشته در گرد او
در آیند پس وقتی که بنده بسم الله بگوید آن فرشتها میگویند بشیطان
که بیرون رو ای فاسق که دستی نیست ترا بر اهل این طعام و هر گاه فارغ
شدند از طعام خوردن و گفتند الحمد لله آن فرشتها میگویند که این
قومی اند که خدای تعالی نعمت داد بایشان و ایشان شکران نعمت
گفتند و هر گاه بنده بسم الله نگوید آن فرشتها میگویند که ای فاسق
نزدیک شو و طعام بخور با ایشان و هر گاه خوان طعام بر داشتند و حمد
خدای تع را آن فرشتهای گویند که این قومی اند که خدای تع بایشان
نعمت داد و ایشان فراموش کردند از پروردگار خود و شکران نعمت
نگفتند گفت حضرت پیغمبر ص با میر المؤمنین علی ع که یا علی هر گاه
طعام میخوری بسم الله بگو و بعد از آن شروع کن در طعام خوردن
و چون فارغ شوی از طعام خوردن الحمد لله بگوی بدرستی که آن دو فرشته

که موکل تو اند حسنات می نویسند برای تو تا وقتی که طعام تمام شود گفت
امیر المؤمنین علی ع که هر کس بسم الله بگوید نزد طعام خوردن من ضامنم که آن
طعام او را ضرر نکند ابن الکوا گفت یا امیر المؤمنین دوش طعامی خوردم
و بسم الله گفتم و آن طعام مرا ضرر رسانید آنحضرت گفت که چند نوع طعام خوردی
و بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی بسم الله نگفتی از این جهت ضرر یافتی
ای لئیم گفت امام جعفر صادق ع که اگر کسی که چند نوع طعام نزد او حاضر
شود و او فراموش کند بسم الله گفتن را نزد خوردن هر یک از طعام
چون بیادش آید بگوید بسم الله علی اوله و آخره فرمود حضرت صادق که هرگز
طعام در معدهٔ من ضایع نشد بجهة آنکه هر گاه طعام خوردم ابتدا
ببسم الله کردم و چون فارغ شدم از طعام الحمد لله گفتم و فرمود که وقتی
که کسی سیر شد نفس طغیان میکند پس باید که کسی آنقدر طعام نخورد
که سیر شود گفت امیر المؤمنین علی ع بپسر خود امام حسن ع که
ای پسر من هر لقمه که از طعام بخوری خواه گرم و خواه سرد و هر شربت
و جرعه که بیاشامی باید که پیش از آن بگوئی اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ فی اَكْلی
وَ شُرْبِی السَّلامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلیٰ طاعَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ
فیما اَبْقَیْتَهُ فی بَدَنی وَاَنْ تُشَجِّعَنی بِقُوَّتِها عَلیٰ عِبادَتِكَ وَاَنْ تُلْهِمَنی حُسْنَ
التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِیَتِكَ بدرستی که اگر این کار بکنی ایمن میشوی از
و سختی آن روایت است که چون خوان طعام نزد رسول خدا ص می نهادند
میگفت اللّٰهُمَّ اجْعَلْها نِعْمَةً مَشْكُورَةً نَصِلُ بِها نِعْمَةَ الْجَنَّةِ و بود

که حضرت پیغمبر ص وقتی که دست خود بطعام مینهاد میگفت بسم الله بارک لنا
فیما رزقتنا وعلیک خلفه و بود امام زین العابدین ع که چون
طعام میخورد میگفت الحمد لله الذی اطعمنا وسقانا وکفانا وایدنا واوانا
وانعم علینا وافضل الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم وگفت امام محمد باقر ع
که سلیمان ع وقتی که فارغ میشد از طعام خوردن میگفت اللهم اکثرت
واطیبت فزد واشبعت وارویت فهنئه روایت است از امام جعفر صادق ع که
وقتی که طعام میخورد میگفت الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین واخذ منا
فی عاریین وفضلنا علی کثیر من العالمین وگفت حضرت پیغمبر ص که وقتی
که بر داشته شود خوان طعام بگو الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها
نعمة مشکورة منقول است از کتاب نجات که وقت طعام خوردن
می باید خواند این دعا را که الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم ویجیر ولا یجار
علیه ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقتنی من طعام
وادام فی یسر وعافیة من غیر کد منی ولا مشقة بسم الله خیر الا
سماء رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه شیء وهو السمیع العلیم اللهم اسعدنی فی مطعمی هذا بخیره
واعذنی من شره وامتعنی بنفعه وسلمنی من ضره و دعائی که بعد فارغ
شدن از طعام می باید خواند الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی وسقانی
فاروانی وصاننی وحمانی الحمد لله الذی عرفنی البرکة والیمن بما
اصبته وترکته منه اللهم اجعله هنیئا مریئا لا وبیا ولا دویا وابقنی

وسقانا ناطعما نبئ وکسانا
عاریین وهدانا ضالین
وحملنا راجلین وآوانا
ضاحین

بسم الله
فی الارض ولا فی السماء
ما ینفعنی

بعد

بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی طاعتک وارزقنی رزقا دارا
واعشنی عیشا قارا واجعلنی ناسکا بارا واجعل ما یتلقانی فی المعاد
مبتهجا سارا برحمتک یا ارحم الراحمین روایت شده از کتاب بصایر که روایت
کرده است محمد بن جعفر العاصم از پدر خود و پدر او روایت کرده است
از پدر خود که گفت که حج کردم و با من جماعتی از یاران من بودند پس
آمدیم بحوالی مدینه وقصد کردیم که جائی فرود آییم پس استقبال کرد
ما را غلام امام موسی ع و سوار بود بر دراز گوش سبزی و از عقب
او طعام آوردند و ما فرود آمدیم در نخلستان و آنحضرت ع آمد و
فرود آمد در آن منزل و فرمود که طشت و آبی آوردند که دست
بشویند آنحضرت اول هر دو دست خود را شست و فرمود که گردانیدند
طشت را بجانب راست آنحضرت تا آنکه رسید باخر مجلس و بعد از آن
گردانیدند طشت را بجانب چپ آنحضرت تا آنکه رسید باخر مجلس
~~و بعد از آن گردانیدند طشت را بجانب چپ آنحضرت تا آنکه رسید~~
باخر مجلس و بعد از آن طعام پیش آوردند و آنحضرت ابتدا بنمک کرد
و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بعد از آن سرکه آوردند و بعد
از آن فرمود که شانه گوشت بریان آوردند و گفت بسم الله الرحمن
الرحیم بگویید و بخورید بدرستی که این طعامیست که حضرت پیغمبر ص
دوست میداشت و بعد از آن فرمود که روغن زیتون آوردند
و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید بدرستی که حضرت فاطمه

دوست میداشت این طعام را و بعد از آن فرمود که سکباج آوردند
و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که امیرالمؤمنین
علی ع دوست میداشت این طعام را و میگفت که سکباج قلیه ترشی است
که از سرکه و گوشت و پیاز و ادویه حاره می پزند و بعد از آن فرمود
که گوشت بریانی که در وی بادنجان بود آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم
بگویید و بخورید به درستی که امام حسن ع دوست میداشت این
طعام را و بعد از آن فرمود که دوغ ترشی آوردند که در وی نان ترید
کرده بودند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که امام
حسین ع دوست میداشت این طعام را و بعد از آن فرمود که گوشت
یخنی آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که امام
زین العابدین ع دوست میداشت این طعام را و بعد از آن فرمود
که پهلوی گوشتی آوردند که با داروهای گرم پخته بودند و گفت
بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که امام محمد باقر ع دوست
میداشت این طعام را و بعد از آن فرمود که خاگینه آوردند و
گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که دوست
میداشت این طعام را ابوجعفر ع و بعد از آن فرمود که حلوا آوردند
و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید به درستی که من دوست
میدارم این را و بعد از آن فرمود که خوان طعام برداشتند پس خواست
یکی از ما که برچیند انجیر ریخته بود از خوان طعام انحضرت منع کرد و گفت

انجیر

انجیر در خانها می افتد از خوان طعام برمی باید داشت اما در منزل اینجا
که صحراست انچه می افتد از خوان طعام برای مرغان و حیوانات می باید
گذاشت و بعد از آن فرمود که خلال آوردند و گفت که طریق خلال کردن
آنست که اول بگرداند زبان را در دهن خود و انچه جدا شود بزبان فرو
برد و انچه بزبان جدا نشود بخلال جدا کند و بیرون کشد از دهن و بیندازد
و بعد از آن طشت و آب دست شستن طلبید و اول کسی که بجانب
چپ انحضرت نشسته بود دست شست پس آخر مجلس از جانب چپ
دست شستند و بعد از آن انحضرت دست شست و بعد از آن کسی که
بجانب راست انحضرت نشسته بود دست شست پس تا آخر مجلس از د
راست انحضرت نشسته بود دست شست پس تا آخر مجلس از دست راست
دست شستند بعد از آن انحضرت گفت ای عاصم شما چگونه با یکدیگر
آمیزش و نیکویی میکنید عاصم گفت که به نیکوترین وجهی انحضرت
گفت که اگر یکی از شما در محل تنگی منزل برادر مؤمن خود بیاید و بگوید
که کیسه زر او را بیرون آرید پس بیرون آورند و آنکس بردارد آن
کیسه را و آن مقدار زر که احتیاج دارد بردارد آیا آن برادر مؤمن را
بد می آید گفت عاصم که آری ~~انحضرت گفت آمیزش که آری~~ انحضرت
گفت آمیزش شما نیست به نیکوترین وجهی **نقلست** از کتاب
طب الائمه ~~گفت الائمه~~ که گفت ابوعبدالله ع که چیزی مخور در وقت راه
رفتن مگر آنکه ضرورت باشد **و گفت** عمر بن ابی شعبه که دیدیم

اباعبدالله را ع که تکیه کرده چیزی بخورد و گفت که رسول خدا ص تکیه
کرده چیزی نخورد تا از دنیا رحلت فرمود **گفت** امیرالمؤمنین علی ع
که هر چیزی که می‌افتد از خوان طعام بدرستی که درو شفاست از هر دردی
مر آنکسی را که طلب شفا کند بآن **نقلست** از کتاب فردوس که گفت
انس که حضرت پیغمبر ص فرمود که آنکسی که بخورد آنچه می‌افتد از خوان طعام
بفراغت بگذراند سالم گردد زندگانی کند و عافیت یابد از جذام فرزند او
و فرزند فرزند او **گفت** که دید حضرت پیغمبر ص ابوایوب انصاری را که میچید
آنچه از خوان طعام فرو ریخته بود آنحضرت گفت که برکت مر ترا ابوایوب
گفت که اگر غیر من این کار بکند برکت هست او را آنحضرت گفت بلی آنکسی
که این کار بکند که تو کردی آنچه در حق تو گفتم در حق او نیز هست و آنحضرت
گفت که آن کسی که این کار بکند نگاه دارد خدای تعالی او را از دیوانگی
و جذام و برص و زرداب و بی‌عقلی و گفت عالم آل محمد که آن امام محمد
باقر است ع که سه چیز است که حساب نمیکنند از آن بر مومن طعامی
که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحی که یاری کند او را و محفوظ ماند
بسبب از زن دین او **گفت** امیرالمؤمنین که بگذارید طعام گرم را
که سرد شود تا بآسانی توان خورد بدرستی که نزد رسول خدا ص
طعام گرم آوردند آنحضرت گفت بگذارید که سرد شود تا بآسانی توانید خورد
بدرستی که خدای تعالی آتش را طعام نکرده است ما را و برکت در طعام
سرد است و در گرم برکت نیست **و گفت** حضرت پیغمبر ص که آنکسی که بلیسد

و برکت است مر تو را برکت است در تو

کاسه را صلوات بفرستند برای او فرشتها و دعا کنند برای او که روزی او فراخ
شود و بنویسند برای او حسنات بسیار **روایتست** که آنکسی که طعام بخورد
وقتی که معده او خالی باشد از طعام و نیکو بخاید طعام را و ترک طعام
خوردن کند و هنوز میل داشته باشد و نگاه ندارد غایط را وقتی که
تقاضا کند بیمار نشود مگر بیماری موت **و گفت** امام جعفر صادق
ع که هر گاه که می‌آوردند برای حضرت پیغمبر ص میوه نوباوه آنحضرت می‌بوسید
آن را و بر چشم خود می‌نهاد و میگفت اللهم اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها
فی عافیة فارزقنا یعنی یا رب خدایا نمودی بمن اول این میوه را بمن
را بعافیت پس بنما آخر او را نیز بعافیت **روایتست** که سنت است رفتن خواب
کردن مر کسی را که بسیار سیر باشد مگر آنکسی که سیر باشد بدرستی که بری
که سیر است بفراغت خواب میکند و خوشبوتر میشود دهن او **و گفت**
حضرت پیغمبر ص که عجب است از کسی که خود را نگاه میدارد از طعام از ترس
بیماری که چون نگاه نمیدارد خود را از گناه از ترس آتش دوزخ
نقلست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق ع که وقتی
که بطلبند شما را بطعامی باید که نبرید فرزند خود را همراه خود بدرستی
که اگر چنین کنید آنچه میخورید حرام است و باید منزل عاصی و گناه کار میرود
و روایتست که رسول خدا ص فرمود که آنکسی که بیشتر آروغ زند بجهت
بسیار طعام خوردن گرسنگی او بیشتر خواهد بود در روز قیامت
و گفت که وقتی که حاضر شود خوان طعام نزد جماعتی و یکی از آن

آخر طعام

بسم الله بگوييد كه بيست از همه روايت كه وقتی كه خوان طعام نهاده
شود بسم الله بگوييد وقتی كه طعام ميخوری بگو بسم الله علی اوله وآخره
وچون خوان طعام برداشته شود الحمد لله بگو روايت كه هر گاه چند
رنگ طعام برداشته شود الحمد لله بگو روايت كه هر گاه چند رنگ طعام حاضر
شود بسم الله بگو نزد خوردن هر طعامی راوی ميگويد كه گفتم كه اگر
فراموش كنم چكنم انحضرت گفت هر گاه بيادت آيد بگوييد بسم الله علی
اوله وآخره وگفت امام رضا ع كه هر گاه طعام بخوری بعد از آنكه
فارغ شوی از طعام خوردن بايد كه بر پشت بيفتی وپای راست را بر بالای
پای چپ نهی وگفت امام جعفر صادق ع كه بسيار چيزی خوردن
مكروه است روايت كه آنكسی كه بخورد طعامی كه او را نطلبيده باشند
بآن طعام گويا كه ~~آن را نطلبيده باشند~~ بآن طعام گويا كه آن طعام پاره
از آتش است منقولست از كتاب زهد امير المؤمنين علی ع كه روايت
كرده است ابو عبد الله ع از پدران خود عليهم السلام كه گفت امير المؤمنين
علی ع كه نگاه داريد خود را از گناه كه هيچ بليه سخت تر وشنيع تر از
گناه نيست ومحروم نميشود كسی از روزی مگر بگناه وگناه سبب حزن
واندوه ومصيبت ونكبت ميشود چنانكه خدای تع فرموده است
كه ما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم ويعفوا عن كثير يعنی آن مصيبتی
كه بشما ميرسد بجهت كسب شما است وحال آنكه خدای تع عفو ميكند بسياری
از گناهان شما را وگفت امير المومنين علی كه بسيار ياد كنيد خدای تع

را وقت طعام خوردن ونافرمانی مكنيد بدرستی كه طعام نعمتی است
از نعمتهای خدای تع وروزيست از روزيهای او وواجبست بر شما حمد گفتن
وشكر گفتن بر نعمتهای خدای تع وشكر عمل كنيد بنعمت پيش از آنكه فارغ
شويد از نعمت بدرستی كه چون نعمت برطرف شود گواهی ميدهد بر صاحب
خود باعملی كه كرده است با او وآنكسی كه خشنود باشد از خدای تع باندكی
از روزی خشنود ميشود خدای تع از او باندكی از عمل وبپرهيزيد از تقصير
كردن در عمل تا حسرت نخوريد در محلی كه حسرت خوردن فايده ندهد
وهر گاه برسيد بدشمن در جنگ كم سخن كنيد وبسيار ياد كنيد خدای تع
را وپشت بدشمن مكنيد نكس برنيد تا خدای تع غضب نكند بر شما ومستوجب
غضب خدای تع نشويد وآنكسی كه خواهد كه بداند كه چگونه است قدر
ومنزلت او نزد خدای تع بايد كه نظر كند كه چگونه است قدر ومنزلت
خدای تع نزد او ومنقولست از كتاب تهذيب الاحكام كه گفت مروان
بن عبيد كه گفت با امام جعفر صادق ع كه اگر مردی بگذرد بر زراعتی جايز است
كه خوشه از آن زراعت تصرف كند انحضرت گفت نی گفتم خوشه چيزی
كه جايز باشد تصرف كردن آن انحضرت گفت كه اگر هر كس كه بگذرد
بر زراعتی وخوشه بگيرد باقی نمی ماند از زراعت چيزی وگفت
از كتابی كه جمع كرده است بيه من در آداب كه گفت فضل بن يونس
كه روزی من در منزل خود بودم خادم من آمد وگفت كه در سرا مردی است
كه كنيت او ابو الحسن است ونام او موسی بن جعفر گفتم ای غلام اگر اين

وقت گناه كردن نزد او د اگر
منزلت خدا نزد او تحوی
است كه مانع ميشود او را
از گناه هم چنين است
منزلت خدا نزد او

انکس است که من کمان می برم نوازادی قرنبالی الله بس پیش رفتم انکس بود
که من کمان برده ام کفتم فرود آی ای سید من انحضرت فرود آمد و درامد
در مجلس خواستم که انحضرت را در صدر مجلس بنشانم کفت ای فضل صاحب
منزل سزاوارتراست بصدر مجلس مکر انکه در میان قوم مردی از بنی
هاشم باشد پس کفتم که فدای توکردم تو از بنی هاشمی چون نشست کفتم
فدای توکردانم ما حاضر شده است طعام را برای اصحاب اکر میخواهی بیارم
انحضرت کفت ای فضل مردمان میکویند که این طعامست که بچنین رسیده است
و مکروه میدارند خوردن این طعام را اما نزد من قصوری ندارد
پس فرمود غلام را که طشت آورد و نزدیک انحضرت رفت انحضرت
کفت الحمد لله الذي جعل لكل شئ حدا یعنی سپاس و ستایش
مر خدا یرا که تعیین کرده است برای هر چیزی حدی و قاعده کفتم
فدای توکردم قاعده دست شستن چیست انحضرت کفت قاعده
دست شستن پیش از طعام آنست که ابتدا کند بآن صاحب منزل
تا انکه خوشحال شوند مهمانان چون نهاد پیش انحضرت طشت را انحضرت
بسم الله کفت و چون طشت را برداشت انحضرت حمد کفت خدای تعالی
را و بعد از ان خوان طعام آورد کفتم چیست قاعده این انحضرت کفت
بسم الله کفتن وقتی که بنهید خوان طعام را و حمد کفتن خدای تعالی را
وقتی که بردارند خوانرا و بعد از ان خلال آورد کفتم قاعده خلال
کردن چیست انحضرت کفت شکستن سر خلال تا انکه کوشت بن دندانرا

خوین نکند پس کوزهٔ آب آورد کفتم قاعدهٔ آب خوردن چیست انحضرت
کفت که قاعده آنست که از پیش دستروان انجا که شکسته باشد
آب نخورند بدرستی که این هر دو جای نشستن شیطانست و هرکاه
خواهی آب بخوری بسم الله بکو و چون فارغ شوی از طعام خوردن
ای فضل می باید که صاحب خانه بعد از همه دست بشوید پس انحضرت
کفت که خلیفه فرموده است که نود هزار درهم بفلان جماعت بدهی و
من میخواهم که این مبلغ را نقد بایشان بفرستی کفتم فدای توکردم اکر این زر
از دست من بیرون رود باز بمن نخواهد رسید انحضرت کفت که تو نقد
بفرست بایشان که بایشان نخواهد رسید انحضرت کفت که اکر بتو عود
خواهد کرد انشاء الله تعالی وکفت حضرت پیغمبر صم که چیزی خوردن
در بازار دنائت و پستی است روایتست که کفت مردی برسول خدا صم
که یا رسول الله ما الطعام میخوریم و سیر نمیشویم انحضرت کفت که شما
جدا طعام میخورید بجهت آن سیر نمیشوید بجماعت شوید در طعام خوردن
و بسم الله بکویید تا خدای تعالی شما را برکت دهد وکفت ابن عمر که رسول
خدا صم فرمود که هرکاه خوان طعام پیش کسی بیارند باید که از پیش
خود بخورد و از پیش کسی که با وطعام میخورد نخورد و از میان طعام
نخورد بدرستی که برکت در میان طعام است و باید که کسی که با کسی
طعام میخورد از طعام دست باز ندارد و اکرچه سیر شده باشد بدرستی که اکر
چنین کند انکسی که با او طعام میخورد خجل میشود و شاید که هنوز سیر

مالهای من از دستم بیرون
رفته و مردم که فرستاده ام نیستند
نداده اند تا حال فرمود
بیرون رو و جستجوی ایشان
بکن تا آنچه وصول شد مالها آن
مالها پیش عود خواهی کرد
فضل کفت بخدا قسم که هنوز
بانها نرسیده بودم که ده
هزار درهم از آن مال عمی
برکشت پس فرستادم
آن مالها را نزد آن جماعت

شده باشد گفت انس که رسول خدا صلعم طعام نخورد بر خوان و نه در
پیاله خورد و نان تنک نخورد کسی گفت با انس که بر چه چیز طعام میخورد
آن حضرت انس گفت بر سفره نقلست از کتاب روضة الواعظین
که روایت کرده امیر المؤمنین علی ع که گفت ابو جحیفه که شبی در خدمت
حضرت پیغمبر ص بود و من آروغ میزدم بجهت آنکه طعام بسیار خورده بودم
آنحضرت گفت یا ابا جحیفه طعام کمتر بخور بدرستی که آنها که سیرترند
در دنیا گرسنه تر خواهند بود در روز قیامت گفت حضرت پیغمبر ص
که نور حکمت در گرسنگی است و دوری از خدای تعالی در سیری است و نزدیکی
بخدای تعالی در دوستی مسکینان و درویشان است و در نزدیکی با ایشان
روایتست که باید که بمیرانید دلهای خود را به بسیار خوردن طعام
و آب بدرستی که دلها می میرند بجهت بسیاری طعام و آب همچنانکه
زراعتها ضایع میشود بجهت بسیاری آب روایتست که سیر نخورید
بدرستی که نمی ماند نور معرفت در دلهای شما و آنکسی که شب روز آورد
و نماز گذارد و اندرون او خالی باشد از طعام شب روز می آورند
و نماز گذارد و اندرون او فربه و چین در گرد او روایتست که پرسیدند
از رسول خدا ص که چه چیز است که بیشتر مردم را بدوزخ می برد
آنحضرت گفت شکم و فرج و نیز آنحضرت گفت که آنکسی که طعام حلال
میخورد می باید بر سر او فرشته در وقت طعام خوردن و استغفار
میکند برای او تا آنکه فارغ شود از طعام خوردن روایتست که هرگاه

لقمه

لقمه حرام بخورد لعنت میکنند بر او هر فرشته که در آسمان و زمین است و مادام
که آن لقمه در اندرون اوست حق تعالی باو نظر نکند و آنکسی که لقمه
از حرام بخورد سزاوارست بغضب خدای تعالی و اگر توبه کند
خدای تعالی قبول میکند توبه او را و اگر بی توبه بمیرد دوزخ سزاوارست او را
باو

فصل چهاردهم در آداب شرب و آنچه متعلق است بآن

منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که حضرت پیغمبر ص گفت که
ظرف طلا و نقره متاع جماعتی است که یقین ایشان بخدای تعالی درست نیست
و نیز گفت امام جعفر صادق ع که سزاوار نیست آشامیدن از ظرف طلا
و نقره و گفت امام محمد باقر ع که چیزی نخورید در ظرف طلا و نقره
و گفت که ابو عبدالله ع مکروه میداشت آشامیدن در ظرف
طلا و نقره و قدح نقره کوفت و مکروه میداشت که روغن بمالند
از روغن دان نقره کوفت و شانه کنند بشانه نقره کوفت و آنکسی
که ناچار باشد آشامیدن از قدح نقره کوفت باید که دور گرداند
دهن خود را از موضع نقره و گفت که ابو عبدالله ع آب طلبید
برای آنحضرت قدحی از روی آوردند که در او آب بود پس گفتند
بعضی از اهل مجلس بعضی که عباد بصری مکروه میداشت آب خوردن
از قدحی که از روی باشد آنحضرت گفت که از و بپرسید که این قدح
از طلاست یا نقره که مکروه میداری آب خوردن را در او روایتست
که پرسیدند امام صادق را ع از آب خوردن بیکدم آنحضرت گفت

آنکس که بثواب میدهد اگر تشنه است بسه دم آب بخور و اگر از دو است
بیکدم بخور و در روایتی دیگر آمده است و این روایت اصح است که
آنحضرت گفت که بسه دم آب خوردن بهتر است از یکدم و آنحضرت مکروه
میداشت آب خوردن را بطریق شتر بیکبارگی دعائی که می باید خواند بعد از آب
خوردن الحمد لله الذی منزل الماء من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله
خیر الاسماء وگفت امام جعفر صادق ع که آمدند نزد بنده من جماعتی
و گفتند که فرمود که هر چیزی را حدیست گفت بنده من که بلی بعد از ان
آبی طلبید که ایشان بخورند گفتند یا ابا جعفر کوزه هم چیزیست از ان
چیزها که حد دارد گفت بلی گفتند حد او چیست گفت حد او اینست
که آب بخوری از میان لب کوزه و ذکر خدای تعالی بگویی و بسه دم آب
بخوری و هر دمی که بخوری حمد خدای تعالی بگویی و آب نخوری از
نزدیک دسته کوزه بدرستی که شیطان از انجا آب میخورد و بعد از آب
خوردن بگوی الحمد لله الذی سقانا ماء عذبا و لم یجعله ملحا
اجاجا بذنوبی وگفت دیگر واقع شده است که آن دعا را که گذشت
می باید خواند با این دعا که اللهم سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی
و عافانی فکفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد
صلی الله علیه و تسعده بموافقته برحمتک یا ارحم الراحمین وگفت
عبد الله بن مسعود که رسول خدا ص بسه دم آب میخورد و پیش از هر دم
بسم الله میگفت و بعد از هر دم شکر میگفت خدای تعالی را وگفت انس که

لله م

الحمد لله الذی

حضرت

حضرت پیغمبر ص نهی کرده است از ایستاده آب خوردن گفتم ایستاده غذا
آب خوردن و نیز گفت انس که آنحضرت آب خورد و روایت که پرسیدند
از امام جعفر صادق ع که طعم آب چیست آنحضرت گفت طعم آب زندگانیست
وگفت امام جعفر صادق ع باید که بسه دم آب بخورید و در دم اول
شکر بگویید برای آب خوردن و دوم بجهت راندن شیطان و سیم بجهت
شفای آب در اندرون شما وگفت ابن عباس که دیدم که رسول خدا
ص که آب خورد بدو دم وگفت که پرسیدند از امام موسی ع که
چیست حد ظرفی که از و آب میخورند آنحضرت گفت که حد او آنست
که از موضع شکسته آب نخورند بدرستی که جای نشستن شیطانست
پس وقتی که آب میخوری بسم الله بگو و چون فارغ شوی از آب خوردن
حمد بگو خدای تعالی را عمرو بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر ع بمدینه و در پیش
آنحضرت کوزه نهاده بود گفتم بآنحضرت که حد کوزه ~~نهاده بود~~ گفتم تا
که حد کوزه چیست گفت حد کوزه انست که آب بخوری از میان لب
کوزه و بسم الله بگویی و هر گاه کوزه را از دهن برداری حمد بگوی خدای
تعالی و بپرهیز از آب خوردن از نزدیک دسته کوزه بدرستی که جای
نشستن شیطان است وگفت رسول خدا ص که وقتی که بیفتد مگس
در ظرف شما باید که فرو برید تمام او را در ظرف بدرستی که در یک
بال او درد است و در دیگر بال او شفا ست پس باید که فرو برید همه او را و بعد از ان او را بیرون
اندازید تا ایمن شوید از درد بال او فصل پنجم در آداب خلال کردن منقولست از کتاب

غذا خوردن چگونه است فرمود شدیدتر است از
ایستاده و این بجهة اظهار رجحان است

من لا یحضره الفقیه که گفت وهب بن عبد ربه که دیدم ابا عبدالله را ع که
خلال میکرد نظر کردم باو آنحضرت گفت رسول خدا ص خلال میکرد و دهن
آنحضرت خوشبوی بود بجهت خلال کردن و در روایت دیگر واقع است
که از حق مهمان آنست که مهیا و آماده کند برای او خلالی وگفت ابو عبدالله
ع که اگر بزبان بیرون آری از میان دندانها فرو بر آن را و اگر بخلال بیرون آوری
بینداز آن را وگفت فضل بن یونس که پرسیدم امام موسی را ع از طریق
خلال کردن آنحضرت گفت که طریق خلال کردن آنست که بشکنی سر خلال
را تا اگر خونین نکند گوشت بن دندان را وگفت امام جعفر صادق ع
که سواک کشیدن خوشبو میکند دهن را و خلال کردن زیاده میکند
روزی را منقولست از کتاب فردوس که گفت سعد بن معاذ
که رسول خدا ص گفت که پاک کردانید دهن خود را بخلال بدرستی
که دهن شما مسکن دو فرشته است که موکل شما اند و نیک و بد شما را
مینویسند و مینویسند و سیاهی آن دو فرشته آب دهن شماست
و قلم ایشان خلال است و بدترین چیزها نزد آن دو فرشته طعام
در میان دندانهای ماند نقلست از کتاب روضة الواعظین که
گفت امیرالمؤمنین علی ع که خلال کردن بچوب گز درد و بینی می آورد
نقلست از کتاب طب الائمه که گفت امام رضا ع که خلال مکنید
بچوب انار و بچوب نی و بچوب ریحان بدرستی که بحرکت می آورد رگ
جذام را وگفت که رسول خدا ص خلال میکرد بهر چیز میرسید مگر

برگ درخت

برگ درخت خرما و نی وگفت رسول خدا ص که رحمت کناد خدای
تعالی امت مرا آنکسانی را که خلال میکنند در وقت وضو ساختن و بعد
از طعام خوردن وگفت امام موسی ع که ندا میکنند ملائکه از آسمان
و میگویند اللهم بارک فی الخلالین والمتخللین یعنی بار خدایا برکت ده آنکسانی
را که در خانه ایشان سرکه باشد و آنکسانی را که خلال میکنند و سرکه بمنزله
مرد صالحیست که دعا میکند برای حضرت پیغمبر ص با سوگند و گواه از آسمان
وگفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که خلال کنید بعد
از طعام بدرستی که خلال کردن بعد از طعام موجب صحت دهن و دندانها
می افزاید روزی را ونقلست از کتاب صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت امام حسین ع
که امیرالمؤمنین ع میفرمود ما را که بعد از خلال کردن آب نخوریم تا آنکه
سه بار مضمضه کنیم روایت کرده است محمد بن الحسن الداری که گفت
امام حسین ع که امیرالمؤمنین ع میفرمود ما را که بعد از خلال کردن آب
نخوریم تا آنکه سه بار مضمضه کنیم روایت کرده است محمد بن الحسن الداری
که گفت یکی از ائمه علیهم السلم که آنکسی که خلال کند به نی حاجت او برآورده
نمیشود تا هفت روز وگفت امام جعفر صادق ع که خلال میکنید
به نی و اگر ناچار باشد پوست نی را بکنید و بعد از آن خلال کنید
وگفت که منع کرد رسول خدا ص از خلال کردن بچوب انار و نی وگفت
که این دو در حرکت می آورند رگ جذام را وگفت امام موسی کاظم

برای اهل آن خانه برکت دهی
عرض کردند ... [illegible]
خلال کیست فا المتخللین
... [illegible]

ع که رسول خدا ص فرمود که خلال کنید بدرستی که نیست هیچ چیزی بدتر
نزد فرشتها از ان که ببینند در میان دندانهای بنده طعام را وگفت
از ان کس که گفت رسول خدا ص که چه نیکو است از امت من انکسی که خلال
میکند وگفت حضرت پیغمبر ع که انکسی که استنجا کند باید که بعدد طاق
استنجا کند پس انکسی که چنین کند نیکو کرده است وانکسی که چنین
نکند باکی نیست وانکسی که سرمه کند باید که بعدد طاق سرمه کند پس
انکسی که چنین کند نیکو کرده است واگر چنین نکند باکی نیست وانکسی
که سرمه کند باید که بعدد طاق سرمه کند وانکسی که طعام بخورد و خلال
کند انچه بخلال بیرون آید از میان دندانها باید که نخورد انرا وانچه بگرداند
زبان بیرون آید باید که فرو برد انرا ومنقولست از کتاب مکارم الاخلاق
که میگوید که انتخاب کردم از ابواب این موضع بر ترتیبی که مذکور خواهد
شد فصل ششم در بیان روایاتی که واقع شده است در نان گفت
امیرالمؤمنین علی ع که اکرام کنید نان را بدرستی که خدای تعالی فرو فرستاده
است برای نان برکتها از آسمان وبیرون آورده است برای نان برکتها
از زمین پرسیدند از انحضرت که چیست اکرام نان انحضرت گفت اکرام
نان آنست که منتظر ندارند انرا و پا بر بالای او ننهند روایتست که اکرام
کنید نان را بدرستی که خدای تعالی فرو فرستاده است برای نان برکتها
از اسمان پرسیدند از انحضرت که چیست اکرام نان گفت هرگاه نان
حاضر شود انتظار چیزی دیگر نبرید وروایتست که حضرت پیغمبر ص این دعا

میکرد

میکرد که اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ یعنی بار خدایا
برکت ده ما را در نان وجدائی میفکن میان ما و نان روایتست انحضرت
که اگر نان نمی بود نمی توانستم نماز کردن وروزه داشتن وادا نمی توانستم
کرد انچه خدای تعالی بر ما واجب کرده است وگفت امام جعفر صادق
ع که اکرام کنید نان را بدرستی که نان مخلوق شده است در میان عرش
وزمین ونیز گفت که بنای بدن آدمی بر نان است وگفت نان جو
وگفت امام جعفر صادق ع که قوت رسول خدا از جو بود وحلوای انحضرت
خرما بود ونان خورش او روغن زیتون بود وگفت ابوالحسن ع که فضل
نان جو بر گندم همچو فضل ما است که اهل بیتیم بر باقی مردمان وجمیع پیغمبران
دعا کردند برای خورنده نان جو وطلب برکت کردند برای او وهر کسی که
جو بخورد بیرون رود هر دردی که در اندرون اوست ونان جو قوت
پیغمبران است علیهم السلام وطعام نیکان است ونمیخواهد خدای تعالی
که بگرداند قوت پیغمبران از قوت بدبختان مگر شفاء وگفت امام جعفر صادق ع
که اگر در چیزی دیگر غیر از جو شفا بیشتری بود عمل کردانید خدای تعالی جو را
قوت پیغمبران علیهم السلام در بیان نان نان برنج گفت امام جعفر صادق
ع که هیچ چیز نفع دهنده نیست از برنج کسی را که سل داشته باشد بدرستی
که برنج میکشد درد از اندرون ونیز گفت که خوب دوائیست برنج
خنک است ودر وهیچ دردی ومضرتی نیست روایت کرده است
امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا ص که بهترین

طعامهای دنیا و آخرت گوشت و برنج است روایت کرده است از ابی نافع
که گفت یکی از ائمه علیهم السلام که نیست چیزی نفع دهنده تر از برنج و نیست
هیچ چیز که بماند در شکم از صباح تا شب مگر نان برنج در بیان نان کاورس گفت
ابو عبدالله ع که نیست در کاورس ثقلی و کاورس با شیر نرم تر و فایده دهنده
تر است در معده فصل هشتم در بیان فایده آبها گفت امام جعفر
صادق ع که بهترین شربتهای اهل بهشت آبست گفت ابو طیفور المتطبب
که رفتم نزد ابی الحسن ماضی ع و منع کردم او را از آب خوردن آنحضرت گفت
باکی نیست آب خوردن بدرستی که آب هضم میکند طعام را در معده و می
برد صفرا را و فرو می نشاند غضب را و می افزاید عقل را و می نشاند حرارت را
و گفت یاسر خادم که امام رضا ع فرمود که باکی نیست بسیار آب خوردن
بر بالای طعام و بعد از آن آنحضرت هر دو دست خود را بپهلوی هم آورد
و گفت که اگر مردی این مقدار طعام بخورد و آب نخورد بر بالای آن نیکو
هضم نمیشود آن طعام در شکم در بیان آب زمزم گفت امام جعفر
صادق ع که آب زمزم شفاست از هر دردی و نیز گفت که آب شفاست
هر دردی را که آن را بجهت آن درد بخورند و در حدیث دیگر واقع است
که آب زمزم شفاست از هر دردی و امانت از هر ترسی در بیان آب
ناودان خانه کعبه گفت صادم که بیمار شد مردی از اصحاب ما تا
آنکه نزدیک شد بمردن پس ملاقات کردم اباعبدالله را ع آنحضرت
گفت ای صادم چه شد حال فلانکس که بیمار بود گفتم فدای تو گردم نزدیک

شده است بمردن آن حضرت گفت که اگر من بجای بودم با او آب ناودان خانه
کعبه میدادم که بخورد صادم گفت که بعد از آنکه آنحضرت فرمود که بآن بیمار آب ناودان
بدهد ~~متوجه شدیم که آب ناودان بدهد~~ متوجه شدیم که آب ناودان بدست آوریم هر چند
طلب کردیم نیافتیم در وقت طلب کردن ابری پیدا شد و رعد و برق شد و باران
بارید رفتم نزد آنکسانی که مسجد حرام بودند یکدرهم دادم و یکقدح آب ناودان
گرفتم و آوردم و بآن بیمار دادم و از پیش او دور نشدم تا آنکه خورد آن آب را
با تمام و خلاص شد از بیماری در بیان آب باران گفت امیرالمؤمنین
علی ع که بیاشامید آب باران را و دفع میکند بیماریها را و خدای تعالی فرموده است
که و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط
علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی فرو فرستاد خدای تعالی از طرف آسمان
آبی تا پاک گرداند شما را بدان آب از حدث و جنابت و ببرد از شما وسوسه
شیطان را و بربندد بر دلهای امید واری بلطف حضرت باری و برای آنکه ثابت
و محکم گرداند بدان باران قدمهای شما را در معرکه جنگ در بیان آب فرات
گفت خالد بن جریر که ابو عبدالله ع فرمود که اگر من نزد شمای بودم هر روز
می آمدم بفرات و بآن آب غسل میکردم و میخوردم هر روز میخوردم هر روز
میخوردم یک انار سورا و انار سورا نام موضعی است در عراق عرب در بیان
آب نیل مصر گفت امیرالمؤمنین علی ع که آب نیل مصر میراند دل را و فرو شوید
سر خود را بگل مصر بدرستی که بیمار میسازد کسی را در بیان آب سرد
امیرالمؤمنین علی ع که آب سرد بریزند بر کسی که تب داشته باشد بدرستی که

آب سردی نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و هضم میکند طعام را در
معده و میبرد تب را **نقلست** از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام
رضا ع از پدران خود علیهم که گفت امیر المؤمنین علی ع در تفسیر قول خدای تع
که ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم که مراد از نعیم خرمای تر و آب سرد است و معنی
آیه اینست که پس هر آینه شما پرسیده خواهید در روز قیامت بوقت محاسبه از
نعمتهای که خدای تعالی شما داده است در دنیا **در بیان** آب جوشیده
وگفت امیر المؤمنین علی ع که گفت که آب جوشیده فایده میدهد همه مرضها
را و هیچ ضرر نمیرساند و نیز گفت که هرگاه بحمام در آیید باید که سه کف آب
گرم بخورید بدرستی که گرمی آن بیرون میکند دردها را و میبرد داء المرد را دنبالها از بدن
آدمی **وگفت** امام رضا ع که آب گرم وقتی که هفت جوش بزند و او را از
ظرفی بظرف دیگر بریزند دور میکند تب را و قوت میدهد قدم و ساق را
در بیان منع کردن از بسیار آب خوردن **وگفت** امام جعفر صادق ع
که بسیار آب مخورید بدرستی که بسیار آب خوردن ماده هر دردیست و اگر
مردمان کم آب خورند هر آینه صحیح می باشد بدنهای ایشان **وگفت** که
حضرت پیغمبر ص وقتی که چیزی چرب میخورد کم آب میخورد کسی گفت یا رسول الله
شما کم آب میخورید آنحضرت گفت که کم آب خوردن گوارنده تر است طعام را
در بیان ایستاده آب خوردن **وگفت** امام محمد باقر ع ایستاده آب
خوردن گوارنده تر و بهتر است وگفت امام جعفر صادق ع که ایستاده آب
خوردن در روز هضم میکند طعام را و در شب زرداب میشود و آنکسی که

در شب آب بخورد و سه نوبت بگوید یا ماء و علیک السلام من ماء زمزم و ماء
الفرات ضرر نکند او را آب خوردن در شب **در بیان** منع کردن از فرو
بردن آب بسیار بیکبار **وگفت** حضرت پیغمبر ص که بمکید آب را و فرو مبرید
آب را بسیار بیکبار بدرستی که درد جگر می آورد **روایتست** که امیر المؤمنین
علی ع منع میکرد از فرو بردن آب بسیار بیکبار و گفت آب را سه بار یا دو بار
می باید خورد **باب هشتم** در بیان گوشتها و آنچه متعلق است بآن **منقولست**
از کتاب صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم
السلام که ذکر کرده شد گوشت و سبز نزد رسول خدا ص آنحضرت گفت که
پاره گوشت و سبز که در معده واقع شود شفا می آورد و می برد درد را (از آن مکان)
وگفت امام رضا ع که رسول خدا ص فرمود که وقتی که طعام بپزید (از گوشت) بسیار
کنید شوربا را بدرستی که شوربای گوشت هم حکم گوشت دارد و بفرستید (گوشت)
برای همسایها و اگر نرسد بایشان شوربا بفرستید **وگفت** امیر المؤمنین
علی ع که گوشت بهترین طعامهای دنیا و آخرتست **وگفت** زراره که
طعام با گوشت خوردم با ابو جعفر ع چهارده روز در ماه شعبان (روایتست) کرده ا
جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر ص فرمود که ما جماعت
پیغمبران دوست میداریم گوشت را **وگفت** ادیم که گفتم با امام جعفر صا
ع که روایت است بمن که خدای تع دشمن میدارد گوشت را و آنخانه را (گفت آن)
که در و گوشت مردمان میخورند یعنی غیبت میکنند **روایتست** که حضرت
پیغمبر ص دوست میداشت گوشت را و گفت که آنکسی چهل روز گوشت

بخورد که خلق میشود با گوشت بدهید که بخورد و آنکسی که سیر بخورد بیرون میرود
دردان بدن او عقد از آن پیه که خورده است وگفت امام جعفر صادق ع
که بهترین گوشتها گوشت میش است در بیان خوردن گوشت با شیر گفت
امام جعفر صادق ع که آنکسی که ضعف دل یا ضعف بدن داشته باشد گوشت
میش با شیر بخورد منقولست از کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع که گفت
عقبة بن علقمه که رفتم نزد امیر المؤمنین علی ع و در پیش آنحضرت دوغی ترشی
بود که ابنا یافتم از بوی ترش آن و پاره نان خشکی بود گفتم یا امیر المؤمنین
آیا میخوری این دوغ ترش و این نان خشک را آنحضرت گفت بمن که یا ابا الجنوب
رسول خدا ص میخورد نان خشکتر ازین نان و می پوشید لباس درشت
تر ازین لباس که پوشیده ام و حذر میکنم من از آنچه کرده است رسول خدا
ص از ترس آنکه در روز قیامت باو نرسم و باو ملحق نشوم وگفت امیر المؤمنین
علی ع که پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد نزد خدای تع از ضعف و بی قوتی امت
خود خدای تع فرمود بآن پیغمبر که بگوید است خود را که گوشت با شیر بخورند
چنین کردند پس ظاهر شد قوت در بدن ایشان در بیان خوردن پیه گفت
ابو الحسن ع که گوشت میرویاند گوشت بدن آدمی را و آنکسی که یک لقمه از پیه
بخورد بیرون میرود درد از اندرون او عقد از آن پیه که خورده است
وگفت امام جعفر صادق ع که مراد از پیه که حضرت پیغمبر ص فرموده است
که آنکسی که یک لقمه پیه بخورد بیرون میرود درد از اندرون او عقد از آن
پیه گاو است روایتست که زهر آلود کردند جهودان برای حضرت پیغمبر

ص هر دست گوسفند را و آنحضرت دوست میداشت هر دست را و
مکروه میداشت هر ران را وگفت که رسول خدا ص فرمود که
آنکسی که بر وی چهل روز بگذرد و گوشت نخورد باید که قرض کند و گوشت بخورد
و بخورد و بر خدای تع لازمست که ادا کند قرض او را روایتست که مردمان
میگویند که آنکسی که سه روز گوشت نخورد بدخلق میشود دروغ میگویند کسیکه
که چهل روز گوشت نخورد بدخلق میشود وگویند گوشت میش میخورند
آنحضرت گفت چرا گفتم میگویند که گوشت میش در حرکت می آورد صفرا را
و دردسری آورد در دهان را آنحضرت گفت که ای سعد اگر
میدانست خدای تع که چیزی بهتر از میش هست از فدای اسمعیل ع
میساخت در بیان گوشت گاو وگفت ابو عبدالله ع که گوشت گاو
درد است و روغن او شفا است و شیر او دوا است و روایتست که شوربا
ی گوشت گاو می برد برص را روایتست که شیر گاو دوا است و پیه
او شفا است و گوشت او درد است وگفت ابو جعفر ع که شکایت
کردند بنی اسرائیل ع نزد حضرت موسی ع از برص و آنحضرت شکایت کرد نزد
خدای تع ازین مرض ایشان پس وحی کرد خدای تع بحضرت موسی ع که بفرما
ایشان را که گوشت گاو با چغندر بخورند وگفت امام جعفر صادق ع که
در گوسفند ده چیز است که نمی باید خورد سرگین و خون و مغز مهرهای
پشت و گردن و غدود و خصیتین و زهدان و فرج و رگ گردن وگفت
ده چیز از مرده پاکست شاخ و سم و استخوان و دندان و پنیرمایه و شیر

روایت کرده سعد که گفتم بحضرت ابو الحسن ع اهل خانه من گوشت میش

و موی و بثم و پرو تخم مرغ منقولست از کتاب فردوس که گفت معاذ که رسول خدا ص فرمود که بر شما باد که گوشت شتر بخورید بدرستی که نمیخورد گوشت شتر را مگر مومنی که مخالف یهود باشد و یهود دشمن خدای تعالیست در بیان

گوشت شتر و گفت ابراهیم بن السمان که یکی از ائمه علیهم السلام فرمود که از نمای اسلام دوست داشتن گوشت شتر است در بیان گوشت

ناق و گفت ابو عبدالله ع که سه چیز خراب میکند بدن و گاه باشد که بکشد خوردن گوشت ناق که بد بو شده باشد و هر روز بحمام رفتن و جماع کردن بر پر زالان و زیاده کرده است برین سر ابو یحیی در روایت خود جماع کردن پیر در حال امتلا در بیان گوشت مرغ خانگی گفت جابر بن عبدالله که رسول خدا ص فرمود مالداران را گوسفند نگاه داران و درویشان را فرمود که مرغ خانگی نگاه دارند در بیان گوشت کبک گفت ابو الحسن اول ع که گوشت کبک یکی که بست داشته باشد بدرستی که گوشت کبک قوت میدهد ساق اوی بدست را در بیان گوشت قطا و قطا نام مرغیست و در بعضی از مواضع او را سفرود میگویند و گفت علی بن مهزیار که طعام میخوردم با بو جعفر ع پس قطا آوردند آنحضرت گفت که این مرغی مبارکیست و آنحضرت دوست میداشت این مرغ را و میگفت که کسی که یرقان داشته باشد این را بریان کنید و با و بدهید که بخورد در بیان گوشت حباری نام مرغیست گفت ابو الحسن ع که با کی نیست خوردن گوشت حباری بدرستی که نیکو است برای بواسیر و درد پشت و زیاده میکند قوت جماع را

در بیان گوشت دراج گفت رسول خدا ص که آنکسی که دل او در دکند و غم بسیار داشته باشد باید که گوشت دراج بخورد و گفت ابو عبدالله ع که وقتی که غمگین و اندوهگین شوید و سبب آن ندانید باید که گوشت دراج بخورید بدرستی که گوشت مذکور میبرد غم و اندوه را و گفت رسول خدا که آنکسی که میخواهد که خشم او کم شود باید که گوشت دراج بخورد و گفت

در بیان گوشت ماهی

گوشت ماهی بخورد این دعا اللهم بارك لنا فيه وابدلنا خيرا منه علیه السلام

و گفت حبری که نوشتم بابی محمد کتابی و شکایت کردم که مرا خون و صفرا غالب شده است هر گاه حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اگر تاخیر میکنم در حجامت خون ضرر میکند جبر مسفرمابی آنحضرت نوشت بمن که حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه بخور پس اعاده کردم این سوال را باز آنحضرت نوشت که حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه با آب و نمک بخور چنین کردم و صحت و عافیت یافتم و بعد از آن غذای من این بود در بیان ماهی سقنقور گفت احمد بن اسحق که نوشتم بابی محمد ع کتابی و پرسیدم از ماهی سقنقور و گفت احمد بن اسحق که نوشتم بابی محمد ع کتابی و پرسیدم از ماهی سقنقور که داخل میکنند در دوای باه که قوت جماع زیاده کند و او چنگ و دم دارد که آیا جایز است که بخورند از آنحضرت نوشت بمن که اگر فلوس دارد باکی نیست خوردن آن در بیان ملخ گفت ابو جعفر ع که امیر المؤمنین علی ع میگفت که ملخ و ماهی حلال است و ماهی که در آب بمیرد حرام است و گفت ابو جعفر ع که ماهی و ملخ حلال است در بیان افسون ملخ گفت ابو الحسن ع

حضرت صادق ع خوردن گوشت ماهی موجب سل میشود و گفت آنحضرت خوردن ماهی تازه جگر را از دیدن را میبرد هر گاه

که چون ملخ بسیار شود و ضرر رساند پراکنده شوید و نکبیر بکوئید و روایت است
که چنین کردند و ملخ برفت **در بیان تخم مرغ. گفت** علی بن هاشم که شکایت کردم
نزد امام رضا ع از کم هضم شدن طعام آنحضرت گفت که زرده تخم مرغ بخور
چنین کردم و فایده یافتم **وگفت** ابو عبد الله ع که آنکسی که او را فرزند نشود
باید که بسیار تخم مرغ بخورد **وگفت** امیر المؤمنین علی ع که پیغمبری از پیغمبران شکایت
کرد نزد خدای تعالی از کمی نسل در امت خود پس امر کرد خدای تعالی آن پیغمبر را که
بفرماید امت خود را که نان با تخم مرغ بخورند **در بیان هریسه گفت** امام
محمد باقر ع که رسول خدا صلعم شکایت کرد نزد پروردگار خود از درد پشت حق تعالی
امر کرد که هریسه بخورد **وگفت** حضرت پیغمبر صلعم که اگر چیزی می بود که میرهانید
کسی را از مردن مثلثه می بود پرسیدند که یا رسول الله مثلثه چه چیز است
آنحضرت گفت که آرد است که با شیر می پزند **وگفت** امام جعفر صادق ع بولید
بن صبیح که چه طعام بعیال خود میدهی در زمستان ولید بن صبیح گفت گوشت
میدهم آنحضرت گفت اگر گوشت نباشد چه میدهی گفت روغن میدهم
آنحضرت گفت چرا کوکب نمیدهی بدرستی که کوکب زیاده قوت میدهد و مراد
از کوکب مثلثه است و مثلثه طعامیست و طریق پختن او آنست که پاک بجوش
برنج و پاک نخود و باقلی و غیر اینها بکپزند و همه را بکوبند و شوربای بپزند
و هر صباح بخورند **در بیان کله گفت** علی بن سلیمان که کله گوسفندی
میخوردیم نزد امام رضا ع آنحضرت نلخان طلبید گفتم من سیر شدم آنحضرت
گفت اندک نلخانی بخور که هضم میکند کله را و نلخان دوای کله است

[حاشیه: و گفت حضرت پیغمبر ص که جبرئیل نازل شد بر من و امر کرد مرا بخوردن هریسه بجهت آنکه محکم کنم پشت خود را و قوت بیابم در عبادت — در بیان مثلثه]

وگفت امام جعفر صادق ع که کله موضع ذبح است و نزدیک است بچرا و در بیان کباب
از ضرر **نقلست** کباب گفت یونس بن یعقوب که امام رضا ع گفت بمن حیث ترا کرزند
نو زرد شده است گفتم که تب مرا ضعیف کرده است آنحضرت گفت که گوشت
بخور آنحضرت گفت که گوشت خوردم و بعد از یک هفته دید مرا و رنگ من همچنان
زرد بود آنحضرت گفت بتو نگفتم که گوشت بخور آنحضرت گفت چگونه خوردی
گوشت را حضرت گفتم که پختم و خوردم گفت کباب کن و بخور بعد از یک هفته مرا
طلبید و رنگ و روی من سرخ شده بود گفت بمن که چنین می باید **در باب**
روایت شده از جعفی
مرغ و تخم مرغ که حلال است که پرسیدم از ابی جعفر ع که کدام مرغ را می توان خورد
و کدام را نمی توان خورد آنحضرت گفت بخور از مرغی را که بر هم میزند در پریدن
و مخور مرغی را که بال بر هم نمیزند و بال خود را است نگاه دارد در وقت پریدن
گفتم تخم مرغ یافت میشود در بیابان ها چه حکم دارد گفت آن تخم مرغ که هر دو طرف
او یکسان است مخور و آنچه طرفین او مختلف باشد و یک طرف او باریکتر باشد
از طرف دیگر بخور را گفتم مرغی که در آب می باشد کدام حلال است و کدام حرام است
آنحضرت گفت آنچه چینه دان دارد حلال است و آنکه چینه دان ندارد حرام است
و در حدیث دیگر واقع شده است که اگر مرغ در وقت پریدن بال بر هم زدن
او بیشتر است از بال بر هم نزدن و بال را راست نگاه داشتن حلال است
و اگر بال بر هم نزدن او بیشتر است از بال بر هم زدن حرام است و می توان
خورد از مرغی که در آب می باشد از مرغی را که چینه دان و خار داشته
باشد و نمی توان خورد مرغی را که نه چینه دان و نه خار داشته باشد

[حاشیه: گفتم میخوردم از آن روز و همگی؟ آنحضرت امر کرد دو؟ دیس]

الفصل التاسع

در بیان اشکنه کفت امام جعفر صادق ع که بر شما باد که اشکنه بخورید بدرستی
که می باید چیزی که موافق تر باشد بمزاج آدمی از اشکنه و بیان وکفت غیاث
بن ابراهیم که بخورید سرکه آشکنه را و نیز وکفت غیاث بن ابراهیم که بخورید
سر اشکنه را و بخورید آنکه داوید بدرستی که برکت در سر اوست ۲ در بیان
در بیان شیرینیها کفت حضرت پیغمبر ص که هرگاه شیرینی پیش شما بنهند
بخورید و رد مکنید در بیان عسل کفت ابو عبد الله ع که رسول خدا
ص دوست میداشت عسل را و نیز کفت که بر شما باد که طلب شفا کنید
از عسل و قرآن نیز کفت که خوردن عسل شفاست از همه دردها بدرستی
که خدای تعالی فرموده است که یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ
فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبوران عسل بامر
الهی بطریق لعاب عسلی که مختلف است رنکهای آن زیرا که بعضی
سفید است و بعضی سرخ و بعضی زرد و در آن عسل شفاست از
هر دردی مردمان را وکفت ابو الحسن ع که انکسی که کم شود آب منی
او نفع میدهد او را شیر با عسل و در حدیث واقع است که شیر او را نفع
میدهد وکفت ابو عبد الله ع هیچ چیز مثل عسل شفا نمیدهد
مردمان را ونقلست از کتاب فردوس که کفت انس که رسول خدا ص فرمود
که هر کسی ماهی یکبار عسل بخورد از نیجهت که در قرآن واقع شده است که عسل
شفا میدهد خدای تعالی عافیت میدهد او را از هفتاد و هفت درد
روایتست که رسول خدا ص فرمود که انکسی که (خواهد) قوت حافظه او زیاده شود

باید

باید که عسل بخورد وکفت حضرت پیغمبر ص که خوب شیرینی است عسل قوت
میدهد دل را و می برد خشکی سینه را ومنقولست از صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که کفت امیر المومنین علی ع
که قرآن خواندن و عسل و شیر زیاده میکند قوت حافظه را و می برد
بلغم را وکفت امام رضا ع که رسول خدا ص فرمود که اگر چیزی شفا باشد
در نیش حجامت یا شربت عسل روایت کرده است برقی که یکی از اصحاب
کفت زنی بمن ریسمانی داد که خود رشته بود وکفت بیر این ریسمان را بمکه تا
جامه کعبه را باین ریسمان بدوزند و من نخواستم که بدهم او را بخادمان زیرا
که می شناختم ایشان را و میدانستم که این کار نخواهند کرد چون رسیدم بمدینه
رفتم نزد ابی جعفر ع وکفتم فدای تو کردم زنی بمن ریسمانی داده است و
حکایت کردم برای انحضرت انچه آن زن کفته بود انحضرت کفت از بهای
آن ریسمان عسل و زعفران بخر و بکیر اندکی از تربت امام حسین ع و خمیر کن
باب باران و در آن پاره (از وجهی زیت) عسل بریز و بخش کن بشیعیان تا دوا کنند بآن
بیماران خود را وکفت امیر المومنین علی ع که در عسل شفاست
از هر دردی و ضرری نیست در و وکم میکند بلغم را و جلا میدهد
دل را وکفت امام رضا ع که رسول خدا ص فرمود که خدای تعالی کرده است
برکت را در عسل و در وشفاست اندر دهر او و دعا ببرکت کرده اند
ببرکت کرده اند هفتاد پیغمبر برای عسل ونقلست از کتاب فردوس
که کفت امیر المومنین علی ع که رسول خدا ص فرمود که پنج چیزی بر دفع

را و زیاده میکند حفظ را و می برد بلغم را و مسواک کردن و روزه داشتن و
قران خواندن و عسل و شیر **و گفت** تربت امام حسین ع ابو عبدالله ع
که تربت امام حسین ع شفاست از هر دردی و اگر چه آن خاک را از جائی
بدارند که یک میل دور باشد از قبر آنحضرت و یک میل یک بخش از سر بخش
فتح است و نیز گفت که تربت امام حسین ع شفاست از هر دردی پس
وقتی که برمیدارید آن خاک را بگوئید بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا
وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر **روایت** که تربت
امام حسین مشک است و مبارک است و آنکس که بخورد از شیعه من
شفا یابد از هر دردی و آنکس که بخورد او را از دشمنان ما میگدازد همچنانکه
دنبه میگدازد پس هر گاه بخورید از تربت امام حسین ع بگوئید اللهم انی
اسئلک بحق الملک الذی قبضها وبحق النبی الذی خزنها وبحق الوصی الذی
هو فیها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی شفاء من کل داء وعافیة
من کل بلاء وامانا من کل خوف برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
محمد وآله **و نیز بگوید** اللهم اشهد ان هذه التربة تربة ولیک
صلی الله علیه وآله واشهد انها شفاء من کل داء وامان من کل ما ابتلیتهم
وفیها هو الحق من عندک وصدق المرسلون **و روایت** که پرسیدند
از ابی عبدالله ع که بعضی مردمان میگیرند تربت امام حسین را ع و نفع می یابند
و بعضی میگیرند و نفع نمی یابند آنحضرت گفت بحق خدائی که غیر از خدای نیست
که هر که میگیرد تربت امام حسین ع بقصد این که نفع دهد خدای او را مگر آنکه

نفع

نفع یابد و نیز پرسیدند از آنحضرت از کیفیت خوردن تربت امام حسین ع
آنحضرت گفت که هر گاه خواهید که بخورید تربت امام حسین را ع باید
که بگیرید بمقدار یک نخود از تربت بسر انگشتان و ببوسید او را و بهر دو چشم خود
بنهید و بمالید بتمام اعضای خود و بگوئید اللهم بحق هذه التربة وبحق
من حل فیها وتولی بها وبحق ابیه وامه واخیه والائمة من ولده وبحق
الملائکة الحافین الا جعلتها شفاء من کل داء وبرء من کل آفة وحرزا مما
اخاف واحذر بعد از آن بخورید آن تربت را **روایت** که ابو عبدالله
ع نزد تربت امام حسین میگفت بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة
المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل ورب الجسد الذی سکن فیه
ورب الملائکة الموکلین ما جعله لی شفاء من داء کذا وکذا و جرعه
از آب بعد از آن میخورد و میگفت اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا
وشفاء من کل داء وسقم انک علی کل شیء قدیر **و گفت** ابو عبدالله
ع که تربت امام حسین ع شفاست از هر دردی و او دوای اکبر است
و روایت که پرسیدند از ابی عبدالله ع که آیا حلال است خوردن گل ارمنی
که میگیرند برای کسی که عضو او شکسته باشد و اسهال داشته باشد آنحضرت
گفت باکی نیست خوردن او اما گل ذی القرنین و امام حسین ع بهتر است
از گل ارمنی **و گفت** ابو عبدالله ع که گل حرام است همچو گوشت خوک
و آنکس که گل بخورد و بمیرد نماز بر او نمیگذارم مگر تربت امام حسین ع
پس آنکس که تربت امام حسین ع بخورد بجهت میلی که بگل دارد چیزی بر وی نیست

در بیان شکر وگفت امام جعفر صادق ع که نیست چیزی دوست‌تر نزد من
از شکر روایت که در بیماری اصحاب خود که چرا نمیخورد انجیری که مبارک
است یکی از اصحاب گفت که فدای تو گردم انجیر کدام است آنحضرت گفت
شکر گفتم کدام شکر گفت شکر سلیمانی روایت که شکایت کرد مردی نزد
امام جعفر صادق ع از دردی آنحضرت گفت که هر گاه جا کنی در فراش
خود دو پاره شکر بخور گفت من چنین کردم و خلاص شدم از آن وگفت
علی بن یقطین که شنیدم از ابی الحسن ع که میگفت که آنکسی که دو پاره شکر بخورد
وقت خواب کردن شفا می یابد از هر دردی مگر مردن وگفت ابو الحسن ع
که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بس و همه را شکر بخرد اسراف نکرده است
ونیز گفت که می باید گرفت برای تب ده درهم شکر و شربت می باید کرد با آب
سرد و می باید خورد بر ناهار و روایت که سه چیز است که ضرر نمیکند
رازقی و نیشکر و سیب ونیز گفت که نیشکر میگشاید سدّه را و هیچ دردی
و بدی در وی نیست در بیان خرما وگفت امیر المؤمنین علی ع که خرما بخورید
بدرستی که در وی شفاست از دردها وگفت محمد بن اسحق که آنکسی که خرما
بخورد بجهت آنکه رسول خدا ص با آن میل داشت ضرر نکند او را وگفت
ابو عبدالله ع که عجوه مادر خرماهاست و عجوه خرمائیست که حضرت آدم ع
از بهشت آورده است و عجوه نام خرمائیست در مدینه ونیز گفت که عجوه
از بهشت است و در وی شفاست از سحر ونیز گفت که آنکسی که هر روز بر ناهار
هفت خرمای عجوه بخورد از خرمای عالیه ضرر نرساند باو زهر و سحر و شیطان

وعالیه

عالیه نام موضعی است در مدینه روایت که آنکسی که هفت خرمای عجوه بخورد
بکشد کرمهای را که در اندرون اوست وگفت حضرت پیغمبر ص که آنکسی که
هر صباح هفت خرمای عجوه بخورد ضرر نکند او را در آن روز سحر و زهر
ونیز گفت که خانه که در وی خرما نباشد اهل آنخانه گرسنه اند وگفت ابن عباس
که حضرت پیغمبر ص فرمود که بخورید خرما را بر ناهار بدرستی که میکشد کرم معده را
ونیز فرمود که جبرئیل فرود آمد بمن و آورد برنی را و برنی نوعیست از خرمای
خوب روایت که بفرمایید که خرما بخورد زن آبستن در آن ماه که می زاید
بدرستی که فرزند او خوش خلق و پرهیزکار میشود ونیز گفت که بر شما باد
که خرمای برنی بخورید بدرستی که می برد ماندگی را و برطرف میکند خنکی را
و سیر میگرداند گرسنه را و در وی هفتاد و دو نوع شفاست نقلست از صحیفه
الرضا که روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا
ص که هر گاه خرما میخورد هسته خرما را بر پشت دست خود می نهاد
و می انداخت وگفت امام رضا ع که آنکسی که خرمای برنی بخورد بر ناهار
فالج را برطرف میکند وگفت ابو عبدالله ع که بفرمایید زنان خود را
که خرمای برنی بخورند در وقت نفاس تا آنکه فرزندان شما صاحب جمال شوند
وگفت حضرت پیغمبر ص که در خرمای برنی نه خصلت است قوی میکند
پشت را و قطع میکند شیطان را و هضم میکند طعام را و خوشبو میکند
دهن را و زیاده میکند شنوائی و بینائی را و نزدیک میگرداند بخدای تعالی
و دور میگرداند از شیطان و زیاده میکند قوت جماع را و می برد درد را

و نیز گفت که هرگاه شیرینی نزد شما بهم رسد بخورید و رد مکنید آنرا و نیز گفت که دوستترین شربتها نزد آنحضرت شیرین خنک بود و نیز گفت آنحضرت که من دوست میدارم کسی را که دوست میدارد حلوا را روایت کرده است امام حسین ع از پدر خود که گفت که رسول خدا ص وقتی که روزه میداشت بحلوا روزه میگشود در بیان پالوده گفته‌اند که امام حسن ع مردی پالوده را عیب میکرد آنحضرت گفت که آرد گندم را با روغن خالص عیب میکند هیچ مسلمانی

فصل دهم در بیان میوه‌ها

منقولست از امالی شیخ ابو جعفر بابویه که گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص وقتی که میوه نوباوه می دید می بوسید و بر چشم خود می نهاد و بعد از آن میگفت اَللّٰهُمَّ كَمَا اَرَيْتَنَا اَوَّلَهَا فِي عَافِيَةٍ فَاَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ گفت ابن عباس که رسول خدا ص فرمود که آنکسی که میوه بخورد و ابتدا کند بسم الله الرحمن الرحیم ضرر نکند آن میوه او را و نیز آنحضرت فرمود که چون حضرت آدم ع بیرون رفت از بهشت توشه داد خدای تعالی او را از میوه‌های بهشت و تعلیم گفت او را صنعت هر چیزی پس میوه‌های شما از میوه‌های بهشت است لیکن این میوه‌ها تغیر می یابد و میوه‌های بهشت تغییر نمی یابد در بیان انار گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که نیست هیچ اناری مگر آنکه در و دانه از بهشت هست پس هرگاه دانه از انار بیفتد بردارید هر جا که بیفتد و داخل نمیشود این در معده مسلمانی مگر آنکه نورانی میگرداند آن معده را چهل صباح گفت که امام جعفر صادق ع انار میخورد در هر شب جمعه

روایت کرده است امام جعفر صادق ع که گفت امیر المؤمنین علی ع که بخورید انار را با پیه آن بدرستی که پاک میکند معده را و هر دانه از انار که فرو رود در معده مسلمانی نورانی میگرداند آن معده را و دور میکند شیطان و وسوسه او را چهل صباح روایتست که امیر المؤمنین علی ع هرگاه انار میخورد دستمالی در زیر انار می انداخت پرسیدند از آن حضرت که چرا چنین میکنید گفت که در انار دانهای از انار بهشت هست کسی گفت با امیر المؤمنین یهودی و نصرانی و غیر ایشان از کافران انار میخورند باید که ایشان بهشت روند آنحضرت گفت که هرگاه ایشان انار میخورند خدای تعالی میفرستد فرشته را که آن دانه از بهشت بردارد از آن انار تا ایشان نخورند آن دانه را و گفت امام جعفر صادق ع که پنج میوه از میوه‌های بهشت است که در دنیاست انار ملیسی و سیب سفانی و انگور و به و خرمای مشان و مشان نوعیست از خرما در بیان که سیب سفانی سیب شامی است گفت امام جعفر صادق ع هر مؤمنی که بخورد انار را بتمام می برد خدای تعالی وسوسه شیطان را از دل او صد روز و آنکسی که سه انار بخورد میبرد خدای تعالی وسوسه شیطان را از دل او یکسال و آنکسی که خدای تعالی وسوسه شیطان را از دل او یکسال ببرد گناه نکند و آنکسی که گناه نکند ببهشت میرود و نیز گفت که حضرت پیغمبر ص فرمود که انار بهترین میوه‌هاست و آنکسی که یک انار بخورد در غضب می آورد شیطان را چهل صباح و روایتست که حضرت پیغمبر ص هرگاه انار میخورد کسی را شریک خود نمیساخت روایت کرده است

امام جعفر صادق ع از پدر خود ع که گفت علی بن الحسین علیهما السلام
که آن کسی که یک انار بخورد در روز جمعه بر ناشتا نورانی میگرداند دل را
از چهل صباح و دور شود از وسوسه شیطان و آنکسی که دور شود از
وسوسه شیطان عاصی نشود و آنکسی که عاصی نشود به بهشت میرود
وگفت مرجانه کنیزک صغیره که دیدم امیر المؤمنین علی را ع انار میخورد
و برمیچید هر دانه را که می افتاد از انار وگفت امیر المؤمنین علی ع که شنیدم
از رسول خدا ص که میگفت که آنکسی که یک انار تمام بخورد نورانی میگرداند
خدای تعالی دل او را چهل شب وگفت حضرت پیغمبر ص که آفرید خدای ع
آدم و خرما و انگور و انار را از یک گل وروایت کرده است از پدران
خود امام رضا ع که گفت رسول خدا ص که انار بخورید بدرستی که دانه انار
که در اندرون واقع شود در معده نورانی میسازد دل را و گنگ میگرداند
شیطان را روایت از امام شیخ ابو جعفر طوسی که بفرمایید اطفال خود را که انار
بخورند بدرستی که زودتر بسخن در می آیند وگفت نبی گفت حضرت پیغمبر ص
که بهی بخورید بدرستی که قوت میدهد دل را و دلیر میکند دل را و نیز گفت
که بهی بخورید که در او سه خصلت است پرسیدند که کدام است آنحضرت فرمود
که قوت میدهد دل را و سخی میکند بخیل را و دلیر میکند بددل را روایتست که بهی بخورید
و بتحفه بیکدیگر بدهید بدرستی که جلا میدهد چشم را و دوستی پیدا میکند
در دل و بفرمایید زنان آبستن را که بهی بخورند بدرستی که نیکو میگردانند
خلق فرزندان شما را وگفت امیر المؤمنین علی ع که به قوت و حیات دل است

ودلیر

ودلیر میگرداند بددل را وگفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که به بخورد
ظاهر گرداند خدای تعالی حکمت را بر زبان او چهل صباح و نیز گفت که بوی
به بوی پیغمبرانست علیهم السلام وگفت انس که حضرت پیغمبر ص فرمود
که به را بناشتا بخورید وگفت امام رضا ع که بهی آوردند برای حضرت
پیغمبر ص آنحضرت زد دست خود را بر یک به و پاره کرد آن به را و آنحضرت
بسیار دوست میداشت به را پس خورد آن به را و داد بآنکسانی
که حاضر بودند از اصحاب و بعد از آن گفت که بر شما باد که به بخورید
بدرستی که بهی می افزاید عقل را و نیز وگفت امام جعفر صادق ع که
آنکسی که به بخورد بر ناشتا تازه و نیکو میشود روی او ونقلست از کتاب
جامع ابی جعفر اشعری که گفت امام جعفر صادق ع که خدای تعالی نفرستاد
پیغمبران علیهم السلام بوی به است و بوی حور عین بوی مورد است و بوی
به می آمد امام محمد باقر ع که به میبرد غم و اندوه را وروایتست که امام جعفر
صادق ع نظر کرد بر پسر خوب صورتی پس گفت می تواند بود که پدر این
پسر به خورده باشد وگفت حضرت پیغمبر ص که به بخورید بدرستی
جلا میدهد دل را و نفرستاد خدای تعالی پیغمبری مگر آنکه داد باو از به بهشت
پس زیاده شد که آن پیغمبر ص قوت چهل مرد بجهت آن به وروایتست که به
بخورید بدرستی که زیاده میکند ذهن را و می برد اندوه دل را و نیکو میگرداند
فرزندان و نیز گفت که هر کسه سه روز بر ناشتا بهی بخورد جلا پیدا کند ذهن
او و پرنور شود اندرون او از حکمت و علم و نگاه داشته شود از مکر

دا مکر آنکه در دست آنها بهی بود و فرمود بوی پیغمبران

از مکر شیطان **در بیان** سیب **گفت** سلیمان بن دستویه که رفتم نزد ابی عبدالله
ع و در پیش آنحضرت سیب سبزی بود گفتم فدای تو گردم چه چیز است این
گفت ای سلیمان شب تب کرده بودم کسی فرستادم این سیب را برای من که بخورم
تا فرو نشاند حرارت را و آنرا و زائل کند و تب را ببرد **در حدیثی** واقع شده
است که سیب فراموشی می آورد بسبب آنکه بجهت او در معده چسبندگی
و نرمی و رطوبتی پیدا میشود **روایت** کرده است امام موسی از پدران
خود علیهم السلام که فرمودند که ما که اهل و بیت پیغمبریم مداوا نمیکنیم تب را
مگر بریختن آب سرد و خوردن سیب **وگفت** حضرت پیغمبر ص که سیب بخورید
بدرستی که قوت میدهد معده را **وگفت** امام رضا ع که سیب نفع
میدهد چند چیز را سحر و زهر و دیوانگی و بلغمی که عارض میشود و هیچ چیز زود
تر از سیب منفعت نمیدهد زیاد العبدی گفت که رفتم بمدینه و با من برادر
من بود که سیف نام داشت و از بینی مردمان خون بسیار میرفت و بعضی
از مردمان را دو روز خون از بینی میآمد سیف روان شده بود و خون
میرفت پس رفتم نزد ابی عبدالله ع و گفتم حال برادر خود را با آنحضرت گفت
آنحضرت که ای زیاد برادر خود سیب بده که بخورد چون سیب خورد خون
ایستاده **در بیان** انجیر گفت ابوذر غفاری که هدیه آوردند برای
حضرت پیغمبر ص طبق انجیر آنحضرت گفت باصحاب که انجیر بخورید پس
اگر میگفتم که میوه از بهشت فرو آمده است این میوه را میگفتم بجهت آنکه
این میوه ایست که هسته ندارد پس بخورید این میوه را بدرستی که گرمی برد بوای سیری

از بینی مردمان خون
میشد همین که گشتم بمنزل
خود دیدم خون

ونفع میدهد نقرس را وگفت امام رضا ع که انجیر می برد بوی دهن را و محکم
میکند استخوان را و می برد درد را و با وجود انجیر احتیاج بدوای دیگر نیست
و دیگر و در حدیث واقع است که انکسی که میخواهد که رقت پیدا کند دل او
باید که مداومت نماید بخوردن انجیر **وگفت** کعب که رسول خدا ص فرمود
که بخورید انجیر تر و خشک را بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را و می برد بوا سیری
و نفع میدهد نقرس و ابرده و نقرس و ابرده علتی است که از غلبه رطوبت پیدا
میشود **در بیان** انگور **وگفت** امام جعفر صادق ع که نوح ع شکایت
کرد از غم پس وحی کرد خدای تعالی باو که انگور سیاه بخور بدرستی که غم را می برد
روایتست که شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران بخدای تعالی از غم پس وحی آمد
باو از جانب خدای تعالی که انگور بخور و نیز گفت که دو چیز است که همه دوست
می باید خورد انگور و انار **منقولست** از کتاب فردوس که گفت عایشه
که رسول خدا ص که بهترین خورد نیهای ما نست و بهترین میوهها انگور و نیز
آنحضرت فرمود که افرید خدای تعالی درخت خرما و انار و انگور را از خمیر زیاده
مانده بود از گل آدم ع و منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است
امیر المؤمنین علی ع که رسول خدا ص فرمود که انگور دانه دانه بخورید بدرستی
که گوارنده تر است **وگفت** حضرت پیغمبر ص که بهار امت من انگور و خربزه است
روایت کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که امیر المؤمنین
ع انگور با نان میخورد **روایت** کرده است امام رضا ع باین اسناد
که امیر المؤمنین علی فرمود ص که انگور نان خورش و میوه و طعام شیرینی است

وگفت امام رضا ع که امام زین العابدین ع دوست میداشت انگور را
بنوبت کنیزی برای آنحضرت خوشه انگوری آورد و پیش آن حضرت نهاد
سایلی آمد و چیزی طلبید آنحضرت فرمود که آن انگور را باو دادند پس رفت
کنیزی که از آنحضرت فرزندی داشت و خرید آن انگور را از آن سایل و آورد
پیش آنحضرت نهاد پس سائل دیگر آمد آنحضرت فرمود که آن انگور را بآن سائل
دادند پس سه نوبت چنین شد و در مرتبه چهارم سائل نیامد و آنحضرت
آن انگور را خورد در بیان امرود گفت امیر المؤمنین علی ع که امرود جلا
میدهد دل را و تسکین میدهد درد اندرون را باذن خدای تعالی گفت
امام جعفر صادق ع که امرود پاک میکند معده را و قوت میدهد و به نیز
قوت میدهد دل را در بیان آلوی سیاه وگفت زیاد العبدی که رفتم
نزد امام رضا ع در وقت آلوی سیاه و در پیش آنحضرت ظرفی بود که در آن
آلوی سیاه بود آنحضرت گفت حرارت بر من غالب شده است و آلوی
سیاه می نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و آلوی سیاه خشک
تسکین میدهد خون و درد را باذن خدای تعالی در بیان مویز گفت حضرت
پیغمبر ص که انکسی که هر روز بیست و یک مویز سرخ بخورد نه بیند در بدن
خود هیچ مکروهی روایت که مویز قوت میدهد دل را و می برد بیماری را
و می نشاند حرارت را و خوشبوی میگرداند نفس را روایت از امالی
شیخ ابی جعفر طوسی که در روایتی واقع است که می برد غم را و خوشبوی میگرداند
نفس را گفت حضرت پیغمبر ص که بر شما باد که مویز بخورید بدرستی که تسکین

میدهد صفرا را و می برد بلغم را و صحت میدهد بدن را و نیکو میگرداند
خلق را و محکم میکند پی را و می برد بیماری را در بیان عناب گفت امیر
المؤمنین علی ع که عناب می برد تب را وگفت ابو الخصیب که چشم من
ضعیف و سفید شده بود و هیچ چیز نمیدیدم شبی امیر المؤمنین علی ع را
در خواب دیدم و گفتم ای سید من رسیده است بچشم من علتی که می بینی
آنحضرت گفت بگیر عناب را و بکوب و در چشم بکش پس گرفتم عناب را و کوفتم
با حنا و در چشم کشیدم پس تاریکی از چشم رفت و چشم من صحت یافت
وگفت امام جعفر صادق ع که فضل عناب بر میوهای دیگر همچو فضل ماست
بر باقی مردمان در بیان سنجد گفت از صحیفه الرضا ع که روایت کرده
امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت امام زین العابدین ع که آمد
رسول خدا ص نزد امیر المؤمنین علی ع و امیر المؤمنین تب داشت آنحضرت
فرمود که سنجد بخور وگفت بکر که شنیدم از ابی عبد الله ع که میگفت که گوشت
سنجد میرویاند گوشت را و استخوان او میرویاند استخوان را و پوست او
میرویاند پوست را و با وجود این گرم میکند گرده را و پاک میکند معده را
و ایمن میگرداند از بواسیر و از حبس بول و قوت میدهد ساق را
و برطرف میکند جذام را باذن خدای تعالی وهمچنین در بیان سبزیها
وگفت که سبز کنید خوان طعام را بسبزیها و در حدیثی واقع است
که زینت دهید خوان طعام را بسبزیها بدرستی که دور میکند شیطان را
گاهی که بسم الله بگویید وگفت ابو عبد الله ع که هر چیزی را زینتی است

و زینت خوان سبزیست **گفت** احمد بن هرون که رفتم نزد امام رضا ع آنحضرت
خوانی طعام طلبید و بران خوان سبزی نبود آنحضرت دست خود را از خوان
کشید و گفت ای غلام نمیدانی که من طعام نمیخورم بر خوانی که بر و سبزی نباشد
برو و سبزی بیار غلام رفت و سبزی آورد بعد از ان آنحضرت دست دران
کرد و طعام خورد و من هم با آنحضرت طعام خوردم **در بیان** کدو **و گفت**
امام جعفر صادق ع که کدو زیاده میکند قوت **در بیان** دماغ را **و گفت**
امام حسین ع که رسول خدا صلعم فرمود که کدو بخورید بدرستی که اگر درختی
بهتر از کدو می بود خدای تعالی از امیر و بایند برای یادر من یونس ع و هرگاه
شوربای برپزید باید که کدوی بسیار در وکنید بدرستی که کدو زیاده
میکند قوت دماغ و عقل را **و گفت** از صحیفة الرضا که روایت کرده است
امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلعم که وقتی
که طعام بپزید کدوی بسیار در طعام بکنید بدرستی که کدو خوشحال میکند
دل اندوهگین را **روایتست** که خیاطی حضرت پیغمبر را دعوت کرد برای آنحضرت
طعامی آورد که در و باچربی بود و گفت انس که دیدیم که آنحضرت میخورد
کدو را و میجست از ان کاسه **و گفت** انس که رسول خدا صلعم دوست
میداشت کدو را و برمیچید از کاسه **روایتست** که حضرت پیغمبر را دعوت
کردند و برای آنحضرت طعامی آوردند که در و کدو بود آنحضرت میجست
کدو را و میخورد **در بیان** کاسنی **و گفت** امام جعفر صادق ع
که اینکی که شب برون آورد و در اندرون او هفت برگ کاسنی باشد

که هر کس بخورد کدو را با عدس نازک شود دل او نزد ذکر خدا او زیاد شود جماع او و گفت رسول خدا ع

این

ایمن باشد از قولنج در ان شب و نیز گفت که اینکی که میخواهد که مال و فرزند
او بسیار شود باید که کاسنی بخورد بسیار بدرستی که هر صباح ریخته
میشود بر کاسنی بخورد قطره از بهشت پس هر گاه که کاسنی میخورد بیفشانند
او را **روایتست** که میت منع میکرد مارا از افشاندن کاسنی و نیز گفت
که اینکی که کاسنی بخورد ایمن میشود از بلاها دران روز و دران شب
و نیز گفت که اینکی که هفت برگ کاسنی بخورد در روز جمعه پیش از نماز
میرود **و گفت** امام رضا ع که کاسنی شفاست از هر دردی در بدنست
دردی در اندرون آدمی مگر آنکه کاسنی می برد آنرا **روایتست** از
خدمتکاران امام رضا ع شب و درد سر شد آنحضرت کاسنی طلبید و فرمود
که کاسنی را بکوبید و بر کاغذی بمالند و روغن بنفشه بر و بریزند و بر
انکی بنهند این کار کنند تب و درد سر میرود **و روایتست** از سیادت
که گفت یکی از ائمه علیهم السلام که کاسنی بخورید بدرستی که زیاده میکند طراوت
و تازگی روی را و نیکو میسازد فرزند را و او کرم و نرم است و کسی که کا
سنی بخورد پسر بسیار حاصل شود او را **و روایتست** از کتاب فردوس که گفت
حضرت پیغمبر صلعم که اینکی کاسنی بخورد و خواب کند اثر نکند در و زهر و سحر
و نزدیک نشود او را مار و عقرب و هیچ گزنده **و گفت** انس که حضرت
پیغمبر صلعم فرمود که کاسنی از بهشت است **در بیان** کندنا **گفت** امام
محمد باقر ع که ما که اهل بیتیم میخوریم سیر و پیاز و کندنا را **گفت** موسی بن
بکیر که شکایت کرد غلام ابی الحسن ع از سیر آنحضرت گفت که سر روز

کندنا بخورد چنین کرد خونی که از سر بینی او می آمد ایستاد و صحت یافت
روایت که امیر المؤمنین علی ع گندنا را با نمک نیکو فته میخورد وگفت ابو
عبدالله ع که هر چیزی را مهتری هست و مهتر سبزیها گندنا است ونیز وگفت
امام محمد باقر ع که در گندنا چهار خصلت است می برد باد را و خوشبو میکند
دهن را و قطع میکند بواسیر را و ایمن میگرداند از جذام کسی را که مداومت
نماید بخوردن آن وگفت موسی بن بکیر که آمدم نزد ابی الحسن ع
آنحضرت گفت رنگ روی تو زرد شده است گندنا بخور گفت تا خوردم
وصحت یافتم وگفت حضرت پیغمبر ص که فضل گندنا بر باقی سبزیها همچو
فضل ماست بر باقی چیزها در بیان بادرنج بویه روایت کرده است
امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلم که گفت امیر المؤمنین علی
ع که ذکر کردند بادرنج بویه را نزد حضرت پیغمبر ص آنحضرت فرمود که بادرنج
بویه تره مؤمنست و تره پیغمبرانی است که پیش از من بوده اند و من دوست
میدارم او را و میخورم و او در بهشت روییده است وگفت امیر المؤمنین
علی ع که رسول خدا ص دوست میداشت بادرنج بویه را وگفت ابو عبد الله
ع که بادرنج بویه تره پیغمبرانست و در وی هشت خصلت است گوارا میکند
طعام را و میگشاید سده را و خوشبو میکند دهن را و اشتهای طعام می
آرد و صاف میکند دهن را و اشتهای طعام و صاف میکند خون را و
ایمن میگرداند از جذام و هر گاه قرار گیرد در اندرون آدمی برطرف
میکند همه دردها و زینت میدهند اهل بهشت بادرنج بویه خوانهای
طعام

طعام خود را وگفت که رسول خدا ص فرمود که بادرنج بویه تره خوبست
که گویا که می بینم او را که در بهشت روییده است و تره تیزک تره بدیست
گویا که می بینم او را که در دوزخ روییده است وگفت حضرت
پیغمبر ص که آنکسی که در شب بادرنج بویه بخورد امر میکند خدای تع
فرشتها را که حسنات برای او بنویسند تا صباح وگفت ایوب بن
نوح که خبر داد مرا کسی که حاضر بود بر مائده امیر المؤمنین علی ع که
آنحضرت بادرنج بویه طلبید وگفت که من دوست میدارم که ابتدا
ببادرنج بویه کنم در طعام خوردن بدرستی که میگشاید سده را و اشتهای
طعام می آورد و می برد سل را و وقتی که افتتاح باو میکنم باکی ندارم از
طعامی که بعد از و میخورم بدرستی که می ترسم از درد و سختی آنحضرت چون
فارغ شد از طعام خوردن بادرنج بویه طلبید و خورد و بمن داد وگفت
که بادرنج بویه خوردن بعد از طعام گوارا میکند طعامی را که پیش از وی خورده
باشد و اشتهای طعام می آورد و ثقل را می برد و خوشبو میکند آروغ و دهن را
در بیان خرفه وگفت امام جعفر صادق ع که نروییده است تره در
روی زمین که فایده آن بیشتر باشد و شر بهتر باشد از خرفه و خرفه تره حضرت
فاطمه است علیه السلام وروایت که حضرت پیغمبر ص فرمود که بر شما
باد که خرفه بخورید بدرستی که اگر چیزی زیاده کند عقل را خرفه بخورید
بدرستی که اگر چیزی را زیاده کند عقل را خرفه خواهد بود در بیان تره تیزک گفت
امام جعفر صادق ع که آنکسی که تره تیزک بخورد در شب در حرکت می آید رگ جذام

از بینی او وکفت که خوردن ترتیزک در شب برص می آورد در بیان
کرفس کفت امام حسین ع که حضرت پیغمبر ص فرمود در وصیتی که کرد با امیر
المومنین علی ع که یا علی کرفس بخور بدرستی که کرفس تره الیاس است و یوشع
بن نون علیهما السلام ونیز انحضرت فرمود که کرفس تره پیغمبرانست علیهم السلام
در روایتست که طعام خضر والیاس ع کرفس بود وکمات وکمات کیاهی است
حضرت پیغمبر ص که عجوه از بهشت است ودر وشفاست از زهر وعجوه نوعیست
از خرما وکمات از نعمتهای خدای تع است وآب او شفاست چشم را در بیان
سداب کفت حضرت پیغمبر ص که سداب نیکواست برای درد کوش
کفت امام رضا ع که سداب می افزاید عقل را اما پراکنده میکند
منی را نقلست از کتاب فردوس که کفت عایشه که حضرت پیغمبر فرمود
کرامیکه که سداب بخورد وخواب کند ایمن شود از درد وبلا و سختی
وذات الجنب در بیان چغندر کفت امام رضا ع که بر شما باد که
چغندر بخورید بدرستی که چغندر رویده است در کنار بهشت ودر
وشفاست از دردها ومحکم میکند پی را وفربهی نشاند خوزرا وغلیظ میشد
میکند استخوانها را واکر دست کناه کاران باو میرسید بلیه برکبار و حبله
که می پوشید مردیرا راوی میکوید که کفتم فدای تو کردم چغندر دوست
تر بین ترهاست نزد من انحضرت کفت حمد میکویم خدای تع را بر شناخت تو
وکفت امام جعفر صادق ع که خوردن چغندر ایمن میسازد از جذام
ونیز کفت که خدای تع برطرف کرد جذام را بجهت خوردن چغندر

امام

وکفت امام رضا ع که چغندر بخورید بدرستی که در وشفاست وهیچ
درد وسختی در وی نیست وخواب می آورد بیماررا ونیز کفت که چغندر
میکند رک جذام را وهیچ چیز نفع دهنده تر نیست کسی را که علت برسام داشته باشد
از برک چغندر ونیز کفت که باید که خالی نباشد اندرون شما از طعام وآب کم بخورید
وجماع مکنید مکر انکه میل جماع بسیار شود وخوب تره ایست چغندر در بیان
شلغم کفت امام جعفر صادق ع که بر شما باد که شلغم بخورید ودر صباح بخورید
وپنهان دارید فایده انرا مکر از کسی که سزاوار باشد بدرستی که نیست کسی مکر انکه در او
رک جذام داشته باشد پس برطرف سازید آنرا رک بخوردن شلغم در بیان
ترب نقلست از کتاب فردوس که کفت ابن مسعود که حضرت پیغمبر ص
فرمود که وقتی که ترب بخورید وخواهید که در نیابید بوی اورا یاد کنید مرا
در اول شکستن او نقلست از کتاب فردوس که کفت حنان بن سدیر
که با ابوعبدالله ع طعام میخوردم پس داد بمن تربی وکفت بخور بدرستی که
در وسه خصلت است برکاو می برد بادرا ومغزا ومیرویاند بولرا وبیخ
او قطع میکند بلغم را روایتست از امالی شیخ ابوجعفر طوسی که کفت امیر
المومنین علی ع که بیخ ترب می برد بلغم را وهضم میکند طعام را وبرکاو میراند
بول را در بیان سیر وکفت امام محمد باقر ع که ما کاهل وبیتیم سیر وپیاز
وکندنا میخوریم ونیز کفت که پرسیدند امام جعفر صادق را ع از خوردن
سیر انحضرت کفت که خوردن سیر باکی نیست کاهی که پخته باشد ولیکن
اکر سیر بخورند باید که بمسجد نروند منقولست از کتاب فردوس که روایت

کرده است امیرالمؤمنین علی ع که رسول خدا ص فرمود که سیر بخورید و مداوا
کنید باو بدرستی که درو شفاست از هفتاد درد وگفت امیرالمؤمنین
علی ع که رسول خدا ص فرمود که یا علی سیر بخور و اگر من سخن نمیکردم با فرشته
هرآینه سیر میخوردم وگفت امیرالمؤمنین علی ع که نیکو نیست خوردن
سیر مگر آنکه پخته باشد در بیان پیاز وگفت امام محمد باقر ع که حضرت
پیغمبر ص فرمود که هرگاه در آیید بشهری پیاز آن شهر بخورید بدرستی که دور میکند
از شما وبا را وگفت که پرسیدند امام جعفر صادق را ع از خوردن پیاز ان
حضرت گفت باکی نیست خوردن پیاز وقتی که پخته باشد و باکی نیست که مداوا
کنید بسیر اما هرگاه که سیر بخورید بمسجد مروید وگفت امام جعفر صادق
ع که پیاز می برد تعب و دشواری را و محکم میکند پی را و زیاده میکند طراوت را
و تازگی را و می برد تب را و نیز گفت که پیاز خوشبو میکند دهن را
و محکم میکند پشت را و نازک میسازد پوست بدن را و نیز گفت که
در پیاز سه خصلت است خوشبو میکند دهن را و محکم میکند گوشت
بن دندان را و زیاده میکند قوت جماع را در بیان کاهو گفت امام جعفر
صادق ع که بر تو باد که کاهو بخورید بدرستی که کم میکند خون را گفت
امیرالمؤمنین ع که رسول خدا ص فرمود که کاهو بخورید بدرستی
که خواب آورد و هضم میکند طعام را در بیان باقلی گفت انس
که رسول خدا ص فرمود که طعام عیسی ع باقلی بود تا محلی که او را بآسمان
بردند و چیزی دیگر نخوردند تا آن وقت نقلست از کتاب فردوس

یعنی اگر پخته باشد اولا
خصوصا بود عن

حضرت پیغمبر ص که هر که خواهد که باقلی بخورد باید که با پوست او بخورد گفت
امام رضا ع که باقلی زیاده میکند مغز ساقها و خون را و نیز گفت که بخورید
باقلا را با پوست او بدرستی که پاک میکند معده را وگفت امام جعفر
صادق ع که باقلی را با پوست او بخورید بدرستی که زیاده میکند مغز ساقها
و قوت دماغ و خون را و نیز گفت که باقلی می برد درد را و دردی درو نیست
در بیان بادنجان گفت امام جعفر صادق ع که بادنجان نیکوست صفرا
و سودا را وگفت ابوالحسن ع بعضی خدمتکاران خود را که بسیار بادنجان
بخورید بدرستی که گرم است در وقت حرارت و سرد است در وقت برودت
و معتدل است در تمام اوقات و نیکوست در همه حال وگفت امام جعفر
صادق ع که بر شما باد که برای بادنجان بخورید بدرستی که درد و شفاست
و ایمن میگرداند از برص و بخورید بادنجان که بروغن زیتون پخته باشند
وگفت از کتاب فردوس که گفت رسول خدا ص که بادنجان بخورید بدرستی
که دیدم درخت بادنجان را در بهشت و گواهی داد بخدایی خدای تعالی و به پیغمبری
من و بولایت امیرالمؤمنین علی ع پس هر کسی که بادنجان بخورد بقصد آنکه درد است
درد شود و هر کس بقصد دوا بخورد دوا شود وگفت انس که رسول خدا
ص فرمود که بسیار بادنجان بخورید بدرستی که درخت بادنجان اول درختی است
که ایمان آورده است بخدای تعالی وگفت امام جعفر صادق ع که بسیار بادنجان
بخورید در وقت خرما بدرستی که درد و شفاست از هر دردی و زیاده میکند
تازگی و طراوت و می افزاید آب پشت را و نیز گفت که شخصی گفت نزد امام

زین العابدین ع بادنجانی بود که بریان کرده بودند از برای روغن زیتون
وچشم آنحضرت درد میکرد و از آن بادنجان میخورد گفتم یا ابن رسول الله تو
ازین بادنجان میخوری و حال آنکه او گرم است آنحضرت گفت که خاموش
باش بدرستی که پدر من روایت کرده است از جد من علیهما السلام که گفت
که بادنجان از زمین نیکوست و او نیکوست برای هر چیزی

در بیان گزر

وگفت داود بن فرقد که رفتم نزد ابی عبدالله ع و در پیش او گزر بود پس داد بمن
گزری و گفت بخور گفتم دندان ندارم گفت آیا کنیزی نداری گفتم بلی گفت بگو که
بپزد گزر را برای تو و بخور بدرستی که گرم میکند گرده را و محکم میکند ذکر را
وگفت امام جعفر صادق ع که گزر ایمن میکرداند از قولنج و بواسیر و قوت
جماع را زیاده میکند

در بیان خربزه

وگفت از کتاب فردوس که گفت
امیر المؤمنین علی ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که خربزه بخورید بدرستی که آب رحمت
است و شیرینی او از شیرینی بهشت است ونیز گفت که خربزه را از بهشت
آورده‌اند پس هر کس که یک لقمه خربزه بخورد بنویسد خدای تعالی برای او
هفتاد هزار حسنه و محو کند از نامهٔ اعمال او هفتاد هزار گناه و بلند کرداند
مرتبهٔ او را هفتاد هزار درجه وگفت امام موسی ع که رسول خدا ص خربزه
را با شکر میخورد و با خرمای زیتون میخورد وگفت امام جعفر صادق ع که
خوردن خربزه بر ناهار فالج می آورد و گفت امیر المؤمنین علی ع که خربزه
از زمین نیکوست و هیچ درد و سختی در وی نیست ونیز گفت که در خربزه
ده خصلت است طعام است و آب و میوه و ریحان و نان خورش و شیرینی

واشنان

واشنان و خطمی و نوره و دوا است یعنی خربزه کار اینها هم میکند و مراد این
که خربزه اشنان و خطمی است که پاک و ملایم میسازد اندرون آدمی را نقلست
از کتاب روضه که گفت امام جعفر صادق ع که خربزه بخورید بدرستی که در وی شفا است
و ده خصلت جمع شده است از زمین نیکوست و درد و سختی در وی نیست
و طعام و آب و میوه و ریحان و اشنان و نان خورش است و زیاده میکند قوت
جماع را و پاک میکند مثانه را و میراند بول را ودر حدیثی دیگر واقع است که سنگ زاید
ریزد مثانه را و منقولست از امام رضا ع این چند بیت در باب خربزه ۞ أَهْدَتْ
لَنَا الأَیَّامُ بِطِّیخَةً ۞ مِنْ حُلَلِ الأَرْضِ وَدَارِ السَّلَامِ ۞ تَجْمَعُ أَوْصَافًا فَأَعْطَاهَا وَقَدْ
عَدَدْتُهَا مَوْصُوفَةً بالنظام ۞ کَذَاکَ قَالَ الْمُصْطَفَى الْمُجْتَبَى ۞ مُحَمَّدٌ جَدِّی عَلَیْهِ السَّلَامُ
مَاءٌ وَحَلْوَاءُ وَرَیْحَانَةٌ فَاکِهَةٌ ۞ حُرُضٌ (اشنان) طَعَامٌ إِدَامٌ ۞ تُنَقِّی الْمَثَانَةَ وَتُصَفِّی
الوُجُوهَ ۞ تُطَیِّبُ النَّکْهَةَ عَشْرٌ تَمَامٌ ۞ یعنی هدیه داده است روزگار خربزه
را بما از زمین و از بهشت و در خربزه چند صفت بزرگ است و من میشمرم آن
صفتها را بنظم و چنین گفته است مصطفی مجتبی که جد منست ص که خربزه آب
و شیرینی و ریحان و میوه و اشنان و طعام و نان خورش است و پاک میکند
مثانه را و صفا میدهد روها و خوشبو میکند دهن را وگفت امام رضا ع که
خربزه خوردن بر ناهار فالج می آورد ودر حدیثی واقع است که قولنج می آورد

در بیان خیار

گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص میخورد خیار را با نمک
ونیز گفت که وقتی که خواهند که خیار بخورند از پایین او بخورند بدرستی
که برکت در وی بیشتر است

در بیان سیاه دانه

گفت رسول خدا ص که در سیاه دانه

شفاست از هر دردی مگر مرگ راوی میگوید که گفتم که چکار کنم با او آنحضرت گفت
که بگیر شبت ویک دانه از آن و آزاد در پارچه بربند ویک شب در آب بنه چون صباح
شود در سوراخ راست بینی دو قطره بچکان ودر سوراخ چپ یک قطره ودر
روز دوم نیز این کار بکن ودر روز سیم در سوراخ راست یک قطره بچکان
ودر سوراخ چپ دو قطره گفت سعد که هر روز سیاه دانه تازه در آب می باید
کرد و گفت امام جعفر صادق ع که در سیاه دانه شفاست از هر دردی و رسول خدا
صم دوست میداشت سیاه دانه را کسی گفت بامام جعفر صادق ع که مردمان گمان
می برند که آن دانه سیاهی که حضرت پیغمبر دوست میداشت سپنداست آنحضرت
گفت سپند نیست سیاه دانه است پس اگر بیایم نزد اصحاب پیغمبر صم ومیگویم
که بیارید برای من دانه که رسول خدا صم دوست میداشت از آنها سپند بیرون
می آورند برای من سیاه دانه را و **گفت** محمد بن دریح که گفتم بابی عبدالله ع
که الله ون من درد میکند ونفخی دارد آنحضرت گفت چرا سیاه دانه نمیخوری
بدرستی که دو شفاست از هر دردی و **گفت** فضل که شکایت کردم نزد ابی عبدالله
ع که من در وقت بول کردن تشویش می یابم آنحضرت گفت که سیاه دانه بخورد
در آخر شب **گفت** ابو عبدالله ع که در سیاه دانه شفاست از هر دردی بدرستی
که میخوریم او را بجهت تب ودردسر ودرد شکم وهر دردی که ما را عارض
میشود وخدای تعالی شفا میدهد ما را از آن درد بجهت خوردن سیاه
دانه **در بیان** سپند **گفت** حضرت پیغمبر صم که نرویده است از سپند
هیچ شاخی وبرگی وشکوفه مگر آنکه فرشته موکل اوست تا آنکه برسد بکسی یا

بکمال انجمد خواهر رسید

خشک

خشک شود وبریزد بدرستی که اصل وشاخ او تعویذ است ودر دانه او شفاست
از هفتاد ودو درد **گفت** محمد بن الحکم که شکایت کرد پیغمبری بخدای
تعالی از بددلی امت خود پس وحی کرد خدای تعالی بآن پیغمبر که بفرما امت خود را که
آب سپند بخورند بدرستی که آب سپند زیاده میکند شجاعت را **و نیز گفت**
که پرسیدند امام جعفر صادق را ع از سپند وکندر آنحضرت گفت که اما سپند
پس حرکت نمیکند بیخ او در زمین وبالا نمیرود شاخ او بآسمان مگر آنکه موکل
ساخته است خدای تعالی بآن فرشته را تا آنکه خشک شود یا بریزد یا بکسی
برسد بدرستی که شیطان دور میشود از هفتاد سرایی که در او سپند باشد
ودر سپند شفاست از هفتاد مرض که آسان ترین آن مرضها جذام است
پس نگاه دارید سپند را و استعمال کنید پس او برگزیده پیغمبرانست علیهم السلام
وازو طلب یاری میکرد مریم علیها السلام وهیچ دودی زودتر نمیرود بآسمان
از دود سپند ودود او دور میکند شیطان را ودفع میکند آفت را پس
باید که نگاه دارید او را

فصل دوازدهم در بیان حبوبات **دهان**

ماش **روایت** که پرسیدند بعضی از اصحاب امام رضا ع از علاج بهق
آنحضرت فرمود که آنکسی که بهق دارد باید که شوروایی از ماش بپزد وبخورد
وطعام او این باشد راوی میگوید که من این مرض داشتم چند روز این
کار کردم وعافیت یافتم **گفت** امام رضا ع که بگیر ماش تر را وبکوب او
را با برگش وبگیر آب او را وبنهار بخور وطلا کن بر موضعی که بهق دارد راوی
میگوید که چنین کردم وعافیت یافتم **دهان** حلبه (شنبلید) **گفت** رسول خدا صم

از برای کسی که از بهق شکایت داشت

که بر شما باد که حلیه بخورید و اگر بدانند امت من که چه فایده است در حلیه ایشان را هر آینه مداوا کنند بآن و اگر چه بوزن او طلا باید داد در بیان نانخواه

روایتست که حضرت پیغمبر صلعم نانخواه و سعتر و سیاه دانه طلبید و خورد و (زنیان) (اویشم)
انحضرت نانخواه میخورد وقتی که خوردنی سفید مانند تخم مرغ و ماست و طعام ثقیل میخورد و میگفت که باکی ندارم از خوردن هیچ چیز هر گاه خوردم این ترکیب را و میگفت که این ترکیب قوت میدهد معده را و می برد بلغم را و ایمن میسازد از لقوه در بیان نخود روایتست که نزد امام جعفر صادق ع ذکر کردند ان حضرت گفت که نیکوست برای درد پشت در بیان عدس روایت کرده است امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلعم نشسته بود در جای نماز خود که عبد الله بن تیهان نزد انحضرت آمد و گفت یا رسول الله من با تو بسیار نشستم و چیزی بسیار از تو شنیدم و هیچ رقت پیدا نکرد دل من و هیچ آب از چشم من روان نشد ان حضرت گفت ای تیهان بر تو باد که عدس بخوری بدرستی که نرم میسازد دل را و روان میکند آب چشم را و می برد کبر را و عدس طعام نیکان است نقلست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر صلعم که بر شما باد که عدس بخورید بدرستی که مبارکست و پاکیزه است و نرم میکند دل را و زود روان میسازد آب را از چشم و دعای برکت کرده اند برای عدس هفتاد پیغمبر منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلعم که شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران نزد خدای تعالی از سختی دلی قوم خود حق تعالی

وحی کرد بان پیغمبر صلعم در حالتی که بر جای نماز خود نشسته بود که بفرما قوم خود را که عدس بخورند بدرستی که نرم میکند دل را و میریزاند اشک را و می برد تکبر را و طعام نیکان است منقولست (بار بار) از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلعم که بر شما باد که عدس بخورید بدرستی که عدس مبارکست و پاکیزه است و نرم میکند دل را و بسیار میسازد اشک را و دعای برکت کرده اند برای او هفتاد پیغمبر که آخر ایشان عیسی بود ع (تا اینجا) در بیان سنا گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا فرمود که بر شما باد که سنا بخورید و مداوا کنید بآن بدرستی که اگر چیزی دفع میکرد مرگ را سنا می بود گفت حضرت پیغمبر صلعم که اگر بدانند مردمان فایدهٔ سنا را یک مثقال سنا را بدو مثقال طلا بخرند و سنا ایمن میکرداند از بهق و برص و جذام و دیوانگی و فالج و لقوه و انحضرت گفت که بگیرید سنا را با مویز سرخ که دانه او را جدا کرده باشند و با هلیله کابلی و هلیله زرد و سیاه و وزن اینها همه برابر باشد و اینها را با هم ترکیب کنید بنهار مقدار سه درهم بخورید در وقت خواب نیز مقدار سه درهم بخورید و این ترکیب بهترین دواهاست در بیان اسفنوش گفت امام جعفر صادق ع که هر کسی که تب دار شود و بیاشامد در همان شب دو درهم اسفنوش (البرزه) یا سه درهم ایمن شود از برسام در آن مرض در بیان طعامهای نادر و غیر آن در بیان پنیر و جوز و گفت امام جعفر صادق ع که در پنیر و جوز شفاست گاهی که با هم باشند درهر یک درد دیست و نیز

دهر کاه از هم جدا باشند

گفت که پنیر بعد از طعام هضم میکند طعام را و اشتهای طعام می آورد و نیز
گفت که خوردن جوز در وقتی که هوا بسیار گرم باشد در حرکت می آورد حرارت
را در بدن و در زمستان گرم میکند معده را و دفع میکند خشکی را در بیان
نمک گفت رسول خدا صلعم در وصیتی که کرده امیر المؤمنین علی ع که یا علی
ابتدا کن بنمک در طعام خوردن و ختم کن بآن بدرستی که در نمک شفاست
از هفتاد درد که از جمله است دیوانگی و جذام و برص و درد دندان و درد شکم
و درد حلق است گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که بپاشد بر اول
لقمه از طعام خود نمک را برود جوشش روی او روایتست که پرسید امام رضا
ع از اصحاب خود که کدام نان خورش بهتر است بعضی گفتند گوشت و بعضی
گفتند روغن و بعضی گفتند روغن زیتون آنحضرت گفت نمک و گفت
امام رضا ع که بیرون رفتیم از منزل خود و رفتیم بموضعی که ما را بود و فراموش
کرد غلام نمک را نفع نیافتیم از هیچ خوردنی تا آنکه برگشتیم نقلست از کتاب
فردوس که روایت کرده است عایشه که گفت حضرت پیغمبر صلعم که آنکسی که
نمک خورد پیش از هر چیزی و بعد از هر چیزی دفع کند خدای تعالی از او سیصد
در بیان سرکه گفت
و سی نوع بلا را که آسانترین آن بلا جذام باشد نقلست از انس که
رسول خدا صلعم که آنکسی که سرکه بخورد بایستد بر او فرشته و استغفار کند
برای او تا وقتی که فارغ شود از سرکه خوردن و نیز گفت که نمک و آب و د[illegible]
از اسباب خانه است که مردمان آنرا بیکدیگر عاریه کنند و منع آن نشاید
روایت است که
که ~~در بیان سرکه گفت~~ که حضرت پیغمبر صلعم نزد ام سلمه رفت ام سلمه نزد

آنحضرت نان پاره آورد آنحضرت گفت آیا نزد شما نان خورشی هست ام سلمه
گفت یا رسول الله نزد ما بغیر سرکه چیزی نیست آنحضرت گفت خوب نان
خورشیست سرکه و بی نان خورش نمیشود اهل خانه که در آن خانه سرکه
باشد گفت امام جعفر صادق ع که ما که اهل بیتیم بسرکه ابتدا میکنیم
در وقت طعام خوردن همچنانکه مردمان ابتدا بنمک میکنند بدرستی
که سرکه قوت میدهد عقل را و نیز گفت که خوب نان خورشی است سرکه
میشکند صفرا را و زنده میکند دل را و نیز گفت که بر تو باد که سرکه انگوری
بخوری بدرستی که هر کرم که در اندرون است میکشد گفت حضرت پیغمبر ص
که خوب نان خورشی است سرکه بار خدایا برکت ده در سرکه بدرستی که نان
خورشی پیغمبرانست که پیش از من بوده اند نقلست از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر
المؤمنین علی ع که بخورید سرکه انگوری که بقصد سرکه انداخته آید و مخورید
سرکه را که بقصد شراب انداخته اند در بیان انگامه گفت امام جعفر صادق
ع که حضرت یوسف ع وقتی که در زندان محبوس بود شکایت کرد بخدا تعالی
خالی
از نان تهی خوردن و طلب کرد از خدای تعالی نان خورشی و نان خشک بسیار
نزد او جمع شده بود پس خدای تعالی فرمود که نان خشک را در ظرفی کنید و
آب و نمک بر او بریزید یوسف ع چنین کرد آنگامه شد و از آن نان خورش
خود ساخت در بیان روغن زیتون روایتست از صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلعم

که بشما باد که روغن زیتون بخورید بدرستی که میکشد چرک و ریم جراحت را
دمی برد بلغم را و محکم میکند پی را و می برد ماندگی را و نیکو میسازد خلق را
و خوشبو میکند نفس را و می برد غم را گفت امام رضا ع که خوب طعامیست
روغن زیتون خوشبو میکند دهن را و می برد بلغم را و صاف میسازد رنگ
را و محکم میکند پی را و می برد درد را و می نشاند غضب را گفت حضرت
پیغمبر ص در وصیتی که کرد با میر المؤمنین علی ع که یا علی روغن زیتون بخور
[illegible]
و بمال بر بدن خود نزدیک نشود او را شیطان چهل روز گفت امام جعفر
صادق ع که رسول خدا ص فرمود که بخورید روغن زیتون را و بمالید بر بدن
خود بدرستی که آنکسی که روغن زیتون بخورد و بمالد بر بدن خود نزدیک
نشود او را شیطان چهل روز گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا
ص فرمود که بخورید روغن زیتون را و بمالید بر بدن خود بدرستی که زیتون
از درخت مبارکیست گفت حضرت پیغمبر ص که روغن زیتون روغن نیکان
و طعام ایشانست در بیان سعتر و نانخواه و نمک و جوز امام جعفر
صادق ع که چهار چیز است که روشن میکند چشم را و فایده میکند
و ضرر نمیکند کسی پرسید که آن چهار چیز کدام است آنحضرت گفت که آن
سعتر و نمک است هرگاه باهم باشند و نانخواه و جوز است وقتی که باهم
باشند آنکس میگوید که گفتم که هرگاه این چهار چیز باهم جمع شوند چه
فایده دارد آنحضرت گفت نانخواه و جوز می برند بواسیر و باد را و نیکو میگردانند
رنگ را و اصلاح میدهند معده را و گرم میکند گرده را و سعتر و نمک می برند

بادرا

باد را از دل و میگشایند سده را و میسوزانند بلغم را و میرانند بول را و خوشبو
میکنند دهن را و نرم میکنند معده را و می برند بوی بد را از دهن و محکم
میکنند دل را گفت ابن عباس که رسول خدا ص فرمود که ثفاء دوا است
هر درد را و دوا میکند ورم و حبس البول را چیز مثل ثفا بعضی گفته اند
که ثفا نانخواه است و بعضی گفته اند که خردل است و بعضی گفته اند که تخم تره تیزک
در بیان سعد و سعد گیاهیست خوشبو گفت ابراهیم بن نظام که مرا
درد دندان گرفت و در دهن من پالوده گرم ریختند تا آنکه پخته شد دهن من
و بعد از آن دهن مرا برف کردند پس دندانهای من افتاد شبی در خواب
دیدم امام رضا را ع و شکایت کردم نزد آنحضرت از بی دندانی آنحضرت گفت
که سعد بکار برید بدرستی که دندانهای تو بیرون می آید چون آنحضرت
متوجه خراسان شد خبر رسید بمن که بجانب من خواهد آمد استقبال
کردم آنحضرت را و برو سلام کردم و حال خود را برو عرض کردم و خوابی
که دیده بودم گفتم آنحضرت گفت که من در بیداری نیز میفرمایم که سعد بکار
در بیان اشنان
برید پس بکار بردم و دندانهای من بیرون آمد بهمان طریق که بود گفت
که امام محمد باقر ع هرگاه دست و روی خود را میشست با اشنان پاره
از اشنان در دهن خود میکرد و می جنبانید و میریخت و میگفت که اشنان
چیزی بدبست بوی دهن می آرد و رنگ را زرد میکند و دندانها را سست
میکند و من دوست نمیدارم آنرا در بیان تلخان گفت مردی بابی عبدالله
ضعیف و علیل است آرد
که فرزندی کرمارای باشد آنحضرت گفت که تلخان بدهید که بخورند بدرستی

که تلخان محکم میکند استخوانرا و میرویاند گوشت را روایت از امالی شیخ ابی جعفر
طوسی که گفت امام زین العابدین ع که کسی که تب داشته باشد تلخانرا [illegible]
عسل بیامیزید و از ظرفی بظرفی دیگر بریزند و سه نوبت باو بدهید که بخورد
بدرستی که تب گرم را می برد و این اعمال را وحی کرده است خدای تعالی وگفت
امیر المؤمنین علی ع که فاضلترین چیزهائی که روزه دار در سحر بخورد
تلخان با خرماست وگفت امام رضا ع که هرگاه بشویید تلخانرا هفت بار
و از ظرفی بظرفی بریزند تب را می برد و قوت میدهد ساقها و قدمها او وگفت
امام جعفر صادق ع که تلخانرا هفت بار بشویید و بعد از آن بکسی که تب
دارد باندازه بدهید که سیر شود روایت که فاضلترین چیزهایی که
روزه دار در سحر بخورد تلخان و خرماست و نیز گفت که فرزندان خودرا تلخان
بدهید در حال طفلی بدرستی که تلخان میرویاند گوشت را و محکم میکند استخوان را

درمان

روایت که کسی که چهل روز تلخان بخورد پر قوت میشود پای او تلخان جو
گفت که پرسیدم از سیف تمار ابا عبدالله را ع از علاج شخصی که بیمار بود
آنحضرت گفت تلخان جو را باب بیامیز و باو بده که بخورد بدرستی که شفا
می یابد و جو غذای بیمار است سیف تمار گفت تلخان جو دادم بیکبار با آب
بیمار شفا یافت درمان تلخان کاورس وگفت ابن کثیر که اسهال
داشتم ابو عبدالله ع فرمود که بیامیز تلخان کاورس را با آب [illegible] و بخور
چنین کردم اسهال برطرف شد و عافیت یافتم درمان تلخان سیب
گفت احمد بن یزید که هرگاه بگزد شخصی را مار یا عقرب تلخان سیب را

با آب بیامیزد باو بدهد که بخورد گفت ابن بکیر که از بینی من خون میرفت
پرسیدم ابا عبدالله را ع از علاج آن گفت که تلخان سیب را با آب بیامیز
و بخور چنین کردم خون ایستاد درمان تلخان عدس گفت امام جعفر
صادق ع که تلخان عدس تشنگی را و قوت میدهد معده را و در او
شفاست از هفتاد درد و می نشاند حرارت را و خنک میکند اندرون را
گفت که امام جعفر صادق ع هرگاه سفر میرفت تلخان عدس را
از خود جدا نمیکرد و هرگاه خون غالب میشد خدمتکاران آنحضرت
را میگفت که تلخان عدس را با آب بیامیزید و بخورید بدرستی که تسکین
میدهد خون را و می نشاند حرارت را وگفت که کنیز علی بن مهزیار را
خون حیض دایم می آمد و نمی ایستاد تا آنکه نزدیک شد بمردن ابو جعفر
ع فرمود که تلخان عدس را با آب بیامیزند و باو بدهند که بخورد دادند
باو خون ایستاد درمان شیر گفت امام حسین ع که هرگاه حضرت
پیغمبر ص هرگاه شیر میخورد میگفت اَللّهُمَّ بارِکْ لَنا فیهِ وَزِدْنا مِنْهُ
یعنی بار خدایا برکت ده ما را در شیر و زیاده گردان شیر را برای ما
گفت رسول خدا ص که خرما و شیر بهتر از چیزهای دیگرند وگفت
که رسول خدا ص هرگاه شیر میخورد مضمضه میکرد و میگفت که شیر را
چربی هست وگفت حضرت پیغمبر ص که وقتی که شیر بیاشامید مضمضه
کنید بدرستی که شیر را چربی هست وگفت که مردی گفت با امام جعفر
صادق ع که من شیر خوردم و ضرر کرد مرا آنحضرت گفت که شیر ضرر نمیکند

هر کی اما تو با شیر چیزی دیگر خوردی و اینچنین تراضی کرده است و نو کمان می
بری که شیر را ضرر کرده است **وگفت** امیر المؤمنین علی ع که شیر کاو دوا است
روایت کرده است که پرسیدند از امیر المؤمنین علی ع که ایا بول کاو را می توان
خورد انحضرت گفت اگر احتیاج داشته باشند که مداوا کنند باکی نیست خوردن
آن **گفت** جعفری که شنیدم که ابو الحسن ع میگفت که بول شتر بهتر است از
شیر او و کردانیده است خدای تع شفا در شیر شتر **وگفت** یحیی بن عبد الله
که طعام میخوردم با ابو عبد الله ع پس چند پالها و گفت این ماست چکیده است
که از شیر خر ساخته اند برای بیماری که بزما است هر کس میخواهد بخورد و هر کس
میخواهد نخورد **روایت** که پرسیدند از ابی عبد الله ع که ایا جایز است که
بول خر ماده بخورند انحضرت گفت باکی نیست **در بیان** خاییدن مصطکی
نقلست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر ص که بزنان آبستن مصطکی
بدهید که بخورند بدرستی که زیاده میکند عقل طفل را و نیز گفت که نیست دودی
که باسمان بالا رود مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند مصطکی را
مگر انکه دور شوند جنیان از آن خانه **وگفت** امیر المؤمنین علی ع که خاییدن
مصطکی محکم میکند دندانها را و می برد بلغم و بوی دهن را **گفت** امام رضا ع
که بسیار مصطکی بخایید و نگاه دارید و دوست میدارم من خاییدن
مصطکی را بدرستی که می برد بلغم و بوی دهن را و نیز گفت امام رضا ع پاک میکند
معده را و محکم میکند عقل را و میکوارند طعام را و نیز گفت بدهید
بزنان آبستن مصطکی را که بخورند پس اگر در شکم ایشان پسر باشد

آن پسر دانا و خوش فهم و دلیر میشود و اگر دختر باشد خوش خلق و خوب
صورت میشود و بزرگ میشود و سرین او و عزیز خواهد شد نزد شوهر خود **در بیان**
شب طعام خوردن **وگفت** امیر المؤمنین علی ع که پیغمبران علیهم السلام
طعام شب را بعد از وقت نماز خفتن میخوردند پس مگذارید شب
چیزی خوردن را بدرستی که شب چیزی ناخوردن خراب میکند بدن را
وگفت رسول خدا ص که انکسی که ترک کند طعام خوردن را شب شنبه
و شب یکشنبه و دوشنبه پی در پی بعد از وقتی که تا چهل روز از آن قوت
نیاید **وگفت** ابو الحسن ع که ترک مکن چیزی خوردن را اگر چه پاره نانی
باشد ~~و نیز گفت~~ بدرستی که شب چیزی خوردن قوت میدهد بدن را و نیکو است
برای جماع **وگفت** امام جعفر صادق ع که ترک مکنید شب چیزی خوردن
را اگر چه سر ما بانکشت نمک زنید و بخورید **روایتست** که انکسی که ترک کند
شب چیزی خوردن را در یک شب بی قوت شود رکی که در بدن او که رگ کرمست
بقوت نیاید **در بیان** کماة و کمات کیاهیست **گفت** امام رضا ع
که رسول خدا فرمود که کمات از نعمتهاییست که خدای تع فرستاده است بر بنی
اسرائیل و شفا میدهد چشم را و عجوه که نوعیست از خرما خوب از بهشت است
و در او شفاست از زهر **در بیان** خوردن پیاز با تخم مرغ و غیر آن **گفت**
ابو الحسن ع که انکسی که تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد قوت جماع کردن
او زیاده شود و انکسی که گوشت با تخم مرغ بخورد او را فرزند بسیار شود
وگفت که شخصی با ابی عبد الله ع گفت که فدای تو گردم من کنیزان میخرم

ومیخواهم که تعلیم کنی بمن چیزی که قوت پیدا کنم بر جماع آنحضرت گفت که بگیر
پیاز را و ریزه کن و بجوشان با روغن زیتون و تخم مرغ بگیر و بشکن در کاسه و بر رو
و اندک نمکی بریز و بعد از آن تخم مرغ را بر بالای پیاز و روغن زیتون بریز و بجوشان
و بخور آنشخص گفت که چنین کردم و قادر شدم بر جماع کردن بکنیزان آنقدر که
میخواستم **در بیان** گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما **گفت** امام جعفر
صادق ع که سه چیز است که فربه میکند آدمی را و از جنس خوردنی نیست
و سه چیز است لاغر میکند آدمی را و از جنس خوردنی نیست و دو چیز است که فایده
میدهد همه چیزها را و ضرر نمیکند بهیچ چیز اما آن سه چیز که از جنس خوردنی نیست
و فربه میکند پوشیدن کتان و بوی خوش بکار بردن و نوره کردن است و آن
سه چیز که از جنس خوردنی است و لاغر میکند گوشت قاق است و پنیر و شکوفه
خرما و در حدیثی دیگر واقع است که جوز لاغر میکند و در حدیث دیگر واقع است
که کنجاره لاغر میکند و آن دو چیز که نفع میدهد همه چیز را شکر و نار است

باب هشتم در آداب نکاح و آنچه متعلق است بآن و درین باب
ده فصل است و آنچه مذکور است درین باب منقولست از کتاب من لا یحضره
الفقیه مگر بعضی که از روایات که ذکر خواهم کرد که از کتاب من لا یحضره الفقیه
نیست **فصل اول** در ترغیب کردن نکاح و در بیان زن با میمنت و زن
شوم گفت ابو جعفر ع که رسول خدا فرمود که چه چیز منع میکند مؤمن را از
نکاح کردن پس اگر نکاح کند امید هست که خدای تعالی روزی کند او را فرزندی
که لا اله الا الله بگوید و نیز آنحضرت فرمود که آنکسی که نکاح کند نگاه داشته

میشود نصف دین او پس باید که پرهیزکاری کند بجهت حفظ نصف دیگر
و نیز فرمود که هیچ بنائی در مسلمانی که دوستر باشد نزد خدای تعالی از
نکاح کردن **روایتست** که آنکسی که دوست میدارد که بر دین من باشد باید که عمل
کند بسنت من و آن نکاح است و نیز فرمود که آنکسی که تواند که نکاح کند و نکند
از امت من نیست و نیز فرمود که طلب کنید روزی را از خدای تعالی بسبب نکاح
گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که ترک نکاح کند از ترس درویشی بدرستیکه
که گمان بد دارد به پروردگار خود زیرا که خدای تعالی فرموده است إن یکونوا
فقراء یغنهم الله من فضله یعنی آنها که نکاح میکنند اگر فقیر باشند خدای تعالی
غنی میگرداند ایشان را بفضل و کرم خود **گفت** حضرت پیغمبر ص که ای جوان نکاح
کن و بپرهیز از زنا بدرستی که زنا می برد ایمان را از دل تو و نیز گفت که نکاح
کنید زنان زاینده را بدرستی که بسبب ایشان مال پیدا میشود **و نیز** و گفت امام
جعفر صادق ع که امیر المؤمنین علی ع فرمود که فاضلترین جمع کردن میان
دو چیز که جمع کنند میان دو کس بنکاح تا خدای تعالی جمع کند میان ایشان
گفت حضرت پیغمبر ص که نکاح کنید بدرستی که من میخواهم که امت من بیشتر
باشند از امت پیغمبران دیگر در روز قیامت تا آنکه طفلی که بشکم مادر باشد
می آید خشمناک بدر بهشت پس خواهند گفت که در آی گوید نمی آیم تا آنکه پدر و مادر
من پیش از من در آیند و نیز گفت آنحضرت که دو رکعت نماز که مرد کدخدا
بگذارد فاضلتر است از عمل مرد عزب که تمام شب بیدار باشد و نماز
بگذارد و روز روزه دارد و نیز گفت که بدترین مردمان عزبانند و نیز

ای گروه جوانان از شما انکسی که استطاعت دارد که کدخدا شود باید
که نکاح کند و انکسی که استطاعت ندارد باید که پیوسته روزه دارد
بدرستی که روزه داشتن شهوت را کم میکند کفت امام جعفر
صادق ع که دو رکعت نماز که مرد کدخدا بکذارد فاضلتر است از هفتاد
رکعت نماز که مرد عزب بکذارد کفت ابو الحسن ع که آمد مردی نزد پدر من
پس کفت پدر من باو که کدخدائی مرد کفت نه پدر من کفت که دوست ندارم
که در دنیا باشم و شبی بروز آرم و مرا زنی نباشد بعد از ان کفت دو رکعت نماز
که مرد کدخدا بکذارد فاضلتر است از عمل مردی که تمام شب نماز کذارد
و روز روزه دارد و عزب باشد و نیز کفت ابو الحسن ع که هر چند دوستی بنده بزنان
زیاده میشود ایمان او زیاده میشود و نیز کفت که بیشتر خیر در زنان
می باشد یعنی بسبب ایشان خیر بسیار میشود روایتست که نکاح کنید
و طلاق مکنید بدرستی که از طلاق عرش در لرزه می آید و نیز کفت که نکاح
کنید و طلاق مکنید بدرستی که خدای تعالی دوست نمیدارد مردانی را که زود
طلاق و نکاح میکنند و زنانی را که زود طلب نکاح و طلاق میکنند
روایتست که نکاح کنید با اهل صلاح بدرستی که اخلاق زود سرایت میکند
و نیز کفت که از اخلاق پیغمبران دوست داشتن زنانست و نیز کفت که
سه چیز است که حساب نمیطلبند از مؤمن در روز قیامت طعامی که بخورد
و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاری کند او را و نکاه دارد از فسق و
نیز کفت که انکسی که ترک نکاح کند از ترس درویشی کمان بد دارد به پروردکار

دنیا و ما فیها مال من باشد

خود

خود بدرستی که خدای تعالی میفرماید که ان یکونوا فقراء یغنهم الله من
فضله و معنی این آیه از پیش کذشت کفت حضرت پیغمبر ص که انکسی
که خواهد که ملاقات کند خدا را پاک و پاکیزه باید که نکاح کند کفت امام
زین العابدین ع که انکسی که نکاح کند برای خدا و بجهت صله رحم خدای تعالی
تاج پادشاهی بر سر او نهد در روز قیامت کفت حضرت پیغمبر ص که انکسی
که توانکر باشد و نکاح نکند از امت من نیست روایت کرده است محمد بن
حمران از پدر خود که کفت امام جعفر صادق ع انکسی که نکاح کند و قمر در عقرب
باشد نیکوئی نه بیند از ان نکاح روایتست که مکروهست نکاح کردن در محاق ماه
و آن سه روز آخر ماهست کفت حضرت پیغمبر ص که فاضلترین زنان
امت من ان زنانند که صباحت ایشان زیاده باشد و کابین ایشان کم باشد
کفت ابو عبد الله ع که زن مبارک آنست که کم باشد مؤنت او
و باسانی زاید و زن شوم آنست که بسیار باشد مؤنت او و بدشواری
زاید و نیز کفت که شومی در سه چیز است در مرکب و زن و سرا اما زن
شوم آنست که کابین او بسیار باشد و بدشواری زاید و اما مرکب شوم آنست
که بسیار بزینت و آراسته باشد و بدخلق روایتست دیگر که زن مبارک آنست که کابین او
کم باشد و زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد کفت حضرت پیغمبر ص
که نکاح کنید زنان کبود چشم را بدرستی که در ایشان برکتست و نیز کفت که شومی
در مرکب و زن و سرای باشد فصل دویم در بیان انواع زنان و اخلاق
ایشان در بیان اخلاق نیکوی زنان کفت امام جعفر صادق

و اما خانه شوم آن است که تنک باشد و همسایگان بد باشد

گفت امام جعفر صادق ع که زنان چهار نوع اند یک نوع آنست که یک
فرزند در کنار داشته باشد و دیگری در شکم و دیگری آنست که خیر بسیار
داشته باشد و شوهر داشته باشد و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد با شوهر
خود و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد با شوهر و غیر گفت معروف کرخی
که گفتم بابی عبدالله ع که زن من فوت شده است و موافق من بود و من
قصد دارم که زنی دیگر نکاح کنم انحضرت گفت که تأمل کن در آن زنی که
نفس تو میخواهد و تو از اثر یک میسازی در مال خود و مطلع میسازی بر دین
خود و بر سر و امانت خود پس اگر خوب باشد نکاح کن و اگر البته میخواهی
که نکاح کنی باید که از زن بکر باشد و مشهور باشد بر نیکی ع الا ان النساء
خُلِقْنَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الغَنِيمَةُ والغَرامُ ع وَمِنْهُنَّ الهِلالُ إذا تَجَلَّى ع لِصاحِبِهِ
وَمِنْهُنَّ الظَّلامُ فَمَنْ يَظْفَرْ بِصالِحِهِنَّ يَظْفَرْ ع وَمَنْ يُغْبَنْ فَلَيْسَ لَهُ
انْتِظامُ یعنی بدرستی زنان مخلوق شدند بر چند نوع بعضی از ایشان
فایده میرسد و بعضی نقصان و بعضی از ایشان مثل ماه نو اند وقتی که
تجلی میکنند بر شوهر خود و بعضی از ایشان سبب کدورت سبب
کدورت و ملالت شوهر خود میشوند و انکسی که زن صالحه بنکاح خود
در آورد ظفر یافت و انکسی که زن صالحه نیافت پس زیانی کرد که عوض
ندارد و زنان سه نوع اند یکی آنست که بسیار میزاید و دوست میدارد
شوهر خود را و یاری میدهد شوهر را در کار دنیا و آخرت و ناسازگاری
نمیکند دوم زنی که نمیزاید و جمال ندارد و خوش خلق نیست و یاری نمیکند

شوهر

شوهر خود را بر نیکویی سیم زنی بلند آوازی که دخل کننده در چیزهای طعن
کننده که اندک نماید چیز بسیار در نظر او قبول نکند چیز اندک را او گفت
امیر المؤمنین علی ع که نکاح کن زن کشاده چشم گندم گون بزرگ سرین را که میانه
بالا باشد پس اگر زن باین صفت را نکاح کنی و خوش نیاید ترا کابین از من
بر صفت روایت از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که گفت امیر المؤمنین
علی ع که عقل زنان در جمال ایشان است و جمال مردان در عقل ایشان یعنی
از زنان جمال مطلوبست نه عقل و از مردان عقل مطلوبست نه جمال
گفت که حضرت پیغمبر ص هرگاه میخواست که نکاح کند زنی را کسی
میفرستاد که آن زن را ببیند و میگفت بانکس که بوی کن گردن او را پس اگر
گردن او خوشبو باشد آن زن خوشبو است و اگر پر گوشت باشد قدم او پر زاد
است فرج او گفت امام زین العابدین ع که پنج خصلت است که هر که
یکی از اینها ندارد همیشه عیش او ناقص است و عقل او کم میشود و دل او فارغ
نیست از اندوه اول صحت بدن دویم و سیم فراخی در روزی (خانه) چهارم امین
موافق کسی گفتا پس موافق کیست گفت زن صالحه و فرزند صالح و مصاحب
صالح پنجم فراغت و راحت و این خصلتیست که جمع است در و آن خصلتها این
گفت که وقتی که خواهید که نکاح کنید زنی را باید که بپرسید از موی او
همچنانکه میپرسید از روی او بدرستی که موی خوب از اسباب جمالست
گفت که بهترین زنان آنست که خوشبوی باشد و اگر طعام دهد
بنیکی بجا دهد و اگر امساک کند بجا امساک کند پس زنی که این صفت

و خوش خوراک باشد

داننه باشد از کارکنان خدای تعالی است وانکسی که کار خدای تع کند تا
امید نشود از رحمت او **وگفت** امام جعفر صادق ع که بهترین زنان
آنست که اگر در غضب شود یا در غضب آورند او را بگوید بشوهر خود که
تابع توام و خواب نمیکنم تا انکه راضی شوی از من **گفت** حضرت پیغمبر ص با اصحاب
که ایا خبر دهم شما را به بهترین زنان گفت بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که بهترین
زنان آنست بسیار زاید و دوست دارد شوهر خود را و عفیف و پرهیزکار باشد
و عزیز باشد در میان خویشان خود و تواضع و فرمان برداری نماید شوهر خود را
و بشنود سخن شوهر را و فرمان برداری کند و هرگاه شوهر با او خلوت کند
اطاعت نماید و فرمان برداری کند **وگفت** آنحضرت که فایده نمی برد مرد بعد از
اسلام بچیزی که فاضلتر باشد از زن مسلمان که خوشحال کرداند شوهر را هرگاه
نظر کند شوهر با او و فرمان برداری شوهر کند هرگاه شوهر با او کاری بفرماید
و جانب شوهر را نگاه دارد و حفظ نفس و مال شوهر کند هرگاه شوهر از او غایب
باشد **روایتست** که آمد مردی نزد رسول خدا ص و گفت که مرا زنی است
که هرگاه که بخانه میروم استقبال میکند مرا و وقتی که بیرون میروم از خانه مشایعت
میکند مرا و هرگاه غمگین می بیند میگوید که بچه جهت غمگینی اگر بجهت معاش
غمگینی بدرستی که غیر تو ضامن روزی تست و اگر بجهت آخرت غمگینی زیاده
کرداند خدای تع غم ترا آنحضرت گفت یا عزیز که بشارت ده آن زن را به بهشت
و بگو با او که تو یکی از کارکنان خدائی و ترا هر روز اجر هفتاد شهید است
ونیز که گفت رسول خدا ص که خدای تع را کارکنان است و این زن

کارکنی است از کارکنان خدای تع که او را نصف اجر شهید است **گفت**
امام جعفر صادق ع که زنان نیکوی اهل دنیا بهتر اند از حور عین ونیز گفت
که شجاعت در اهل خراسان است و قوت جماع کردن در اهل بربر است و
سخاوت و حسد در عرب پس اختیار کنید از اینها هر کدام که بهتر اند برای
فرزند **ونیز گفت** که حیا ده بخش است نه در زنانست و یکی در مردان و هرگاه
ختنه کرده شد زن را یک جزو از حیای او میرود و هرگاه نکاح کرد یک جزو
دیگر میرود و دو پنج جزو از حیا باقی می ماند پس هرگاه فسق و فجور کرد تمام

و اگر بکارت او زایل شود یک جزو دیگر میرود و اگر وضع حمل او شود یک جزو دیگر هم میرود

حیای او میرود و اگر پرهیزکاری نمود باقی ماندن پنج جزو از حیا **نقلست**
از کتاب نوادر الحکم که گفت امیر المؤمنین علی ع که انکسی که خواهد که
کدخدا شود باید که نکاح کند زنی را که کوتاه بالا باشد و میان دوشانه
او پهن باشد و گندم گون باشد پس اگر محظوظ نشود از آن زن بر منست
کابین او **وگفت** جابر که گفت که رسول خدا ص فرمود که هرگاه زن
نماز پنجگانه خود را بجا آورد و ماه رمضان روزه دارد و نگاه دارد
خود را از فسق و فرمان برداری شوهر کند بهشت میرود از هر در بهشت
که خواهد **وگفت** حضرت پیغمبر ص که هر زنی که یاری کند شوهر خود را بر حج
و جهاد و طلب علم بدهد خدای تع او را ثواب زن ایوب پیغمبر ص **وگفت** امام
جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که بهترین زنان امت من آن زنانند
که شکل ایشان بهتر باشد و کابین ایشان کمتر باشد **در بیان** خلقهای
بد زنان **وگفت** امام جعفر صادق ع که بدترین دشمنان مؤمن زن بد است

وگفت امام جعفر صادق ع که بدترین دشمنان مؤمن زن بد است
وگفت حضرت پیغمبر ص که هیچ ضعیف دینی ناقص عقلی مثل زنان
کسی را از راه نمی برد و نیز گفت که زنان بد باشند و عیبها دارند بپوشید
عیبهای ایشان را بنگاه داشتن ایشان در خانه و بپوشید بد زبانی ایشان را
بخاموشی ونیز گفت که اگر زنان نمی بودند همه کس پرستش میکرد خدای تعالی
را البته وگفت امیر المؤمنین علی ع که در آخر الزمان و نزدیک بقیامت
و آن بدترین زمانها است ظاهر میشوند زنانی که پوشیده رو نباشند
و بی هنر باشند و اظهار زینت خود کنند و ملبدیها و حلال دانند چیزهای
حرام را پس ایشان دایم در جهنم خواهند بود نقلست از کتاب
ریاض که گفت رسول خدا ص که زن بدشکل که او را فرزند شود بهتر است
از زن خوش شکل که او را فرزند نشود و نیز گفت که بگذارید زن خوش
شکل که او را فرزند نشود و نکاح کنید زن بدشکل را که فرزند شود او را
بدرستی که من میخواهم که امت من بسیار شوند و اگر چه این بسیاری بفرزندی
باشد که از شکم مادر افتاده باشد ونیز گفت که زنی که تکلیف کند شوهر
خود را بجهت نفقه و هر چیزی که طاقت آن نداشته باشد قبول نمیکند
خدای تعالی توبه او را از گناهان و نیکویی او را مگر آنکه توبه
کند ازین کار و طلب کند از شوهر خود چیزی را که طاقت آن داشته
باشد و نیز گفت که اگر تمام آنچه در زمین است از طلا و نقره زن بدهد
و بخانه شوهر ببرد و بعد از آن سرزنش کند شوهر خود را روزی از

و حادی باشد از دین و در وضائدها داخل باشند و حایل باشند

روزها و بگوید که تو کیستی و این مالها از منست باطل میشود عمل او
اگر چه آن زن عابدترین مردمان باشد مگر آنکه توبه کند و عذرخواهی
شوهر خود نماید وگفت سلمان فارسی که شنیدم از رسول خدا ص
که میگفت که زنی که منت نهد بر شوهر خود بمال خود و بگوید بشوهر
که تو از مال من میخوری اگر تصدق کند تمام مال خود را در راه خدا قبول
نکند خدای تعالی صدقه او را مگر آنکه شوهر از او راضی باشد وگفت
امیر المؤمنین علی ع که شنیدم از رسول خدا ص که میگفت که زنی که دو
شود از شوهر خود بظلم حشر میکند در روز قیامت او را با فرعون
و هامان و قارون و می برند او را در ته دوزخ مگر آنکه توبه کند
ونیز گفت که حضرت پیغمبر ص گذشت بجماعتی از زنان و ایستاد نزد ایشان
و گفت ندیدم کم عقل تر و کم دین تر از شما که ببرند عقلهای خداوندان
عقل را بدرستی که دیدم که بیشترین شما اهل دوزخند در روز قیامت
پس طلب نزدیکی کنید بخدای تعالی آن مقدار که می توانید گفت زنی
از آن زنان که یا رسول الله کدام است نقصان دین و عقل ما آنحضرت
گفت که اما نقصان دین شما آنست که حایض میشوید و در آن ایام نماز
نمیگذارید و روزه نمیدارید و اما نقصان عقل شما از گواهی شما معلوم
میشود بدرستی که گواهی زن نصف گواهی مرد است و نیز گفت آنحضرت
باصحاب که آیا خبر دهم شما را به بدترین زنان اصحاب گفتند بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت که بدترین زنان آنست که ذلیل و خوار باشد

در بیان خوشیان

وهر چیزی که شوهر بزن داده پیش از آنکه دخول کند بزن وزن را راضی
شده است بآن کابین زن است وکردیده است کابین سنت پانصد
درهم آنکه خدای تعالی واجب کردانیده است بر خود که هر مومنی که صد بار
الله اکبر بکوید وصد بار سبحان الله بکوید وصد بار لا اله الا الله بکوید
وصد بار صلوات بفرستد بر پیغمبر وآل او علیهم السلام و بعد از ان بکوید
اللهم زوجنی من الحور العین تزویج کند خدای تعالی با وحوری از حوران بهشت
وبکردانند این تسبیح وتهلیل وتحمید وصلوات را کابین آن حور و وقتی
که نکاح کند مردی دختر خود را نیکو سنت که از کابین دختر خود بخورد

وصد بار الحمد لله بکوید

نقلست از امالی سید ابو طالب که کفت امام زین العابدین ع که حضرت
پیغمبر ص در محلی که نکاح کرد حضرت فاطمه را با امیر المؤمنین علی ع این خطبه
خواند الحمد لله المحمود بنعمته المعبود بقدرته المطاع بسلطانه المرهوب
من عذابه المرغوب الیه فیما عنده النافذ امره فی السماء وارضه ثم ان الله
عز وجل امرنی ان ازوج فاطمة من علی فقد زوجته علی اربع مائة مثقال
فضة ان رضی بذلک علی **معنی خطبه** اینست که سپاس وستایش
مر خدای را که حمد کفته شده است بجهت نعمت وپرستیده شده است از
جهت قدرت او واطاعت کرده شده است بجهت سلطنت او وترسیده
شده است از عذاب او ورغبت کرده شده است در چیزی که نزد
اوست وجاریست امر وحکم او در آسمان وزمین پس بدرستی که
خدای تعالی فرمود بمن که نکاح کنم فاطمه را بعلی ومن نکاح کردم او را بچهار

صد مثقال نقره اکر راضی شود علی و بعد از خطبه خواندن طبق خرما طلبید
وکفت که غارت کنید طبق خرما را در وقت غارت کردن امیر المومنین
علی ع در آمد حضرت پیغمبر کفت که آیا دانستی که حضرت حق سبحانه وتعالی فرمود
مرا که نکاح کنم فاطمه را بتو ونکاح کردم بچهار صد مثقال نقره اکر راضی شوی
امیر المومنین علی ع کفت راضی شدم باین از خدا ورسول او وحضرت پیغمبر ص
کفت که جمع کناد خدای تعالی پریشانی شما را ونیک بختی کرداناد شما را و
حاصل کرداناد از شما فرزند بسیار پاکیزه **کفت** رسول خدا ص که نکاح
کردم زینب بنت جحش را بزید بن حارثه ونکاح کردم ضباعة بنت زبیر
بن عبد المطلب را بمقداد تا آنکه بدانند که شریفترین شرافتها شرف اسلام است
کفت جابر انصاری که چون نکاح کرد حضرت پیغمبر ص حضرت فاطمه را با امیر
المومنین ع آمدند جمع مردمان از قریش نزد حضرت رسالت پناهی ص و کفتند
بآنحضرت که تو نکاح کردی حضرت فاطمه را با امیر المومنین علی ع باندک کابینی
آنحضرت کفت من نکاح نکردم بلکه خدای تعالی نکاح کرد در شب معراج نزد
سدرة المنتهی ووحی کرد خدای تعالی بسدرة المنتهی که نثار کن پس سدرة
المنتهی نثار کرد در وجواهر بحور عین وایشان هدیه میدادند آن در و
جواهر را وتفاخر میکردند بآن ومیکفتند این نثار فاطمه بنت محمد است
صلی الله علیه وآله وچون شب زفاف شد آنحضرت فرمود که استر
آوردند ودوشکی کرد قطیفه وبر بالای آن استر انداخت وکفت بحضرت
فاطمه که سوار شو وفرمود بسلمان که استر را بکشد وآنحضرت میراندان استر را

در میان راه انحضرت آوازی شنید متوجه شد دید که جبرئیل ع با هفتاد
هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار فرشته آمدند انحضرت بایشان
گفت که بچه کار آمدید بزمین ایشان گفتند که آمدیم که حضرت فاطمه را نزد
امیرالمؤمنین علی ع ببریم و جبرئیل و میکائیل و فرشتها و حضرت پیغمبر ص
تکبیر میگفتند در راه پس تکبیر گفتن در عروسی از آن شب ماند در میان
مردم و سنت شد گفت امام جعفر صادق که زفاف کنید در شب و
طعام بدهید وقت چاشت

فصل چهارم در بیان در آداب زفاف و مباشرت کردن و غیر اینها

گفت امام جعفر صادق ع ببعض اصحاب خود که هرگاه در شب
عروسی بخانه خود بیاری روی او را بقبله کن و دست بر پیشانی او بنه
و بگو اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی منها
ولدا فاجعله مبارکا سویا ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و در
حدیث دیگر واقعست که این دعا بخواند اللهم انی علی کتابک
تزوجتها و فی امانتک اخذتها تا آخر دعائی که گذشت بخواند گفت
از کتاب نجات که ائمه علیهم السلام فرمودند که هرگاه زفاف نزدیک
شود سنت است که امر کنی زن را که دو رکعت نماز سنت بگذارد و تو بوضو
باشی و وقتی که زن بیاید نزد تو و سنت است که تو نیز دو رکعت نماز
بگذاری و حمد بگوئی خدای تعالی را و صلوات بر نبی و آل او بفرستی و بگوئی
اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها و ارضنی بها واجمع بیننا باحسن
اجتماع و ابر ائتلاف فانک تحب الحلال و تکره الحرام گفت امام محمد

باقر

باقر ع که وقتی که خواهی که مباشرت کنی بگوی اللهم ارزقنی ولدا و اجعله
تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی خیر و بسم
الله بگو نزد جماع کردن گفت ابو سعید خدری که حضرت پیغمبر ص وصیت
کرد علی بن ابی طالب را ع و گفت یا علی هرگاه در آید عروس بخانه وقتی که
بنشیند بفرما که بیرون کند موزه او را و بشوید پایهای او را و آن آب را در
سرای خود بریز تا نهایت سرایت کند هرگاه چنین کنی بیرون می برد خدای
تعالی از سرای تو هفتاد هزار نوع درویشی او داخل میگرداند هفتاد نوع
برکت را در سرای تو و فرود می آید بتو هفتاد نوع برکت را در سرای تو
و هفتاد رحمت را و آن رحمت را نازل میکند بر بالای سر عروس تا آنکه
فرود آید بر او و برسد برکت آن رحمت در هر کنجی از خانه تو و ایمن میشود
عروس از دیوانگی و جذام و برص مادام که در این خانه است و منع کن
عروس را در آن هفته که آورده او را بخانه خود از خوردن چهار چیز
شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس گفت امیرالمؤمنین علی ع که یا رسول الله
بجهت منع کنیم از خوردن این چهار چیز انحضرت گفت بجهت آنکه خوردن
این چهار چیز موجب این میشود که او را فرزند نشود و حصیری که در کنج
خانه باشد بهتر است از زنی که نزاید پس گفت امیرالمؤمنین علی ع که یا رسول الله
چون است که منع میکنی از سرکه خوردن آن حضرت فرمود بجهت آنکه وقتی
که زن حایض شود در حالت سرکه خوردن تمامی پاک نمیشود از حیض
هرگز و گشنیز را که پراکنده میکند خون حیض را در شکم و دشوار میشود

بروز اینده و سبب ترش بطرف میکند حیض را و خون حیض درد میشود
با زن و بعد ازان انحضرت فرمود که یا علی جماع مکن بزن در اول ماه
ومیان ماه و در آخر ماه بدرستی که دیوانگی و جذام و جن زود راه می
یابد با زن و فرزندان او **گفت** مجامعت مکن بزن خود بعد از پیشین
بدرستی که اگر دران وقت فرزندی حاصل شود احول خواهد بود و شیطان
خوشحال میشود که آدمی احول شود یا علی سخن مکن در وقت جماع کردن
بدرستی که اگر دران وقت فرزندی حاصل شود ایمن نیست از انکه کنگ
شود و باید که نظر نکند کسی بفرج زن خود و بپوشد چشم خود را از جماع
کردن بدرستی که نظر کردن بفرج زن می آورد کوری در فرزند یا علی جماع مکن
بزن خود بشهوت زن دیگر بدرستی که می ترسم که اگر فرزندی حاصل شود
مخنث و دیوانه باشد یا علی انکسی که جنب باشد در جامه خواب با زن
خود باید که قرآن نخواند بدرستی که می ترسم که آتشی فرود اید از آسمان و
هر دو را بسوزد یا علی مجامعت مکن بزن خود مگر انکه با خود خرقه باشد
و پاک میکند هر دو بیک خرقه بدرستی که این کار کردن سبب دشمنی
میشود میان زن و شوهر و میان ایشان طلاق و جدایی واقع میشود
یا علی جماع مکن بزن خود در شب عید رمضان بدرستی که اگر فرزندی
حاصل شود بدی بسیار ازو در وجود خواهد آمد **یا علی** جماع مکن
بزن خود در شب عید قربان بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود شش
انگشت **یا علی** جماع مکن بزن خود در زیر درخت میوه دار که اگر فرزندی

حاصل

شود جلاد خواهد بود یا بسیار کشنده یا دانا با لحول مردم **یا علی** جماع مکن
بزن خود در برابر آفتاب و روشنی او مگر انکه پرده بیاویزی که بپوشد شما را
از آفتاب بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود همیشه در سختی و درویشی خواهد
بود تا بمیرد **یا علی** جماع مکن بزن خود در میان اَذانِ وَاِقامت بدرستی که اگر
فرزندی حاصل شود حریص خواهد بود بر خون ریختن **یا علی** وقتی که زن
تو آبستن شود جماع مکن با وی مگر انکه با وضو باشی بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود کور دل و بخیل خواهد بود **یا علی** جماع بزن خود وقتی که دو روز باقی مانده
باشد از شعبان تا آخر ماه بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود تمغاچی
یا یاری دهنده ظالمان و هلاک کننده مردمان بسیار خواهد بود
یا علی جماع مکن بزن خود در پشت بام خانه که اگر فرزندی حاصل شود
منافق و ریاکار و اهل بدعت خواهد بود **یا علی** وقتی که خواهی سفر روی
جماع مکن بزن خود دران شب که بسفر میروی بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود مال خود را صرف خواهد کرد در غیر حق و خواند رسول خدا این
آیه را که اِنَّ المُبَذِّرِینَ کانُوا اِخوانَ الشَّیاطِین یعنی بدرستی که آنها
که اسراف میکنند برادران شیطان یعنی مثل ایشان شدند در شرارت و اتلاف مال
یا علی جماع مکن بزن خود وقتی که سه روز راه سفر کنی بدرستی که اگر فرزندی
حاصل شود یاری کننده ظالمان خواهد بود **یا علی** بر تو باد که جماع کنی شب
دوشنبه بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود حافظ قرآن خواهد بود و راضی
خواهد بود با نچه خدا روزی او کرده است **یا علی** اگر جماع کنی بزن خود

در شب سه‌شنبه خدای تعالی فرزندی بدهد بدرستی که شهادت روزی او خواهد
شد بعد از آنکه ایمان آورده باشد بخدا و رسول او و عذاب نکند خدای تعالی
او را با کافران و دهن او خوشبو خواهد بود و رحیم دل و بخشنده خواهد
بود و زبان او پاک خواهد بود از غیبت و دروغ و تهمت یا علی اگر جماع کنی
بزن خود در شب پنجشنبه و فرزندی حاصل شود بدرستی که آن فرزند حاکمی
از حاکمان یا عالمی از عالمان خواهد بود یا علی اگر جماع کنی در روز پنجشنبه
نزد زوال آفتاب و فرزندی حاصل شود شیطان نزدیک او نیاید تا پیر شود
و خوش فهم باشد و روزی کند خدای تعالی او را سلامت دین و دنیا
یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی حاصل شود فصیح و زبان آور و
تیز زبان خواهد بود و اگر جماع کنی بزن خود در روز جمعه بعد از عصر و
فرزندی حاصل شود بدرستی که مشهور و معروف و عالم خواهد بود و اگر
جماع کنی در جمعه بعد از نماز خفتن امیدهست که آن زن را فرزندی شود
که از ابدال باشد انشاالله تعالی یا علی جماع مکن بزن خود در اول ساعت
از شب بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نخواهد بود از آنکه ساحر
باشد و اختیار کند دنیا را بر آخرت یا علی یاد گیر این وصیت را همچنانکه
من یاد گرفتم از جبرئیل ع وگفت امام جعفر ع که جماع مکن در اول شب
و در اول ماه و میان ماه بدرستی که هر که چنین کند و فرزند حاصل شود
آن فرزند پیش از وقت ولادت از شکم بیفتد و اگر متولد شود آن فرزند
دیوانه شود آیا نمی‌بینی که دیوانه در اول ماه و میان ماه و آخر ماه دیوانکی

ایشان زیاده میشود یا علی مکروهست جماع کردن نزد غروب آفتاب و طلوع
آفتاب و طلوع آفتاب یا علی گفت که جماع مکنید در کشتی و [illegible]
بیتلد یا علی رسول خدا ص که مکروهست جماع کردن بعد از احتلام
پیش از غسل کردن و اگر جماع کند پیش از غسل و فرزندی که حاصل شود دیوانه
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز گفت که آنکسی که جماع کند بزن خود
در حال حیض و فرزندی حاصل شود جذام و برص پیدا کند باید که ملامت نکند
مگر خود را و نیز گفت که آنکسی که میخواهد که عمر او دراز باشد و بسیار بماند
در دنیا باید که اول صباح چیزی بخورد و نعلین خوب بپوشد و کم قرض کند
و با زنان کم جماع کند گفت امام جعفر صادق ع که هر گاه جماع کنید بزن
خود و پیش از آنکه فارغ شوید از جماع بگذارید زن را و دست از جماع بازدارید
پس اگر آن زن برسد میل خواهد کرد به آن زنکی و هرگاه خواهید جماع کنید با اهل
خود باید که پیش از آن با یکدیگر بازی کنید بدرستی که برای جماع کردن بهترست
و نیز گفت که لذت زن زیاده است بر لذت مرد در جماع کردن بنود و نه
ولیکن خدای تعالی بزنان حیا داده است بجهت آن خود را ضبط میکنند و نگاه
میدارند و گفت رسول خدا ص که هر گاه زنی از جای خود برخیزد باید که
مردی بجای او ننشیند تا آنکه آن جا خنک شود و نیز گفت که حضرت پیغمبر ص
وصیت کرد امیرالمؤمنین علی ع را و گفت سنت است طعام دادن در پنج
وقت در عروسی و ولادت فرزند و در ختنه کردن و در سرا خریدن
و از حج آمدن و گفته است که حضرت پیغمبر ص چون نکاح کرد حفصه و بعضی دیگر

از زنان خود را طعامی داد برای زفاف و آن طعام خرما و نخان بود ونیز گفت
که رفتم نزد رسول خدا صلعم و آنحضرت طعام خرما و نخان بود ونیز گفت که رفتم
نزد رسول خدا صلعم و آنحضرت طعام خرما و نخان بود ونیز گفت که رفتم نزد
رسول خدا صلعم و آنحضرت طعام میداد بجهت عروسی و دران طعام نه نان بود
و نه گوشت کسی گفت که آن طعام چه چیز بود انس گفت طعام آوردند و
انداختند و بعد از آن خرما و روغن آوردند و خوردند و حال آنکه حضرت
رسول صلعم خرما بسیار نداشت گفت ابو قلابه که رسول خدا صلعم هرگاه
نکاح میکرد دختری بکر را یکهفته نزد او می بود و هرگاه در نکاح در می
آورد زنی را که بکر نبود سه روز نزد او می بود نقلست از کتاب طب الائمه
که گفت مردی بابی جعفر ع که آیا مکروهست جماع کردن در وقتی از اوقات
اگرچه حلال باشد آنحضرت گفت بلی مکروهست جماع کردن از صبح تا طلوع و از
طلوع آفتاب تا غایب شدن شفق و در روزی که آفتاب بگیرد و در شبی
که ماه بگیرد و در روز و شبی که بادهای سرخ و زرد بوزد و در روز و شبی
که زلزله شده باشد ونیز گفت که یکشبی ماه گرفته بود و حضرت رسالت پناه
نزد بعضی از زنان خود بود آنحضرت مجامعت نکرد با آن زن در آن شب چون
صبح شد آن زن گفت یا رسول الله آیا کلفتی داشتی بمن که امشب نزد
من نیامدی آنحضرت گفت نی ولیکن چون درین شب علامتی ظاهر شد که هیبت
داشتم که لذت گیرم درین شب و حال آنکه تغییر داده است خدای تعالی
چند قوم را با نجد کرده اند چنانچه در کتاب خود گفته است که وان یروا کسفا

من

مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ
الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ یعنی و اگر ببینند قطعه از آسمان که افتاده گویند که ابریست بر نشسته بر هم
بسته و برهم چسبیده پس ای محمد دست بدار از ایشان و حرب مکن
با ایشان تا وقتی که ببینند معاینه آن روز را که در آن روز هلاک شوند
از نفخه اولی ونیز گفت که شخصی پرسید از امام جعفر صادق ع که آیا جایز
است که نظر کند بنده بموی زنی که مال او باشد آنحضرت گفت بلی
نظر بموی و ساق او می توان کرد ونیز گفت که باکی نیست که نظر کند
مرد بزن خود و آن زن برهنه باشد وگفت امیر المؤمنین علی ع که
سنت است مرد را که جماع کند بزن خود در شب اول از ماه رمضان بجهت
آنکه خدای تعالی فرموده است که أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ
إِلَى نِسَائِكُمْ یعنی حلالست شما را جماع کردن در شب روزه بزنان خود

فصل بیست و نهم در بیان حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر در بیان حق شوهر
بر زن گفت حضرت پیغمبر صلعم که آنکسی که صبر کند بر بدخلقی زن خود خدای
تعالی باو بمقدار ثواب بدهد که بحضرت داود ع داده است بجهت
بلائی که باو رسیده بود و آن زن که صبر کند بر بدخلقی شوهر خود خدای تعالی
باو بدهد مثل ثواب آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود روایت
کرده است حسن بن محبوب از مالک بن عطیه و او روایت کرده است
از محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر ع که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلعم و گفت
یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن آنحضرت فرمود که حق شوهر بر زن آنست

که فرمان برداری شوهر خود کند و مخالفت شوهر نکند و چیزی از خانه شوهر
بکسی ندهد مگر برخصت او و روزه سنتی ندارد مگر برخصت او و منع
نکند شوهر را از نفس خود واگر چه بر بالای شتر باشد و بیرون نرود از خانه
مگر برخصت او واگر بیرون رود بی رخصت شوهر از خانه لعنت میکنند
او را فرشتهای آسمان و زمین و فرشتهای غضب و رحمت تا آنکه باز گردد
بخانه خود آن زن گفت یا رسول الله کیست که حق بیشتر دارد بر مرد آنحضرت
گفت پدر و مادر و باز آن زن پرسید که کیست که حق او بیشتر است بر زن
آنحضرت گفت که شوهر و باز آن زن گفت که آیا آنقدر حقی که شوهر را
بر من است مرا هم بر وهست آنحضرت گفت نی و صد یک آن نیست پس آن زن
گفت بحق خدائی که فرستاده است ترا بحق که هرگز شوهر نخواهم کرد گفت
حضرت پیغمبر که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را بزبان قبول نمیکند خدای تع
توبه و عدل و عمل نیک او را تا آنکه راضی سازد شوهر خود را واگر چه روز روزه
دارد و شب عبادت کند و بندها آزاد کند و اسبهای بمردم دهد که سوار
شوند و جهاد کنند و با وجود این کارها چون اذای شوهر کند اول
کسی که بدوزخ خواهد رفت آن زن خواهد بود و همچنین است حال مرد
اگر ظلم کند بر زن خود نیز گفت که هر زنی که مدارا نکند شوهر خود و
تکلیف کند او را بچیزی که قادر نباشد بر آن چیز و طاقت نداشته باشد
بآن قبول نمیکند خدای تع نیکوئی آن زن را و در روز قیامت که ملاقات
کند با خدای تع حق تع با او در مقام غضب خواهد بود نیز گفت که

که نکاح کرد رسول خدا صلعم زنی را بمردی بعد از آن بعضی چیزها از آن مرد
در وجود آمد که آن زن کراهت داشت از آن از آن زن شکایت کرد نزد حضرت
پیغمبر آنحضرت گفت میخواهی که جدا شوی از مرد خود و باشی نزد خلع
بد بوی ترا زخم مرده گفت ابو عبد الله ع که هیچ زنی نمیتواند که از
خود بنده آزاد کند و صدقه بدهد و بنده را مدبر سازد و چیزی بکسی
ببخشد و نذر کند مگر باذن شوهر اما در حج و زکوة و نیکوئی با پدر و مادر
و بخویشان احتیاج باذن شوهر نیست گفت حضرت پیغمبر که حق
مرد بر زن آنست که چراغ روشن کند برای شوهر خود و طعام بپزد و چون
شوهر بخانه در آید استقبال کند او را تا پیش در و بگوید بشوهر که خوش آمدی
و بجهت دست شستن طشت و مندیل بیاورد و آب بر دست او بریزد
و منع نکند شوهر را از نفس خود مگر بجهت علتی گفت امام جعفر صادق ع
که قومی آمدند نزد رسول خدا صلعم و گفتند یا رسول الله می بینیم که مردمان بعضی
سجده میکنند بعضی را آنحضرت گفت اگر من میفرمودم که کسی سجده کند
کسی را میفرمودم که زن سجده کند شوهر خود را گفت حضرت پیغمبر که
اگر زن لب پستان خود را ببرد و دیگری را بریان کند برای شوهر خود هنوز
ادا نکرده است حق شوهر را و با وجود این اگر نافرمانی کند شوهر خود را
بلچشم زدن بیندازند او را بدرک الاسفل از دوزخ مگر آنکه توبه
کند توبه کند و باز گردد و نیز گفت ~~که او نمیتواند کرد زن~~ خدای تعالی
واجب گردانیده است بر مردان و زنان جهاد را اما جهاد مرد آنست

که ببخشد مال وخون خود را وسعی کند تا آنکه کشته شود در راه خدا وجهاد زن
آنست که صبر کند بایذای که از شوهر باو برسد **ونیز گفت** که مردی که نجات
یافته باشد از عذاب خدای تعالی کم است وزنی که نجات یافته باشد کمتر است
وکمتر است ومراد از تکرار مبالغه است در یکی **در حدیثی** دیگر واقع است
که جهاد زن نیکوئی کردن است بشوهر **و روایت** که هر زنی که شب بگذراند
وشوهر بر او خشمناک باشد بجهت حقی که بر او دارد قبول نیست نماز آن زن
تا آنکه خشنود شود شوهر از او **ونیز گفت** که هر زنی که بیرون رود بی
رخصت شوهر از خانه خود واجب نیست بر شوهر که نفقه بدهد او را
تا آنکه باز گردد ونیز گفت که هر زنی که بوی خوش بکار برد برای غیر
شوهر خود قبول نیست نماز او تا آنکه غسل کند از آن بوی خوش چنانکه
غسل میکند از جنابت **ونیز گفت** که هر زنی که برود بغیر منزل شوهر
خود بی اذن شوهر همیشه در لعنت خدا باشد تا باز گردد بخانه خود
ونیز گفت که هر زنی که بگوید بشوهر خود که من از تو هرگز نیکوئی ندیده‌ام
باطل میشود عملهای او **وگفت** این که مردی بیرون رفت که جهاد
کند ووصیت کرد بزن خود که از بالا خانه پائین نیاید تا آمدن او ودر
پائین خانه پدر آن زن می بود پس بیمار شد پدر آن زن وپس فرستاد
آن زن نزد رسول خدا صلعم ورخصت طلبید که بعیادت پدر خود برود
حضرت فرستاد نزد آن زن که می باید که بترسی از خدای تعالی وفرمان برداری
شوهر خود کنی **وگفت** ابو جعفر علیه السلام که مردی از انصاریان در زمان حضرت

پیغمبر بیرون رفت از خانه بسفری بجهت بعضی مهمات خود وگفت
بزن خود که از خانه بیرون نروی تا آمدن من بعد از آن پدر آن زن بیمار شد
آن زن کسی فرستاد بخدمت حضرت پیغمبر وگفت که شوهر من بسفری رفته
است آیا رخصت میدهی مرا که بعیادت پدر خود بروم آنحضرت گفت نی
در خانه خود بنشین وفرمان برداری شوهر خود کن پس پدر آن زن فوت شد
او کسی فرستاد بخدمت آنحضرت وگفت یا رسول الله پدر من فوت شده
رخصت میفرمائی که بروم وبر او نماز بگذارم آنحضرت گفت نی بنشین در خانه
خود وفرمان برداری شوهر خود کن پس دفن کردند پدر آن زن را بعد از آن
آنحضرت کسی فرستاد نزد آن زن وگفت که خدای تعالی آمرزید ترا وپدر ترا
بجهت آنکه فرمان برداری شوهر خود کردی **وگفت** حضرت پیغمبر که
بهترین شما آنکسانند که بهتر سلوک کنند با اهل خود ومن بهترم از همه کس با اهل
خود **در بیان** حق زن بر شوهر **وگفت** ابو جعفر که رسول خدا صلعم فرمود
که وصیت کرد مرا جبرئیل علیه السلام برعایت احوال زنان تا آنکه گمان بردم که سزاوار نیست
طلاق دادن زن مگر آنکه عملی قبیحی از او ظاهر شود **وگفت** ابو جعفر علیه السلام که
هر کسی که تحمل کند از زن خود یک سخن درشت را آزاد کند خدای تعالی او را
از آتش دوزخ والبته او را ببهشت برد وبنویسد برای او دویست هزار حسنه
ومحو کند از نامه اعمال او دویست هزار گناه وبلند گرداند مرتبه او را دویست
هزار درجه وبنویسد بعدد هر موی که در بدن اوست عبادت یکساله گفت
اسحق بن عمار که پرسیدم اباعبدالله را از حق زن بر شوهر آنحضرت گفت

که حق زن بر شوهر آنست که شوهر سیر کند او را و بپوشاند بدن او را و
اگر زن جاهلی و نادانی کند در گذرانند از و بدرستی که حضرت ابراهیم ع شکایت
کرد نزد خدای تع از بدخلقی ساره خدای تع وحی کرد با براهیم ع که زن مثل
استخوان پهلو است اگر راست میکنی او را میشکند و اگر بحال خود میگذاری
از و تمتع و فایده می بری گفت اسحق بن عمار که گفتم با بی عبدالله ع که کی گفته
است این سخن با آنحضرت در غضب شد و گفت بحق خدا که این سخن رسول
خداست ص وکفت اسحق بن عمار که ابا عبدالله را ع زنی بود که ایذا میکرد
آنحضرت را و آنحضرت در میگذرانید از و وکفت رسول خدا ص
که کسب کند و نفقه کند بر عیال خود بدهد خدای تع او را بعوض هر درهمی
که نفقه کند هفتصد درهم و نیز کفت که بهترین مردمان از امت من
آنکسانند که گردن کشی نکنند بر عیال خود و بی روی خاطر عیال کنند و رحم
کنند بر ایشان و ظلم نکنند و بعد از آن خواند این آیه را که الرجال قوامون
علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض یعنی مردان قیام کنندگانند
بکارهای زنان یعنی بامور معیشت ایشانند بسبب آن چیزی که تفضیل
کرد خدای تع و افزونی داد بعضی از ایشان را که مردانند بر بعضی دیگر
که زنانند وکفت امام محمد باقر ع که آنکسی که زنی داشته باشد و بمقدار
پوشش بر آن زن ندهد که عورت آن پوشیده شود و بمقدار طعام ندهد
که پشت خود را راست تواند کرد یعنی بمقدار طعام ندهد که سیر شود
واجبست بر امام که تفریق کند میان ایشان بطلاق وکفت ابو عبدالله ع در تفسیر

قول خدا تع ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله که باید که نفقه
کند بر زن بمقدار که پشت خود را راست تواند کرد و پوشش بدهد
و اگر چنین نکند باید که طلاق کند و معنی آیه اینست آنکسی که تنگ کرده
شده است بر وی روزی او یعنی فقیر و تنگ دستست باید که نفقه
کند از آنچه خدای تع باو داده است ونیز کفت که چون این آیه که یا ایها
الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا فرود آمد شخصی از مسلمانان نشسته
بود نزد رسول خدا ص در گریه شد و کفت که من عاجزم از نگاه داشتن
نفس خود چگونه نگاه دارم عیال خود را پس در مشقت انداختم ایشان را
حضرت کفت که کافیست ترا که امر کنی اهل و عیال خود را بآنچه امر میکنی
خود را و نهی کنی ایشان را از آنچه نهی میکنی از نفس خود و معنی آیه اینست
که ای گروهی که ایمان آورده اید نگاه دارید نفسهای خود را از معاصی
و اهل و عیال خود را بموعظه و نصیحت از آتش دوزخ ونیز کفت که آمد
زنی نزد حضرت پیغمبر ص بجهت حاجتی آنحضرت کفت با آن زن که شاید که
تو از مسوفات باشی آن زن کفت یا رسول الله مسوفات کدامست آنحضرت
کفت که مسوفات زنانی را گویند که بخواند شوهر ایشان را بکاری و ایشان
تاخیر کنند در آن کار تا آنکه شوهر بخواب رود پس فرشتگان لعنت میکنند
بر آن زن تا آنکه شوهر ایشان بیدار شود ونیز کفت که رحمت کند
خدای تع بنده را که نیکویی کند بزن خود بدرستی که خدای تع اختیار
زنان بشوهر داده است و گردانیده است شوهر را حاکم بر و وکفت

حضرت پیغمبر ص که عیال مرد اسیر اوست و دوسترین بندگان نزد خدای تع
آنکس است که نیکویی کند با اسیر خود ان وگفت امام موسی ع که عیال
مرد اسیر اوست پس انکسی که خدای تع با و نعمتی داده است باید که نفقه
کند بوسعت بر اسیران خود و اگر چنین نکند زود ان نعمت برطرف شود گفت
خلیله رسول خدا ص که من بوی خوش بکار میبرم برای شوهر خود همچو عروسان
و میایم در جامه خواب او و پشت بجانب من میکند بعد از ان می ایم
پیش روی او و روی میگرداند از من گمان میبرم که دشمن میدارد مرا چه
میفرمایی یا رسول الله انحضرت گفت بترس از خدا و فرمان برداری شوهر
خود کن ان زن گفت که پس چیست حق من بر و انحضرت گفت حق تو بر و آنست
که طعام کند ترا از انچه خود میخورد و بپوشاند ترا از انچه خود می پوشد
و طپانچه بر روی تو نزند و فریاد نکند در روی تو زن گفت که چیست
حق شوهر بر زن انحضرت گفت حق شوهر بر تو آنست که از خانه بیرون نروی بی رخصت
او و روزه سنت نگیری بی اذن او و اگر خواهد که جماع کند بتو قبول کنی
و اگر چه بر بالای شتر باشد وگفت حضرت پیغمبر ص که زن لعبت است پس
انکسی که زن بخواهد باید که نیکو نگاه دارد او را وگفت امیر المؤمنین
علی ع بمحمد بن حنفیه که ای پسر من هرگاه قوت پیدا کنی پس قوی باش در طاعت خدای تع
و اگر ضعیف شوی پس ضعیف شو در معصیت و اگر قدرت داری
که تنها بسی بزن خود کارهایی که تعلق بنفس او ندارد چون کاری که متعلق است
بمنزل باو مفرما بهتر است که حال او بهتر باقی می ماند و دل او نرم میشود

وحال

و حال او خوبتر میشود بدرستی که زن حکم گل دارد در نزاکت و کار فرما نیست
پس مدارا کن با او بهر حال و نیکو گردان صحبت را با او تا آنکه نیکو شود عیش
و زندگانی تو ونیز گفت امام جعفر صادق ع که پرهیز کاری کنید و بترسید
از خدای تع و جفا مکنید در حق دو ضعیف یعنی یتیمان و زنان در بیان
فصل ششم
در بیان فرزند انچه متعلق است بایشان در بیان فضل فرزندان گفت
سکونی که رسول خدا ص فرمود که فرزند صالح ریحانیست از ریحانهای
بهشت وگفت امام جعفر صادق ع که میراث خدای تع از بنده مؤمن
یعنی چیزی که از بنده مؤمن ماند که خدای تع بان راضی و خشنود شود
فرزند صالحیست که استغفار کند برای پدر ونیز گفت که دختران حسنات اند
و پسران نعمت اند و بسبب حسنات ثواب میدهد و از نعمت سؤال
خواهد کرد در روز قیامت ونیز گفت که بشارت دادند حضرت پیغمبر را ص
که خدای دختری داده است انحضرت نظر کرد در روی اصحاب یافت
کراهتی از ایشان گفت چیست شما را دختر ریحانیست که میبویم او را و روزی
او بر خدای تع است نقلست از کتاب روضه که گفت حضرت پیغمبر ص که
نیکو فرزندیست دختر صالحه انکسی که یک دختر داشته باشد خدای تع
میگرداند دختر را پناه او از آتش دوزخ و انکسی که دو دختر
داشته باشد خدای تع او را ببهشت میبرد بسبب ایشان و انکسی
که سه دختر یا سه خواهر داشته باشد برطرف میشود از و جهاد و
صدقه وگفت حذیفه یمانی که رسول خدا ص فرمود که بهترین

حسنات شد

فرزندان شما دختران اند وگفت امام رضا ع که هر گاه اراده کند خدای تعالی
به بنده خود چیزی از دنیا نبرد ام تا آنکه بدهد او را فرزندی صالحی
وگفت که آنکسی که بمیرد و از و فرزندی صالحی نماند گویا در میان
مردمان نبوده است و آنکسی که بمیرد و از و فرزندی صالحی بماند گویا
نمرده است گفت امام جعفر صادق ع که خدای تعالی رحم میکند بر کسی که بسیار
دوست دارد فرزند خود را گفت عمر بن یزید با امام جعفر صادق ع که من
دختران دارم آنحضرت گفت شاید که آرزو داشته باشی مردن ایشان را
اگر تو این آرزو داشته باشی و ایشان بمیرند ثواب نخواهی یافت در روز قیامت
و گناه کار خواهی بود در روزی که ملاقات کنی پروردگار خود گفت
حمزه بن حمران که شخصی در خدمت حضرت پیغمبر ص بود مردی آمد و با آنشخص
خبر داد [او را که خدا او را دختری بخشید کراهت نمود] نا[illegible] متغیر شد آنحضرت گفت با آنشخص که ترا چه شد آنشخص
گفت خیر است باز آنحضرت گفت بگو که ترا چه شد آنشخص گفت در وقتی که
از خانه بیرون آمدم زن من ترددِ بود که زاید الحال این مرد آمد و خبر داد
که زن تو دختر زاییده است آنحضرت گفت زمین بر میدارد این فرزند را
و آسمان سایه میکند برو و خدای تعالی روزی میدهد او را و ریحانیست که
بوی میکنی او را بعد از آن حضرت متوجه اصحاب شد و گفت آنکسی
که آنکسی که او را یک دختر باشد پس او گران بار است و آنکسی که او را دو
دختر باشد بفریاد او برسید و آنکسی که او را سه دختر باشد جهاد و هر
مشقتی که باشد از و برداشته میشود و آنکسی که چهار دختر دارد ای

بندگان

ای بندگان خدا یاری کنید او را ای بندگان خدا قرض بدهید با وای بندگان
خدا رحم کنید برو گفت رسول خدا ص که آنکسی که سه دختر یا سه خواهر
عیال او باشد واجب میشود او را بهشت کسی گفت یا رسول الله اگر دو باشند
همچنین است آنحضرت گفت بلی بار شخصی پرسید که اگر یکی باشد نیز چنین است
آنحضرت گفت بلی و نیز گفت که از سعادت مرد است که حیض نه بیند دختران
و در خانه او و نیز گفت که دوست دارید اطفال را و رحم کنید بر ایشان و هر گاه
چیزی وعده کنید با ایشان بآن وعده وفا کنید بدرستی که ایشان خیال
میکنند که شما روزی میدهید با ایشان و نیز گفت که رسول خدا ص نظر
کرد بمردی که دو پسر داشت و از دید پسر خود را بوسید و یکی را نبوسید
آنحضرت گفت چرا یکی را بدیگری ترجیح دادی و گفت آنحضرت که همه فرزندان
خود برابر نیکویی کنید همچنانکه میخواهید که ایشان با شما نیکویی کنند
و نیز گفت که روزی رسول خدا ص بوسید امام حسن و امام حسین را
علیهما السلم اقرع بن حابس حاضر بود گفت یا رسول الله مرا ده فرزند است
و هیچکدام را نبوسیده ام آنحضرت گفت بمن چیزی نیست اگر خدای تعالی تو را
رحم و مهربانی نداده باشد وگفت رسول خدا که بر فرزندان خود
نام پیغمبران بنهید و بهترین نامها عبدالله و عبدالرحمن است و نیز گفت
که حق فرزند سه است نام نیکو کردن و تعلیم کتابت کردن و نکاح کردن
وقتی که بالغ شود و نیز گفت که ببوسید فرزندان خود را بدرستی که شما را
بهر بوسه درجه حاصل میشود در بهشت که مابین هر دو درجه پانصد

سال را هشت روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام
که گفت رسول خدا ص که هر قومی که مشورت کنند و حاضر شود نزد
ایشان کسی که محمد نام داشته باشد یا احمد و او را در مشورت خود دخل
دهند آن مشورت خیر خواهد بود ایشان را وگفت امام رضا ع که لا
زم میشود پدر و مادر را آن نافرمانی کردن با فرزند انچه لازم میشود فرزند
را از نافرمانی کردن با پدر و مادر وگفت حضرت پیغمبر ص که بحق آنکسی که فرستاد
مرا بحق که فرزندی که نافرمانی کند با پدر و مادر خود نمیرسد باو بوی بهشت
وگفت امیرالمؤمنین علی ع که بوسیدن فرزندان رحم و مهربانیست و بوسیدن
زن از شهوت است و بوسیدن پدر و مادر عبادت است و بوسیدن
برادر مومن از دین است و زیاده کرده است حسن بصری بر ایشان این را که بوسیدن
پادشاه عادل طاعتست وگفت امام جعفر صادق ع که نیکویی کردن
بفرزند خود مثل نیکویی کردن بمادر و پدر خود است وگفت رفاعه که
پرسیدم اباالحسن را ع از حال مردی که او را پسران باشد و مادر ایشان یکی
نباشد که آیا می تواند که تفضیل کند یکی را بر دیگری آنحضرت گفت آری
باکی نیست بدرستی که پدر ~~که پدر~~ من تفضیل کرد مرا بر برادر من عبدالله
وگفت امام جعفر صادق ع که از نعمتهای خدای تعالی است که فرزند
مشابهت داشته باشد بپدر خود و نیز گفت خدای تع وقتی که میخواهد
که آدمی بیافریند جمع میکند صورت تمام آدمیان را تا صورت یکی از ایشان
پس باید که نگوید کسی بفرزند خود که او بمن و بهیچ یک از پدران من نمی ماند

روایتست که پرسیدند از حضرت پیغمبر ص که چیست ما را که کوشش میکنیم
برای فرزندان خود چیزی را که کوشش نمیکنند ایشان برای ما آنحضرت گفت
بجهت آنکه ایشان از شما حاصل شده اند نه شما از ایشان وگفت شخصی بامام زین
العابدین ع که تو نیکوکارترین مردمانی بمادر خود و با او چیزی نمیخوری
گفت می ترسم که پیشی گیرد دست من بچیزی که پیشی گرفته است چشمهای او
بآن و من عاصی شوم نزد مادر خود ونیز گفت که پرسیدم از امام جعفر صادق
ع که چرا یتیم گردانید خدای تع پیغمبر خود محمد را ص آنحضرت گفت بجهت آنکه او را اطاعت
و فرمان برداری مخلوق واجب نباشد وگفت امام جعفر صادق ع که
مبارکباد گفت شخصی مردی را نزد امام حسن ع بجهت پسری که خدای تع باو
داده بود باین طریق که گفت مبارکباد ترا سوار امام حسن ع گفت چه دانستی
که آن پسر سوار خواهد بود یا پیاده آنشخص گفت فدای تو گردم چه بگویم
آنحضرت گفت که بگو بر پدر او که شکر کن خدای تع را و مبارک گرداند خدای
تع این پسر را برای تو و برسد بکمال و روزی کند ترا نیکویی او
وگفت حضرت پیغمبر ص بمردی که با او طفلی بود که چه کس تواست این
طفل عرض کرد گفت پسر منست آنحضرت گفت برخورداری دهد خدای تع
ترا از او نقلست از کتاب نوادر الحکم که گفت ابن عباس که رسول خدا
ص فرمود که آنکسی که ببازار در آید و چیزی بخود بردارد و ببرد برای عیال
خود همچنانست که صدقه را برداشته باشد و برده باشد برای قومی که
محتاج بوده باشند و باید که آنچیز را اول بدختران بدهد بدرستی که آنکسی

که خوشحال سازد دختر خود را همچنانست که گریسته باشد از ترس خدای تع
وانکسی که بکرید از ترس خدای تع بهشت میرود کفت عبدالله که شنیدم
از ابی عبدالله ع یا از اباجعفر ع که میکفت که هرگاه پسر سه ساله شود بکو
باو که بکوید هفت بار لا اله الا الله و بعد از ان بکذار او را تا سه سال
و هفت ماه و بیست روز برسد بعد از ان بکو باو که هفت بار محمد رسول الله
بکوید و بعد از ان بکذار که چهار ساله شود پس بکو هفت بار بکوید صلی الله
علی محمد و آل محمد و بعد از ان بکذار تا پنج ساله شود پس بپرس ازو که دست
راست و دست چپ تو کدام است اگر دانست بکیرید روی او را بقبله
و بکوید باو که سجده کند بعد از ان بکذار که شش ساله شود پس بکو باو که نماز
بکذارد و تعلیم کن باو رکوع و سجود را و بعد از ان بکذار که هفت ساله شود پس
بکو باو که روی و دستهای خود را بشوید پس هرگاه روی و دستهای خود را
شست بکو باو که نماز بکذارد و بعد از ان بکذار که نه ساله شود پس بیاموزد
باو وضو را و بزن او را بجهت وضو و بفرما که نماز کند و بزن او را بجهت نماز
کذاردن و هرگاه وضو و نماز یاد کرفت بیامرزد خدای تع پدر و مادر او را
نقلست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق ع که از سعادت و نیک
بختی مرد است که فرزند او برو شبیه باشد باو در صورت و خلق و باقی
صفات نیکو وکفت رسول خدا ص که از نعمتهای حق تع است بر مرد که فرزند
او باو شبیه باشد وکفت ابو ابراهیم ع که مرد نیک بخت آنست که نمیرد
تا آنکه ببیند فرزندی را که ازو حاصل شده است و بعد از ان که کفت

کسیکه بنده از اولاد اسمعیل ع آزاد کرده باشد و کسیکه دیده روشن کند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد

نموده

نموده است خدای تعا کفت من فرزندم را و اشارت کرد بابی الحسن ع وکفت
امام جعفر صادق ع که بکذار فرزند خود را که بازی کند تا هفت سال و ادب
بیاموز تا هفت سال دیکر و با خود دار تا هفت سال دیکر پس اگر صورت
صلاح پیدا کرد نیکو شد کار او و اگر پیدا نکرد چیزی نیست در او نقلست
از کتاب محاسن که کفت بکذار طفل خود را تا شش سال و بعد از ان او را بداد
که چیزی بخواند شش سال دیکر و بعد از ان او را با خود نکاه دار هفت سال
دیکر و تعلیم ادب کن او را بادب خود پس اگر قبول کرد و بصلاح آمد خوب شد
حال او و اگر قبول نکرد بکذار او را و نیز کفت رسول خدا ص که فرزند هفت سال
مهتر است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است پس اگر اخلاق او
نیکو شد در بیست و یک سالکی خوب و اگر نه بزن او را بدرستی که تو معذوری
نزد خدای تع وکفت حضرت پیغمبر ص که ادب کردن فرزندان خود را بهتر است
از صدقه دادن هر روزه بنیم صاع و نیز کفت که اکرام کنید فرزندان خود را و
نیکو کنید ادب ایشان را تا خدای تعالی شما را بیامرزد نقلست از کتاب
عیون الاخبار که کفت امام رضا ع که رسول خدا ص فرمود که وقتی که فرزندان
شما کوشت بخورند دست و دهن ایشان را بشویید بدرستی که می بوید شیطان
بوی کوشت را و ایذای یابند از ان دو فرشته که موکل آدمی اند کفت امیر
المؤمنین علی ع که بکذارید طفل را هفت سال و تعلیم ادب کنید هفت سال
و خدمت بفرمایید هفت سال و تمام میشود قد او در بیست و سه سالکی
و عقل او در سی و پنج سالکی و بعد از ان تجربه حاصل میکند وکفت

امام محمد باقر ع که جدا کنید خوابگاه پسران و زنان را وقتی که پسران ده ساله شوند
گفت حضرت پیغمبر ص که نگاه دارید فرزندان خود را از شیر زنی زنا کننده
و زن دیوانه بدرستی که شیر سرایت میکند و گفت امیر المؤمنین علی ع
که هر گاه نظر کنی بر پسری و ببینی که چشمهای شیرین دارد و گشاده پیشانی است
و رخسار او برآمده و سلامت هیئت و صورت او از عیب و پوستی
که ختنه میکند دراز باشد امیدوار باش از آن پسر که یمن و برکت تمام
خواهد داشت و اگر ببینی پسری که چشمهای او در مغاک باشد و پیشانی
او تنگ باشد و رخساره او فرو رفته باشد و سر بینی او باریک باشد
امید برکت و یمن از و مدار و گفت امام جعفر صادق ع که قد میکند
طفل در هر سال مقدار چهار انگشت از انگشتان خودش روایت کرده است
امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا ص که
جدا کنید خوابگاه طفلان خود را وقتی که دو ساله شوند خواه هر دو پسر باشد
و خواه هر دو دختر باشد و خواه یکی پسر باشد و خواه یکی دختر باشد
و گفت امام جعفر صادق ع که هر گاه دختر شش ساله شود بوسه
مکنید او را و پسر هر گاه از هفت ساله در گذرد باید که بوسه نکند زنان او را
و نیز گفت که امیر المؤمنین علی ع فرمود که لمس کردن زن با دختر خود وقتی
که آن دختر شش ساله شود نوعیست از زنا و نیز گفت که بسید احمد
بن لقمان از امام جعفر صادق که دختر شش ساله است که میان من
و او خویشی نیست و آن دختر با من میباشد آنحضرت گفت او را در کنار خود

مکیں

فرمود جدا کنید در خوابگاه میان ایشان

مکیں و بوسه مکن گفت ابن عمر که رسول خدا ص خود را وقتی که ایشان
هفت ساله شوند در بیان طلب فرزند منقولست از کتاب محاسن که گفت
بکر بن صالح که نوشتم بابی الحسن ع که مدتیست پنج سال است که من اجتناب میکنم
از طلب فرزند بجهت آنکه زن من فرزند نمیخواهد و میگوید که دشوارست
بر من تربیت و نگاه داشتن فرزند بجهت ناداری چه میفرمایید آنحضرت
در جواب نوشت که طلب فرزند کن که خدای تعالی روزی میدهد نقلست
از کتاب فردوس که گفت ابن عمر که رسول خدا ص فرمود که طلب فرزند
کنید از خدای تعالی بدرستی که فرزند روشنی چشم و ریحان دل است
و بسر هیزید از عجز و فقر گفت امام زین العابدین ع ببعضی اصحاب
خود که در طلب فرزند هفتاد بار بگو رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ
وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْكَ وَلِیًّا یَرِثُنِی فِی حَیَاتِی وَیَسْتَغْفِرُ لِی بَعْدَ وَفَاتِی وَاجْعَلْهُ
خَلْقًا سَوِیًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ نَصِیبًا اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَیْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ بدرستی که آنکسی که بسیار بگوید این دعا
خدای تعالی روزی او کند از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت آنچه میخواهد
بدرستی که خدای تعالی فرموده است که فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ
غَفَّارًا یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا وَیُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَیَجْعَلْ لَكُمْ
جَنَّاتٍ وَیَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا یعنی پس گفتم که آمرزش طلبید از پروردگار
خود یعنی توبه کنید بدرستی که خدای تعالی هست که آمرزش طلبید از پروردگار
خود یعنی توبه کنید بفرستد ابر بر شما که بیارد پی در پی و مدد دهد شما را

بالها و پسران بعضی بسیار کرداند اموال و اولاد شما را و بدهد شما را بوستانهای
پر میوه و جاری کرداند برای شما جویهای آب منقولست از کتاب طب الائمه
که روایت کرده است سلیمان الخوزی از شیخ مداینی و او روایت کرده است
سلیمان الخوزی از شیخ مداینی و او روایت کرده است از زراره که گفت
ابوجعفر ع آمد نزد هشام بن عبد الملک دربانی بود که مال بسیار داشت
و فرزند نداشت آنحضرت نزدیک او رفت و گفت که می توانی که مرا برسانی
نزد هشام تا من تعلیم کنم ترا دعائی که ترا فرزند شود دربان گفت بلی آنحضرت
را رسانید نزد هشام و حاجتی که داشت بر آورده شد چون فارغ شد
دربان گفت فدای تو گردم دعائی که تو گفته بودی بمن کدام است آنحضرت
گفت هر روز صباح و شام هفتاد بار سبحان الله بگو و ده بار استغفر الله
و بعد از آن نه بار سبحان الله بگو و بعد از آن بگو استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل
لکم انهارا پس خواند این دعا را دربان هشام و خدای تعالی او را فرزند بسیار
داد و آن دربان بعد از آن بخدمت ابی جعفر و ابی عبد الله ع می آمد گفت
سلیمن خوزی که نکاح کردم دختر عم خود را و دیر فرزند میشد مرا و این
دعا را تعلیم گفتم باو و من نیز خواندم خدای تعالی او را فرزندی داد و گمان آن زن
چنین شد که هر گاه خواهد که آبستن شود این دعا را بخواند آبستن میشود
و تعلیم کرد زوجه من این دعا بزنانی که ایشان را فرزند نمیشد پس ایشان
این دعا را خواندند و ایشان را فرزند بسیار شد گفت ابوبکر حضرمی

البصری که گفتم بابی عبد الله ع که من از اهل و بیتم که کسی از ایشان نمانده غیر
از من و مرا فرزندی نیست آنحضرت گفت که سجده کن و در سجده بگو رب
هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت
خیر الوارثین و من این را خواندم و خدای تعالی دو فرزند داد مرا یکی را
علی نام کردم و دیگری را حسین گفت ابو عبد الله ع برای طلب فرزند
که هر گاه خواهی که نزدیکی کنی بزوجه خود سه بار بگو و ذا النون اذ
ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه
من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و زکریا اذ نادی ربه رب لا
تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و نیز گفت که هر گاه زن شما
حامله شود باید که بنشیند که رو بقبله کند و آیة الکرسی بخواند و
دست بر پهلوی او بزند اللهم قد سمیته محمدا یعنی بار خدایا این فرزند این
فرزند را محمد نام کردم بدرستی که چون چنین کنید خدای تعالی آن فرزند را پسر
بگرداند پس اگر آن پسر را محمد نام کردید خدای تعالی زنده میگذارد آن فرزند را
و برکت میدهد او را و اگر محمد نام نکردید خدای تعالی اختیار دارد اگر بخواهد
میمیراند و اگر میخواهد زنده میگذارد نقلست از کتاب نوادر الحکمة
که آمد مردی نزد ابی عبد الله ع و گفت یا ابن رسول الله خدای تعالی
بمن هشت دختر داده است در عقب یکدیگر و هرگز پسر نداده و هرگز
پسر نداده است دعا کن که خدای تعالی مرا پسر بدهد آنحضرت گفت که وقتی

که خواهی که نزدیکی بکنی بزوجه خود و بنشینی بجهت جماع کردن بنه دست خود را
بر جانب ناف راست زن و هفت نوبت سورهٔ انا انزلنا بخوان و بعد از آن
مشغول شو بجماع کردن بدرستی که چون چنین کنی خدای تعالی ترا پسر میدهد
و چون بدانی که زن آبستن شده هر گاه از آن پهلو بر پهلوی دیگر بگردد دست
خود را بر جانب راست ناف زن بنه و هفت نوبت انا انزلناه بخوان
آن مرد گفت چنین کردم خدای تعالی هفت پسر داد مرا در عقب یکدیگر و بسیاری
از مردمان این کار کردند خدای تعالی ایشان را پسران داد **گفت** که امام
حسن ع نزد معاویه رفت چون بیرون آمد یکی از دربانان معاویه از عقب
آنحضرت آمد و گفت یا ابن رسول الله من مال بسیار دارم و هیچ فرزند
ندارم تعلیم کن مرا چیزی که خدای تعالی مرا فرزندی بدهد آنحضرت گفت بر تو
باد که استغفار کنی پس آن دربان بسیار استغفار میکرد تا آنکه بسیار بود
که در روز هفتصد بار استغفار میکرد خدای تعالی او را ده پسر داد این
خبر بمعاویه رسید گفت معاویه بآن دربان که چرا نپرسیدی از امام حسن ع
که از کجا دانستی که استغفار کردن سبب آن میشود که خدای تعالی فرزند بدهد
آنحضرت نوبت دیگر نزد معاویه آمد آن دربان پرسید آنچه معاویه گفته
بود آنحضرت گفت که آیا نشنیدهٔ که خدای تعالی فرموده است در قصهٔ هود که و یا
قوم اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا و تفسیر این از پیش
گذشت **فصل هفتم** در بیان عقیقه و آنچه متعلق است بآن **گفت** عمر بن

زید که شنیدم که ابو عبدالله ع میگفت که هر مردی در روز قیامت گرو است
بعقیقهٔ خود و عقیقه واجب تر است از قربانی **گفت** ابو عبدالله ع
که هر آدمی در گرو است بعقیقه و گفت عمر بن زید که گفتم بابی عبدالله ع
که بحق خدای که نمیدانم که پدر من عقیقه کرده است برای من یا نه آنحضرت
گفت عقیقه کن برای خود و من عقیقه کردم و در آن وقت پیر بودم **روایت**
کرده است علی بن ابی حمزه که یکی از ائمه علیهم السلام فرمود که عقیقه واجبست
وقتی که فرزند متولد شود پس اگر خواهید در همان روز نام کنید آن
فرزند را بکنید **گفت** امام جعفر صادق ع که عقیقه لازم است
کسی را که مال دار باشد و آنکسی که فقیر و محتاج باشد هر گاه مال دار شد
شود عقیقه بکند و اگر مال دار نشود بر او چیزی نیست و اگر عقیقه نکردند
برای فرزندی قربانی بکنند کافیست و احتیاج بعقیقه نیست و هر فرزندی
در گرو است بعقیقه و نیز گفت که در عقیقه گوسفند نر ذبح می باید
کرد و اگر گوسفند نر یافت نشود هر چه بجهت قربانی کافیست بجهت
عقیقه نیز کافیست و اگر گوسفند نیابید برهٔ یک ساله عقیقه کنید
روایت که رسیده اند از امام جعفر صادق ع که در عقیقه هر چیز ذبح
می باید کرد آنحضرت گفت در روز هفتم گوسفند یا گاو یا شتر ذبح می باید
ذبح کرد بعد از آن فرزند را نام می باید کرد و سر او را تراشید و تصدق می
باید کرد بوزن موی سر او طلا یا نقره و اگر فرزند پسر باشد گوسفند یا
گاو یا شتر نر عقیقه می باید کرد و اگر دختر باشد ماده عقیقه باید کرد

عقیقهٔ محمد است

روایتست که عقیقه کرد ابوطالب برای حضرت پیغمبر در روز هفتم از ولادت
آنحضرت پس طلبید تمام اهل و بیت خود را (پس) گفتند که این چه طعام
ابوطالب گفت این طعام است ابوطالب این طعام عقیقه احمد است ایشان گفتند
بجهت چه این فرزند را احمد نام کردی ابوطالب گفت بجهت آنکه میگویند (حمد)
او را اهل آسمان و زمین **گفت** امام جعفر صادق ع که چهار یک عقیقه را
بدایه می باید داد و اگر دایه نداشته باشد تعلق بمادر آن فرزند دارد هر که
خواهد بدهد و طعام می باید داد و اگر دایه نداشته باشد تعلق بمادر آن فرزند
دارد هر که خواهد بدهد و طعام می باید داد از عقیقه ده مسلمان را و اگر
زیاده از ده کس باشند فاضلتر و بهتر است **و نیز گفت** که وقتی که
خواهی که عقیقه را ذبح کنی بگو یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت
وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا وما انا من المشرکین
ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک
له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک والیک بسم الله و
الله اکبر اللهم منک (تقبل) من فلان بن فلان یعنی نام فرزند و پدر او را بگوید
و بعد از آن ذبح کند (باسم خدا) **نقلست** از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر
صادق ع که نام کنید فرزند خود را در روز هفتم او و سر او را بتراشید
و نقره تصدق کنید بوزن موی سر او و عقیقه کنید گوسفندی نری
و قطعه قطعه کنید آن گوسفند را و بپزید و بطلبید جماعتی از مسلمانان را
و اگر نپزند گوشت آن گوسفند را باکی نیست و پسر و دختر در این (یکسانند)

وباید که نخورند از آن عقیقه پدر و مادر آن فرزند و قطعه از آن عقیقه
بدایه بدهید و اگر دایه مادر و پدر آن فرزند و عیال او باشد از آن (عقیقه)
چیزی باو نباید داد پس اگر خواهید بخش کنید اعضای آن گوسفند
را و اگر خواهید بپزید و بخش کنید با نان و شوربا و بدهید (عقیقه)
را بدرویشان و نیز گفت که وقتی فرزند متولد شود اذان بگوئید در
گوش راست او و اقامت بگوئید در گوش چپ او و نیز گفت که هر که
چنین کند هرگز خوره و جذام نشود و هر که خلق شود اذان بگوئید
در گوش او **نقلست** از کتاب آداب که جمع کرده است پدر من که گفت
امام محمد باقر ع که وقتی که متولد شود برای شما فرزندی در روز (هفتم) عقیقه
کنید برای او گوسفند نری و بدهید بدایه از عقیقه ران گوسفند را و بر
آن فرزند آب فرات بمالید و اذان بگوئید در گوش راست او و اقامت
بگوئید در گوش چپ او و نام نهید او را در روز هفتم و بتراشید
سر او را و بوزن موی سر او تصدق کنید نقره یا طلا بدرستی که خدای (تع)
فرو میفرستد نام او را از آسمان و هرگاه عقیقه ذبح میکند بگوید بسم (الله)
و بالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکرا للذی (الله)
وعصمة بامر الله ومعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر آن فرزند
پسر باشد بگوید اللهم وهبت لنا ذکرا وانت اعلم بما وهبت و
منک ما اعطیت ولک ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک وسنة
رسولک ص واخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک

لک الحمد لله رب العالمین **روایت** کرده است ابو عبد الله ع از پدران خود
علیهم السلام که رسول خدا ص عقیقه کرد برای امام حسن و امام حسین ع
گوسفندی نری در روز هفتم از ولادت ایشان و آن گوسفند را قطعه قطعه
کرد و استخوان او را نشکست و فرمود که بپزید آن گوشت را با آب و نمک بخورید
بی نان و بدهید بهمسایها **گفت** حضرت پیغمبر ص که وقتی که فرزند متولد
شود هفت چیز بجا آوردن سنت است اول نام نهادن دوم سر تراشیدن
سیم تصدق کردن بوزن موی سر او نقره یا طلا اگر قدرت داشته باشد
چهارم عقیقه کردن برای او پنجم زعفران بر سر او مالیدن ششم ختنه
کردن هفتم طعام دادن همسایها را از آن عقیقه و نیز گفت بحضرت فاطمه
که ای فاطمه سوراخ کن گوش امام حسن و امام حسین را ع در روز
ولادت از فرزندان ایشان و تصدق کنید بوزن موی سر ایشان نقره
و نیز گفت که حضرت پیغمبر ص اذان گفت در گوش امام حسن ع در روزی
که متولد شد **نقلست** از کتاب محاسن که هر گاه امام زین العابدین
را ع بشارت میدادند بفرزندی میرسید که آن پسر است یا دختر
تا آنکه می پرسید که آیا اعضای او درست و بی عیب است اگر چنین می بود میگفت
الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس و ستایش مر خدا را
که نیافریده از من چیزی قبیحی **و نیز گفت** که پرسیدند از ابی عبد الله ع که
سبب تراشیدن سر فرزند چیست آنحضرت گفت سبب آنست که پاک
شود از موی رحم **و نیز گفت** که پرسید علی بن جعفر ع برادر خود موسی بن

جعفر

جعفر را علیهما السلام از فرزندی که سر او را نتراشیده باشد در روز هفتم
آنحضرت گفت هر گاه هفت روز گذشت لازم نیست که سر او را بتراشند
نقلست از کتاب نوادر الحکمه که گفت امام جعفر صادق ع که بمالید در
کام فرزندان خود آب فرات و تربت امام حسین ع در روزی که متولد
شود و اگر آب فرات یافت نشود آب باران بمالید **روایت** کرده است
امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین ع
که در کام فرزندان خود خرما بمالید در روزی که متولد شوند **و نیز گفت**
که حضرت پیغمبر ص خرما مالید در کام امام حسن و امام حسین در روزی
که متولد شد **فصل هشتم** در بیان ختنه کردن و آنچه متعلق است بآن
حضرت پیغمبر ص که ختنه کردن مردان سنت است و زنان سبب بزرگواری
میشود **روایتست** که نوشت عبد الله بن جعفر الحمیری بامام حسن عسکری
ع که روایت است از امام جعفر صادق ع و امام موسی کاظم که گفتند
که ختنه کنید فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان تا پاک
شوند بدرستی که زمین در نالش می آید از بول کسی که او را ختنه نکرده
باشند چون بول او بر زمین برسد و ثابت در شهر ما مسلمانی که نیکو دانند
ختنه کردن و خوب ختنه تواند کرد روز هفتم و نزد ما حجام یهودی
هست که نیکو میداند آیا جایز است که یهود ختنه کند فرزندان مسلمانان
یا نه آنحضرت در جواب نوشت که ختنه کنید روز هفتم فرزندان
خود را و مخالفت سنت مکنید **و گفت** امام جعفر صادق ع که هر گاه

طفلی را ختنه کنید بگویید اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُکَ وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ صَلَوٰاتُکَ
عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاِتِّبَاعٌ مِنّا لَکَ وَکُتُبُکَ بِمَشِیَّتِکَ وَاِرادَتِکَ وَقَضائِکَ لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ
وَقَضاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدیدِ فی خِتانِهِ وَحِجامَتِهِ
لِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فی عُمْرِهِ وَادْفَعْ
الْآفاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْاَوْجاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنیٰ وَادْفَعْ
عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلا نَعْلَمُ **و گفت** که امام موسی ع اشارت کرد
بامام رضا ع و گفت این فرزند من ختنه کرده متولد شد و پاک و
پاکیزه بود ولیکن پاکی میکردانم برو تا سنت بجا آورده باشم و پیروی
دین ابراهیم ع کرده باشم **و نیز گفت** امام موسی ع که هر مردی که آن دعائی
که مذکور شد نخوانده باشد در وقت ختنه کردن فرزند خود باید که
آن دعا را بخواند بر آن فرزند پیش از آنکه آن فرزند محتلم شود پس اگر بخواند
آن دعا را آن فرزند از تیغ ایمن باشد یعنی بر تیغ کشته نشود و زخمی نیابد
نقلست از کتاب طب الائمه که گفت حضرت پیغمبر ص که ختنه کنید
فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان بدرستی که موجب پاکیزگی است
و زودتر گوشت میروید و زمین نجس میشود چهل روز به بول کسی
که ختنه نکرده باشند او را **و گفت** امام جعفر صادق ع که سوراخ
کردن گوش پسر سنت است و ختنه کردن او در روز هفتم سنت
است و ختنه کردن زنان موجب بزرگواری ایشانست و سنت
نیست و کدام چیز فاضلتر و بهتر است از بزرگواری **نقلست** از

کتاب

کتاب تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق ع که آمدند جمعی زنان
نزد رسول خدا ص و در میان ایشان زنی بود که او را ام حبیبه میگفتند و او
ختنه میکرد دختران را چون آنحضرت او را دید گفت ای ام حبیبه آن عمل که میکردی
حالا میکنی ام حبیبه گفت بلی یا رسول الله میکنم مگر آنکه حرام باشد و
تو منع کنی مرا از آن آنحضرت گفت که حرام نیست بلکه حلالست آنحضرت
گفت که ای ام حبیبه نزدیک شو بمن تا تعلیم کنم ترا ختنه کردن دختران را
ام حبیبه نزدیک آنحضرت رفت آنحضرت گفت ای ام حبیبه هرگاه ختنه
کنی دختران را از بیخ مبر و اندکی ببر بدرستی که روشن و درخشنده میکند
روی او را و منزلت او نزد شوهر بیشتر میشود و ام حبیبه را خواهری بود
که او را ام عطیه میگفتند و او مشاطه بود و زنان را آرایش میکرد چون ام
حبیبه بازگشت و رفت نزد خواهر خود خبر داد بخواهر خود آنچه آنحضرت
~~باو گفته بود پس ام عطیه متوجه خدمت آنحضرت شد و خبر داد با آنحضرت~~
باو گفته بود پس ام عطیه متوجه خدمت آنحضرت شد و خبر داد با آنحضرت
آنچه خواهر باو گفته بود آنحضرت گفت ای ام عطیه نزدیک شو بمن چون نزدیک
آنحضرت آمد گفت وقتی که آرایش کنی دختران را روی ایشان را بخرقه مشوی
بدرستی که می‌برد طراوت روی را **فصل نهم** در بیان خصلتهائی
بد که متعلق است بزنان روایتست که رسول خدا ص هرگاه میخواست
بجنگ رود زنان خود را می‌طلبید و با ایشان مشورت میکرد و خلاف
سخن ایشان میکرد **روایتست** که شکایت کرد مردی نزد امیرالمؤمنین

علیه السلام از زنان خود آنحضرت برخاست و خطبه خواند پس گفت ای گروه
مردمان فرمان برداری زنان مکنید بهیچ حال و ایمن مباشید از ایشان
بر مال خود و مگذارید با ایشان تدبیر کار عیالان خود را بدرستی
که اگر زنان را بگذارید با اختیار اراده ایشان کارهای بد میکنند و در
مهلکه می افتند و رد میکنند از حکم شوهر خود بدرستی که می یابیم که
ورع و پرهیزکاری نیست در ایشان وقتی که محتاج شدند بچیزی صبر
نیست ایشان را در وقت شهوت و گردن کشی و نافرمانی لازم ایشانست
و اگر چه پیر باشند و عجب و تکبر می باشد ایشان را و اگر چه عاجز شوند
شکر نمیکنند نعمت بسیار را هرگاه اندک چیزی از ایشان منع کرده شود
و فراموش میکنند نیکوئی را در خاطر نگاه میدارند بدی را و فراموش
میکنند و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی میکنند و کار شیطان میکنند
پس نیکوئی کنید با ایشان بهر حال و بزبان خوب با ایشان سخن کنید امید هست
که ایشان افعال و کردار خود را نیکو سازند گفت رسول خدا ص که فرمان
برداری زن پشیمانی می آورد و نیز گفت که منع کرد حضرت پیغمبر ص که زنان سوار
شوند بر اسب و گفت حضرت پیغمبر ص که لعنت کرده است خدای تعالی زنانی
را که بر اسب سوار میشوند و گفت امیر المؤمنین علی ع که سوار مکنید زنان را
بر اسبها بدرستی که شهوت ایشان در حرکت می آید نقلست از کتاب لباس
که روایت کرده است ابو عبد الله ع از پدران خود که ذکر کرده رسول خدا ص
زنان را و گفت پند دهید ایشان را بر نیکوئی پس از آنکه امر کنند ایشان شما را

به بدی

بر بدی و پناه جوئید بخدای تعالی از شر ایشان و بر حذر باشید از زنان نیکو
و گفت ابو جعفر ع که مشورت مکنید با زنان در کارهای پنهانی و سر و راز
خود را بایشان مگوئید و فرمان برداری ایشان مکنید و اگر چه خویش شما
باشند بدرستی که زن وقتی که پیر شد خیر او تمام میرود و باقی میماند شر او
و جمال او میرود و فرزند نمیشود او را و تیز میشود زبان او و مرد هرگاه پیر شد
شر او تمام میرود و باقی میماند خیر او و محکم میشود عقل و رای او کم میشود
جهل و نادانی او و گفت امیر المؤمنین علی ع که هر مردی که زن تدبیر کار
او کند از نزد ملعونست و نیز گفت که در خلاف کردن با زنان برکت است
روایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که گفت
رسول خدا ص که آنکسی که فرمان برداری زن خود کند خدای تعالی او را نگون در
آتش اندازد پرسیدند از آنحضرت که فرمان برداری زن کدام است آنحضرت گفت
که زن را رخصت دهد که بحمام برود و بعروسی و عیدگاه و تعزیت برود و جامه
تنک بپوشد و گفت ابو جعفر ع که باید که زن بیرون نرود مگر باعث حاجتی و
نروند زنان شوهر دار و اگر پیش دختر بکر برود باکی نیست گفت امام
جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که مگذارید زنان را که مأوی کنند و تعلیم
مکنید با ایشان خط نوشتن را و بفرمائید که چرخ بریسند و تعلیم کنید ایشان را
سوره نور و نیز گفت امام جعفر صادق ع که باید که زن سر برهنه ننشیند
پیش مردی که خصی کرده باشند او را روایت کرده است امام جعفر
صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا ص که باید که لمس نکند

مردی بمرد مگر آنکه میان ایشان جامه بوده باشد روایت که لعنت کرده است
رسول خدا ص مخنثان را و فرموده است که بیرون کنید ایشان را از خانهای خود
وگفت امام جعفر صادق ع که باید که دو زن در یک جامه خواب نخسبند
مگر آنکه ضرورت باشد و گفت حضرت پیغمبر ص که سائیدن زنان خود را بر
یکدیگر مثل غلام بازی کردن مردانست پس هر زنی که چنین کنند البته بکشند او را
و نیز گفت که باید که دو مرد در لحاف نخوابند مگر آنکه ضرورت باشد پس
خواب کنند هر یک بر جامهٔ خود و بعد از آن لحاف بپوشند و حکم دو زن
همچنین است و باید که خواب نکند دختر با پدر خود و مادر با پسر خود در یک
لحاف نقلست از کتاب محاسن که گفت ابو عبدالله ع که مراد از ما ظهر
که در قول خدای تع واقعست قُل اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا
روی و ساق دست است و معنی آیه اینست که بگو ای محمد که حرام کرد پروردگار
من گناهان را آنچه ظاهر است از آن و آنچه پنهانست و نیز گفت که مراد از ما
ظهر که واقعست در آیهٔ مذکوره آنست زینت ظاهر هست که آن سرمه کشیدن
و انگشتری در دست کردن است زنان را روایت دیگر واقعست که آن
انگشتری و دستینه است و اینست آنچه ظاهر است از زینت و باید که ظاهر
نکنند زنان زینت خود را که آن گردن بند و گوشواره و بازوبند و
خلخال است نقلست در تفسیر قول خدای تع که ولا یعصینک فی معروف
که مراد از معروف آنست که زنان در تعزیت گریبان پاره نکنند و طپانچه
بر روی خود نزنند و روی خود را نخراشند و وای و بلا نگویند و سر

نزنند و جامهٔ سیاه نکنند و موی خود را پریشان نکنند وگفت که رسول
خدا ص فرمود زنان را که در تعزیت نوحه نکنند و نخراشند رو و سینه
خود را و ننشینند با مردان در آن جا وگفت که رسول خدا ص پرسید
از اصحاب در حالتی که امیرالمؤمنین علی ع حاضر بود که زنان را چه چیز بهتر است
هیچکس جوابی نگفت بعد از آن امیرالمؤمنین علی ع بخانه آمد و بحضرت فاطمه
علیها السلم گفت که رسول خدا ص این نوع سؤالی کرد و هیچکس جوابی
نگفت حضرت فاطمه گفت که زنان را بهتر است که مردان نامحرم نبینند و مردان
نامحرم ایشان را نبینند بعد از آن امیرالمؤمنین علی ع نزد حضرت پیغمبر ص
آمد و گفت که حضرت فاطمه چنین میگوید آنحضرت فرمود که فاطمه از منست
وگفت ام سلمه که بودم نزد حضرت پیغمبر ص و میمونه زوجهٔ آنحضرت نیز
نزد آنحضرت بود پس آمد ابن ام مکتوم و او مرد نابینا بود و این بعد از آن
بود که امر شده بود که زنان از مردان حجاب کنند آنحضرت گفت بما که روی
خود را بپوشید گفتم یا رسول الله این مرد نابیناست و نمی بیند ما را
آنحضرت فرمود که شما خود نابینا نیستید و می بینید او را فصل دوم در بیان
چیزهای نادر که در نکاح می باشد وگفت امام جعفر صادق ع فرمود
که رسول خدا ص بازگشت از جنگی و در آن جنگ بسیاری از مسلمانان شهید
شده بودند پس زنان استقبال کردند آنحضرت را و احوال کسان خودی
پرسیدند زنی نزدیک آنحضرت رفت و گفت یا رسول الله چه شد فلا
نکس آنحضرت گفت چه کس تو بود او زن گفت که برادر من بود آنحضرت گفت

حمد بگو خدای تعالی را و بگو انا لله و انا الیه راجعون بدرستی که او شهید
شد پس آن زن چنین کرد و بعد از آن گفت یا رسول الله فلان کس چه شد
آنحضرت گفت که او چه کس تو بود آن زن گفت شوهر من بود آنحضرت گفت حمد
بگو خدای تعالی را و بگو انا لله و انا الیه راجعون بدرستی که او شهید شد
پس آن زن فریاد برآورد و گفت وای چه خوار و بی کس شدم آنحضرت گفت
که گمان نمی بردم که زنی بشوهر خود اینقدر محبت داشته باشد تا این زن را
دیدم **گفت** حضرت پیغمبر که غازی که زن تنها بگذارد در خانه خود فاضلتر است
از غازی که بجماعت بگذارد بیست و پنج درجه **گفت** امام جعفر صادق ع
که خدای تعالی خاص گردانیده است رسول خود را باخلاق نیکو پس امتحان
کنید نفس خود را پس اگر یافت شود در شما از آن اخلاق حمد بگویید خدای
را و میل کنید بزیاده کردن آن پس ذکر کرد حضرت امام ع از اخلاق نیکو ده
چیز را یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و خوش خلقی و سخاوت و غیرت
و شجاعت و مروت **و نیز گفت** که سخن گوش شد نزد امام جعفر صادق ع که از شومی
چه چیز است آنحضرت گفت شومی در سه چیز است زن و چهارپا و سرا اما زن
شومی آنست که کابین او بسیار است و فرمان برداری شوهر نکند و اما چهارپا
شوم آنست که بد فعل باشد و نگذارد که بر وسوار شوند و او را بار کنند و اما
خانه شوم آنست که تنگ باشد و همسایهای بد داشته باشد و عیب بسیار
داشته باشد **و گفت** امام جعفر صادق ع که کسی بعیسی ع گفت که چرا زن
نمیخواهی حضرت عیسی ع گفت چه میکنم زن گفتند با آنحضرت که تا فرزندی

حاصل

حاصل کند برای تو گفت چه میکنم فرزند را بدرستی که اگر زنده باشد فتنه میکند
و اگر مرده اند و هکین میسازد پدر و مادر را **روایت** کرده است زید
بن علی ع از پدران خود علیهم السلام که ذکر کرد **و گفت** رسول خدا ص جهاد
و ثواب از این زنی گفت یا رسول الله بینت زنان را از جهاد و ثواب او
چیزی آنحضرت گفت زنان را از وقت آبستن شدن تا زاییدن و از زاییدن
تا از شیر باز کردن فرزند ثواب ثابتاست برابر ثواب کسی که مهیا شده باشد
که جهاد کند در راه خدا و اگر بمیرد در میان آن حالت از ایشان منزلت و ثواب شهید
خواهد بود **و گفت** امام محمد باقر ع که امام زین العابدین ع فرمود که
بیشتر اهل بهشت زنان ضعیف خواهند بود بجهت آنکه میداند خدای
تعالی ضعف ایشان را پس رحم میکند بر ایشان و نیز گفت که امام زین العابدین
ع در وقت زاییدن زن میگفت که بیرون کنید زنان را از خانه تا آنکه
زنان اول بار نظر نکنند بعورت طفل **و گفت** معاذ که روایت
کرده اند امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول
خدا ص که کراهت دارد خدای تعالی از شما از آن خصلتها و آن خصلتها
کار عبث کردن است در نماز و نقصان کردن در نماز و خنده کردن
در گورستان و نظر کردن در سراهای مردم و نظر کردن در فرج زنان
زیرا که کوری می آورد و سخن کردن در وقت جماع زیرا که گنگ میسازد
کسی را و خواب کردن پیش از گذاردن نماز خفتن و سخن کردن بعد از
نماز خفتن و غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ زیرا که در جویهای آب

جماعتی از فرشتگان سا کند و رفتن بحمام بی لنک و سخن کردن میان اذان و
اقامت در نماز صبح تا فارغ شدن از نماز و در کشتی نشستن در محل طوفان
و موج و در یائی که مجرب نا شناخته نباشد و تنها خوابیدن و جماع کردن بزن خود
در وقتی که حایض باشد پس اکر جماع کند در ین حال و فرزندی که متولد
شود جذام یا برص پیدا کند در ین حال و فرزندی که متولد شود جذام
یا برص پیدا کند باید که ملامت نکند مکر خود را و جماع کردن بزن خود
بعد از احتلام و پیش از غسل و اکر این کار بکند و فرزندی متولد شود جذام
داشته باشد باید که ملامت نکند مکر خود را و سخن کردن بکسی که جذام
داشته باشد باید که ملامت نکند مکر خود را و سخن کردن بکسی که جذام
دارد مکر میان او و آنکس مقدار یک کز فاصله باشد همچنانکه میکوید
از شیر و بول کردن هم بر کنار جوی آب و حدث کردن در زیر درخت
خرما و هر درختی که میوه دهد و ایستاده نعلین پوشیدن و در آمدن
بخانه تاریک بی چراغ و آتش و باد کردن بدهن خود در میان نماز کفت
ابو عبد الله ع که بیشتر ین اهل بهشت زنان ضعیف اند بجهت آنکه میداند
خدای تعالی ضعف ایشان را پس رحم میکند بر ایشان **کفت** اسحق بن عمار
که کفتم با بی عبد الله ع که آیا جایز است که نظر کند غلامی که بنده زنی بوده
باشد بموی آن زن آنحضرت کفت بلی جایز است که نظر کند بموی و ساق
او **نقلست** از کتاب مجمع البیان که روایت کرده است امام جعفر
صادق ع که حضرت پیغمبر ص رفت نزد حضرت فاطمه و دید که حضرت فاطمه

و خوابیدن

و موجب است که فرزند [illegible] مجذوم

و دید که حضرت فاطمه جامه از پشم شتر پوشیده و بدست خود آرد میکند
بدستاس و شیر میدهد فرزند خود را آنحضرت چون حضرت فاطمه را چنان
دید در کریه شد و کفت ای دختر من تعجیل کن در قبول کردن تلخی دنیا تا آنکه
حلاوت و شیرینی آخرت بر سی ببهشتی که خدای تعالی میفرستاده است
بر من این آیه را که و لسوف یعطیک ربک فترضی یعنی زود باشد که بدهد
بتو پروردکار تو آنقدر از چیزی که راضی و خشنود شوی **نقلست** از کتاب
لباس که کفت محمد بن اسحق که کفتم با امام رضا ع که آیا جایز است که مردی را خصی
کرده باشند بر ود نزد زنان و آب وضو بایشان بدهد و ببیند موی ایشانرا
آنحضرت کفت جایز نیست **کفت** که امیر المؤمنین ع علی سلام میکرد بر زنان و
کراهت میداشت که سلام کند بر زن جوان و میکفت که میترسم که در شکفت
آید مرا صورت آن زن و کناهی حاصل شود مرا بیشتر از ثواب سلام کردن
روایتست که پرسید ابو بصیر از ابی عبد الله ع که آیا جایز است که مصافحه کند
مرد با زنی که محرم او نباشد آنحضرت کفت نی مکر وقتی که جامه حایل باشد
روایتست که پرسید عمار ساباطی از ابی عبد الله ع که زنان چکونه سلام کنند
هر کاه در آیند نزد مردمان آنحضرت کفت که زن بکوید علیکم السلام و مرد
بکوید السلام علیکم **و کفت** ابو عبد الله که امیر المؤمنین علی ع فرمود که
که مردی که موی او بسیار است شهوت او کم است **کفت** محمد بن اسحق
که ابو جعفر ع فرمود که آیا میدانی که از چه جهت که این زنان چهار هزار درم
شده است کفتم نمیدانم کفت بجهت آنکه جبیبه که دختر ابی سفیان است

و در حبشه می بود چون حضرت پیغمبر ص نکاح کرد او را نجاشی که حاکم حبشه
بود چهار هزار درهم همراه او فرستاد پس ازین جهت است که مردمان کا
بین را چهار هزار درهم میکنند اما اصل او دوازده اوقیه و نیم است و هر
اوقیه چهل درهم است **گفت** سکونی که امیر المؤمنین علی ع میگذشت بر اعمی
دید که چها~~ر هزار درهم شده است گفتم میخواهم~~ که چهار پایی را بر چهار پایی
دیگر میکشند در میان راه آنحضرت روی گردانید کسی گفت چرا چنین کردی
آنحضرت گفت سزاوار نیست که این کار بکنند مگر در جائی که نه بینند ایشا
نه مرد و نه زن **گفت** امام جعفر صادق ع که آنکسی که نظر کند بزنی و بردارد
چشم خود را از آن زن و بآسمان نگاه کند یا آنکه چشم خود را برهم نهد هنوز
چشم باز نکرده باشد که خدای تع نکاح کند باو حور عین و نیز گفت که نظر
کردن اول مرتبه بزنان ضرری ندارد و در مرتبه دوم حرام است و در مرتبه
سیم موجب هلاکت میشود یعنی گناه عظیم دارد **گفت** امام محمد باقر ع
که باکی نیست که نظر کند مرد بموی مادر و خواهر و دختر خود **نقلست** از
صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام
که گفت امیر المؤمنین علی ع که زن از ده عورت است هرگاه شوهر کرد
یک عورت او پوشیده شد و هرگاه بمیرد عورتهای او تمام پوشیده
شد **نقلست** از کتاب محاسن که گفت ابو عبد الله ع که حضرت موسی ع
گفت یا رب خدایا کدام عمل فاضلتر و بهتر است نزد تو حق تع فرمود که دوست
داشتن اطفال بدرستی که من آفریده ام ایشان را بر وجهی که اعتقاد دارند

بو

بوحدانیت و یگانگی پس اگر بمیرانم ایشان را می برم بهشت برحمت خود
و نیز منقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق ع که بزرگترین
گناهان سه است کشتن چهارپای و ندادن کابین زن و مزد اجیر و منقولست
از کتاب نوادر الحکمة که گفت امیر المؤمنین علی ع که بسیار مکنید کابین زنان را
تا سبب دشمنی نشود **گفت** ابو یعفور که گفتم بامام جعفر صادق ع که میخواهم
که نکاح کنم زنی را و پدر و مادر من میخواهند که دیگری را نکاح کنم آنحضرت گفت
آن زنی را که تو میخواهی بگیر و بگذار زنی را که پدر و مادر تو میخواهند **روایت**
کرده است امام جعفر صادق ع از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت
پیغمبر ص که هر زنی که بخشد کابین خود را بشوهر خود پیش از آنکه شوهر باو
دخول کند بنویسد خدای تع بعدد هر دینار برای او ثواب آزادی بنده
کسی گفت یا رسول الله چگونه است بخشیدن کابین بعد از دخول آنحضرت
گفت که بخشیدن کابین بعد از دخول از دوستی و الفت می باشد **و نیز**
گفت حسین بن مختار که سلمان نکاح کرد زنی مالدار را پس درآمد
بخانه آن زن دید که در آنخانه فرشها انداخته اند گفت خانهٔ شما حرم کعبه است
که زینت داده اید او را و کنیزی دید که انگشتری در انگشت داشت گفت
این کنیز از کیست گفتند از زن تست گفت آنکسی که کنیزی داشته باشد
و دخول نکند باو و آن کنیز زنا کند گناه آن کنیز بر آنکس است **و گفت**
امام جعفر صادق ع که آنکسی که کنیزی داشته باشد باید که هر چهل روز یکبار
باو جماع کند و نیز گفت که وقتی که مجامعت کند مردی بکنیز خود و بعد از آن

خواهد که مجامعت کند بکنیز دیگر باید که وضو بسازد و نیز گفت که امیر
المؤمنین علی ع فرمود که مگذارید که شیر دهد زن بی عقل فرزند شما را بدرستی
که شیر اثر میکند در طبیعت آن طفل گفت حضرت پیغمبر ص که مگذارید
که زن بی عقل شیر دهد فرزند را و پرورش می باید بشیر نقلست از کتاب
فردوس که گفت عمر بن سلمه که حضرت پیغمبر ص که خدای تعالی حیا را ده بخش
کرده است نه بخش بزنان داده است و یک بخش بمردان و اگر چنین نمی
بود می افتادند زنان در زیر مردان همچنانکه می افتد چهارپایان ماده
در زیر چهارپایان نر وگفت حضرت پیغمبر ص که زن را از وقت آبستن
شدن تا زاییدن و از زاییدن تا از شیر باز کردن فرزند ثواب است برای
ثواب کسی که مهیا شده باشد برای جهاد کردن در راه خدا و اگر در میان
این بمیرد اینان را ثواب شهید خواهد بود نقلست که مخنثان را رحم
هست همچو رحم زنان ولیکن رحم ایشانرا واژگونه گویند و نیز گفت که
هرگاه که زن زایید باید که اول چیزی بخورد خرمای تر باشد و اگر خرمای
تر یافت نشود خرمای خشک بخورد بدرستی که اگر چیزی بهتر از خرما
می بود خدای تعالی از برای مریم میداد در وقتی که زایید عیسی را ع وگفت
امیر المؤمنین علی ع که رسول خدا ص فرمود که زنا مکنید بدرستی که لذت
نمی یابید از زنان خود و بهمین کاری کنید تا آنکه بهمین کاری کنند
زنان شما بدرستی که فلان قوم مردان ایشان زنا کردند پس زنان
ایشان نیز زنا کردند وگفت حضرت پیغمبر ص که حلال است زنا خواب

کردن

کردن تا آنکه عرض کند نفس خود را بر شوهر خود باین طریق که برهنه شود
و برود با او در زیر لحاف و بچسباند بدن خود را ببدن او هرگاه چنین
کرد عرض کرده است خود را بر شوهر خود وگفت امام جعفر صادق ع
که هر مردی که بجماع (لواطه) داده باشد حرام کردانیده است خدای تعالی بر وی بهشت را
بر دنیای یعنی بهشت نخواهد رفت وگفت حضرت پیغمبر ص که آنکسی که ببوسد
پسری را بشهوت خدای تعالی در روز قیامت لجامی از آتش در دهن او کند
وگفت امیر المؤمنین علی ع که مردی که رغبت کند که از روی شهوت با او بازی
کند خدای تعالی بدهد باو شهوت زنان وگفت امام جعفر صادق ع که خدای
تعالی گردانیده است شهوت مومنان را در پشت ایشان و شهوت کافران را
در ذیر ایشان و نیز گفت که آنکسی که نکاح کند دختر نیکو کار خود را بکسی
که شراب میخورد بدرستی که قطع خویشی کرده است میان خود و دختر نیکو
کار خود را بکسی که شراب میخورد بدرستی که قطع خویشی کرده است میان
خود و دختر خود نقلست از کتاب فردوس که گفت امام جعفر صادق ع
که دوک در دست زن صالحه همچو نیزه است در دست کسی که پیاده جهاد کند
در راه خدا و نیز گفت که بفرمایید زنان خود را که چرخ بریسند بدرستی که
بهتر است ایشانرا و بیشتر زینت میدهد وگفت انس که حضرت
پیغمبر ص فرمود که باید که هیچ کار نکنید شما تا آنکه مشورت کنید بمردی
و اگر مردی نیابید باید که مشورت کنید بزنی و بعد از آن آنچه بگوید
خلاف آن کنید بدرستی که در مخالفت کردن بزنان برکتست و نیز انحضرت گفت که خوب

مشغولی است چرخ رشتن زن صالحه را و نیز فرمود که حضرت ابراهیم ع غیرت
داشت و غیرت ندارد و گفت امام محمد باقر ع که غیرت زنان حسد است
و حسد اصل کفر است بدرستی که زنان هرگاه غیرت میکنند در غضب میشوند
و هرگاه در غضب شدند کافر میشوند مگر زنانی که مسلمان باشند و
گفت جابر که امام محمد باقر ع گفت بمن که خدای تع بر زنان غیرت نداد و
غیرت مخصوص مردان است بجهت آنکه خدای تع حلال کرده است بر مردان
چهار زن آزاد و از کنیزان آنچه مالک شوند و حلال نکرده است بر زنان
مگر یک شوهر پس اگر زنی نافرمانی کند با شوهر خود از روی غیرت
نزد خدای تع زناکننده است و غیرت میدارند زنان بد و نافرمانی شوهر
میکنند و اما زنان مؤمن غیرت ندارند و نافرمانی نمیکنند و گفت
محمد بن اسمعیل بن بزیع که پرسیدم از امام رضا ع از رو پوشیدن زنان از مردانی
که خصی کرده باشند ایشان را آنحضرت گفت این نوع مردان میرفتند نزد
دختران ابی الحسن ع و ایشان روی خود را نمی پوشیدند گفتم آن مردان آزاد
بودند گفت نی گفتم اگر آزاد باشند زنان روی خود را از ایشان بپوشند
گفت نی

باب نهم

در بیان آداب سفر و آنچه متعلق است بآن
و در این باب هشت فصل است و آنچه مذکور است در این باب منقول است
از کتاب من لا یحضره الفقیه و از کتاب مجموع که از تصنیفات بنده است
طول الله عمره

فصل اول

در بیان سفر کردن و اوقاتی که سفر نیکوست
و اوقاتی که سفر بد است گفت عمر بن ابی المقداد که ابو عبدالله ع فرمود که

و من غیورترم از او بیشتر است خدا ... کسی ... آن مؤمنین

مذکور است

مذکور است در حکمت آل داود ع که باید عاقل سفر نکند مگر برای سه چیز برای توشه
راه آخرت و کارسازی معاش و لذت نفس در غیر حرام و گفت رسول خدا
ص فرمود که سفر کنید تا صحت یابید و جهاد کنید تا غنیمت بگیرید و حج کنید
تا غنی شوید و مال دار شوید و نیز گفت که سفر کنید بدرستی که اگر مال حاصل
نکنید از سفر عقل شما کامل خواهد شد و گفت امیر المؤمنین علی ع
که سفر میزان قوم است یعنی مردم را در سفر می توان سنجید و نیک و بد
ایشان را در سفر معلوم می توان کرد و گفت ابو عبدالله ع که هرگاه خواهد
خدای تع که بنده را روزی دهد در زمینی که محتاج میگرداند او را
بآن زمین و نیز گفت که آنکسی که خواهد که سفر کند باید که در روز شنبه
سفر کند بدرستی که اگر سنگی دور شود از کوه در روز شنبه باز میگرداند
خدای تع او را بجای خود و آنکسی که حاجت او بر آورده نمیشود باید که طلب
حاجت خود کند در روز سه شنبه بدرستی که روز سه شنبه روزیست
که نرم کرده است خدای تع در آن روز آهن را برای داود ع و گفت ابراهیم
بن ابی یحیی مداینی که ابو عبدالله ع فرمود که باکی نیست در شب جمعه
سفر رفتن و گفت ابو جعفر ع که رسول خدا ص سفر میکرد روز پنجشنبه
و گفت که روز پنجشنبه روزیست که دوست میدارد خدا و رسول او و
فرشتگان این روز را و گفت آنکه دوسترین روزها نزد رسول
خدا ص برای آنکه سفر کند بجانبی پنهان میداشت و چنان میکرد که
مردمان گمان می بردند که بجانب دیگر میرود روایت که نوشتند بعضی

روز جمعه است و بود رسول خدا اگر اگر سفر میفرمود

و فرمود که روز پنجشنبه روزی است که خدا و رسول و ملائکه
دوست میدارند آن روز را

از اهل بغداد از ابی الحسن ع که چون است سفر کردن در روز چهارشنبه آنحضرت
در جواب نوشت که هر کسی که سفر کند روز چهارشنبه بجهت مخالفت کسانی
که فال بد میزنند و در روز چهارشنبه را نحس میدانند نگاه داشته شود از
جمیع آفتها و عافیت یابد از جمیع بلاها و برآورد خدای تعالی حاجت او را وگفت
رسول خدا صلعم که بر شما باد که شبگیر کنید در سفر بدرستی که زمین درنوردیده
میشود در شب و روز قطع مسافت میشود وگفت ابوعبدالله ع که زمین
درنوردیده میشود در شب ونیز گفت که بیرون آیید روز جمعه بجهت حاجتها
پس هرگاه روز شنبه شود و آفتاب برآید بیرون روید بجهت حاجت خود
وگفت که پرسید ابوایوب خزاز از ابوعبدالله ع از تفسیر قول خدای تعالی
که فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
آنحضرت گفت مراد از صلوة در این آیه روز جمعه است و مراد از انتشار
روز شنبه است و معنی آیه اینست که پس چون گذارده شود نماز جمعه
پراکنده شوید در زمین بجهت مهمات خود و بجویید از فضل خدای
تعالی حاجتهای خود را وگفت امام جعفر صادق ع که سفر مکنید در روز
سیم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم ماه بدرستی که این ایام نحس است
ونیز گفت که بسفر روید و طلب حاجت بکنید در روز دوشنبه
نقلست از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود علیهم السلام که گفت امیرالمؤمنین علی ع که روز شنبه
روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز عروسی و بنا نهادن

است

است و روز دوشنبه روز سفر و طلب حاجت است و روز سه شنبه روز
جنگ و خونریزیست و روز چهارشنبه روز شومی است و روز پنج
که پاکیزه میکنند مردمان خود را در آن روز و روز پنجشنبه روز رفتن
است نزد امرا و حکام و روز برآوردن حاجتها است و روز جمعه
روز خطبه و نکاح است وگفت ابوایوب خزاز که میخواستیم که بسفری
رویم آمدیم که سلام کنیم ابا عبدالله ع آنحضرت گفت که گویا شما میخواهید
که در روز دوشنبه گفتیم بلی گفت کدام روز شوم تر است از
روز دوشنبه این روز است که حضرت پیغمبر ص از دنیا رحلت فرمود
و در این روز وحی منقطع شد از ما باید که در این روز سفر نکند در
روز دوشنبه و در روز سه شنبه سفر کنید وگفت ابوعبدالله
ع که هر کسی که سفر یا نکاح کند و قمر در عقرب باشد نیکویی نه بیند از آن
سفر و نکاح وگفت عبدالملک بن اعین که گفتم بابی عبدالله ع که
مبتلا شده ام بعلم نجوم پس اگر اراده کاری و حاجتی میکنم نظر میکنم
در طالع وقت و می بینم که طالع نیک است یا بد پس اگر بد است ترک
آن کار میکنم و در آن وقت بطلب آن حاجت نمیروم و اگر نیک است
بطلب آن حاجت میروم آنحضرت گفت بعمل میکنی بآنچه بگویم گفتم
بلی گفت بسوزان کتابهای نجوم خود را ونیز گفت که امیرالمؤمنین
علی ع کراهت میداشت که کسی بسفر رود یا نکاح کند و قمر در محاق
باشد و محاق سه روز آخر ماه است وگفت امام موسی کاظم ع

که پنج چیز شوم است مسافر را در راه کلاغی که بانگ کند از جانب راست
او و پر افکنده کند دم خود را و کرکسی که بانگ کند در روی او و بر بالای دم
خود نشسته باشد و بانگ کند و بعد از آن خود را بلند و پست کند سر
باد و آهویی که از جانب راست مسافر بیاید و بجانب چپ برود و بومی
که فریاد کند و خر ماده که گوش پائین یا لب او را بریده باشند پس اگر کسی
که یکی از اینها پیش او بیاید و در خاطر او دغدغه پیدا شود باید که بگوید
اِعْتَصَمْتُ بِكَ يا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ فِي نَفْسي فَاعْصِمْني مِنْ ذلِكَ و
گفت هرگاه این دعا بخواند نگاه داشته میشود از شامت اینها وگفت
حلبی که پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا مکروه هست سفر کردن در روز
از روزهایی که مردمان مکروه میدانند آن روز را چون روز چهارشنبه
وغیر آن آنحضرت گفت هرگاه خواهی سفر کنی ابتدا کن بصدقه و آیة الکرسی
بخوان و هر روزی که میخواهی سفر کن وگفت ابو عبدالله ع که امام زین العابدین
ع فرمود که حج کنید و عمره بگذارید تا صحت یابد بدن شما و فراخ شود روزی
شما و کفایت شود مؤنت شما و عیال شما و نیز گفت ابو عبدالله ع که
اگر مردی پیاده بحج رود و سوره انا انزلناه بخواند از پیاده رفتن
مشقتی نیابد و نیز گفت که کسی که سوره انا انزلنا بخواند در وقت
سوار شدن چهارپا و فرود آید از آن چهارپا سالم و ایمن بوده و نیز گفت
که خواندن سوره انا انزلناه گرانتر است چهارپا را از آهن یعنی چهارپا عاجز است
در دست او و نمی تواند انداخت او را و نیز گفت شتری که بر او سوار شده

دیدن صورت زنی را که موی سر او سیاه و سفید باشد

باشد و هفت نوبت بحج رفته باشد میگرداند چهارپا با آن بهشت وگفت
ابو جعفر ع که اگر چیزی پیشی میگرفت قضا و قدر را هر آینه میگفتم که کسی
که انا انزلناه بخواند در وقت سفر کردن یا از منزل بیرون رفتن زود بمنزل
خود باز میگردد **فصل دوم** در بیان ابتدا کردن سفر بصدقه و غیر آن
صدقه گفت عبدالرحمن بن حجاج که ابو عبدالله ع فرمود که وقتی که
میخواهی که سفر کنی صدقه بده و بیرون رو هر روز که میخواهی گفت حماد
بن عثمان که گفتم با ابی عبدالله ع که آیا مکروه است سفر کردن در روزی
از روزها که مردمان مکروه میدانند آن روز را چون روز چهارشنبه
وغیر آن آنحضرت گفت که اول صدقه بده و بعد از آن بیرون رو بسفر
هر روز که میخواهی و آیة الکرسی بخوان و حجامت کن هرگاه خواهی
وگفت ابو عمیر که میدانستم علم نجوم و طالع وقت را و نظر میکردم در آن
هرگاه میخواستم کاری بکنم دغدغه در خاطر من پیدا میشد پس شکایت
کردم از این جهت نزد امام موسی ع آنحضرت گفت که وقتی که واقع شود
در خاطر تو دغدغه تصدق کن بر اول مسکینی که بتو برسد و بعد از آن
آن کار بکن بدرستی که خدای تعالی دفع میکند بدی را از تو وگفت ابو عبدالله
ع که کسی که در صباح صدقه بدهد خدای تعالی دور میکند از او نحوست
و بدی آن روز را نقلست از کتاب محاسن که گفت عبدالله بن سلیمان
که گفت امام محمد باقر ع یا امام جعفر صادق ع که پدر من ع وقتی که بسفر میرفت
در روز چهارشنبه یا در روزی که مردمان مکروه میدانند سفر کردن را

در آن روز بجهت بودن قمر در محاق و بعد از آن صدقه میداد و بعد از آن
بیرون میرفت بسفر **و گفت** محمد بن مسلم که ابو عبد الله ع فرمود که هر گاه
کسی خواهد که بسفر بیرون رود و برود در مال خود باید که طلب سلامتی
کند از خدای تعالی بصدقه دادن تا بخیر میسر شود در وقتی که سوار میشود
و هر گاه بسلامت خدای تعالی او را باز گرداند از سفر باید که حمد بگوید
خدای تعالی را و تصدق کند تا بخیر میسر شود و نیز گفت که وقتی که خواهی
که سفر کنی طلب سلامتی کن از پروردگار خود بصدقه دادن تا بخیر
خوش آید ترا و در وقت صدقه دادن بگو اللهم انی ارید سفر کذا و کذا
و انی ارید بها شتریت سلامتی فی سفری هذا هذا و مراد از کذا و کذا
آنست که تعیین آنجا که میروی و تعیین مطلوبی که داری بکنی و صدقه را
بهر کسی که صلاحیت دارد بده و در وقتی که رسیدی بجای که مقصود
تست نیز صدقه بده بجهت شکر آنکه بمقصود رسیدی **در بیان** برداشتن
عصا منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است انس بن مالک
که گفت رسول خدا ص که اگر عاجز بید شما که بگیرید بدست خود
عصایی که در پایین او سنی نیزه باشد که تکیه کنید بر و وقتی که مانده
شوید و بیرون آورید ابرا و دور کنید بان از راه چیزها که موجب
ایذا میشود و بکشید بان گزندها را و جنگ کنید بان با درندها و در
پیش خود بجانب قبله فرو برید در صحرا در وقت نماز گذاردن و نیز
روایت کرده است انس که حضرت پیغمبر ص گفت که برداشتن عصا

علا

علامت مؤمن است و سنت پیغمبران است **گفت** ام سلمه که حضرت پیغمبر ص فرمود
که راه رفتن با عصا از تواضع است و نوشته میشود برای او بهر گامی که بر میدارد
هزار حسنه و بلند میشود مرتبه او و هزار حسنه و بلند میشود برای او بهر
گامی که بر میدارد هزار حسنه و بلند میشود مرتبه او هزار درجه **و گفت**
امیر المؤمنین علی ع که رسول خدا ص فرمود که کسی که بیرون رود بسفری
و با او عصای بادام تلخ بوده باشد و این آیه را بخواند که وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ
مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ
وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ
لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ
إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا
سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ
الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي
ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ
سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَ
جَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ایمن گرداند
خدای تعالی او را از شر درنده که ضرر رساند و هر دزدی و هر گزنده تا
وقتی که باز گردد بمنزل خود و با او هفتاد و هفت فرشته باشند که استغفار

کند برای او تا آنکه باز کردد بمنزل خود و نیز کفت که رسول خدا ص فرمود
که آنکسی که عصا بدست بکیرد دور شود از وی و شیطان نزدیک او
نشود **کفت** حضرت پیغمبر ص که آنکسی که میخواهد که زمین در نوردیده شود
برای او در راه رفتن باید که عصا بدست بکیرد بدرستی که از سنتهای
پیغمبرانست و بنی اسرائیل خورد و بزرک ایشان عصا کرفته راه میرفتند
تا آنکه تکبر نکنند و نیز کفت که عصا بدست بکیر بدرستی که از سنتهای پیغمبرانست
و بنی اسرائیل خرد و بزرک ایشان عصا کرفته راه میرفتند تا آنکه تکبر
نکنند در راه رفتن خورد و بزرک ایشان کرفته راه میرفتند تا آنکه تکبر
نکنند در راه رفتن خود **در بیان** تحت الحنک بستن بطرف دستار **نقلست**
از کتاب ثواب الاعمال که کفت امام جعفر صادق ع که من ضامنم کسی را
که بیرون رود از منزل خود و نیز کفت که آنکسی که بیرون رود بسفر
و تحت الحنک نه بندد بطرف دستار و برسد باو المی و دردی که دوا نداشته
باشد باید که ملامت نکند مکر خود را **وکفت** ابوالحسن ع که من ضامنم
کسی را که بیرون رود بسفر و تحت الحنک بسته باشد بطرف دستار که دزد
باو نرسد و غرق نشود **فصل سیم** در بیان انکه سنتست بجا آوردن
وقت بیرون رفتن بسفر **در بیان** دعا وقت بیرون رفتن **کفت** رسول
خدا ص که آنکسی که بسفر میرود هیچ نکذارد برای اهل خود چیزی که فاضلتر
باشد از دو رکعت نماز و باید که بکوید در وقت وداع کردن اهل خود که
اللهم انی استودعک الیوم دینی ونفسی ومالی واهلی وولدی وجیرانی

واهل حزانتی الشاهدین منا والغائب وجمیع ما انعمت به علی
اللهم اجعلنا فی کنفک ومنعک وعیاذک وعزک عز جارک وجل ثناؤک
وامتنع عائذک ولا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله
الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة
واصیلا **وکفت** که ابو جعفر ع چون میخواست که بسفری رود جمع
میکرد عیالات خود را در خانه و بعد از آن این دعا که کذشت میخواند
وکفت صباح الحذا که شنیدم از امام موسی ع که میکفت که هرگاه
خواهید که سفر کنید باید که بایستید بر در سرای خود برابر انجا که متوجه میشوید
باو پس یکنوبت فاتحه بخوانید و بجانب پیش خود بدمید و یکنوبت
دیکر فاتحه بخوانید و بجانب راست خود بدمید و یکنوبت دیکر فاتحه بخوانید
و بجانب چپ خود بدمید و آیة الکرسی را نیز باین طریق بخوانید و بعد از ان
بکویید اللهم احفظنی واحفظ ما معی وسلمنی وسلم ما معی وبلغنی
وبلغ ما معی ببلاغک الحسن بدرستی که چون چنین کنید نکاه میدارد
خدای تعالی شما را و آنچه با شماست و بسلامت میرساند شما را و آنچه با
شماست و میرساند شما را و آنچه با شماست بمنزلی که مقصود شماست بعد
ازان کفت امام موسی ع که ای صباح آیا ندیدی که نکاه داشته شود مردی
و آنچه با اوست نکاه داشته نشود و او بسلامت باشد و آنچه با او
سلامت نباشد و او برسد بانجایی که میخواهد و آنچه با اوست نرسد

گفتم فدای تو گردم بلی دیدم **وگفت** که امام جعفر صادق ع که وقتی که میخواست که بسفری رود میگفت اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واعظم عافیتنا **وگفت** که امام رضا ع که وقتی که بیرون میروی از منزل خود در سفر یا در حضر بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله پس اگر شیطان ترا پیش آید برگردد و ملائکه بر روی او زنند و گویند باو که ترا دستی نیست بر و بجهت آنکه بسم الله گفته است و ایمان آورده است بخدای تعالی و توکل کرده است ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله **وگفت** ابو جعفر ع که آنکسی که بگوید در وقت بیرون رفتن از منزل خود که اعوذ بالله اعاذت منه ملائکة الله من شر هذا الیوم ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله من کل شیء بیامرزد خدای تعالی او را و قبول کند توبه او را و کفایت کند مهمات او را و نگاه دارد او را از مکروهات و از کردن فعلهای ناشایست **وگفت** انس بن مالک که رسول خدا ص هرگاه قصد سفر و وقتی که بیرون میخواست از جای خود میگفت اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم له وما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی واغفر لی وارحمنی وآتنی الخیر حیث ما توجهت و بعد از آن بیرون میرفت بسفر **وگفت** که ابو عبد الله ع وقتی که بسفر میرفت میگفت اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغ

الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد ص اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجوا واصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین **ونیز بگو** اسال الله بیده ما دق وجل بیده اقوات الملائکة ان یهب لنا فی سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة عزما لا یغادر ذنبا **وگفت** ابو عبد الله ع که آنکسی که در وقت بیرون رفتن از منزل خود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر بسم الله دخلت بسم الله خرجت وعلی الله توکلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر غیری ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم خدای تعالی ضامنست که بسلامت دارد او را تا آنکه باز گردد بمنزل خود **ونیز** که باید که بعد از خواندن این دعا که مذکور شد بگوید توکلت علی الله توکلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اللهم افتح لی فی وجهی هذا الخیر اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر غیری ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم خدای تعالی ضامنست که بسلامت دارد او را تا آنکه باز گردد بمنزل خود **وگفت** که باید که بعد از خواندن این دعا که مذکور شد بگوید توکلت علی الله ماشاء الله لا قوة الا بالله اللهم انی اسالک

خیر ما خرجت له واعوذ بك من شر ما خرجت له اللهم اوسع علی
من فضلك واتمم علی من نعمتك واجعل رغبتی فیما عندك وتوفنی فی سبیلك
وملتك وملة رسولك وبعد از ان آیة الکرسی وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس بخواند وبعد از ان سه نوبت قل هو الله بخواند
وبجانب پیش خود بدمد ویکنوبت دیگر بخواند وبجانب بالای سر خود
بدمد ویکنوبت دیگر بخواند وبجانب بالای سر خود بدمد ویکنوبت دیگر
بخواند وبجانب بالای سر خود بدمد ویکنوبت دیگر بخواند وبجانب پای خود
بدمد وسه نوبت دیگر بخواند وبجانب راست خود بدمد وسه نوبت دیگر
بخواند وبجانب چپ خود بدمد وتوکل کند بر خدای تعالی **گفت** حضرت
پیغمبر صلعم میخواند وقتی که بسفر میرفت وشب نزدیك بود یا ارض ربی وربك الله
واعوذ بالله من شرك وشر ما فیك وسوء ما یدب علیك واعوذ
بالله من اسد واسود ومن شر الحیة والعقرب ومن شر ساکن البلد
ومن شر والد وما ولد اللهم رب السموات السبع وما اظللن ورب
الارضین السبع وما اقللن ورب الریاح وما ذرین ورب الشیاطین
وما اضللن اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد واسألك خیر هذا
اللیلة وخیر هذا الیوم وخیر هذا الشهر وخیر هذه السنة و
خیر هذا البلد واهله وخیر هذه القریة واهلها وخیر ما فیه
واعوذ بالله من شرها وشر ما فیها ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم **گفت** (در بیان) آنچه باید گفت در وقت سوار شدن

وسه نوبت دیگر بخواند و بر پشت سر خود بدمد

وسوء ما خلق فیك

گفت که امام جعفر صادق ع وقتی که پای خود را بر رکاب می نهاد میگفت
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وهفت نوبت سبحان
الله میگفت وهفت نوبت الحمد لله وهفت نوبت لا اله الا الله اصبغ
بن نباته گفت گرفتم رکاب امیر المؤمنین علی را ع وقتی که آنحضرت میخواست
که سوار شود پس آنحضرت سر خود را برداشت ومتوجه آسمان شد وتبسم
کرد گفتم یا امیر المؤمنین دیدم ترا که سر خود برداشتی وتبسم کردی سبب
این چه بود آنحضرت گفت ای اصبغ من گرفتم رکاب رسول خدا را ص
همچنانکه تو گرفتی رکاب مرا پس آنحضرت سر خود را برداشت ومتوجه
آسمان شد وتبسم کرد پرسیدم از آنحضرت همچنانکه تو پرسیدی وفرمود
باشد که خبر دهم ترا بخبر خبر داد بمن آنحضرت پس گفت که گرفتم رکاب
حضرت پیغمبر را ص وقتی که سوار میشد بر استری سفیدی پس آنحضرت
سر خود را برداشت ومتوجه آسمان شد وتبسم کرد گفتم یا رسول الله
سبب این چه بود آنحضرت گفت یا علی هر کسی که سوار شود بر چهارپایی
که خدای تعالی باو داده است وبعد از ان بخواند آیه سخره را که ان ربکم
الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا
وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وبعد از ان

گفت

فی الارض

بگوید الحمد لله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی
ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بگوید ای فرشتگان بنده من
میداند که بخشنده گناهان غیر از من کسی نیست گواه باشید که آمرزیدم گناه او را گفت
امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلعم فرمود که وقتی که کسی سوار شود بر چهارپای و
بسم الله نگوید در عقب او فرشته سوار میشود و نگاه میدارد او را تا آنکه
فرود آید بمنزل و اگر سوار شود و بسم الله نگوید شیطان در عقب او سوار میشود
و نگاه میدارد او را تا آنکه فرود آید بمنزل و اگر سوار شود و بسم الله نگوید
شیطان در عقب او سوار میشود و میگوید با او که خوانندگی کن پس اگر بگوید
که خوانندگی نمیتوانم کرد شیطان بگوید با او که آرزو کن پس آنکس همیشه آرزوهای
باطل کند تا وقت فرود آمدن بمنزل گفت حضرت پیغمبر صلعم که آنکسی که در وقت
سوار شدن بگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله والحمد لله الذی سخر لنا هذا
وما کنا له مقرنین نگاه داشته شود او و چهارپای او تا وقت فرود آمدن
بمنزل از جمیع بلاها و نیز گفت که وقت سوار شدن می باید گفت الحمد لله الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین نگاه داشته شود او و چهارپای او تا وقت
فرود آمدن بمنزل از جمیع بلاها و نیز گفت که وقت سوار شدن می باید
گفت الحمد لله الذی هدانا للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلعم
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان
علی الامر وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال والولد

اللهم انت عضدی وناصری وچون بر آن چهارپای خود ایستد بگوید خرجت
بحول الله وقوته بغیر حول منی وقوة لکن بحول الله وقوته بغیر
حول منی وقوة لکن بحول الله وقوته برئت الیک یا رب من الحول
والقوة اللهم برکة سفری هذا وبرکة اهله اللهم انی اسالک من فضلک
الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خافض فی عافیة بقوتک
وقدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک
ولا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک شکرک وعافیتک ووفقنی لطاعتک
وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضا در بیان متابعت کردن گفت که شا
کردن حضرت پیغمبر جعفر طیار را رحمة الله علیه در وقتی که میفرستاد او را
بجانب حبشه و آن حضرت این کلمات را خواند و توشه راه او ساخت
این کلمات تا در راه بسلامت باشد اللهم الطف به فی تیسیر کل عسیر
فان تیسیر العسیر علیک یسیر اسالک الیسر والمعافات فی الدنیا والآخرة
روایت که وداع کرد رسول خدا صلعم مردی را و گفت که زودک الله التقوی
وغفر ذنبک ولقاک الخیر حیث کنت روایت که چون متابعت کرد
امیر المومنین علی ع ابوذر غفاری را رحمة الله علیه متابعت کرد ابوذر را امام
حسن و امام حسین و عقیل بن ابی طالب و عبد الله بن جعفر و عمار بن
یاسر پس گفت امیر المومنین علی ع که وداع کنید برادر خود را بدرستی
که ناچار است مسافر را که برود و آنکس را که متابعت میکند که باز گردد پس
هر کدام سخنی گفتند در وقت وداع کردن پس گفت امام حسین ع یا

انی اسالک من

یا ذا الجلال والاکرام برحمتک
یا ارحم الراحمین

ذر که رحمت کند بر تو خدای تو ای اباذر بدرستی که قوم خوار کردند ترا بجهت
آنکه باز داشتی دین خود را و تابع ایشان نشدی پس ایشان باز داشتند از
تو دنیای خود را پس چه محتاجند ایشان با چیزی که باز داشتی از ایشان و چه
غنی و بی نیازی تو از آنچه باز داشتند ایشان از تو ابوذر گفت رحمت خدای
بر شما باد ای اهل بیت پیغمبر بدرستی که از خواری خود باکی ندارم و غم شما دارم
دما الله وحی در دنیا عیزا نمود شما بدرستی که هر گاه یاد میکنم شما را یاد میکنم رسول خدا را
گفت که رسول خدا صلعم وقتی که وداع میکرد مؤمنی را میگفت زوّدکم الله
التقوی و وجّهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة و سلّم لکم دینکم و
دنیاکم و ردّکم سالمین الی غانمین وگفت ابو جعفر ع که حضرت رسالت پناه
صلعم هر گاه وداع میکرد مسافر را دست آن مسافر را میگرفت و میگفت
احسن الله لک الصحابة و اکمل لک المعونة و سهّل لک الحزونة و
قرّب لک البعید و کفاک المهمّ و حفظ لک دینک و امانتک و خواتیم
عملک و وجّهک لکل خیر علیک بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی
برکة الله عزّ و جلّ در بیان وداع روایتست که آنکس که خواهد که وداع کند
کسی را باید که بگوید استودع الله دینک و امانتک و خواتیم عملک احسن الله
لک الصحابة و اعظم لک العافیة و قضی لک الحاجة و زوّدک التقوی
و وجّهک للخیر ما توجّهت و ردّک سالما غانما منقولست از کتاب
محاسن که گفت امام جعفر صادق ع که وداع کرد رسول خدا صلعم مردی را پس
گفت با عزد که سلّمک الله و غنّمک فصل چهارم در بیان اخلاق نیکو در سفر

در بیان نیک صحبت داشتن در سفر و نگاه داشتن حقوق و طلب کردن
رفیق وگفت ابو ربیع الشامی که بودیم نزد ابی عبد الله ع در خانه وان
خانه پر بود از فرزندان و خویشان آنحضرت پس گفت آنحضرت که از شیعه
ما نیست کسی که نیک صحبت ندارد با صاحبان خود و نیک همراهی نکند با رفیقان
خود و نیک چیزی نخورد با کسی که با او چیزی میخورد و خوش خلقی نکند با کسی
که خوش خلقی میکند باو وگفت ابو عبد الله ع که پدرم ع فرمود که اعتبار نمی
دارد کسی که قصد خانه کعبه کند و در او سه خصلت نباشد خلقی که خوش
که خوش خلقی کند بیاران خود و حلمی که نگاه دارد غضب او را و ورع
و پرهیزکاری که نگاه دارد او را از چیزی که حرام کرده است خدای تعالی
وگفت ابو عبد الله ع که از مروت است که چون بدهد کسی را با چیز
پیش آمده است او را در سفر از چیزی و شتر وگفت عمار بن مروان
که ابو عبد الله ع بمن گفت وصیت میکنم ترا بتقوی و پرهیزکاری و
ادای امانت و راست گفتن و نیک صحبت داشتن بکسی که مصاحبت
کند بتو وگفت ابو بصیر که گفتم بامام جعفر صادق ع که چون اگر مردی
بسفر بیرون رود که اندک مالی داشته باشد با قومی که مال دار باشند
پس ایشان بیرون آورند توشه خود را و او نزد قادر نباشد که بیرون
آورده توشه مثل توشه ایشان آنحضرت گفت دوست نمیدارم که
خوار گرداند مردی خود را باید که بسفر بیرون رود با کسی که مثل او
باشد در مال وگفت ابو جعفر ع که با کسی که اختلاط میکنی اگر قدرت

داری که با او نفقه بدهی چنین کن وگفت حضرت پیغمبر ص که اول رفیق پیدا
کنید و بعد از آن سفر کنید و نیز گفت که دو کس که با یکدیگر مصاحبت
میکنند آنکسی که ملایمت او بیشتر است با مصاحب خود ثواب او بیشتر است
و خدای تعالی او را بیشتر دوست میدارد و گفت امیر المؤمنین علی ع که مصاحبت
مکن در سفر با کسی که ترا بهتر از خود نداند همچنانکه تو او را بهتر از خود میدانی
و گفت رسول خدا ص که سنت است که هر گاه قومی بیرون روند بسفر توشه
خود را بیرون آورند بدرستی که این بهتر است برای ایشان وگفت ابو عبدالله
ع که مصاحبت کن با کسی که تو با او زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد
و نیز گفت که کسی که در خانه تنها باشد شیطان با اوست و اگر دو کس باشند
از جن ضرر رسد بدیشان و اگر سه کس باشند با یکدیگر انس میکنند گفت
شهاب بن عبد ربه که گفتم با بی عبدالله ع که میدانی حال مرا و توانگری مرا
و این که من چیز بسیار نفقه میکنم برای برادران مؤمن آیا مصاحبت بکنم با
جماعتی از برادران مؤمن در راه مکه و چیز بسیار با ایشان صرف بکنم آنحضرت
گفت که چنین مکن بدرستی که اگر چیز بسیار صرف کنی و ایشان نیز چنین بسیار صرف
کنند نقصان بایشان میرسد و اگر ایشان چیز بسیار صرف نکنند خواری بایشان
راه می یابد پس مصاحبت کن با کسانی که مانند تو باشند در توانگری وگفت
ابو جعفر ع که وقتی که خواهی که بکسی مصاحبت کنی با کسی که مثل تو باشد در
توانگری و مصاحبت مکن با کسی که مؤنت تو بر او باشد بدرستی که این نوع مصاحبت
موجب خواری مؤمن است وگفت رسول خدا ص که بهترین مصاحبها

نزد خدا

نزد خدای تعالی آنست که چهار کس با یکدیگر مصاحبت کنند و قومی که زیاده از هفت
باشند بسیار شود آواز و گفت و گوی ایشان وگفت امام جعفر صادق ع که حق
مسافر آنست که سه روز بایستد برای برادر مؤمن وقتی که بیمار شود در راه
و نیز گفت که حضرت پیغمبر ص فرمود که هیچ نفقه دوست تر نیست نزد خدای تعالی از
نفقه که نه بسیار باشد و نه کم و دشمن میدارد خدای تعالی اسراف را مگر در
حج و عمره وگفت حضرت پیغمبر ص در سفری که بحج میرفت که آنکسی که بدخلق
باشد و بهمسایه خود بد سلوک کند در سفر باید که مصاحبت و همراهی ما نکند
وگفت حلبی که پرسیدم امام جعفر صادق را ع از قومی که مصاحبت کنند
با یکدیگر و در میان ایشان بعضی توانگر باشند بعضی نباشند که آیا نفقه بکند
توانگر بغیر توانگر آنحضرت گفت بلی اگر خوشحال شود غیر توانگر باین نفقه
کردن وگفت حضرت پیغمبر ص که بهترین قوم آنکسی که خدمت ایشان کند در سفر
منقولست از کتاب شرف النبی که رسول خدا ص فرمود اصحاب خود را در سفری
که گوسفندی بکشند یکی از اصحاب گفت که من این کار میکنم دیگری گفت
که من پوست میکنم دیگری گفت من پاره پاره میکنم دیگری گفت که من میپزم
آنحضرت گفت من هیمه جمع میکنم برای شما اصحاب گفتند یا رسول الله
شما تشویش مکشید پدران و مادران ما فدای تو باد ما این خدمت را بجا
می آوریم آنحضرت گفت میدانم که شما این کار میکنید ولیکن خدای تعالی مکروه
میدارد از بنده خود که با یاران خود باشد و ایشان هر کاری کنند و او
هیچ کار نکند پس آنحضرت برخواست و هیمه جمع میکرد برای ایشان وگفت

در بیان

فصل سیم آداب مسافر وگفت که رسول خدا ص وقتی که سفر میکرد با خود شانه
و مسواک و سرمه دانی برمیداشت روایت کرده است حماد بن عیسی از
ابی عبدالله ع که لقمان حکیم به پسر خود گفت که وقتی که سفر کنی با جماعت
بسیار مشورت کن با ایشان در کار خود و در کار ایشان و بسیار تبسم کن
در روی ایشان و توشه خود را با ایشان بده و وقتی که ترا طلب کنند قبول
کن هر گاه ایشان طلب یاری کنند یاری کن با ایشان و بسیار خاموش باش
و بسیار نماز بگذار و سخاوت کن با آنچه داری از چهارپا و آب و توشه
و وقتی که طلب گواهی کنند از تو گواهی بده برای ایشان با آنچه میدانی و
هر گاه مشورت کنند با تو جهد کن که آنچه خیر ایشان در آنست با
ایشان بگویی و جواب بده مشورت ایشان را تا آنکه برخیزی و بنشینی
و خواب کنی و چیزی بخوری و نماز بگذاری و فکر و حکمت خود را
در آن مشورت بکار بری یعنی باید که تامل کنی در جواب دادن
ایشان و زود جواب ندهی بدرستی که آنکسی که خالص نسازد نصیحت
خود را برای آنکسی که مشورت کند با او را برطرف کند خدای عقل
و فکر و امانت او را و هر گاه ببینی که مصاحبان تو میروند تو هم
برو با ایشان و هر گاه ببینی که کاری میکنند تو هم کاری بکن با ایشان
و هر گاه ایشان تصدق کنند و چیزی بقرض بدهند تو هم موافقت
کن با ایشان و بشنو سخن کسی را که در سال از تو بزرگتر است و هر گاه
ترا کاری بفرمایند و چیزی از تو بطلبند قبول کن و نی مکو بدرستی

که نی گفتن خوب نیست و موجب سرزنش میشود و هر گاه راه گم کنید
و نیابید فرود آیید و هر گاه شک کنید در راه راست توقف کنید و
مشورت کنید و هر گاه کسی تنهایی ببینید در راه از او راه مپرسید
و طلب راه نمایی از او مکنید بدرستی که مرد تنها در بیابان در شکی اندازد
مردم را و می تواند بود که جاسوس دزدان باشد یا آنکه او شیطان باشد
که حیران و سرگردان کند شما را و حذر کنید از دو مرد نیز که در راه ببینید
و بیابند از ایشان آنچه من نمی بینم و میدانم یعنی مگر آنکه آثار صلاح از
ایشان ظاهر باشد بدرستی که عاقل وقتی که ببیند بچشم خود چیزیرا میداند
حق را و کسی که حاضر است می بیند چیزیرا که غایب نمی بیند ای فرزند
من هر گاه وقت نماز شود تاخیر مکن در نماز بجهت چیزی و نماز بگذار
و خود را فارغ ساز بدرستی که نماز قرض است و نماز را بجماعت بگذار و اگر چه
بر بالای سنان نیزه باشد و خواب مکن بر بالای چهارپا بدرستی که پشت
او زود جراحت میشود و این کار حکیمان نیست مگر آنکه در کجاوه باشی
که توانی دست و پای خود را دراز کردن پس هر گاه بمنزل نزدیک شوی
فرود آی از چهارپای خود و اول چهارپا را علف بده و بعد از آن خود
چیزی بخور و هر گاه خواهند که فرود آیند بر شما باد که بر زمینی فرود
آیند که رنگ او نیکوتر باشد و گیاه او بیشتر باشد از زمینهای دیگر و هر گاه
فرود آیی بمنزل دو رکعت نماز بگذار پیش از آنکه بنشینی پس هر گاه خواهی
بقضای حاجت روی دور شو از نظر مردم و هر گاه بار کنی باید که دو رکعت

نماز بگذاری و بعد از آن وداع کنی زمین را بایستی که در هر قطعه از زمین جمعی از فرشتگان ساکنند و اگر قدرت داری که طعام بخوری تا آنکه از طعام خود چیزی تصدق کنی چنین کن و بر تو باد که قرآن بخوانی مادام که سواری کنی و بر تو باد که تسبیح بگویی مادام که کاری میکرده باشی و بر تو باد که دعا مادام که تشنه باشی و بپرهیز از آنکه از اول شب تا آخر شب راه روی و بپرهیز تا آنکه آواز خود را بلند کنی در وقت راه رفتن در بیان

بخشش کردن توشه و مروت کردن در سفر **وگفت** رسول خدا صلی الله علیه و آله که از شرف مرد است که نیکو کرداند توشه خود را وقتی بیرون میرود بسفر **وگفت** امام زین العابدین ع وقتی که بمکه میرفت بجهت گذاردن حج و عمره توشه او بهترین توشها بود و آن توشه بادام و شکر و تلخان بود **منقولست** از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق ع که از مروت نیست که خبر دهد مرد با آنچه با او سپرده است از خیر و شر **گفت** که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که از شرف مرد است که نیکو کرداند توشه خود را وقتی که بیرون میرود بسفر **وگفت** ابوذر رحمه الله برخاست نزد خانه کعبه و گفت که من جندب بن سکنم پس مردان گرد او در آمدند ابوذر گفت اگر شما خواهید که سفر کنید هر آینه توشه خود میسازید چیزی را که صلاح شما در آن باشد آیا برای سفر آخرت توشه که صلاح شما در آن است چرا مهیا نمیسازید مردی برخواست و گفت ای اباذر راه نمایی کن و بگوی که آن توشه کدام است ابوذر گفت روزه دار

روزی که بسیار گرم باشد تا گرمای روز قیامت بر تو آسان بگذرد و حج بکن تا آسان شود بر تو مشکلاتی که ترا پیش آید وقت مردن و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار در نیم شب برای وحشت و تنهایی در قبر و سخن خیر بگو و سخن بد مگو و صدقه بده بمسکینان امید هست که نجات یابی روز قیامت و آنچه حاصل کنی در دنیا دو حصه کن یک حصه صرف عیال خود و حصه دیگر را صرف کن برای آخرت و آنچه در غیر اینها صرف کنی ضرر میکند ترا و سخنانی که در دنیا میگویی می باید که از دو و چیز عیز این میگویی ضرر میکند بعد از آن گفت ابوذر که هلاک ساخت مرا غم روز قیامت **گفت** لقمان بپسر خود اگر ای پسر خود را که ای پسر من دنیا دریای بی پایانست و هلاک شدند در او مردم بسیار پس بگردان کشتی خود را در دنیا ایمان بخدای تعالی و بگردان بادبان آن کشتی توکل را بر خدای تعالی و بگردان توشه خود را تقوی و پرهیزکاری پس اگر نجات یابی از این دریا از رحمت خدای تعالی خواهد بود و اگر هلاک شوی بگناهان تو خواهد بود ای پسر من سفر کن با شمشیر و موزه ها و دستار و خیمه و مشک و ریسمان و درزنی و بردار با خود دوا ها اگر ترا و آنچه کسی که با تو باشد فایده دهد و موافقت کن با مصاحبان خود در همه چیز مگر در گناه **وبعضی** از روایات آمده که سفر کن با اسب خود **روایتست** که ذکر کردند مردمان جوانمردی را نزد امام جعفر صادق ع آنحضرت گفت گمان می برند که جوانمردی بفسق و فجور می باشد

در باده نباشد بکسی بخشیدن از برای دنیای خود و دیگری از برای آخرت و آنچه

چنین نیست بلکه جوانمردی و مروت طعام دادن و بخشش است و نیکویی
کردن بهر کس و ایذا ناکردن کسی را بعد از آن آنحضرت گفت مروت
نیست مردمان گفتند نمیدانیم آنحضرت گفت بحق خدا که مروت آن
نیست که خوان طعام بر در سرا بنهند که هر کس خواهد بخورد بلکه مروت
دو نوع است یکی در حضر و دیگری سفر اما مروت در حضر قرآن خواندن
و دایم بمسجد رفتن و سعی کردن در بر آوردن حاجت برادر مؤمن و نعمت
دادن بخادم خود بدرستی که نعمت دادن بخادم خود شاد میسازد دوست
را و خوار میگرداند دشمن را و اما مروت در سفر بسیاری و خوبی
توشه است و دادن توشه بهر کسی که با تو باشد و پنهان داشتن آنچه
دیدی از مصاحبان خود و بعد از جدا شدن از ایشان و بسیار مزاح
کردن در چیزی که خدای تعالی را در غضب نیاورد و بعد از آن آن
حضرت گفت که بحق آنکسی که فرستاد محمد را به پیغمبری که خدای تعالی روزی
میدهد بنده را بقدر مروت او بدرستی که یاری میکند خدای تعالی
بنده خود را بقدر مشقت و رنج و صبر میدهد بقدر سختی و بلا

فصل پنجم در بیان نگاه داشتن متاع و استخاره کردن و طلب
حاجت کردن **در بیان** نگاه داشتن متاع **گفت** امام جعفر صادق
ع که آنکسی که آیة الکرسی بخواند هر شب در سفر و بگوید اللهم اجعل
مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا بسلامت ماند او و آنچه
با او است **نقلست** از مسموعات سید ناصر الدین ابو البرکات

مشهدی

مشهدی که روایت کرده محمد بن عیسی که مردی گفت مردی که فرستادند
برای امام رضا ع از خراسان جامه و در میان آن جامه اندک خاکی
بود گفتم بآنکسی که جامه آورده که این چه چیز است آنکس گفت تربت
امام حسین است و گفت که هر چیزی را که بکسی بفرستند و با او تربت امام
حسین باشد هیچ آفتی بآنچیز نرسد و محفوظ باشد باذن خدای تع
گفت امام جعفر صادق که آمدند دو برادر نزد حضرت پیغمبر و گفتند
یا رسول الله که ما میخواهیم که بشام برویم بجهت تجارت تعلیم کن ما را
چیزی که در راه بگوییم که نفعی دهد ما را آنحضرت فرمود که در سفر بعد
از آنکه جا گیرید بمنزل خود و نماز بگذارید پس هر گاه بنهید پهلوی
خود را بر فراش بعد از نماز باید که تسبیح فاطمه زهرا بگویید و آن سی
چهار تکبیر است و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله
و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید بدرستی که چون چنین کنید محفوظ
میمانید از هر بلایی پس ایشان بسفر رفتند و دزدان در عقب
ایشان رفتند تا آنکه ایشان فرود آمدند پس دزدان فرستادند
پسری را که نظر کند که ایشان در خوابند یا بیدار و یکی از آن دو
برادر پهلوی خود را بر فراش نهاده بودند و آیة الکرسی خوانده بود
و تسبیح زهرا ع گفته بود آن آمد بجانب ایشان دور گرد هر یک
دیواری دید و هر چند بگرد ایشان گشت هیچ چیز ندید مگر دو
دیوار آن پس بازگشت و بمصاحبان خود گفت که بحق خدا که ندیدم

مگر دیواری دزدان گفتند بآن پسر که خوار و رسوا گرداند ترا
خدای تعالی بدرستی که دروغ میگوئی بلکه ترسیدی و بیدل شدی
و نرفتی که ببینی که ایشان در خوابند یا بیدار پس دزدان برخاستند
و رفتند و نظر کردند هیچ چیز ندیدند مگر دو دیوار پس بر گرد آن
دو دیوار گشتند هیچ آدمی ندیدند باز گشتند و بجای خود آمدند
چون روز شد دزدان آمدند نزد آن دو برادر و گفتند شما کجا
بودید ایشان گفتند که ما اینجا بودیم و جای دیگر نبودیم و از اینجا
دور نشدیم پس گفتند دزدان که ما شب آمدیم و در اینجا ندیدیم
مگر دو دیوار خبر دهید ما را از قصهٔ خود ایشان گفتند در
وقتی که بسفر بیرون می آمدیم رفتیم نزد حضرت رسول خدا ص
و آنحضرت تعلیم کرد ما را آیة الکرسی و تسبیح زهرا ع در وقت
خواب ما نخوابیدیم چنین کردیم دزدان گفتند که بروید بحق
خدای که ما هرگز در عقب شما نخواهیم آمد و قادر نخواهد
شد بر شما هیچ دزدی بعد از آن که آنچه آنحضرت گفت بخوانید
و گفت در بیان استخاره برای تجارت گفت عبد الرحمن بن سیابه
که رفتم سالی بجانب مکه و متاع من جامه بود و بازار جامه
کساد بود و رواجی نداشت مصاحبان من گفتند که این
متاع را بمصر ببر یا بیمن و باز مگردان بکوفه پس مختلف
شد رای ایشان در من پس رفتم نزد امام موسی ع بعد از آن

روز سیم عید قربان بیک روز و بآنحضرت خبر دادم آنچه مصاحبان من
گفته بودند و گفتم فدای تو گردم چه میفرمائی تا چنان کنم آنحضرت گفت
که قرعه بزن میان مصر و یمن و بعد از آن کار خود را بخدا انداز پس قرعه
بنام هر شهر که بیاید متاع خود را آنجا ببر گفتم فدای تو گردم چگونه قرعه
بزنم گفت بنویس بر کاغذ پاره بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ الْعَالِمُ وَاَنْتَ
الْمُعَلِّمُ فَانْظُرْ لِي فِي اَيِّ الْاَمْرَيْنِ خَيْرًا لِي حَتّٰى اَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ
فِيهِ وَاَعْمَلَ بِهِ و بعد از آن بنویس مصر ان شاء الله و بر کاغذ
پاره دیگر بنویس آنچه در کاغذ پاره اول نوشته و بعد از آن
بنویس[2] در این کاغذ پاره تُحْبَسُ الْمَتَاعُ وَلَا يُبْعَثُ اِلَى بَلَدٍ مِنْهُمَا
و بعد از آن جمع کن هر سه کاغذ پاره را و بکسی بده که بپوشد کاغذ
پاره ها را از تو بعد از آن دست در آن کن و یکی از آن سه
کاغذ پاره را بر دار پس هر کدام بدست تو در آید توکل کن بر خدا
تع و بآن عمل کن که خیر تو در آن خواهد بود ان شاء الله تع و گفت
امام جعفر صادق که امام زین العابدین ع هر گاه قصد میکرد
که حج یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد
وضو میساخت و دو رکعت نماز استخاره میگذارد و در
دو رکعت سورهٔ فاتحه و سورهٔ الرحمن و سورهٔ حشر میخواند
چون فارغ میشد از نماز دویست نوبت میگفت استخیر الله

یعنی پس بنویس مثل آنچه در آنها نوشته بود یعنی پس بنویس

وبعد از آن قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند
وبعد از آن میگفت همّت بامر علمته فان کنت تعلم فانه خیر لی فی دینی
ودنیای وآخرتی منها فقدّره لی وان کنت تعلم انه شرّ لی فی دینی ودنیای
وآخرتی فاصرفه عنّی ربّ اعزم لی علی رشدی وان کرهت ذلک و
احبّت نفسی بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
حسبی الله ونعم الوکیل وبعد از آن انکار میکرد **در بیان** طلب کردن
حاجت چون خواهی که صباح متوجه کاری شوی و آفتاب بر آمده باشد
و سرخی آفتاب بر طرف شده باشد دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه و قل هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
بخوان و هرگاه سلام دهی بگو اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما
امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا واسعا حلالا طیبا واعطنی
فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله وقوته غدوت بغیر حول
منی ولا قوة ولکن بحول لک وقوتک وابرء الیک من الحول والقوة اللهم
انی اسألک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین چون بیازار رسی بگو اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر واشهد ان محمدا
عبده ورسوله اللهم انی اسألک خیرها وخیر اهلها واعوذ بک
من شرها وشر اهلها اللهم انی اعوذ بک ان ابغی او یبغی علیّ وان

اظلم

اظلم او اظلم واعتدی او یعتدی علیّ واعوذ بک من ابلیس وجنوده
وفسقة العرب والعجم حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم و هرگاه خواهی که چیزی بخری بگو یا حیّ یا قیوم یا دائم یا رئوف
یا رحیم اسألک بقوتک وقدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی
من التجارة الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها لی عاقبة
لا خیر فیما لا عاقبة له و هرگاه خواهی که چهارپائی یا بنده بخری بگو
اللهم ارزقنی اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة و چون بخری
چیزی از متاع و غیر متاع تکبیر بگو و سه نوبت بگو اللهم انی اشتریته
التمس فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا و سه نوبت بگو اللهم
انی اشتریته التمس فیه رزقا این دعاها که مذکور شد در طلب
حاجت روایت است از امام جعفر صادق ع **فصل ششم** در آداب راه
رفتن و کراهت تنهائی در سفر و دعاهای متفرقه که می باید خواندن
در بیان آداب راه رفتن **گفت** امام جعفر صادق که در سفر شتاب
کنید در راه رفتن بدرستی که شتاب رفتن آسانتر است و مشقت سفر
زود بر طرف میشود **و گفت** که حضرت پیغمبر ص رسید بجماعتی که پیاده
میرفتند آن جماعت شکایت کردند نزد آنحضرت از مشقت راه رفتن
آنحضرت فرمود که شتاب بروید **و گفت** ابو عبد الله ع که شتاب در رفتن
می برد قدر و منزلت مؤمن را و نیز گفت که مشقت راه رفتن پای
مشقت باز گشتن بسیار نیست **و گفت** حضرت پیغمبر ص که شتاب رفتن

می برد قدری و دنیائی مردرا **روایت** که پرسید معاویة بن عمار ابا عبد الله
را ع از حال مردی که قرض داشته باشد که آیا بر او واجبست حج کردن آنحضرت
گفت که حج اسلام واجبست بر مسلمانی که طاقت بپیاده رفتن داشته باشد
~~و بیشتر کسانی که حج میکردند با رسول خدا پیاده رفتن داشته باشد و~~
کسانی که حج میکردند با رسول خدا پیاده بودند **روایت** که گذشت رسول خدا
ص بموضعی که از اکراع غنیم میگفتند پس شکایت کردند جماعتی از سختی و ما
ندگی آنحضرت گفت که محکم بربندید لنگ خود را بر بالای جامه پس چنین کردند
آن سختی و ماندگی رفت از ایشان **روایت** که آنحضرت دعا کرد برای ایشان
و گفت که بر شما باد که بشتاب روید و شبگیر کنید و در پاس اول شب بروید
بدرستی که زمین در نوردیده میشود در شب **گفت** ابو بصیر که پرسیدم
ابا عبد الله را ع از تفسیر قول خدا تعالی که وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ
اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا آنحضرت گفت که مراد اینست که پیاده برود کسی
که مقدار چیزی نداشته باشد که تمام راه سوار شود گفتم اگر قدرت نداشته
باشد بر پیاده رفتن چکند گفت بعضی از راه را پیاده برود و بعضی را
سواره گفتم اگر برین هم قادر نباشد چکند گفت خدمت مردم بکند و با
ایشان برود و معنی آیت اینست که مر خدای راست بر مردمان قصد خانه
کعبه هر که توانائی دارد که برود بسوی آنخانه **گفت** امام جعفر صادق
ع که آمدند جماعتی از اهالی که پیاده میرفتند نزد رسول ص و شکایت
کردند از ماندگی آنحضرت گفت بر شما باد که بشتاب بروید پس چنین کردند

ورفت

و رفت از ایشان ماندگی و نیز گفت که رفت رسول خدا ص بموضعی که آنرا
اکراع غنیم میگفتند پس صف کشیدند جماعتی که پیاده میرفتند و گفتند
یا رسول الله دعا کن برای ما آنحضرت گفت اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِمْ أَجْرَهُمْ وَقَوِّهِمْ
و بعد از آن گفت که اگر شما بشتاب بروید سبک میشود بدن شما و زود
قطع میشود پس چنین کردند سبک شد بدن ایشان و نیز گفت که رسول خدا
ص فرمود که سوار سزاوارتر است که بجادهٔ راه رود از پیاده و پابرهنه
سزاوار است که بجاده برود از کسی که کفش پوشیده باشد و نیز گفت
که سزاوار نیست که زن در میان راه برود سزاوار نیست که در کنار راه
برود و نیز گفت که رسول خدا ص فرمود که سزاوار نیست زنان را
که در میان راه بروند و سزاوار نیست که در کنار راه بروند در بیان کراهت
تنهایی در سفر **گفت** ابو عبد الله ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که آیا خبر دهم
شما که بدترین شما کیست گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که بدترین
مردمان آنکس است که تنها سفر کند و بخیلی کند و بزند بنده خود را و نیز
گفت که حضرت پیغمبر ص گفت بامیر المؤمنین علی ع که یا علی تنها بسفر مروید بدرستی
که شیطان با کسی است که تنها است و از دو کس دور است **گفت** امام موسی
ع که لعنت کرده است رسول خدا ص سه کس را اول کسی را که توشه خود را
تنها بخورد دوم کسی که در خانه تنها خواب کند سیم کسی که تنها سواره
رود در بیابان **و گفت** اسمعیل بن جابر که بودم نزد امام جعفر صادق
ع در مکه که آمد مردی از مدینه نزد آن حضرت با عزم که کسی در همراه

تو در راه آن شخص گفت که هیچکس همراه من نبود آنحضرت گفت اگر پیش ازین
ملاقات میشد میان من و تو هر آینه بصلاح می آوردم کار ترا بعد از آن
گفت که کسی تنها باشد شیطان با اوست و اگر دو کس باشند دو شیطان
با ایشان است و اگر سه باشند مصاحب یکدیگر نند و شیطان با ایشان
نیست و اگر چهار کس باشند رفیقانند **گفت** امام موسی ع که آنکسی که
تنها بسفر رود باید که بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس
وحشتی واعنی علی وحدتی وادّ غیبتی **و گفت** (در بیان) دعای که می باید خواند کسی
که راه گم کرده باشد **و گفت** امام جعفر صادق ع که وقتی که راه گم کنی ندا
کن و بگو یا صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله **دو ا- ب** که صالح
موکل بر آست و حمزه موکل بحر است و نیز گفت که وقتی که گمراه سازد غول شما
را بانگ نماز بگوئید **و گفت** ابو عبید الحذا که بودم با امام محمد باقر ع در سفری
پس گم شد شتر من آنحضرت گفت دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن بگو اللهم
راد الضالة هادیا من الضلالة رد علی ضالتی فانها من فضلک و عطائک
و بعد از آنکه دو رکعت نماز گذاردم و این دعا خواندم آنحضرت گفت یا
ابا عبید الله سوار شو پس سوار شدم با آنحضرت چون پاره راه رفتیم ناگاه
سیاهی دیدم در راه آنحضرت گفت یا عبید این شتر تست نگاه کردم شتر
من بود **و نیز** دعای که می باید خواند در وقت فرود آمدن در منزل
حضرت پیغمبر ص با میر المؤمنین علی ع که یا علی در سفر هر گاه فرود آیی بمنزل
بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین **در حدیث** آمده که این با ...

واحفظنی فی غیبتی

یا صالح ادر...

می باید خواند که و آتنی بما آتیت به الصالحین و هب لی السلامة و العافیة
فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق و ذرأ
و برأ بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بگو اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة و
واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من وبائها و حببنا
الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا و هر گاه خواهی که کوچ کنی دو رکعت
نماز بگذار و طلب کن از خدای تعالی که نگاه دارد ترا و وداع کن آن موضع را و اهل
آن موضع را بدرستی که در هر موضعی فرشتگان ساکنند و بگو السلام علی ملائکة
الله الحافظین و السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته
در بیان دعائی که می باید خواند در وقت باز گشتن از سفر **گفت** که حضرت
پیغمبر ص چون باز گشت از جنگ خیبر گفت آیبون تائبون انشاء الله عابدون
راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی
سفری و حضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة مقرونة بتوبة
نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین **در بیان** دعائی که باید خواند
در وقت در آمدن بشهری یا دهی **گفت** رسول خدا ص با میر المؤمنین
علی ع که یا علی هر گاه خواهی که بشهری یا دهی در آیی بگو در وقت دیدن
آن ده اللهم انی اسالک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم حببنا
الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا **در بیان** دعایی که می باید خواند
وقت راه رفتن **گفت** ابو عبد الله ع که رسول خدا ص در سفر هر گاه
از بلندی بنشیب میرفت تسبیح میگفت و هر گاه از پستی بر بلندی بر می آمد

تکبیر میگفت و گفت رسول خدا صلعم که بحق آنکسی که نفس ابی القاسم در

ید قدرت اوست که هر که تهلیل و تکبیر بگوید بر جای بلندی بجهت تهلیل

او تهلیل گوید هر چیزی که در پیش اوست از فرشته و غیر آن تا انقطاع

زمین **وگفت** آنچه می باید خواند وقتی که در کشتی نشستن بسم الله الملک

الرحمن وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء

قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه

قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤکم

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور

رحیم **ونیز گفت** دعائی که می باید خواند وقت گذشتن از پل هر گاه برسی

به پل وقتی که پای خود را بر پل نهی بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم

گفت امام جعفر صادق ع که بر بالای هر پلی شیطانی ساکن است پس هر گاه

به پلی برسی بسم الله بگو تا شیطان دور شود ونیز گفت که در سفر اگر در بیابانی

باشی و بترسی از جنی یا آدمی بنه دست راست خود را بمیان سر خود و

بخوان با واز بلند افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض

طوعا وکرها والیه ترجعون **ونیز** آنچه می باید گفت بکسی که از سفر

حج یا غیر حج آمده باشد **وگفت** امام جعفر صادق ع که حضرت پیغمبر صلعم میگفت

بکسی که از حج می آمد که تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر

ذنبک ونیز گفت که آنکسی که دست در گردن حاجی غبار آلوده کند

و در بر گیرد او را همچنانست که حجر الاسود را در بر گرفته باشد **نقلست** از ائمه

علیهم السلام که وقتی که از سفر بیاید و بمنزل خود در آید سزاوار نیست که مشغول

شود بچیزی تا آنکه غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و سجده کند و صدقه بدهد و

شکر بگو خدای تعالی را **روایت** که چون جعفر طیار باز گشت از طایف در

بر گرفت او را رسول خدا صلعم و بوسید میان دو چشم او را و گفت که نمیدانم که بکدام

یک از این دو چیز خوشحالی کنم بآمدن جعفر یا بفتح خیبر **روایت** که اصحاب

رسول خدا صلعم مصافحه میکردند با یکدیگر **روایت** که اصحاب رسول خدا

صلعم مصافحه میکردند با یکدیگر هر گاه با هم میرسیدند و هر گاه یکی از ایشان

از سفری آید بدیدن او میرفتند و دست در گردن او میکردند و در بر میگرفتند

او را **فصل پنجم** در بیان رعایت کردن چهارپا و حق او بر صاحب **گفت**

ابوذر که شنیدم که رسول خدا صلعم میگفت که چهارپا میگوید اللهم ارزقنی

ملیک الصدق یشبعنی ویسقینی ولا یحملنی ما لا اطیق یعنی بار خدایا

روزی کن مرا صاحب راست گویی که سیر کند مرا و آب دهد و بار

نکند افزون از آنکه طاقت نداشته باشم **گفت** امام جعفر صادق ع

که کسی که چهارپای بخرد آن چهارپا میگوید اللهم اجعله بی رحیما

یعنی بار خدایا بگردان آنکسی را که مرا خریده است بر من رحیم ونیز گفت

که چهارپا نگاه دارید به درستی که زینت و باور ده میشود از حاجتها

و روزی او بر خدای تعالی است **روایت** کرده شده است که گفت

رسول خدا صلعم که خدای تعالی دوست میدارد که مدارا کنید بچهارپا

پس وقتی که سوار شوید بر چهارپای لاغری باید که چند مرتبه فرود

تا بمنزل رسیدن پس اگر زمین خالی از گیاه باشد شتاب برید و اگر علف
داشته باشد فرود آیید در منزل‌ها که در راه می‌باشد تا بمنزل رسیدن
گفت امیرالمؤمنین علی ع که آنکس که سفر کند و چهارپای داشته
باشد وقتی که فرود آید باید که اول علف و آب بدهد آن چهارپا را گفت
ابو جعفر که هرگاه در سفر برسید بزمین خشکی که گیاه نداشته باشد
شتاب برید گفت امام جعفر صادق ع که آنکس که چهارپای بخرد
مر او راست که سواری کند و بر خداست روزی آن چهارپا گفت حضرت
پیغمبر ص که حق چهارپا بر صاحب آنست که وقتی که فرود آید اول علف
دهد او را و وقتی که بآب برسد بگذارد که آب بخورد و چیزی بر
روی او نزند بدرستی که چهارپا تسبیح و حمد میگوید خدای تعالی را و توقف
نکند بر پشت چهارپا گاهی که عنان ندارد مگر در راه خدا و بار نکند او را
زیاده از طاقت او و نراند او را زیاده از آنچه طاقت اوست گفت امام
جعفر صادق که از نیک‌بختی مرد است نگاه داشتن چهارپایی که سوار
شود بجهت حاجت خود و حاجت برادر مؤمن و نیز گفت که زین مرکب
ملعونست برای زنان یعنی باید که زنان بر مرکبی که زین داشته باشد
سوار نشوند و نیز گفت که از بدبختی است مرکب بد نگاه داشتن و نیز
گفت که سواری تعویذ است گفت که پرسیدم از امام جعفر
صادق ع که گاهی بزنم چهارپایی را که سوار باشم بر وی آنحضرت گفت وقتی
بزن او را که راه نرود در زیر تو چنانکه میرود بجای کرمی شد ند

اورا

او را و چیزی میدهند و نیز گفت که نزنید چهارپای خود را بجهت بر در
آمدن و بزنید بجهت رمیدن بدرستی که او چیزی می‌بیند که شما نمی
بینید و گفت حضرت پیغمبر ص که هرگاه چهارپا بسر در آید و بگوید آنکس که بر
سوار است که هلاک شدی آن چهارپا گوید که هلاک شود آنکس که
عاصی‌تر است پروردگار را گفت امیرالمؤمنین علی ع که هر که چهارپای
من ببرد در بنا مد کسی پرسید بچه سبب آنحضرت گفت که بجهت آنکه هرگز
در کشت زاری نراندم چهارپای خود را و نیز گفت که نزنید روی چهارپا را
و لعنت مکنید ایشان را بدرستی که خدای تعالی لعنت کرده است لعنت کننده
چهارپایان را گفت حضرت پیغمبر ص که هرگاه لعنت کنید چهارپایان را
البته ایشان هم لعنت میکنند شما را و نیز گفت که منشینید بر گردن چهار
پایان و توقف مکنید بر پشت او گاهی که غیر اینها او را و نیز گفت با امیر
المؤمنین علی ع که یا علی باید که هر کس بر یک چهارپا سوار نشوند بدرستی
که آنکه در پیش سوار است ملعونست و نیز گفت که هر چیزی را حرمتی
است و حرمت چهارپا در روی اوست و گفت سکونی که حضرت
پیغمبر ع دید شتر ماده که زانوهای او را بسته بودند و بر آن شتر چهارپای
بود آنحضرت گفت که صاحب این شتر از مروت دور است بدرستی
که این شتر در روز قیامت با وی خصومت خواهد کرد و نیز گفت که
نشتر را
که چهل حج کرد امام زین العابدین ع بر شتر ماده که داشت و نزد ا
تازیانه و گفت ام سلمه که شنیدم از رسول خدا ص که گفت در

میشوند فرشتگان از قافله که بر چهارپایان خود جرس بسته باشند در بیان
روایاتی که واقع شده در باب شتر **گفت** امام جعفر صادق ع که
شتر سرخ مخرید بدرستی که عمر او کوتاه است از عمر شتران دیگر و شتر
سیاه بد شکل بخرید بدرستی که عمر او دراز است از شترهای دیگر
روایت که منع کرد رسول خدا ص از گذشتن در میان قطار شتر کسی
گفت یا رسول الله جهت این چیست آنحضرت گفت جهت آنست که
هر شتری که هست میان هر دو شتر شیطانیست و نیز منع کرد از خوردن
گوشت شتری که نجاست خوار باشد و از آشامیدن شیر او و از بار
کردن نان خورش برو و از سوار شدن برو پیش از آنکه چهار شبانه
روز علف بدهید او را **در بیان** روایاتی که واقع شده است در باب
اسب و غیر آن **گفت** رسول خدا ص که همیشه با اسب خیر است تا
روز قیامت و کسی که نفقه کند باسب در راه خدا همچنان است که
صدقه میداده باشد و نیز گفت که مبرید موی پیشانی اسب و یال
و دم او را بدرستی که خیر در پیشانی اسب است و بیال خود گرم میشود
و دم او مگس ران اوست و نیز گفت که مبارکی و نجستگی در اسب
سرخ است که مایل بسیاهی باشد و در اسب سیاه است که پیشانی
او سفید است و مطلق الیمین باشد **گفت** امام رضا ع که در سوراخ
بینی هر چهارپائی شیطانیست پس هر گاه خواهید که لجام کنید او را
باید که بسم الله بگوید **روایت** کرده است ابو عبیده که گفت امام محمد

باقر

باقر ع با امام جعفر صادق ع که هر چهارپای که دشوار باشد بر صاحب لجام
کردن او و رمنده باشد بایشد کرده گوش او بار و بخواند که افغیر دین
الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه تر
جعون و نیز بگوید اللهم سخرها و بارک لی فیها بحق محمد و آل محمد و سوره
انا انزلنا بخواند **گفت** امام محمد باقر ع که بهترین شتر در من شتر سرخ
است **روایت** که رسول خدا سوار میشد بر دراز گوشی که نام او یعفور
بود **فصل ششم** در بیان چیزهای نادر که در سفری باشد **و نیز** گفت حضرت
پیغمبر ص با میر المؤمنین علی ع که یا علی چون سفر کنی در رودخانه فرو میا
بدرستی که رودخانه جایگاه درنده و مار است **نقلست** از کتاب محاسن
که ذکر کرده اند در پیش حضرت پیغمبر ص یکی از اصحاب که گفت او مردی نیکی است
جمعی از اصحاب گفتند یا رسول الله او در راه حج با ما بود وقتی که
فرود می آمدیم او تهلیل میگفت تا آنکه کوچ میکردیم چون کوچ میکردیم
همیشه ذکر خدای میگفت تا فرود می آمدیم آنحضرت گفت که کدام یک
از شما علف میداد شتر خود را و طعام می پخت در این سفر جماعت گفتند
که ما همه این کار میکردیم آنحضرت گفت همه شما بهتر بودید از او **و گفت** ابو عبد الله
ع که رسول خدا ص در سفری بر شتری سوار بود پس ناگاه فرود آمد و پنج
سجده کرد چون سوار شد اصحاب گفتند یا رسول الله دیدیم ترا کاری
کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت بلی جبرئیل ع آمد و بشارت
آورد از خدای تعالی پس سجده شکر بجای آوردم برای هر بشارتی و گفت

گفت اسحق بن عمار که بیرون رفتم با ابا عبدالله ع بسفری و انحضرت با خود
چیزی میگفت بعد از آن رو بقبله کرد و سجده کرد و در سجده مکث
بسیاری کرد بعد از آن روی راست خود را بر زمین نهاد و مکث بسیار کرد
بعد از آن دست بروی خود مالید و سوار شد گفتم با انحضرت که پدر و مادر
من فدای تو باد کاری میکنی که هرگز از تو ندیده ام انحضرت گفت ای
اسحق بیاد آمد مرا نعمتی از نعمتهایی که خدای تع بمن داده است پس دوست
داشتم که خوار کردانم نفس خود را و بعد از آن گفت ای اسحق هر بنده که
خدای تع باو نعمتی بان نعمت پیش از انکه فارغ شود از ان نعمت با خدای تع
زیاده کرداند نعمت او را در دنیا و آخرت گفت حضرت پیغمبر ص که وقتی
که بسفر روید و باز آیید از سفر و نزد اهل خود بیایید باید که هدیه بیارید
برای ایشان و چیزی نیکویی بیارید که گر تند بروید گفت امام جعفر
صادق ع که ابو جعفر ع فرمود که مضایقه مکنید در خریدن چهار چیز
قربانی و کفن و بنده و کرایه راه مکه گفت امام زین العابدین ع که
وقتی که خواهی که چیزی بخری که در راه حج بآن احتیاج می باشد بخر و
مضایقه مکن در بها گفت جابر بن عبدالله که منع کرد رسول خدا ص
که مسافر شب بخانه خود رود و پیش از انکه خبر کند اهل خانه را گفت
رسول خدا ص که سفر پاره ایست از عذاب پس وقتی که سفر کنید باید که
زود بگردد باهل خود گفت امام جعفر صادق ع که سفر کردن مینت
مکند تو شر را و بد میکند خلق را و کهنه میکند جامه را گفت حضرت

نعمتی باو دهد پس شکر کند
بسجده و حمد خدا کند

اگر چه سنگی باشد در جیب در که
هر گاه خسته و مانده شود
یکی از شما پس باید که بدود

پیغ

پیغمبر ص که وقتی که راه گم کنید بدست راست بروید و گفت امام جعفر صادق
ع که بر بالای هر پلی شیطانیست پس هر گاه بر پل برسی بسم الله بگو
تا دور شود شیطان از تو و روایت کرده است که پرسید شخصی از امام رضا ع که
ایا سوار می توان شد بر زین و لجام که در و نقره باشد انحضرت گفت اگر زین
و لجام روا ندود باشد و نتوان نقره را کندن باکی نیست و اگر تمام نقره باشد
یا توان نقره را کندن سوار مشو و گفت حضرت پیغمبر ص که انکسی که یاری
کند مومن مسافر را ببرد خدای تع از و هفتاد و سه اندوه و برهاند او را
خدای تع در دنیا از غم و اندوه و ببرد از و اندوه عظیم را در روزی که
درمانده باشند مردمان بنفس خود و ان روز قیامت است و گفت
یعقوب بن سالم که گفتم بابی عبدالله ع که با من چند درهم است که در آن
صورتهاست و من احرام حج بسته ام و ان درهمها را در همیانی کرده ام و
محکم بسته ام در میان ایا قصوری ندارد انحضرت گفت که باکی نیست
آن درمهای نقره است و بعد از خدای تع اعتماد تو بر انست و نیز
و گفت ابو عبدالله ع که وقتی که سفر کنید سفره بردارید و نیکویی کنید
در ان سفره گفت نفر خادم که نظر کرد امام موسی ع که بسفره که در وی حلقهای
از نقره بود پس گفت بکنید این حلقها را و بجای انها حلقه از آهن
بنهید بدرستی که هرگاه حلقه سفره از آهن باشد نزدیک نمیشود بان حشرات
زمین با چیزی در سفره است گفت حضرت پیغمبر ص که توشه مسافر حدی
کردن و خواندن شعری است که در وفحش نباشد نقلست از کتاب

محاسن که گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که بپرهیزید از
فرود آمدن در آخر شب در میان راه و در میان رودخانه بدرستی که راه
گذر درندهاست گفت امام جعفر صادق ع که هرگاه مصاحبت کنی
بجماعتی نیکو باشی با ایشان که اینجا فرود آیید و اینجا فرو میایید بدرستی که در
میان ایشان کسی خواهد بود که داند که کجا فرو می باید آمدن و احتیاج
بگفتن تو نیست فصل باب دهم در بیان دعاها و آنچه متعلق است بآن
و درین باب پنج فصل است فصل اول مصنف کتاب میگوید که بدرستی که چند
مجموعها است که جمع کرده است دعاها را ~~در آن مجموعها~~ پس خواستم
که انتخاب کنم از آن مجموعها باب مختصری که لایق باشد باین کتاب و جمع باشد
در آن باب دعاهای نیکو و آنچه متعلق است بدعا پس استخاره کردم بخدای
تعالی در جمع کردن این باب و توفیق خدای تعالی یافتم پس انتخاب کردم که جمع است در قا بخیر
میخواستم و میخواهم از خدای تعالی که توفیق دهد که عمل کنیم بآنچه درین باب است
بدرستی که خدای تعالی شنوا است و بفضل و کرم خود اجابت میکند فصل اول
در فضل دعا و کیفیت دعا خواندن در بیان روایاتی که واقع شده است
در فضیلت دعا گفت رسول خدا ص که هیچ چیز بزرگوارتر نیست
نزد خدای تعالی از دعا روایت کرده است حنان بن سدیر که گفت
پدر من که پرسیدم از امام محمد باقر ع که کدام عبادت فاضلتر و بهتر است
نزد خدای تعالی آنحضرت گفت که نیست چیزی بهتر نزد خدای تعالی از
کسی که تکبر کند از عبادت او و سوال نکند و نطلبد چیزی را که نزد

در باب دعاها

خدای

خدای تعالی است و گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که سوال نکند از خدای
تعالی و طلب نکند از فضل و کرم او محتاج شود و گفت حضرت پیغمبر ص
که دفع نمیکند بلا را مگر دعا و نیز گفت که دعا سلاح مؤمن و ستون
دین است و نور آسمان و زمین است و نیز گفت که آیا دلالت کنم شما را
بر سلاحی که نجات دهد شما را از دشمنان و پیوسته گرداند روزی
شما را گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت دعا کنید و طلب حاجت خود
کنید از پروردگار خود شب و روز بدرستی که سلاح مؤمن دعا است
و گفت امام حسین ع که رسول خدا ص بر میداشت دستهای خود
را وقتی که تضرع و دعا میکرد و همچنانکه طلب طعام کند درویشی
و گفت حضرت پیغمبر ص که عاجزترین مردمان کسی است که عاجز باشد
از دعا یعنی دعا نکند و بخیلترین مردمان کسی است که بخیلی
کند بسلام و نیز گفت که هر که دعا کند و نباشد در آن دعا قطع رحم
و طلب چیزی که موجب گناه باشد بدهد خدای تعالی او را بسبب آن
دعا یکی از سه خصلت یا آنکه دعای او را مستجاب کند یا آنکه آن دعا
را ذخیره سازد برای او در آخرت یا آنکه دور کند از و بدی مثل
آن دعا و گفت امیر المؤمنین علی ع که حقیر مدانید دعای
کسی را بدرستی که گاهی مستجاب میشود دعای نیکی که یهودی
کند در حق شما و مستجاب نمیشود دعای یهودی در حق خودش
و نیز گفت که بهترین عملهای نزد خدای تعالی در زمین دعا است

وهبتی بن عباد تنها بهمین کار بیت گفت عبدالله بن سنان که دعا رد
میکند قضا را بعد از آن که قضا محکم شده باشد پس بسیار دعا کن بدرستی
که دعا کلید هر رحمت است و سبب روا شدن هر حاجت و نمی رسد
بنده بانچه نزد خدای تعالیست مگر بدعا و هر کس بکوبد دری را کشوده
شود آن در برای او روایت کرده است عبدالله بن میمون القداح
که گفت که هر بنده بر دارد دست خود را بسوی خدای تع شرم کند خدای
تع ~~شرم کند خدای تع~~ که خالی و تهی باز گرداند دست او را و بدهد
باو از فضل و رحمت خود آنچه خواهد پس هر گاه دست بر دارید و دعا کنید
باید که باز نگردانید دست خود را تا آنکه بمالید بر سر و روی خود روایت
از هشام بن سالم که گفت ابو عبدالله ع که آیا میدانید که کدام بلا بسیار می
ماند و کدام بلا زود بطرف میشود گفتم نه آنحضرت گفت هر گاه ملهم شوید
بدعا کردن و بخاطر شما برسد که دعا باید کرد در وقتی که بلا متوجه
شما شود بدانید که آن بلا زود برطرف میشود و نیز گفت که دعا
در حالت عافیت سبب استجابت دعا و بر آوردن حاجت میشود
در حالت بلا و نیز گفت که وحی کرد خدای تع بداود ع و گفت که یاد
کن مرا در حالت خوشی تا مستجاب گردانم دعای ترا در حالت سختی
و نیز گفت که آنکس که بترسد از بلایی و پیش از آنکه آن بلا باو برسد
دعا کند ننماید خدای تع آن بلا را باو هرگز و روایت از ابی عبدالله ع
و ابی جعفر ع که گفتند که بحق خدای که نمی هر بنده که الحاح بسیار نماید

در دعا

مستجاب گرداند خدای تع دعای او را و گفت ابو عبدالله ع که آنکسی
نیکو وضو ساخته باشد و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود
را نیکو بجا آورد و بعد از آن سلام دهد و حمد و ثنا بگوید خدای
تعالی را و صلوات بفرستد بر رسول و آل او علیهم السلام و بعد از آن
حاجت خود را طلب کند از خدای تع بدرستی که طلب کرده است
چیزی را در محل خود و آنکسی که طلب خیر کند در محل خود نا امید نشود
نقلست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر ص که بلا معلق است
میان آسمان و زمین مثل قندیل پس هر گاه طلب کند از پروردگار
خود هر حاجتی که دارید تا آنکه بند نعلین شما چون گسسته شود از خدای
تع طلب کنید گفت امام جعفر صادق ع که گردانیده است خدای
تع روزی مؤمنان را از جایی که ایشان گمان نمی برند و این بجهت
آنست که هر گاه بنده نمیداند که روزی او از کجاست بسیار دعا
میکند و نیز گفت که آنکسی که خواهد که مستجاب شود دعای او
در حالت سختی باید که بسیار دعا کند در حالت عافیت و خوشحالی
گفت امام رضا ع که یک دعای پنهانی برابری میکند هفتاد دعای
آشکارا گفت ابو عبدالله ع که خدای تع میداند آنچیزیرا
که بنده میخواهد وقتی که دعا میکند و لیکن خدای تع دوست
میدارد که بنده اظهار کند بسوی او حاجتهای خود را و نیز گفت
که خدای تع اجابت نمیکند دعای کسی را که دل او غافل باشد

دفع میکند از او بلا را فرمود
از خدا بخواهید هر حاجتی
کرده باشید

پس هر کاه دعا کنی متوجه شو بدل خود و یقین کن که دعای تو مستجاب
میشود و نیز کفت که خدای تعالی کراهت میدارد که مردمان مبالغه کنند
در چیز طلبیدن از یکدیکر و دوست میدارد که سؤال کنید و طلب
نمایید چیزی را که نزد او است وکفت امام رضا ع باصحاب خود که بر شما
باد بسلاح پیغمبران کفتند کدام است آنحضرت کفت دعاست کفت امام
جعفر صادق ع که دعا تیزتر میکند دندان سر نیزه یعنی تاثیر دعا بیشتر است
از تاثیر سر نیزه کفت حماد بن عثمان که شنیدم که امام جعفر صادق ع
میکفت که دعا رد میکند قضا را و کسسته میشود قضا بسبب دعا همچنانکه
کسسته میشود رشته و اکرچه آن قضا محکم شده باشد کفت امام موسی
ع که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا کردن و طلب کردن از خدای
رد میکند بلا را و اکرچه آن بلا مقدر شده باشد و حکم شده باشد
نزول آن و موقوف نباشد نزول آن بلا مکر اجرای (امضا) آن حکم پس هر کاه
دعا کنید و سؤال کنید از خدای تعالی بکرداند خدای تعالی آن بلا را کفت
امام جعفر صادق ع که بر تو باد که دعا کنی بدرستی که در دعا شفاست
از همه دردی و نیز کفت که آنکس که دعا کند پیش از فرود آمدن بلا مستجاب
میشود دعای او در وقت فرود آمدن بلا و فرشتها میکویند که این
آواز آشناست و باز شنیده ایم کفت امام زین العابدین ع که دعا
بعد از نزول بلا فایده نمیدهد وکفت امام جعفر صادق ع که هر کاه
دعا کنید متوجه شو بدل خود و چنین بدان که حاجت تو روا شده است

ونیز

و نیز کفت که هر کاه دعا کنی بدان حاجت تو روا شده و نیز کفت
که هر بنده مؤمنی که مبالغه کند در طلب حاجت خود از خدای تعالی
بر آورد خدای تعالی حاجت او را کفت حضرت پیغمبر ص که رحمت کند
خدای تعالی بنده را که طلب حاجت خود کند از خدای تعالی و مبالغه
نماید در دعا خواه دعای او مستجاب شود و خواه نشود و آنحضرت
خواند این آیه را که وَادْعُوا رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا یعنی
میخوانم پروردکار خود را و می پرستم شاید که نباشم بخواندن و پرستیدن
پروردکار خود ناامید و بی بهره کفت امیر المؤمنین علی ع که بنده که
مبتلا باشد ببلائی و اکرچه این بلا بزرک باشد سزاوارتر نیست بدعا کردن
از بنده که عافیت داشته و ایمن باشد از بلا وکفت (در بیان) اوقاتی که امید اجابت است

اوقات اجابت دعا

روایت کرده است زید شحام که کفت ابو عبدالله ع که در چهار وقت دعا
کنید وقت وزیدن باد و وقت زوال آفتاب و وقت باریدن باران و وقت
وزیدن باد و وقت زوال آفتاب اول قطره خون مؤمن که بناحق کشته شود
بدرستی که درهای آسمان کشوده میشود درین اوقات و نیز کفت که دعا
مستجاب میشود در چهار وقت در نماز وتر و بعد از نماز صبح و ظهر
و مغرب وکفت امیر المؤمنین علی ع که غنیمت دانید دعا کردن را در
چهار وقت وقت قرآن خواندن و وقت بانک نماز کفتن و وقت باریدن
و وقت قران خواندن و وقت بانک نماز کفتن و وقت باریدن باران
و وقت رسیدن لشکر اسلام بلشکر کفار برای جهاد وکفت ابو جعفر ع

که هر گاه بهمن حاجتی داشت بخدای تعالی طلب آن حاجت میکرد وقت
زوال وگفت ابو عبدالله ع که هر گاه رقت شود شما را باید که دعا کنید
بدرستی که دل رقت پیدا نمیکند مادام که خالص نشود وگفت معاویه بن
عمار که ابو عبدالله ع هر گاه حاجتی داشت طلب حاجت میکرد از خدای تعالی
وقت زوال پس هر گاه میخواست که طلب حاجت کند اول چیزی تصدق
میکرد و بوی خوش بکار میبرد و بمسجد میرفت و بعد از ان دعا میکرد
بجهت حاجت خود وگفت ابو عبدالله ع که هر گاه که بلرزه در آید
تن تو از ترس خدای تعالی و اشک بریزد چشمهای تو پس درینوقت دعا
کن روایت کرده است ابو الصباح که گفت ابو جعفر ع که خدای تعالی
دوست میدارد از بندگان مومن آن بندهٔ مومن را که بسیار دعا
کند پس شما باد که دعا کنید در سحر تا بر آمدن آفتاب بدرستی که درینوقت
درهای آسمان گشوده میشود و قسمت کرده میشود روزی بندگان
و بر آورده میشود حاجتهای بزرگ گفت عمر بن اذینه که شنیدم که
ابو عبدالله ع میگفت که در هر شب ساعتی است که هر گاه دریابد آن
ساعت را و نماز گذارد و دعا کند در ان ساعت مستجاب میشود دعای او
پرسیدم که آن ساعت کدام است آنحضرت گفت سدس از نصف آخر شب
گفت ابو اسحق که ابو عبدالله ع فرمود که هر گاه دعا کنید بجهت طلب
چیزی از خدای تعالی باید که کف دست خود را بجانب آسمان کنید و هر گاه
دعا کنید بجهت ترس باید که پشت دست خود را بجانب آسمان کنید و گفت

ابو عبدالله

ابو عبدالله ع که مراد از تبتل که در قول خدای تعالی است که بریده شو از خلق
و توجه کن بسوی خدای کن بسوی خدای تعالی بعبادت بیدن کامل و هر گاه
دعا کنید از روی تضرع و زاری باید که اشارت کنید بانگشت خود و حرکت
دهید انگشت را و دعای از روی ابتهال است که هر دو دست خود را بر دارند
و بکشند و ابتهال زاری کردن است با گریه روایت کرد که ابی عبدالله ع هر دو
کف دست خود را بسوی آسمان کرد و گفت که دعائی که بجهت طلب چیزی
باشد از خدای تعالی باین کیفیت می باید و پشت دست خود را بسوی آسمان
کرد و گفت که دعائی که بجهت ترس باشد چنین می باید و حرکت داد انگشتان
خود را بجانب راست و بجانب چپ و گفت که دعائی که از روی تضرع باشد
اینچنین می باید و برداشت انگشتان خود را یکبار و فرود آورد یکبار دیگر و
گفت که دعایی که از روی تبتل باشد چنین می باید و دست خود را برداشت
برابر روی خود بسوی قبله و گفت که دعایی که از روی تبتل باشد چنین
بلند کرد و از سر گذرانید
می باید و دست خود را برداشت برابر روی خود بسوی قبله و گفت دعایی
که از روی ابتهال باشد باین کیفیت می باید گفت هرون بن خارجه
که پرسیدم ابا عبدالله را از کیفیت دعا کردن و دست برداشتن در حالت
دعا آنحضرت گفت بر چهار وجه می باشد اگر دعا بجهت پناه جستن است
کف هر دو دست خود را بسوی قبله کن و اگر بجهت طلب رزق است
بگشا هر دو دست خود را بجانب آسمان کن و اگر تبتل است اشارت کن
بانگشت شهادت خود و اگر ابتهال است بردار هر دو دست خود را و بکشان

آداب طلب دعا

از سر خود و همچنین کن در دعای تضرع در بیان چیزهایی که پیش از دعا بجا
می باید آورد کفت ابو معیزه که شنیدم از ابی عبد الله ع که میکفت
که هر کاه خواهید که طلب کنید از خدای تع حاجتی از حاجتهای دنیا و
آخرت باید که ابتدا کنید بمدح و ثنای خدای تع و صلوات بفرستید بر پیغمبر
و آل او علیهم السلام و بعد از آن طلب حاجت خود کنید روایت کرده است
محمد بن مسلم از ابی عبد الله ع که در کتاب زهد امیر المؤمنین علی ع واقعست
که آنحضرت کفت که اول مدح خدای تعالی می باید کفت و بعد از آن طلب
می باید کرد حاجت خود را از خدای تع پس وقتی که خواهی که دعا کنی و طلب
حاجت خود کنی از خدای تع تمجید کن خدای تع را یعنی به بزرکی یاد کن و بعد
از آن دعا کن کفت محمد بن مسلم که پرسیدم که چکونه تمجید کنم ابو عبد الله
ع کفت بکو یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الوَرِیدِ یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الاَعْلَی یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ کفت عثمان بن مغیره
که ابو عبد الله ع فرمود که هر کاه خواهی که دعا کنی تمجید کن خدای تع را و حمد
و تسبیح و تهلیل بکو خدای تع و صلوات بفرست بر نبی و آل او عَلَیْهِمُ السَّلام
و بعد از آن طلب کنید از خدای تع باید که مدح و ثنا بکویید بدرستی
که هر کاه کسی طلب حاجت کند از سلطان انفته که می تواند سخنان
میکوید که او را خوش آید پس هر کاه خواهید که طلب حاجت کنید
از خدای تع تمجید کنید خدای تع را و مدح و ثنا بکویید با این طریق
که یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَی یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ یا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ یا واحِدُ یا اَحَدُ

تهلیل

طلب حاجت

یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ یا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا
وَلَداً یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ وَیَحْکُمُ ما یُرِیدُ وَیَقْضِی ما اَحَبَّ یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الاَعْلَی یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ
و بیار از نامهای خدای تع بکویید بدرستی که نامهای حق تع بسیار است و
صلوة بفرستید بر محمد و آل او علیهم السلام و بکویید اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ
الْحَلالِ ما اَکُفُّ بِهِ وَجْهِی وَاُؤَدِّی بِهِ عَنِّی اَمانَتِی وَاَصِلُ بِهِ رَحِمِی و
یَکُونُ عَوْناً لِی عَلَی الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ کفت ابو عبد الله ع که مردی آمد بمسجد
و دو رکعت نماز کذارد و بعد از آن طلب حاجت خود کرد از خدای تع
رسول خدا ص کفت تعجیل کرد این بنده در طلب حاجت از پروردکار خود
و مردی دیکر آمد بمسجد و دو رکعت نماز کذارد و بعد از آن حمد و ثنای
خدای تع بجا آورده و صلوات فرستاد بر نبی و آل او علیهم ع پس آنحضرت
کفت با مرد که طلب حاجت خود کن از خدای تع که بتو میدهد آنچه میخواهی
روایت کرده است درست بن ابی منصور از خالد که کفت ابو عبد الله ع که
که هر کاه چهل کس جمع شود و دعا کنند مستجاب میشود دعای ایشان و
اکر چهل کس نباشد یک کس چهل بار دعا کند مستجاب میشود دعای او
و نیز کفت که هر کاه بجهت چیزی اندوهکین میشد جمع میکرد اهل و عیال
خود را و بعد از آن دعا میکرد و ایشان آمین میکفتند و نیز کفت که کسی که
دعا میکند و کسی که آمین میکوید شریکند در دعا روایت کرده است
هشام بن سالم که کفت ابو عبد الله ع که دعا مستجاب نمیشود تا آنکه صلوات

بر محمد و آل او بفرستد و نیز کفت که آنکس که دعا کند و صلوات نفرستد بر پیغمبر ص
آن دعا میکردد بر بالای سر او و بالا نمیرود پس وقتی که صلوات بفرستد بر
پیغمبر ص آن دعا بالا میرود و نیز کفت که مردی آمد نزد حضرت پیغمبر ص و کفت یا
رسول الله میکردانم ثلث دعای خودرا بلکه نصف دعای خودرا بلکه تمام
دعای خودرا برای تو آنحضرت فرمود که این هنکام برآورده میشود حاجت
دنیا و آخرت تو ابو بصیر و ابو الحکم کفتند که پرسیدیم از ابی عبد الله ع که چه
معنی دارد سخن آن مرد کفت معنی دارد که پیش از طلب حاجت خود صلوات
میفرستم بر تو و نیز کفت که رسول خدا ص فرمود که مکردانید مرا مثل قدحی که
راکب همراه خود میدارد بدرستی که هرکاه میخواهد پر آب میکند و هرکاه میخواهد
فراموش میکند و ذکر کنید مرا در اول و آخر و میان دعا و نیز کفت که کسی
را که بسوی خدای تعالی حاجتی باشد باید که ابتدا کند بصلوات بر محمد و آل او علیهم
السلم بدرستی که خدای تعالی کریم تر است از آنکه قبول کند هر دو طرف را و
قبول نکند میان را بجهت آنکه میان صلوات بر نبی و آل او و میان خدای تعالی
هیچ چیز حجاب نمیشود و چون هیچ چیز حجاب نشود قبول میکند خدای تعالی
از او و هرکاه قبول کرد هر دو طرف دعارا نیز قبول میکند و نیز کفت که رسول
ص فرمود که هر قومی که جمع شوند در مجلسی و ذکر خدای تعالی نکنند و صلوات
نفرستند بر پیغمبر ص آن مجلس حسرت و وبال است بر ایشان **دربیان** آنکسی که مستجاب
میشود دعای او **کفت** ابو عبد الله ع که دعای سه طایفه مستجاب
میشود دعای حاجی و دعای و بعد از آن طلب حاجت خود کرد از خدای

ثم رسول

ثم رسول خدا ص کفت تعجیل کرد این بنده در طلب حاجت از پروردکار خود
و مردی دیکر آمد بمسجد و دو رکعت نماز کذارد و بعد از آن مدح و ثنای
تعالی بجا آورد و صلوات فرستاد بر نبی و آل او علیهم پس آنحضرت کفت
با آن مرد که طلب حاجت خود کن از خدای تعالی که شنیده شد هرچه میخواهی
روایت کرده است درست بن ابی منصور از خالد که کفت ابو عبد الله ع
که هرکاه چهل کس جمع شود و دعا کنند مستجاب میشود دعای ایشان
و اکر چهل کس نباشد و یک کس چهل بار دعا کند مستجاب میشود دعای
او و نیز کفت که کسی دعا میکند و کسی که آمین میکوید شریک میکند در دعا
روایت کرده است هشام بن سالم که کفت ابو عبد الله ع که دعا
مستجاب نمیشود تا آنکه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید و نیز کفت که
آنکسی که دعا کند و صلوات نفرستد بر پیغمبر ص آن دعا میکردد بر بالای
سر او و بالای نمیرود پس وقتی که صلوات بفرستد و پیغمبر ص آن دعا
میکردد بر بالای و نیز کفت که مردی آمد نزد حضرت پیغمبر ص و کفت
یا رسول الله میکردانم ثلث دعای خودرا بلکه نصف دعای خودرا
بلکه تمام دعای خودرا برای تو آنحضرت فرمود که این هنکام برآورده
میشود حاجت دنیا و آخرت تو ابو البصیر ابو الحکم کفتند که پرسیدیم
از ابی عبد الله ع که چه معنی دارد سخن آن مرد کفت بحضرت پیغمبر ص که
که میکردانم تمام دعا خودرا برای تو ابو عبد الله ع کفت این معنی
دارد که پیش از طلب حاجت خود صلوات میفرستم بر تو و نیز کفت

که رسول خدا ص فرمود که مگردانید مرا مثل قدحی که راکب همراه خود
میدارد بدستی که هر گاه میخواهد پر آب میکند و ذکر کنید مرا
در اول و آخر و میان دعا و نیز گفت که کسی را که بخدای تعالی حاجتی
باشد باید که ابتدا کند بصلوات بر محمد و آل او علیهم السلام بدرستی
که خدای تعالی کریم تر است از آنکه قبول کند هر دو طرف را و قبول
نکند میان را بجهت آنکه میان صلوات بر نبی و آل او و میان خدا
تعالی هیچ چیز حجاب نمیشود چون هیچ چیز حجاب نشود قبول میکند
و نیز گفت که رسول خدا ص فرمود که هر قومی که جمع شوند در مجلسی
و ذکر خدای تعالی نکنند و صلوات نفرستند بر پیغمبر ص آن مجلس حسرت
و وبال است بر ایشان در بیان آنکسی که مستجاب میشود دعای
او گفت ابو عبدالله ع که دعای سه طایفه مستجاب میشود دعای
حاجی و دعای کسی که جهاد کند در راه خدا و دعای مریض پس
پس تعرض مکنید باو و دل تنگ مسازید او را و مرنجانید و نیز گفت
که پیغمبر ع فرمود که دعای پنج کس مستجاب میشود دعای پادشاه
عادل و دعای مظلوم خدای تعالی بمظلوم میگوید که داد ترا از
ظالم میستانم و اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای فرزند صالح
برای پدر خود و دعای پدر صالح برای فرزند خود و دعای مؤمن
برای برادر مؤمن غایبانه و میگوید فرشته‌ای که موکل است
بآن بنده که دعا میکند برای برادر مؤمن که حق تراست مثل آن

دعا در حق تو مستجاب است **نقلست** از کتاب فردوس که گفت حضرت
پیغمبر ص که دعای سه طایفه مستجاب است و هیچ شک نیست در آن دعای
پدر برای فرزند و دعای مظلوم در حق ظالم و دعای مسافر و نیز
گفت که کسب حلال کن تا دعای تو مستجاب شود بدرستی که مردی
که یک لقمه حرام بخورد مستجاب نمیشود دعای او چهل روز **روایت**
کرده است فضل بن یسار که گفت ابو جعفر ع که نزدیکترین دعاها باجابت
دعای مؤمن است برای برادر مؤمن غایبانه **گفت** عبدالله بن سنان
ابو عبدالله ع فرمود برای برادر مؤمن غایبانه پیوسته میسازد روزی را
و دفع میکند مکروه را **گفت** یحیی بن معاذ که ابو جعفر ع بمن گفت
که وقتی که حاجتی داشته باشی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتی
وَاَنْتَ الْقادِرُ عَلیٰ طَلِبَتی وَتَعْلَمُ حاجَتی فَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
لَمّا قَضَیْتَها لی و من ضامنم که خدای تعالی حاجت ترا بر آورده **و گفت**
امام جعفر صادق ع که دعای برادر مؤمن غایبانه زیاده میکند
روزی را و میگرداند بلا را و میگوید بدعا کننده که ترا هم
مثل اینست و نیز گفت که حذر کنید از دعای مظلوم که میرود
بآسمان و نیز گفت که آنکسی که پیش از دعا که چهل مؤمن را
یاد کند آن دعای مظلوم میرود بآسمان و نیز گفت که آنکسی
که یک یک را بگوید و برای ایشان دعا کند دعای او مستجاب
میشود و نیز گفت که آنکسی که دعا کند برای برادر مؤمن غایبانه

موکل سازد خدای تعالی بدعا کننده فرشته که بگوید ترا هم برای آنست **روایت**

که گفت مردی که گفتم بابی عبد الله ع که دو آیت در کتاب خدای تعالی یکی دلالت

میکند بر انکه هر گاه دعا کند مستجاب میشود و آیه دیگر دلالت میکند

بر انکه هر گاه چیزی نفقه کند در راه خدای تعالی عوض میدهد که خدای

تعالی انحضرت گفت آن دو آیه کدام است گفتم یکی اینست که ادعونی استجب

لکم یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما را و من هر چند دعا میکنم مستجاب

نمیشود انحضرت گفت که گمان میبری که خدای تعالی وعده خود را خلاف میکند

گفتم نه انحضرت گفت پس چرا دعای تو مستجاب نمیشود گفتم نمیدانم انحضرت

گفت که خبر دهم ترا انکس که اطاعت و فرمان برداری خدای تعالی کند با نچه

امر کرده است و دعا کند بطریقی که دعا باید کرد مستجاب میکرداند خدا

دعای او را گفتم طریق دعا کند گفت آنست که اول حمد و ثنا بگویی خدا

و تمجید کنی و بزرگی یاد کنی حق تعالی را و ذکر کنی نعمتهای او را که بتو داده است

بر شکر ان نعمتها بجا آوری و بعد از ان صلوات بفرستی بر نبی و آل او علیهم

السلام و بعد از ان ذکر کنی گناهان خود را و معترف شوی بگناه کاری

خود و بعد از ان استغفار کنی از گناهان و بعد از ان دعا کنی اینست

دعا کردن بعد از ان انحضرت گفت که آیه دیگر کدام است گفتم اینست که وما

انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی انچه نفقه میکنید از چیزی که شما داشت

در راه خدا پس خدای تعالی خلاف وعده میکند گفتم نه گفت انحضرت

که نفقه میکنی و عوض نمی یابی گفتم نمیدانم گفت اگر شما کسب مال کنید

عوض میدهد او را خرج و که گمان میکنی که خدا

از وجه حلال و صرف کنید در محل خودش هر درهمی که صرف کنید خدای تعالی

عوض میدهد **گفت** سلمان فارسی که حضرت پیغمبر فرمود که شرم میدارد

خدای تعالی که نا امید سازد بنده را که دستها برداشته باشد بدعا و دستهای

او را تهی باز گرداند **فصل دویم** در بیان دعای بر کزیده که تعلق بشب و روز

دارد **در بیان** دعاهای که مخصوص است بوقت صباح و شام **در بیان**

گفت عبد الکریم بن عتبه که امام جعفر صادق ع فرمود که انکس که دهد باد

بگوید پیش از بر امدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آفتاب لا اله الا الله

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده

الخیر وهو علی کل شیء قدیر کفارت گناهان او میشود **گفت** حفص

بن البختری که امام جعفر صادق ع فرمود که حضرت نوح علیه السلام در وقت

صباح ده نوبت و در وقت شام ده نوبت میگفت اللهم انی اشهدک

انه ما اصبح وامسی بی من نعمة وعافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک

لا شریک لک فلک الحمد ولک الشکر بها علی حتی ترضی وبعد الرضا عبد شکور نامید **گفت**

تا انکه
ترضی وبعد الرضا
دهر گاه صبح و شام ده
نوبت بخواند

مسمع بن عبد الملک کردین که جهل صباح بابی عبد الله ع نماز کذاردم هر گاه

انحضرت فارغ میشد از نماز دست خود را بر میداشت بسوی آسمان

و میگفت اصبحت واصبح الملک لله اللهم انا عبیدک وابناء عبیدک

اللهم احفظنا من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا

من حیث نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر ومن حیث لا نستتر

ومن حیث لا نحترس

اللهم استرنا بالغنی والعافیة اللهم ارزقنا العافیة وارزقنا الشکر

على العافية در بیان دعائی که می باید در صباح خواند وقتی که خوف و ترسی باشند
گفت ابو السری سهل بن یعقوب که لقب او ابو نواس است که گفتم با بی الحسن
علی ع و محمد العسکری ع که ای سید و پیشوای من خبر داده است مرا حسن بن
عبدالله ع بن مطهر که روایت کرده است محمد بن سلیمان الدیلمی از پدر خود که
گفت امام جعفر صادق ع که در هر ماه کدام روزها سعد است و کدام روزها
نحس است و من میخواهم که عرض کنم بتو که ملاحظه کنی که این خبر رسیده است
درست یا نی آنحضرت گفت عرض کن چون عرض کردم و تصحیح کردم و گفتم ای
سید و پیشوای من در بیشتر روزها موانع از شروع در کارها و در مقام هست بجهت
آنکه بیشتر روزها نحس است و در آن روزها خوفها هست و گاه هست
که ضرورت میشود که توجه کنم بطلب حاجت در آن روزهای نحس میخواهم
که تعلیم کنی مرا چیزی که اگر در روزهای نحس متوجه حاجتی شوم ضرری
بمن نرسد پس آنحضرت گفت بمن که ای سهل ~~شعبان~~ محبان ما و دوستی ما نگاه
میدارد از جمیع بلاها که اگر بدوستی ما بروند در میان دریاهای عمیق و بیابانهای
دور بی پایان میان درندها و گرگها و دشمنان از دیو و آدمی هر آینه ایمن
میباشند از شر ایشان بدوستی ما پس اعتماد کن بر خدای تعالی و اخلاص
و اعتقاد دوستی ائمه معصومین و اهل بیت طیبین را صلوات
الله علیهم اجمعین و توجه کن بهر جا که میخواهی و هر کار میخواهی بکن گفت
ای سهل در صباح سه نوبت بگو اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ المَنيعِ
الَّذي لا يُطاوَلُ وَلا يُحاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ مِنْ سائِرِ

مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ في جُنَّةٍ
مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ
قاصِدٍ لي اِذِيَّةٍ بِجِدارٍ حَصينِ الاِخْلاصِ فِي الاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ
بِحَبْلِهِمْ جَميعاً مُوقِناً اَنَّ الحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفيهِمْ وَبِهِمْ اُوالي مَنْ والَوْا
وَاُجانِبُ مَنْ جانَبُوا وَاُحارِبُ مَنْ حارَبُوا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَاَعِذْني
اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما اَتَّقيهِ يا عَظيمُ حَجَزْتُ الاَعادِيَ عَنّي بِبَديعِ السَّمواتِ
وَالاَرْضِ اِنّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ اَيْديهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَاَغْشَيْناهُمْ
فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ و در شام نیز سه مرتبه این دعا را بخوان بجای اَصْبَحْتُ
اَمْسَيْتُ بگوید پس بدرستی که چون چنین کنی ایمن می شوی از آنچه میترسی
پس هر گاه خواهی توجه کنی بکاری در روز نحس که خوف و ترسی داشته
باشی از نحوست آن روز پیش از توجه بآن کار اول بخوان الحمد و قُلْ اَعُوذُ
بِرَبِّ الفَلَقِ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ و قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ و آیة الکرسی
و اِنّا اَنْزَلْناهُ و پنج آیه از آخر سوره آل عمران بخوان و این آیها اینست
لا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذينَ كَفَرُوا فِي البِلادِ مَتاعٌ قَليلٌ ثُمَّ مَأْويهُمْ جَهَنَّمُ
وَبِئْسَ المِهادُ لكِنِ الَّذينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّاتٌ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا
الاَنْهارُ خالِدينَ فيها نُزُلاً مِنْ عِنْدِ اللهِ خَيْرٌ لِلاَبْرارِ وَاِنَّ مِنْ اَهْلِ
الكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَما اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَما اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ خاشِعينَ
لا يَشْتَرُونَ بِاياتِ اللهِ ثَمَناً قَليلاً اُولئِكَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ اِنَّ اللهَ سَريعُ الحِسابِ يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا

ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون وبعد ازان بگو اللهم
بك يصول الصائلين وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل
ذي حول الا بك ولا قوة يمتارها ذو قوة الا منك بصفوتك من
خلقك وخيرتك من بريتك وعترته وسلالته عليه وعليهم
السلام فصل عليهم شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه
واقض لي في متصرفاتي بحسن العاقبة وبلوغ المحبة والظفر با
لامنية وكفاية الطاغية الغوية وكل ذي قدرة لي على اذية
حتى اكون في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من
المخاوف فيه امنا ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني
صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على
كل شيء قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو
السميع العليم دربان دعايي كه بايد خواند در وقت صباح و
شام گفت که امام جعفر صادق ع در صباح میگفت بسم الله
وبالله والى الله ومن الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله
اللهم اليك اسلمت نفسي واليك فوضت امري واليك و
عليك وجهي وعليك توكلت يا رب العالمين اللهم احفظني
بحفظ الايمان من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي
ومن فوقي ومن تحتي لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسألك
العفو والعافية من كل سوء في الدنيا والاخرة اللهم اني اعوذ

ان تكفيني ما اهمني اللهم اكفني

البصير

وجهت

بك

بك من عذاب القبر ومن ضيق القبر ومن ضغطة القبر واعوذ بك من
سطوات الليل والنهار اللهم رب المشعر الحرام ورب البيت الحرام
ورب البلد الحرام ورب البيت الحرام ورب البلد الحرام ورب
البيت والحل والحرام ابلغ محمدا واله عني السلام اللهم اني اعوذ
بدرعك الحصينة واعوذ بجمعك ان لا تميتني غرقا او حرقا
او شرقا او قودا او صبرا او هدما او ترديا في بئر او اكيل السبع
او موت الفجاءة او بشيء من ميتة السوء لكن امتني على
فراشي في طاعتك وطاعة رسولك صلواتك عليه و
اله مصيبا للحق غير مخطئ او في الصف الذي نعت اهله في
كتابك كانهم بنيان مرصوص مصيبا للخير غير مخطئ اعيذ نفسي و
ديني واهلي ومالي وولدي وما رزقني ربي بالله الواحد الاحد
الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اعيذ نفسي
واهلي ومالي وولدي وما رزقني ربي برب الفلق من شر
ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد
ومن شر حاسد اذا حسد اعيذ نفسي ومالي وولدي وما رزقني ربي
برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي
يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس ونيز گفت که الحمد لله
عدد ما خلق الله والحمد لله عدد مثل ما خلق والحمد لله مداد
كلماته الحمد لله زنة عرشه الحمد لله رضا نفسه لا اله الا الله

الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله الملک الحق العدل المبین سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهما ورب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من درک الشقاء واعوذ بک من شماتة الاعداء و اعوذ بک من الفقر والفزر واعوذ بک من سوء المنظر فی الاهل والمال والولد وده نوبت صلوات میفرستاد بر نبی و آل او علیهم السلام دعاهای که می باید خواند در عقب نماز فریضه در اخبار آمده است که هر کس که تسبیح زهراء بگوید در عقب نماز فریضه پیش از انکه بگرداند پاهای خود را یعنی بهمان کیفیت که در وقت تشهد نشسته بوده باشد امرزیده شود گناهان او

تسبیح حضرت فاطمه

کفت امیر المومنین علی مر مردی از بنی سعد که آیا خبر دهم بتو از حال من و فاطمه گفت بلی آنحضرت کفت که فاطمه آب میکشید بمشک تا انکه اثر کرده بود تسمهٔ مشک در سینه او و آرد میکرد بدستاس تا انکه آبله کرده بود دستهای او و جاروب میکرد خانه را تا انکه غبار آلود شده بود جامهای او و آتش میکرد در زیر دیگ تا انکه بوی دود میگرد جامهای او پس بجهت این کارها تشویش بسیاری بفاطمه رسید گفتم با او که اگر بروی نزد پدر خود و طلب کنی از و خدمتکاری خلاص میشوی ازین تشویشات فاطمه رفت نزد آنحضرت دانست که فاطمه بجهت حاجتی نزد او

پس یافت جمعی را نزد آنحضرت پس شرم کرد که عرض حاجت کند و برکشت با کمال هم و غم آنحضرت

امده

او امده بود پس آنحضرت روز دیگر آمد نزد ما و ما در زیر جامه خواب خوابیده بودیم آنحضرت کفت السلام علیکم ما جواب نگفتیم و شرم کردیم بجهت انکه در زیر جامه خواب بودیم باز آنحضرت کفت السلام علیکم ما جواب نگفتیم باز آنحضرت کفت السلام علیکم پس ترسیدیم که اگر جواب سلام نگوئیم آنحضرت باز کردد زیرا که عادت آنحضرت این بود که بجائی که میرفت سه بار سلام میکرد اگر جواب میدادند اذن می یافت در می آمد و اگر جواب نمیدادند و اذن نمی یافت باز میکشت پس کفتیم علیک السلام یا رسول الله در آئید پس آنحضرت در آمد و بر سر بالین ما نشست و کفت ای فاطمه حاجت تو چه بود دیروز نزد محمد ترسیدم که اگر فاطمه جواب ندهد آنحضرت برخیزد و برود پس سر خود را بیرون کردم از جامه خواب و کفتم بحق خدا خبر دهم بتو یا رسول الله از حاجت فاطمه بدرستی که فاطمه کشید بمشک تا انکه تسمهٔ مشک اثر کرد در سینهٔ او و آرد کرد بدستاس تا انکه دست او آبله کرد و جاروب کرد خانه خود را تا انکه جامهای او غبار آلود شد و آتش کرد در زیر دیگ تا انکه جامهای او بوی دود گرفت پس کفتم با او که اگر بروی نزد پدر خود و از پدر خدمتکاری طلب کنی خلاص میشوی ازین تشویشات آنحضرت کفت بیاموزم بشما چیزی که بهتر باشد از خدمتکار هرگاه خواهید که خواب کنید سی و چهار نوبت الله اکبر سی و

و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله پس فاطمه خود
را بیرون آورد و سه نوبت گفت راضی شدم از خدا و رسول او منقول است
و مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی که گفت ابو خالد
قماط که شنیدم از امام جعفر صادق ع که میگفت تسبیح زهرا در عقب هر نماز
فریضه دوست تراست نزد من از هزار رکعت نماز نافله در هر روز گفت
امام جعفر صادق ع که آنکسی که تسبیح فاطمه زهرا در عقب هر نماز فریضه بگوید
پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را آمرزیده میشود گفت امام موسی ع
که مومن می باید که خالی نباشد از پنج چیز مسواک و شانه و سجاده و تسبیح
سی و چهار دانه و انگشتری عقیق گفت ابراهیم بن محمد الثقفی که رشته
که تسبیح میگفت فاطمه زهرا ع بآن از پشم بود که بافته بودند از وسی چهار
گره زده بودند بعدد تکبیرات و میگردانید از بدست خود و تکبیر و
تسبیح میگفت تا آنکه سید شهدا حمزة بن عبد المطلب شهید شد پس
حضرت فاطمه از تربت حمزه تسبیح ساخت و مردمان نیز چنین کردند چون
حضرت امام حسین ع شهید شد مردمان تسبیح حمزه را گذاشتند و از تربت
امام حسین ع تسبیح ساختند بجهت فضیلت تربت امام حسین ع مذکور است
در کتاب حسن بن محبوب که پرسیدم از ابی عبد الله ع که تسبیح تربت امام حسین
ع فاضلتر و بهتر است یا تسبیح تربت حمزه آنحضرت گفت تسبیحی که از تربت
امام حسین ع باشد تسبیح میگوید در دست کسی که آنکس تسبیح گوید روایت
که چون [illegible] هرگاه می بیند که فرشته از آسمان بزمین می آید بجهت کاری

میگویند بآن فرشته که تسبیح تربت امام حسین ع برای ما هدیه بیار و گفت
حضرت پیغمبر ص که آنکسی که میخواهد که بیرون رود از دنیا و پاک باشد از گناهان
همچو طلائی که در وی هیچ غش نیست و هیچکس از و طلب مظلمه و وبال نکند
باید که در عقب فرایض یومیه دوازده نوبت قُل هُوَ الله بخواند و بعد از آن
دست خود را بردارد و بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ
الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ وَ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَ سُلْطانِکَ الْقَدِیمِ
یا واهِبَ الْعَطایا وَ یا مُطْلِقَ الْاُساری یا فَکّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ تُخْرِجَنی مِنَ
الدُّنْیا آمِناً وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سالِماً وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَ اَو
سَطَهُ نَجاحاً وَ آخِرَهُ صَلاحاً اِنَّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ گفت امیر
المُؤمِنین علی ع که این دعا که مذکور شد [illegible] از اسرار که تعلیم کرده
است من رسول خدا و فرموده است که تعلیم کن بامام حسن و امام حسین
دعائی دیگر منقول از حضرت پیغمبر ص روایت که هر که این دعا را در عقب
هر نماز فریضه بگوید محفوظ شود نفس و سرا خانه و مال و فرزند او دعا است
اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ما قَدَّمْتُ وَ ما اَخَّرْتُ وَ ما اَسْرَرْتُ وَ ما اَعْلَنْتُ وَ
اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ اَنْتَ
الْمُؤَخِّرُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِعِلْمِکَ الْغَیْبَ وَ قُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ
ما عَلِمْتَ الْحَیوةَ خَیْراً لی فَاَحْیِنی وَ تَوَفَّنی اِذا عَلِمْتَ الْوَفاةَ خَیْراً
لی اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَةِ وَ کَلِمَةَ الْحَقِّ

دعا در عقب نماز فریضه

في الغضب والرضا والقصد في الفقر والغناء واسئلك نعيما لا ينفد
وقوة عين لا تنقطع والرضا بالقضاء وبرد العيش بعد الموت و
لذة النظر الى وجهك وشوقا الى لقائك من غير ضراء مضرة ولا فتنة
مضلة اللهم زينا بزينة الايمان واجعلنا هداة مهتدين
اللهم اهدنا فيمن هديت اللهم اني اسئلك عزيمة الرشاد و
والثبات في الامور والرشد فاسئلك شكر نعمتك وحسن
عافيتك واداء حقك واسئلك يا رب قلبا سليما ولسانا صا
دقا واستغفرك لما تعلم واسئلك خير ما تعلم واعوذ بك
من شر ما تعلم فانك تعلم ولا نعلم وانت علام الغيوب [دعای دیگر]
امام جعفر صادق ع کفت کسی که بگوید این کلمات را عقب نماز
فریضه محفوظ شود نفس و خانه او و مال و فرزندان او [کلمات اینست]
اجير نفسي ومالي وولدي وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد
الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي
وولدي وكل ما هو مني برب الفلق ومن شر ما خلق ومن
شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد
اذا حسد وبرب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس وبالذي
الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم

وما

وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
[منقولست] از مسموعات سید ناصح الدین ابی البرکات
که کفت امیر المؤمنین علی ع که حضرت پیغمبر ص فرمود که یا علی در
عقب هر نماز فریضه آیة الکرسی بخوان بدرستی که این کار نمیکند
پیغمبری و صدیقی یا شهید دعای دیگر که کفت امام جعفر صادق ع که کمتر
دعای که اکتفا توان کردن بعد از نماز فریضه اینست اللهم صل علی
محمد وآل محمد اللهم انا نسئلك من كل خير احاط به علمك ونعوذ بك
من كل شر احاط به علمك اللهم انا نسئلك عافيتك في امورنا كلها
ونعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة دعای دیگر [دیگر کفت]
امام جعفر صادق ع که جبرئیل ع فرود آمد بیوسف ع وقتی که یوسف
در زندان بود و کفت ای یوسف بگو در عقب هر نماز فریضه اللهم
اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب
[روایتست] که ابو جعفر ع در عقب هر نماز میکفت اللهم اهدني من عندك
وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك
[وکفت] کفت هلقام بن ابي هلقام که آمدم نزد امام موسی ع و
کفتم که فدای کردم بیاموز مرا دعایی مختصری که فایده دهد مرا در دنیا
و آخرت آنحضرت کفت که در عقب هر نماز صبح تا بر آمدن آفتاب بگو
سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله [وکفت] هلقام

که من درویش ترین اهل وبیت خود بودم چون مداومت نمودم باین
دعا آوردند برای من میراث مردی که گمان نمی بردم که میان من و او
خویشاوندی بوده باشد و امروز من مالدارترم از اهل وبیت خود
وبنت این مکر بجهت اینچیزی که آموخته است بمن مولای من امام موسی
کاظم ع دعای دیگر بخوان در عقب نماز فریضه این دعا را که اللهم انی
اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد واسألك من خیر ما ارجو ومن
خیر ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر
وفاتحه وآیة الکرسی بخوان واین آیه را بخوان که شهد الله انه لا اله
الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب وآیه سخره را بخوان وآیه سخره اینست
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و
الشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر
تبارك الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه
لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وسه بار بگو
سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین

والحمد

والحمد لله رب العالمین وسه بار بگو اللهم صل علی محمد وآل محمد
واجعل لی من امری فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب یا رب
ومن حیث لا احتسب
محمد وآل محمد وعجل فرج آل محمد صل علی محمد وآل محمد واعتق رقبتی
من النار دعاء دیگر روایت که هر که این دعا بخواند در عقب هر نماز فریضه
ومداومت نماید باین انقدار زندگانی کند که ملول شود از زندگانی
دعا اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد ان رسولك الصادق
المصدق صلواتك علیه وآله قال انك قلت ما ترددت فی
شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت
واکره مساءته اللهم فصل علی محمد وآل محمد وعجل لاولیائك الفرج
والنصر والعافیة ولا تسوءنی فی نفسی ولا فلانا یعنی کسی که خواهد ذکر
بگوید روایت که محاسن خود را بگیرد بدست راست ودست چپ
خود را باز کند بر وجهی که کف دست او بسوی آسمان باشد وسه
نوبت بگوید یا ذا الجلال والاکرام صل علی محمد وآل محمد وال محمد
واجرنی من النار بعد از آن دست راست خود را بردارد وکف دست را
بجانب آسمان کند وسه بار بگوید یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم وبعد از آن
نیت هر دو دست خود را بسوی آسمان کند وسه بار بگوید صل علی
محمد واجرنی من العذاب الالیم وبعد از آن هر دو دست خود را فرود
آورد وبگوید صل علی محمد وآل محمد ووفقنی فی الدین وحببنی الی
المسلمین واجعل لی لسان صدق فی الآخرة وارزقنی هیبة

یا الله یا الله یا الله أسألك بحق من حقه علیك عظیم أن تصلی علی
محمد وآل محمد وأن تعملنی بما عرفتنی من حقك وأن تبسط علی من
حلال رزقك **دعای دیگر** بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله لدینی وحسبی
الله لدنیای وحسبی الله لآخرتی وحسبی الله ما أهمنی وحسبی الله لمن
بغی علی وحسبی الله عند الموت وحسبی الله عند مسألة القبر و
حسبی الله عند المیزان وحسبی الله عند الصراط وحسبی الله لا
لا إله إلا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم **دعای دیگر** و این دعا
از دعای سر است **روایت** کرده که گفت حق تعالی بحضرت پیغمبر ص که یا محمد هر کسی که
میخواهد که ثواب نماز او را مضاعف گردانم باید که در عقب هر نماز فریضه
هر دو دست خود را بردارد و بگوید یا مبدئ الأسرار یا مبین الکتمان
یا شارع الأحکام یا ذاری الأنعام و یا خالق الأنام و یا فارض الطاعة
و یا ملزم الدین و یا موجب التعبد أسألك بحق تزکیة كل صلوة
زکیتها وبحق من زکیتها به أن (?) تجعل صلوتی هذه
زاکیة متقبلة تتقبلها وتصیرها لی دینی بها زاکیا والهمنی (?) قلبی
حسن المحافظة علیها حتی تجعلنی من أهلها الذین ذکرتهم فیها
بالخشوع أنت ولی الحمد فلك التوحید کله بکل توحید أنت له ولی
له وأنت ولی التهلیل کله فلا إله إلا أنت فلك التسبیح أنت له ولی
رب عد علی فی صلواتی وهذه برفعها زاکیة متقبلة إنك أنت السمیع
العلیم که وقتی که بخواند این دعا نماز او مضاعف میشود نوشته در لوح

محفوظ

لدیك

محفوظ **روایت** کرده است محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر
صادق ع که دعا خواندن در عقب نماز فریضه فاضلتر است از دعا خواندن
در عقب نماز سنت همچنانکه نماز فریضه فاضلتر است از نماز سنت **و گفت**
امام محمد باقر ع که دعا خواندن در عقب نماز فریضه فاضلتر است از آنکه در
نماز سنت **روایت** کرده است ابو الحسن العسکری از پدران خود علیهم السلام
که گفت امیر المؤمنین علی ع که اگر کسی که نماز فریضه بگذارد خاصه از برای
خدای دعای که در عقب آن نماز کند مستجاب شود **در بیان سجده**
شکر **گفت** اسحاق بن عمار که ابو عبد الله ع گفت که موسی بن عمران هرگاه نماز
میگذارد بعد از نماز سجده میکرد و روی راست خود را بر زمین می نهاد
و روی چپ را نیز بر زمین نهاد و روی چپ را نیز بر زمین می نهاد
گفت ابو جعفر ع که وحی کرد خدای تعالی بموسی بن عمران ع که آیا میدانی
که چرا برگزیدم ترا بسخن گفتن نزدیکی (?) موسی ع گفت نمیدانم ای پروردگار
من حق تعالی گفت ای موسی من پشت باز و روی کردم بندگان خود را و
تفحص و تجسس احوال ایشان کردم نیافتم در میان ایشان کسی که نفس او
ذلیل و شکسته تر باشد از برای من از تو بجهت این ترا برگزیدم ای
موسی بدرستی که وقتی که نماز میگذاری می نهی روی خود را بر زمین
گفت امام جعفر صادق ع که وقتی که بنده سجده شکر کند بگوید یا رب
یا رب تا نفس او منقطع شود حق تعالی میگوید لبیك ای بنده
من حیث حاجت تو تا بر آورم **گفت** مرازم که ابو عبد الله ع

در بیان سجده شکر

و نمود که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی بسببی که نماز تمام میشود
بسجده شکر و خشنود میشود بسبب آن پروردگار و خوشحال میشود
فرشتگان و بنده هرگاه نماز گذارد و بعد از آن سجده شکر آورد
بر میدارد خدای حجاب را از میان آن بنده و فرشتگان و میگوید
ای فرشتهای من نظر کنید بر بنده من بجا آورده است انچه بر وی واجب
که داشته ام و وفا کرده است بعهد من و بعد از آن سجده شکر
میکند بجهت آن نعمت که باو داده ام چیست جزای این بنده ای فرشتها
میگویند ای پروردگار ما جزای او رحمت تست باز خدای میگوید
که دیگر چیست جزای او فرشتگان میگویند ای پروردگار ما جزای
او کفایت کردن مهمات اوست همچنین خدای تعالی میگوید بفرشتها
که جزای این بنده چیست و فرشتگان جواب میگویند تا آنکه هیچ
چیز از خیر باقی نماند بعد از آن حق تعالی میگوید ای فرشتگان من چیست
جزای این بنده فرشتگان میگویند ای پروردگار ما غیر انها که
گفتیم نمیدانیم خدای تعالی میگوید که جزای این بنده اینست که شکر کنم
من او را همچنانکه شکر کننده است او مرا و متوجه او شوم بفضل و رحمت
خود و بنمایم باو دیدار خود را یعنی او را انکشاف تام حاصل شود
گفت که امام زین العابدین ع در سجده شکر میگفت اللهم
انْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنّي قَدْ اَطَعْتُكَ في اَحَبِّ الْاَشْياءِ اِلَيْكَ
وَهُوَ الْاِيمانُ بِكَ مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لا مَنّاً مِنّي عَلَيْكَ وَتَرَكْتُ

ای پروردگار ما جزای او بهشت است باز خدای تعالی میگوید که دیگر چیست جزای او فرشتگان گویند

مَعْصِيَتَكَ في اَبْغَضِ الْاَشْياءِ اِلَيْكَ وَهُوَ اَنْ اَدْعُوَ لَكَ وَلَداً اَوْ اَدْعُوا لَكَ
شَرِيكاً مَنّاً مِنْكَ عَلَيْكَ في اَشْياءَ عَلى غَيْرِ وَجْهِ مُكابَرَةٍ وَلا مُعانَدَةٍ وَلا
اسْتِكْبارٍ عَنْ عِبادَتِكَ وَلا جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلكِنْ اتَّبَعْتُ هَوايَ
وَاسْتَزَلَّنِي الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبُرْهانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبي غَيْرَ ظالِمٍ لي
وَاِنْ تَغْفِرْ لي وَتَرْحَمْني فَبِجُودِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ گفت ابرهيم بن عبد
الحميد که گفت امام جعفر صادق ع بمردی که هرگاه غمی و اندوهی بتو رسد
سجده شکر کن و چون سر از سجده برداری دست راست خود بر موضع
سجده بنه و بعد از آن بردار دست راست خود را و بکش آن را بر روی
چپ بالا و بگذران بر پیشانی و بجانب روی راست فرود آر سه بار
این کار بکن و هر بار بگو بسم الله الَّذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ
الرَّحْمنُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الْغَمَّ وَالْحُزْنَ روایتست که انکسی که در
سجده شکر بگوید یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ تا آنکه نفس او منقطع شود خدای
تعالی جواب دهد او را و بگوید که طلب کن از من حاجت خود را روایتست
که بعضی از ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلامُ در سجده شکر میگفتند که
سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ خائِفاً مِنْ سَخَطِكَ و بعد از آن میگفتند یا اللهُ
یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ تا آنکه نفس منقطع میشد گفت امام جعفر صادق
ع که گذشت رسول خدا ص بمردی و آن مرد در سجده بود و میگفت
يا رَبِّ ماذا عَلَيْكَ اَنْ تُرْضِيَ كُلَّ مَنْ كانَ لَهُ عِنْدي تَبِعَةٌ وَاَنْ
تَغْفِرَ لي ذُنُوبي وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّما عَفْوُكَ عَنِ الظّالِمينَ

عَلَيَّ لا مَنّاً مِنّي عَلَيْكَ وَعَصَيْتُكَ

طالِباً مِنْ ثَوابِكَ سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ هارِباً مِنْ عِقابِكَ سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ

وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَلْيَسْتَغْنِى رَحْمَتُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس گفت رسول
خدا صم يا نمرد كه بدار سر خود را كه دعاي تو مستجاب شد بدرستی كه دعا
كردي بدعاي پيغمبري كه در زمان عاد بود گفت دعائی كه می بايد
خواند در وقت خواب كردن و وقت بيدار شد از خواب در بيان
اينكه می بايد خواند در وقت خواب كردن گفت امام جعفر صادق
ع كه خدای تعم دشمن ميدارد خواب كردن بسيار و فراغت بسيار را
و نيز گفت كه خواب كردن بسيار ميبرد دين و دنيا را و نيز گفت كه رسول خدا
صم فرمود كه خواب اول روز شوم است و خواب نيم روز می افزايد نعمت
را و خواب بعد از عصر حماقت و نادانی می آورد و خواب ميان شام و خفتن
محروم ميگرداند بنده را از روزي و نيز گفت كه آنكسی كه وضو بسازد و
بعد از آن جا كند بر فراش خود همچنانست كه شب بروز آورده باشد در
جاي نماز خود و فراش او همچو جاي نماز اوست پس اگر بيادش آيد كه وضو
ندارد بايد كه تيمم كند بجامه خواب اگر چه باشد پس اگر همچنين كند همچنانكه
كه هميشه در نماز باشد و ذكر خدای تعم گويد و نيز گفت كه وقتی كه نزد
تو چراغ بيارند بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِى بِهِ فِى النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا
نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوراً نُورَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ و هرگاه
چراغ ميبرد بگو اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ و روايت گفت
محمد بن مسلم كه ابو جعفر ع فرمود كه چون كسی روي راست خود را بر بالين
نهد در وقت خواب كردن بايد كه بگويد بسم الله اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْلَمْتُ

نفسى

ی وقت خواب

اِنَّكَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

نَفْسِى اِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِى اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِى اِلَيْكَ وَاَلْجَأْتُ
ظَهْرِى اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً اِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ
وَلَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ اٰمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِى اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِى
اَرْسَلْتَ و بعد از آن تسبيح زهرا ع بگويد و آنكسی كه در خواب ميترسد
بايد كه وقت خواب كردن قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
و آية الكرسی بخواند گفت امام جعفر صادق ع كه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ
وَقُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ وقت خواب كردن بخوان بدرستی كه قُلْ يَا
اَيُّهَا الْكَافِرُونَ امانست از شرك وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ نسبت پروردگار است
گفت امير المؤمنين علی ع كه شنيدم از حضرت پيغمبر صم بر بالای منبر
ميگفت كه آنكسی كه آية الكرسی در عقب هر نماز فريضه بخواند او را
از دخول جنت منع نمی نمايد مگر موت پس مداومت نميكند
باين مگر صديقی يا عابدي و آنكسی كه آية الكرسی بخواند وقتی كه جا
كيرد در فراش خود بجهت خواب ايمن كرداند خدای تعم او را و
همسايه او را و همسايه همسايه او را و خانه او را و خانهاي را كه در
حوالی اوست و همچنين وگفت حضرت پيغمبر صم كه آنكسی كه قُلْ هُوَ اللّٰهُ
اَحَدٌ بخواند وقتی كه جا كند در فراش خود بجهت خواب بيامرزد خدای
تعم پنجاه سال گناهان او را نقلست از محمد بن مسلم كه گفت امام محمد
باقر ع يا امام جعفر صادق ع كه بايد كه كسی ترك نكند وقت خواب كردن
خواندن اين دعا كه اُعِيذُ نَفْسِى وَذُرِّيَّتِى وَمَالِى بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ

مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ هَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ بدرستی که این دعا را
جبرئیل ع تعویذ امام حسن و امام حسین ساخت **گفت** امام جعفر صادق
ع که آنکسی که در وقت خواب کردن سه نوبت بخواند الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پاک شود
از جمیع گناهان همچنانکه از مادر زاییده شده است **گفت** حضرت پیغمبر ص
آنکسی که سوره أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ بخواند وقت خواب کردن ایمن شود از عذاب
قبر **در بیان** دعایی که می باید بخواند کسی را که می ترسد در شب
گفت رسول خدا ص که اگر کسی ترسی در شب باشد دهشت بگوید أَعُوذُ
بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ
هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ **[illegible]** که برای
ترسیدن در شب آیة الکرسی بخواند و این آیه را که إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ
أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ
رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ و این آیه که
وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا
در بیان عملی که می باید کرد کسی را که از دزد می ترسد گفت امیر المؤمنین
ع وقتی که خواهی که خواب کنید باید که بر پهلوی راست بخوابید و دست
راست خود را در زیر روی راست بنهید و بگویید بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ
جَنْبِي لِلّٰهِ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ

دعای کسی که شب [illegible] بترسد

طاعته مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بدرستی کسی که این دعا را بخواند در وقت
خواب کردن ایمن شود از دزد و فرو آمدن خانه بر بالای او و
استغفار کنند فرشتها برای او و آنکسی که قُلْ هُوَ اللّٰهُ بخواند در وقت
خواب کردن پنجاه فرشته را خدای تعالی موکل سازد که نگاه دارند
او را در آن شب **گفت** آنکسی که از دزد می ترسد باید که در وقت
خواب کردن بخواند این دو آیه را که قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ
أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا
وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا **در بیان**
دعایی که می باید خواند جهت آنکه محتلم نشود **گفت** امام جعفر صادق
ع که وقتی که بترسی از احتلام چون جا کنی بر فراش بگو اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ
فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ **در بیان** دعایی که می باید خواند جهت خواب آمدن
کسی را که خواب نمی آید هر گاه می ترسی از بیخوابی وقتی که جا کنی در فراش
خود بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِيمِ الْبُرْهَانِ كُلَّ يَوْمٍ
هُوَ فِي شَأْنٍ و بعد از آن بگو يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُنُوبِ
الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ
سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا و دیگر واقع است

بجهت بی خوابی آیة الکرسی بخوان و این آیه را که اذ یغشیکم النعاس امنة منه
وینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به ویذهب عنکم رجز الشیطان
ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام و این آیه را که وجعلنا نومکم سباتا
وجعلنا اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا **در بیان** دعایی که می باید
خواند بجهت آنکه خانه بر او نیفتد و بر سر کسی نیفتد این آیه را وقت خواب
کردن بخوان که ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا **در بیان** آنچه می باید
خواند بجهت بیدار شدن از خواب **گفت** ابو عبدالله ع که هر بنده که
وقت خواب کردن بخواند آخر سورة الکهف را که قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا
صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا بیدار شود در هر ساعتی که خواهد
در بیان افسون عقرب و گزیدن او **گفت** ابو جعفر ع که آنکسی که این
کلمات را بخواند من ضامنم که او را عقرب و هیچ گزنده نگزد تا صباح شود
و کلمات این است اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر
ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر کل دابة هو آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم **و روایت** که امام رضا ع وقتی
که نظر میکرد بستاره که او را سهی میگویند که واقعست در پهلوی یکی
از ستارهای بنات نعش میگفت اللهم رب هود بن آسیة امنی
من شر کل عقرب وحیة و گفت که هر گاه این دعا را سر بالین بخواند

دفع عقرب

در وقتی

در وقتی که نظر کند به سهی در آن شب عقرب و مار نگزد او را افسون دیگر
گفت اسحق بن عمار که گفتم با بی عبدالله ع که من می ترسم از عقرب آنحضرت گفت
نظر کن به بنات نعش که سه ستاره است در پهلوی آن ستاره که در میان واقع است
ستاره خوردیست که عرب او را سهی میگویند و ما اسلم میگوییم نظر کن
هر شب بان ستاره و دو سه بار بگو اللهم رب اسلم صل علی محمد
وآل محمد وعجل فرجهم وسلمنا من شر کل ذی شر **و گفت** اسحق بن عمار که ترک کردم خوا
ندن این دعا را در مدت عمر یکبار و گزید عقرب مرا در آن شب **در بیان**
دعای که می باید خواند بجهت بیدار شدن برای نماز شب **و گفت**
امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص فرمود که آنکسی که خواهد که برای
نماز شب برخیزد وقتی که خواب میکند باید که بگوید اللهم لا تؤمنی
مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا وکذا
و نام برد آن ساعت از شب را که میخواهد برخیزد بدرستی که هر گاه چنین
کند خدای تعالی موکل سازد باو فرشته را که بیدار کند او را در آن ساعت
روایت که رسول خدا ص وقتی که میخواست که خواب کند مسواک میکرد
و بعد از آن بجامه خواب میرفت **و گفت** که آنحضرت وقتی که میخواست
که خواب کند بر پهلوی راست میخوابید و دست راست خود را در زیر
روی راست می نهاد **و گفت** ابو عبدالله ع که رسول خدا ص فرمود
که وقتی که خواهد که جا گیرید در فراش خود بدرستی که نمیدانید شما که چه
چیز حادث شده است بر فراش و بعد از آن بگویید اللهم انی امسکت

پس بطرف لنگ یا جامه خود بکشید بر فراش

نفسی فی منامی فاغفر لها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک
الصالحین گفت دعای که می باید خواند وقت بیدار شدن از خواب
وگفت که ابو عبدالله ع وقتی که بیدار میشد در آخر شب باواز بلند میگفت
چنانکه اهل خانه می شنیدند آواز او را که اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع
علی المضطجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت
وگفت ابو عبدالله ع که رسول خدا ص هرگاه از خواب بیدار میشد سجده
شکر میکرد خدای تعالی روایت که حضرت پیغمبر ص وقتی که خواب میکرد
چشمهای آنحضرت در خواب بود و دل او بیدار بود و میگفت که دل من
منتظر وحی است روایت که وقتی که آنحضرت چیزی خوبی در خواب
میدید میگفت هو الله لا شریک له روایت که آنحضرت بسیار خواب
میدید و هر چه در خواب میدید در بیداری همان چیز واقع میشد و
آنحضرت وقتی که بیدار میشد از خواب میگفت سبحان الذی یحیی الموتی و
هو علی کل شیء قدیر و هرگاه آنحضرت از خواب بیدار میشد برای نماز
میگفت الحمد لله نور السموات والارض والحمد لله قیوم السموات والارض
والحمد لله رب السموات والارض وما فیهن انت الحق وقولک الحق
ولقاؤک حق والجنة حق والنار حق اللهم لک اسلمت وبک آمنت
وعلیک توکلت والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت
فاغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت انت
الهی لا اله الا انت و بعد از آن مسواک میکرد پیش از وضو وگفت

وگفت امیرالمؤمنین علی ع که رسول خدا ص وقتی که از خواب بیدار
میشد میگفت الحمد لله الذی بعثنی من مرقدی هذا ولو شاء لجعله
ساکنا الی یوم القیمة الحمد لله الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد
ان یذکر او اراد شکورا ~~الحمد لله الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن~~
~~اراد ان یذکر او اراد شکورا~~ الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا والنوم
سباتا وجعل النهار نشورا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
الحمد لله الذی لا تختبوا منه النجوم ولا تکن منه الستور ولا یخفی
علیه ما فی الصدور وگفت امام جعفر صادق ع که امیرالمؤمنین علی ع
فرمود که هرگاه از خواب بیدار شوید باید که بگویید لا اله الا هو الحی القیوم
وهو علی کل شیء قدیر سبحان رب النبیین واله المرسلین سبحان
رب السموات السبع وما فیهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب
العالمین چون بنشیند پیش از آنکه برخیزد باید که بگوید حسبی الرب
من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ خلقنی حسبی الله ونعم الوکیل
دعای دیگر روایت که در وقت بیدار شدن از خواب می باید خواند
الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی رد
علی روحی لاحمده واعبده و وقتی که بیدار شوی چون نظر کنی بسوی آسمان
بگو یا نور النور یا مدبر الامور یا من یلی التدبیر وممضی المقادیر امض
مقادیر یومی هذا الی السلامة والعافیة و بعد از آن این پنج آیه
از سوره آل عمران بخوان که ان فی خلق السموات والارض واختلاف

اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و
قعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل
النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا
ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر
عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک
ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد در بیان دعائی که می باید
خواند وقت بانک کردن خروس گفت امام جعفر صادق ع که وقتی که
بانک خروس بشنوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت
رحمتک غضبک لا اله الا انت سبحانک وبحمدک عملت سوء و
ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت ونیز گفت که
پنج خصلت از خروس بیاموزید محافظت اوقات نماز وغیرت
وسخاوت وشجاعت وبسیار جماع کردن ونیز گفت که سه خصلت از
کلاغ بیاموزید پنهان داشتن جماع وپگاه رفتن بطلب روزی
وحذر کردن در بیان دعای که می باید خواند در نیم شب وگفت
که امام زین العابدین ع در شب وقتی که مردمان می آرامیدند ودر
خواب میشدند این دعا میخواند الهی غارت نجوم سمائک ونامت
عیون انامک وهدأت اصوات عبادک وانعامک وغلقت
الملوک علیها ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن

يسالهم

یسالهم حاجة او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تاخذک
سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب سمائک لمن دعاک
مفتحات وخزائنک غیر مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات
وفوائدک لمن سالکها غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی
الکریم الذی لا ترد سائلا من المؤمنین سالک ولا تحتجب عن احد منهم
~~عن احد منهم~~ اراداک لا وعزتک وجلالک لا تختزل حوائجهم
دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی ووقوفی و
ذل مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی وتطلع علی ما فی قلبی وما
یصلح به امر آخرتی ودنیای اللهم ان ذکرک الموت وهول
المطلع والوقوف بین یدیک نغصنی مطعمی ومشربی واغصنی
بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف
بیات ملک الموت فی طوارق اللیل ولا بالنهار بل یطلب قبض روحه
بالبیات وفی آناء الساعات وبعد از این سجده شکر میکرد وروی
خود بخاک می نهاد ومیگفت اسالک الروح والراحة عند الموت و
العفو عنی حین القاک گفت حضرت پیغمبر ص در وصیتی که کرد با امیر
المؤمنین علی ع که یا علی نماز بگذار در پاره از شب واگرچه مقدار دوشیدن
گوسفند باشد ودعا کن در سحرها که رد نمیشود دعای تو بدرستی
که خدای تعالی مدح کرده است کسانی را که دعا واستغفار میکنند
در سحرها وفرموده است که والمستغفرین بالاسحار در بیان

طوارق النهار بل کیف
ینام العاقل وملک الموت
لا ینام لا باللیل ولا بالنهار

دعائی که در نماز وتر می باید خواند معروف بن خربوذ که گفت
امام محمد باقر ع یا امام جعفر صادق ع که در نماز وتر بگو لا اله الا
الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله
رب السموات السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
سبحان الله رب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب
العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت
الله زين السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض
وانت الله عماد السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين
وانت الله غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن المكروبين
وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله المفرج عن
المكروبين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت
الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كا
شف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس
يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا رحمتك ولا
ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك رحمة تغنيني
بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في
البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي و
ترحمني وتعرفني الاجابة من دعائي وارزقني العافية
الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا

تمكنه

تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني
وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول
بينك وبيني ويتعرض لك في شيء من امري وقد علمت يا رب ان ليس
في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل من يخاف الفوت
وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا
تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني
عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي
استعيذ بك الليلة فاعذني واستجيرك من النار فاجرني واسألك
الجنة فلا تحرمني و بعد از ان طلب کن از خدای تعالی هر چه میخواهی
و هفتاد نوبت استغفر الله بگو و انقدر که می توانی استغفار
کن و این نوع استغفار کن اللهم اني استغفرك واتوب اليك
من مظالم كثيرة لعبادك عندي فايما عبد من عبيدك كانت
له قبلي مظلمة ظلمتها اياه في بدنه او في عرضه او ماله لا
استطيع اداء ذلك اليه ولا تحللها منه فانت فارضه عني بما شئت
وكيف شئت واني شئت وهبها لي وما تصنع بعذابي يا رب
وقد وسعت رحمتك كل شيء وما عليك يا رب ان تكرمني
برحمتك ولا تهينني بعذابك ولا ينقصك يا رب ان بي ما سألتك
وانت واجد لكل خير اللهم ان استغفاري اياك
مع اصراري للؤم وان تركي الاستغفار لك مع سعة رحمتك

من البلاء

تفعل

گفت [illegible]

لعجز اللهم كم تتحبب الي وانت غني عني وكم ابتغض اليك وانا اليك
فقير فسبحان من اذا وعد وفا واذا توعد عفا دعاء حزين روايت

كه امام زين العابدين بعد از نماز شب اين دعا ميخواند اناجيك يا
موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي
يا مولاي اي الاهوال اتذكر واياها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى
كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى
متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء
فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد
استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء
الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني
وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم ازل
اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم
اتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق
مني نعم ابي وامي ومن كان له كدي وسعيي وان لم ترحمني فمن يرحمني ومن يونس
في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي وسألتني عما
انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك وان
قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك
يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين
وخير الغافرين دعائی روايت كرده وقت خوابيدن بر پهلو بايد

يا مولاي قبل سرابيل القطران عفوك عفوك

خواند

خواند هر گاه دو ركعت نماز فجر بگذاري و سلام دهي بر پهلوی راست
بخواب و روی راست خود را بر دست راست بنه و بگو استمسكت بعروة
الله الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ
بالله من شر فسقة العرب والعجم وشر فسقة الجن والانس ربي
الله ربي الله امنت بالله توكلت على الله الجأت ظهري الى الله
فوضت امري الى الله اطلب حاجتي من الله لا حول ولا قوة الا
بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة
الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد
لرب الصباح والحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لفالق
المعاش الحمد لله لجاعل الليل سكنا والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز
العليم اللهم صل على محمد وال محمد واجعل في قلبي نورا وفي بصري
نورا وعلى لساني نورا وبين يدي نورا ومن خلفي نورا وعن
يميني نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا واعظم
لي النور واجعل لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني نورك
يوم القاك و بخوان اية الكرسي و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و پنج ايه از سوره آل عمران كه ان في خلق السموات
والارض واختلاف الليل والنهار لايات لاولي الالباب
الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون

فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا
عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما
للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا
بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم
القیمة انک لا تخلف المیعاد و بعد از ان بر خیزد و بنشیند و
تسبیح زهرا بگوید و صد بار صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم
السلام بدرستی که روایت کرده که هر کسی که صد بار صلوات بر محمد و
آل محمد علیهم السلام بعد از نماز فجر و پیش از آنکه نماز صبح بگذارد
نگاه دارد خدای تعالی روی او را از آتش دوزخ و آنکسی که در این وقت
صد نوبت بگوید سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله ربی
واتوب الیه بنا کند خدای تعالی برای او خانه در بهشت و آنکسی
که بیست و یکبار قل هو الله بخواند حق تعالی بنا کند از برای او و بعد از آن
بگو اللهم اهیئ لی سبیله وبصرنی بمخرجه وان قضیت لاحد
من خلقک علی مقدرة بسوء فخذه عنی من بین یدیه ومن
خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن تحت قدمیه ومن فوق
رأسه واکفنیه بما شئت و هفت بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن دو رکعت نماز
فجر سجده کن پیش از آنکه بپهلو بخوابی یا بعد از آن و در سجده بگو

و آنکسیکه چهل بار قل هو الله بخواند بیامرزد خدای تعالی او را

یا خیر

یا خیر المسئولین ویا اجود المعطین صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
وارحمنی وارزقنی وارزق عیالی من فضلک انک ذو فضل
عظیم و سنت است که دعا کند برای برادر مؤمن در سجده و
نام برد یک یک را و بگوید اللهم رب الفجر واللیالی العشر
والشفع والوتر واللیل اذا یسر وهل ورب کل شیء واله
کل شیء وملیک کل شیء وخالق کل شیء صل علی محمد و
افعل بی وبفلان بن فلان یعنی نام برد برادر مؤمن را ما انت
اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی واهل
المغفرة و بعد از آن متوجه مسجد شو بدرستی که نماز فریضه را
در مسجد گذاردن فاضلتر و بهتر است و نماز نافله را در خانه و
منزل بهتر است **در بیان** فضیلت رفتن بمسجد و کیفیت آن و دعا خواندن
در وقت در آمدن بمسجد **گفت** امام جعفر صادق ع که آنکسی که
بمسجد میرود پا بر هر جا می نهد تسبیح میگوید برای او حق تا آنچه در زیر
قدم اوست از هفت طبقه زمین و در توریة مذکور است که بشارت ده
بنور درخشنده در روز قیامت آنکسانی را که در تاریکی شب
بمسجد میروند **وگفت** پیغمبر خدا ص که حق تعالی فرمود که خانه من
در زمین مسجد است روشن میسازند مسجدها آسمان را برای
اهل او همچنانکه روشن میکنند ستارها زمین را برای اهل او
و خوشا حال کسانی که مسجدها خانه ایشان باشد یعنی اکثر اوقات

فضیلت رفتن مسجد

در مسجدها ببر بند و عبادت کنند تا حال شده که وضو کند در
خانه خود و بعد از آن زیارت کند مرا در خانه من یعنی مسجد و دو رکعت
و عبادت مشغول شود بدرستی که واجبست بر کسی که او را زیارت کنند
که اکرام و تعظیم نماید زائر خود را و بشارت دهند نور درخشنده در
روز قیامت آنکسان را که در تاریکی شب بمسجد میروند پس هرگاه
خواهی پای راست را پیش نه و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاِلَی اللهِ وَخَیْرُ
الْاَسْمَاءِ کُلِّهَا تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَتَوْبَتِکَ وَاَغْلِقْ عَنِّی
اَبْوَابَ مَعْصِیَتِکَ وَاجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِکَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِکَ وَمِمَّنْ
یُنَاجِیکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِینَهُمْ فِی صَلٰوتِهِمْ خَاشِعُونَ
وَادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَجُنُودَ اِبْلِیسَ اَجْمَعِینَ و بعد از آن
آیة الکرسی وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
بخوان و هفت بار سُبْحَانَ اللهِ و هفت بار الْحَمْدُ لِلّٰهِ و هفت بار
الله اکبر و هفت بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگو و بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ
لَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا هَدَیْتَنِی وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا فَضَّلْتَنِی وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا
هَدَیْتَنِی وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی کُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَیْتَنِی اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ
صَلٰوتِی وَدُعَائِی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ صَدْرِی وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ
اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ و چون از مسجد در آئی پیش از آنکه بنشینی
دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و اگر دو رکعت فجر

بگذاری

بگذاری احتیاج بنماز تحیت مسجد نیست **در بیان** دعائی که می باید
خواند وقت توجه بقبله اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَرِضَاکَ طَلَبْتُ
وَثَوَابَکَ ابْتَغَیْتُ وَبِکَ آمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِی لِذِکْرِکَ وَثَبِّتْنِی عَلٰی دِینِکَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِی
بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِی وَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
در بیان آنچه می باید خواند وقت شنیدن بانگ نماز **روایتست** که
هرگاه مُؤَذِّن اَللهُ اَکْبَرُ بگوید تو نیز اَللهُ اَکْبَرُ بگو و هرگاه اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ بگوید بگو وَاَنَا
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اَکْتَفِی بِهَا عَنْ
کُلِّ مَنْ اَبٰی وَجَحَدَ وَاُعِینُ بِهَا مَنْ اَقَرَّ وَشَهِدَ و روایتی دیگر واقع است
که وقتی که مُؤَذِّن اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ بگوید بگو صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ الطَّیِّبِینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ عَمَلِی بِرًّا وَمَوَدَّةَ
آلِ مُحَمَّدٍ فِی قَلْبِی مُسْتَقِرًّا وَاَدِرَّ عَلَیَّ الرِّزْقَ و وقتی که بگوید حَیَّ
عَلَی الصَّلٰوةِ حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ بگو لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ **روایتست** که آنکسی که این بانگ نماز را بشنود
آنچه مُؤَذِّن میگوید بگوید زیاده شود روزی او **در بیان** آنچه می
باید گفت وقت طلوع صبح چون صبح بدمد و نظر کنی بسوی او
متوجه آسمان شو و بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبُّنَا وَوَلِیُّنَا وَصَاحِبُنَا
فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَفَضَّلْ عَلَیْنَا بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَنْقِذْنَا

بِمَا نَحْنُ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَتْمِمْهَا عَلَيْنَا بعد از ان سه بار بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ و بعد از ان
بگوید یا فَالِقُ مِنْ حَيْثُ لَا اَرَى وَمُخْرِجُ مِنْ حَيْثُ اَرَى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِنَا هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ
نَجَاحًا و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْمَسَاءِ وَالصَّبَاحِ
اَللّٰهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسُرُورٍ وَقُرَّةِ عَيْنٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ
اَللّٰهُمَّ تُنَزِّلُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ فَاَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِي مِنْ
بَرَكَةِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ رِزْقًا وَاسِعًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ
در بیان انچه می باید گفت وقت بانگ نماز صبح اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِاِقْبَالِ نَهَارِكَ وَاِدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَاَصْوَاتِ دُعَا
ئِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ در بیان انچه باید گفت در میان بانگ نماز و اقامت چون
فارغ شوی از بانگ نماز سجده کن و بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي سَجَدْتُ
لَكَ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِيلًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي
وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ روایت که در میان اذان و
اقامت می باید خواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَرِزْقِي دَارًّا وَاجْعَلْ
عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا گفت حضرت
پیغمبر ص که دو ساعت است که گشوده میشود درهای اسمان و کم است
که دعا رد شود در ان دو ساعت یکی وقت بانگ نماز بجهت نماز و دیگری

آوَل

در وقتی که صفها راست شود بجهت جهاد کردن در راه خدا در بیان
انچه می باید گفت بعد از سجده پس هرگاه سر خود را بر داری از
سجده بگو سُبْحَانَ مَنْ لَا يَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يُخَيِّبُ سَائِلَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَى
وَلَا بَوَّابٌ يُرْشَى وَلَا تَرْجُمَانٌ يُنَاجَى سُبْحَانَ مَنِ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ
الْاَسْمَاءِ سُبْحَانَ مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِمُوسَى سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ
الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ در بیان
فضیلت نماز گفت ابو عبد الله ع که رسول خدا ص فرمود که
چون وقت نماز شود ندا میکند فرشته و میگوید ای مردمان برخیزید
و بنشانید آتشی که بجاهی که افروخته اید بنماز گذاردن گفت ابو
یعقوب که ابو عبد الله ع گفت بمن که نماز را در اول وقت بگذار همچو
نماز انکسی که می ترسد که دیگر میسر نشود او را نماز گذاردن یعنی
بخضوع و خشوع نماز بگذار و نظر در موضع سجود کن پس اگر بدانی
که کسی در جانب راست و چپ تو نیکو بجا می آری نماز را و بدانکه
در پیش کسی نماز میگذاری که می بیند ترا و تو نمی بینی او را گفت ابو عبد الله
ع که نماز گذارنده را سه خصلت است هرگاه بر میخیزد بنماز رحمت فرو
می آید از آسمان بر سر او و فرشتها در گرد او در می آیند از زیر قدم او تا
آسمان و فرشته ندا میکند و میگوید ای مصلی اگر بدانی که با که مناجات
میکنی ترک نمیکنی نماز را و بر نمیگردی از نماز و نیز گفت که انکسی

که دو رکعت نماز بگذارد و بداند آنچه میگوید در نماز یعنی دل او غافل نباشد
و متوجه نماز باشد خدای تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد گفت امیرالمؤمنین
علی ع که رسول خدا ص فرموده دو رکعت نمازی که سبک بگذارند با تفکر
بهتر است از گذاردن نماز یکشب بی تفکر و گفت امام جعفر صادق ع
که وقتی که بنده مشغول شود بنماز متوجه شود خدای تعالی بوجه کریم
خود باو و موکل کند باو فرشته را که قرآن را برچینند از دهن آن بنده و اگر اعراض
کند بنده از نماز و متوجه نماز نشود اعراض کند خدای تعالی از او و متوجه
او نشود بوجه کریم خود و اگر بنده متوجه نماز شود بتمام خود متوجه
شود خدای تعالی بوجه کریم خود و نماز او کامل شود و نماز و نماز او
باسمان برده شود و اگر سهو کند در نماز یا غافل شود یا مشغول بچیزی
دیگر شود باسمان برده شود از نماز او آن مقدار که متوجه شده است
و بدل غافل هیچ ثوابی نمیدهند و نیز گفت که دریافتن نماز در اول
وقت بهتر است از فرزند و مال و نیز گفت که فضیلت اول وقت بر آخر
وقت همچو فضیلت آخرت بر دنیا در بیان فضیلت ذکر بعد از نماز
صبح گفت امام حسن ع که شنیدم از پدر خود که میگفت که رسول خدا ص
فرمود که هر مسلمانی که بنشیند در جایی که نماز صبح گذارده است و
ذکر خدای تعالی بگوید تا برآمدن آفتاب ثواب او برابر ثواب کسی بوده
باشد که حج گذارده باشد و آمرزیده شود گناهان گذشته او را اگر
بنشیند در جای نماز تا آنکه در آید ساعتی که مکروه نباشد در آن ساعت

گذاردن یعنی آفتاب بلند و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد یا چهار
رکعت بیامرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را و ثواب او برابر ثواب
کسیست که حج کرده باشد روایت کرده است جابر که گفت ابوجعفر
ع که رسول خدا ص فرمود که خدای تعالی گفته است ای فرزند آدم یاد کن
مرا و ذکر بگو بعد از طلوع صبح یکساعت و بعد از عصر یکساعت تا برآورم
حاجتهای ترا گفت در بیان آنچه مخصوص است بتعقیب نماز صبح چون
فارغ شوی از نماز صبح و سلام دهی سه بار بگو الله اکبر و بگو لا
اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا
نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون لا اله الا
الله ربنا ورب آبائنا الاولين لا اله الا الله وحده وحده
انجز وعده ونصر عبده واعز جنده وغلب الاحزاب وحده
فله الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير
انك على كل شيء قدير اللهم اهدني لما اختلف فيه
من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم و بعد
از آن سه بار بگو استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
ذو الجلال والاكرام واتوب اليه بعد از آن بگو اللهم اهدني
من عندك وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك و
انزل علي من بركاتك سبحانك لا اله الا انت اغفر لي ذنوبي
كلها جميعا فانه لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا انت و بعد از آن

تسبیح زهرا بگو و آن سی و چهار بار تکبیر است و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان

الله اول تکبیر بگو و بعد از ان الحمد و بعد از ان الحمد سبحان الله کفت امام جعفر صادق

ع که تسبیح زهرا ع در عقب هر نماز فریضه دوست تر است نزد من از هزار رکعت

نافله در هر روز و نیز کفت که انکسی که تسبیح فاطمه زهرا بگوید در عقب نماز فریضه

و بعد از ان لا اله الا الله بگو آمرزیده شود و بهتر آنست که مهیا کند برای

شمردن تسبیح فاطمه زهرا تسبیح از تربت امام حسین ع مبهی که روایت از

امام جعفر صادق ع که کفت امام جعفر صادق ع که انکسی که بگرداند تسبیح تربت امام

حسین را ع یکبار و استغفار کند یا ذکر بگوید بنویسید ان یکبار را هفتاد بار

و سجده کردن تربت امام حسین ع بطرف میکند حجاب هفت آسمان را

روایت که بعد از نماز صبح می باید خواند و این دعا اینست بسم الله

الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء

الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و افوض

امری الی الله و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و من یتوکل علی الله

فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ما شاء

الله کان حسبنا الله و نعم الوکیل و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان

الرجیم و من همزات الشیاطین و اعوذ بک رب ان یحضرون و لا

حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم الحمد لله کثیرا کما هو اهله

و مستحقه و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله علی ادبار اللیل

و اقبال النهار و الحمد لله الذی اذهب باللیل مظلما بقدرته و جاء

وبعد از ان بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله

بالنهار

بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا و نحن فی عافیته و سلامته

و ستره و جمیل صنعه مرحبا بخلق الله الجدید و الیوم العتید

و الملک الشهید مرحبا بکما من ملکین کریمین و حیاکما الله

من کاتبین حافظین اشهدا لی و اکتبا شهادتی معکما حتی القی

القی بها ربی انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان

محمدا عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین

کله و لو کره المشرکون و ان الدین کما شرع و ان الاسلام کما وصف

و القول کما حدث و ان الله هو الحق المبین و الرسول حق و القرآن حق و

الموت حق و مسائلة منکر و نکیر فی القبر حق و الساعة آتیة لا ریب

فیها و ان الله باعث من فی القبور فصل علی محمد و آل محمد و اکتب

اللهم شهادتی عندک مع شهادة اولی العلم بک یا رب و من ابی ان

یشهد لک بهذه الشهادة و زعم ان لک ندا و لک ولدا او لک صا

حبة او لک شریکا او لک خالقا او رازقا فانا بریء منه لا اله الا انت

تعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا فاکتب اللهم شهادتی

مکان شهادتهم و احینی علی ذلک و امتنی علی ذلک و ابعثنی علیه

و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین اللهم صل علی محمد و آل

محمد و صبحنی منک صباحا صالحا مبارکا میمونا لا خازیا و لا فاضحا

اللهم صل علی محمد و آل محمد و صبحنی منک و اجعل اول یومی هذا

صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا و اعوذ بک من یوم اوله

و اشهدا

و البعث حق و النشور حق و الصراط حق و المیزان حق و الجنة حق و النار حق و ان الساعة

فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي باب كل شر فتحته على احد من اهل الشر ولا تفتحه على ابدا اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني مع محمد وآل محمد واغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا ولا خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اعطيتك من نفسي ولم اف لك به واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على محمد وآل محمد واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدا وامة المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ولم يجعلني من الغافلين بعد از ان سه بار یا چهار بار بگو در عقب نماز صبح پیش از انکه سخن کنی الحمد لله ملاء الميزان ومنتهى الرضا وزنة العرش وسبحان الله وملاء الميزان وزنة العرش والله اكبر ملاء الميزان ومنتهى الرضا وزنة العرش لا اله الا الله ملاء الميزان ومنتهى الرضا وزنة العرش و بعد از ان بگو اللهم اني اسئلك مسئلة العبد الذليل ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضي لنا حوائجنا في الدنيا

وخير ما بعده واعوذ بك
من شره وشر ما فيه وشر
ما قبله وشر ما بعده
اللهم افتح لي باب كل خير فتحته على احد
من اهل الخير ولا تغلقه عني
ابدا واغلق عني
في كل موطن ومشهد
ومقام ومحل ومرتحل و
في كل شدة ورخاء وفي
كل عافية وبلاء اللهم
صل على محمد وآل محمد

مند رضا

والآخرة في يسر منك وعافية **در بیان** اذکاری که در عقب نماز صبح می باید گفت چون فارغ شوی از تعقیب نماز صبح صد بار قل هو الله بخوان وصد بار استغفر الله واتوب اليه وصد بار لا اله الا الله الملك الحق المبين وصد بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر وصد بار بگو ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصد بار بگو اسئل الله العافية وصد بار بگو استجير بالله من النار وصد بار بگو اسئل الله الجنة وصد بار بگو اسئل الله الحور العين وصد بار بگو اللهم قد رضيت بقضائك وسلمت لامرك اللهم اقض لي بالحسنى واكفني ما اهمني وصد بار بگو اللهم اوسع علي من رزقك وامدد لي في عمري واغفر لي ذنبي من ينتصر به لدينك واكر میسر نشود تر اکه صد بار بگویی هر یك ازین ذکرها را ده بار بگو و بعد از ان یازده نوبت بگو لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ايمانا وصدقا وانقدر که می توانی بگو سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله بدرستی که هر گاه این تسبیح بگوید زیاده کند خدای تعالی روزی او را **گفت** حضرت پیغمبر صلعم بزنانی که از عسکر مدینه هجرت کرده بودند که بر شما باد که لازم کردانید بخود تسبیح وتهلیل وتقدیس را وغافل مشوید تا فراموش نکنید رحمت حق را وشمرید با انگشتان خود تسبیح وتهلیل وتقدیس را بدرستی که از انگشتان سؤال خواهند کرد وایشان بسخن

در خواهند آمد گفت امام جعفر صادق ع که آنکس که نماز صبح بگذارد
و مکث کند بر جای نماز خود تا برآمدن آفتاب و مشغول شود بدعا
و ذکر بیشتر روزی می‌رسد باو از آنکه بکماه سفر کند بجهت روزی
در بیان انچه می باید خواند وقت بیرون آمدن از مسجد وقتی که خواهی
که از مسجد بیرون آیی بگو اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِی فَاَجَبْتُ دَعْوَتَکَ وَصَلَّیْتُ
مَکْتُوبَکَ وَانْتَشَرْتُ فِی اَرْضِکَ کَمَا اَمَرْتَنِی فَاَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَمَلَ
بِطَاعَتِکَ وَاجْتِنَابَ مَعْصِیَتِکَ وَالْکَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِکَ
در بیان انچه می باید گفت در وقت برخاستن از جای نماز چون
فارغ شوی از نماز که باشد و خواهی که برخیزی از جای نماز بگو
سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بدرستی که گفت امیر المؤمنین علی ع که هر کسی
که خواهد که ثواب او بسیار باشد باید که آخر سخن او این باشد که
سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بدرستی که این را بگوید در آخر هر سخنی او را بعدد
هر مسلمانی ثوابی و حسنه ایست و در وقت بیرون آمدن
از مسجد پای چپ را پیش نه و بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْتَحْ لِی بَابَ فَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ د و جهد کن که نخسپی
پیش از برآمدن آفتاب و مشغول باشی بدعا و قران خواندن
بدرستی که گفت حضرت پیغمبر ص که آنکسی که بنشیند بر جای نماز خود

بعد از آن نماز صبح تا برآمدن آفتاب و مشغول باشد بدعا
و ذکر نگاه دارد خدای تعالی او را از آتش دوزخ گفت امیر
المؤمنین علی ع که گفت بحق خدای که سبب ذکر گفتن بعد از
نماز صبح تا برآمدن آفتاب زودتر روزی می‌رسد که بسبب مسافرت بر سد
جهاد گفت جابر که ابو جعفر ع فرمود که شیطان پراکنده میسازد
لشکر شب را از وقت فرو رفتن آفتاب تا وقت فرو رفتن شفق
و لشکر روز را از وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب و نیز فرمود
که حضرت پیغمبر ص گفت که بسیار ذکر بگویید در این وقت بدرستی
که این دو ساعت غفلتست گفت امام جعفر صادق ع
که خواب صبح شوم است و بطرف میکند روزی را و زرد و زشت
میسازد رنگ آدمی را و تغییر میدهد و خواب صباح خواب
کسی است که شوم است بدرستی که خدای تعالی قسمت میکند روزی را
از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس حذر کنید از خواب کردن
در این وقت گفت امام محمد باقر ع که خواب اول روز نادانی می
آورد و خواب نیم روزی می افزاید نعمت را و خواب بعد از عصر
حماقت می آورد و خواب میان شام و خفتن محروم میکند بنده را
از روزی گفت امام رضا ع که مراد از مقسمات که در قول خدا
واقعست که فَالْمُقَسِّمَاتِ اَمْرًا فرشتها اند که قسمت میکنند
روزی بنی آدم را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس آنکسی

که در این وقت خواب کند محروم شود از روزی و گفت معمر بن
خلاد که امام رضا ع وقتی که در خراسان بود چون نماز صبح میکرد
می نشست بر جای نماز خود تا طلوع آفتاب و بعد از آن برای
آنحضرت خریطه می آوردند که در و مسواکها بود آنحضرت مسواک
میکرد هر یک از آن مسواکها و بعد از آن مصطکی می آوردند
و می خایید مصطکی را و بعد از آن مصحف طلبید و قرآن میخواند

فصل سیم در بیان ذکر و صلوات فرستادن بر پیغمبر و
استغفار کردن و کوبیر کردن در بیان فضلت تسبیح و تحمید
و تهلیل و تکبیر گفت ابوعبدالله ع که رسول خدا ص متوجه
اصحاب شد و گفت که فرا گیرید سپری اصحاب گفتند یا رسول الله
فرا گیریم سپری از جهت دشمنی که نزدیک شده است بما گفت
نی و لیکن بگیرید سپری که نگاه دارد شما را از آتش دوزخ اصحاب
گفتند آن سپر کدام است آنحضرت گفت که گفتن این تسبیح است
که سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ و نیز گفت
که رسول خدا فرمود که بسیار بگویید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا
اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ بدرستی که می آیند این تسبیحات در
روز قیامت و در پیش و پس این تسبیحات فرشتها خواهند
بود و مراد از باقیات صالحات که در قرآن واقعست
این تسبیحاتست و گفت ابوبصیر که ابوعبدالله ع فرمود

که

که رسول خدا ص روزی گفت با اصحاب که آیا جمع کنید آنچه نزد شماست
از جامها و ظرفها و بعضی را بر بالای بعضی بنهید باسمان میرسد
اصحاب گفتند نی یا رسول الله آنحضرت گفت آیا دلالت کنم شما را
بر چیزی که اصل و بیخ او در زمین باشد و شاخ او در آسمان
گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که وقتی که فارغ شوید
از نماز فریضه سی نوبت بگویید سبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا
اِلٰهَ اِلّا اللهُ واللهُ اَکبَرُ بدرستی که اصل این تسبیحات در زمین است
و شاخ این ها در آسمان و آنکسی که این تسبیحات بگوید ایمن میشود
از فرو آمدن خانه و دیوار بر سر او و از سوختن و غرق
شدن و در چاه افتادن و خوردن درنده و مردن بد و
فرو آمدن بلاها از آسمان در آن روز و این تسبیحات باقیات
صالحاتست روایت کرده است ابوعبدالله ع از پدران
خود عَلَیهِمُ السَّلام که رسول خدا ص فرمود که چهار خصلت
است که در هر که باشد خدای تعالی او را از اهل بهشت می
نویسد گفتن کلمه لا اِلٰهَ اِلّا الله و او را پناه خود ساختن
و گفتن اَلحَمدُ لِلّهِ وقتی که خدای نعمتی بدهد و استغفار
کردن وقتی که گناهی بکند و گفتن اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُون
چون مصیبتی باو برسد و نیز روایت کرده است ابوعبدالله ع
از پدران خود علیهم السّلام که آمدند از فقرا جماعتی نزد رسول خدا

می‌بینید که در هر کاه

والله اکبر

وکفتند یا رسول الله توانکران بندها دارند که آزاد میکنند و
ما نداریم ومال دارند که حج میکنند وما نداریم وچیزی دارند که
تصدق میکنند وما نداریم ومال دارند که جهاد میکنند وما
نداریم آنحضرت کفت که انکسی که صد بار سبحان الله بکوید ثواب او
بیشتر است که صد شتر همراه خود بحج ببرد بجهت قربانی وانکسی که
صد بار الحمد لله بکوید ثواب او زیاده است از ثواب کسی که صد
اسب بازین ولجام ورکاب بدهد که در راه خدا جهاد بکنند و
انکسی که صد بار لا اله الا الله بکوید عمل او فاضلتر و بهتر است
از عمل مردمان دیکر در ان روز مکر از عمل کسی که زیاده از صد بار بکوید
پس این حدیث بتوانکران رسید وایشان نیز چنین کردند باز
فقرا امدند وکفتند یا رسول الله خبر فرموده بتوانکران رسید
وایشان نیز بجا آوردند خبر فرمودی آنحضرت کفت توانکری فضل
وبخشش خدای تعالی است بهر کس که میخواهد میدهد **وکفت**
ابو عبد الله ع که کفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و
الله اکبر دوست تر است نزد من از هر چیز که آفتاب تابد یعنی
از همه چیز **در بیان** حمد کفتن خدای تعالی **وکفت** ابو عبد الله ع که
رسول خدا ص حمد میکفت خدای تعالی را در هر روز سیصد و شصت بار
بعدد رکها که در بدن ادمیست باین طریق که الحمد لله کثیرا علی
کل حال ودر حدیث واقعست که در شب نیز سیصد و شصت بار

میکفت این حمد را میکفت خدای تعالی در هر روز [illegible] حضرت پیغمبر ص
اول کسانی که به بهشت انکسانند که بسیار حمد کفته اند خدای تعالی را در وقت
خوشحالی و سختی **روایت** که پرسیدند از رسول خدا ص که باغ بهشت
در دنیا کدام است آنحضرت فرمود که مجلس ذکر است پس اول روز وآخر
روز مشغول باشید بذکر خدای تعالی **وکفت** امام جعفر صادق ع
که شکر هر نعمت واکرچه ان نعمت بزرک باشد انست که حمد کوید خدای
تعالی را بران نعمت ونیز کفت که هر نعمتی که از خدای تعالی به بنده مؤمن رسد
وان بنده حمد کوید خدای تعالی را بران نعمت ان حمد فاضلتر خواهد بود
از ان نعمت و وزن او زیاده خواهد بود از ان نعمت در ترازوی اعمال
روایتست که استر ابی جعفر ع کم شده در میان مکه ومدینه آنحضرت
کفت اکر باز کرداند خدای تعالی این استر را بسوی من شکر بکویم خدای تع
را بحق شکر است چون یافت استر خود را سه بار کفت الحمد لله رب
العالمین وبعد از ان سه بار کفت شکرا **کفت** ابو حمزه که ابو جعفر ع
فرمود که ایا خبر دهم شما را بحمدی که کفایت کند کفتم بلی کفت بکو اللهم
لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحب ربنا
وترضی **وکفت** ابو عبد الله ع که انکسی که در وقت صباح چهار بار
بکوید الحمد لله رب العالمین بدرستی که شکر ان شب را بجا آورده است
وکفت زید شحام که ابو عبد الله ع فرمود که انکسی که بکوید الحمد لله
کما هو اهله ان فرشتها که ثواب می نویسند بکویند که بار خدایا عندنا [illegible]

خواند، میشنوند

که ثواب این حمد چیست تا بنویسیم حق تعالی بگوید که بنویسید آنچه بنده
من گفته است و بر منست ثواب آن و گفت ابو عبد الله ع که
رسول خدا ص گفت که هر کسی که بگوید الحمد لله بمحامده کلها ما علمنا
منها وما لم نعلم علی کل حال حمدا یوازی نعمه ویکافی مزیده علی
وعلی جمیع خلقه خدای تع بگوید که مبالغه کرده است بنده من در
رضای من و من میرسانم او را برضای او از بهشت روایتست که آمد
مردی نزد ابی عبد الله ع و گفت فدای تو گردم من بسیار پیر شده ام
بیاموز مرا دعای جامعی که فایده دهد در دنیا و آخرت آنحضرت
گفت حمد بگو خدای تع را بدرستی که وقتی که حمد بگوئی خدای تع
را هر نمازگذاری که هست دعا میکند برای تو در وقتی که سمع
الله لمن حمده میگوید و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که رسول
خدا ص فرمود که در بدن آدمی سیصد و شصت رگ است که حرکت
میکند و صد و هشتاد رگست که حرکت نمیکند پس اگر ساکن شوند آن
رگها که حرکت میکند یا حرکت کنند آن رگها که ساکنند آدمی هلاک
میشود روایتست که حضرت پیغمبر ص هر روز وقت برآمدن آفتاب سیصد
و شصت بار میگفت الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال
در بیان تمجید خدای تع یعنی بزرگی یاد کردن خدای تع گفت زراره
که گفتم بابی جعفر ع که کدام عمل بهتر و دوست تر است نزد خدای تع
آنحضرت گفت تمجید خدای تع گفت ابو عبد الله ع که خدای تع تمجید

کرده

کرده خود را در هر روز و هر شب سه بار پس آنکس که تمجید کند
خدای تع با آنچه تمجید کرده است خدای تع خود را پس اگر بدبخت
باشد خدای تع او را نیکبخت کند گفت حضرت پیغمبر ص که هر دعا
که پیش از تمجید باشد آن دعا ناتمام است اول تمجید کنید و بعد
از آن دعا کنید راوی میگوید که گفتم کمترین آنچه کافیست در تمجید
کدام است آنحضرت گفت بگو اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء وانت
الآخر فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت
الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز العلیم در بیان تسبیح گفت یونس
بن یعقوب که گفتم بابی عبد الله ع که آنکسی که صد بار سبحان الله بگوید
آیا داخل آنکسان میشود که بسیار ذکر کرده اند خدای تع را آنحضرت گفت
بلی گفت ابو جعفر ع که آنکسی که سبحان الله بگوید نه از روی تعجب خلق کند
خدای تع برای آنکس در میان مستجان تا روز قیامت و مثل اینست
گفتن الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر گفت امیر المؤمنین علی ع
که تسبیح نصف ترازوی اعمال را پر میکند و حمد ترازوی اعمال را پر میکند
و تکبیر میان زمین و آسمان را پر میکند و نیز گفت که آنکسی که سه بار
بگوید در وقت شام سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله
الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود از و
هیچ خیری در آن روز و هیچ بدی باو نرسد در بیان تهلیل گفت ابن
عباس که رسول خدا ص فرمود که بهشت کلمه دوست تر نزد خدای تع

از آن تسبیح مرغی را که
زبان و ... بال دارد
را استغفار میکند الی یوم

از کلمهٔ لا اله الا الله و هر بنده که لا اله الا الله بگوید و در وقت گفتن بکشد
آواز خود را چون فارغ شود گناهان او بپاشد در زیر قدمهای او
همچنانکه برگ درخت در زیر درخت می‌باشد **گفت** سکونی که
روایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا
ص فرمود که بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله است **نقلست**
از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا ع که حضرت پیغمبر ص فرمود
که خدای تعالی را ستونیست از یاقوت سرخ که سر آن ستون در زیر
عرش است و پایهٔ آن بر پشت ماهی است که در زیر هفتم طبقه
زمین است پس هر گاه بنده لا اله الا الله بگوید عرش در حرکت
می‌آید پس خدای تعالی میگوید که ساکن شو ای عرش من عرش
میگوید که گواه باشید ای ساکنان آسمان و زمین که من امر زیدم
گویندهٔ لا اله الا الله را **و گفت** جابر که ابو الطفیل روایت کرده است
که امیر المؤمنین ع گفت که هر بندهٔ مسلمانی که لا اله الا الله بگوید
بالا رود آن کلمه و بشکافد آسمانها را و بهر گناهی از گناهان
از گناهان او که بگذرد محو کند آن گناهان را تا آنکه برسد بحسنات
او پس بایستد **و گفت** امام جعفر صادق ع که گفتن لا اله
الا الله بهای بهشت است یعنی بنده چون لا اله الا الله بگوید
خدای تعالی بعوض آن او را به بهشت می‌برد و منقولست از کتاب ثواب
الاعمال که گفت رسول خدا ص که تلقین کنید کلمهٔ لا اله الا الله را بکسانی

و آن ستون و ماهی
بحرکت آیند
ساکن نمیشوم تا آنکه
بیامرزی کوینده این
کلمه را پس خدا... [illegible]

که نزد

که نزدیک شده باشد بمردن بدرستی که کلمهٔ لا اله الا الله میریزاند گناه
هارا اصحاب گفتند یا رسول الله آنکسی که در حالت صحت این کلمه را
بگوید گناهان او میریزد آنحضرت گفت بلی گناهان بیشتر میریزد و بدرستی
که گفتن لا اله الا الله ایمن میسازد مؤمن را در حالت حیوة و در وقت
مردن و در وقتی که برانگیخته شود از قبر **و گفت** ابو عبد الله ع که
آنکسی که صد بار لا اله الا الله بگوید فاضلترین مردمان است
از روی عمل در آن روز مگر از کسی که صد بار بگوید یا زیاده **گفت**
زید بن ارقم که حضرت پیغمبر ص فرمود که آنکسی که لا اله الا الله **و گفت**
ابو عمران الاحلی که رسول خدا ص فرمود که هر مؤمنی که لا اله الا الله
بگوید محو میکند این کلمه گناهانی را که در نامهٔ اعمال او ثبت شده است
تا آنکه برسد بحسنات **دربیان** نکیر و منکر **گفت** ابو حمزه ثمالی
که شنیدم از امام زین العابدین ع که میگفت که آنکسی که صد بار لا اله
الا الله بگوید در شبانگاه ثواب او برابر ثواب آنکسی است صد
بنده آزاد کرده باشد **گفت** امام رضا ع که پدرم علیه السلام میگفت
که آنکسی که لا حول و لا قوة الا بالله بگوید بگرداند خدای تعالی
از وی نود نه نوع بلا را از بلاهای دنیا که آسانترین آن بلاها
خناق است و خناق مرضیست که در حلق پیدا میشود بجهت
خون و بسبب آن گلو گرفته میشود **گفت** حضرت پیغمبر ص که
آنکسی که صباح بیرون رود از خانهٔ خود و بگوید لا حول و لا قوة

بگوید از روی خلوص قلب
و ... [illegible] دلیل ...
در بهشت گفت ابو سعید
خدری که گفت رسول خدا
که تلقین ... [illegible]
پیغمبر ... [illegible] کلمهٔ لا اله الا ...

الا بالله توکلت علی الله بگویند آن دو فرشته که موکل اویند که کفایت
شد مهمات تو و محفوظ شدی و راه راست یافتی پس شیطان بگوید
که چگونه است حال من بعد از این که او محفوظ شده باشد و کفایت شده
باشد مهمات او و راه راست یافته باشد **گفت** ابو عبدالله ع که هر کسی
ده بار بگوید یا الله یا الله خدای تعالی بگوید لبیک چیست حاجت تو
و هر کسی ده بار بگوید یا رب یا رب حق تعالی بگوید لبیک چیست حاجت
تو و هر کسی ~~ده بار بگوید لبیک چیست حاجت تو و هر کسی~~ که هفتاد بار
بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله بگرداند خدای تعالی از او هفتاد
نوع بلا را که آسان ترین همه خناق باشد **روایت** کرده است ابو عبدالله
ع از پدران خود علیهم السلام که هر کسی که هر روز سی بار بگوید لا اله
الا الله الملک الحق المبین توانگری روی بدهد او را و درویشی نیست باو
کند و بهشت رود **گفت** حضرت پیغمبر ص که مثل خانه که در او ذکر خدای تعالی
بگویند و خانه که در او ذکر خدای تعالی بگویند فرشتها در گرد ایشان
در آیند و بپوشانند ایشان را رحمت خدای تعالی و فرو آید بر ایشان آرامش
و ذکر کند خدای تعالی ایشان را نزد فرشتها **روایت** که پرسید مردی از
رسول خدا که بکدام سنت از سنتهای اسلام امر میکنی مرا آنحضرت
گفت بآن که زبان تو همیشه مشغول باشد بذکر خدای تعالی **نقلست**
از امالی شیخ ابی جعفر بابویه که گفت امیر المؤمنین علی ع که رسول خدا ص گفت
که بیشی گیرید بباغ بهشت در دنیا اصحاب گفتند یا رسول الله باغ

مثل شخص زنده و مرده است
بگفت سعدی که نمی نشیند
کسی در مقام ذکر ...

بهشت در دنیا کدام است آنحضرت گفت حلقه ذکر است **نقلست** از کتاب
فردوس که گفت رسول خدا ص که انعقاد ذکر بگویید خدای تعالی را که
شما را دریابند بگویید **روایتست** از امالی شیخ ابی جعفر بابویه که صاعقه
نمیرسد بکسی که ذکر خدای تعالی میگوید **نقلست** از کتاب محاسن
که روایت کرده است یونس بن عبدالرحمن که گفت یکی از ائمه علیهم
السلام بپسری خود که ای پسر من حذر کن از مجلسها پس اگر ببینی
که قومی ذکر میگویند خدای تعالی را با ایشان بنشین بدرستی که اگر عالم باشی
فایده میدهد ترا علم و دانش تو و زیاده میکنند ایشان علم و دانش
ترا و اگر جاهل باشی ترا عالم میگردانند و شاید که خدای تعالی رحمت کند
بر ایشان و تو با ایشان باشی و بتو نیز آن رحمت برسد و هرگاه ببینی
قومی را که ذکر خدای تعالی نمیگویند با ایشان منشین بدرستی که هرگاه
اگر عالم باشی فایده نمیدهد ترا علم و دانش تو و زیاده نمیکنند ایشان
~~علم و دانش تو و زیاده میکنند ایشان علم و دانش ترا زیاده~~ اگر
~~جاهل باشی ترا عالم میگردانند و شاید که خدای تعالی رحمت کند بر~~
~~ایشان و تو با ایشان باشی و بتو نیز آن رحمت برسد و هرگاه ببینی~~
~~قومی را که ذکر خدای تعالی نمیگویند با ایشان منشین بدرستی که اگر~~
عالم باشی فایده نمیدهد علم و دانش تو و اگر جاهل باشی زیاده میکنند
ایشان جهل و نادانی ترا و میتواند که خدای تعالی بر ایشان عقوبت کند
و آن عقوبت بتو نیز برسد **نقلست** از کتاب روضه که گفت حضرت

پیغمبر ص که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای تعالی بگویند ندا کند فرشته از آسمان
که برخیزید که سیئات شما بحسنات مبدل شد و آمرزید خدای تعالی
همه شما را و هر جماعتی که از اهل زمین بنشینند و ذکر خدای تعالی بگویند
فرشتها در که از ایشان در آیند و خدای تعالی بر ایشان رحمت کند و فرو آید
بر ایشان آرامش و ذکر کند خدای تعالی نزد فرشتگان ایشان را روایتست که پرسیدند
از حضرت پیغمبر ص که باغهای بهشت در دنیا کدامست آنحضرت فرمود که
مجلسهای ذکر است پس صباح و شام بروید بمجلسهای ذکر و ذکر بکنید
خدای تعالی را در بیان صلوات فرستادن بر نبی و آل او علیهم السلم گفت
ابوبصیر که ابوعبدالله ع فرمود که وقتی که نام حضرت پیغمبر ص مذکور
شود بسیار صلوات بفرستید بر وی بدرستی که آنکسی که یک نوبت صلوات بفرستد
خدای تعالی بر وی ده نوبت صلوات بفرستد در میان هزار صف از فرشتهای او و آن فرشتها نیز بر او
صلوات بفرستند و هر مخلوقی از مخلوقات خدای تعالی هم صلوات بفرستند
بر آنکس بجهت صلوات فرستادن خدای تعالی و فرشتها بر وی پس آنکسی که
رغبت نکند در صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او جاهل و مغرور است
و خدا و رسول او بیزارند روایت کرده است امام جعفر صادق ع
از پدران خود ع که رسول خدا فرمود که من در روز قیامت حاضرم
آنجا که میسنجند عملهای بندگان را پس آنکسی که زیاده شد بر سیئات
او حسنات می آورم صلوات او را که فرستاده است بر من تا آنکه
زیاده شود حسنات او بر سیئات او گفت حارث بن اعور که امیر المؤمنین

و کسی که بنشیند در مجلس ... که ملائکه بنشینند با او

بگفت پیغمبر ص ... [illegible]

علی ع فرمود که هر دعایی که هست نمیرسد بآسمان تا آنکه صلوات بفرستد
بر پیغمبر ص و آل او علیهم السلام گفت ابوعبدالله ع که یافتم در بعضی
از کتابها که آنکسی که صلوات بفرستد خدای تعالی بنویسد برای
او صد حسنه و آنکسی که صلوات بفرستد بر محمد و اهل بیت او
بنویسد خدای تعالی هزار حسنه گفت رسول خدا ص که نزدیکترین
مردمان بمن در روز قیامت آنکسانند که بیشتر صلوات فرستاده اند
بر من و نیز گفت بخیل آنکسی که نام من نزد او مذکور شود و صلوات
نفرستد بر من و نیز گفت که آنکسی از امت من که یکبار صلوات بفرستد
بر من از روی اخلاص و حضور دل ده صلوات بفرستد خدای ع
بر وی و ده درجه بلند گرداند مرتبه او را و بنویسد خدای تعالی برای او ده حسنه
و محو کند از نامه اعمال او ده گناه و گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا
ص فرمود که بلند کنید آواز خود را در وقت صلوات فرستادن بر من
بدرستی که صلوات فرستادن بر من با این طریق می برد نفاق را در بیان
استغفار و توبه کردن روایت کرده است جعفر بن محمد از پدران
خود علیهم السلام که گفت رسول خدا ص که هر دردی را دوایی است
و دوای گناه استغفار است و گفت امیر المؤمنین علی ع که عجب است
از کسی که ناامید شود از رحمت خدای تعالی و حال آنکه با او چیزی باشد
که نجات دهد او را از عذاب خدای تعالی پرسیدند از آنحضرت که
آن چیز کدام است فرمود که استغفار است نقلست از کتاب فردوس

که گفت حضرت پیغمبر ص که آواز سه کس را دوست میدارد حق تع اول آواز
خروس و آواز کسی که قران میخواند و آواز آنکسانی که استغفار میکنند
در سحرها **گفت** ابو عبدالله ع که هر کس هفتاد بار استغفر الله بگوید شب
وقت خواب کردن بریزد گناهان او در آن شب همچنانکه می ریزد
برگ درختان در وقت خزان و صباح کند و هیچ گناه نداشته
باشد و نیز گفت آنکسی که هفتاد نوبت استغفار کند بعد از عصر
بیامرزد خدای تع هفتصد گناه او را در آن روز پس اگر او را
گناهی نباشد هفتصد گناه از گناهان پدر او بیامرزد و اگر پدر
او را گناهی نباشد از گناهان مادر او بیامرزد و اگر مادر او را
نیز گناهی نباشد از گناهان برادران او بیامرزد و اگر خواهر او را نیز
گناهی نباشد از گناه خویشان که نزدیکتر باشد با و بیامرزد
گفت اسمعیل بن سهل که نوشتم با بی جعفر دوم ع که بیاموز مرا
چیزی که هر گاه بگویم از با شما باشم در دنیا و آخرت بخط مبارک
خود نوشت که بسیار سوره انا انزلناه بخوان و بسیار استغفار کن
روایت کرده است امام جعفر ع از پدر خود ع که گفت رسول خدا ص
که خوشحال کسی که یافت شود در روز قیامت در نامه اعمال او
بعد از هر گناه استغفاری **گفت** امام جعفر صادق ع که هر گاه
بنده استغفار کند بالا میرود نامه اعمال او درخشنده و نیز گفت
رسول خدا ص بر نمیخواست از مجلسی و اگر چه اندکی نشسته بودی

و اگر برادران او را گناهی نباشد از گناهان خواهران او را بیامرزد

تا انکه

تا انکه استغفار میکرد بیست و پنج نوبت و نیز گفت که کسی که توبه کند از گناه
همچنانست که هرگز گناه نکرده باشد و کسی که گناه کند و استغفار کند و
همچنان مصر باشد بر گناه کردن گویا مسخرگی میکند و نیز گفت بنده
وقتی که گناهی بکند و خدای تع باو نعمتی بدهد و او استغفار نکند از آن
گناه خدای تع او را اندک اندک پاک میسازد بهلاک و عذاب و نیز
گفت که بود از جمله سوگندهای حضرت پیغمبر ص لا استغفر الله و نیز
گفت که هر گاه مؤمنی که گناه کند نمی نویسند آن گناه را تا شب پس اگر استغفار
کرد آن تا روز گناه را می نویسند و نیز گفت که خدای تع گناه مؤمن را
بیاد او میدهد بعد از بیست و سه سال تا سی سال تا انکه استغفار کند و آمرزیده شود
کردن و گفتن لا اله الا الله بهترین عبادتهاست زیرا که خدای تع
گفته است که فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبک یعنی
پس بدان معبودی بحق نیست الا خدای تعالی و استغفار و طلب
آمرزش کن برای گناه خود **روایتست** که مردی نزد امیر المؤمنین علی ع
گفت استغفر الله آنحضرت گفت با عزت که نوحه کناد مادرت بر تو
آیا میدانی که استغفار چیست بدرستی که استغفار کردن درجه
بزرگان است و استغفار را بر شش معنی اطلاق میکنند اول
پشیمانی از گناه گذشته دوم قصد کردن که آن گناه را هرگز نکند
سیم رسانیدن حق مردم با یشان تا آنکه ملاقات کنی خدای تع
را و کسی را بر حقی نباشد بر تو چهارم قصد کردن که هر فریضه که

و گفت که استغفار

که از تو فوت شده باشد ادا کنی پنجم قصد کردن که گوشتی که رویده است
از حرام بگدازی از اندوه و اندوه تا آنکه بچسبد پوست بدن تو با استخوان
و گوشت تازه پیدا شود ششم چشانیدن تن را الم و مشقت طاعت همچنانکه
چشانیدی او را حلاوت و شیرینی معصیت پس بعد از آنکه این کارها
کرده باشی استغفر الله بگو **نقلست** از کتاب روضة الواعظین
که گفت امیر المؤمنین علی ع که در زمین دو چیز است که سبب امانست
از عذاب خدای تعالی یکی نمانده است و دیگری نزد شماست پس چنگ
در زنید با آنچه نزد شماست اما امانی که نمانده است رسول خدا
ست ص و امانی که باقیست استغفار است و قول خدای تعالی دلالت
میکند بر آنکه آن دو چیز امانست از عذاب زیرا که گفته است
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ
يَسْتَغْفِرُونَ یعنی نیست خدای تعالی که عذاب کند ایشان را و حال
آنکه تو ای محمد در میان ایشان باشی و نیست خدای تعالی که عذاب کند
ایشان را و حال آنکه ایشان استغفار میکنند و نیز گفت که نیست خیر
در دنیا مگر دو کس را یکی مردی که گناه کرده باشد و تدارک و تلافی
آن کند بتوبه و دیگر کسی که شتاب کند در خیرات و آنکسی که توفیق
توبه کردن یافت محروم نمیشود از قبول توبه و آنکسی که توفیق استغفار
یافت محروم نمیشود از آمرزش و مصداق این سخن این قول خدای
تعالی است که وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ

یجد

يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا یعنی و هر که بدی بکند که از آن ضرری بغیری
برسد یا ستم کند بر نفس خود پس استغفار و توبه کند بیابد خدای
تعالی را آمرزنده گناهان و مهربان و این قول خدای تعالیست که إِنَّمَا
التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ
فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا یعنی جز این نیست
که قبول توبه بر خداست برای کسانی که بد میکنند بنادانی پس توبه
میکنند و بازگشت می نمایند بخدای تعالی از زمانی نزدیک یعنی پیش
از مردن پس آنگروه که توفیق توبه یافته اند بعد از گناه توبه دهد
خدای تعالی ایشان را و بیامرزد و رحمت کند بر ایشان و خدای تعالی داناست
بتوبه ایشان و حکم کننده است بآنچه تایب را بآن عقوبت نباشد
گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص هر روز هفتاد نوبت
استغفار میکرد کسی پرسید که چگونه استغفار میکرد آنحضرت
گفت هفتاد نوبت استغفر الله و هفتاد بار وَأَتُوبُ إِلَيْهِ میگفت
گفت حسن بن حماد که امام جعفر صادق ع فرمود که هر که در عقب
هر یک از نماز فریضه پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را یعنی بهمان
کیفیتی که در حالت تشهد بود نشسته باشد بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خدای
تعالی بیامرزد گناهان او را و اگرچه گناهان او بقدر کف دریا باشد
روایتست که آنکسی که این استغفار هر روز بگوید خدای تعالی بیامرزد

چهل گناه کبیره او را دریابد کردن نقلست از کتاب روضه که
گفت حضرت پیغمبر ص که هر چشمی گریه خواهد کرد در روز قیامت
مگر سه چشم چشمی که گریسته باشد در دنیا از ترس خدای تعالی و چشمی
که نظر نکرده باشد چیزهایی را که خدای تعالی حرام کرده است و
چشمی که بیدار بوده است در راه خدا نقلست از کتاب عیون
الاخبار که روایت کرده است امام رضا ع که هر کسی که یاد کند مصیبت
ما را که اهل بیتیم بگرید یا بگریاند نگرید چشم او در روزی که
چشمهای گریان باشد یعنی در روز قیامت نقلست از کتاب
روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق ع که پنج کس بسیار گریه
کرده اند آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد و امام زین العا
بدین علیهم السلام اما آدم ع چندان گریست در فراق بهشت
که جویها در روی او پیدا شد از گریه و اما یعقوب ع چندان
گریست در فراق یوسف ع که نابینا شد و گفتند باو که تالله تفتؤ
تذکر یوسف حتی تکون حرضا او تکون من الهالکین یعنی بحق
خدای که همیشه بناله و زاری یاد کنی یوسف را ع تا وقتی که بیمار شوی
بیماری مشرف بموت یا شوی از جمله هلاک شدگان و اما یوسف ع
چندان گریست در مفارقت یعقوب ع که بتنگ آمدند اهل
زندان از گریه او و گفتند باو که یا روز گریه کن و شب خاموش
باش یا شب گریه کن و روز خاموش باش پس صلح کرد با اهل زندان بیکی

ازین دو و اما فاطمه بنت محمد ص چندان گریست بجهت پدر خود ص که اهل
مدینه بتنگ آمدند و گفتند باو که ایذا کشیدیم از بسیاری گریه تو
پس فاطمه بیرون میرفت از مدینه و میرفت بسر قبر شهیدان و
میگریست آنقدر که میخواست و بعد از آن باز میگشت و بمنزل خود می
آمد و اما زین العابدین ع بیست سال یا چهل سال گریست بجهت امام
حسین ع و هر گاه طعامی نزد آنحضرت می آوردند بسیار میگریست
تا آنکه یکی از خدمتکاران آنحضرت میگفت یا ابن رسول الله فدای
تو گردم می ترسم که تو از گریه کردن هلاک شوی آنحضرت گفت انما
اشکوا بثی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون یعنی جز این
نیست که شکایت میکنم و اندوه خود را بخدای تعالی نزد شما و نزد پیغمبر
شما زیرا که کس بی کسان و چاره ساز بی چارگان اوست و
میدانم از خدای تعالی آنچه شما نمیدانید پس هر گاه یاد میکنم
زمانی موضعی را که بنی فاطمه شهید شدند بی اختیار مرا گریه می آید
و گفت موسی ع که بار خدایا چیست جزای کسی که اشک فرو ریزد
چشمان او از ترس تو خدای تعالی گفت ای موسی جزای او اینست که
نگاه دارم روی او را از آتش دوزخ و ایمن گردانم او را از هول
روز قیامت گفت امام جعفر صادق ع که چون وفات حضرت
امام حسن ع نزدیک شد آنحضرت گریست کسی گفت یا ابن رسول الله
چرا گریه میکنی و حال آنکه میدانی که جای تو نزد رسول خدا ص

خواهد بود و حضرت پیغمبر ص در حق تو گفت آنچه گفت و تو بیست نوبت
پیاده حج کرده و قسمت کرده مال خود را در راه خدا سه نوبت تا آنکه
نعلین خود را نیز بمردم دادی آنحضرت گفت که بجهت دو چیز میگریم هول
روز قیامت و فراق دوستان **گفت** حضرت پیغمبر ص که هر کسی که گریه
کند بجهت گناه خود تا آنکه فرو ریزد اشک بر محاسن او حرام گرداند
خدای تع روی او را بر آتش دوزخ و نیز گفت که آنکسی که اشک
بیرون آید از چشمهای او برابر مگسی از ترس خدای تع ایمن گرداند
خدای تع او را در روز قیامت **منقولست** از کتاب زهد امام
جعفر صادق ع که گفت امام جعفر صادق ع که وحی کرد بموسی ع که بندگان
من نزدیک نمیشوند بمن بچیزی که دوستتر باشد نزد من از سه
خصلت حضرت موسی ع گفت بار خدایا آن سه خصلت کدام است
حق تع فرمود که زهد در دنیا و پرهیزکاری از معصیت و گریستن
از ترس من گفت موسی ع که ای پروردگار من چیست جزای آنکسانی
که این سه خصلت داشته باشند خدای تع وحی کرد و گفت ای
موسی اما زاهدان پس حکم میکنم که ایشان را بر بهشت برند و اما آنها
که گریستند از ترس خدای تع ایشان را از شراب بهشت میدهم که شریک نباشد
با ایشان کسی و اما پرهیزکاران از گناهان پس بدرستی که من سخت میگیرم
مردمان را و سخت گیری نمیکنم با ایشان **و نیز** و گفت امام جعفر صادق
ع که چندان گریست یحیی بن زکریا علیهما السلام که رفت گوشت روی

اواز

او از آب چشم و استخوانهای روی او نمایان شد و عصابه نهاد بر استخوانهای
روی خود تا آنکه آب چشم بر آن عصابه بگذرد پس پدر او گفت با او که ای
پسر من طلب کردم ترا از خدای تع تا آنکه چشم من بتو روشن شود
یحیی ع گفت ای پدر من بدرستی که بر بالای دوزخ پل لغزنده ایست که
نمی تواند گذشتن از آن پل مگر کسی که بسیار گریسته باشد از ترس خدای
و می ترسم از آن پل خواهم که بگذرم گمراه شوم پس گریست زکریا ع چندانکه
بیهوش شد **و نیز** و گفت امیرالمؤمنین علی ع که گریستن چشمها و
ترسیدن دلها از رحمت خدای تعالیست پس وقتی که بیابید رحمت
خدای تع را یعنی وقتی که چشم شما گریان شود و در دل شما ترسی پیدا
شود غنیمت شمرید دعا را درین وقت و اگر یک بنده بگرید در میان
امتی رحم کند خدای تع بر آن امت بجهت گریه او و نیز گفت که هرگاه
تا گریستن نیاید خود را بگریه دار پس اگر اشک بیرون آید از چشم تو
برابر پر مگس بسیار پسندیده است **و گفت** محمد بن مسلم که شنیدم
از ابی جعفر صادق ع که میگفت که هر چیزی را کیل و وزنی هست
مگر آب چشم بدرستی که وقتی که چشم اشک بریزد حرام گرداند خدای
آتش دوزخ را بر او پس اگر روان شود اشک بر رخسار بنده
تنگی نه بیند در معاش و خواری نه بیند هرگز و یک قطره از اشک
فرو می نشاند دریاهای آتش را و اگر مردی بگرید در میان
امتی خدای تع بر آن امت رحم کند **و گفت** ابرهیم ع که ای خدایا

جزای آنکسی که تر شود روی او بآب چشم از ترس حق تعالی فرمود که جزای
او آمرزش و خشنودی منست **گفت** ابو جعفر ع که دعا کنید نزد بر
خاستن موی از بدن از ترس خدای تعالی و نزد روان شدن اشک
و نزد باریدن باران و وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد تا وقتی
که آفتاب در میان آسمان باشد تا وقتی که آفتاب میل کند بدرستی که درین
ساعت درهای آسمان گشوده میشود و امید یاریست از فرشتها درین
ساعتها و امید اجابت دعاست از خدای تعالی و نیز گفت که تضرع و
زاری بنده و رحمت خدای تعالی باهم می باشند و وقتی که بنده سجده
کند خدای تعالی را پس اگر روان شود اشک از چشم او رحمت فرو می آید
درین وقت پس غنیمت دانید طلب حاجت را درین وقت و بسیار مشوید
اینچیز را که طلب میکنید و حقیر مشمرید اندک حاجتی را اگر دارید بدرستی
که دوسترین مردمان نزد خدای تعالی آنکس است که طلب بیشتر کند فانچه
خواهد از اندک و بسیار از خدای تعالی طلب کند **گفت** امام محمد باقر ع
که رفتم نزد پدر خود امام زین العابدین ع و آنحضرت رسانیده بود عبادت
بجائی که هیچکس بآن مرتبه نرسانیده بود پس دیدم که رنگ آنحضرت زرد
از بیخوابی و بخته شده است از بیخوابی و بخته شده است از بیخوابی و
بخته شده است گوشت چشم او از گریه و پیشانی او ورم کرده است
بجهت بسیاری سجده و ساقها و قدمهای او نیز ورم کرده است بجهت ایستادن
در نماز پس بی اختیار در گریه شدم چون دیدم پدر خود را باین حال بجهت

انکه

انکه برادرم آمد نزد آنحضرت در فکر بود بعد از ساعتی متوجه من شد و گفت
ای فرزند من بده پارهٔ ازین ورقها که عبادت امیر المؤمنین علی ع در و نوشته
است پس دادم آن ورقها را و آنحضرت خواند از آن ورقها اندکی و بعد از آن
گذاشت آن ورقها را بجهت آنکه دلتنگ شد و گفت کی قوت دارد که بجا
آورد عبادت علی بن ابی طالب را ع **روایت** که امام زین العابدین ع وقتی
که وضو میساخت زرد میشد رنگ مبارک او پرسیدند از او که چه
چیز است که مدهوش میکرداند ترا آنحضرت گفت آیا میدانید آنکس را که
من مهیا میشوم برای ایستادن در پیش او **روایت** که امام موسی ع میگریست
از ترس خدای تعالی تا آنکه تر میشد محاسن مبارک آنحضرت بآب چشم او

فصل ع در بیان نمازهای نادره **در بیان استخاره** **گفت** امام
جعفر صادق ع که وقتی که خواهی که کاری بکنی مشورت مکن در آن کار
بکسی پیش از آنکه مشورت کنی بپروردگار خود کسی پرسید از آن
حضرت که چگونه مشورت کنم بپروردگار خود آنحضرت گفت صد بار
بگو استخیر الله و بعد از آن مشورت کن با مردمان بدرستی که آنچه خیر است
خدای تعالی جاری میسازد بر زبان آنکس که او را دوست میدارد **نقلست**
از کتاب محاسن که گفت حلبی که ابو عبد الله ع فرمود که مشورت را چهار
حدّ است پس آنکسی که بداند حدها را نفع او از آن مشورت بیشتر از
ضرر او خواهد بود اول آنکسی که با او مشورت میکنی باید که عاقل باشد
دوم آنکسی باید که آزاد و با دیانت باشد سیم آنکه باید که دوست تو باشد

وبا توحق برادری داشته باشد چهارم انکه مطلع کردانی اورا بر سر خود
تا دانش او بآن کار همچو دانش تو باشد بآن کار وبعد
ازان بیان کرد انحضرت فایده چهار چیز را وکفت که بدرستی که انکسی که با او
مشورت میکنی هر کاه عاقل باشد فایده می یابی در مشورت کردن
با او وهر کاه ازاد وبا دیانت باشد جهد میکند در نیک خواهی تو
وهر کاه دوست تو باشد وبا توحق برادری داشته باشد می پوشد
سر ترا وهر کاه مطلع کردانی اورا بر سر خود پس علم ودانش او بانکار همچو
علم ودانش تو باشد بانکار تمام میشود مشورت تو وکامل میشود
نیکوخواهی تو برای تو وکفت امام جعفر صادق ع که مشورت
کن بمردم عاقل پرهیزکار بدرستی که خلاف کردن با ایشان هم در دین
بد است وهم در دنیا ونیز کفت که رسول خدا فرمود که مشورت کردن
با مردم عاقل نیکوخواه ارشادت کند ترا بکاری وکاری بفرماید ترا به پرهیز
از خلاف کردن با او بدرستی که خلاف کردن با او موجب هلاکت است
وکفت حسن بن جهم که بودیم نزد امام رضا ع پس ذکر کردیم پدر انحضرت را
امام رضا ع کفت که با عقل پدر من برابری نمیکرد عقل دیکران وبا وجود
این بسیار مشورت میکرد با غلامی وسیاهی از غلامان خود کسی کفت
بانحضرت که مشورت میکنی باین طور کسی انحضرت کفت که کاه باشد
که ایزد کار بکشاید بر زبان او وکفت امام رضا ع که کاهی غلامان سیاه
اشارت میکردند بپدر من در کار عمارت وباغ وبستان وانحضرت عمل

در مشورت لازم نیست که مخالفت ایشان نکنی

میمنت و رشادت و توفیق از جانب خدا است پس هرگاه

چیزی را که بکشاید پس زبان دیگری

میکرد

عمل میکرد بسخن ایشان کفت امام جعفر صادق ع که کسی پرسید از رسول
خدا ص که نیکی ودانائی در کار کدام است انحضرت کفت مشورت کردن
بکسی که صاحب رای وعقل باشد وپی روی سخن او کردن ونیز کفت
که حضرت پیغمبر ص فرمود در وصیتی که کرد بامیرالمؤمنین علی ع که نیست
پشتی محکم تر از مشورت ونیست عقلی همچو صلاح اندیشیدن ونیز کفت
که ظاهر ساختن چیزی را که پیش از انکه محکم کرده باشند انچیز را موجب فساد
انچیز میشود کفت یحیی ابن عمران الحلبی که ابو عبدالله ع فرمود که
مشورت را چند حد است پس انکسی که نداند حدهای او را ضرر آن مشورت
بیشتر از فایده او خواهد بود اول انکسی که با او مشورت میکنید
می باید که عاقل باشد دوم باید که ازاد وبا دیانت باشد چهارم می باید
که مطلع کردانی اورا بر سر خود تا دانش او بان کار همچو دانش تو باشد
وبعد ازان بیان کرد فایده ان چهار چیز را پس کفت که انکسی که با او
مشورت میکنی هر کاه عاقل باشد فایده می یابی ازان مشورت
وهر کاه ازاد وبا دیانت باشد جهد میکند در نیکخواهی تو وهر کاه
دوست تو باشد وبا توحق برادری داشته باشد می پوشد سر ترا
وهر کاه مطلع کردانی اورا بر سر خود ودانش او بانکار همچو دانش
تو باشد بان کار جهد خواهد کرد در نیک خواهی تو وتمام خواهد
شد مشورت تو تا اینجا روایت کرده است عثمان بن عیسی که کفت
شخصی که کفتم بابی عبدالله ع که کیست دوسترین خلق نزد خدا

انحضرت کفت انکسی که بیشتر اطاعت وفرمان برداری خدای تعم
کند کفتم دشمن ترین خلق نزد خدای تعم کیست کفت انکسی که تهمت
کند خدای تعم را کفتم ایا کسی که تهمت میکند خدای تعم را کفت
بلی انکس که استخاره کند بخدای تعم واستخارهٔ او بروجهی بیاید که
خیر او دران باشد و او کراهت داشته باشد ازان وخشم کیرد
پس او تهمت کرده است خدای تعالی را **کفت** حماد بن عثمان
که امام جعفر صادق ع فرمود که طریق استخاره اینست چون دو
رکعت نماز سنت صبح بکذاری در سجدهٔ آخر رکعت دوم صد بار
اَسْتَخِیرُ اللّٰهَ بکوید ویکبار حمد بکوی خدای تعم را وصلوات بفرستی
بر نبی وآل او علیهم السلام کنی صد ویک را یعنی نخاه ویک بار دیکر
استخیر الله بکوی وبعد ازان حمد بکوی خدای تعم را وصلوات بفرستی
بر نبی وآل او علیهم السلام **روایت** کرده است محمد بن خالد القسری ابا
عبد الله را ع از کیفیت استخاره انحضرت کفت که صد بار یا دویست بار استخاره کن
بخدای تعم در رکعت آخر نماز شب هر وقتی که در سجده باشی و
کفت محمد بن خالد که چکونه بکویم انحضرت کفت که صد بار بکو استخیر الله
برحمته **روایت** که امیر المؤمنین علی ع بجهت استخاره دو رکعت
نماز میکذارد وصد بار در عقب آن نماز میکفت استخیر الله وبعد ازان
میکفت اَللّٰهُمَّ اِنِّی قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ قَدْ عَلِمْتَهُ فَاِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَیْرٌ لِی
فِی دِیْنِی وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِی فَاصْرِفْهُ عَنِّی کَرِهَتْ نَفْسِی ذٰلِکَ اَمْ اَحَبَّتْ

فانک

پس بجاه مرتبه بکوید استخیر الله پس حمد خدا کند وصلوات بفرستد بر نبی وآل او

کفت محمد بکویم فرمود بکو استخیر الله برحمته استخیر الله برحمته

تیسره لی وان کنت تعلم انه شر لی فی دینی ودنیای وآخرتی

فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
خِرْ لِی فِی جَمِیعِ مَا عَزَمْتُ بِهِ مِنْ اُمُورِی خِیَارًا بَرَکَةً وَعَافِیَةً **نقلست**
از کتاب تهذیب الاحکام که کفت معاویة بن میسره که ابو عبد الله ع
فرمود که بنده که هفتاد بار استخاره کند بخدای تعم باین استخاره بر
ساند خدای تعم باو انچه خیر اوست واستخارهٔ اینست یَا اَبْصَرَ النَّاظِرِیْنَ
وَیَا اَسْمَعَ السَّامِعِیْنَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِیْنَ وَیَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَیَا اَحْکَمَ الْحَاکِمِیْنَ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَخِرْ لِی فِی کَذَا وَکَذَا یعنی حاجت وکاری
که دارد نام برد وبعد ازان سجده کند وصد بار دران سجده بکوید
اَسْتَخِیرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ اَسْتَقْدِرُ اللّٰهَ فِی عَافِیَةٍ بِقُدْرَتِهِ وبعد ازان طلب
حاجت خود کند براستی که چون چنین کند انچه خیر اوست باو خواهد
رسید بهر حال وباید که تهمت نکند پروردکار خود را دران کار که پیش
او می آید خواه بآن راضی باشد وخواه نباشد **دربیان** نماز استخاره
کفت که پرسید حسن بن جهم از ابی الحسن ع برای سفر کردن ابن
اسباط ابن جهم کفت که ما ذکر کردیم راه دریا وخشکی را تا مصر وخبر
دادیم باو که راه خشکی بهتر است انحضرت کفت که بمسجد برو در وقت
غیر نماز فریضه ودو رکعت نماز بکذار وصد بار استخاره کن بخدای
وبعد ازان نظر کن که چه چیز در دل تو می افتد بان عمل کن کفت
حسن بن جهم که نزد من راه خشکی او را بهتر است انحضرت کفت که نزد من
هم بهتر است **نقلست** از کتاب محاسن که کفت جابر که امام محمد باقر ع فرمود

الراحمین

که امام زین العابدین ع هر گاه قصد میکرد که حج کند یا عمره بگذارد
یا چیزی بخرد و یا بفروشد یا بنده آزاد کند طهارت میکرد و بعد
ازان دو رکعت نماز استخاره میکرد و در این دو رکعت سوره
فاتحه و حشر والرحمن و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله میخواند و بعد ازان میگفت اللهم ان کان
کذا و کذا یعنی ذکر میکرد آنکار را که میخواست که بکند خیرا لی فی
دینی ~~خیرا لی فی دینی~~ و خیرا لی فی دنیای و آخرتی و عاجل امری
و آجله فیسره لی رب اعزم لی یسری و ان کان ذلک و اننه
نفی عن ناحیته **روایت** که ابو عبد الله ع وقتی که میخواست که
بنده یا چهارپای بخرد و یا طلب کند حاجت سبکی یا چیزی اندکی
هفت بار استخاره میکرد بخدای تعالی **نقلست** برای استخاره گفت
مرازم که ابو عبد الله ع فرمود که وقتی که اراده چیزی کنید باید
که دو رکعت نماز بگذارید و حمد و ثنای خدای تعالی بگویید و
بعد ازان صلوات بفرستید بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد ازان
بگویید اللهم ان کان هذا الامر خیرا لی فی دینی و دنیای
فیسره لی و قدره و ان کان الامر علی غیر ذلک فاصرفه عنی **گفت**
مرازم که پرسیدم از ابی عبد الله ع که چه چیز بخوانم در این دو رکعت
انحضرت که هر چه میخواهی بخوان و اگر میخواهی قل هو الله و قل یا ایها
الکافرون بخوان **و گفت** برای استخاره **گفت** اسحق بن

و ان کانت شرا لی فی دینی و دنیای فاصرفه عنی انک علی کل شیء قدیر

و هر گاه اراده میکرد امر سنگین مهمی را صد بار استخاره میکرد

عمار که گفتم بابی عبد الله ع که بسیار است که من قصد کاری میکنم بعضی
میگویند که این کار را بکن و بعضی میگویند که این کار را مکن و بعضی
میگویند مکن انحضرت گفت که هر گاه چنین باشد دو رکعت نماز
بگذار و صد و یکبار استخاره کن بخدای تعالی و بعد ازان منتظر باش که
بکدام یک ازین دو حزم میکنی پس از او بکن بدرستی که خیر تو در آنست ان شاء الله
تعالی و لیکن استخاره تو می باید که در طلب عافیت باشد بدرستی که بسیار است
که چیزی آدمی در بریدن دست اوست و مردن او و مردن فرزند او
رفتن مال او **نماز** برای استخاره **گفت** هرون بن خارجه که ابو
عبد الله ع فرمود که هر گاه خواهی که کاری بکنی بگیر شش پاره کاغذ
و در سر رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلانه افعل یعنی نام آنکس که میخواهد که بکند و نام مادر او را
بنویس و در سر رقعه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من
الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه لا تفعل و بعد ازان این رقعه‌ها را در
زیر جای نماز خود بنه و بعد ازان دو رکعت نماز بگذار چون فارغ شوی
از نماز سجده کن و در سجده صد بار بگو استخیر الله برحمته خیرة فی
عافیة و بعد ازان بنشین و بگو اللهم خر لی فی جمیع اموری فی یسر
منک و عافیة و بعد ازان دست بزن بر رقعه‌ها و برهم زن آنها را و
بیرون آر از آن رقعه‌ها را یکیک پس اگر سه رقعه پی در پی بیرون آمد که در آنها
افعل نوشته است آن کار را بکن و اگر سه رقعه بیرون آمد که در آنها لا

در امر سهل یکبار

استخاره

ولاتفعل نوشته است آن کار را مکن واگر یکی بیرون آمد که افعل نوشته
است ویکی لاتفعل بیرون آر از آن رقعه‌ها تا پنج ونظر کن که افعل بیشتر است
یا لاتفعل هر کدام بیشتر است بآن عمل کن ورقعهٔ ششم را بگذار وبیرون
میار که احتیاج باو نیست گفت ابو جعفر ع که هر گاه امام زین العابدین
ع میخواست که حج کند یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد
وبغیر وشرط طهارت میکرد ودو رکعت نماز استخاره میگذارد ودر هر
دو رکعت سورهٔ الرحمن وحشر میخواند چون فارغ میشد از نماز دویست
نوبت میگفت استخیر الله وبعد از آن قل هو الله وقل اعوذ برب
الفلق وقل اعوذ برب الناس میخواند وبعد از آن میگفت اللهم انی
قد هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی ودنیای
وآخرتی فاقدره لی وان کنت تعلم انه شر لی فی دینی ودنیای وآخرتی
فاصرفه عنی رب اعزم لی علی رشدی وان کرهت او احببت
ذلک نفسی بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله حسبی الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وبعد از آن میرفت
وآن کار میکرد در بیان نماز برای استخاره گفت کرده است محمد بن
یعقوب از علی بن محمد که بعضی از اصحاب به سند از بعضی از ائمه معصومین
علیهم السلام که کسی که خواهد که کاری بکند وکسی نیابد که با او مشورت
کند چکند آنحضرت گفت که باید که مشورت کند به پروردگار خود را
آنکس گفت که چگونه مشورت کنم آنحضرت گفت که قصد کن آن حاجت

وهب لی

پس نظر میکرد تا بلند شود
بهر چه میل میشد

را در دل خود نگاهدار ودر دو رقعه بنویس در یکی لا بنویس ودر دیگری نعم وهر دو
را علیحده در میان اندکی گل پنهان کن وبعد از آن دو رکعت نماز بگذار وآن
هر دو گل را در زیر دامن خود بنه وبگو یا الله انی اشاورک فی امری هذا
وانت خیر مستشار ومشیر فاشر علی بما فیه خیر وصلاح وحسن عاقبة
وبعد از آن دست دراز کن ویکی را بیرون آر پس اگر در آن رقعه که بیرون
آورده نعم باشد بکن آن کار را واگر لا باشد مکن اینچنین مشورت کن به
پروردگار خود نماز برای استخاره گفت چنانکه رسول خدا ص آموخت
مارا استخاره همچنانکه آموخت مارا سورهٔ از قرآن وگفت که هر گاه خواهید
که کاری بکنید باید که دو رکعت نماز بگذارید وبعد از آن بگویید اللهم
انی استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک واسألک من فضلک
العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم
ان کنت تعلم ان هذا الامر تسمیه خیر لی فی دینی ومعاشی وعاقبة
امری فاقدره لی ویسره وبارک لی فیه وان کنت تعلم انه شر لی
فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی واصرفنی عنه واقدر
لی الخیر حیث ما کان ورضنی به نقلست از کتاب محاسن که گفت
سعد بن صدقه که شنیدم از امام جعفر صادق ع که میگفت که می باید
که بجای اللهم انی استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک بگوید
اللهم انی استخیرک برحمتک واستقدرک بقدرتک ثم خیر وهم
نرهت پس هر گاه شرط کند خیر وشر را در قول خود پس باید شرط کرده

بجهة آنکه مدار قول

مستجاب خواهد شد براي شما ولیکن باید که بگوئید اللهم اني استخیرک
برحمتک واستقدرک الخیر بقدرتک علیه انک عالم الغیب والشهادة
الرحمن الرحیم فاسألک ان تصلی علی محمد کما صلیت وبارکت علی محمد و
علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید اللهم ان کان هذا الامر
الذی ارید خیرا لی فی دینی ودنیای وآخرتی فیسره لی وان کان
غیر ذلک فاصرفه عنی واصرفنی عنه که امام جعفر صادق ع فرمود که
بعضی از پدران من علیهم السلام در وقت استخاره میگفتند اللهم
لک الحمد وبیدک الخیر کله اللهم انی استخیرک برحمتک واستقدرک الخیر
بقدرتک علیه انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام
الغیوب اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد من
معصیتک وارضی لنفسک واقضی لحقک فیسره لی وما کان غیر
ذلک فاصرفه عنی واصرفنی عنه فانک لطیف لذلک والقادر علیه
وگفت عمر بن حرب که ابو عبد الله ع فرمود که چون استخاره کنی دو
رکعت نماز بگذار وبعد از آن استخاره کنی دو رکعت نماز بگذار و
بعد از آن استخاره کن بخداي تعالی بحق خداي که استخاره میکند
بخداي تعالی مسلمانی مگر آنکه خداي تعالی خیر میدهد او را البته
در بیان نماز براي فال گرفتن از مصحف چون خواهی که فال بگیری
از مصحف نماز جعفر بگذار ونماز جعفر چهار رکعت هر دو رکعت
بیک تشهد ویک سلام در رکعت اول یکبار فاتحه بخوان ویکبار

اذا

اذا زلزلة وبعد از آن پانزده نوبت بگو سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اکبر وبعد از آن رکوع کن ودر رکوع بگو ده بار
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وبعد از آن سر بر
داري از رکوع همین تسبیح را ده بار بگو وبعد از آن سجده کن وهمین
تسبیح ده بار بگو وچون سر از سجده اول برداري همین تسبیح را ده بار
بگو وباز سجده کن ودر سجده دوم نیز همین تسبیح را ده بار بگو و
رکعت
بعد از آن که سر از سجده دوم برداري همین تسبیح را ده بار بگو ودر
دوم یکبار فاتحه بخوان ویکبار سوره والعادیات ودر رکعت سیم
دوم
یکبار فاتحه ویکبار سوره اذا جاء نصر الله بخوان ودر رکعت چهارم
یکبار فاتحه ویکبار سوره والعادیات ودر رکعت سیم یکبار فاتحه
ویکبار سوره اذا جاء بخوان ودر رکعت چهارم یکبار فاتحه ویکبار
قل هو الله بخوان واین تسبیح که مذکور شد بهمان کیفیت که در رکعت
اول خواندي در رکعت دوم وسیم وچهارم نیز بخوان ودر سجده سیم
آخر رکعت چهارم بگو سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف
بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل
شیء علمه سبحان من ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم
سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک
بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم
وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآل

و ان تفعل بی کذا و کذا چون از نماز فارغ شوی تسبیح فاطمه زهراء بگو
و بعد از آن این دعا بخوان یا من لا تخفى علیه اللغات ولا تتشابه
علیه الاصوات یا من هو کل یوم هو فی شأن یا من لا یشغله شأن عن
شأن یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور یا محیی العظام وهی
رمیم یا بطاش ذو البطش الشدید یا فعالا لما یرید یا رازق من یشاء
بغیر حساب یا رازق الطفل الجنین والطفل الصغیر یا راحم الشیخ الکبیر
یا جابر العظم الکسیر ویا مدرک الهاربین ویا غایة الطالبین یا من
یعلم ما فی الضمیر وما تکن الصدور یا رب الارباب و سید السادات
و اله الالهة و جبار الجبابرة و مالک الدنیا والاخرة یا مجری الماء فی
النبات یا مکون طعم الثمار اسئلک باسمک الذی لا یقوم له شیء
ولا یقوم له ارض ولا سماء اسئلک باسمک الذی شققته من
عظمتک واسئلک بعظمتک التی اشتققتها من کبریائک واسئلک
بکبریائک التی اشتققتها من کینونتک التی اشتققتها من کرامتک و
اسألک بکرمک الذی شققته واسألک بعزک الذی شققته من
کرامتک واسألک بکرمک الذی شققته من رحمتک واسألک
برحمتک التی شققتها من رأفتک واسألک برأفتک التی اشتققتها
من حلمک واسألک بحلمک الذی شققته من لطفک واسألک
بلطفک الذی شققته من قدرتک واسألک باسمائک کلها
واسألک باسمک المهیمن العزیز القدیر علی ما یشاء من امرک

یا من

یا من سمک السماء بغیر عمد واقام الارض بغیر سند وخلق
الخلق من غیر حاجة الیهم الا افاضة لاحسانه واثباتاً لحکمه
واظهاراً لقدرته اشهد یا سیدی انک لم تأتنی بابداعهم لا
لاجل وحشة لتفردک ولم تستعن بغیرک علی شیء من امرک انما
اسألک بجلالک بغناک عن خلقک وحاجتهم الیک وفقرهم وفاقتهم الیک
ان تصلی علی محمد وال خیرتک من خلقک محمد واهل بیته الطیبین
الراشدین وان تجعل لعبدک الذلیل بین یدیک من امره فرجا
ومخرجا یا سیدی ارحم عبدک الاسیر بین یدیک سیدی ارحم عبدک
المقر بذنبه وبجرائته علیک یا سیدی الویل قد حل ان لم ترحمنی
یا سیدی هذا مقام المستجیر بعفوک من عقوبتک هذا مقام
المسکین المستکین هذا مقام الفقیر البائس الحقیر المحتاج الی
ملک کریم یا ویلی ما اغفلنی عما یرادنی یا سیدی هذا مقام
المذنب المستجیر بعفوک من عقوبتک هذا مقام من انقطعت
حیلته وخاب رجاؤه الا منک هذا مقام الاسیر هذا
مقام الطرید الشرید یا سیدی اقلنی عثرتی یا مقیل العثرات
یا سیدی اعطنی سؤلی سیدی ارحم بدنی الضعیف وجلدی
الرقیق الذی لا قوة له الذی لا قوة له علی حر النار یا سیدی ارحم
فانی عبدک ابن عبدک بین یدیک وفی قبضتک لا طاقة
لی بالخروج من سلطانک سیدی وکیف لی بالنجاة ولا انصاب

صل علی محمد و اله وارزقنا
المحو منک والخشیة
ایام حیاتی سیدی
٤ لم تهتن بلیله استدی ان تعذ
عبدک الغریق فی بحر الخطایا
یا سیدی ارحم عبدک

الا لديك فكيف لي بالرحمة ولا تصاب الا من عندك يا اله الا
نبياء وولي الاتقياء وبديع الكرامة اليك قصدت وبك انزلت
حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغيث فاغثني
وانقذني برحمتك مما اجترأت عليك يا سيدي يا ويلتا اين اهرب
ممن الخلايق كلهم في قبضته والنواصي كلها بيده يا سيدي
يا ويلتا اين اهرب ممن الخلايق كلهم في قبضته والنواصي
كلها بيده يا سيدي منك هربت ووقعت بين يديك متضرعاً
اليك راجيا لما عندك لديك يا الهي وسيدي حاجتي التي
ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار سيدي علمت
وايقنت انك اله الخلق والملك الحق الذي لا سمي له ولا شريك
له يا سيدي انا عبدك مقر لك بوحدانيتك وبوجود
ربوبيتك انت الله الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا
تعب ولا نصب انت المعبود غيرك اسالك باسمك الذي
تحشر به الموتى الى الحشر يا من لا يقدر على ذلك احد غيره
واسالك باسمك الذي تحيي به العظام وهي رميم ان تغفر لي و
ترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني ما اهمني اشهد انه لا
يقدر على ذلك احد غيرك يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له
كن فيكون يا من احاط كل شيء علماً واحصى كل شيء عدداً

اسالك

اسالك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك ونبيك وخاصتك وخا
لصتك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك
وموضع سرك ورسولك الذي ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة
للعالمين ونوراً استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك و
انذر بالاليم من عقابك اللهم فصل عليه بكل فضيلة من فضائله
وبكل منقبة من مناقبه وبكل من حالاته وبكل موقف من موا
قفه صلوة تكرم بها وجهه واعطه الدرجة والوسيلة و
الفضيلة اللهم شرف في القيامة مقامه وعظم بنيانه واعل
درجته وتقبل شفاعته في امته واعطه سؤله وارفعه في الفضيلة
الى غايتها اللهم صل على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنا
ئك في عبادك وحججك في ارضك ومنارك في بلادك الصابرين على بلائك
الطالبين رضاك الموفين بعهدك غير شاكين منك ولا جاحدين
في عبادتك واوليائك وسلائل اوليائك وخزان علمك الذين جعلتهم
مصابيح الهدى ونور الدجى عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم
صل على محمد وآل محمد وعلم منارك في عبادك الداعي اليك باذنك القائم
بامرك المؤدي عن رسولك عليه وآله السلام اللهم اذا اظهرته فانجز
له ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه
افضل امله ان يسئل امله واعطه سؤله وجدد به عن محمد واهل بيته
بعد الذل الذي قد نزل بهم بعد نبيك فصاروا مقتولين مطرودين

المؤمنين بوعدك و

مشردين خائفين غير آمنين لقوا في جنبك الاذى ابتغاء مرضاتك
وطاعتك والتكذيب فصبروا على ما اصابهم فيك راضين بذلك
مسلمين لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم اللهم عجل فرج قائمهم بامرك
وانصره دينك الذي غير وبدل وجدد به ما امتحى وبدل بعد نبيك
ص اللهم صل على جميع المرسلين والنبيين الذين بلغوا عنك الهدى و
اعتقدوا لك المواثيق بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى ارواحهم و
اجسادهم والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل على ملا
ئكتك المقربين واولي العزم من انبيائك المرسلين وعبادك الصالحين
اجمعين يا ارحم الراحمين واعطني سؤلي في دنياي وآخرتي يا ارحم الراحمين
اللهم كما دعوتك لنفسي لعاجل الدنيا وآجل الآخرة فاعطه جميع اهلي
واخواني فيك وجميع شيعة آل محمد المستضعفين في ارضك بين عبادك
الخائفين منك الذين صبروا على الاذى والتكذيب فيك وفي
رسولك واهل بيته عليهم السلام افضل ما يأملون واكفهم ما اهمهم
يا ارحم الراحمين اللهم اجزهم عنا جنات النعيم واجمع بيننا وبينهم
برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از آن مصحف بردارد و قصد کن ظهور
صاحب الزمان را ع در اول و در نوبت دوم که برای خود فال میگیری
بنا این قصد کن و بعد از آن بگو اللهم ان كان في قضائك وقدرك
ان تفرج عن وليك وحجتك في خلقك في عامنا هذا او شهرنا هذا
فاخرج لنا رأس آية من كتابك نستدل بها على ذلك وبعد از آن مصحف

را بگشا و هفت ورق بشمر و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمر و نظر
کن در آنچیزی که می آید در سطر یازدهم و بعد از آن همین کار کن برای
خود بدرستی که ظاهر میشود حاجت، تو انشاء الله تعالی نقلست از کتاب
تهذیب الاحکام که گفت یسع قمی که گفتم بابی عبد الله ع که گاهی اراده چیزی میکنم
و استخاره میکنم در آنچیز بخدای تعالی و توفیق نمی یابد فکر من که از آن بکنم
یا نکنم آنحضرت گفت که وقتی که برخیزی برای نماز و آن وقتی است که
شیطان دور میشود از آدمی که نظر کن که چه چیز در دل تو می افتد
پس آنچیز را در دل خود نگاه دار و بگشا مصحف را و نظر کن باول چیزی
که می بینی در مصحف و آن کار کن وگفت امیر المؤمنین علی ع که آنکسی
که خواهد که بیرون رود از خانه خود و بگرداند انگشتری را و نگین او را
بجانب کف دست کند و سوره انا انزلناه بخواند و بعد از آن بگوید آمنت
بالله وحده لا شريك له آمنت بسر آل محمد وعلانيتهم نمی بیند در آن
روز هیچ مکروهی در بیان نماز حاجت گفت سماعة بن مهران که ابو
عبد الله ع فرمود که وقتی که شما بیمار شوید طبیب میطلبید و چیزی
میدهید باو و هرگاه حاجتی دارید بسلطان رشوت میدهید به
بابان سلطان و چیزی میدهید بایشان پس اگر شما را کاری سختی
پیش آید باید که خرج کنید بخدای تعالی و طهارت کنید و چیزی تصدق بدهید
خواه کم باشد و خواه بسیار و بعد از آن بمسجد بروید و دو رکعت نماز بکنید
و حمد و ثنای حق تعالی بگوید و صلوات بفرستید بر نبی و آل او علیهم السلام و

فی نفسی واهلی ودینی ومالی فعافنی

بعد از ان بگو بسید اللهم ان عافیتی مما اخاف من کذا وکذا یعنی نام انچیز بید
کار وی ترسید بدرستی که چون چنین کنید خدای تعالی شما را نجات میدهد
برای حاجت چون حاجتی داشته باشی وقتی که نصف شب شود غسل کن و
دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی یکبار فاتحه و پانصد بار قل هو الله احد بخوان
و دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی یکبار فاتحه و پانصد بار قل هو الله
بخوان و در رکعت دوم نیز این کار بکن چون فارغ شوی از خواندن قل
هو الله آخر سوره حشر را بخوان که لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة
واصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هذا القران علی جبل
لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس
لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام
المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم و شش ابتدا از اول سوره حدید بخوان
واین شش آیت است بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو
العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی
کل شیء قدیر هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بکل
شیء علیم ، هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من

السما

السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر
له ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور یولج اللیل فی
النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور وبعد از ان
ایستاده هزار بار بگو ایاک نعبد وایاک نستعین وبعد از ان رکوع کن
وسجود کن وتشهد بخوان وثنا بگوی خدای تعالی را که حاجت تو بر آورده شود -
واگر حاجت تو بر آورده نشود مرتبه دوم این کار کن واگر مرتبه دوم نشود
سیم این کار بکن نماز دیگر برای حاجت وگفت ابو عبد الله ع وقتی
که ترا حاجتی ضروری باشد بخدای تعالی روز چهارشنبه وپنجشنبه وجمعه
این سه روز پی در پی روزه بگیر چون روز جمعه شود غسل کن وجامه
پاکیزه بپوش وبعد از ان بر بلندترین بام سرای خود بالا رو ودر انجا
دو رکعت نماز بگذار و بر دار دست وسر خود را بجانب آسمان وبگو اللهم حللت
بساحتک لمعرفتک بوحدانیتک وصمدیتک وانه لا قادر علی
حاجتی غیرک فقد علمت یا رب انه کلما تظاهرت نعمک
علی اشتدت فاقتی الیک وقد طرقنی هم کذا وانت بکشفه
عالم غیر معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک الذی وضعته
علی الجبال فنسفت وعلی السماء فانشقت وعلی النجوم فانتثرت
وعلی الارض فسطحت واسئلک بحق الذی جعلته عند محمد و
عترته ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی حاجتی وان تیسر لی
عسرها وتکفینی مهمها فان فعلت فلک الحمد وان لم تفعل فلک

الحمد غیر جائر فی حکمک و لا متّهم فی قضائک و لا خائف من عدلک
و بعد از آن روی خود را بر زمین بنه و بگو اللهم ان یونس بن
متّی عبدک دعاک فی بطن الحوت فاستجبت له و انا عبدک اد
عوک فاستجب و بعد از آن گفت ابو عبد الله ع گفت که وقتی که مرا حاجتی
باشد این عمل میکنم و این دعا میخوانم حاجت من بر آورده میشود

نماز دیگر
در بیان برای حاجت گفت امام موسی ع که هرگاه ترا کاری
عظیمی پیش آید تصدّق کن در آن روز بشصت مسکین هر مسکین
نصف صاعی بصاع حضرت پیغمبر ص از خرما یا گندم یا جو پس هرگاه شب
شود غسل کن در نصف ثلث آخر شب و بعد از آن بپوش ادنی
چیزی که می پوشد او را و لنگی به بند و بعد از آن دو رکعت نماز
بگذار و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله بخوان و در رکعت دوم
فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخوان چون در رکعت آخر سجده
بنهی لا اله الا الله بگو و بپاکی یاد کن خدای تعالی را و بعد از آن یاد
گناهان خود را و اقرار کن بتمام گناهان خود آنچه دانی و آنچه
ندانی و بعد از آن سر خود را از سجده بردار چون سر را بسجده دوم
بنهی صد بار بگو اللهم انی استخیرک بعلمک و بعد از آن بخوان خدای
تعالی را بآنچه میخواهی از نامهای او و بعد از آن بگو یا کائن قبل کل
شیء و یا مکوّن کل شیء یا کائن بعد کل شیء افعل بی کذا
و کذا یعنی حاجت خود را نام ببر و هرگاه استخاره کنی هر روز را

و اقضی لی کذا و کذا

خود را بر زمین بنه و بر دار لنگ خود را تا آنکه برهنه شود هر دو زانوی
تو و لنگ خود را از میان ران خود بگذران بدرستی که هرگاه چنین کنی
امید میدارم که بر آورده میشود حاجت تو ابتدا کن بصلوات بر پیغمبر ص

نماز دیگر
و آل او علیه السلام در بیان برای حاجت گفت امام رضا ع که وقتی
که اندوهگین سازد ترا کاری دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه
فاتحه و آیة الکرسی بخوان و در رکعت دوم فاتحه و انا انزلنا بخوان و بعد از آن
بخوان بگیر مصحف را و بردار بر بالای سر خود و بگو اللهم بحق ما ارسلته
الی خلقک و بحق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیک و بحق
محمد ده بار بگو بحق علی و ده بار بگو بحق فاطمه و نام هر یک از ائمه
باین طریق ده بار بگو یا صاحب الزمان بدرستی که چون چنین کنی
هنوز از جای خود برنخاسته باشی که خدای تعالی حاجت ترا بر آورد

نماز دیگر
برای حاجت گفت مقاتل بن مقاتل که گفتم بامام رضا ع که فدای تو
کردم دعائی بیاموز بمن بجهت بر آمدن حاجت آنحضرت گفت که هر
گاه ترا حاجتی ضروری باشد بخدای تعالی پس غسل کن و جامه پاک بپوش
و چیزی از بوی خوش بکار بر و برو جایی که میان تو و آسمان حایلی
نباشد و دو رکعت نماز بگذار باین کیفیت که افتتاح کن نماز و یکبار
فاتحه و پانزده بار قل هو الله بخوان بطریق نماز تسبیح بگذار این نماز
و فرق میان نماز تسبیح که از ائمه جعفر میگویند و کیفیت گذاردن
آن نماز از پیش گذشت و میان این نماز آنست که درین نماز قل

و بحقک علیهم و لا نعرف احداً اعرف بحقک منک پس ده بار بگو یا سیدی یا الله و ده بار بگو

بعد از آن رکوع کن و در رکوع پانزده بار بخوان

هُوَ اللّٰهُ احد پانزده بار می باید خواند بعد از فاتحه در رکوع و بعد از
رکوع و در سجود و بعد از سجود و در نماز تسبیح بعد از سوره پانزده
بار تسبیح می باید گفت و در رکوع ده بار تسبیح می باید خواند و همچنین
بعد از رکوع و در سجود و بعد از سجود ده بار تسبیح می باید گفت چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و در سجده بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ
لَدُنْ عَرْشِکَ اِلیٰ قَرارِ اَرْضِکَ فَهُوَ باطِلٌ اِلّا سِواکَ فَاِنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ
الْحَقُّ الْمُبِینُ اِقْضِ لِی حاجَتِی کَذا وَکَذا اَلسّاعَةَ اَلسّاعَةَ وَمُبالِغَه
کُنْ در اینچنین که میخواهی چون حاجت تو برآورده شود نماز شکر بگذار

در بیان نماز شکر روایت کرده است هرون بن خارجه که ابو عبد اللّٰه
ع گفت در بیان نماز شکر که چون نعمتی بدهد خدای تعالی تو دو
رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و قل هو اللّٰه بخوان و در رکعت
دویم فاتحه و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ بخوان و در رکوع و سجود رکعت
دوم فاتحه و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ بخوان و در رکوع و سجود رکعت
اول بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً شُکْراً وَحَمْداً و در رکوع و سجود رکعت دوم بگو
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اسْتَجابَ دُعائِی وَاَعْطانِی مَسْئَلَتِی نقلست از کتاب
روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق ع که عافیت نعمتی است
پنهانی یعنی مردمان غافلند از عافیت و قدر او را نمیدانند پس هرگاه
عافیت داری فراموش میکنی از و هرگاه عافیت نداری یاد میکنی
او را عافیت نعمتی است که مردمان غافلند از شکر گفتن آن گفت

امام

امام زین العابدین ع که آنکسی که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید براستی که بجا آورده است
شکر هر نعمتی را که خدای تعالی داده است روایت هرگاه بیابی
در نفس خود اندوهی در آن وقت نماز بگذار و این نماز دو رکعتست
در هر رکعت یکبار فاتحه و اِنّا اَنْزَلْناهُ بخوان و بعد از آن بگو عَفْوَکَ عَفْوَکَ
عَفْوَکَ و بعد از آن رکوع کن و در رکوع ده بار بگو همین کلمه را و تمام کن
این دو رکعت را مثل نماز جعفر و طریق نماز جعفر از پیش گذشت یعنی با این
کیفیت بگذار که چون سر از سجده اول و دوم برداری و همین را ده بار بگو در رکعت
دوم را نیز با این کیفیت بگذار در بیان نماز بجهت وسوسه نفس گفت امام جعفر
صادق ع که هر مؤمنی که چهل صباح بر و بگذرد البته وسوسه در نفس او
پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و پناه جوید بخدای تعالی از
وسوسه نفس روایت است که شکایت کرد آدم ع بحق تعالی از وسوسه نفس
پس جبرئیل ع فرو آمد و گفت بگو لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ حضرت آدم
ع گفت این کلمه را و وسوسه نفس از و رفت پس گفت امام جعفر صادق
ع که اینست لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ یعنی بجهت این نازل شد گفت
امام محمد باقر ع که آمد مردی نزد رسول خدا ص و شکایت کرد از وسوسه
نفس و از بسیاری قرض و درویشی آنحضرت گفت باو که بگو تَوَکَّلْتُ عَلَی
الْحَیِّ الَّذِی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ
فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً تکرار نمود و تکرار کرد
این را چند بار و اندک زمانی برآمد که نزد حضرت پیغمبر ص آمد و گفت یا

پانزده بار

امام جعفر صادق گفت

اصل این کلمه

یا رسول الله رفت از من وسوسهٔ نفس و ادا شد قرض من و توانگر شدم در
بیان استغفار و طلب روزی گفت حضرت پیغمبر ص که وقتی که بر
تو تنگی پیدا شود و بر کار تو دشواری پدید آید عرض کن حاجت خود را بخدا
تم و نماز استغفار بگذار و این نماز دو رکعت است باین کیفیت که تکبیر احرام
بگو و در هر رکعتی فاتحه و انا انزلناه یکبار بخوان و بعد از قراءت پانزده بار
بگو استغفر الله و بعد از آن رکوع کن و ده بار بگو استغفر الله و بعد از آن
رکوع کن و ده بار بگو استغفر الله و این نماز را هم بطریق نماز جعفر بگذار
تا خدای تم بصلاح آورد جمیع کارهای ترا ان شاء الله تعالی نماز بجهت
کفایت مهمات گفت امام جعفر صادق ع که چون ترا مهمی پیش آید دو رکعت
نماز بگذار و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوات
بفرست بر نبی و آل و علیهم السلام و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل اکفیانی ما
انا فیه فانکما کافیان احفظانی باذن الله فانکما حافظان دوات که
انکسی که پنج بار سوره انا انزلناه بر قدح آبی بخواند و آن آب را بر جامه
بیفشاند بپوشد فراخ روزی باشد تا انکه انجامه کهنه شود دوات انکسی که
او را غم و اندوهی رسیده باشد یا او را حاجتی باشد بخدای تعالی گفت
امام رضا ع که چون ترا غمی برسد یا حاجتی داشته باشی بخدای تعالی دو رکعت
نماز بگذار و در رکعتی یکبار فاتحه و سیزده بار انا انزلنا بخوان چون فارغ
شوی از نماز سجده کن و بگو اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم الضر
و مجیب دعوة المضطرین و رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صل علی محمد

وآل

وآل محمد وارحمنی رحمة تطفئ بها عنی غضبک وسخطک وتغنینی بها عن
رحمة من سواک و بعد از آن روی راست خود را بر زمین بنه و بگو یا
مذل کل جبار و معز کل ذلیل محمد و حقک بلغ المجهود منی فی امر
کذا ففرج عنی و بعد از آن روی چپ خود را بر زمین بنه و همین را بگو
و بعد از آن پیشانی را بر زمین بنه و همین را بگو به درستی که حق تعالی می برد غم
و اندوه ترا و میبرد غم و اندوه ترا و می آورد حاجت ترا در بیان نماز فرج برای رستگاری
از شدت گفت امیر المؤمنین علی ع که چون ترا شدتی پیش آید دو رکعت
نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه و هزار بار قل هو الله بخوان و در رکعت
دوم فاتحه و یکبار قل هو الله احد بخوان و دعای فرج اینست اللهم یا من
لا تراه العیون ولا تخالطه یا من لا یصفه الواصفون یا من لا تغیره
الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا یخشی الفوت
یا من لا تضره الذنوب ولا ینقصه المغفرة یا من یعلم مثاقیل الجبال
وکیل البحور وعدد الامطار وورق الاشجار ودبیب الذر ولا یواری
منه سماء سماء ولا ارض ارضا ولا بحر ما فی قعره ولا جبل ما فی وعره
تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور وما اظلم علیه اللیل واشرق
علیه النهار اسألک باسمک المکنون المخزون الذی فی علم الغیب
عندک اختصصت لنفسک اشتققت منه اسمک المکنون
المخزون الذی ~~فی علم الغیب عندک اختصصت لنفسک~~ بانک انت
الله لا اله الا انت وحدک وحدک لا شریک لک الذی اذا دعیت

پس تشهد و سلام بگو و بخوان دعای فرج را
الظنون

وباسمک

به احببت واذا اسألک بحق انبیائک المرسلین وبحق حملة عرشک
وبحق ملائکتک المقربین وبحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل
بحق ملائکتک وبحق محمد وان تجعل خیر عمری اخره وخیر اعمالی خواتیمها
واسألک مغفرتک ورضوانک یا ارحم الراحمین وهمچنین برای خلاصی
از غم چون بکسی الحی و کربی برسد باید کرد دو رکعت نماز بکذارد و دست
بکیرد مصحف را وبلند بردارد وبکوید اللهم انی اتوجه بما فیه
اسمک الاکبر واسمائک الحسنی وما یخاف ویرجی اسألک ان تصلی
علی تصلی علی محمد وال محمد وتقضی حاجتی وحاجتی داری نام برد
همچنین استغاثه بحضرت فاطمه علیها السلام چون خواهی که استغاثه
کنی بحضرت فاطمه دو رکعت نماز بکذار و بعد ازان سجده کن وصد
بار بکو یا فاطمه و بعد ازان روی چپ را بر زمین بنه و مثل این بکوی
و بعد ازان پیشانی را بر زمین بنه و صد و ده بار بکو یا فاطمه و بعد ازان
بکو یا امنا من کل شیء وکل شیء منک خائف حذر اسألک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی
ومالی وولدی حتی لا اخاف ولا احذر من شیء ابدا انک علی
کل شیء قدیر نماز استغاثه دیکر چون خواهی که در شب خواب
کنی بالای سر خود ظرف پاکی بنه که در و آب پاکی باشد و خرقه
پاکی بر سر آن ظرف بپوش هر گاه بیدار شوی برای نماز در آخر شب
بسحر بعد ازان آب بیاشام و بعد ازان وضو کن با بخور مانده باشد

مسألتک به اعطیت و

وال محمد وعترته ان تصلی علی محمد وال محمد

روی راست را بر زمین بکذار وصد بار بکو یا فاطمه اغثینی و بعد ازان

اذان

ازان آب متوجه شو بقبله واذان واقامت بکو و دو رکعت نماز بکذار
و در این دو رکعت انچه میسر شود از قرآن بخوان چون فارغ شوی از قرائت
رکوع کن و در رکوع بیست و پنج بار بکو یا غیاث المستغیثین و بعد ازان
سر خود را از رکوع بردار و مثل این بکوی و بعد ازان سجده کن و در سجده
مثل این بکو و بعد ازان سر از سجده بردار و مثل این بکوی و بعد ازان
سجده دوم کن و مثل این بکوی و بعد ازان بنشین و مثل این بکو
و بعد ازان رکعت دوم را نیز باین کیفیت بجا آور و سلام بده پس
تو در این نماز صد بار کفتی یا غیاث المستغیثین و بعد ازان بردار
سر خود را و متوجه آسمان شو و سی بار بکو من العبد الذلیل الی المولی الجلیل
و ذکر کن حاجت خود را بدرستی که زود حاجت تو برآورده میشود
و همچنین برای فریاد رسیدن کفت ابو عبدالله ع که وقتی که شما را استغاثه
باشد بخدای تعالی باید که دو رکعت نماز بکذارید و بعد ازان سجده
کنید و در سجده بکویید یا محمد یا رسول الله یا علی یا ولی الله یا سید المؤ
منین والمؤمنات بکما استغیث الی الله یا محمد یا علی استغیث
بکما یا غوثاه بالله و محمد و علی و فاطمه وائمه علیهم السلام بکویید
یا صاحب الزمان و بعد ازان بکویید بکم اتوسل الی الله جل و
عز بدرستی که چون چنین کنی در ساعت بفریاد تو میرسد باذن
خدای تعالی دیکر برای دفع ضرر و دشمنی دو رکعت نماز بکو
بکذار و بعد از نماز سجده کن و در سجده بکو یا ماجد یا واجد

یا احد یا کریم اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا رسول الله
انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک و رب کل شیء اسالک
یا الله ان تصلی علی محمد وال محمد واسالک نفحة من نفحاتک فتحا
یسیرا ورزقا واسعا الم به شعثی واقضی به دینی واستعین
بهما علی عیالی **دیگر** برای دفع غم **گفت** ابو عبدالله ع که اگر کسی
که با غم و سختی رسد باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و
بعد از آن بر پهلو بخوابد و روی راست خود را بر دست راست خود
نهد و بگوید یا معز کل ذلیل یا مذل کل عزیز وحقک لقد
شق علی کذا وکذا یعنی نام برد آن غم و سختی را که با و رسیده است
نماز بجهت طلب یاری برای دفع دشمن **گفت** امام جعفر صادق ع
که چون خواهی که دفع دشمنی کنی وضو بساز هر وقت که خواهی و بعد
از آن دو رکعت نماز بگذار چون فارغ شوی از نماز روی خود را
بر زمین نه و بگو یا رباه یا رباه تا آنکه نفس منقطع شود و بعد از آن
بگو یا من اهلک عادا الاولی وثمود فما ابقی وقوم نوح من قبل
انهم کانوا هم اظلم واطغی والمؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی
ان کان فلان بن فلان یعنی نام آنکس که دشمن تست و نام پدر او را
بگو ظالما فیما ارتکبنی لاجعل علیه منک وعدا ولا تجعل فی علمک
نصیبا یا اقرب الاقربین **گفت** نماز مظلوم بجهت دفع ظالمی که بر تو ظلم
کرده است چون ظالمی ظلم کند بر تو وضو بساز و دو رکعت

نماز

نماز بگذار و سر خود را بردار بجانب آسمان و بگشا دستهای خود را
و بگو اللهم رب محمد وال محمد صل علی محمد وال محمد واهلک عدوهم
اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام آن ظالم و نام پدر او را بگو قد ظلمنی
ولا احد من اصول به غیرک فاستوف منه ظلامتی الساعة
الساعة بحق من جعلت له علیک حقا وبحقک علیهم الا فعلت
ذلک یا محقق الاحکام والاخذ بامر هو ب البطش یا مالک الملک افعل
نماز بجهت انتقام کشیدن از ظالم **گفت** ابو عبدالله ع که هرگاه
خواهی که انتقام بکشی از ظالم بجهت ظلمی که بر تو کرده است دعای بد
مکن بر ظالم بدرستی که هرگاه مظلوم همیشه بر ظالم دعای بد کند ظالم میشود
ولیکن هرگاه کسی ظلم کند بر تو غسل کن و دو رکعت نماز بگذار در
جائی که حایلی نباشد میان تو و آسمان چون از نماز فارغ شوی
بگو اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام ظالم و نام پدر او را بگو ظلمنی
ولیس لی احد اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة
الساعة بدرستی که هرگاه چنین کنی بی درنگ مقصود تو
حاصل میشود **وهمچنین** نماز دیگر برای انتقام کشیدن از ظالم **گفت**
یونس بن عمار که شکایت کردم نزد ابی عبدالله ع از مردی که
ایذا میکرد مرا آنحضرت گفت دعای بد کن او را گفتم دعای
بد کردم اثر نکرد آنحضرت گفت که طریق دعای بد کردن چنین نیست
بلکه از گناهان توبه کن و روزه بدار و نماز بگذار و تصدق کن

و یا نعمتک التی سالک به المضطر کشفت ما به من الضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان اسالک ان تصلی علی محمد وال محمد ان تصلی علی محمد وان تستوفی لی ظلامتی الساعة الساعة

بر هر گاه آخر شب شود وضو بساز و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار
و بعد از نماز سجده کن و در سجده بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ یعنی نام
آن ظالم و پدرش را بگو فَدْ اٰذَانِی اَللّٰهُمَّ اَسْقِمْ بَدَنَهُ وَاقْطَعْ اَثَرَهُ وَانْقُصْ
اَجَلَهُ وَعَجِّلْ لَهُ ذٰلِكَ فِی عَامِهِ هٰذَا یونس بن عمار گفت ~~ابو عبد الله ع~~ چنین کردم پس
در دیگری نشد که آن کس هلاک شد
~~که وقتی که دشوار شود چنین کن که بر اندک زمانی هلاک شود~~ نماز دیگر
بجهت دفع دشواری گفت ابو عبد الله ع که وقتی که دشوار شود بر تو
کاری دو رکعت نماز بگذار وقت زوال و در رکعت ~~دوم~~ اوّل فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰه
وَاِنَّا فَتَحْنَا بخوان تا وَیَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِیْزًا و در رکعت دوم فاتحه و
قُلْ هُوَ اللّٰهُ و اَلَمْ نَشْرَحْ بخوان و آن مجرّبست برای دفع دشواری دیگر
بجهت مهمّات گفت امام حسین ع که هر گاه مهمّی داشته باشی چهار
رکعت نماز بگذار و نیکو بجا آور قنوتها و ارکان آن نماز را و در رکعت
اوّل یکبار فاتحه بخوان و هفت بار حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ و در رکعت
دوم یکبار فاتحه بخوان و هفت بار مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ
تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا و در رکعت سیّم یکبار فاتحه بخوان و هفت
بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ و در رکعت چهارم
یکبار فاتحه بخوان و هفت بار وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ
و بعد از آن حاجت خود را طلب کن و همچنین کسی که او را مصیبتی رسیده نماز
باشد چون بکسی مصیبتی برسد باید که چهار رکعت نماز بگذارد و در هر
رکعتی یکبار فاتحه بخواند و هفت بار قُلْ هُوَ اللّٰه و یکبار آیة الکرسی

وقتی

وقتی که سلام دهد بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَاٰلِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ
وَعَلَیْهِ السَّلَامُ و بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر بگوید بدرستی که
اگر کسی که چنین کند بدهد خدای تعالی باو آنچه وعده کرده است باهل مصیبت
دیگر نماز بجهت طلب روزی گفت حضرت پیغمبر ص که جبرئیل ع گفت که بجهت
طلب روزی دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اوّل یکبار فاتحه بخوان و
سه بار اِنَّا اَعْطَیْنَا و سه بار قُلْ هُوَ اللّٰه و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخوان
و سه بار قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سه بار قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ و همچنین نماز
بجهت دفع درویشی گفت مبشّر بن عبد العزیز که بودم نزد ابی عبد الله
ع که در آمد یکی از اصحاب ما و گفت با آنحضرت که فدای تو گردم بدرستی
که من مردی درویش و محتاجم بیاموز مرا چیزی که از درویشی خلاص
شوم آنحضرت گفت با او که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر چون
چاشت روز جمعه شود زیارت کن رسول خدا را ص بر بالای بام خانهٔ خود
یا در صحرائی که کسی ترا نه بیند و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن
زانوهای خود را برهنه کن و بر زمین بنه و متوجّه قبله شود دست راست
را بر بالای دست چپ بنه و بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ و
خَابَتِ الْاٰمَالُ اِلَّا فِیْكَ یَا ثِقَةَ مَنْ لَا ثِقَةَ لَهُ لَا ثِقَةَ لِی غَیْرُكَ اِجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی
فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لَا اَحْتَسِبُ
و بعد از آن روی خود را بر زمین بنه و بگو یَا مُغِیْثُ اِجْعَلْ لِی رِزْقًا
مِنْ فَضْلِكَ پس هر گاه چنین کنی روز شنبه نبود روزی میدهد روزیت سهل

کرده که اهل و بیت بغرض دروبنی میشدند انحضرت میکفت کرای اهل و بیت من نماز بکذارید نماز بکذارید و مراد از تکرار مبالغه است دیکر نماز پدر برای فرزند و این نماز چهار رکعتست در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ و در رکعت سیم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ پس وقتی که سلام دهد ده بار بکوید رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا دیکر نماز فرزند برای پدر و مادر این نماز دو رکعت است در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ پس وقتی که سلام بدهد ده بار بکوید رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا وهمچنین نماز دیکر برای پدر و مادر و این نماز دو رکعتست در رکعتی یکبار فاتحه بخواند و بیست بار

رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا چون فارغ شود از نماز سجده کند و همین آیه را ده بار در سجده بخواند و ده بار قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چون سلام دهد ده بار بکوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ و ده بار بکوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از ان سجده کند و در سجده بکوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وهمچنین نماز دیکر بجهت توانکری و این نماز نیز دو رکعتست در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند و پانزده بار سوره لِإِيلَافِ و سلام دهد و بعد از ان ده بار صلوات بفرستد بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از ان سجده کند و در سجده ده بار بکوید اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ خَلْقِكَ نماز بجهت ادای قرض این نماز چهار رکعتست در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخواند و ده بار آیة الکرسی و ده بار قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و ده بار این ایتها را که آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ

قل اعوذ برب الفلق و ده بار
قل اعوذ برب الناس و ده بار

علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین
جون سلام دهد ده بار بکوید سبحان الله الابد الابد سبحان الله
الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله الذی رفع السموات
بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة ولا ولد ودر رکعت سیم یکبار فاتحه
بخواند وسه بار سورهٔ الهیکم التکاثر وسه بار سورهٔ والعصر وسه بار
سورهٔ انا اعطیناک ودر رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند وسه بار
انا انزلناه وسه بار سورهٔ اذا زلزلت چون سلام دهد سجده کند
ودر سجده هفت بار بکوید اللهم انی اسالک التیسیر فی کل عسیر فان
فان تیسیر العسیر علیک یسیر وبعد از ان سر خود را از سجده بردارد
و ده بار بکوید اللهم انی اسالک فلله الحمد رب السموات والارض
رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
بجهت دفع کرسنکی کفت ابو عبد الله ع که انکسی که کرسنه باشد باید
که دو رکعت نماز بکذارد وبکوید رب اطعمنی فانی جایع بدرستی که
که چون چنین کند خدای تعالی در ساعت او را طعام برساند ونیز کفت
که دعای مرد غایب از برای برادر مومن زیاده میکند روزی او ودفع
میکند بلا را ونیز کفت که آمد حضرت فاطمه علیها السلام نزد حضرت
پیغمبر ص وشکایت کرد از کرسنکی انحضرت بحضرت فاطمه کفت بکو یا
مشبع الجوعة ویا رافع الوضعة لا تجع فاطمة بنت محمد دیکر بجهت زیادة

شدن روزی روایتست که آمد مردی نزد رسول خدا ص وکفت یا رسول الله
من عیال بسیار دارم وقرض دارم واحوال من تنکی میکند نزد دعائی بیاموز
مرا که هرکاه آن دعا بخوانم خدای تعالی بمقدار چیزی بدهد بمن که قرض
خود را ادا کنم ومعاش عیال من بکذرد آنحضرت فرمود که ای بنده
خدا وضوی نیکو بساز وبعد از ان دو رکعت نماز بکذار ورکوع وسجود
را نیکو بجا آور وبعد از ان بکو یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه
الیک بمحمد نبیک نبی الرحمة یا محمد رسول الله انی اتوجه الی الله ربی
وربکما ورب کل شیء واسالک ان تصلی علی محمد واهل بیته
واسالک نفحة کریمة من نفحاتک فتحا یسیرا ورزقا واسعا الم به
شعثی واقضی به دینی واستعین به علی عیالی نمازی دیکر برای
حاجت کفت ابو عبد الله ع که وقتی که حاجتی داشته باشی
چون ثلثی از شب بکذرد برخیز ودو رکعت نماز بکذار ودر رکعت
اول فاتحه وسورهٔ تبارک بخوان ودر رکعت دوم فاتحه وسورهٔ
حم سجده بخوان وبعد از ان دعا کن وبکو یا رب قد نامت العیون
وغارت النجوم وانت الحی القیوم لا تاخذک سنة ولا نوم لا
یواری عنک لیل داج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد
ولا بحر لجی ولا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و
یا غیاث المستغیثین برحمتک استغیث فصل علی محمد وآله واقض
لی حاجتی کذا وکذا یعنی حاجت خود را نام برد ولا تردنی خائبا

وكلا محزوما يا ارحم الراحمين بدرستي كه اين نماز بجهت برآوردن حاجتها
مهم آنكسي است كه دستگيري ميكند **ديگر** بجهت دفع سختي **گفت** امام موسى ع
كه وقتي كه ترا سختي پيش آيد نماز بگذار انچه ميخواهي چون فارغ شوي از
نماز روي خود را بر زمين بنه و سه بار بگو يا قوة كل ضعيف
يا مذل كل جبار قد وحقك بلغ خوفك مجهودي ففرج
عني و بعد از ان روي راست بر زمين بنه و سه بار بگو اشهد ان كل
معبود من دون عرشك الى قرار ارضك باطل الا وجهك
تعلم كربتي ففرج عني و بعد از ان بنشين و سه بار آهسته بگو اللهم
انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق البارئ المحيي المميت المبدئ
البديع لك الكرم ولك الحمد ولك المن ولك الجود وحدك لا شريك
لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد كذلك الله ربي و بعد از ان بگو صل على محمد وآل محمد الصادقين
وافعل بي كذا وكذا **ديگر** نماز مظلوم براي ظالم چون كسي بر تو ظلم كند
دو ركعت نماز بگذار و هرچه از قرآن ميخواهي درين دو ركعت بخوان و صلوات
بفرست بر محمد وآل محمد انقدر كه ميتواني و بعد از ان بگو اللهم لك يوما
تنتقم فيه للمظلوم من الظالم لكن هلعي وجزعي لا يبلغان بي الصبر
على اناتك وحلمك وقد علمت ان فلانا يعني نام آن ظالم را بگو ظلمني
واعتدى علي بقوته على ضعفي فاسألك يا رب العزة وقاهر الجبابرة
وناصر المظلومين ان تريه قدرتك اقسمت عليك يا رب العزة

قدرتك

الساعة

اعني صبري ففرج عني
و بعد از ان روي دست چپ
خود را بر زمين بنه و سه بار
بگو يا مذل كل جبار و يا
معز كل ذليل قد وحقك

الساعة **همچنين** ديگر نماز براي ظالم حسن بن صفار كه گفتم بيكي از ائمه عليهم السلام كه
و بعد از ان بگو اللهم ان فلان بن فلان يعني نام آن ظالم را بگو ظلمني
وبغى علي فابله بفقر لا تجبره وبسوء لا تستره گفت محمد صفار كه چنين
كردم آن ظالم برص پيدا كرد **نقلست** از يكي از ائمه عليهم السلام كه گفت
هر مؤمني كه بر وظلم كنند او وضو بسازد و دو ركعت نماز بگذارد و
بعد از ان بگويد اللهم اني مظلوم فانتصر و خاموش شود زود خداي
تعالى ياري كند او را **و همچنين** ديگر نماز براي مهمات **گفت** كه امام زين العا
بدين وقتي كه چيزي اندوهگين ميساخت او را پاكيزه ترين جامهاي خود را
مي پوشيد و وضوي نيكو ميساخت و بر بالاي بام سراي خود ميرفت
و چهار ركعت نماز ميگذارد در ركعت اول فاتحه و اذا زلزلت ميخواند
و در ركعت دوم فاتحه و اذا جاء نصر الله ميخواند و در ركعت سيم فاتحه
و قل يا ايها الكافرون ميخواند و در ركعت چهارم فاتحه و قل هو الله ميخواند
و بعد از ان برميداشت هر دو دست خود را بجانب آسمان وميگفت
اللهم اني اسالك باسمائك التي اذا دعيت بها على ابواب السماء
للفتح انفتحت واذا دعيت بها على مضائق الارضين للفرج انفرجت واسالك
باسمائك التي اذا دعيت بها على القبور انتشرت صل على محمد وآل محمد
واقلبني بقضاء حاجتي راوي ميگويد كه بحق خداي كه امام زين العا
بدين ع از جاي خود برنميخاست تا انكه بر آورده ميشد حاجت او
نماز ديگر بجهت مهمات **گفت** امام جعفر صادق ع كه هر گاه مهمي داشته

فلان ظلم ميكند بر من آنحضرت
گفت كه نيكو وضو بساز و
دو ركعت نماز بگذار و ثنا
بگو خداي تعالى را و
صلوات بفرست بر محمد
وآل محمد

باشی دو رکعت نماز بگذار بهر کیفیت که میخواهی و بعد از نماز بگو اللهم ثبت رجاك
فی قلبی واقطع رجامن سواك عنی حتی لا ارجوا الا ایاك ولا اثق
الا بك دیگر نماز بجهت طلب فرزند گفت امیرالمومنین علی ع که
که فرزند میخواهی وضوی نیکو بساز و دو رکعت نماز بگذار و ارکان
نماز را نیکو بجا آور و بعد از نماز سجده کن و در سجده هفتاد بار
بگو استغفر الله و بعد از آن با زن خود مجامعت کن و در وقت مجامعت
بگو اللهم ان رزقتنی ولدا لا سمیته باسم نبیك محمد ص گفت امیرالمومنین
علی ع که آنکسی که چنین کند خدای تع او را فرزند میدهد بدرستی که من
امر کردم ترا بوضو ساختن زیرا که خدای تع فرموده است که ویحب المتطهرین
یعنی خدای تع دوست میدارد پاکان را و امر کردم بنماز گذاردن زیرا
که شنیدم از رسول خدا که میگفت که نزدیکی که بنده را بخدای تع حاصل
میشود وقتی است که بنده در رکوع و سجود باشد در هیچ وقت دیگر نمیشود
و امر کردم ترا باستغفار زیرا که خدای تع گفته است که استغفروا ربکم
انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال
وبنین یعنی آمرزش طلبید از پروردگار خود بتوبه بدرستی که خدای
آمرزنده توبه کنندگانست و چون شما توبه و استغفار کنید بفرستد
ابر را بر شما بارنده پی در پی و مدد کند شما را بمالها و پسران
و نیز حق تع گفته است بر پیغمبر خود ان تستغفر لهم سبعین مرة
فلن یغفر الله لهم یعنی اگر آمرزش طلبی برای ایشان هفتاد بار

پس نمی آمرزد خدای تع ایشان را هرگز پس امر کرده ترا که زیاده از هفتاد
نوبت استغفار کنی نماز کسی که میترسد از ظالم گفت امیرالمومنین علی ع
که هرگاه ترسی داشته باشی از ظالم داشته باشی غسل کن و دو رکعت
نماز بگذار و برهنه کن زانوهای خود را و بنه زانوهای خود را بجای
که سجده میکنی و صد بار بگو یا حی یا قیوم لا اله الا انت برحمتك
استغیث فصل علی محمد وآل محمد واغثنی الساعة الساعة و بعد
از آن بگو اسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تلطف لی وان
تغلب لی وان تمکن لی وان تخدع لی وان تکید لی وان تکفینی
مؤنة فلان یعنی نام آن ظالم را بگو بلا مؤنة بدرستی که این
دعائیست که حضرت پیغمبر ص در روز احد خوانده است دیگر نماز بجهت
کفایت مهمات گفت ابو عبدالله ع الحسین بن محمد البزوفری که آنکسی
که او را حاجتی باشد بخدای تعالی باید که غسل کند در شب جمعه بعد
از نصف شب و بیاید بجای نماز خود و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه بخواند و چون بایاك نعبد وایاك نستعین برسد صد بار
بگوید ایاك نعبد وایاك نستعین و در مرتبه صدم تا آخر فاتحه بخواند
و بعد از آن یکبار قل هو الله بخواند و بعد از آن رکوع و سجود کند و در
هر یك از رکوع و سجود هفت بار تسبیح بگوید و رکعت دوم
را نیز باین کیفیت بجا آورد و بعد از آن این دعا بخواند البته خدای تع
حاجت او را بر آورد هرچه باشد مگر قطع رحم دعا اینست اللهم ان

اطعتك فالمحمدة لك وان عصيتك فالحجة لك منك الروح ومنك الفرج
سبحان الله من انعم وشكر سبحان الله من قدر وغفر الهي ان كنت قد
عصيتك فاني قد اطعتك في احب الاشياء اليك وهو الايمان بك
لم اتخذ لك ولدا ولم ادع لك شريكا منا منك به علي لا منا مني عليك
وقد عصيتك يا الهي على غير وجه المكابرة ولا الخروج عن عبوديتك ولا
الجحود لربوبيتك ولكن اطعت هواي وازلني الشيطان فلك الحجة علي
والبيان فان تعذبني فبذنوبي غير ظالم وان تغفر لي وترحمني فا
نك جواد كريم يا كريم يا كريم چندان بگويد كه نفس منقطع شود وبعد
از ان بگويد يا امنا من كل شيء وكل شيء منك خائف حذر
اسئلك بامنك من كل شيء وخوف كل شيء منك ان تصلي على محمد وآله
وان تعطيني امانا لنفسي واهلي وولدي وسائر ما انعمت به علي حتى
لا اخاف احدا ولا احذر من شيء ابدا انك على كل شيء قدير حسبنا
الله ونعم الوكيل يا كافي ابرهيم نمرود يا كافي موسى فرعون اسئلك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تكفيني شر فلان بن فلان يعني نام ظالم ونام
پدر اورا بگويد وتكفيني شر ما اخاف شره وبعد از ان سجده كند
وطلب نمايد حاجت خود را از خداي تعالى وتضرع وزاري نمايد بدرستي
كه روايتست كه هر مومني وهر مومنه كه اين نماز را بگذارد واين دعا را
بخواند از روي اخلاص گشاده شود درهاي آسمان بجهت اجابت
دعاء او ودعاي او مستجاب شود در همان وقت يا در شب آينده

هرچه

هرچه باشد واين اجابت دعا از فضل خداي تعالى است بر سائر اهل
وبيتم وبر مردمان نماز ديگر بجهت زياده شدن فهم ونيكو شدن
حافظه روايت كرده است سدير از امام محمد باقر ع و~~امام باقر~~
ع وامام جعفر صادق ع كه بزعفران بنويس فاتحه وآية الكرسي وسوره
انا انزلناه ويس واذا وقعت وحشر وسبح لله وتبارك وقل هو الله
وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را بظرف پاكي و
بعد از ان بشوي آن را باب زمزم يا باب باران يا باب پاكي وبعد از ان
دران آب دو مثقال شير بزوده ده مثقال شكر وده مثقال عسل
وبعد از ان آن ظرف را شب در زير آسمان بنه وآهني بر سر او بنه
وبعد از ان در آخر شب دو ركعت نماز بگذار در هر ركعتي يكبار
فاتحه بخوان وپنجاه بار قل هو الله چون فارغ شوي از نماز ان آب را
بياشام بدرستي كه اين نيكو ومجربست براي حفظ نماز ديگر بجهت حفظ
قران چون خواهي كه قران حفظ كني چهار ركعت نماز بگذار در روز
جمعه يا در شب جمعه ودر ركعت اول فاتحه ويس بخوان ودر ركعت
دوم فاتحه وحم دخان بخوان چون سلام دهي حمد وثنا بگوي
خداي تعالى را وصلوات بفرست بر پيغمبر وآل او عليهم السلام
وصد بار استغفار كن براي مومنان باين طريق اللهم اغفر لي
للمومنين وبعد از ان بگو اللهم ارحمني بترك المعاصي ابدا
ما ابقيتني وارحمني من ان اتكلف طلب ما لا يعنيني وارزقني

ودر ركعت سوم فاتحه بخوان وسبح لله ودر ركعت چهارم فاتحه بخوان وسوره تبارك

حسن النظر فیما یرضیك عنی اللهم بدیع السموات والارض ذا الجلال
والاکرام والعزة التی لا ترام یا الله یا رحمن یا رحیم اسألك بجلالك
وبنور وجهك ان تلزم قلبی حفظ کتابك القرآن المنزل علی رسولك
وترزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیك عنی اللهم بدیع السموات
والارض ذا الجلال والاکرام والعز الذی لا ترام یا الله یا رحمن اسألك
بجلالك وبنور وجهك ان تنور بکتابك القرآن المنزل علی
رسولك وترزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیك عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام والعز الذی لا ترام
یا الله یا رحمن اسألك بجلالك وبنور وجهك ان تنور بکتابك
بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح صدری و
تستعمل به بدنی وتقوینی علی ذلك وتعیننی بها علیه فانه
لا یعین علی الخیر غیرك ولا یوفق له الا انت ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم دیگر بجهت کم شده دعای آن که جابر
انصاری که حضرت پیغمبر آموخت این دعا را با میر المؤمنین علی ع
و حضرت فاطمه ع و گفت که هر گاه بشما مصیبتی برسد یا بترسید از
جور سلطان یا چیزی شما گم شود نیکو وضو ابسازید و دو رکعت
نماز بگذارید و بردارید دستهای خود را بجانب آسمان و بگوئید
یا عالم الغیب والسرایر یا مطاع یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب
لمحمد یا کاید فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص

قوم نوح من الغرق یا راحم عبده یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا
منجی ذی النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر
یا دالا علی کل خیر یا آمرا بکل خیر یا خالق الخیر انت الله رغبت الیك
فیما قد علمت وانت علام الغیوب اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد
و بعد از آن طلب کنید حاجت خود را که مستجاب میشود ان شاء الله تعالی
و جهت در بیان عملی که می باید کرد وقت دیدن ماه نو چون ماه نو ببینی با
انگشت شهادة دست راست بر دست چپ بنویس محمد علی فاطمه الحسن
الحسین تا آخر دوازده امام و بنویس قل هو الله را تا آخر و بعد از آن
بگو اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال نظر بعضهم الی وجوه بعض و
تبرك بعضهم ببعض وانی نظرت الی اسمائك واسم نبیك وولیك واو
لیائك علیهم السلام والی کتابك فاعطنی کل الذی احب ان تعطینیه
من الخیر واصرف عنی کل الذی احب ان تصرفه عنی من الشر و
زدنی من فضلك ما انت اهله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم در بیان انجه می باید نوشت در رقعه بقلمی که سیاهی و غیر آن
نداشته باشد چون خواهی که رقعه بنویسی بنویس این کلمات را بقلمی که
هیچ چیز با او نباشد از سیاهی و غیر آن در میان سطرهای کتابت
یا رقعه که بجهت حاجتی بکسی می نویسی تا آنکه خالی نباشد هیچ سطری
از آن رقعه از حرفی از آن حروف و کلمات اینست محمد و علی والخضر علیهم
السلام ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق المبین ان الله وعد

قفص

الصابرين محرجا بما يكرهون ورزقا حسنا من حيث لا يحتسبون ان الله
هو السميع العليم حفظنا الله واياكم من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون
اللهم اني اسالك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة الخلف القائم المنتظر صلوات
الله عليهم وسلم تسليما ان تصلي على محمد وآل محمد وان تيسر امري وتسهله
وتغلبه لي وترزقني خيره وتصرف عني شره برحمتك يا ارحم الراحمين كفت
امير المؤمنين علي ع كه رسول خدا ص امر كرد مرا كه وقت ختم قران اين
دعا بخوان اللهم اني اسالك اخبات المخبتين واخلاص الموقنين و
مرافقة الابرار واستحقاق حقايق الايمان والغنيمة من كل بر والسلامة
من كل اثم ووجوب رحمتك وعزايم مغفرتك والفوز بالجنة والنجاة
من النار وهجدهم فصل در بيان دعاهاي نادر دربيان دعائي كه مي بايد خواند
وقت برداشتن مصحف كفت ابو عبد الله ع وقتي كه ميخواست كه قران
بخواند چون برميداشت مصحف را اين دعا ميخواند اللهم اني اشهد ان
هذا كتابك المنزل من عندك على رسولك محمد بن عبد الله وكلامك
الناطق على لسان نبيك جعلته هاديا منك الى خلقك وحبلا
متصلا فيما بينك وبين عبادك اللهم اني نشرت عهدك اللهم
فاجعل نظري فيه عبادة وقرائتي فيه فكرا وفكري فيه اعتبارا
واجعلني ممن اتعظ ببيان مواعظك فيه واجتنب معاصيك
ولا تطبع عند قرائتي على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل على بصري غشاوة

وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى الرضا ومحمد بن علي

ولا تجعل قرائتي قراءة لا اتدبر فيها بل اجعلني اتدبر اياته واحكامه اخذا
بشرايع دينك ولا تجعل نظري فيه غفلة ولا قرائتي هذرا انك انت الرؤف
الرحيم وهجدهم دربيان دعائي كه مي بايد خواند وقت فارغ شدن از قرائت
چون فارغ شوي از قرائت قران بكو اللهم اني قد قرات ما قضيت
من كتابك الذي انزلت على نبيك الصادق فلك الحمد ربنا اللهم
اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه و
اجعله انسا في قبري وانسا في حشري واجعلني ممن ترقيه بكل اية
قراها درجة من اعلى عليين امين رب العالمين ووقتي كه بشنوي
چيزي از عزايم قران كه در و سجده واجب است بر تو باد كه سجده كني بي تكبير
~~ودران سجده سنت است~~ كه دران سجده واجب بر تو باد كه سجده
كني بي تكبير ودران سجده سنت است كه ~~دران سجده~~ بكويي لا اله
الا الله حقا حقا لا اله الا الله ايمانا وتصديقا لا اله الا الله عبودية
ورقا لا مستنكفا ولا مستكبرا انا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير
وبعد از ان سر خود را بردارد وتكبير بكو امام جعفر صادق ع كفت كه هر كسي كه
صد آية از قران بخواند از هر جا كه خواهد وبعد از ان هفت بار بكويد
يا الله اكر دعا كند بر سنكها شكافته شود وهجدهم دعايي كه در و اسم
اعظم است كفت معاذ بن جبل كه فرستاد مرا رسول خدا ص به نزد
نزد عبد الله بن سلام كه او را طلب كنم بخدمت آنحضرت وجماعتي
از صحابه نزد آنحضرت بودند عبد الله بن سلام آمد نزد آنحضرت كفت

گفت آنحضرت که یا عبد الله خبر ده بمن که آیا یافتی در توریة این ده کلمه
را که تعلیم کرده است خدای تعالی بحضرت ابرهیم ع در روزی که آنحضرت را در آتش
انداختند گفت عبد الله که یا نبی الله پدر و مادر من فدای تو بادا یافتم آمده در
باب این کلمات را در توریة و این کلمات ده دعاست که در و اسم اعظم
است پس گفت رسول خدای تعالی تعلیم نکرد این کلمات را بغیر ابرهیم ع
پس آنحضرت گفت که خبر یافتی از ثواب این کلمات در توریة عبد الله
گفت یا رسول الله کی استطاعت و قدرت دارد که بیان کند ثواب
این کلمات را لیکن نوشته یافتم در توریة که هر بنده که منت نهد خدای
تعالی بر وی و الهام کند این کلمات را در دل او بگرداند نور را در بصر او و
یقین را در دل او و بگشاید سینه او را برای ایمان و بگرداند نوری از
مجلس او تا عرش که بدرخشد و تفاخر کند باو بر فرشتها در هر روز دو بار
و جاری گرداند حکمت را بر زبان او و روزی کند او را یاد گرفتن کتابی که نازل
شده است از آسمان و اگرچه شوق نداشته باشد بآن و دانا گرداند او را در
دین و ببیند از محبت او را در دلهای بندگان خود و ایمن گرداند
او را از عذاب قبر و از فتنهٔ دجال و از ترس و هول روز قیامت
و حشر کند او را با شهیدان و اکرام کند او را و بدهد باو آنچه داده است
بر پیغمبران بکرم خود و نترسد آن بنده وقتی که مردمان می ترسند یعنی
روز قیامت و اندوهگین نشود وقتی که مردمان اندوهگین شوند
نوشته اند او را نزد خدای تعالی صدیق و راست گو و حشر کند او را در

روز

روز قیامت و دل او مطمئن و آرمیده باشد و او از جمله کسانی باشد
که پیوسته خدای تعالی او را با حضرت ابرهیم ع از حلهای بهشت و هر چیز
طلب کند از خدای تعالی باین کلمات بدهد خدای تعالی آن چیزها را و اگر
سوگند خورد بخدای تعالی راست شود سوگند او و نزدیک شود بخدا
ی تعالی در دار الجلال و او را ثواب هر شهیدی باشد که شهید شده
باشد از آن زمان که خدای تعالی دنیا را آفریده است تا قیامت آنحضرت
گفت ای ابن سلام دار الجلال کدام است ابن سلام گفت دار الجلال
عبارت از بهشت است و جای عرش حق تعالی است و آنکسی است
که این کلمات بخواند در جوار حق تعالی خواهد بود ابن سلام گفت یا ر
~~رسول الله تعلیم کن کلمات بخواند در جوار حق تعالی خواهد بود ابن سلام~~
گفت یا رسول الله تعلیم کن این کلمات را بما و منت بنه بر ما همچنانکه
منت نهاده است خدای تعالی بر تو آنحضرت گفت سجده کنید حق تعالی
حق تعالی را پس اصحاب سجده کردند چون سر از سجده برداشتند
آنحضرت گفت بگویید یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ
جَمِیعُ خَلْقِكَ یَا نُورَ النُّورِ اَنْتَ الَّذِی احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا
یُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ الرَّفِیعُ الَّذِی ارْ
تَفَعْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ فَلَا یَصِفُ عَظَمَتَكَ
اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ یَا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ اَهْلُ سَمَائِكَ
وَاسْتَضَاءَ بِضَوْئِكَ اَهْلُ اَرْضِكَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ

الرفيع الذي ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف
عظمتك احد من خلقك يا نور النور استنار بنورك اهل سما
ئك واستضاء بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله يا الله
انت الله الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك شريك و
تعظمت عن ان يكون لك ولد وتكبرت عن ان يكون لك شريك
ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت المحمود المعبود في
كل مكان وانت المذكور في كل اوان وزمان يا نور النور كل
نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم
كل حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني
رحمة تطفئ بها غضبك وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة
من عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك يا
ارحم الراحمين يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ با
لجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى
كل شكوى يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقا
قها يا رباه يا سيداه يا مولاه يا غاية رغبتاه اسئلك يا الله يا
الله يا الله يا الله ان لا تشوه خلقي بالنار وان تغفر لي و
لوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني حيوة الدنيا و
الآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله اجمعين

شريك وتنزهت عن ان يكون لك

اسألك

اسألك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والعابد والباقر
والصادق والكاظم والرضا والتقي والنقي والعسكري والمهدي صاحب
الزمان ان تصلي على محمد وآل محمد واسألك يا الله يا الله يا الله ان
لا تشوه خلقي في النار وان تفعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما
انا اهله عبد الله بن سلام گفت یا رسول الله چیست ثواب آنکسی که
این کلمات را بگوید آنحضرت گفت هیهات هیهات نمی توان بیان
کرد ثواب این کلمات را اگر سعی کنند اگر جمع شوند فرشتهای هفت
طبقه آسمان و هفت طبقه زمین و خواهند که ثواب این کلمات را بیان
کنند از هزار یکی بیان نمی توانند کرد تا روز قیامت و بیان کرده است
آنحضرت برای این کلمات ثواب و فضیلت بسیاری و اینجا مقام ذکر آن
نیست بنابرین اقتصار کردیم بر ذکر مقصود که آن دعاست بجهت خوف
تطویل دیگر حاجت آنکسی که خواهد که بیرون رود از خانه خود بطلب
حاجتی باید که در وقت بیرون رفتن بگوید بسم الله و بالله ولا حول
ولا قوة الا بالله توکلت على الله و سوره فاتحه و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله بخواند و بجانب چپ خود بدمد و یکبار دیگر بخواند بجانب بالای
سر خود بدمد و یکبار دیگر بخواند و بزیر قدم خود بدمد و هرگاه خواهد
که باز گردد و بخانه خود بیاید در وقتی که در می آید بخانه خود باید که بگوید
بسم الله و بالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان
لا اله محمدا عبده و رسوله و بعد از آن سلام کند بر اهل خانه خود

و آیة الکرسی

و قل اعوذ برب الفلق
بپیش روی خود بدمد و یکبار دیگر بخواند و بجانب
راست خود بدمد و یکبار
دیگر بخواند و بجانب ...
خود بدمد و یکبار دیگر بخواند
و بجانب

اگر در خانه کسی باشد و اگر در خانه کسی نباشد بعد از شهادتین بگوید السلام
علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین و آله الهادین المهدیین السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین و وقتی که بیازار در آید باید که بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
در بیان دعاهای امیر المؤمنین علی ع که بجهت حاجت می باید خواند
لا اله الا الله وحده لا شریک له الحلیم الکریم لا اله الا الله وحده
لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات یا هو
یا من هو یا من لیس هو الا هو یا هو یا من لا اله الا هو در بیان دعا
در طلب حاجت می باید خواند گفت ابو عبد الله ع که پدر من هرگاه
حاجتی داشت سجده میکرد بی قراءت و رکوع و در سجده هفت
بار میگفت یا ارحم الراحمین و هر مؤمنی که این کلمه را بگوید حق تعالی میگوید
که من ارحم الراحمینم حاجت خود را طلب کن از من تا بر آورم حاجت
ترا گفت حضرت پیغمبر ص با امیر المؤمنین علی ع که یا علی وقتی که بیرون
میروی از منزل خود بجهت حاجتی آیة الکرسی بخوان بدرستی که حاجت
تو بر آورده میشود ان شاء الله تعالی گفت امام جعفر صادق ع که آنکسی که
بطلب حاجتی برود بی وضو بر آورده نشود حاجت او باید که ملامت
نکند مگر خود را گفت از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است
امام رضا ع از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی ع که وقتی
که حاجتی داشته باشد باید که طلب آن حاجت کند در صباح روز پنجشنبه

بر آورده میشود حاجتهای دنیا و آخرت تمام در بیان آنچه بجای باید آورد
بجهت بر آمدن مهمات گفت ابو عبد الله ع هر وقتی که بکسی اندوهی
و سختی برسد باید که برهنه کند هر دو زانوی خود را و هر دو دست را تا
مرفق و بر زمین بنهد و سینه خود را بر زمین بنهد و بعد از آن دعا کند
دیگر برای مهمات گفت امیر المؤمنین علی ع بفرزند خود که وقتی که
پیش آید ترا کاری در دین یا دنیا وضو کن و بردار هر دو دست را و هفت بار
بگو یا الله بدرستی که دعای تو مستجاب میشود دیگر بجهت مهمات
گفت ابو الحسن ع اگر آنکسی که با وغمی و المی برسد و او بردارد سر خود را بجانب
آسمان و بعد از آن سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ببرد خدای تعالی
غم و الم او را در بیان دعایی که می باید خواند بجهت ادای قرض گفت
حسین بن خالد که من سیصد هزار درهم قرض داشتم در بغداد و من
نزد مردمان چهار صد هزار درهم داشتم قرض خواهان نگذاشتند
مرا که زر خود را از مردم بستانم و بایشان بدهم و وعده ادای قرض
ایشان رسید پس بیرون رفتم از منزل خود بطریق سیر و خواستم که بروم
نزد ابی الحسن ع نتوانستم پس نوشتم بآنحضرت کتابتی و بیان کردم حال
خود را و آنچه من نزد مردم داشتم و آنچه مردم نزد من داشتند آنحضرت
نوشت در کنار کتابت من که در عقب هر نماز فریضه سه بار بگو یا لا
اله الا انت اللهم انی اسئلک بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت
ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی اسئلک بلا اله الا انت بحق

ترضی عنی

لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت مجربست که برآورده میشود
حاجت تو ان شاء الله تعالی من مداومت کردم باین دعا بحق خدا زیاده
از ماه نگذشت که انچه من نزد مردم داشتم بمن دادند ومن قرض خود را
ادا کردم وصد هزار درهم برای من ماند **در بیان** دعای بد کردن بر ظالم
گفت رسول خدا صلعم که وقتی که بترسی از کسی وخواهی که شر او از خود دفع
کنی طلب ماه نو کن چون ببینی ماه نو را برپا بایست واشارت کن بماه
نو که گویا خطاب با و میکنی وبگو ایود احدکم ان تکون له
جنة من نخیل واعناب تجری من تحتها الانهار وله فیها من
کل الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار
فیه نار فاحترقت در وقتی که فاحترقت میگوئی اشارت
کن بجانب خانه انکس که از وی میترسی وایذا میکند ترا وبعد از ان
بگو فاحترقت فاحترقت فاحترقت اللهم طمه بالبلاء طما
وعمه بالغماء غما وارمه بحجارة من سجیل وطیرک الابابیل
یا علی یا عظیم وبعد از ان بخوان همین دعا در شب دوم ماه
ودر شب سیم ماه پس اگر رسید بان ظالم انچه تو میخواهی خوب
واگر نرسید در ماه دوم نیز این کار بکن واگر در ماه دوم نرسید
در ماه سیم نیز این کار بکن بعد از ماه سیم احتیاج نخواهد بود
باین کار کردن باذن خدای تعالی **دعای** بر ظالم **دوم نقلست** که آمد مردی
نزد امام جعفر صادق ع وشکایت کرد از کسی که بر وظلم کرده بود

آنحضرت

آنحضرت که بگو یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان کان فلان بن فلان
یعنی نام ظالم ونام پدر او را بگو قد ظلمنی وبغی علی فابتله لا تجبره
وبلاء لا تستره وانکسی که سه باد دعا کند باین دعا بر ظالمی
که بر وظلم کرده است البته برص در پیشانی آن ظالم پیدا شود و
بعد از ان محتاج شود **دعای** بر ظالم چون بروی نزد سلطان جابری
بگو خیرک بین عینیک وشرک تحت قدمیک وانا استعین
بالله علیک **دعای** بر ظالم **گفت** امام رضا ع که چون دعا کنید بر
دشمن باید که بگوید اللهم اطرقه ببلیة لا اخت لها واح حرمه
یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء صل علی محمد وآل محمد واکفنی
مؤنة بلا مؤنة **دعای** دیگر بر ظالم چون بترسی از کسی بگو
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
امتنع بحول الله ~~لا اله الا هو علیه~~ وقوته من حولهم وقوتهم
وامتنع برب الفلق من شر ما خلق ما شاء الله لا قوة الا بالله
در بیان روزی **گفت** امام رضا ع که شکایت کرد مردی نزد
ابی عبدالله ع از درویشی آنحضرت گفت که هرگاه بانگ
نماز بشنوی بگو انچه مؤذن میگوید بدرستی که چون چنین
کنی غنی میشوی **گفت** امام جعفر صادق ع که در طلب
روزی این دعا باید خواند اللهم ان کان رزقی فی السماء
فانزله وان کان فی الارض فاظهره وجنبنی عن المعاصی

بفقر

وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه وان کان قد اعطیتنیه فبارک لی فیه

دعائی که

والِدَیْ بجهت ترس می باید خواند **کفت** اِمام جعفر صادق ؏

که وقتی که در سفر باشی یا در بیابانی و بترسی از جنّی یا از آدمی بنه

دست راست خود را بر میان سر خود و با آواز بلند بگو اَفَغَیْرَ دِیْنِ

اللّٰهِ یَبْغُوْنَ وَلَهٗ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا

وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ **روایت** که این آیه را می باید خواند در گوش چهارپایی

که عنکنارد که لجام کنند و این دعا را نیز می باید خواند در گوش او

که اَللّٰهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِیْهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ و سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ می نیز

باید خواند **کفت** امیر المؤمنین علی ؏ که ببرد رنا مد چهارپای

من هرگز کسی گفت بجهت چه آنحضرت گفت بجهت آنکه بدنداعت

نماندم هرگز دعایی که می در بیان باید خواند کسی را که از شیر می ترسد که ضرر

باو و گوسفندان او غالبد برساند **کفت** ابو عبد الله ؏ که آنکسی

که بترسد که شیر ضرر رساند باو و یا بر گوسفندان او باید که خطی

بر گرد خود و گوسفندان خود بکشد و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَ

الْجُبِّ وَرَبَّ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَاْسِدٍ اِحْفَظْنِیْ وَاحْفَظْ عَلَیَّ غَنَمِیْ

کفت حضرت پیغمبر ص با امیر المؤمنین علی ؏ که یا علی وقتی که به

بینی شیر را و کار بر تو دشوار شود سه بار تکبیر بگو اللّٰه اکبر

وَاَجَلُّ وَاَعَزُّ وَاَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ وَاَكْبَرُ وَاَعَزُّ مِنْ خَلْقِهٖ وَ

اَقْدَرُ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ چون این کار کنی

حق تعالی ترا از شرّ او نگاه دارد **در بیان** انجرمی باید خواند کسی را

کاز

کاز شیر یا از درندهای وحشی بترسی بگو قُلْ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یَغْفِرُوْا

لِلَّذِیْنَ لَا یَرْجُوْنَ اَیَّامَ اللّٰهِ لِیَجْزِیَ قَوْمًا بِمَا كَانُوْا یَكْسِبُوْنَ وَاِذَا قَرَاْتَ

الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَیْنَكَ وَبَیْنَ الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُوْرًا

وَجَعَلْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوْهُ وَفِیْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ یَرَوْا

كُلَّ اٰیَةٍ لَا یُؤْمِنُوْا بِهَا حَتّٰی اِذَا جَآءُوْكَ یُجَادِلُوْنَكَ یَقُوْلُ

الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسَاطِیْرُ الْاَوَّلِیْنَ **کفت** که حضرت پیغمبر ص

دوست میداشت فال نیکو را و کراهت میداشت فال بد را **کفت**

رسول خدا ص که آنکسی که چیزی مکروهی به بیند و از آنچیز فال

بد بگیرد باید که بگوید اَللّٰهُمَّ لَا یُؤْتِی الْخَیْرَ اِلَّا اَنْتَ وَلَا یَدْفَعُ

السَّیِّئَاتِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ دعاء دیگر **کفت** بجهت ترس

کفت که امام جعفر صادق ؏ این دعا بخواند وقت در آمدن

نزد منصور در حالتی که منصور در غضب بود چون این دعا

میخواند غضب او تسکین می یافت یَا عُدَّتِیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ وَیَا

غَوْثِیْ عِنْدَ كُرْبَتِیْ اُحْرُسْنِیْ بِعَیْنِكَ الَّتِیْ لَا تَنَامُ وَاكْنُفْنِیْ بِرُكْنِكَ

الَّذِیْ لَا یُرَامُ **در بیان** انجرمی باید گفت کسی را که از دزدی می ترسد

روایت که آنکسی که از دزدی ترسد باید که بگو بخواند بر حلقه

و قفل در خانه خود قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَّا تَدْعُوْا

فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلٰوتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ

بَیْنَ ذٰلِكَ سَبِیْلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَكُنْ

له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا دربیان اچه
می باید خواند که غضب تسکین یابد گفت امام جعفر صادق ع که هر کسی
که در غضب شود پس اگر ایستاده باشد باید که بنشیند بدرستی که چون چنین
کند میرود از وی پلیدی شیطان و آنکسی که غضب کند بر خویشان خود باید
که مس کند او را تا تسکین یابد غضب او و نیز گفت که وقتی که در غضب شوید
بگویید اللهم اذهب عني غيظ قلبي واغفر لي ذنبي واجرني من مضلات
الفتن اسألك رضاك واعوذ بك من سخطك اسألك جنتك واعوذ
بك من نارك اسألك الخير كله واعوذ بك من الشر كله اللهم
ثبتني على الهدى والصواب واجعلني راضيا مرضيا غير ضال ولا
مضل و نیز گفت که حق تع فرموده که ای فرزند آدم یاد کن مرا در وقت
غضب تا یاد کنم ترا در وقت غضب خود و هلاک نگردانم ترا در میان
آنکسانی که هلاک میگردانم و نیز گفت که آنکسی که باز دارد غضب خود را
از مردمان باز دارد خدای تع غضب خود را از وی در روز قیامت روایت
که بجهت تسکین غضب صلوات بر نبی و آل او علیهم السلام می باید فرستاد
و نیز می باید گفت يذهب غيظ قلوبهم اللهم اغفر ذنبي واذهب غيظ قلبي
واجرني من الشيطان الرجيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
دربیان اچه باید گفت در وقت اندوه و تنهایی روایتست که شکایت
کرد مردی نزد رسول خدا ص از وحشت و تنهایی آنحضرت گفت که بسیار
بگو سبحان رب الملك القدوس رب الملائكة والروح خالق السموات

والا

والارض ذي العزة والجبروت آن مرد گفت که این کلمات را ورد کرد خدای تع
از او اندوه و وحشت را دربیان اچه می باید گفت بجهت دفع غم و اندوه که
حضرت پیغمبر ص گفت که هر کسی که این دعا بخواند که اللهم اني عبدك وابن عبدك
وابن امتك ناصيتي بيدك ماض في حكمك عدل في قضاؤك اسألك
بكل اسم سميت به نفسك او انزلته في كتابك او علمته احدا من خلقك
او استأثرت به في علم الغيب عندك ان تجعل القرآن ربيع قلبي ونور صدري
وجلاء حزني وذهاب همي ببرد خدای تع غم و اندوه را از دل او و بدل کند
اندوه او را بخوشحالی دربیان اچه می باید خواند در وقت دیدن اهل بلا
روایت که آنکسی که ببیند کسی را که ببلایی مبتلاست باید که آهسته بگوید
الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاه به ولو شاء فعل گفت ابو جعفر ع که
که ببیند مبتلایی را سه بار بگوید چنانکه آن مبتلا نشنود الحمد لله الذي عافاني
مما ابتلاه به ولو شاء فعل و آنکسی که این کلمه را بگوید حق تع او را چنانکه اینان
نشوند بدرستی که از شنیدن این اندوهگین میشوند گفت اچه می باید
گفت وقت دیدن جنازه گفت که امام زین العابدین ع وقتی که جنازه
میدید میگفت الحمد لله الذي لم يجعلني من السواد المخترم و نیز میگفت
الحمد لله الذي تعزز بالقدرة وقهر عباده بالموت دربیان اچه می باید
گفت وقتی که امری مشکل پیش کسی آید روایت که هر گاه کسی را مشکلی
پیش آید و خواهد که بداند که بچه وجه از آن مشکل خلاص شود سزاوار
آنست که در وقتی که بخواب میرود هر یک از سوره والشمس و والليل

وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلا

با و نرسد بلا هرگز و گفت
رسول خدا که هرگاه ببینید
اهل بلا را

را هفت بار بخواند بدرستی که چون چنین کند در خواب ببیند شخصی را که
تعلیم کند باو طریق خلاص شدن ونجات یافتن را از آن مشکل واز جمله
دعاهائی که حضرت پیغمبر ص میخواندند اینست اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ العافِیَةَ
وَشُکْرَ العافِیَةِ وَتَمامَ العافِیَةِ فِی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ نقلست از کتاب
روضه که گفت رسول خدا ص که آنکسی که ببیند یهودی یا نصرانی یا
مجوسی یا کسی را که بر دین واسلام نباشد وبگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنی عَلَیْكَ بِا
لاِسْلامِ دیناً وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَبِعَلِیٍّ اِماماً وَبِالْمُؤْمِنینَ اِخْواناً
وَبِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً جمع نکند میان او وان کافر در دوزخ یعنی او را بدوزخ
نبرد در بیان آنکه طلب چیزی کردن از خدای تع بطریق جزم می باید سنت
است کسی را که طلب چیزی میکند ودعا میکند که جزم کند در طلب
کردن زیرا که رسول خدا ص فرموده است که لا یَقُلْ اَحَدُکُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی
اِنْ شِئْتَ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنی اِنْ شِئْتَ وَلْیَعْزِمِ الْمَسْئَلَةَ فَاِنَّهُ لا یُکْرِهُ لَهُ یعنی
باید که نگوید یکی از شما که بار خدایا بیامرز مرا اگر خواهی بار خدایا
رحم کن بر من اگر خواهی وباید که جزم کند در طلب کردن از خدای تع
بدرستی که مکروه نیست نزد خدا جزم کردن در طلب چیزی از خدای تع
ووقتی که مستجاب کند خدای تع ~~ووقتی که مستجاب کند خدای تع~~ دعای
کسی را باید که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عَلی کُلِّ حالٍ ومکروه است
که بگوید که دیر مستجاب شد دعای من وباید که دایم دعا کند وطلب
کند از حق تع وملول نشود از دعا کردن زیرا که حضرت پیغمبر ص فرموده است

بعزته تتم الصالحات
وهرگاه دیر مستجاب
شود دعای او باید
بگوید الحمد لله علی کل حال

که

که یُسْتَجابُ لِلْعَبْدِ ما لَمْ یَعْجَلْ وَیَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ یُسْتَجَبْ یعنی
مستجاب میشود دعای بنده مادام که تعجیل شتاب نکند ونگوید
که دعا کردم ومستجاب نشد دعای من وهرگاه از خدای تع حاجتی
خواهی بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْلَی الْاَکْبَرِ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَکْرَمِ
اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا بدرستی که هرگاه این کلمات را بگویی حاجت تو بر
آورده میشود در بیان آنچه می باید گفت کسی را که در ورطه ومهلکه بیفتد
گفت رسول خدا ص بامیر المؤمنین علی ع که وقتی که در ورطه بیفتی
بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ
اِیّاكَ نَعْبُدُ وَاِیّاكَ نَسْتَعینُ بدرستی که هرگاه این کلمات را بگویی
حق تعالی دفع میکند آن بلا را در بیان اسم اعظم خدای تع گفت امام
زین العابدین ع که من طلب کردم از خدای تع یکسال در عقب هر نماز که
تعلیم کند بمن اسم اعظم خود را روزی نماز صبح گذاردم وخواب بر من
غلبه کرد ومن نشسته بودم چون چشم من بخواب رفت دیدم که شخصی
پیش من ایستاده است ومیگوید که طلب کردی از حق تع که اسم اعظم
را بتو تعلیم کند گفتم بلی گفت بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ اللّٰهِ
اَللّٰهِ اَللّٰهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ گفت امام زین
العابدین ع که بحق خدای که برای هر حاجتی باین کلمات دعا کردم
بر آورده شد آن حاجت در بیان آنچه می باید گفت در وقت رعد
وصاعقه هرگاه آواز رعد بشنوی وصاعقه ببینی بگو اَللّٰهُمَّ

لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبْلَ ذَلِكَ در بیان
انچه می باید گفت وقت باریدن باران هرگاه باران ببارد بگوید در
وقت باریدن صَيِّبًا هَنِيئًا در بیان انچه می باید گفت وقت وزیدن
باد گفت امام جعفر صادق ع که وقتی که بادی می وزد بسیار تکبیر
بگو و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا هَاجَتْ بِهِ الرِّيَاحُ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَ
اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً وَعَلَى الْكَا
فِرِينَ عَذَابًا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ در بیان انچه می باید گفت وقت
زراعت کردن گفت ابو جعفر ع که وقتی که خواهی زراعت کنی بگیر
یک مشت از تخم و رو بقبله کن سه بار بگو أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِ
عُونَ و بعد از ان بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثًا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ
وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا أَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنِّي
بِمَا مَنَعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ و بعد از ان بپاش آن تخم را تا
خدای تعالی برکت دهد انشاء الله گفت که می باید خواند در تنهائی
يَا اَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللّٰهُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكِ وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا
خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدِبُّ عَلَيْكِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ اَسَدٍ وَ
اَسْوَدَ وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ أَ
فَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا
وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ صَاحِبْنَا
فِي السَّفَرِ وَاَفْضِلْ عَلَيْنَا فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و بعد از ان سوره

الهٰكم

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ بخوان بدرستی که چون چنین کنی از آری رساند بتو
هیچ درنده و گزنده و اگر چه خواب کنی بر بالای ماری باذن الله
در بیان انچه باید گفت بعد از عطسه کردن گفت ابو عبد الله ع که
انکسی که بشنود عطسه پس حمد و ثنا بگوید خدای تعالی را و صلوات
بفرستد بر محمد و اهل بیت او علیهم السلام او را درد دندان و درد
چشم نشود ابدا هرگز و بعد از ان گفت که اگر کسی بشنود عطسه باید
که ترک نکند حمد و ثنای خدای تعالی و صلوات بفرستد بر محمد و آل او
علیهم السلام و اگر چه میان او و میان انکسی که عطسه کرده است
دریا فاصله باشد گفت امیر المؤمنین علی ع که انکسی که عطسه
کند و بعد از عطسه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ
مَا كَانَ او را درد گوش و درد دندان نشود گفت ابو جعفر ع
که وقتی که کسی سه بار عطسه کند دعای کن برای او و اگر زیاده
از سه بار عطسه کند احتیاج دعا کردن نیست و گفت امیر المؤمنین علی
که رسول خدا ص فرمود که اگر دعا نکند برای برادر مؤمن وقتی که
عطسه کند طلب خواهد کرد ان برادر مؤمن در روز قیامت
از شما حق خود را و حکم خواهد کرد حق تعالی که حق آن برادر را بدهید
رسول خدا ص گفت وقتی که عطسه کند مرد مسلمان و بعد از ان
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بجهت مرضی که داشته باشد فرشتها
برای او میگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و اگر او بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

رب العالمین فرشتها میکویند یغفر الله لک کفت امام حسن عسکری
که رفتم نزد صاحب الزمان و بعد از آن که از ولادت آنحضرت یک شب
کذشته بود پس عطسه کردم صاحب الزمان ع کفت یرحمک الله پس من
خوشحال شدم با من صاحب الزمان ع کفت که آیا بشارت دهم
ترا بعطسه کردن کفتم بلی کفت عطسه امانست از مردن تا سه روز
کفت ابو مریم که عطسه کرد ابی جعفر ع آنحضرت کفت که خوب چیزیست
عطسه در راحت بدن است و بسبب او یاد می کند حق تع را
و صلوات میفرستند بر نبی و آل او علیهم السلام کفتم محدثان عراق
میکویند که صلوات بر نبی و آل او علیهم السلام نمی باید فرستاد
در سه وقت بعد از عطسه کردن و در وقت ذبح کردن و در وقت
جماع کردن آنحضرت کفت بار خدایا اکر محدثان دروغ میکویند
باید که نرسانی بایشان شفاعت محمد ص کفت ابو عبد الله
ع که آنکسی که بکوید وقتی که بشنود عطسه الحمد لله علی کل حال
ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله علتی بدهن
او نرسد و نیز کفت که رسول خدا فرمود که آنکسی که پیش از عطسه
کننده حمد بکوید خدای تع را عافیت یابد از درد دندان و درد
پهلوی و نیز کفت که هرکاه کسی عطسه کند و بعد از آن بکوید
الحمد لله دو فرشته که موکل اویند بکویند رب العالمین کثیرا
لا شریک له و اکر بنده این را بکوید آن دو فرشته بکویند صلی الله

علی

علی محمد و اکر بنده این را نیز بکوید آن دو فرشته بکویند و علی آل محمد
و اکر این را هم بکوید آن دو فرشته بکویند یرحمک الله کفت امیر
المؤمنین علی ع در حدیث طویل که وقتی که کسی عطسه کند دعائی
کنید برای او پس اکر او بکوید یرحمکم الله شما بکویید یغفر الله لکم و یرحمکم
بدرستی که خدای تع کفته است وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا
أَوْ رُدُّوهَا یعنی وقتی که کسی دعا کند شما را پس دعا کنید شما او را بهتر
از آن تحیت یعنی دعا یا رد کنید کفت عبد الله بن ابو یعفور که حاضر بودم
نزد ابی عبد الله ع که شخصی عطسه کرد در آن مجلس آنحضرت کفت
یرحمک الله جماعتی از اصحاب که حاضر بودند کفتند آمین آنحضرت عطسه
کرد اصحاب شرمنده شدند و نتوانستند که دعا کنند برای آنحضرت
پس کفت آنحضرت که بکویید علی الله ذکرک روایتست که ائمه معصومین
علیهم السلام کفتند که وقتی که عطسه کنی سزاوار آنست که بنهی انکشت
شهادت را بر پشت بینی خود و بکویی الحمد لله رب العالمین و صلی
علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما داخرا صاغرا غیر مستنکف
و لا مستحسر و وقتی که عطسه کند دیکری یکبار یا دو بار یا سه بار
بکو یرحمک الله و اکر زیاده از سه بار عطسه کند بکو شفاک الله و
هرکاه مردی مؤمن عطسه کند بکو یرحمک الله و چون زنی عطسه
کند بکو عافاک الله و چون طفلی عطسه کند بکو یصحک الله و چون
بیمار عطسه کند بکو صلی الله علیک و هرکاه کسی عطسه کند و دیکری

بکوید شفاک الله و اکر کافر
ذمی عطسه کند بکوید
هداک الله و اکر پیغمبر
یا امامی عطسه کند بکوید

دعا کند برای او باید آنکه عطسه کرده است در جواب بگوید یَغفِرُ اللهُ لَنا
وَلَکُم. گفت ابوبصیر که ابوعبدالله ع فرمود که وقتی بسیار عطسه
کردن ایمن میسازد صاحب عطسه را از پنج چیز جذام و باد بد که در سر و رو
پیدا میشود و فرو آمدن آب سیاه بچشم و سده دماغ و بیرون آمدن
موی زیادتی از چشم. گفت که شخصی عطسه بسیار میکرد گفت ابوعبدالله
ع با او که اگر خواهی که کم شود عطسه کردن تو روغن مرزنجوش را در دماغ خود
کن آن شخص گفت که گفتم چه مقدار آنحضرت گفت که یک دانگ پس پنج
روز چنین کردم و رفت عطسه من و گفت ابوعبدالله ع که آنکه
عطسه کند در مرضی ایمن شود از مردن در آن مرض و گفت خمیازه کشیدن
از جانب شیطان است و عطسه کردن از جانب حق تعالی و نیز گفت که
رسول خدا ص فرمود که وقتی که کسی سخن گفتن کسی عطسه کند گواه است بر
صدق آن سخن. گفت حضرت معصوم که عطسه کردن بیمار دلیل است بر
عافیت و راحت بدن او. در بیان علاج فراموشی. گفت سکونی که
ابوعبدالله ع فرمود که وقتی که فراموش گرداند از خاطر تو شیطان
چیزی را بنه دست خود را بر پیشانی خود و بگو سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا
مُذَکِّرَ الخَیْرِ وَفاعِلَهُ وَالآمِرَ بِهِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَکِّرَنی ما
اَنْسانیهِ الشَّیْطانُ. باب یازدهم در بیان مرض و علاج او و آنچه
متعلق است بآن و درین باب پنج فصل است و آنچه مذکور است درین
باب پنج فصل است و آنچه و آنچه مذکور است درین باب اختیار کرده شده است

ازکتاب

از کتاب دعوات که بدین جمع کرده است. فصل اول در آداب مریض
و عیادت کننده و علاج مریض. در بیان ثواب مریض. گفت ابوعبدالله
ع که تب پیک مرگ است و خبر از مرگ میدهد و زندان حق تعالی است
در زمین و شدت و حرارت تب از دوزخ است و آنچه بمؤمن میرسد
از دوزخ همین تب است. روایتست که رسول خدا ص وقتی که جوششی
میدید در بدن خود پناه میجست بخدای تعالی و تضرع و زاری میکرد بحق تعالی
کسی گفت یا رسول الله باکی نیست ازین جوشش آنحضرت گفت اگر حق تعالی
خواهد چیزی خورد را بزرگ میگرداند و چیزی بزرگ را خورد میگرداند
گفت ابوعبدالله ع که هر مرضی و دردی و نکبتی که بکسی میرسد بجهت
گناهی است که کرده است و اینست معنی قول خدای تعالی که فرموده است
در کتاب خود وَما اَصابَکُم مِن مُصیبَةٍ فَبِما کَسَبَتْ اَیدیکُم وَیَعفُوا
عَن کَثیرٍ یعنی آنچه بشما میرسد ای مؤمنان از مصیبت و آفتی که بمال شما
یا بتن شما یا باهل و عیال شما میرسد بسبب آنچیزیست که کسب کرده است
دستهای شما یعنی بسبب گناهان شماست و حال آنکه خدای تعالی عفو
میکند و در میگذرد از بسیاری از گناهان شما و بعد از آن گفت ابوعبدالله
ع که آنچه حق تعالی عفو میکند از گناهان شما بیشتر است از آنچه مؤاخذه میکند
و بسبب آن بشما تشویش میرساند. گفت امام زین العابدین ع که خوب
دردیست تب میرساند بهر عضوی حصه از بلا و خیر نیست که مبتلا نشود
ببلائی. روایت کرده است محمد بن احمد از یوسف بن اسمعیل که گفت یکی از ائمه

علیهم السّلام که وقتی که مؤمن را تب شود و وی بریزد گناهان از و
همچنانکه برگ از درخت فرو میریزد و اگر صاحب فراش شود نالهٔ او تسبیح است
و فریاد و فغان او تهلیل است و گردیدن او بر روی فراش همچنانست که
شمشیر زند در راه خدا و اگر متوجه عبادت خدای تعالی شود میان اصحاب
خود آمرزیده شود خوشا حال او اگر بمیرد وای بر او اگر زنده بماند و گناه کند
و صحت و عافیت بهتر است نزد ما از بیماری گفت امام زین العابدین
ع که تب یکشبه کفارت گناه یکساله است بجهت آنکه الم آن تب یکسال
در بدن می ماند گفت ابو عبد الله ع که تب یکشبه کفارت گناهانست
که پیش ازین تب کرده است و بعد ازین تب خواهد کرد و نیز گفت که
آنکسی که یکشب بیماری بکشد و صبر کند بر آن بیماری و شکر خدای تعالی
بجا آورد شصت سال گناهان او آمرزیده شود گفت امام محمد
باقر ع که بیداری یکشب بجهت بیماری یا دردی فاضلتر است و اجر
و ثواب او فاضلتر است از عبادت یکساله و تب دو شب برابری
میکند بعبادت شصت سال و تب سه شب برابری میکند بعبادت
هفتاد سال گفت ابو حمزه که گفتم که شاید که آن بیماری هفتاد سالگی
نرسد آنحضرت گفت آن ثواب از پدر و مادر او خواهد بود گفتم شاید
که پدر و مادر او هفتاد سالگی نرسد آن ثواب از که خواهد بود گفت
از همسایهای او گفت امام رضا ع که بیماری مؤمن را پاك میکرداند
از گناه و رحمت است و کافر را عذاب و لعنت است و مؤمن از گناه

بیماری میکشد که هیچ گناه او نماند گفت ابو عبد الله که درد سر یکشب
می برد جمیع گناهان را مگر گناه کبیره را گفت ابو ابراهیم که رسول خدا ص فرموده
که بیمار را چهار خصلت است برداشته میشود قلم از وی یعنی گناهی بر او
نمی نویسند و امر میکند خدای تعالی فرشته را که بنویسد برای او ثواب
هر عملی که میکرد در ایام صحت خود و بیماری هر عضوی بیرون می برد
گناهان آن عضو را و اگر بمیرد آمرزیده میشود و اگر زنده بماند نیز
آمرزیده میشود گفت حضرت پیغمبر ص که وقتی که بیمار شود مسلمانی
می نویسد خدای تعالی برای او از ثواب بهتر از آنچه می نوشت در ایام صحت
و میریزد گناهان او همچنانکه برگ از درخت میریزد گفت ابو عبد الله
ع که وقتی که خدای تعالی دوست میدارد بنده را نظر میکند باو و هرگاه
نظر میکند باو یکی از سه چیز میدهد باو تب یا درد چشم یا درد سر
گفت امام موسی ع که وقتی که مؤمنی بیمار شود وحی میکند خدای
بفرشتگان دست چپ که منویسید گناهان بنده مرا مادام که بیمار است
و وحی میکند بفرشتگان دست راست که بنویسید برای بنده
من حسناتی که می نوشتید برای او و در ایام صحت او در بیان
صبر بیماری و گفت ابو جعفر ع که رسول خدا ص فرمود که خدای تعالی
میگوید که وقتی که مبتلا کنم بنده خود را بمرضی و او صبر کند بر آن
و شکایت نکند نزد آنکسانی که عیادت میکنند او را بدل میکنم
گوشت او را بگوشت بهتر و پوست او را بپوست بهتر و خون او را

بخون بهتر واکر بمیرد رحمت میکنم بر او واکر صحت یابد هیچ کناهی نخواهد داشت

کفت امام رضا ع که بیماری مؤمن را پاك میکرداند از کناهان و رحمت است

و کافر را عذاب و سختی است فرمود حضرت پیغمبر ص که مصیبتها میرسد بر بنده

تا انکه هیچ کناهی بوی نمی ماند کفت ابوعبدالله که عیادت کنید بیمار را

و از ایشان طلب دعا کنید بدرستی که دعای ایشان برابری میکند بدعای

فرشتها و انکسی که شبی بیمار شود و شکایت نکند از آن بیماری بنویسد

خدای تعالی برای او ثواب عبادت شصت سال و نیز کفت که شکایت از

بیماری آنست که بیمار بکوید که مبتلا شدم بمرضی که هیچکس نرسید شکایت

نیست که بکوید شب بخوابی کشیدم و روز تب کشیدم و مانند این سخنان

کفت امیرالمؤمنین علی ع که بیماری اجر و ثوابی ندارد ولیکن نمیکذارد

هیچ کناه را اما ثواب بکفتن بزبان و بعمل و بدست و پا می باشد و

حق تعالی میبرد بسبب صدق نیت و خلوص اعتقاد بسیاری از بندکان

خدا را بر بهشت در بیان عیادت کردن بیمار کفت حضرت پیغمبر ص که حق

مسلمان بر مسلمان آنست که چون ملاقات کند با او سلام کند و هرکاه

بیمار شود عیادت کند او را و چون بمیرد در عقب جنازه او برود کفته

روایت است که حضرت پیغمبر ص عیادت کرد همسایه خود را که یهودی بود

کفت رسول خدا ص که عیادت کامل آنست که بنهید دست خود را

بر بیمار و بپرسید از او که چه حال داری و صباح چکونه بودی و در شب

چکونه بودی و سلام کردن کامل آنست که با مصافحه باشد کفت

بان مرض مبتلا نشد
یا انکه بکی بان رسید یعنی
مرضی که بهیچ کس

ابوعبدالله ع که سزاوار آنست که بیمار خبر کند برادران مؤمن را از بیماری

خود تا عیادت کنند او را و او ثواب یابد و ایشان نیز ثواب یابند کسی

کفت ایشان ثواب می یابند بجهت انکه عیادت میکنند بیمار چکونه

ثواب می یابد انحضرت کفت بیمار ثواب می یابد بجهت انکه برای ایشان

حسنات حاصل میکند پس نوشته میشود برای آن بیمار ده حسنه و ده درجه

مرتبه او بلند میشود و دفع میشود از او ده کناه و نیز کفت که سزاوار آنست

که خویشان میت خبر کنند برادران مؤمن آن میت را از مردن او تا

ایشان حاضر شوند بجنازه او و نماز بکذارند و طلب آمرزش کنند

تا ایشان را ثوابی حاصل شود کفت ابوالحسن ع که امیرالمؤمنین علی ع

عیادت کرد صعصعة بن صوحان را پس کفت ای صعصعه فخر مکن

بر برادران مؤمن باینکه من عیادت کردم ترا و نظر کن بنفس خود

بتحقیق که امر رسیده است بتو و باید که امید مشغول نکرداند

ترا نقلست از کتاب زهد امیرالمؤمنین علی ع و از کتاب جابر

که کفت امام جعفر صادق ع که عیادت نیست در درد چشم و عیادت

نیست پیش از انکه سه روز از بیماری بکذرد چون سه روز از

بیماری بکذرد یکروز در میان یا دو روز در میان عیادت کن و هرکاه

بیماری بطول انجامید می باید کذاشت بیمار را با عیال خودش و

نیز کفت که امیرالمؤمنین علی ع فرمود که بزرکترین بندکان از روی

اجر و ثواب نزد خدای تعالی کسیست که وقتی که عیادت کند برادر

مومن را کم بنشیند نزد او مگر آنکه بیمار خواهد که او بنشیند و دوست
دارد او را و بگوید که بنشین گفت امیر المؤمنین علی ع که عیادت
کامل آنست که آنکسی که عیادت میکند بنهد دست خود را بر بالای
دست بیمار یا بر پیشانی او و نیز گفت که عیادت کامل آنست که بنهی
دست خود را بر دست بیمار و زود برخیزی از پیش او بدرستی که عیادت
احمقان دشوارتر است از بیماری گفت امام جعفر صادق ع که چون روز
قیامت شود بیارند بنده را نزد حق تع پس خدای تع حساب او کند
باسانی و بگوید ای بنده مؤمن چه چیز منع کرد ترا از عیادت کردن من
وقتی که من بیمار شدم پس آن بنده بگوید بارخدایا تو پروردگار منی
و من بنده توام و تو حی و قیومی و نمیرسد بتو هیچ الم و بیماری حق تع
بگوید که آنکسی که عیادت کند مؤمن را بجهت رضای من پس عیادت
کرده است مرا و بعد از آن حق تع بگوید بآن بنده که آیا فلان بن فلان
را می شناسی آن بنده بگوید بلی میشناسم ای پروردگار من حق تعالی
بگوید که چرا عیادت نکردی او را وقتی که بیمار شد بدرستی که اگر عیادت
میکردی او را عیادت میکردی مرا و می یافتی مرا نزد او و اگر از من طلب
حاجت میکردی در آن وقت حاجت ترا بر می آوردم گفت ابو
الحسن ع که وقتی که بیمار شوید باید که مردمان که بعیادت شما می آیند
اذن کنید که نزد شما بیایند بدرستی که دعای یکی از ایشان مستجاب
خواهد بود روایت که حضرت پیغمبر ص عیادت کرد سلمان را رحمة الله

علیه

علیه و چون خواست که برخیزد گفت یا سلمان کشف الله ضرک و غفر ذنبک
و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک یعنی ای سلمان ببرد خدای تع بیماری
ترا و بیامرزد گناهان ترا و نگاه دارد دین و بدن ترا تا وقت رسیدن اجل تو
گفت از امالی شیخ ابو جعفر ابن بابویه که گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا
ص عیادت کرد سلمان فارسی را پس گفت ای سلمان در بیماری سه خصلت
است یاد خدای تع میکنی و دعای تو در این حال مستجاب میشود و نمیگذارد
بیماری بر تو هیچ گناه را برجوی داری دهد خدای تع بصحت و عافیت تا وقت
رسیدن اجل تو گفت حضرت پیغمبر ص که عیادت بیمار یکبار باشد و تعزیت
رسانیدن یکبار گفت ابو عبد الله ع که آنکسی که عیادت کند برادر مؤمن
را وقت صباح مشایعت میکند او را هفتاد هزار فرشته و وقتی که بنشیند
نزد آن بیمار حق تع بر او رحمت میکند و فرشتها برای او استغفار میکنند تا شب
و اگر در وقت شام عیادت کند مشایعت میکنند او را هفتاد هزار فرشته
پس وقتی که بنشیند نزد آن بیمار حق تع بر او رحمت میکند و فرشتگان برای او
استغفار میکنند تا صباح گفت امام محمد باقر ع که حضرت موسی ع در مناجات
با پروردگار خود گفت که بارخدایا چیست ثواب عیادت بیمار حق تع
فرمود که موکل میکنم فرشته را بانکسی که عیادت کند بیمار را که مومن او باشد
در قبر تا روز حشر گفت امام جعفر صادق ع که رسول خدا ص گفت که آنکسی
که عیادت کند بیمار را ندا میکند فرشته از آسمان و میگوید که ای فلان
خوشی باد ترا و خوش باد رفتن تو گفت حضرت پیغمبر ص که بزرگترین شما

انه وی اجر و ثواب در عیادت انکسی است که کم بنشیند نزد بیمار و نیز گفت
که وقتی که در آیید نزد برادر مؤمن بجهت عیادت باید که دعا کنید برای او
بدرستی که دعای شما مثل دعای فرشتهاست و نیز گفت که انکسی که عیادت
کند بیماری را برای خدا ان بیمار هر چه طلب کند از حق تعالی برای او مستجاب شود
گفت که رسید بامیر المومنین علی ع از بیماری اطفال انحضرت فرمود که
بیماری اطفال کفارت کناهان پدر و مادر ایشانست گفت که بعضی از
خدمتکاران امام جعفر صادق ع گفت که بیمار شد یکی از خدمتکاران آنحضرت
و ما چند کس را از خدمتکاران انحضرت میرفتیم بعیادت او حضرت در میان
راه از برابر ما پیدا شد گفت کجا میروید گفتیم بعیادت فلان میروم گفت باستید
ایستادیم گفت با یکی از شما سیبی یا بهی یا ترنجی یا اندکی از بوی خوش یا عود هست
کفتیم با ما هیچ از ینها نیست گفت ایا نمیدانید که بیمار خوشحال میشود هر چیز را که بی
اوی برند در بیان علاج کردن بیمار گفت حضرت پیغمبر ص که دوا کنید مرض را بدرستی
که هر دردی که حق تعالی فرستاد شفای برای ان فرستاد و نیز گفت که مردن آدمی بگناه
بیشتر است از مردن او باجل و زندگانی بنده به نیکویی کردن بیشتر است
از زندگانی او بعمر و نیز گفت که نمی باشد بیماری مگر از گناه و انچه عفو میکند
خدای تعالی بیشتر است از انچه مواخذه میکند روایت که دو کس بیمار اند یکی صحیح
که خود را از بیماری نگاه دارد و دایم پرهیز کند دوم بیماری که پرهیز نکند و
چیزی در هم خورد گفت حضرت پیغمبر ص که اجتناب کن از دوا مادام که
بدن تو قوت درد کشیدن دارد پس وقتی که قوت درد کشیدن نداشته باشد

دوا کن

دوا کن گفت ابو عبدالله ع که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد و گفت که دوا نکنم
تا انکسی که بیمار ساخت مرا شفا دهد حق تعالی وحی کرد بان پیغمبر ص که شفا
نمیدهم ترا تا دوا نکنی بدرستی که شفا از منست وقتی که دوا کنی گفت امام رضا
ع که اکثر مردمان کم طعام بخورند بیمار نمیشوند گفت ابو عبدالله ع که
پرهیز کردن از چیزی ترک کردن انچیز نیست گفت امام موسی ع که پرهیز
کردن اصل دواست و معده خانه است و خو کن بدن را بانچه عادت کرده است
نکته از کتاب روضة الواعظین گفت رسول خدا ص که انکسی که بمیرد
بی وصیت کافر مرده است و نیز گفت که سزاوار نیست مسلمانی که شبی بخواب
آورد و وصیت نامه او در زیر سر او نباشد و نیز گفت که هر که نیکو وصیت نکند
وقت مردن نقصانی در مروت و عقل او هست گفت امیر المؤمنین
علی ع که انکسی که وصیت کند و در ان وصیت جور و ستمی نکند و ضرری نرساند
مکبی همچنانست که تصدق کرده باشد بانچیز در حال حیوة خود گفت
امام جعفر صادق ع که وصیت حق است بر هر مسلمانی و واجبست بر وادای
اخی و نیز گفت که انکسی که وصیت نکند که بدهند چیزی از مال او بخویشا
وندانی که میراث نمیبرند از و ختم عمل او معصیتست در بیان
در طلب شفا کردن بقران گفت حضرت پیغمبر ص که انکسی که طلب شفا
نکند بقران شفا نمیدهد بخواند و بعد از ان هفت بار بگوید یا الله
پس اگر دعا کند بر سنگ خارا آن سنگ شکافته شود گفت ابو
الحسن ع که هر گاه بترسی از چیزی صد آیه از قران بخوان از هر جا که

ان چیزی لیکن پرهیز کردن
از چیزی کم کردن ان چیز است

خدای تعالی او را گفت امام
جعفر صادق که انکسیکه صد
آیه از قران

که خواهی وبعد از ان سه بار بگو اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ کفت
ابو ابرهیم ع که انکسی که طلب کفایت مهمی کند از شرق تا مغرب بآیتی
از قران کفایت میشود آن مهم وقتی که از روی صدق ویقین بوده
باشد کفت امام موسی ع که در قران شفاست از هر دردی در بیان
خواص سورهای قران ودر انچه در اخبار آمده است در باب آن کفت
امام موسی ع که انکسی که بیماری یا علتی داشته باشد باید که هفت بار
فاتحه بخواند در کریبان خود پس اکر ان علت تسکین نیابد هفتاد بار بخوانند
بدرستی که تسکین می یابد کفت حضرت پیغمبر ص که در خواندن فاتحه هفت بار
شفاست از هر دردی پس اکر صد بار بخوانند بر مریض وروح از بدن او
مفارقت کرده باشد باز کرداند خدای تع روح را ببدن او کفت ابو
عبد الله که اکر فاتحه را هفت بار بر مرده بخوانی وبعد از ان روح باز کردد
ببدن امر ده عجب مبنت کفت امام محمد باقر ع که وقتی که تو علتی و بیماری
داشته باشی که بترسی از ان بیماری سوره انعام بخوان بدرستی که نمیرسد
بتو از ان علت مکروهی ونیز کفت که انکسی که سوره نحل بخواند در ماهی
یکنوبت ادا شود قرض او در دنیا وایمن شود از هفتاد نوع بلا که آسانترین
آن بلاها دیوانکی وجذام وبرص است کفت که بجهت احتراز شیطان
ولشکر واتباع او سوره نحل می باید خواند کفت امام محمد باقر ع
که انکسی که سوره لقمن بخواند در شب موکل سازد خدای تع فرشتهارا در ان
شب که نکاه دارند اورا از شیطان ولشکر او تا صباح واکر در روز

بخواند نکاه دارند اورا از شیطان ولشکر او تا شب وکفت ابو
عبد الله ع که هر چیزیرا دلیست ودل قران یس است پس انکسی که یس
که در شب بخواند پیش از انکه از خانه بیرون رود وبجای رود حق
تع اورا نکاه دارد وروزی دهد تا شب واکر در ین روز بمیرد
خدای تع اورا ببهشت برد در روایتیست که یس می باید خواند برای شرف
دنیا وآخرت وبرای حفظ نفس واهل وبیت ومال واز جمیع آفتها
وبلاها روایتست که انکسی که دیوانه شود یا بیهوش شود یس را بخوانند
یا بنویسند وبشویند وباو بدهند که بیاشامد صحت یابد واکر
باب زعفران بنویسند بظرفی از شیشه بهتر است ونیز وکفت ابو
عبد الله ع که انکسی که سوره والصافات بخواند در هر روز جمعه همیشه
محفوظ باشد از جمیع آفتها ودفع شود از وهر بلیه که در دنیاست
وروزی او کشاده شود در دنیا ونکاه دارد خدای تع اورا ومال
وفرزند اورا از شیطان رجیم وسلطان ظالم وکفت که سوره و
الصافات می باید خواند برای شرف وبزرکی وجاه وعزت در دنیا
واخرت وکفت ابو عبد الله ع که انکسی که سوره زمر بخواند در روز
یا در شب حق تع عطا کند باو بزرکی دنیا واخرت وعزیز کرداند اورا
واکر بی مال وخویشان باشد وانکسی که سوره طور بخواند جمع کند حق
تع برای او خیر دنیا واخرت وانکسی که سوره اذا وقعت بخواند در هر شب
جمعه دوست دارد حق تع اورا وهمه مردمان دوست او کرداند ونبیند

خواب کند موکل سازد باو
خدای هشتاد هزار فرشته
را که نکاه دارند اورا از
شیاطین وازجمیع آفتها
تا صباح واکر در روز
بخواند یعنی اناکه

در دنیا هرگز بدی و سختی و فقر و درویشی و آفتی از آفتها و این سوره
در شان امیرالمومنین علی و فرزندان او ع نازل شده و انکسی که
مداومت نماید بخواندن سوره حدید و مجادله در نماز فریضه ایمن
شود او و اهل و مال او از بدی او و اهل او درویشی نبیند گفت
امام زین العابدین ع که انکسی که سوره ممتحنه بخواند در نماز واجب
و سنتی امتحان کند خدای تع دل او را برای ایمان یعنی دل او را نور ایمان
بدهد و روشن و پر نور گرداند چشم او را و او و فرزندان او درویشی
و دیوانگی نبینند هرگز روایت که انکسی که سوره ممتحنه بخواند در نماز
عزیز و مکرم شود در مردمان و ستایش کنند او را گفت ابوعبدالله
ع که انکسی که سوره قل اوحی بسیار بخواند نرسد باو در دنیا بدی از
جن و انکسی که سوره یا ایها المزمل بخواند در نماز خفتن یا در آخر شب
گواهی دهند شب و روز با این سوره بر نیکی او در روز قیامت و
خدای تع باو زندگانی خوشی بدهد و او را نیکو بمیراند و انکسی که سوره
والنازعات بخواند در آورد حق تع او را بهشت سیراب و بدبخت
نشود در دنیا هرگز روایت که انکسی که زهر بخورد یا بگزد او را جانوری
که زهر داشته باشد سوره والسماء ذات البروج بر آب بخوانند و
باو بدهند که بیاشامد ضرری باو نرسد انشاء الله و انکسی که سوره
انا انزلناه در نماز بخواند ندا کند فرشته که ای بنده خدا آمرزیده
شد گناهان گذشته تو پس از سر گیر عمل را و انکسی که سوره اذا زلزلت

بخواند

بخواند در نمازهای سنتی آسیبی باو نرسد از زلزله هرگز و نمیرد
بزلزله و صاعقه و هیچ آفتی از آفتهای دنیا و انکسی که سوره ویل لکل
بخواند در نمازهای فریضه و در درویشی نبیند و روزی او زیاده
شود و ایمن شود از مردن و انکسی که سوره قل یا ایها الکافرون و قل
هو الله بخواند در نماز فریضه بیامرزد خدای تع او را و پدر و مادر
و فرزندان او را و اگر شقی و بدبخت باشد نام او محو شود از دیوان
بدبختان و بنویسند در دیوان نیکبختان و نیکبخت گرداند حق تع
او را در دنیا و شهید بمیراند او را و شهید برانگیزد او را در روز قیامت
گفت امام رضا ع که رسول خدا صلعم که چون شما را درد سر شود یا
درد دیگر بگشایید هر دو دست خود را و فاتحه و قل هو الله و
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوانید و بمالید هر
دو دست را بر روی خود بدرستی که چون چنین کنید برود آن درد
از شما گفت امام جعفر صادق ع که خدای تع عوض فدک تب را
تابع و فرمان بردار حضرت فاطمه ع ساخت پس هر کسی که دوست دارد
حضرت فاطمه و فرزندان او را پس اگر او را تب شود باید که هزار بار
قل هو الله بخواند و بعد از آن بگوید یعنی فاطمه ع که شفا ده مرا بدرستی
که چون چنین کند تب او برطرف شود باذن خدای تع و انکسی که اذا جاء
نصر الله در نماز سنت یا در نماز واجب بخواند نصرت دهد خدای
او را بر دشمنان گفت ابوعبدالله ع که انکسی که بیمار شود یا باو سختی

برسد و قل هو الله بخواند دران بیماری و بمیرد دران بیماری یعنی پس
اوار اهل دوزخ نیست و نیز گفت کرا کسی که جا گیرد در فراش خود و یازده بار
قل هو الله بخواند محفوظ شود خانه او و خانهائی که در حوالی اوست دربیان طلب
شفا کردن با آیتهای قران دوانیت که در آیتهائی که مشتمل است بر تحصیل شفا
از جمیع مرضها و آیتهای ... بسم الله الرحمن الرحیم والهکم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا
نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه
یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه
السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم هو الذی یصورکم
فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو
و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم
العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب و اذا حییتم
بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا الله لا اله
الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا
ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء
فاعبدوه و هو وکیل اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض
عن المشرکین قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک
السموات و الارض لا اله الا هو یحیی و یمیت فآمنوا بالله و رسوله النبی

الامی الذی یؤمن بالله و کلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون و ما امروا الا
لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم حتی اذا
ادرکه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل و انا
من المسلمین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله و ان لا اله الا هو
فهل انتم مسلمون قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه متاب
ینزل الملائکة و الروح بما باذن ربهم من امره علی من یشاء من عباده
ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون و ان تجهر بالقول فانه یعلم السر
و اخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی انک بالواد المقدس طوی و
انا اخترتک فاستمع لما یوحی اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة
لذکری ان الساعة آتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی انما الهکم الله
لا اله الا هو وسع کل شیء علما و ما ارسلنا من قبلک من رسول
الا یوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون و ذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو
رب العرش الکریم و یعلم ما تخفون و ما تعلنون الله لا
اله الا هو رب العرش العظیم و هو الله لا اله الا هو له الحمد
فی الاولی و الآخرة و له الحکم و الیه ترجعون قل یا ایها الناس اذکروا
نعمت الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء و الارض لا اله

هو فانى تؤفكون انا كذلك
نفعل بالمجرمين انهم كانوا
اذا قيل لهم لا اله الا الله

الا الله يستكبرون ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون
بل جاء بالحق وصدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب شديد
العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق
كل شئ لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا هو
يحيي ويميت ربكم ورب اباءكم الاولين فانى لهم الذكرى اذا جاءتهم
ذكريهم فاعلم انه لا اله الا هو واستغفر لذنبك وللمؤمنين
والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا القران
على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم
الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما
يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما
في السموات والارض وهو العزيز الحكيم انما على رسولنا البلاغ المبين
لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب
لا اله الا هو فاتخذه وكيلا **گفت** امام جعفر صادق ع که رسول
خدا ص گفت با امیر المؤمنین علی ع که یا علی ای من میتوي از سوختن و غرق
که بگوئی سبحان ربی لا اله الا انت علیک توکلت وانت رب العرش
العظیم یا علی ای من میتوي از وسواس وقت که بگوئی واذا قرات القران

جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك
في القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا یا علی ای من میتوي از
بدی کسی که از وی می ترسی وقتی که بگوئی ما شاء الله کان وما لم
يكن اشهد ان الله على كل شئ قدير وان الله قد احاط بكل شئ
علما واحصى كل شئ عددا ولا حول ولا قوة الا بالله **فصل در باب**
ورد درد سر **گفت** ابو عبد الله ع که بجهت شب ورد درد سر بنویس
بر کاغذی و بر بند بر بازوی راست کسی که تب و درد سر داشته باشد
فاتحه و قل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را
واین کلمات را بنویس بسم الله الرحمن الرحيم رب الناس اذهب
الباس واشفه یا شافي فانه لا شفاء الا شفاؤك لا يغادر سقما بيدك
الخير انك على كل شئ قدير وننزل من القران ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنين بسم الله الرحمن الرحيم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما
على ابراهيم كذلك صاحب كتابي هذا برحمتك يا ارحم الراحمين بسم الله
الرحمن الرحيم وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم اسكن
ايها الصداع والالم بعزة الله اسكن بعظمة الله اسكن بجلال الله
اسكن بعظمة الله اسكن بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا

ولا يزيد الظالمين الا خسارا



الا هو انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه
من الغم نجی المومنین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا
الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی محمد واله
وسلم تسلیما برای تب وغیر آن از بیماریها که شکایت کرد یکی از
اصحاب نزد ابی عبد الله از حرارت وتب انحضرت کفت بکشایید
کریبان پیرهن را وسر خود را در کریبان کن واذان واقامت بکو
وهفت بار صلوات فاتحه بخوان انکس کفت که چنین کردم واز
تب خلاص شدم برای تب کفت ابو عبد الله ع که وقتی که ترا تب شود
سر خود را در کریبان کن واذان واقامه بکو وفاتحه وقل هو الله وقل
اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخوان وقل هو الله سه بار
بخوان وبکو اعیذ نفسی بعزة الله وقدرة الله وعظمة الله وسلطان
الله وجلال الله وبجمع الله وبرسول الله وبعترته صلی الله علیهم
وبولاة امر الله من شر ما اخاف واحذره واشهد ان الله علی
کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله
علی خیر خلقه محمد واله اللهم اشفنی بشفائك وداونی بدوائك
وعافنی من بلائك کفت ابو عبد الله ع که سر خود را
در کریبان کن واذان واقامت بکو وفاتحه وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس وسه بار قل هو الله بخوان واین ایها
را نیز سه بار بخوان که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته

خاشعا

خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلك الامثال نضربها
للناس هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المومن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له
ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم وبعد از ان بکو اعیذ
نفسی بعزة الله تا اخر ان دعا که کذشت کفت حماد بن عثمان
که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله ع از تبی که بسیار مانده بود
وبرطرف نمیشد انحضرت کفت بنویس آیة الکرسی را بظرفی وبشوی ان را
باندك آبی وبیاشام نقشت که از برای بیمار که یکی از ائمه علیهم السلام کفت
که بکیر اندکی از تربت امام حسین ع وترکن ان را باب وبنویس بظرفی ان
شیشه بقلم فولاد این آیتها واین دعا را که سلام قولا من رب رحیم
وحسبی الله ونعم الوکیل طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی الا
تذکرة لمن یخشی ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
یرید الله ان یخفف عنکم الان خفف الله عنکم قلنا یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان یعنی نام
بیمار ونام پدر او را بنویس الحر والبرد والملائکة وجمیع الالام و
الاسقام والاعراض والامراض والاوجاع والصداع طسم طس



باسماء الله حمعسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز
الحكيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم والحمد لله رب العالمين
وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين يا من تزول
الجبال ولا يزول صل على محمد وآل محمد وازل كل ... بفلان بن فلان
یعنی نام او و نام پدر او را بنویس من مرض وسقم والم انك على كل
شيء قدير وحسبنا الله وحده وصلواته على سيدنا محمد النبي و
آله اجمعين و ببوی این نوشته را و بده بر بیمار که بیاشامد نیز از برای
تب بنویس این آیها را بر کاغذی و بر سند بر کسی که تب دارد و اینها
است وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم
ومن ينقلب على عقبيه وآمنوا بما نزل على محمد وهو الحق من
ربهم كفر عنهم سيئاتهم واصلح بالهم ما كان محمد ابا احد من
رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله على كل
شيء عليما محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء
بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا
سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية
ومثلهم في الانجيل ومبشرا برسول ياتي من بعدي اسمه احمد
فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين ولو ان

قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله
الامر جميعا الملك لله الواحد القهار بعد از آن بکوبیم الله المکتوب
على ساق العرش **از برای تب** ربع و تب ربع آنست که یکروز میگیرد
و دو روز نمیگیرد و در روز چهارم نیز میگیرد بنویس و بر بند بر بازوی
راست بیمار بسم الله الرحمن الرحيم ولو ان قرآنا سيرت به الجبال او
قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا يا شافي يا كافي يا معافي
وبالحق انزلناه وبالحق نزل و بنویس بر کتف کسی که تب ربع دارد
سوره الم نشرح و این دعا را که لا باس رب الناس اذهب الباس
اشف وانت الشافي لا شفاء الا شفاؤك قال رب اني وهن
العظم مني واشتعل الرأس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا
باسم فلان بن فلان یعنی نام بیمار و نام پدر او بنویس **از برای تب لرزه**
بخوان آیه که بسم الله مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان و
جعل بينهما برزخا وحجرا محجورا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم
الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا
المرسلين انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
تب ربع از امام حسن (ع) که بنویس بر ورقی یا نار کوني بردا وسلاما
على ابراهيم و ببند این نوشته را بر کسی که تب میکند وقتی که او را
تب گرفته و در روایتی دیگر واقع است که بنویس این آیه را
که قل الله اذن لكم ام على الله تفترون بر کاغذی و بر بند



و بر بند بر بازوی او و بنویس بطلط بطلطلط و بر بند بر ساق چپ
او و بگو عقدت علی اسم الله حمّی فلان یعنی بستم بنام خدا تب فلا
ن یعنی نام آنکس را بگو **دیگر** از برای تب ربع بگو الم تر الی ربک کیف مدّ
الظل و لو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا از برای درد
سر و شقیقه گفت ابو عبد الله ع که بخوان بجهت درد سر و شقیقه و
ابن اینها را که و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلّم
به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه و تنشق الارض
و تخر الجبال هدّا و جعلنا من بین ایدیهم سدّا و من خلفهم سدّا فا
غشیناهم فهم لا یبصرون و یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی ماءک
و بلعماء و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعدا
للقوم الظالمین **دیگر** از برای درد سر و شقیقه بگو فمن کان منکم مریضا
او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک بدأ الله
فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه اسکن سکنتک با وجع
الراس بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم **دیگر**
از برای درد سر و شقیقه **روایت** کرده شکایت کرد نزد امام جعفر صادق ع
از درد سر آنحضرت گفت بنه دست خود را بر جائی که درد میکند و آیة
الکرسی و فاتحه بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر اجل
و اکبر مما اخاف و احذر اعوذ بالله من عرق نعار و اعوذ بالله من
حر النار **برای** درد سر **گفت** عمر بن حنظله که شکایت کردم نزد ابی جعفر ع

از درد سر آنحضرت گفت وقتی که ترا درد سر شود بنه دست خود را بر میان سر خود
و بگو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا
قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون
عنک صدودا **برای** درد سر و شقیقه **گفت** امام رضا ع که بگو بسم الله
الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف
المیعاد و بنویس این دعا را و کسی که درد شقیقه دارد با خود نگاه دارد اللهم
انک لست باله استحدثناک و لا برب یبید ذکره و لا معک شرکاء یقضون
معک و لا کان قبلک اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه
و ندعک و لا اعانک علی خلقنا من احد فنشک فیک لا اله الا انت و
حدک لا شریک لک عاف فلان بن فلان یعنی نام کسی که درد شقیقه دارد
می باید نوشت صلی الله علی محمد و آله الطاهرین **از برای** درد سر و غیر
آن از درد دهل **گفت** امام جعفر صادق ع که آنکسی که درد سر یا درد دیگر
داشته باشد باید که بنهد دست خود را بر آنجا که درد میکند و بگوید
اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم
و نیز گفت که حضرت پیغمبر را ص وقتی که کسالت و گرانی عارض میشد یا زخم
میرسید یا درد سر میبند دست خود را میکشود و فاتحه و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس میخواند و می مالید دست خود را بر
روی خود پس بطرف میشد از آنحضرت آن تسویش **گفت** عمر بن ابراهیم



کہ شکایت کردم نزد امام جعفر صادق علیه السلام کہ صفرا غلبه شده است بر من و سبب
این حالتی میشود مرا مثل جنون و درد سر غالب میشود آنحضرت گفت که بر تو باد
که بگیری آن گیاه را که بر درخت میپیچد و بکوبی و بنهی بر سر خود و بفرما مردمان را
که بنهند بر سر طفلان خود درد سر که فایده میدهد باذن خدای تعالی عمر بن ابراهیم
گفت که چنین کردم و تسکین یافت درد سر من گفت امام رضا ع کہ بجهت
درد سر حنا بر سر می باید نهاد در پاک درد شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ پس اگر بخوانند این آیه درد سر برطرف نشود بگیر یک نخود و نیم از نخود
های سفید و نرم بکوب و سه بار قل هو الله بخوان بر آن و باب بیامیز و بده
با نکسی که درد شقیقه دارد آنحضرت گفت با عزه که نزدیک من بیا ام نزدیک
من بیا اعز نزدیک آنحضرت آمد دست خود را بر سر او مالید و بعد از آن گفت
إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ
أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا گفت معاویه بن عمار که شکایت
کردم نزد ابو عبد الله ع از بادی که در شقیقه من پیدا شده بود آنحضرت گفت
وقتی که فارغ شوی از نماز فریضه بنه انگشت شهادت دست راست را
بمیان هر دو چشم خود و هفت بار بگو یا حنان یا اشفنی و هر بار بکذران
انگشت خود را بر روی راست خود و بعد از آن انگشت را بگذران بر ابروی
چپ خود و بگوی یا منان اشفنی و بعد از آن بنه کف دست را
بر میان سر خود و بگو یا من سکن له ما فی اللیل و النهار و ما فی السموات

وَالْأَرْضِ صل علی محمد و اهل بیته و سکن ما بی درد چشم گفت امیر
المؤمنین علی ع که وقتی که چشم شما درد کند باید که بخوانند بر چشم شما آیة الکرسی
را و در دل خود بگذرانید که شفا خواهید یافت بدرستی که حق تعالی شفا میدهد
ان شاء الله گفت که آنکسی که هر روز بگوید فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا سالم
میماند چشم از آفات و روایتست که نظر کرد حضرت پیغمبر به سلمان رحمة
الله علیه و دید که سلمان درد میکند چشم گفت خرما مخور در جانب چپ خواب مکن
دیگر از برای درد چشم سه بار بر آب بخوان این دو آیه را که فَكَشَفْنَا عَنْكَ
غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ و بعد از آن روی خود را باب بشوی در بیان
درد چشم این آیه را که اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ
فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ
يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَ
يْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ
يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بنویس
بتربت امام حسین و باب زمزم بر جامی و بعد از آن بشوی از آن
و در شیشه کن و بمیل در چشم بکش از برای درد چشم بخوان این آیه
را که اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا وَإِنْ يَكَادُ
الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ
لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ در بیان علاج شبکوری گفت

ابو یوسف المعصب که شکایت کردم نزد ابی الحسن اول از شب کوری
و گفتم بیا سوزم علاجی از برای شبکوری آنحضرت گفت که این آیه که الله
نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة
الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شر
قیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور
یهدی الله لنوره من یشاء ویضرب الله الامثال للناس والله
بکل شیء علیم بنویس بر جام چند نوبت و بعد از ان بشوی از او در شیشه
کن و میل در چشم بکش ابو یوسف گفت که از ان آب صد میل در چشم خود
نکشیده بودم که چشم من صحیح شد شبکوری بطرف شد گفت هفت بار
بخوان بر روغن یاسمین یا بنفشه این دو آیه کان لم یسمعها کان فی اذنیه
وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا و
بریز آن روغن را در گوش خود در بیان درد دندان سه بار فاتحه
بخوان و سه بار قل هو الله و بگو یا ضرس ابالحار تسکنین ام بالبارد
تسکنین ام بسم الله تسکنین اسکن سکنتک بالذی سکن له
ما فی السموات وما فی الارض وهو السمیع العلیم قال من یحیی العظام
وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق
علیم اخرج منها فانک تخرج لنخرجنهم منها اذلة وهم صا
غرون تخرج منها خائفا یترقب و نیز از برای درد دندان
بنویس این آیتها را بر نان تنک و بنه بر دندان که درد میکند و

آیتها

آیتها اینست بسم الله لکل نبا مستقر وسوف تعلمون اتی
امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه
ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون من
یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل
خلق علیم از برای بستن درد دندان بگیر میخی از آهن و فاتحه و قل هو
الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را سه بار
بخوان و بعد از ان این آیه را بخوان من یحیی العظام وهی رمیم قل
یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم از برای بستن
درد دندان بگیر میخی از آهن و فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب
الناس بعد از ان بگو یا ضرس فلان بن فلان یعنی نام آنکس که دندان
او درد میکند و نام پدر او را بگو اکلت الحار والبارد افبالحار تسکنین
ام بالبارد تسکنین و بعد از ان این آیه را بخوان که وله ما سکن
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و بعد از ان بگوی شددت داء
هذا الضرس من فلان بن فلان یعنی نام پدر کسی که دندان او
درد میکند و نام پدر او را بگو و بعد از ان بگو بسم الله العظیم و بعد
از ان میخ را بر دیوار بکوب و بگو الله الله الله دیگر از برای درد دندان
بگیر برگ سبزی و بنویس بخوبی بر آن برگ سبز این آیه را که الذی
جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون و بعد از ان
بنه سبزی را بر دندانی که درد میکند و قدمی چند برو دان برگ

هر یک را سه بار بخوان

سبوس را ببندانند به پس پشت خود ونگاه مکن پس پشت خود
بدرستی که چون چنین کنی درد دندان تسکین می یابد انشاء الله ع
ونیز از برای درد دندان بخوان این آیتها را که لله ما فی السموات وما
فی الارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر
لمن یشاء ویعذب من یشاء والله علی کل شیء قدیر آمن
الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله و
ملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا
الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان
نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین
من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و
واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین
ودیگر کسنه ترید وای بقلة لا تأکل وهی باید که آنکسی که میخواند
این آیتها را با وضو باشد ودر اندرون خانه نزدیک در بایستد
وانکسی که درد دندان دارد بیرون در با بستد بدرستی که درد
تسکین می یابد **درباب** خون آمدن از بینی بخوان این آیتها را که
منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یومئذ
یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء

وقضی

وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ومن
یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا وجعلنا
من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و
نیز از برای خون آمدن از بینی بنویس بر پیشانی کسی که خون از بینی او می آید
همان خون با زعفران این آیه را وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی
وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
بدرستی که تسکین می یابد انشاء الله **درباب** زکام **گفت** حضرت پیغمبر
که زکام لشکریست از لشکرهای خدای تعالی که مبعوث شد خدای تعالی بر دردها
پس می برد دردها را **گفت** ابو عبدالله ع که بجهت زکام بگیر اندک بینه
وروغن بنفشه چرب کن ودر وقت خواب بطریق شاف بخود بردار بدرستی
که نافع است زکام را ان شاء الله **درباب** وسوسه دل بگو واذا قرأت القرآن
فاستعذ بالله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخوان
گفت امیر المؤمنین علی ع که وقتی که وسوسه کند شیطان شما را باید که
پناه جویید بخدای تعالی وبگویید بزبان ودل خود آمنت بالله ورسوله
مخلصا له الدین **دیگر:** برای درد دل بخوان این آیتها را بر آب وبیاشام
لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر
بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر ان الله یمسک السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان

حليماً غفوراً دیگر برای درد دل بخوان این آیتها را بر آب و بدیده کرد بیاشامد
کسی که درد دل دارد و بنویس همین آیتها را و بر بندد بر گردن آنکس و آیتها این است
بسم الله الرحمن الرحيم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله
لا يخلف الميعاد الذين امنوا وتطمئن القلوب الذين امنوا وعملوا الصالحات
طوبى لهم وحسن مآب لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين دیگر
برای تنگی دل هفده روز هر روز دو بار الم نشرح بخوان یکبار در صباح و یکبار در
شام روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله ع از درد سینه پس حضرت
گفت طلب شفا کن از قرآن بدرستی که خدای تع میگوید فیه شفاء لما
في الصدور یعنی در قرآن شفاست از امراضی که در سینه شماست
برای درد سینه بخوان این آیه را که واذ قتلتم نفسا فادارأتم فيها
والله مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى و
يريكم اياته لعلكم تعقلون برای درد شکم بنویس سوره
اخلاص این آیتها را که بسم الله الرحمن الرحيم قل يحييها الذي انشاها
اول مرة وهو بكل خلق عليم ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت
به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا و بر بند بر آنکس که درد شکم
دارد و این آیتها را بخواند بر آنکس که بسم الله الرحمن الرحيم ما اصابكم من
مصيبة في الارض ولا في انفسكم الا في كتاب من قبل ان نبراها ان ذلك
على الله يسير هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين كفروا قطعت لهم

قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب

کنتم

ثياب

ثياب من نار يصب من فوق رؤوسهم الحميم يصهر به ما في بطونهم والجلود تعالى
الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم لا اله الا هو الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير دیگر از برای درد شکم بخواند این
آیه را که وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى
في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين و هفت بار تا آخر بخواند بدرستی که این
مجربست برای درد شکم و نیز بخواند این آیتها را که لئن انجيتنا من هذه لنكونن
من الشاكرين ان الله بالناس لرؤف رحيم وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين كلا برای درد پشت بخوان این آیه را که شهد
الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا
الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله
فان الله سريع الحساب در باب حبس بول شوی هر دو پای آنکس
را که حبس بول دارد و بنویس بر ساق چپ او این آیتها را که ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر وحملناه
على ذات الواح ودسر تجري باعيننا جزاء لمن كان كفر گفت حمران
که نوشتم بابی الحسن سیم ع که فدای تو گردم نزد من مردی از دوستان تست
و حبس بول دارد و التماس میکند که دعای کنی برای او که خدای تع

او را صحت و عافیت کرامت کند و نام او و نفس خادم است آنحضرت در
جواب نوشت که کشف کند خدای تعالی از تو صدرا و دفع کند از تو مکاره
دنیا و آخرت را و مبالغه کن آنکس را که قرآن بخواند طلب شفا کند بقرآن
بدرستی که شفا می یابد انشاء الله تعالی کهنت برای درد رحم بسم الله
وبالله الذی باذنه ما قامت السموات والارض فان مریم بنت عمران
لم تضرها وجع الارحام کذلک یشفی الله فلانة بنت فلانة یعنی
نام آنکس که درد رحم دارد و نام مادر او را بنویسد من وجع الارحام ومن
وجع عرق الارحام اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان
بالله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء
قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما که مه [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین
معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون
فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک
مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطأه فآزره
فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار و
عد الله الذین آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظیما
اجیبوا عزمت علی سامعة الکلام الا اجابت هذا الخاتم بعزائم
الله الشداد الذی تزهق الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا
نواة ذا حب بسم الله الذی قال للسموات والارض ائتیا طوعا

اوکرها

اوکرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد النبی وآله الطاهرین
بنویس این تعویذ را و بر بند بر کسی که درد رحم دارد در بیان علاج
کسی که بول میکند در خواب روایت است که ائمه معصومین علیهم السلام
فرموده‌اند که از برای کسی که بول میکند در خواب بگیر مقداری از ز
عفران و دو مقدار از ان سعد و سعد چیزیست خوشبوی و هر کدام
را علیحده بکوب و سعد را بریز بحریری که تنک بافته باشد و بعد از ان
هر دو را با یکدیگر بیامیز و معجون ساز بعسلی که کف او را گرفته باشند
و بعد از ان از ان حبها ساز برابر فندق و بنویس در جام فولادی بزعفران
این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان غفورا
رحیما و چندان بنویس این آیه را که جام پر شود و بعد از ان بآب
خنک بشوی و بریز در ظرف پاکی و نگاه دار و بگیر کاغذی یا پوستی
و بنویس در ان کاغذ یا پوست بسیاهی سوره فاتحه و قل هو الله
را سه بار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی
را و آخر سوره حشر که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا
متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن
الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری

المصوّر له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم واخر سوره بنی اسرائیل را بنویس کہ قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
ایّا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلوتك ولا تخافت بها
واتبغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك
في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبّره تكبيرا وبعد ازان بنویس
این آیه را که بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما
غفورا وبنویس این کلمات را کہ یا من هو هكذا الا هكذا غيره +
امسك عن فلان بن فلانة یعنی نام انکس ونام مادر او را بنویس ما
ما يجد من غلبة البول وبه بند این تعویذ را بر بازو انکس اگر زن
باشد واگر پسر باشد بر بند بر ظهار او بر بالای ذکر او وبگیر یک حب
ازان جها کنابی کرد طرف نکاه داشته بودی وبده بانکس کہ بیاشامد
در وقت خواب وباید کہ انکس آب کم بخورد بدرستی کہ چون چنین
کند میرود از وغلبه بول انشاء الله وبگشا تعویذ را ازو وبعد
ان نکر تشویش بطرف شود تا انکه حبس بول نشود از برای دشوار
زاییدن بنویس این را کہ بسم الله وبالله محمد رسول الله كانهم يوم
يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها اذا السماء انشقت واذنت
لربها وحقت واذا الارض مدت والقت ما فيها وتخلت و
لبثوا في كهفهم ثلثمائة سنين وازدادوا تسعا اخرج باذن الله

محل

من

من البطن الطيبة مما خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة
اخرى اخرج باذن الله وقدرته واسمه الذي لا يضر مع اسمه
شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم العزيز الوهاب
كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار
بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون اولم ير الذين كفروا
ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء كل شيء حي افلا يؤمنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون
بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله والفتح ورأيت الناس يدخلون في دين الله افواجا
فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا واولات الاحمال اجلهن
ان يضعن حملهن ايضا از برای دشوار زاییدن هفت بار
بنویس بر ورقی این آیه را کہ فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا
ویکبار بنویسید این آیه را کہ بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها الناس
اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم يوم ترونها تذهل
كل مرضعة عما ارضعت وتضع كل ذات حمل حملها
وبر بند آن ورق را بر ران ان زن ونیز از برای دشوار زاییدن
بنویسید بر پهلوی آن زن بسم الله الرحمن الرحيم اخرج باذن الله
منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى وصلوات
بهشت بر نبی وآل او وعلیهم السلم نیز از برای دشوار زاییدن

بنویسید این آیتها را و بر بندد بر ران ان زن که بسم الله الرحمن الرحیم فان
مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم
العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا ویهیئ لکم من امره رشدا
وعلی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون روایتست که بنویسید سوره انا انزلنا را و بشوید و بدهد
آن آب را بآن زن که بیاشامد و از آن آب بیفشاند بر فرج ان زن دعا
از برای دشوار زاییدن بنویس بکاغذ این آیتها را که اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار
فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی
ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار و ببندد بر میان ان زن پس وقتی که فرزند متولد شود
جدا کن ان تعویذ را از وی روایت است که بخوانند آن زن سوره
انا انزلناه را از برای رفع درد سپرز بخوان بر دست کسی که سپرز
دارد سه بار سوره اذا جاء نصر الله را و بعد از ان سه بار بخوان
این آیه را که ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل
علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم
توعدون و بعد از ان بمال هر دو دست او را بر سپرز او و هفت بار

انا انزلناه

دیگر

دیگر برای درد سپرز بنویسید این ایه را و ببندد بر ان موضع ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا و این آیه را که انه من سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم از برای قولنج روایت کرده است ابراهیم بن یحیی که گفت ائمه
معصومین علیهم السلام که برای قولنج بنویس بر لوحی پاک سوره فاتحه
و سوره قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و بعد از ان دعا را اعوذ بوجه الله الکریم وبعزته التی لا ترام وبقدرته
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر
ما احذر منه و بشوی باب باران و بده که بیاشامد کسی که قولنج دارد
بر ناشتا وقت خواب کردن ببهشتی که نافع و مبارک است ان شاء الله
از برای بجای ناف آمدن بخوان بر روغن این آیتها را که بسم الله
الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا
فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر
ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان یعنی نام انکس که
بجای ناف دارد و نام پدر او را بگو و بعد از ان بخوان این آیه را که
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقنا
هما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و بمال ان روغن
را بر شکم انکس دعا از برای بجای ناف گفت ابو عبد الله ع
که بنویس برای بجای ناف این را که بسم الله المتعلمون الذین لا

یعلمون والذین لا یعلمون قاعدون فوق علیین یأکلون ویتناظرون یا
تسئلون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان بن فلانه
یعنی بنویس نام کسی را که بجش ناف دارد ونام مادر او را وبعد از آن
بنویس این آیه را که اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و
آنچه مذکور شد هفت بار بر آب بخوان وبعد از آن روغن را در آب
بریزد وقتی که آن آب چربی پیدا کند بمال از بر شکم کسی که بجش
ناف دارد وبده از آن آب باو که بیاشامد که شفا می یابد ان شاء الله
تع دعای دیگر از برای بجش ناف روایت است از ابو عبد الله ع که یکبار بخوان
برکسی که بجش ناف دارد این آیه ها را که اذا السماء انشقت واذنت
لربها وحقت واذا الارض مدت والقت ما فیها وتخلت و
اذنت لربها وحقت واذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت
لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ونیز از برای بجش ناف
روایت است که ائمه معصومین علیهم السلم گفتند بخوان این آیه ها را
که مذکور شد بر آب وبده از آن آب بکسی که بجش ناف دارد که بیا
شامد وبعد از آن دست خود را بمال در شکم او ودیگر یرید الله
بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ثم السبیل یسره ثم اماته فاقبره
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض

الی

الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک
اخرج ایها اللوی باذن الله عز وجل برای بواسیر گفت که شکایت
کرد مردی نزد امام رضا ع از بواسیر آنحضرت گفت بنویس سوره یس را
بعسل وبآب بشوی وبده بیاشامد کسی که بواسیر داشته باشد گفت از برای فالج و غیر آن
روایت است که گفت مردی بابو جعفر ع که من دختری دارم که گاهی بازوی
او کرخت میشود تا آنکه می افتد آنحضرت گفت در وقتی که آن دختر
حایض باشد شبت بپخته وعسل سه روز باو بده که بخورد گفت ابو جعفر ع
که بخوان بکسی که فالج دارد یا قولنج یا ابرده یا بادی که بواسطه دردها
پیدا شود سوره فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ
برب الناس وبعد از آن بنویس بر شانه یا لوحی این دعا را که اعوذ بوجه
الله العظیم وعزته لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر
هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه وبشوی از آب
باران وبده بآنکس که بیاشامد بهنگام وقت خوابیدن بدرستی که صحت
می یابد ان شاء الله تع وابرده علتی است که از سردی ورطوبت پیدا
میشود برای جرب ودمل وکورپه بخواند بر جرب ودمل وکورپه وبنویسد
بالها این را که بسم الله الرحمن الرحیم ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة
اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم وفیها نعیدکم
ومنها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری الله
اکبر وانت لا تکبر الله شیء وانت لا شیء والله علی کل شیء قدیر

ابرده بکسر همزه و راء بمعنی مرض است

گفت که اگر کسی که در ساق او علتی یا مانندی بوده باشد باید که بنویسد
بر ساق او علتی یا مانندی بوده باشد باید که بنویسد بلحق او این آیه
را که ولقد خلقنا السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی
اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان یعنی نام آنکس و نام
مادر او را بنویسد روایت که شکایت کرد مردی نزد ابی عبدالله آنحضرت
گفت بگیر تربت امام حسین را و با آب باران بیامیز و بخور امر کرد چنین
کرد و نیک شد از آن مرض روایت که مردی اندک برصی داشت ابو عبدالله
ع فرمود بآن مرد که بنویس سوره یس را بعسل بجامی و بشوی و بیاشام
امر کرد چنین گفت چنین کردم و آن مرض برطرف شد گفت امام موسی
ع که شوروای گوشت با بادنجان خشک می برد برص را گفت که شکایت
کرد یونس بن عمار نزد امام موسی ع از برص که در بدن او پیدا شده بود آنحضرت
فرمود که موی را در آب کن و یک شب در آب بگذار و بعد از آن بیاشام
پس چنین کرد و برطرف شد آن مرض گفت (در بیان ثالول) ثولول و آن زخ گویند بگیر
اندک نمکی و بمال بر ثولول و سر باد بر و بخوان این آیها را که لو انزلنا هذا
القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الا
مثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا الله
هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان
الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی
یسبح له ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم و بعد از آن

بیند از

ببیند از آن نمک را در تنوری که آتش داشته باشد و زود برگردد بدرستی
که ثولول برطرف میشود ان شاء الله تعالی و دیگر از برای ثولول بر سر دانه
جو بخوان این آیه را که مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من
فوق الارض ما لها من قرار و بگردان آن سر دانه جو را بر ثولول و بعد از آن
دفن کن آن سه دانه جو را در جایی که نمی داشته باشد در دو روز آخر
ماه هر گاه متعفن شود آن دانهای جو برطرف میشود ثولول گفت (در علاج)
از برای ثولول (دوا) اثری که گفت مردی با امام رضا ع که بیاموز مرا چیزی که بر
طرف کند ثولول را آنحضرت گفت بگیر بعدد هر ثولول هفت دانه جو و
بهر دانه هفت بار بخوان این آیها را که بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة
لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا وبست
الجبال بسا فکانت هباء منبثا وکنتم ازواجا ثلثة ویسئلونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها
عوجا ولا امتا یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا و بعد از آن بمال هر دانه جو را بر ثولول و ببند
آن دانهای جو را بر خرقه نوی و سنگی بر آن خرقه ببند و بعد از آن بینداز
خرقه را در (حوض یا) انبار پس نظر کن در روز هفتم یا هشتم بدرستی که برطرف
میشود و سزاوار است که در روز آخر ماه این کار بکند برای دل بجا
انداختن بخواند این را که اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما و بگیرد انگشتی از انگشتهای خود را و بجنباند چنانکه اول آن

جنبانند انگشتی

کند ودر ان حال بگوید که رك فلانرا بجا انداختم برای مرض رشته
بنویس بر موضعی که رشته بیرون می اید وقت خاریدن پیش از ا
نکه بیرون آید این آیه را که ویسئلونك عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا وصبر
بمالدبران موضع گفت ونیز بنویسد این آیه را که اوکالذی مر علی قریة
وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها
فاماته الله مائة عام ثم بعثه گفت انیس صرع بخواند این ایه را برکسی
که صرع دارد که وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدانا سبلنا
ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المتوکلون برای
دفع ترسیدن طفلان بخواند بر طفلان سوره اذا زلزلت واین
ایتها را که فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم
لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا شهد الله انه لا اله
الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ۝ ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین
اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر
بآیات الله فان الله سریع الحساب ۝ قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلواتك ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلك سبیلا وقل الحمد لله الذی لم
یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی

من

من الذل وکبره تکبیرا لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره برای چشم زخم
گفت معمر بن خلاد که در خراسان در خدمت امام رضا می بودم
آنحضرت فرمود مرا که از برای او بوی خوش بیارم چون اوردم در عجب
آورد آنحضرت را ان بوی خوش ومتوجه آن بوی خوش شد وگفت
بمن که ای معمر چشم زخم حق می باشد بنویس در رقعه سوره فاتحه وقل
هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وآیة الکرسی
را وبر بند در غلاف شیشه بوی خوش ونیز از برای چشم زخم ونیز
گفت ابو عبد الله ع که چشم زخم می باشد وایمن مباش از چشم زخم خود
بنفس خود واز چشم خود بر دیگران پس هر گاه بترسی از چشم کردن
خود یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
گفت ابو عبد الله ع که وقتی که مهیا شوید بجهت بیرون رفتن بجهت
از منزل خود بر وجهی که در عجب آورد شما را باید که در وقت بیرون رفتن
از منزل قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخوانید به سبب
که چشم زخم نمی رسد شما را باذن خدای تعالی ونیز گفت که انکسی که در عجب آورد
او را چیزی از برادر مؤمن باید که دعای بخیر وبرکت کند برای او به سبب
که چشم زخمی باشد حضرت پیغمبر ص گفت که چشم کردن داخل میسازد مرد را

قد جعل الله لکل شیء قدرا

در قبر وشتر را در دیگ یعنی چشم کردن اینقدر اثر دارد که بمیراند آدمی
را و سبب کشتن شتر میشود و نیز گفت که افسون نمی باشد مگر بجهت
دو چیز گزیدن و چشم کردن **برای** دفع خواب بخوان این آیه را که ولما
جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال
لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما
تجلی ربه للجبل جعله دکا وخر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت
الیک وانا اول المؤمنین و بمال آن آب را بر سر و روی خود تا مرفق **در**
بیان گریخته و گم شده امام رضا ع که وقتی که بگریزد بنده از تو یا گم
شود حیوانی یا متاعی از تو بگو وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو
ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة
فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین و بعد از آن
بگو اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من الغم ورد الضالة
صل علی محمد وآله واغفر لی ورد ضالتی وصل علی محمد وآله وسلم
دیگر از هر دردی **گفت** رسول خدا ص که تعلیم کرد مرا جبرئیل ع دوائی
که با وجود آن دوا احتیاج بهیچ دوائی نیست یکی از اصحاب گفت یا
رسول الله آن دوا کدام است آنحضرت فرمود که بگیرد باران پیش از آنکه
بزمین برسد و آن را در ظرف پاکی بکن و بخوان بر آن آب هر یک
از سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس را هفتاد بار و بعد از آن بیاشام از آن آب صباح یکقدح

وشام

الجبل

روایت است از

برای شفا

وشام یکقدح و گفت آنحضرت که بحق آن کسی که فرستاد مرا بحق که
چون این کار کنی بیرون می برد خدای تعالی دردها را از بدن تو و استخوانها
ومغزها و رگهای تو ونیز از برای شفا از هر دردی بگیر هفت عدد سیاه
دانه و برابر هفت عدس از تربت امام حسین ع و هفت قطره عسل و دهن
کن آنها را با دو روغن و بخوان بر آن آب یا روغن سوره فاتحه و قل
هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی
و اول سوره حدید را که بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات و
الارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو
علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل
شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السما
وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر له ملک
السموات والارض والی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر را که
لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة
الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو
الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله
الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ کفت ابوجعفر ع که در بیماکر مذکور شد شفا
از هر دردی زیرا که خدای تعالی فرموده است که وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ یعنی و میفرستیم از قرآن آن چیزی که او شفاست آن بیماریها
و بخشایش است مر مؤمنان را که بدان نفع میکیرند و نیز کفته است که يَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از شکمهای
زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند رنکهای او در آن
عسل شفاست مردمان را و کفته است حضرت پیغمبر ص که الْحَبَّةُ السَّوْدَاءُ
شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ یعنی سیاه دانه شفاست از هر دردی
مکر مرک و ما که اهل بیتیم میکوییم که در بیرون کوفه قبریست که پناه میجوید
باو کسی که بیماری یا شوریشی داشته باشد مکر انکه خدای تعالی او را شفا
میدهد و آن قبر حضرت امام حسین است ع فصل ۳ در طلب شفا
کردن بصدقه و دعا و نماز و غیر آن در بیان شفا بصدقه دوا کردنست
امام جعفر صادق ع از پدران خود ع که کفت رسول خدا ص که صدقه
دادن دفع میکند مردن بد را و نیز کفت که صدقه دادن و صلهٔ رحم بجا
آوردن معمور میسازد شهرها را و زیاده میکند عمرها را کفت امام جعفر صادق
ع که انکسی که صدقه بدهد در روزی یا شبی ایمن میشود از افتادن
دیوار یا خانه بر او و ضرر رسانیدن درندها و از مردن بد در آن
روز که صدقه داده است یا در آن شب که صدقه داده است کفت
ابوجعفر ع که نکویی کردن و صدقه دادن می برد درویشی را و زیاده

میکند

زیاده میکند عمر را و دفع میکند هفتاد نوع مردن بد را کفت معاذ بن
مسلم که بودم نزد ابی عبدالله ع پس ذکر کردند بیماریها دیگر را پس حضرت کفت
دوا کنید بیماران خود را بصدقه باکی نیست اکر شما تصدق کنید قوت
روز خود را بدرستی که اکر خدای تعالی حکم کرده باشد بملک الموت که تأخیر
کن در قبض روح آن بنده کفت ابوعبدالله ع که دوا کنید بیماران
خود را بصدقه و نکاه دارید مالهای خود را بزکوة و من ضامنم از تلف
شدن مالی که زکوة داده باشد خواه آن مال در دریا باشد و خواه در خشکی
کفت امام موسی ع که صدقه دفع میکند قضای مبرم را از آسمان در طلب
شفا کردن بصدقه و دعا کفت داود بن زربی که بیمار شدم در مدینه
بیماری صعبی ابوعبدالله ع واقف شد از بیماری من و نوشت بمن
رسید خبر بیماری تو بمن بخر یک صاع کندم و بر پشت بخواب و بریز آن
کندم را بر سینه خود بهر کیفیت که میخواهی و بکو اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ
وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي و بعد از آن راست بنشین و جمع کن آن کندم را
از کرد خود و همین دعا را بخوان در وقت قسمت کردن کفت داود
که چنین کردم و خلاص شدم از آن مرض و بسیار کسان این کار کردند
و فایده دیدند در طلب شفا کردن بدعا کفت رسول خدا ص که
رد میکند قضا را مکر دعا و کفت امام موسی ع که بر شما باد که دعا کنید

قبض روح بنده را و تصدق
کند بنده نصف روز خود
بدان ان حکم کند خدا ٥

در چهار قسمت کن و هر
قسمتی را بیک مسکین بده

مبهستی که دعا وطلب از خدای تع رد میکند بلا را اگر چه آن بلا مگر
باجرای ان حکم نشده باشد نزول آن بلا وموقوف نباشد نزول
آن بلا مگر باجرای آن حکم پس هرگاه دعا کنید وطلب کنید از خدای
تع رد آن بلا را رد کند خدای تع آن بلا را **گفت** سلمان رحمة الله علیه
که حضرت پیغمبر ص فرمود که زیاده نمیکند عمر را مگر نیکویی ورد نمیکند
قضا را مگر دعا **گفت** امام محمد باقر ع با امام جعفر صادق ع که ای فرزند
من انکسی که پنهان کند از مردمان بلائی را که بآن مبتلا شده است
وشکایت کند نزد خدای تع از ان بلا واجبست بر خدای تع که او را
عافیت دهد از ان بلا **گفت** ابو عبد الله ع که انکسی که پیش از نزول
بلا دعا کند مستجاب میشود دعای او ووقتی که بلا نازل شود وفرشتها
گویند که این آواز آشناست ودعای او محجوب نمیشود از آسمان و
انکسی که پیش از نزول بلا دعا نکند مستجاب نمیشود دعای او ووقتی
که بلا نازل شود برو وفرشتها میگویند که این آواز را نمیشناسیم **گفت**
امام موسی ع که هر درد را دوا هست کسی پرسید که دوای هر درد
را دعا نیست پس وقتی که سلم شود بیمار بدعا کردن خدای تع شفا
میدهد او را ونیز گفت که فاضلترین دعاها صلوات بر محمد وال محمد
اوست ع وبعد از ان دعا برای برادران مومن وبعد از ان دعا برای خود
با نچه میخواهی ونزدیکی که بنده را بخدای تع حاصل میشود در وقت
سجده در هیچ وقت دیگر حاصل نمیشود **روایت** که دعا کردن فاضلتر است

از

وحتم نشده باشد

چگونه بهره دردی را دوا نیست فرمود

از قرآن خواندن زیرا که حق تع فرموده است که قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي
لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ یعنی بگو ای محمد بامتان که قدری نمی باشد شما را نزد
پروردگار من اگر دعا نکنید بدرستی که خدای تع تاخیر میکند اجابت
دعای مومن را بجهت انکه میخواهد دعا کردن او را ومیگوید که آواز
مومن را دوست میدارم که بشنوم وزود اجابت میکند دعای منافق
را ومیگوید که نمیخواهم که آواز او بشنوم **گفت** ابو عبد الله ع که انکسی که
میترسد از بلای وپیش از انکه ان بلا باو برسد دعا کند برساند
خدای تع ان بلا را باو وهرکز **برای** دعای بیماران برای خود سنت است
که کسی که بیمار شود این دعا بخواند لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ
هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ رَبِّ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا
كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا كِبْرِيَاءُ رَبِّنَا
وَجَلَالُهُ وَقُدْرَتُهُ بِكُلِّ مَكَانٍ اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ أَمْرَضْتَنِي لِقَبْضِ
رُوحِي فِي مَرَضِي هٰذَا فَاجْعَلْ رُوحِي فِي أَرْوَاحِ مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنْكَ
الْحُسْنَى دعای دیگر بیمار را برای خود **گفت** ابو عبد الله ع که چون بیمار شوی
بنه هر دو دست خود را بر جایی که درد میکند وسه بار بگو اللّٰه اللّٰه
رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللّٰهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّي
دعای دیگر بیمار را برای خود **گفت** ابو عبد الله ع که چون بیمار شوی بنه
دست راست خود را بر جای که درد میکند وسه بار بگو اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد

وتجعلني في من النار كما عتقت اولياءك الذين سبقت لهم منك الحسنى

علی حکیم ان تشفینی بشفائك وتداوینی بدوائك وتعافینی من
بلائك وصلی الله علی محمد واهل بیته دعای دیگر بیمار را برای
خود گفت امام جعفر صادق که چون بیمار شوی بگو بسم الله و
بالله کم من نعمة لله عز وجل فی عرق ساکن وغیر ساکن علی عبد شاکر
وبگیر محاسن خود را بدست راست خود بعد از ادای نماز فریضه
و سه بار بگو اللهم فرج کربتی وعجل عافیتی واکشف ضری و سعی
کن که در وقتی که این دعا میخوانی اشك از چشم تو بیاید دعای دیگر بیمار
را برای خود گفت که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله ع از دردی
آنحضرت گفت با مرد که بگو بسم الله و بعد از آن مال دست خود را بر آنجا
که درد میکند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله و بعد از آن مال دست
خود را بر آنجا که درد میکند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله واعوذ بجلال
الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ
باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی آن مرد گفت
که چنین کردم و شفا یافتم دعای دیگر بیمار را برای خود گفت ابو عبد الله
ع که چون بیمار شوی بنه دست خود را بر جائی که درد میکند و بگو بسم الله
وبالله محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما
اجد و سه بار بمال دست خود را بر موضعی که درد میکند دعای که بر بیمار
می باید خواند و گفت ابو عبد الله ع که بنه دست خود را بر سر بیمار و بگو
بسم الله وبالله ومن الله والی الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة

الا بالله ابرهیم خلیل الله موسی نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله
صلی الله علیه وعلیهم امسح الادواح والاوجاع بسم الله وبالله وعزائم من
الله لفلان بن فلانة یعنی نام بیمار ونام مادر او را بگو لا یقربه الا کل رحیم
واعیذه بکلمات الله التامات کلها التی سأل بها آدم فتاب علیه
انه هو التواب الرحیم الا ترحلت ایتها الادواح والاوجاع باذن الله
عز وجل لا اله الا الله الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمین
و بعد از آن آیة الکرسی و سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از سوره یس بخوان و بعد از آن بگو اللهم
اشفه بشفائك وداوه بدوائك وعافه من بلائك ونسألك بحق محمد
وآله صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین دعای دیگر که بر بیماری باید خواند
گفت امام جعفر صادق ع که تب کرد رسول خدا ص پس جبرئیل ع بعیادت
آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیك وبسم الله اشفیك وبسم الله من
کل داء یعنیك بسم الله والله شافیك بسم الله خذها فلتهنیك بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرئن باذن الله دعای از مسموعات
سید ناصح الدین ابی البرکات المشهدی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر
صادق ع که تربت امام حسین ع شفاست از هر دردی پس هرگاه خواهی
تربت امام حسین ع بخوری بگو بسم الله وبالله اللهم رزقا واسعا
وعلما نافعا وشفاء من کل داء انك علی کل شیء قدیر و نیز
گفت که آنکسی که بیمار شود و در اول بیماری تربت امام حسین ع بخورد

شفا دهد خداي تعالی امراض بیماري مکر انکه ان مرض موت باشد دعاي
دیکر که بیماری باید بخواند کفت ابو جعفر ع که چون کسی بیمار شود باید
که از اهل ان بیمار انکسی که مشفق تر است با و بنهد کف دست خود را بر دهان
خود و سه بار بکوید بسم الله و سه بار بکوید بجلال الله و سه بار بکوید بکلمات
الله التامات و بعد از ان بمالد دست خود را بر سر و روي ان بیمار دعاي
دیکر که بر بیماری باید خواند روایت کرده است زراره که کفت امام محمد باقر
ع با امام جعفر صادق ع که وقتی که بعیادت بیماری بروي هفت بار بکو
اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من کل عرق نعار ومن شر
حر النار روایت کرده اند که می باید فرمود بده فرزند را که بخواند وقتی که فرزند بیمار شود
کفت حسین بن ابي نعیم که شکایت کرد یکی از فرزندان ابي عبد الله
ع نزد انحضرت از بیماری انحضرت کفت اي فرزند من بکو اللهم اشفني
بشفائک وداوني بدوائک وعافني من بلائک فاني عبدک وابن
عبدیک دعاي از براي عیز فرزند روایتست که حضرت پیغمبر ص دعائي
تعلیم کرد بعضی از اصحاب خود را بجهت دردي وکفت که بنه دست را
خود را بر جاي که درد میکند و بکو بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته من
شر ما اجده کفت رسول خدا که انکسی که عیادت کند بیمار را باید
که بکوید اللهم اشف عبدک ینکی عدوا ویمشي لک الی الصلوة
وکفت که رسول خدا ص وقتی که بعیادت بیماري میرفت میکفت
اذهب الباس رب الناس بیدک الشفا لا کاشف للبلاء الا انت

دعاي دیکر که انحضرت نزد بیمار میخواند اذهب الباس رب الناس و
اشف انت الشافي لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما اللهم
اصلح القلب والجسم واکشف السقم واجب الدعوة کفت رسول خدا
ص که انکسی که عیادت کند بیماري را که اجل او نرسیده باشد و بکوید اسال
الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک شفا می یابد ان بیمار از ان
مرض نیز کفت که رسول خدا ص رفت بعیادت بعضی از اصحاب وانکسی
شکایت کرد نزد انحضرت از بیماري انحضرت تعلیم کرد افسوني که جبرئیل ع
بانحضرت اموخته بود و ان افسون اینست بسم الله ارقیک بسم الله
یشفیک من کل داء یؤذیک ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد
اذا حسد دعاي دیکر بنه دست خود را بر دهان خود و سه بار بکو بسم الله
بجلال الله بعظمة الله بکلمات الله التامات باسماء الله الحسنی وبعد
از ان بنه دست خود را بر جایي که درد میکند و بکو بسم الله بسم الله
بسم الله وبعد از ان هفت بار بکو اللهم امسح ما بي وچون خداي
تعالی شفا دهد بکو الحمد لله الذي خلقني فهداني واطعمني و
سقاني وصحح جسمي وشفاني له الحمد وله الشکر دعاي براي علت
خنازیر کفت امام رضا ع که از کردن کنیز ما خنازیر بیرون امد
کسی امد وکفت یا علي بکو ان کنیز را که بسیار بکوید یا رؤف یا رحیم
یا رب یا سیدي ان کنیز بسیار کفت این کلما ترا و شفا یافت کفت
براي چشم درد چشم کفت محمد بن حنفیه که پدر من کفت که اکر اوقات

چشم من درد میکرد پس شکایت کردم نزد ابی عبد الله ع اندر درد چشم
آنحضرت گفت آیا بیاموزم تو را دعائی که فایده دهد ترا در دنیا و آخرت
و درد چشم ترا ببرد گفتم بلی آنحضرت گفت که در عقب نماز صبح و نماز
شام بگو اللّهم انّی اسئلک بحقّ محمّد و آل محمّد ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد
ان تصلّی علی محمّد و ان تجعل النّور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین
فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السّلامة فی نفسی و السّعة فی رزقی
و الشّکر لک ابدا ما ابقیتنی و درد و ابیّ و افعت که گفت که هفت بار
بخوان این دعا را که مذکور شد در عقب نماز صبح پیش از آنکه
برخیزی از جای خود **دعای** بجهت دشوار زائیدن **گفت** که اگر
زنی دشوار زاید سه بار بخوانید این دعا را بر کوزه پر آب و بدهد
که فکر بیاشامد و پاره از آن آب در میان دو شانه از زن و
در میان دو پستان او بریزید چون چنین کنید بآسانی آن فرزند
متولد شود باذن خدای تع دعا اینست بسم الله الّذی لا اله الّا
الله هو الحلیم الکریم سبحان الله ربّ العرش العظیم الحمد لله
ربّ العالمین بسم الله الحلیم الکریم سبحان الله ربّ السّموات
و ربّ العرش العظیم الحمد لله ربّ العالمین کانّهم یوم یرون
لم یلبثوا الّا عشیّة او ضحیها کانّهم یوم یرون ما یوعدون
دعای بجهت دشوار آمدن بول **گفت** که چون بول کسی دشوار
آید این دعا را بخواند که ربّنا الله الّذی فی السّماء تقدّس اللّهم

لم یلبثوا الّا ساعة من نهار و صلی الله علی سیدنا محمد و آله

اسمك

کما جعلت

اسمک فی السّماء و الارض اللّهم کما رحمتک فی السّماء اجعل رحمتک
فی الارض اللّهم کما رحمتک اغفر لنا حوبنا و خطایانا انت ربّ الطّیّبین
انزل رحمة من رحمتک و شفاء من شفائک علی هذا الوجع شفا
یابد **دعای** برای درد زانو **گفت** ابو حمزه که درد زانو داشتم
پس شکایت کردم نزد ابی جعفر ع از آن درد آنحضرت گفت که چون نماز
بگذاری بعد از نماز بگو یا اجود من اعطی یا خیر من سئل و یا ارحم من
استرحم ارحم ضعفی و قلّة حیلتی و عافنی من وجعی ابو حمزه گفت
که چنین کردم و شفا یافتم از آن مرض **دعای دیگر** برای سنگ مثانه و
فالج **گفت** امام جعفر صادق که بجهت دفع سنگ مثانه و فالج و
که نماز شب بگذاری سجده کنی و در سجده بگو اللّهم انّی ادعوک
دعاء الذّلیل الفقیر العلیل ادعوک دعاء من اشتدّت فاقته
و قلّت حیلته و ضعف عمله و الح علیه البلاء دعاء مکروب
ان لم تدرکه هلک و ان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحیطن
بی مکرک و لا تثبت علیّ غضبک و لا تضطرنی الی الیأس من روحک
و القنوط من رحمتک و طول الصّبر علی البلاء اللّهم انّه لا
طاقة لی ببلائک و لا غنی بی عن رحمتک و هذا ابن حبیبک اتوجّه
الیک به فانّک جعلته مفزعا للخائف و استودعته علم ما
سبق و ما هو کائن فاکشف بی ضرّی و خلّصنی فی هذه البلیّة
و اعدنی الی ما عوّدتنی من رحمتک و عافیتک یا هو یا هو یا من هو الرّجاء

العالمین

متضرّعا

یا من لا اله الّا هو انقطع الرّجاء الّا منک

الامین دربیان طلب شفا کردن بیمار مهاد دعا برای شفا از هر دردی
وعلتی خصوصا سلعه که هیچ که در بدن پیدا میشود مانند غدود
سه روز روزه بگیرد و در روز سیم نزدیک زوال غسل کند و چهار رکعت نماز
بگذارد و در بین چهار رکعت بخواند از قرآن آنچه میسر شود و جهد کند در
در خضوع و خشوع چون فارغ شوی از نماز بیندازد جامهای خود را
و لند کن خرقه پاکی را و روی راست خود را بر زمین بنه و بگوید یا واحد
یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد
و آل محمد و اکشف ما بی من ضر و معرة و البسنی العافیة فی الدنیا و الآخرة
و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فانه قد آذانی و غمنی گفت امام جعفر
صادق ع که وقتی که این نماز نفع میدهد ترا و خلاص میشوی از آن علت
که یقین کنی که این نماز نفع میدهد دعا برای جمیع بیماریها گفت ابو امامه
که رسول خدا ص فرمود که بنویس بزعفران بظرف پاکی این کلمات را که
اعوذ بکلمات الله التامة و اسمائه کلها عامة من شر السامة
والهامة والعین اللامة ومن شر حاسد اذا حسد و بنویس سورة
فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس که
و این چند آیه از سوره البقره که و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحیم ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار والفلک
التی تجری فی البحر بما ینفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحیا
به الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة وتصریف الریاح

بمداومت کن بانی نماز تا خدا ترا شفا بخشد

والسحاب

والسحاب المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم یعقلون و بنویس آیة
الکرسی و این چند آیه از آخر سوره البقره که آمن الرسول بما انزل الیه
من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق
بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر
لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا
تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی
الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر
لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین و بنویس این ده
آیه را از اول سوره آل عمران که بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا
هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل
التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذین کفروا
بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی
علیه شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام
کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم هو الذی انزل علیک الکتاب منه
و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه
منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأویله وما یعلم تأویله الا الله و
والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما
یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب
لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس

آیات محکمات هن ام الکتاب

لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد ان الذین کفروا لن تغنی عنهم
اموالهم ولا اولادهم من الله شیئا واولئک هم وقود النار کدأب
آل فرعون والذین من قبلهم کذبوا بآیاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله
شدید العقاب وبنویس این چند آیه را از آخر سوره آل عمران که ان فی
خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب
الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق
السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا
اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا
ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد فاستجاب لهم
ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین
هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لا
کفرن عنهم سیئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا
من عند الله والله عنده حسن الثواب لا یغرنک تقلب الذین کفروا
فی البلاد متاع قلیل ثم مأویهم جهنم وبئس المهاد لکن الذین اتقوا
ربهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من
عند الله وما عند الله خیر للابرار وان من اهل الکتاب لمن
یؤمن بالله وما انزل الیکم وما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون

فاخذهم الله

بآیات الله ثمنا قلیلا اولئک لهم اجرهم عند ربهم ان الله سریع
الحساب یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا واتقوا الله لعلکم
تفلحون وبنویس این آیه را از اول سوره نسا که بسم الله الرحمن الرحیم
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق
منها زوجها وبث منهما رجالا کثیرا ونساء واتقوا الله الذی
تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیبا وآیه اول از
سوره مائده که بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا اوفوا
بالعقود احلت لکم بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم غیر محلی
الصید وانتم حرم ان الله یحکم ما یرید وآیه اول از سوره انعام
که بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون واین آیه اول
از سوره اعراف که بسم الله الرحمن الرحیم المص کتاب انزل الیک
فلا یکن فی صدرک حرج منه لتنذر به وذکری للمؤمنین
واین آیه را که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی
ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق و
الامر تبارک الله رب العالمین واین آیه را قال موسی ما جئتم
به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح ~~الساحر حیث اتی~~
عمل المفسدین واین آیه را والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

ورابطوا

کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی و ده آیه اول سوره والصافات
که بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتا
لیات ذکرا ان الهکم لواحد رب السموات والارض وما بینهما
ورب المشارق انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا
من کل شیطان مارد لا یسمعون الی الملاء الاعلی ویقذفون من
کل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة
فاتبعه شهاب ثاقب و بعد ازان آن ظرف را سه بار بشوی و بان
آب وضو بساز و سه دم ازان آب بیاشام و بمالی ازان آب بر سر و
روی و باقی اعضای خود و بعد ازان دو رکعت نماز بگذار و طلب شفا
کن از خدای تعم و باید که سه روز این کار بکنی حسان گفت که تجربه کردم
این را و فایده و نفع بسیار یافتم باذن خدای تعم دعای از برای مریض
روایت کرده است اسمعیل بن محمد که گفت عبد الله بن علی بن الحسین
علیهما السلام که بیماری صعبی عارض شد مرا تا آنکه نا امید شدند
از من پس آمد نزد من ابو عبد الله و دید که مادر من جزع بسیار
میکند گفت بمادر من که وضو بساز و دو رکعت نماز بگذار و
سجده کن بعد از نماز و در سجده بگو اللهم انت وهبته لی
ولم یک لی شیئا فهبه لی هبة جدیدة پس مادر من چنین کرد
و من صحت یافتم و مادر من هریسه پخته بود و من صباح ازان هریسه
خوردم با قوم خود دیگر نماز بجهت تب گفت محمد بن حسن الصفار

کرد رفتم

که رفتم نزد ابی عبد الله ع و تب داشتم آنحضرت که چرا مقبوضی گفتم
فدای تو گردم تب دارم گفت وقت شما تب کنید باید که در آیید
بخانه که در آن خانه هیچکس نباشد و دو رکعت نماز بگذارید و روی
راست خود را بر زمین نهید و ده بار بگویید یا فاطمة بنت محمد اشفع
بک الی الله فیما نزل بی بدرستی که صحت می یابید ان شاء الله تعم
دعای دیگر بجهت تب دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سه بار
سوره فاتحه بخواند و بعد ازان بگوید الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین و بعد از نماز این دعا را که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
اتشفع بنبیک محمد استشفع بک الی ربی فی قضاء حاجتی وهو شفاء
هذا المریض یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
والاکرام برحمتک نستغیث الآن خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف
عنکم ذلک تخفیف من ربکم ورحمة بنویسد و بشوید و بیاشامد
کسی که تب دارد دعای نماز بجهت درد سر دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند و سه بار قل هو الله و این آیه را بخواند
که بخواند که رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن
بدعائک رب شقیا دعای نماز برای درد چشم دو رکعت نماز بگذارد در هر
رکعتی یکبار فاتحه و سه بار قل هو الله بخواند و این آیه را بخواند وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط
من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا

ولا یابسٍ الّا فی کتابٍ مبینٍ دعا بجهت برطرف شدن کوری گفت ابوحمزهٔ ثمالی
که ابوجعفر فرمود که گذشت کوری از پیش حضرت پیغمبر آنحضرت گفت با نکور
که آرزو داری که بینا کند خدای تعالی ترا انکور گفت بلی یا رسول الله آنحضرت گفت
با نکور که وضوی کامل بساز وبعد از آن دو رکعت نماز بگذار وبگو اللّهمّ
انّی اسألک وارغب الیک واتوجّه بنبیّک نبیّ الرّحمة یا محمّد انّی اتوجّه الی اللّه
ربّی وربّک ان یردّ الیک علی بصری انّ نابینا رفت واین کار کرد هنوز آنحضرت
از مجلس برنخاسته بود که آنشخص آمد وچشم او بینا شده بود دعای بجهت
درد کردن دو رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعتی یکبار فاتحه وسه بار سورهٔ اذا
زلزلت بخواند دعا بجهت درد سینه چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
یکبار فاتحه بخواند ویکبار سورهٔ الم نشرح ودر رکعت دوم یکبار فاتحه بخواند
وسه بار قل هو الله احد ~~ودر رکعت سیم یکبار فاتحه بخواند وسه بار قل هو الله~~
ودر رکعت سیم یکبار فاتحه بخواند ویکبار سورهٔ والضّحی ودر رکعت چهارم
یکبار فاتحه بخواند وبعد از فاتحه بگوید یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصّدور
دعا بجهت دفع قولنج دو رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعتی یکبار فاتحه
بخواند وبعد از فاتحه بگوید ففتحنا ابواب السّماء بماءٍ منهمرٍ دعا بجهت
باز گشتن بنده که گریخته باشد دو رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعتی یکبار
فاتحه بخواند وچهار آیه از اوّل سورهٔ حدید بسم الله الرّحمن الرّحیم سبّح لله
ما فی السّموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السّموات والا
رض یحیی ویمیت وهو علی کلّ شیءٍ قدیرٌ هو الاوّل والآخر والظّاهر

والباطن وهو بکلّ شیءٍ علیمٌ هو الّذی خلق السّموات والارض فی
ستّة ایّامٍ ثمّ استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها
وما ینزل من السّماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما
تعملون بصیرٌ وآخر سورهٔ حشر بخواند که لو انزلنا هذا القرآن علی
جبلٍ لرأیته خاشعاً متصدّعاً من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للنّاس لعلّهم یتفکّرون هو الله الّذی لا اله الّا هو الملک القدّوس
السّلام المؤمن المهیمن العزیز الجبّار المتکبّر سبحان الله عمّا یشرکون هو
الله الخالق البارئ المصوّر له الاسماء الحسنی یسبّح له ما فی السّموات
والارض وهو العزیز الحکیم وبعد از آن بگوید یا من هکذا ولا هکذا
غیره اجعل الدّنیا علی فلانٍ یعنی نام گریخته را بگوید ضیّق من منک
من منک حمل حتّی تردّه علیّ بجهت درد پا دو رکعت نماز بگذارد ودر هر [رکعتی]
یکبار فاتحه بخواند واین آیه را که آمن الرّسول بما انزل الیه من ربّه والمؤ
منون کلٌّ آمن بالله وملائکته ورسله لا نفرّق بین احدٍ من رسله
وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربّنا والیک المصیر لا یکلّف الله نفسا
الّا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربّنا لا تؤاخذنا ان نسینا
او اخطأنا ربّنا ولا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الّذین من قبلنا
ربّنا ولا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به واعف عنّا واغفر لنا وارحمنا
انت مولانا فانصرنا علی القوم نماز بجهت لقوه دو رکعت نماز
بگذارد وبنهد دست خود را بر روی خود وحضرت پیغمبر را شفیع خود [سازد]

بسم الله الرحمن الرحیم

و بعد از ان سه بار بگوید قسم اُحَرِّجُ عَلَیْکَ یا وَجَعُ مِنْ عَیْنِ اِنْسٍ اَوْ عَیْنِ جِنٍّ اُحَرِّجُ عَلَیْکَ بِالَّذِی اتَّخَذَ اِبْرٰهِیمَ خَلِیلاً وَکَلَّمَ مُوسٰی تَکْلِیماً وَخَلَقَ عِیسٰی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ لَمّا هَدَاْتَ وَطَفِیتَ کَما طَفِیَتْ نارُ اِبْرٰهِیمَ بِاِذْنِ اللّٰهِ دعای نماز بجهت باز گشتن گم شده گفت امیر المؤمنین علی ع که دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره فاتحه و یس بخوان و چون فارغ شوی از نماز دست خود را بردار بجانب آسمان و بگو اَللّٰهُمَّ رادَّ الضّالَّةِ وَالْهادِیَ مِنَ الضَّلالَةِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَیَّ ضالَّتِی وَارْدُدْها اِلَیَّ سالِمَةً یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ فَاِنَّها مِنْ فَضْلِکَ وَعَطائِکَ یا عِبادَ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِ وَیا سَیّارَةَ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِ رُدُّوا عَلَیَّ ضالَّتِی فَاِنَّها مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَعَطائِهِ و نیز از برای گم شده گفت امیر المؤمنین علی ع که این دعا را می باید خواند که اَللّٰهُمَّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ لَکَ السَّمٰواتُ وَلَکَ الْاَرْضُ وَما بَیْنَهُما فَاجْعَلِ الْاَرْضَ عَلٰی کَذا یعنی نام گم شده را بگو اَضْیَقَ مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتّٰی تُمَکِّنَنِی مِنْهُ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ گفت امام جعفر صادق ع که از برای بنده که گریخته باشد بخوان این دعا را که اَللّٰهُمَّ السَّماءُ لَکَ وَالْاَرْضُ لَکَ وَما بَیْنَهُما لَکَ فَاجْعَلْ ما بَیْنَهُما اَضْیَقَ عَلٰی فُلانٍ یعنی نام گریخته را بگو مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتّٰی تَرُدَّهُ عَلَیَّ وَتُظْفِرَنِی بِهِ و بنویس همین دعا را بکاغذی و بر گرد این نوشته آیة الکرسی بنویس و بعد از آن کاغذ را در زیر زمین دفن کن در اینجا که آن بنده میخوابید و بر بالای آن چیزی گرانی بنه دعای دیگر

از برای گریخته و گم شده بنویس یا بخوان این دعا را که اَللّٰهُمَّ اَنْتَ جَبّارٌ فِی السَّماءِ وَجَبّارٌ فِی الْاَرْضِ وَمَلِکٌ فِی الْاَرْضِ وَاِلٰهٌ فِی السَّماءِ وَاِلٰهٌ فِی الْاَرْضِ تَرُدُّ الضّالَّةَ وَتَهْدِی مِنَ الضَّلالَةِ رُدَّ عَلٰی فُلانِ بْنِ فُلانٍ یعنی نام آنکسی که گم شده است بگو یا بنویس صاحب ضالَّتَهُ وَاحْفَظْهُ دعا از برای تب داران گفت کسی که تب داشته باشد بنویس این دعا را بر سر پاره کاغذ بخط باریک بروجهی که ممکن نباشد خواندن آن و هر پاره کاغذ را درهم بپیچ و مدور کن مانند فندق و بده که بخورد بهفت روز هر روز یک پاره از آن کاغذ را آنکسی که تب میکند گفت بِسْمِ اللّٰهِ وَذِی الْعِزِّ وَالْکِبْرِیاءِ وَالنُّورِ و این نسخه مجرب است و شیخ حسن سمرقندی اعتبار میکرد این نسخه را و مداومت می نمود بنوشتن این دعای ۲ دیگر بجهت تب بنویس بر سر پاره شکر در پاره اول عقدت باذن الله ~~و در پاره اول عقدت باذن الله~~ و در پاره دوم سددت باذن الله و در پاره سیم سکنت باذن الله و بده که در سه صباح بر ناهار بخورد کسی که تب میکند هر روز یکپاره را دعای دیگر برای تب بنویس بر پشت پای راست اُخْرُجْ بِاِذْنِ اللّٰهِ دعای برای علتی که در شکم آدمی پیدا شود گفت امام جعفر صادق که بنویسید سوره فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ را و بعد از آن این دعا را بنویسید اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَعِزَّتِهِ الَّتِی لا تُرامُ الَّتِی لا تُرامُ وَقُدْرَتِهِ الَّتِی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ ما فِیهِ وَمِنْ شَرِّ ما

هر وقت که تب میکرده کسی را باشد بودن این برای این شد معتبر

ما احدث منه **دعاي** براي درد شكم وعيزان از درد دها بنهد دست خود را بر ان موضع كه درد ميكند وهفت بار بكويد اعوذ بعزة الله وجلاله من شر ما اجد ودست راست خود را بر همان موضع بنهد و سه بار بكويد بسم الله **دعاي** براي زحير شكم **كفت** عثمان بن عيسى كه شكايت كردم نزد ابي الحسن ع وكفت كه اسهال دارم وهرچند سعي ميكنم نمي ايستد انحضرت كفت كه چون فارغ شوي از نماز شب بكو اللهم ما كان لي من خير فمنك لا حمد لي فيه وما عملت من سوء فقد حذرتنيه لا عذر لي فيه **دعاي** براي درد رحم **كفت** كه درد رحم داشته باشد بخوان اين دعا را چنانكه كسي نشنود وبنويسد وباخود نكاه دارد شفا مي يابد دعا اينست بسم الله وبالله الذي باذنه قامت السموات والارض فان مريم بنت عمران لم يضرها وجع كذلك يشفي فلانه يعني نام خود را ونام مادر خود را بكويد بنويسد من وجع الارحام اسلم اسلم بسم الله الحي القيوم بسم الله الحي القيوم بسم الله المستغاث بالله على ما هو كائن وعلى ما قد كان اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما كه مه ولكه

ما ما ما ولما ولا لمه لمه لمه كه

بسم الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية ومثلهم

في الإنجيل

في التورية ومثلهم في الانجيل كزرع اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظيما اجيبوا عزمت على سامعي الكلام الاجابة هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التي تزهق الارواح والاجساد ولا يبقى روح ولا فؤاد لحب باسم الله الذي قال للسموات والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين وصلى الله على محمد واله الطاهرين **دعا** بجهت ختنازير **كفت** امام رضا ع كه از كردن كنيزي ما ختنازير بيرون امدن وكفت يا علي بفرما كنيز را كه بكويد يا رؤف يا رحيم يا رب يا سيدي بكو مريم فاتحه را و بنويسد اين دعا را كه بسم الله اعوذ عبد فلان بن فلان يعني بنويسد نام انكس ونام مادر او را بكلمات الله التامات من شر ما خلق وذرا وبرا ومن كل عين ناظرة واذن سامعة ولسان ناطق ان ربي على صراط مستقيم ومن شر الشيطان وعمل الشيطان ورجله وقال يا بني لا تدخلوا من باب واحد وادخلوا من ابواب متفرقة **كفت** معمر بن خلاد كه در خراسان در خدمت امام رضا ع مي بودم انحضرت فرمود مرا كه از براي او بوي خوش بيارم چون آوردم در عجب آورد او را آن بوي خوش ومتوجه آن شد وكفت بمن كه اي معمر چشم زخم مي باشد بنويس در دو فقره سوره فاتحه وسوره قل هو الله وقل اعوذ برب وقل اعوذ برب الناس وآية الكرسي را وسر در

در غلاف شیشه بوی خوش گفت ابو عبدالله ع که چشم زخم می باشد
واین مباش از چشم خود بخود و بدیگران پس هرگاه بترسی از چشم کردن
خود را یا دیگری را سر را بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
ونیز گفت که وقتی که مهیا شوید بجهت بیرون رفتن از منزل بر وجهی
که در عجب آید شما را باید که در وقت بیرون رفتن از منزل خود
سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوانید
بدرستی که ضرر نمی رسد بشما از چشم باذن خدای ونیز گفت که اگر کسی
که در عجب آید او را چیزی از برادر مؤمن باید که دعای بخیر و برکت
کند برای او بدرستی که چشم زخم می باشد دعا برای چشم زخم بنویسد
این دعا را و با خود نگاه دارد چشم کار نکند او را دعا اینست اللهم
رب مطر جانش وحجر یابس ولیل دامس ورطب ویابس رد العین
عین المعیان علیه فی کبده ونحره وماله فارجع البصیر هل تری
من فطور ثم ارجع البصیر کرتین ینقلب الیک البصیر خاسئا وهو
حسیر فصل در بیان حرزها گفت امیر المؤمنین علی ع
که اگر کسی که این حرز را بنویسد و با خود نگاه دارد ایمن شود از
سحر و مانند آن و از صرع و زهره و شیر سلطان و جمیع آنچه آدمی
از او می ترسد و از شر دزد و درنده و مار و عقرب و جمیع چیزهائی
که ایذا میرسانند بآدمی ونیز در مهج الدعوات مذکور است که بر بازوی
راست می باید بست و حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم ای کبوش

اره سدس عطسلسلح یا مصطرون فریالسون ساوما سا ماما
طیطسا لوس حنطوس مسعمبس مساصعوس ارنطیعوس
لطیفوس هنا هنا وما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی الامر وما
کنت من الشاهدین اخرج بقوة الله منها ایها اللعین بعزة اخرج منها
والا کنت من المسجونین اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج
انک من الصاغرین اخرج منها مذموما مدحورا ملعونا کما لعنا
اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج
یا سورا یا سورا سور بالاسم المخزون یا طرون طرعون مراعون
تبارک الله احسن الخالقین یا هیا یا هیا شراهیا حیا قیوما با
لاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل اطردوا عن صاحب هذا الکتاب
کل جنی وجنیة وشیطان وشیطانة وتابع وتابعة وسا
حر وساحرة وغول وغولة وکل متعبث وعابث بابن آدم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله
اجمعین الطیبین الطاهرین

حر حر حر حر حر حر حر لہ لہ سرسه حلدا سل وسرحلدا سل امام
زین العابدین ع در کتاب مهج الدعوات مذکور است که آنحضرت هر
صباح و هر شام میخواند این حرز را که بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
سددت افواه الجن والانس والشیاطین والسحرة والابالسة من الجن ولا

والانس والشاطين وابالسة الجن والانس والشياطين والسلاطين ومن
يلوذ بهم الله بالله العزيز الاعز وبالله الكبير الاكبر بسم الله الظاهر الباطن
المكنون المخزون الذي قامت به السموات والارض ثم استوى على
العرش بسم الله الرحمن الرحيم ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون
قال اخسئوا فيها ولا تكلمون وعنت الوجوه للحي القيوم وقد
خاب من حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا و
جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك
في القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرات القران جعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا
يكسبون لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن
الله الف بينهم انه عزيز حكيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
گفت امام رضا ع وابن حرز را رقعة الجيب میگویند و نیز گفت امام
رضا ع که رقعة الجيب تعویذ است برای همه چیز و آن کسی که این حرز
را بنویسد و نگاه دارد در گریبان جامه خود جمیع بلاها از و دفع
شود و ایمن شود از شر شیطان حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا قال اخسئوا فيها ولا تكلمون اخذت
بسمعك وبصرك بسمع الله وبصره واخذت بقوتك وسلطانك
بقوة الله وسلطانه الحاجز بيني وبينك بما حجز به انبياءه ورسله

وس

وسترهم من الفراعنة وسطواتهم جبرئيل عن يميني وميكائيل عن
يساري ومحمد امامي والله محيط بي يحجزك عني ويحول بينك وبيني بحوله
وقوته وحسبي الله ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن
وآية الكرسي را نیز بخوانید تا لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم دیگر
از امير المؤمنين علي ع بسم الله وبالله رب احترزت بك وتوكلت عليك
وفوضت امري اليك رب الحاجات ضعفت ركني الى قوة ركنك مستجيرا
بك مستترا لك مستغنيا بك على ذوي التعزز علي والقهر لي والقوة
على ضيمي والاقدام على ظلمي يا رب اني في جوارك فانه لا يضيم على جارك
على جارك رب فاقهر عني قاهري بقوتك واوهن عني مستوهني بعد بك
واقصم عني صائبي بسطوتك رب فاعذني بعياذك بك امتنع عائذك رب
فادخل على ذلك كله سترك ومن يستتر بك فهو الآمن المحفوظ لا حول ولا
قوة الا بالله الذي لم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل
وكبره تكبيرا من يك ذا حيلة في نفسه او حول في تقلبه او قوة الى
امره في شي سوى الله عز وجل فان حولي وقوتي وكل حيلتي بالله الواحد
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد كل ملك
فمملوك الله وكل مقتدر فواه القدرة الله وكل ظالم فلا
محيص له من عدل الله متسلط فهامد لسطوة الله كل شي ففي
قبضة صغر كل جبار في عظمة ذلك كل عنيد لبطش الله استظهرت
كل عدو ودرأت في نحره عادت بالله ضربت باذن الله بيني وبين

وَبَیْنَ کُلِّ مُتْرَفٍ ذی سَطْوَةٍ وَجَبّارٍ ذی نَخْوَةٍ وَمُتَسَلِّطٍ ذی قُدْرَةٍ
وعاتٍ ذی مَهْلَةٍ وَوالٍ ذی امرةٍ وحاسِدٍ ذی ضیعةٍ وماکرٍ ذی
مَکیدَةٍ وکُلِّ مُعانٍ اَوْ مُعینٍ علی نِقالَةٍ معرةٍ وحیلةٍ موذیةٍ
او سعایةٍ مثلیةٍ او غیلةٍ مردیةٍ ولکلِ طاغٍ ذی کبریاءٍ او
مُعْجَبٍ ذی خیلاءٍ علی کُلِّ نفسٍ فی کُلِّ مَذْهَبٍ وَاَعْدَدْتُ لِنَفْسی
ذُرِّیَّتی مِنْهُم حِجاباً بِما اَنْزَلْتَ فی کِتابِکَ وَاَحْکَمْتَ مِنْ وَحْیِکَ الَّذی
لا یُؤْتی بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَهُوَ الْکِتابُ العَدْلُ العزیزُ الجَمیلُ الَّذی
لا یَأْتیهِ الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزیلٌ مِنْ حَکیمٍ خَتَمَ
اللهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَعَلی سَمْعِهِمْ وَعَلی اَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَلَهُمْ عَذابٌ
عَظیمٌ وَصَلَّی اللهُ علی سَمْعِهِمْ وَعَلی اَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَلَهُمْ عَذابٌ
اَلیمٌ دعای دیگر گفت که این حرز را بجهت تب می باید نوشت
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلی نُورٍ
بسم الله مدبر الامور بِسْمِ اللهِ خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی
خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَاَنْزَلَ الطُّورَ فی کِتابٍ مَسْطُورٍ بِقَدَرٍ
مَقْدُورٍ عَلی نَبیٍّ مَحْبُورٍ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ
وَعَلَی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ مَشْکُورٌ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ
این حرزیست که تعلیم کفته است حضرت فاطمه علیها السلم بسلمان
فارسی رحمة الله علیه وکفت سلمان که آموختم این حرز را بزیاده
از هزار کس از اهل مکه و مدینه که تب میکردند پس ایشان

شفا

شفا یافتند ببرکت این حرز باذن خدای تعالی وچون این کتاب محل حرزها
طویل نبود اقتصار کردم باین حرزهای مختصر باب دوازدهم در بیان
چیزهای نادر که درین کتاب ودرین باب هفت فصل است فصل اول
در ذکر حقوق که امام زین العابدین ع بیان فرموده است روایت کرده است
اسمعیل بن فضل از ثابت بن دینار واو روایت کرده است از سید
عابدین علی بن الحسین ع که کفت که حق خدای تعالی بر تو آنست که پرستی او را
وشریک نکردانی باو چیزی را پس وقتی که این کار باخلاص کنی خدای تعالی
کفایت میکند کار دنیا وآخرت ترا حق نفس بر تو آنست که مشغول
کردانی او را بطاعت خدای تعالی حق زبان بر تو آنست که نکاه داری
او را از فحش کفتن وعادت دهی او را بکفتن سخنان خیر وترک کردن
سخنان فایده وبنیکوئی کردن بمردمان وسخنان خوش کفتن با
ایشان وحق کوش بر تو آنست که نکاه داری او را از شنیدن غیبت
وان شنیدن چیزی که حرام است شنیدن آن حق چشم بر تو آنست
که نظر نکنی بچیزی که حرام است بر تو دیدن آن وبنظر عبرت نظر کنی
در چیزها حق دست آنست که چیزی که حلال نباشد نکیری
پا آنست که بروی بسوی انچه حلال نباشد تا از پل صراط آسان
بکذری وتلغزد پای تو ودر دوزخ نیفتی حق شکم بر تو آنست که
که حرام نخوری واز حلال زیاده از انچه سیر میشوی نخوری وحق
فرج بر تو آنست که نکاه داری او را از زنا واز انکه نظری تا مجهی

نامحرمی بر تو نیفتد و حق نماز آنست که بدانی که در وقت نماز نزد خدای
تعالی ایستاده پس وقتی که دانستی این را می‌بایستی در نماز همچو ایستادن کسی
که خوار و حقیر و ترسنده و امیدوار باشد و فروتنی و تضرع و زاری
نماید و بزرگ داند آنکس را که پیش او ایستاده است بسکون و وقار
و توجه میکنی بنماز بدل خود و ادا میکنی نماز را بشرایط و حقوق
حج آنست که بدانی که میروی نزد پروردگار خود و میگریزی بسوی
او و پناه میجویی باو از گناهان خود و بدانی که در حج قبول میشود
توبهٔ تو و عملی میکنی که حق تعالی بر تو واجب کردانیده است حق
روزه آنست که بدانی که در روزه نگاه می باید داشت زبان و
گوش و چشم و شکم و فرج خود را از نامشروعات تا آنکه روزه نگاه
دارد ترا از ترا از آتش دوزخ پس اگر روزه نداری حق تعالی ترا بدوزخ
می برد حق صدقه آنست که بدانی که صدقه ذخیره ایست نزد
پروردگار تو و امانتیست نزد خدای تعالی که احتیاج بگواه نیست
و بدانی که صدقه را پنهان دادن ثواب بیشتر است از آشکارا دادن
و بدانی که بصدقه دفع میشود بلاها و بیماریها از تو در دنیا و دفع میشود
از تو آتش دوزخ در آخرت حق هدیه دادن آنست که از برای خدا
بدهی غرض تو آن باشد که بجهت خدا برسی و نجات یابی در روزی
که ملاقات میکنی پروردگار خود را یعنی در روز قیامت و حق
حق سلطان بر تو آنست که بدانی که تو عاجزی در دست او و او سایهٔ حق

که خواهد

که خواهد بتو می تواند کرد پس واجبست بر تو که کاری بکنی که سلطان
خشم گیرد بر تو و خود خود را در ورطه هلاکت نیندازی و شریک
باشی در بدی که از سلطان بتو میرسد حق معلم بر تو آنست که
تعظیم کنی او را و با ادب باشی در مجلس او و متوجه باشی باو و نیکو گوش
کنی سخنان او را و آواز بلند نکنی و اگر کسی چیزی از او سوال کند تو جواب
نگویی تا او جواب بگوید و در مجلس او آهسته سخن نکنی بکسی و نزد
او کسی را غیبت نکنی و وقتی که بدی او را نزد تو ذکر کنند منع کنی
و بپوشی عیبهای او را و ظاهر کنی نیکوییهای او را و ننشینی با
دشمن او و دشمنی نکنی با دوست او پس وقتی که چنین کنی گواهی
میدهند برای تو فرشتها که قصد تو از این طلب علم رضای خداست
نه رضای خلق حق آنکس که سیاست میکند ترا بجهت ملک آنست
که فرمان برداری او کنی و نافرمانی او نکنی مگر در چیزی که خشم گیرد
خدای تعالی بسبب آن بدرستی که جایز نیست فرمان برداری مخلوق
در چیزی که موجب نافرمانی خالق شود حق رعیت بر سلطان
آنست که بدانی که ایشان رعیت تو اند بجهت ضعف ایشان و قوت
تو پس واجبست که عدل کنی با ایشان و نسبت بایشان همچو پدر مهربان
باشی و شتاب نکنی در عقوبت ایشان و شکر خدای تعالی بگویی که ترا حاکم
گردانید بر ایشان و حق آنهائی که تعلیم علم میگیرند از تو آنست که بدانی
که حق تعالی گردانیده است ترا معلم ایشان و داده است این علم را بتو از

خوابند خود پس اگر بنکو تعلیم کنی مردمان را ودروغ نگوئی ودرشتی نکنی
بایشان در وقت تعلیم زیاده گرداند حق علم ودانش ترا از فضل وکرم
خود واگر منع کنی مردمان را از علم خود ودروغ گوئی بایشان در وقت
تعلیم واجبست بر خدای تعالی که ببرد علم ورونق اورا از تو وبی اعتبار
وخوار گرداند ترا در نظر مردمان حق زن بر تو آنست که بدانی که حق تعالی
گردانیده است اورا مصاحب تو وبدانی که این نعمتی است که خدای
تعالی بتو داده است که رحم کنی برو وطعام وپوشش بدهی اورا از برا
که او اسیر تست واگر از روی نادانی کند عفو کنی برو حق بنده بر تو
آنست که بدانی که آفریده است اورا پروردگار تو واو نیز فرزند آدم
است وبدانی که مالك بودن تو اورا بجهت آن نیست که تو اورا آفریده
ئی خدای تعالی وبدانی که تو نیافریدی اورا وهیچ عضو اورا وبدانی که تو
روزی نمیدهی باو ولیکن حق تعالی آفریده است اورا وروزی میدهد
اورا مسخر وبنده تو گردانیده است وامین گردانیده است ترا بروا
وبامانت گذاشته است ترا نزد او تا نیکوئی کند بتو پس نیکوئی
کن باو همچنانکه خدای تعالی نیکوئی کرده است بتو واگر اورا نخواهی بفروش
ودیگری بخر وعذاب مکن اورا بجهت آنکه بنده خداست حق مادر
بر تو آنست که بدانی که نگاه داشته است ترا در شکم خود بوجهی
که کسی نمیدهد یعنی شیر داده است ترا ونگاه داشته است ترا
بتمام اعضای خود وباکی نداشت از گرسنگی وتشنگی وبرهنگی

خود وطعام وآب میداد بتو ومی پوشانید ترا ودر آفتاب می نشست
وسایه میکرد ترا وخواب نمیکرد بجهت تو ونگاه میداشت ترا از گرما وسرما
ناموس وغمخوار او باشی بدرستی که نمی توانی شکر مادر را بجا آوردن مگر بتوفیق
وباری حق تعالی حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تست واگر او نمی بود تو موجود
نمی شدی پس هرگاه ببینی در نفس خود چیزی خوبی کرده عجب آورد ترا بدانکه
اصل وسبب آن نعمت پدر تست پس حمد وشکر بگو حق تعالی را بقدر آن نعمت
فرزند بر تو آنست که بدانی که او از تو حاصل شده است وخیر وشری که از او
در می آید بتو نسبت میکنند واز تو سؤال میکنند از حسن ادب وخداشناس
او وباری دادن اورا بطاعت وعبادت پس در حق او کاری بکن همچو کاری
آنکسی که میداند که ثواب می یابد بسبب احسان ونیکوئی کردن وعذاب
می یابد بسبب بدی کردن وحق برادر بر تو آنست که بدانی سد کار دست وعزت
وقوت تو باوست پس مگردان اورا آلت معصیت خدای تعالی وظلم بر خلق خدا
ومگذار اورا بدشمن ویاری ونصیحت کن اورا پس اگر اطاعت وفرمان برداری
خدای تعالی بکند زهی سعادت او واگر نکند حق تعالی اکرام میکند ترا بجهت نصیحتی
که کردی حق مولای که ترا آزاد کرده است آنست که بدانی که صرف کرده است
مال خود را برای تو وبیرون آورده است ترا از خواری واندوه بندگی ورسانیده
است ترا بعزت وخرمی آزادی پس آزاد گردانیده است ترا از قید بندگی
وخلاص کرده است از زندان عبودیت وترا مالك نفس تو گردانیده است
ترا از قید بندگی وخلاص کرده است از زندان عبودیت وترا مالك

نفس تو کرد اینده است و فارغ ساخته است ترا تا عبادت پروردگار خود
کنی و بدانی که او سزاوارترین خلق است بتو در حال حیات و ممات تو و او را
بر تو که یاری کنی او را بنفس خود و بانچه محتاج است بتو حق مولای که تو او را
وسیله قرب بخود و پناه تو از آتش دوزخ و مزد تو در این دنیا میراث بردن
است از او وقتی که نباشد او را میراث خواری و این عوض نفقه ایست که
داده با او از مال خود و مزد تو در آخرت بهشت است حق کسی که نیکوئی
کرده باشد بتو آنست که شکر او بگوئی و ذکر کنی نیکویی او را و سعی کنی که نیکویی
او بگویند و از روی اخلاص در خلوت برای او دعا کنی پس وقتی که چنین
کنی شکر او بجا آورده پنهان و آشکارا و اگر روزی قدرت یابی و توانی که عوض
کنی نیکویی او را بکنی حق موذن بر تو آنست که بدانی که او بیاد تو میدهد پروردگار
ترا و میخواند ترا و یاری میکند بادا کردن آنچه واجب کرده است حق تعالی
بر تو پس شکر بگوئی مؤذن را بجهت همچنانکه شکر میگوئی کسی را که نیکوئی
کرده است بتو حق پیش بر تو آنست که بدانی که او سعی میکند در اصلاح میان
تو و خدای تو و او قرائت میکند از قبل تو و تو قرائت نمیکنی و او دعا میکند
برای تو و تو دعا نمیکنی برای او در روز قیامت صحت و فساد نمازی که با او
اقتدا کرده از وی پرسند نه از تو پس اگر نقصانی در آن نماز واقع شده باشد
او معاقب خواهد بود نه تو و اگر آن نماز صحیح باشد تو شریک او خواهی بود
در ثواب آن نماز و او را زیاده از تو ثواب نخواهند داد بجهت آن نماز
پس او نگاه میدارد نفس ترا بنفس خود و نماز صحیح باشد تو شریک او خواهی

در ثواب آن نماز و او را زیاده از تو ثواب نخواهند داد بجهت آن نماز
پس او نگاه میدارد نفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر بگوی او را زیاده
بقدر این حق همنشین بر تو آنست که ملایمت کنی با او و رعایت انصاف
کنی در سخن کردن با او و برنخیزی از مجلس مگر باذن او و همنشین او می‌تواند
که بی اذن تو برخیزد و فراموش کنی بدیهای او را و بخاطر نگاه داری نیکویی‌های
او را و نگوئی با او مگر سخن خیر حق همسایه بر تو آنست که جانب او را نگاه
داری وقتی که غایب باشد و اکرام و تعظیم کنی او را وقتی که حاضر باشد
و یاری کنی او را وقتی که کسی بر او ظلم کند و بر روی عیب او نکنی پس اگر مطلع
شوی بر عیب و بدی او بپوشانی آن را و اگر بدانی که نصیحت قبول میکند
در خلوت نصیحت کنی او را و نگذاری او را در سختی و عفو کنی گناه او را
و معاش نیک کنی با او حق مصاحب بر تو آنست که مصاحبت کنی
با او بنیکوئی و انصاف و اکرام کنی او را همچنانکه او اکرام میکند ترا و نگذاری
که بیشتر اکرام و تعظیم کند ترا و اگر او بیشتر اکرام و تعظیم کند ترا عوض کنی
از او دوست داری او را همچنانکه او دوست میدارد ترا و منع کنی او را
از گناه کردن و مهربان باشی بر او و عذاب نکنی او را حق شریک بر تو
آنست که اگر غایب باشد کفایت کنی مهمات او را و اگر حاضر باشد
رعایت جانب او بکنی و حکم نکنی بی حکم او و کاری نکنی برای خود بی
مشورت او و حفظ مال او بکنی و خیانت نکنی با او در جمیع امور خواه
اندک و خواه بسیار بدرستی که برکت خدای تعالی با شریکانست مادام

مادام که با یکدیگر خیانت نکنند حق مال بر تو آنست که او را حاصل نکنی
مگر بوجه حلال و مال خود را بکسی ندهی که ترا ستایش میکند و در راه خدا
صرف کنی و بخیلی نکنی که در آخرت حسرت خواهی خورد و پشیمان خواهی
شد حق آنکس که چیزی دارد در ذمه تو آنست که اگر مال دار باشی بدهی
حق او را و اگر چیزی نداشته باشی راضی کنی او را بسخن خوش و تلطف
و نیکویی کنی باو و حق آنکس که بتو اختلاط دارد آنست که فریب ندهی
او را و ناراستی نکنی باو و از حق تعالی بترس در کار و حق کسی که دعوی
میکند بر تو آنست که اگر دعوی او حق باشد تو خود گواه باشی بر نفس
خود و ظلم نکنی بر وی و تمام بدهی حق او را و اگر دعوی او باطل باشد
ملاطفت کنی باو و کاری نکنی که موجب خشم پروردگار شود بر تو
آنکس که دعوی میکنی بر وی آنست که اگر حق بجانب تو باشد طول
ندهی دعوی را و در هم نپیچی و انکار حق او نکنی و اگر دعوی تو باطل
باشد بترسی از خدای تعالی و توبه کنی و ترک کنی دعوی را حق آنکس که
بتو مشورت میکند آنست که اگر بدانی رای نیکویی بگویی باو و اگر
ندانی راه نمایی او را بکسی که رای نیکو داشته باشد و حق آنکس که
تو با او مشورت میکنی بر وی آنست که اگر حق بجانب تو باشد طول
ندهی و دعوی را و در هم نپیچی و انکار حق او نکنی و اگر دعوی تو باطل
بترسی از خدای تعالی و توبه کنی و ترک کنی دعوی را حق آنکس که بتو
مشورت میکند آنست که اگر بدانی رای نیکویی بگویی باو و اگر ندانی

راه نمایی او را بکسی که رای نیکو داشته باشد و حق آنکس که تو با او
مشورت میکنی بر تو آنست که اگر او چیزی بگوید که موافق رای تو نباشد
متهم نشماری او را و اگر موافق رای تو باشد حمد بگویی خدای تعالی را و
حق کسی که طلب نصیحت میکند از تو آنست که نصیحت کنی او را از روی
مرحمت و مهربانی و ملایمت و حق کسی که ترا نصیحت میکند آنست
که ملایمت و تواضع کنی برای او و گوش کنی سخن او را پس اگر آنچه او میگوید
صواب و صلاح تو در آن باشد حمد بگو خدای تعالی را و اگر صواب
نباشد و موافق رای تو نباشد مهربانی کنی با او و متهم نشماری او را و
بدانی که او خطا کرده است و مواخذه نکنی او را باین خطا مگر آنکه مستحق
تهمت باشد پس اعتبار مکن سخن او را در هیچ حال و حق کسی که بسال
از تو بزرگتر است آنست که تعظیم کنی او را بجهت آنکه بسال از تو بزرگتر است
و بزرگ داری او را بجهت آنکه پیش از تو مسلمان بوده است و اگر او
با تو خصومت و نزاع کند برابری نکنی باو و تحمل کنی و در راه رفتن
بر وی سبقت نگیری و در مجلس بر و مقدم ننشینی و او را نادان
نگویی و اگر او ترا نادان گوید تحمل کن و اکرام و تعظیم کنی او را بجهت
حق اسلام و حرمت اسلام حق آنکس که بسال از تو خردتر است
آنست که مرحمت ورزی و در تعلیم گفتن و عفو کنی بی ادبی او را
و بپوشی بدی او را و مدارا کنی باو و یاری کنی او را و حق آنکس
که از تو چیزی میطلبد آنست که چیزی بدهی باو بقدر حاجت

که تو چیزی میطلبی از و آنست که هر چه بدهد قبول کنی و شکر بکویی
او را و بدانی که قدر نعمت او را و اگر چیزی ندهد و عذر کوید قبول
کنی عذر او را حق کسی که خوشحال کرداند خدای تعالی ترا بسبب او آنست
که حمد و ثنا بکویی اول حق تعالی را و بعد از آن شکر او بکویی و حق
کسی که بدی کند بتو آنست که عفو کنی از و و اگر بدانی که عفو کردن
ضرر میکند انتقام بکشی از و زیرا که حق تعالی فرموده است وَلَمَنِ انْتَصَرَ
بَعْدَ ظُلْمِهِ فَاُولٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ یعنی و هر که کینه کشد
از ظالم بعد از انکه آن ظالم ستم کرده باشد بر وی پس ان کروه کینه
کشندکان را کناهی نیست **حق** انکسی که بتو هم مذهب باشد آنست
که ضرر نرسانی بایشان و مهربان باشی بایشان و مرحمت نمائی
و ملایمت کنی بایشان و الفت کیری و اصلاح حال ایشان
کنی و شکر بکویی نیکان ایشان را و باز داری ایذا را از ایشان و دوست
داری برای ایشان آنچیزی را که دوست میداری برای خود و مکروه
داری برای ایشان آنچیزی را که مکروه میداری برای خود و پیر
ایشان را بمنزله پدر خود بدانی و جوانان ایشان را بمنزله برادر
خود بدانی و پیر زنان ایشان را بمنزله مادر خود بدانی و طفلان
ایشان را بمنزله فرزندان خود بدانی کافران ذمی بتو است
که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعالی قبول کرده است از ایشان و ظلم نکنی هرکاه
وفا کنند بعهد خود **فصل دوم** در ذکر چیزهائی که منع کرده است حضرت

بعزم

بعزم ازان صدقه را از کسی محتاجی ثواب او برابر ثواب صاحب صدقه
باشد و کم نشود از ثواب صاحب صدقه چیزی و انکس که نماز بکذارد
بر میتی هفتاد هزار فرشته برای او طلب امرزش کنند و بیامرزد خدای تعالی کناهان
کذشته او را پس اکر توقف نماید تا انکه دفن کنند ان میت را و خاک بریزد بر
بالای او بدهد هر قدمی که نهاده که اسب او را برابر کوه احد ثواب باشد و انکسی
که بکرید از ترس حق تعالی بعدد هر قطره که از چشم او بیفتد بدهد خدای تعالی
باو کوشکی در بهشت که مزین باشد بدر و جواهر که هیچ چشمی ندیده باشد
و هیچ کوشی نشنیده باشد و بخاطر هیچکس خطور نکرده باشد و انکسی که
بمسجد برود بجهت نماز جماعت بدهد حق تعالی باو بعدد هر کامی هفتاد هزار
حسنه و بلند کرداند مرتبه او را هفتاد هزار درجه و اکر بمیرد درین حال موکل
کرداند خدای تعالی باو هفتاد هزار فرشته را که در قبر مونس او باشد در
تنهایی و استغفار کنند برای او تا روز حشر و انکسی که بانک نماز کوید برای خدا
بدهد حق تعالی باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و شفاعت کند چهل
هزار کناه کار را از امت من و بسبب شفاعت او ایشان بهشت روند
و وقتی که مؤذن بکوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ صلوات فرستند بر و هفتاد
هزار فرشته و استغفار کنند برای او و در روز قیامت در سایه عرش باشد
تا انکه خدای تعالی فارغ شود از حسنات مردمان اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ
بکوید چهل هزار فرشته ثواب او را بنویسند و انکسی که اهتمام کند که جا کیرد
در صف اول بجهت نماز جماعت و سعی نماید که درک یابد پیش نماز را

در تکبیر احرام و ایذای او و بمسلمانی نرسد از این جهت بدهد خدای تعالی باو اعتدال
ثواب که بموذنان میدهد در دنیا و آخرت و آنکسی که مهتری قومی کند و حال
ایشان را بسلاطین نکوید بیارند او را در روز قیامت دست و کردن بسته
در صحرای عرصات پس اگر تمام نموده باشد مابین ایشان موافق امر حق تعالی رها
کنند او را و اگر ظلم کرده باشد بیندازند او را در جهنم و نیز آنحضرت گفت که
حقیر مشمرید هیچ بدیرا و اگر چه خورد نماید در نظر شما و بسیار مدانید نیکوئی را
و اگر چه بزرگ نماید در نظر شما و بسیار مدانید نیکویی را و اگر چه بزرگ نماید
در چشم شما بدرستی که هیچ چیز بزرگ نیست با استغفار و هیچ گناه نیست با اصرار
گفت شعیب بن واقد که پرسیدم حسین بن زید را از صحت این حدیث که
واقع شده است در باب مناهی پس گفت حسین بن زید که شنیدم از
امام جعفر صادق ع که گفت که جمع کردم این حدیث را از کتابی که بخط امیر المؤمنین
علی ع بود و املای حضرت پیغمبر ص فصل سیم در وصیت حضرت پیغمبر ص
امیر المؤمنین علی ع روایت کرده است امام جعفر صادق از پدران خود
علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که رسول خدا ص گفت من
که وصیت میکنم ترا پس حفظ این وصیت میکنم ترا پس حفظ این وصیت را
که همیشه تو بخیر خواهد رسید مادام که عمل کنی بوصیت را که همیشه تو بخیر
خواهد رسید مادام که عمل کنی آنکسی که فرو خورد خشم را و قادر باشد
که بمقتضای خشم خود عمل کند ایمن کرداند حق تعالی او را در روز قیامت
و حفظ کاملی بیابد از ایمان خود روایت آنکسی که نیکو وصیت نکند در وقت

مردن نقصان در مروت او باشد و در روز قیامت هیچکس او را شفا
عت نکند گفت فاضلترین جهاد آنست که کسی صباح برخیزد و قصد
ظلم نکند بکسی یا علی آنکسی که مردمان از زبان او بترسند او از اهل دوزخ
است گفت بدترین مردمان آنکسی است که مردمان اکرام کنند او را بجهت
آنکه بدی او بدیشان نرسد گفت بدترین مردمان آنکسی است که آخرت
خود را بدنیای خود بفروشد و بدتر از و آنکسی است که آخرت خود را بدنیای
دیگری بفروشد گفت آنکسی که قبول نکند عذر کسی را که از گناه خود میگوید
خواه صادق باشد در آن عذر گفتن و خواه کاذب در نیابد شفاعت مرا
و نیز حق تعالی دوست میدارد دروغ گفتن را برای مصلحت و دشمن
میدارد راست گفتن را که موجب فساد شود دیگر آنکسی که ترک
کند شراب خوردن را از ترس خدای تعالی بدهد حق تعالی باو از شراب
بهشت امیر المؤمنین علی ع گفت یا رسول الله با وجود آنکه ترک کند
از ترس غیر خدای تعالی باو از شراب بهشت میدهد آنحضرت فرمود
که بلی میدهد بحق خدای که بجهت آنکه حفظ نفس خود میکند پس
حق تعالی او را می آمرزد دیگر آنکسی که شراب میخورد همچو آنکسی است
که بت می پرستد یا علی آنکسی که شراب بخورد حق تعالی نماز او را قبول
نکند تا چهل روز پس اگر در اثنای این چهل روز بمیرد کافر مرده است
دیگر هر مست کننده حرام است و الخیری که بسیاری او مست کند
اندکی از و حرام است دیگر کردانیده است حق تعالی هر کناها را

درخانه وکلید آنخانه شراب خوردن است یا علی کسی که شراب میخورد
میکند دیر وساعتی که در انساعت خدای تع عثنا شد یا علی انکسی که
فایده نکرفت ازدین ودنیای خود چیزی نیست ترا در مصاحبت او
یا علی سزاوار نیست که در مومن هشت خصلت نباشد تسکین ووقار
وقت فتنه وآشوب وصبر در بلا وشکر در عافیت وقناعت بانچه
حق تع روزی او کرده است وظلم ناکردن بدشمنان ودشمنی ناکردن
بدوستان وبدن او در مشقت باشد ومردمان ازو در راحت باشند
دیکر دعای چهار کس رد نمیشود دعای پادشاه عادل ودعای پدر درحق
فرزند ودعای پدر درحق فرزند دعای مومن درحق برادر مومن غا
بیانه ودعای مظلوم درحق ظالم بدرستی که حق تع میکوید بمظلوم که
بعزت وجلال من که انتقام ترا از ظالم خواهم کشید واکرچه بعد از
مدتی باشد دیکر هشت کسند که اکر اهانتی بایشان برسد باید که ملامت
نکنند مکر خودرا کسی که بمهمانی برود که نطلبند باشد اورا وآن مهمانی
وکسی که بمنزل کسی برود وحکم کند بصاحب منزل وکسی که طمع نیکوئی
داشته باشد از دشمنان خود وکسی که چیزی طلب کند از بخیلان
وناکسان وکسی که دخل کند درمیان دوکس وخواهد که مطلع
شود بران سر وکسی که اعتباری نکیرد از سلطان وکسی که بنشیند
درجایی که او لایق آنجا نداشته باشد وکسی که سخن کوید بکسی که
سخن اورا کوش نکند دیکر حرام است بهشت برکسی که سخن فحش

کوید وبی شرم باشد وباکی نداشته باشد ازانچه میکوید وانچه میکوید
دیکر خوشا حال کسی که عمر او دراز باشد وعمل او نیکو باشد دیکر مزاح
مکن که می برود آبروی تا ودروغ مکو که می برد نور تا ودر داد
خودرا از دو خصلت دلتنکی وکاهلی بدرستی دلتنک شوی صبر
نمیکنی برحق واکر کاهل شوی ادا نمیکنی حق را دیکر هر کناهی توبه دارد
مکر بدخلقی بدرستی که کسی که بدخلق است هرکاه توبه کند از کناهی کناه
دیکر حاصل میشود اورا بجهت بدخلقی دیکر چهار کسند که دوز عقوبت
ی بایشان رسد کسی که احسان ونیکوئی کرده باشند باو واو دربرابر بدی
کند وکسی که تو با او دشمنی نکنی واو با تو دشمنی کند وکسی که تو با او
عهد کرده باشی در چیزی وتو بعهد خود وفا کنی واو بعهد خود وفا
نکند وکسی که تو با او صله رحم بجا آوری واو نسبت بتو صله رحم بجا
نیاورد دیکر آنکی که مستولی شود برو دلتنکی راحت ازو دور شود
یا علی دوازده خصلت است که سزاوار است که در مسلمان باشد
در وقت طعام خوردن چهار از ان خصلتها واجبست وچهار سنت
است وچهار ادب اما آن چهار که واجبست آنست که بداند که انچه
میخورد حلال است یا حرام وبسم الله بکوید پیش از طعام خوردن
وشکر نعمت بکوید وراضی باشد بانچه حق تع باو داده است واما آن
چهار که سنت است نشستن است بر پای چپ وچیزی خوردن
بسه انکشت وچیزی خوردن از پیش خود ولیسیدن انکشتان واما

این چهار که ادب است لقمه را خرد برداشتن و بسیار خاییدن و کم
دیدن و کم نظر کردن در روی مردمان در وقت طعام خوردن و شستن
دستها دیگر حق تعالی بنای بهشت را از خشت طلا و نقره و گردانید دیوار
های او را از یاقوت و سقف او را از زبرجد و سنگ ریزهای او را
از مروارید و خاک او را از زعفران و مشک و بعد از آن گفت بهشت
که سخن کن بهشت گفت لا اله الا الله الحی القیوم قد سعد من یدخلنی
یعنی سعیدی که نیکبخت است کسی که داخل میشود مرا گفت خدای تعالی
که بعزت و جلال من که نمیرود در بهشت کسی که دایم شراب خورد و کسی
که سخن چینی کند و کسی که دیوث و بی غیرت باشد و کسی که مخنث
باشد و کسی که قبر مردم را بشکافد بجهت دزدیدن کفن و کسی که
تمغاجی باشد و کسی که صلهٔ رحم بجا نیاورد و کسی که میگوید که نیکی
و بدی از پیش خداست دیگر بحق خدایی که کافر اند از امت
من ده کس کشندهٔ مردمان بناحق و ساحر و دیوث و جماع کنندهٔ
در دبر زنی که بر وی حرام باشد و جماع کنندهٔ با چهارپایان و آنکسی
که نکاح زنی را که محرم او باشد و کسی که سعی کند در فتنه و کسی
که صلاح بفروشد بکافران حربی و کسی که زکوة ندهد و کسی که مال
داشته باشد و تواند که حج کند و بمیرد و حج نکرده باشد یا علی مهمانی
نمی باشد مگر در پنج وقت در وقت تولد فرزند و در وقت ختنه
کردن و در وقت خریدن منزل و در وقت آمدن کسی از حج یا علی

سزاوار نیست عاقل را که سفر کند مگر بجهت سه چیز کار سازی برای
معاش یا برای آخرت یا بجهت لذت در چیزی که حرام نباشد یا علی سه
چیز است که از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو کردن بر کسی که ظلم
کند بر تو و صلهٔ رحم بجا آوردن بکسی که قطع صله رحم کند از تو و حلم نمودن
و در گذرانیدن از کسی که بی ادبی کند نسبت بتو یا علی دریاب و غنیمت
دان چهار چیز را پیش از چهار چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از
بیماری و توانگری را پیش از درویشی و زندگی را پیش از مردن یا علی مکروه است
نزد خدای تعالی از امت من کار عبث کردن در نماز و منت نهادن در صدقه
و جنب بمسجد رفتن و خنده کردن در گورستان و بر آمدن بر بام خانها
بجهت نگاه کردن در سراهای مردم و نظر کردن در فرج زنان بجهت آنکه
کوری می آرد در فرزند و سخن کردن در وقت جماع بجهت آنکه فرزند گنگ
میشود و خواب کردن میان نماز شام و خفتن بجهت آنکه محروم میسازد
کسی را از روزی و غسل کردن بی لنگ در جایی که حایلی نباشد میان
او و آسمان و در آمدن در حوضها بی لنگ بجهت آنکه در آب فرشتها ساکنند
در رفتن بحمام بی لنگ و سخن گفتن میان اذان و اقامت در نماز صبح و در
کشتی نشستن در وقت طوفان و آشوب دریا و خواب کردن در بامی
که محجر نداشته باشد پس او خود را در معرض هلاکت انداخته است
و دور شده است از حفظ و امان حق تعالی و نیز مکروه است نزد حق تعالی
از امت من خواب کردن در خانهٔ تنها و جماع کردن با زن خود در وقت

حیض پس اگر این کار بکند و فرزندی که متولد شود جذام یا برص داشته
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه است سخن کردن با کسی
که جذام داشته باشد مگر آنکه میان او و میان آنکس که جذام دارد یک گز و
اصله باشد یا علی آنحضرت که بگریز از کسی که جذام دارد همچنانکه میگریزی
از شیر و نیز مکروه است جماع کردن با زن خود بعد از احتلام و پیش از
غسل پس اگر چنین کند و فرزندی که حاصل شود دیوانه باشد باید که ملامت
نکند مگر خود را و نیز مکروه است بول کردن بر کنار جوی آب روان و حدث
کردن در زیر درختی که میوه میدهد و در زیر درخت خرما که خرما میدهد
و ایستاده نعلین در پا کردن و در آمدن بخانه تاریک بی چراغ یا علی آفت
بزرگی و فضایل مردم افتخار و تکبر است یا علی آنکسی که از خدا می ترسد همه چیز
از وی می ترسد و آنکسی که از خدا نمی ترسد می ترساند حق تعالی او را از همه چیز
یا علی نماز هشت کس مقبول نیست بنده که گریخته باشد از صاحب خود تا وقتی
که باز گردد و بیاید نزد صاحب خود تا وقتی که باز گردد و بیاید نزد صاحب خود
و زنی که نافرمانی کند شوهر خود و شوهر از و راضی نباشد و با و در غضب
باشد و نماز کسی که زکوة ندهد و کسی که ترک وضو کند و زنی که بالغ شده باشد
و سر برهنه نماز گذارد و پیش نماز جماعتی که پیش نمازی او راضی نباشد
و کسی که مست باشد و کسی که بول و غایط را نگاه دارد و مشغول شود بنماز
یا علی چهار چیز است که در هر که باشد بنا کند حق تع برای او خانه در بهشت
جا دادن یتیم و رحم کردن بر ضعیف و شفقت و مهربانی کردن بر پدر و مادر

و مدارا و ملایمت کردن بمملوک خود یا علی آنکسی که بجا آورد چیزی را که حق تع
برو واجب گردانیده است او عابدترین مردمان است و آنکسی که پرهیز دارد از آنچه
حق تع حرام گردانیده است او پرهیزکارترین مردمان است و آنکسی که این
سه صفت درو باشد او فاضلترین مردمان است نزد حق تع یا علی سه چیز است
که هیچ طب از امت من از آن بجا آورد برابر داشتن برادر مؤمن را در مال خود
یعنی مضایقه نکردن با برادر مؤمن در مال خود و انصاف دادن نسبت بمردمان
در همه چیز و یاد کردن حق تع را در همه حال و یاد کردن خدای تع این نیست
که کسی بگوید سبحان الله وَالْحَمْدُ لِلّٰه وَلَا اِلٰهَ اِلَّا الله وَاللهُ اکبر بلکه این است
که هرگاه خواهد که فعل حرامی بکند یاد حق تع کند و بترسد از حق تع
و ترک آن کند یا علی سه کسند که اگر از روی انصاف با ایشان سلوک
کنی بر تو ظلم میکنند ناکس و زوجه تو و خدمتکار تو و سه کسند
که انصاف نمی یابند از سه کس آزاد از بنده و عالم از جاهل و قوی از
ضعیف یا علی هفت چیز است که در هر که باشد ایمان او کامل است
و درهای بهشت برای او گشوده میشود وضوی کامل ساختن
و نیکو گذاردن نماز و ادا کردن زکوة مال و فرو خوردن خشم و نگاه داشتن
زبان و استغفار کردن از گناه و نصیحت کردن اهل بیت و خود را
یا علی لعنت کرده است حق تع سه کس را کسی را که تنها بخورد توشه راه
را و کسی که تنها برود بر بیابان و کسی که تنها خواب کند در خانه یا علی
سه چیز است که بیم آن هست که سبب دیوانگی شود غایط کردن میان

گورستان و راه رفتن باین طریق که یک پا زه داشته باشد و پای دیگر
برهنه باشد و تنها خواب کردن در خانه یا علی سه چیز است که نیکو
ست دروغ گفتن در انها کید کردن با دشمن در جنگ و وعده کردن
با دو جنرو اصلاح کردن در میان مردمان و سه چیز است که می
میراند دل را نشستن با مردم ناکس و نشستن با توانگران و سخن گفتن
با زنان سه چیز است که حقیقت ایمان است نفقه کردن در حالت
درویشی دلتنگی و انصاف دادن است بمردمان و تعلیم کردن علم
بکسی که طلب علم کند یا علی سه چیز است که در هر که نباشد ناقص است
عمل او پرهیزکاری که منع کند او را از گناه کردن حلقی که مدارا کند
با مردمان و حلمی که تحمل کند از جاهلان یا علی سه چیز است
که فرح میشود در دنیا ملاقات کردن برادران مومن گشودن
و نماز گذاردن در آخر شب یا علی منع میکنم ترا از سه خصلت حسد
و حرص و تکبر یا علی چهار خصلت است که نشانه شقاوت است اشک
نیامدن از چشم وقتی خواهد که بگرید و سخت دل بودن و طول امل
و دوست داشتن زندگانی بسیار یا علی سه چیز است که موجب رفع
درجات است در آخرت و سه چیز است که موجب کفارت گناهان است
در آخرت و سه چیز است که موجب هلاکت است در آخرت و سه
چیز است که موجب نجات است در آخرت اما آن سه چیز که موجب
رفع درجات است وضوی کامل ساختن است در سرمای سخت و

انتظار

وانتظار نماز کشیدن است بعد از نماز و شب و روز رفتن بنماز
جماعت و اما آن سه چیز که موجب کفارت گناهان است سلام
کردن است همه کس را و طعام دادن است و نماز تهجد گذاردن است
وقتی که مردمان در خواب باشند و اما آن سه چیز که موجب هلاکت
و فرمان برداری نفس است و تکبر کردن است و اما آن سه چیز که موجب
نجات است ترس خدای تعالی است در پنهان و آشکارا و صرف کردن مال
باعتدال در وقت توانگری و درویشی و سخن راست گفتن در حال
خشنودی و غضب یا علی شیر دادن جایز نیست بعد از آنکه فرزند
دو ساله شده باشد و یتیم نیست بعد از آنکه بالغ شده باشد یا علی
اگر دو ساله راه باید رفت بجهت صلهٔ رحم با خویشان برو و اگر ثلث
فرسخ باید رفت بجهت عیادت بیماری برو و اگر دو ثلث فرسخ باید رفت
در عقب جنازه برو و کسی که ترا بطعامی بطلبد اگر یک فرسخ باید رفت
برو و اگر ثلث فرسخ باید رفت بجهت ملاقات برادر مومن برای خدا
برو و کسی که اندوهگین باشد و ترا طلب کند اگر یک فرسخ و ثلث فرسخ
باید رفت برو و اگر دو فرسخ باید رفت بجهت یاری دادن مظلوم
برو و بر تو باد که همیشه استغفار کنی یا علی مومن را سه علامت است نماز
کردن و زکوة دادن و روزه داشتن و کسی که بتکلف خود را بر چیزی
میدارد سه علامت است تملق کردن بکسی وقتی که حاضر باشد نزد
آنکس و غیبت کردن وقتی که غایب باشد و شادی کردن بمصیبت

کسی وظالم را سه علامتست غلبه کردن بانکسی که زبون اوست ونا
فرمانی کردن نسبت بکسی که مرتبه انکس از وزیاده باشد ویاری کردن
ظالمان را واهل ریا را سه علامتست نشاط داشتن وخوشحالی کردن
بانکسی که زبون اوست ونافرمانی کردن نسبت بکسی که مرتبه انکسی از و
زیاده باشد ویاری کردن ظالمان را واهل ریا را سه علامتست
نشاط داشتن وخوشحالی کردن در عبادت وقتی که نزد مردمان باشد
وکاهل بودن در عبادت وقتی که تنها باشد ودوست داشتن
که مردمان ستایش کنند او را در جمیع کارها ومنافق را سه علامتست
دروغ کفتن وقتی که سخن کند وخلاف وعده کردن وقتی که وعده
کند وخیانت کردن وقتی که چیزی بامانت باو بسپرند یا علی
نه چیز است که فراموشی می آورد وخوردن سیب ترش وخوردن
کشنیز وخوردن پنیر وخوردن پس مانده موش وخواندن
انچه در قبر مینویسند ومیکنند وراه رفتن میان دو زن و
انداختن شپش وحجامت کردن در مغاک پس سر وبول کردن
در اب ایستاده یا علی عیش در سه چیز است سرای کشاده وزن
خوش شکل واسب باریک میان یا علی بحق خدا که انکسی که تواضع
وفروتنی نماید اگر در ته چاهی باشد حق تعالی او را بیرون آورد
ومرتبه او را بلندتر کرداند از بزرکان نزد سلاطین یا علی انکسی که
نسبت دهد خود را بغیر پدران خود لعنت کند حق تعالی او را وانکسی

که بدعتی

که بدعتی احداث کند یا جا دهد اهل بدعت را کفت لعنت کند
حق تعالی او را کسی کفت یا رسول الله بدعت کدام است انحضرت کفت خون
ناحق کردن یا علی مومن کسی است که ایمن باشد مرد مسلمانها از وی
وخون خود ومسلمان کسی است که بسلامت باشد مردمان از دست
وزبان او ومهاجر کسی است که ترک کناه کرده باشد یا علی محکم ترین ایمانها
ایمان کسی است که دوستی ودشمنی او برای خدا باشد یا علی هر که فرمان
برداری زن خود کند خدای تعالی او را در اندازد در دوزخ یا علی امیر
امیرالمؤمنین علی ع که یا رسول الله فرمان برداری زن کدام است
انحضرت فرمود که فرمان برداری زن آنست که اذن دهد او را رفتن
حمام وعروسی وتعزیت وپوشیدن جامهای تنک خوب یا علی حق تعالی
برده است بسبب اسلام نخوت وتکبر جاهلیت وکفر را وتفاخر کردن
را بر پدران بنسبی که مردمان همه فرزند آدم اند وآدم از خاک است
وکرامی ترین مردمان نزد حق تعالی کسی است که تقوی وپرهیزکاری او
بیشتر باشد یا علی حرام است بهای حیوانی که مرده باشد وبهای
سک وبهای شراب وانچیزی که زن زناکننده می ستاند بجهت زنا
که باو میکنند وانچه میکیرد منجم در سال بجهت عملی که میکند یا علی
انکسی که بیاموزد علم بجهت جدل کردن بسفیهان یا عالمان یا بجهت
انکه مردمان باو میل کنند پس او از اهل دوزخ است وقتی که بنده
بمیرد مردمان میکویند که چه چیز مانده است ازو وفرشتها

میکویند که پیش از مردن چه عمل کرده است یا علی دنیا زندان
مؤمن است و بهشت زندان کافر یا علی مردن مر فجاءات رحمت
مؤمن است و حسرت کافر یا علی وحی کرده است حق تعالی بدنیا
که خدمت کن کسی را که خدمت کند و در مشقت انداز کسی را که
خدمت تو کند یا علی اکر دنیا برابری پر پشه قدر میداشت نزد خدای
شربت آبی از دنیا بکافران نمی داد یا علی نیست کسی از خلق اولین
و آخرین مکر آنکه آرزو خواهد کرد در روز قیامت و خواهد کفت که
کاشکی نداشتم از مال دنیا مکر قوتی یا علی بدترین مردمان آنکس است
که راضی نباشد بقضای حق تعالی یا علی نالهٔ مؤمنی که بیمار باشد تسبیح است و
فریاد او تهلیل است و خواب کردن او بر فراش عبادت و کردیدن او از
پهلو جهاد است در راه خدا و اکر صحت یابد از بیماری از همه کناهان پاک میشود
یا علی اکر هدیه بیاورند برای من پاچه کوسفندی قبول میکنم و اکر بطلبند
مرا طعامی که سر دست کوسفندی باشد قبول میکنم یا علی نیست بر زنان نماز
جمعه و نماز جماعت و بانک نماز و قامت و عیادت بیمار و در عقب جنازه رفتن
و شتر رفتن میان صفا و مروه و دست بر کرفتن حجر الاسود و سر تراشیدن و قاضی
شدن و مشورت کردن با ایشان و ذبح کردن حیوانات مکر بضرورت و بلند
کفتن لبیک اللهم لبیک در حج و رفتن بزیارت مقبره و شنیدن خطبه و وکیل
شدن در نکاح و بیرون رفتن از خانهٔ شوهر بی اذن پس اکر بیرون رود
بی اذن شوهر لعنت کنند او را حق تعالی او را جبرئیل و میکائیل و چیزی دادن

یکی

یکی از خانهٔ شوهر بی رخصت او و سبب کذاشتن در حالی که شوهر با او غضب
باشد و اکر چه آن شوهر برو ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس
و پوشش او حیا است و زینت او وفا است و مروت او عمل صالح است و ستون
او پرهیزکاری است و هر چیز را اساس و بنائی است و اساس اسلام دوستی
اهل البیت است یا علی کج خلقی شوم است و فرمان برداری زن موجب ندامت
و پشیمانی است یا علی اکر شومی در چیزی می بود در زبان زنان می بود یا علی نجات
یافتند آنهائی که کناه ایشان کم است و علایق و اسباب دنیوی ایشان
بسیار است یا علی آنکس که دروغ بر بندد بر من عمدا جای او در دوزخ خواهد
بود یا علی سه چیز است که زیاده میکند حافظه را و می برد بلغم را شیر خوردن
مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت است و پاک میکند
دهن را و روشن میکند چشم را و خشنود میکند پروردکار را و سفید
میکند دندانها را و می برد بوی دهن را و محکم میکند کوشت بن دندانها را و اشتهای
طعام می آورد و می برد بلغم را و زیاده میکند حفظ را و مضاعف میکند حسنات
را و خوشحال میسازد فرشتها را یا علی خواب کردن بر چهار نوع است بر پشت
خوابیدن و این طریق خواب کردن پیغمبران است و جانب راست خوابیدن
و این طریق خواب کردن مؤمنان است و جانب چپ خوابیدن و این طریق
خواب کردن کافران و منافقان است و بر رو خوابیدن و این طریق خواب کردن
شیاطین است یا علی حق تعالی هر پیغمبری که فرستاد کردانیدن ذریت فرزندان
او را از نسل او و کردانید ذریت مرا از پشت تو و اکر تو نمی بودی مرا ذریت

یا علی ثلثة یزدن فی الحفظ
و یذهبن البلغم اللبان
و السواک و قراءة القرآن
و بسیار عجب است از
مترجم که لبان را از
لبن دانسته و شیر
خوردن معنی کرده
و حال آنکه لبان
کندر است چنانچه
صاحب مجمع البحرین
کفته است فی حدیث
مضغ اللبان یذهب
بالبلغم و اللبان
بالضم الکندر
حسن [illegible]
غفر له

نی بود یا علی چهار چیز است که از جمله چیزها بیت که میشکند پشت آدمی
را فرمان برداری پادشاهی که نافرمانی حق تعالی کند و خیانت کردن زنی
که شوهر محافظت و رعایت احوال او کند و درویشی و فقری که هیچ علاج
نداشته باشد و بدی همسایه در جائی که لازم باشد بودن در آنجا یا علی
عبد المطلب پیش از زمان اسلام پنج سنت نهاد که جاری کرد ایزد حق تعالی
آن سنتها را در اسلام یکی آنکه حرام کرد ایشان زن پدر را بر پسر پس فرستاد
حق تعالی این آیه را که وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ یعنی نکاح مکنید
و زنی مخواهید زنانی را که نکاح کرده اند پدران شما دوم آنکه گنجی یافت
و خمس بیرون کرد از آن گنج و داد مستحق پس حق تعالی فرستاد این آیه را که
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ
الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ یعنی بدانید ای
مؤمنان که هر غنیمتی که گرفتید از کافران پس پنج یکی که مر خدای راست
پنج یک آن و مر رسول را و خویشان رسول را از اهل اسلام و مسافران مسلمانان را
پس خمس بدهید اگر شما ایمان آورده اید بخدای تعالی و با نچه ما فرستادیم
به بنده خود که محمد است از آیات در روز جدا شدن حق از باطل که آن
روز بدر بود روزی که ملاقات کردند مسلمانان با کافران بجهت
جنگ و خدای تعالی بر همه چیز قادر و تواناست سیم آنکه چون کند چاه زمزم
را آن چاه را سقایة الحاج نام کرد پس حق تعالی فرستاد این آیه را که أجعلتم

سقایة

سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَا
هَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
یعنی آیا میدارید آنهائی را که آب دادند حاجیان را و عمارت کردند مسجد
حرام را همچو آنکسانی که ایمان آورده اند بخدا و جهاد کرده اند در راه خدا
برابر نیستند این دو قوم نزد خدای تعالی و خدا راه نمی نماید کافران و ظا
لمان را چهارم آنکه دیت قتل را صد شتر کردانند پس جاری کرد ایشان
حق تعالی این را در اسلام پنجم آنکه در طواف عددی معین نبود در میان
قریش پس عبد المطلب برای ایشان هفت عدد تعیین کرد پس
خدای تعالی جاری کرد ایشان این را در اسلام یا علی عبد المطلب قمار
نباخت و بت نپرستید و نخورد آنچیزی را که ذبح کردند کافران بنام
بتان خود و گفت که من بر دین پدر خود ابراهیم ام بهترین مردمان
از روی ایمان و بزرگترین ایشان از روی یقین آن قوم اند
که در آخر زمان از روی ایمان آورده باشند با وجود که شرف ملا
زمت پیغمبر نرسیده اند و صاحب ایشان غایب باشند یا علی سه چیز است
که سیاه میسازد دل را شنیدن ساز و صید کردن بطریق لهو و رفتن
به خانه سلاطین یا علی نماز مگذار در پوست شیر و حیوانی که گوشت
او را نتوان خورد و نماز مگذار در ذات الجیش و ذات صلاصل
و ضجنان ذات الجیش نام موضعی است میان مکه و مدینه
و ذات الصلاصل نام موضعی است در راه مکه و ضجنان نیز نام

موصفیست در راه مکه یا علی حلال است از تخم مرغها انچه یك طرف او باد
یك تر باشد از طرف دیگر و حلال است از ماهی انچه فلوس دارد و
حلال است از مرغها انچه در وقت پریدن بالهای خود را برهم میزند و حلال
نیست انچه در وقت پریدن بالهای خود را برهم میزند و حلال نیست انچه
در وقت پریدن خود را برهم نمیزند و حلال است از مرغهای که دنات
می باشند انچه سنگدان یا خار میدارد یا علی هر درنده که دندان نیش
دارد و هر مرغی که چنگال درنده دارد هم حرام است یا علی دست بریدن
نیست بجهت دزدی خرما یا علی نیست در حد زنا و سوگند نیست در قطع
رحم و سوگند نیست پدر را با فرزند خود و فرزند را با پدر خود و زن را با شوهر
خود و بنده را با مالك خود و صوم صمت حرام است و صوم صمت آنست
که کسی نیت کند که روزه بدارد و خاموش باشد و سخن نکند و صوم
وصال حرام است و صوم وصال آنست که دو روز روزه دارد پی در پی
و شب افطار نکند و اعرابی که هجرت کردند از مکه بمدینه جایز نیست
ایشان را که بمواضع خود که در صحرا داشته باشند بروند و وطن سازند
یا علی نمی باید کشت پدر را بجهت انکه پسر خود را کشته باشد یا علی قبول
نمیکند حق تعالی دعای کسی را که دل او غافل باشد یا علی خواب کردن
عالم فاضلتر است از عبادت عابد جاهل یا علی دو رکعت نمازی که
عالم بگذارد فاضلتر است از هزار رکعت نماز که عابد جاهل بگذارد
یا علی درست نیست که زن روزه سنت بدارد بی اذن شوهر خود و درست نیست

که بنده

که بنده روزه سنت بگیرد بی اذن مولای خود و همچنین درست نیست
که مهمان روزه سنت بگیرد بی اذن صاحب منزل یا علی روزه داشتن
در روز عید رمضان و عید قربان حرام است و نذر معصیت آنست
که نذر کند که اگر بر فلان معصیت قدرت بیابد بکروز یا زیاده روزه
بدارد و همیشه روزه داشتن حرام است یا علی در زنا شش خصلت است
سه در دنیاست و سه خصلت در آخرت اما آن سه خصلت که در دنیا است
آنست که می برد صفا و زیبایی را و کوتاه میسازد عمر را و قطع میکند روزی را
و اما آن سه خصلت که در آخرت است بدی حساب است و غضب
حق تعالی و همیشه در دوزخ بودن یا علی گناه سود خوردن برابر هفتاد عمل
زنا است که کمترین انها آنست که با مادر خود در خانه کعبه زنا کند یا علی
یکدرهم از سود رز گناه او زیاده است نزد حق تعالی از هفتاد زنا که کرده
باشد در خانه کعبه با محرم او باشد یا علی انکسی که نگاه دارد نیم
دانگ از زکوة سال خود و ندهد از مستحق او مؤمن و مسلمان نیست
و او را کرامتی نزد خدای تعالی نیست یا علی انکسی که زکوة ندهد طلب کند
از حق تعالی وقت مردن از روی حسرت که باز گرداند ورا بدنیا تا انکه
زکوة بدهد و مؤید اینست این آیه که حَتّىٰ إِذا جاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلّي أَعْمَلُ صالِحًا فيما تَرَكْتُ كَلّا إِنَّها كَلِمَةٌ هُوَ
وَمِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ یعنی تا وقتی که بیاید یکی از
ایشان را مرگ و بگمراهی خود دانا گردد و حال معاینه ببیند و آثار

عذاب مشاهده کند بگوید از روی حسرت که ای پروردگار من باز
گردان مرا بدنیا شاید که عملی صالح بکنم در آنچیزی که ترک کرده ام حاشا
که او را باز گردانند بدرستی که در خواست سخنی است که بجهت غلبه حسرت
بدو میگوید و از پیش مشرکان چیزی هست که مانع است از باز گشتن
ایشان که آن قبر است و در آنجا خواهند بود تا روز حشر یا علی کسی
که حج نکند و قدرت داشته باشد کافر است زیرا که حق تعالی فرموده است
که وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ
فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ یعنی مر خدای راست بر مردمان قصد
خانه کعبه هر که توانایی دارد که برود و هر که قبول نکند واجب بودن
حج را پس بدرستی که خدای تعالی بی نیاز است از همه عالمیان یا علی آنکسی
که تاخیر کند در حج کردن و قدرت داشته باشد و حج نکند و بمیرد
حق تعالی برانگیزد او را در روز قیامت یهودی یا نصرانی یا علی صدقه
رد میکند بلا را که مقدر شده باشد یا علی صله رحم زیاده میکند
عمر را یا علی در وقت طعام خوردن افتتاح کن بنمک و ختم کن بنمک
بدرستی که در وی شفاست از هفتاد و دو مرض یا علی در قیامت وقتی
که در مقام محمود باشم شفاعت خواهم کرد پدر و مادر خود را اگر
گناهی کرده باشند و شفاعت خواهم برادران خود را که در زمان
جاهلیت بوده اند یا علی من فرزند دو کسم که ایشانرا میخواستند
که قربان کنند و آن دو کس یکی اسمعیل بود و دیگری عبدالله که

که پدر آنحضرت بود و من آنکسم که دعای پدرم ابرهیم در حق من مستجاب
شد یا علی عقل چیزیست که بسبب بهشت میرود و بسبب او کاری میکند
که موجب خشنودی حق تعالی میشود یا علی اول چیزی که خدای تعالی آفرید
عقل است چون حق تعالی عقل را آفرید گفت بعقل که رو باین جانب کن
عقل رو بآن جانب کرد بعد از آن گفت که پشت باینجانب کن عقل پشت
بآن جانب کرد پس گفت بعقل که بعزت و جلال من که نیافریدم چیزی را
که دوست تر باشد نزد من از تو بسبب تو ثواب میدهم و بسبب تو عقاب
میکنم یا علی صدقه بدیگری نمی باید داد وقتی که خویشان کسی محتاج باشد
یا علی یکدرهم که صرف شود در رنگ کردن محاسن ثواب او بیشتر است
از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و در رنگ کردن چهارده
خصلتست میبرد باد را از گوش و روشن میکند چشم را و نرم و ملایم
میسازد دماغ را و خوشبو میکند دهن را و محکم میکند گوشت بیخ
دندانها را و می برد بوی بغل را و کم میکند وسوسه شیطان را و خوشحال
میگردانند فرشتها را و شاد میشوند بسبب رنگ کردن مؤمنان و
خشمناک میشوند کافران و زینت است و بوی خوش است و شرم
میکنند منکر و نکیر و خلاص میکند از عذاب قبر یا علی چیزی
نیست در سختی که بآن عمل نکنند و چیزی نیست در دوستی وفا
و چیزی نیست در پا ایستادن از حرام بی پرهیزکاری و چیزی
نیست در صدقه بی نیت و چیزی نیست در زندگانی بی صحت

وچیزی نیست در وطن بی امنیت وخوشحالی یا علی حرام است
از گوسفند هفت چیز خون وذکر وجایی که بول در وجمع میشود و
مغز مهره پشت وغدود وسپرز وزهره یا علی مضایقه مکن در
چهار چیز در خریدن قربانی وکفن وبنده وکرایه راه مکه یا علی ایا
خبر دهم تورا که کی شباهت بیشتر دارد بمن در صفات امیر المؤمنین
علیه السلام گفت بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که حسن خلق وحلم او بیشتر
باشد ونیکویی بیشتر کند با خویشان خود وانصاف او بیشتر باشد
یا علی وقتی که کسی از امت در کشتی نشسته باشد ایمن میشود از غرق
شدن چون بخواند این آیتها را که بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی
لغفور رحیم یا علی ایمن میشوند امت من از اندوه وقتی که بخوانند
این آیتها را که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین
ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا علی ایمن
میشوند امت من از آنکه دیوار یا خانه بر سر ایشان بیفتد وقتی
که بخوانند این آیت را که ان الله یمسک السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما

غفورا

غفورا یا علی ایمن میشوند امت من از غم وقتی که بگویند این کلمات را
که لا حول ولا قوة الا بالله لا ملجا ولا منجا من الله الا الیه یا علی ایمن
میشوند امت من از سوختن وقتی که بخوانند این آیه را که ان ولیی الله
الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره اذ
قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به
موسی نورا وهدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها وتخفون
کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم
یلعبون انکسی که بترسد از درندها باید که بخواند این آیه را
که لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه تو
کلت وهو رب العرش العظیم یا علی انکسی که سرکشی کند چهارپای
او باید که بخواند در گوش چهارپا این آیه را که وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا وکرها والیه ترجعون یا علی انکسی که در شکم او درد آب
باشد باید که بنویسد بر شکم او آیة الکرسی را ونیز بنویسد آیة الکرسی را
بر طرفی وبشوید وبیاشامد بدرستی که صحت می یابد باذن خدای تعالی
یا علی انکسی که از ساحران وشیاطین بترسد باید که بخواند این آیتها
را که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر و
النجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین

ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب
من المحسنین یا علی حق فرزند بر پدر آنست که او را نام نیکو کند و ادب
بیاموزد و موضعی نیکو برای او تعیین کند یا علی حق پدر بر فرزند آنست
که پدر را بنام نخواند و در وقتی که با هم راه روند در پیش پدر نرود
و در نشستن پشت بر پدر نکند و با پدر بحمام نرود یا علی سه چیز
از وسواس است گل خوردن و ناخن بدندان چیدن و محاسن
را بدهن گرفتن یا علی لعنت کرده است حق تعالی پدر و مادری را که باعث
نافرمانی فرزند شوند نسبت بخود یا علی لازم میشود پدر و مادر را
از نافرمانی کردن بفرزند خود آنچه لازم میشود فرزند را از نافرمانی
کردن پدر و مادر خود یا علی رحمت کناد خدای تعالی پدر و مادری را
که باعث شوند فرزند خود را بر نیکویی کردن بر پدر و مادر خود
یا علی آنکسی که آزرده و غمگین سازد پدر و مادر را بدرستی که نافرمانی
کرده است با ایشان یا علی آنکسی که غیبت کنند نزد او برادر مسلمانرا
و او قدرت داشته باشد که منع کند و منع نکند فرو گذارد حق تعالی
او را در دنیا و آخرت یا علی آنکسی که تفقد دهد یتیم را از مال
خود تا وقتی که بالغ شود واجب شود او را بهشت البته یا علی
آنکسی که دست بر سر یتیمی بمالد از روی ترحم و شفقت بدهد
حق تعالی باو بعدد هر مویی که در سر یتیم است نوری در روز قیامت

یا علی هیچ درویشی سخت تر از جهل نیست و هیچ مالی نفع دهنده تر از عقل
نیست و هیچ تنهایی پر وحشت تر از عجب نیست و هیچ عقلی مانند تدبیر نیست
و هیچ پرهیزکاری بهتر از باز ایستادن از حرام نیست و هیچ شرف و بزرگی
همچو حسن خلق نیست و هیچ عبادتی همچو تفکر در مصنوعات حق تعالی نیست
یا علی آفت سخن دروغ گفتن است و آفت علم فراموشی است و آفت
عبادت فتور است و آفت جمال تکبر است و آفت حلم جدا است یا علی
چهار چیز است که ضایع میکند مال و ملک را و درویش میسازد کسی را
چیزی خوردن در حالت سیری و چراغ روشن کردن در روشنایی او
و زراعت کردن در زمین شوره و چیزی آموختن از کسی که آنچیز را نداند
یا علی آنکسی که فراموش کند صلوات فرستادن را بر من گم کرده است راه
بهشت را یا علی به پرهیز از سبب سجده کردن در نماز مکث نکردن در سجده
مگر بقدر نهادن کلاغ منقار خود را بر زمین بجهت برداشتن چیزی و
پرهیز از صید شیر یا علی در آوردن دستها تا مرفق در دهن اژدها آسان
تر است نزد من از چیزی طلبیدن از مخلوق یا علی نافرمانی مردمان
نزد حق تعالی آنکسی است که بکشد کسی را که خونی او نیست و بزند کسی را
که نزده است او را و آنکسی است که بکشد کسی را که خونی او نیست و
بزند کسی را که نزده که دوست دارد غیر حق تعالی و رسول و ائمه و مؤمنان
را پس کافر شده است بآنچیز که فرستاده است حق تعالی یا علی انگشتری
در دست راست کن بدرستی که فضیلت مقربان و نزدیکان درگاه

درگاه خدا در بهشت گفت امیر المؤمنین علی ع که یا رسول الله ص
انگشتری از چه چیز سازم آنحضرت گفت از عقیق سرخ بساز
بدرستی که عقیق سرخ حاصل شده است از کوهی که اول اقرار کرده است
بوحدانیت حق تع و بپیغمبری من و بوصی بودن تو و بامامت فرزندان
تو و ببهشت رفتن شیعیان تو و بدوزخ رفتن دشمنان تو یا علی حق تع نظر
کرد بدنیا پس برگزید مرا از دنیا و تفضیل داد بر مردان عالم باز نظر کرد بدنیا
پس برگزید ترا و تفضیل کرد بر مردان عالم باز عالم دیدم نام خود در چند موضع
پس از آن گرفتم بتو بجهت آن یکی آنکه چون رسیدم به بیت المقدس در شب
معراج دیدم که بر سنگی نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته
بوزیره و نصرته بوزیره یعنی تقویت کردم و یاری دادم محمد را ص بوزیر او و
پرسیدم از جبرئیل که کیست وزیر من جبرئیل گفت علی بن ابی طالب
ع دیگر چون رسیدم بسدرة المنتهی نوشته یافتم بر آنکه انی
انا الله لا اله الا انا وحدی صفوتی من خلقی ایدته بوزیره
ونصرته بوزیره پرسیدم از جبرئیل ع که کیست وزیر من گفت علی
بن ابی طالب دیگر چون گذشتم از سدرة المنتهی و رسیدم بعرش نوشته
یافتم بر ستونهای عرش که انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی
ایدته بوزیره ونصرته بوزیره یا علی طلب کردم از حق تع که چند
خصلت بتو بدهد پس قبول کرد حق تع از آنیکی آنکه اول کسی از
قبر بیرون آید با من تو باشی دیگر آنکه اول کسی که بایستد بر پل صراط

بامن

با من تو باشی دیگر آنکه اول کسی بپوشد از حلهای بهشت با من و زنده
شود با من تو باشی دیگر آنکه اول کسی که ساکن شود در علیین تو باشی
و علیین جاییست در آسمان هفتم در زیر عرش دیگر آنکه اول کسی که بیاشامد
از شراب بهشت با من تو باشی بعد از آن گفت حضرت پیغمبر ص سلمان فارسی
رحمة الله علیه که ای سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدای تع
میکنی و دعای تو مستجاب میشود و گناهان تو آمرزیده میشود و تمتع
و برخورداری دهاد ترا حق تع بعافیت تا وقت رسیدن اجل بعد از آن
گفت آنحضرت بابی ذر رحمة الله علیه که ای اباذر بپرهیز از طلب کردن
از مخلوق بدرستی که طلب موجب خواری و درویشی و احتیاج میشود
در دنیا و موجب طول حساب در آخرت یا اباذر زندگانی خواهی کرد
تنها و خواهی رفت ببهشت تنها و نیک بخت خواهند بجهت تو قومی از
اهل عراق که قیام نمایند بغسل دادن تو و تجهیز و تکفین و دفن کردن
تو یا اباذر چیزی از کسی طلب مکن و اگر چیزی بتو بدهند قبول کن
بعد از آن گفت رسول خدا ص باصحاب که آیا خبر دهم شما که کیست بدترین
شما اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که بدترین شما آنکسانند
که جیبی کنند و جدایی اندازند میان دوستان و عیب مردمان کنند

فصل چهارم در پند دادن حضرت رسالت پناهی ص ابن مسعود را
رضی الله عنه **گفت** عبد الله بن مسعود که روزی رفتم من با پنج کس
از اصحاب بخدمت رسول خدا ص و ما بسیار گرسنه بودیم و مدت چهار روز

بغیر از آب و شیر و برگ درخت چیزی دیگر نخورده بودیم گفتم یا ر
سول الله تا کی ما چنین گرسنه خواهیم بود آنحضرت گفت که همیشه
چنین گرسنه خواهید بود مادام که زندگانی کنید پس شکر بگویید
حق تعالی را بدرستی که من خوانده ام کتابی را که حق تعالی فرستاده است بر من
و کتابهای که فرستاده است بر پیغمبرانی که پیش از من بوده اند پس نیافتم
در این کتابها کسی را که ببهشت رود مگر آنکسانی را که صابر باشند یا ابن
مسعود حق تعالی فرموده است که إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ
یعنی جز این نیست که داده میشود مزد صبر کنندگان بی شمار یعنی اقدار
مزد میدهند با ایشان که در حساب و شمار در نمی آید و نیز گفته که
که أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه صابرون جزای ایشان
بهشت است بجهت آنکه صبر کردند بر مشقت و نیز گفته است که إِنِّي جَزَيْتُهُمُ
الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ یعنی بدرستی که من جزا میدهم
ایشان را امروز بر آنکه صبر کردند بر آید بدرستی که ایشان رسیدگانند
بمراد و نیز گفته است که وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا یعنی و جزا
دهد خدای تعالی ایشان را بسبب آنکه صبر کردند بوستانی که میوه از آن
بخورند و جامه ابریشم بهشت که بپوشند و نیز گفته است أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ
أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه که ایمان آورده بودند بکتاب
خدای تعالی که پیش از قرآن نازل شده بود و ایمان آوردند بقرآن
جزا داده میشوند دو بار بسبب آنکه صبر کردند و ثابت بودند بر ایمان

حود و نیز گفته است أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ
خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ یعنی آیا می پندارید ای
مهاجران که شما ببهشت میروید و حال آنکه نرسیده بشما مانند محنت
آنهایی که پیش از شما بودند یعنی پیغمبران و صدیقان و متابعان ایشان
و رسیده است با ایشان سختی و درویشی و بیماری و گرسنگی و نیز
گفته است که وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ یعنی هر آینه می آزماییم شما
را بچیزی اندک از بیم دشمن و گرسنگی بقحط و تنگی و نقصان بعضی
از مالهای که بتاراج حادثات میرود و نقصان در تنها ببیماری
و ضعف و پیری و نقصان میوه‌ها بآفات سماوی و ارضی یا مرگ
فرزندان که ثمره باغ دلند و بشارت ده صبر کنندگان را ببهشت پس گفتیم
یا رسول الله صابران کدام اند آنحضرت فرمود که صابران آنکسانند که
صبر کرده اند بر طاعت خدای تعالی و باز ایستاده اند از معصیت و کسب
کرده اند از وجه حلال و باعتدال نفقه کرده اند در وقت توانگری
و درویشی و بخشش کرده اند پس این جماعت رستگار شده اند و حاجت
ایشان بر آورده شده است یا ابن مسعود صابران آنکسانند که با خشوع
و وقار و سکینه و فکر باشند و ملایمت و عدل نمایند با مردم و تعلیم
گیرند از مردمان و بنظر عبرت متوجه شوند بچیزهای و تدبیر کنند در
امر و پرهیزکاری نمایند و احسان و نیکویی کنند و خود را دور دارند

ازکناه ودوستی ودشمنی ایشان برای خدا باشد وادای امانت
کنند وعدل نمایند در حکومت واقامت شهادت کنند وباری
نمایند اهل حق را وعفو کنند از کسی که برایشان ظلم کرده است یا بن
مسعود صابران انکسانند که وقتی که مبتلا شوند ببلایی صبر کنند ووقتی
که نعمتی بایشان برسد شکر کنند ودر حکم کردن عدل وراستی نمایند
وهرگاه سخنی کنند راست بگویند ووقتی که عهد کنند بآن عهد
وفا نمایند وهرگاه گناهی از ایشان در وجود آید استغفار کنند
وهرگاه نیکویی کنند خوشحال شوند وچون نادانان نسبت بایشان
سخنی بی ادبانه بگویند بایشان سخن سخت نگویند وملایمت کنند
وچون بکسی ندچیزی ناپسندیده تحمل کنند وصابران انکسانند که
شب روزی آورند برای پروردگار خود سجده کننده وبرپا ایستاده
یعنی مشغولی می نمایند بنماز ومیگویند بمردمان سخنان نیکو
یا بن مسعود بحق انکسی که فرستاده مرا بحق که این جماعت که مذکور شدند
صابرانند یا بن مسعود ایا کسی که گشاده است حق تعالی سینه او را
برای قبول اسلام وانقیاد فرمان ملت علام ومتابعت شید امام
ع چون کسی است که سینه او از قبول حق تنگ است پس ان گشاده
سینه بروشنی معرفت است از پروردگار خود بدرستی که نور ایمان
در دل در آید گشاده میشود دل ووسعت پیدا میکند کسی گفت
یا رسول الله این کس را علامتی هست انحضرت گفت که بلی علامت

او اینت

او اینت که میل نکند بدنیا که سرای غرور است ومیل کند باخرت
که سرای خلود است ومهیا باشد برای مردن پیش از رسیدن اجل
پس انکسی که دوری جوید از دنیا کم شود آن روی او در دنیا وبگذارد
دنیا را باهل دنیا یا بن مسعود حق تعالی فرموده است که لِیَبْلُوَکُمْ اَیُّکُمْ اَحْسَنُ
عَمَلاً یعنی دنیا واخرت را بیافرید تا بیازماید شما را وظاهر شود که
کدام یک از شما نیکوترند از روی عمل یعنی کدام از شما زهد او بیشتر
است در دنیا بدرستی که دنیا سرای غرور است وسرای کسی است
که او را سرائی نیست یعنی اعتباری ندارد وجمع میکند دنیا را کسی که او را
هیچ عقلی نیست بدرستی که بی عقل ترین مردمان انکسی است که طلب
دنیا میکند زیرا که حق تعالی فرموده است که اِعْلَمُوا اَنَّمَا الْحَیٰوةُ الدُّنْیَا
لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِینَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ فِی الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلا
کَمَثَلِ غَیْثٍ اَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ یَهِیجُ فَتَرٰیهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُونُ
حُطَامًا وَفِی الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِیدٌ یعنی بدانید ای طالبان دنیا
که زندگانی دنیا بازیچه وبیهوده است ورنج کشیدن در طلب متاع
دنیا چون لعب طفلان است در بازیهای بیحاصل ومفاخرت است
میان یکدیگر نیست باجاه ومباهات بر بسیاری مال وفرزندان پس
مثل اینها در سرعت زوال وزودی انتقال همچو بارانیست که بر زمین
تشنه ببارد وتخمها که در وست زود برو بد وسبز شود پس از روی
خوبی بشکفت آورد مزارعان را انچه رسته باشد از باران پس خشک گردد

بیکی از آفات سماوی یا ارضی پس بر بینی آن کیا را زود شده و بعد
از آن درهم شکسته و ریزه شده و در آخرت عذاب سخت است مر
ایشان را که همه عمر در طلب دنیا کذرانیده از حق فراموش کردند و نیز کفت
که وَآتَیْنَاهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا یعنی دادیم یحیی زهد در دنیا وقتی که طفل بود
و نیز کفته است حق تعالی موسی که ای موسی هیچ زینتی نزد من بهتر از زهد
نیست یا موسی هرکاه درویشی رو بتو آورد بکو خوش آمدی ای شعار
صالحان و هرکاه توانکری رو بتو آورد بکو کناهی کرده بودم که زود عقوبت
آن بمن رسید یا ابن مسعود حق تعالی فرموده است وَلَوْلَا أَنْ یَکُونَ النَّاسُ
أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ یَکْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُیُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّکِئُونَ
وَزُخْرُفًا وَإِنْ کُلُّ ذَٰلِکَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَیَوٰةِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّکَ
لِلْمُتَّقِینَ یعنی اکر نمیکشتند آدمیان یکروه با اختیار دنیا بر آخرت
هرآینه میکردانیدیم برای کسانی که ایمان نمی آورند بحق تعالی مر خانهای
ایشان را سقفها از نقره و نردبانها که بان بر بام خانهها برآیند و خود را
بنمایند و میساختیم برای خانهای ایشان از نقره درها و تختهای
که بران تکیه کنند و با وجود این ایشان را طلا هم دادیمی و نیست همه
انچه یاد کرده شد مکر برخورداری از زندکانی دنیا و نعمت آخرت نزد
پرودکار تو مر پرهیزکاری که از دنیا و متاع او اجتناب نموده اند
و نیز کفته است که مَنْ کَانَ یُرِیدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِیهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ
نُرِیدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ یَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

وسعی

وَسَعَىٰ لَهَا سَعْیَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِکَ کَانَ سَعْیُهُمْ مَشْکُورًا یعنی آنکسی
که خواهد نعمت این جهان را بدهیم در دنیا آنچه خواهیم از نعمتها بانکس که میخواهیم
از طالبان دنیا پس آماده کنیم برای او دوزخ را در آخرت پس درآید
بدوزخ در حالتی که مذموم باشد و دور باشد از رحمت خدای تعالی و هرکه
خواهد آخرت را و سعی کند برای آخرت آنچه حق سعی باشد یعنی اعمال نیکو
کند و حال آنکه او مؤمن باشد پس آنکروه را این صفت داشته
باشند که طلب آخرتست و اعمال نیکو و ایمان و سعی ایشان مقبول و
پسندیده است نزد خدای تعالی یا ابن مسعود اکر میخواهی خبر دهم ترا از
حال نوح ع بدرستی که او زندکانی کرد نهصد و پنجاه سال چون صباح
میشد میکفت بشب نخواهم رسید و چون شب میشد میکفت بصباح
نخواهم رسید و پوشش او از پشم بود و خوردنی او آرد جو بود و اکر میخواهی
شمه از حال داود ع بتو بکویم بدرستی که او خلیفه خدا بود در روی
زمین و لباس و پوشش او از پشم بود و خوردنی او آرد جو بود و اکر
میخواهی خبر دهم بتو از حال سلیمان ع با وجود آنکه پادشاه روی زمین
بود نان خود میخورد و نان میده بمردم میداد و پوشش او از پشم بود و
هرکاه شب میشد می بست دست خود را بر کردن خود و نماز میکرد
تا صبح و اکر خواهی خبر دهم بتو از حال ابراهیم خلیل ع بدرستی که لباس
او از پشم بود و خوردنی او نان جو بود و اکر میخواهی شمه از حال عیسی ع
بدرستی که حال او عجب تر بود میکفت که نان خورش من کرسنکی است

وشعار من ترس خداست ولباس من از پشم است وچهار پای
من پاهای منست وچراغ من در شب ماه است وآتشی که بآن گرم
میشوم در زمستان آفتابست ومیوه وریحان من گیاه است که از زمین
میروید ووحوش میخورند ودر صباح وشام مرا چیزی نیست وبا وجود
این نیست در روی زمین غنی تر از من یا ابن مسعود توانگر نیست کسی
که تنعم کند در دنیا ودر آخرت در دوزخ باشند میدانند ظاهر
حیات دنیا را وغافلند از آخرت بنا میکنند سراها وقصرهای محکم
وزینت میکنند بطلا نیست مثل ایشان مگر بدنیا وروی ایشان
بدنیاست واعتماد کرده اند بدنیا وشکم خود را می پرستند واز خدا
غافلند وحق تعالی گفته است در شان ایشان که وتتخذون مصانع
لعلکم تخلدون واذا بطشتم بطشتم جبارین فاتقوا الله واطیعون
یعنی فرا میگیرید کوشکهای محکم که گویا جاوید خواهید بود در آن
وچون سخت میگیرید مگیرید در حالتی که بی شفقت ونامهربان باشید
بترسید از خدای تعالی وفرمان برید ونیز گفته است در حق ایشان
که افرایت من اتخذ الهه هویه واضله الله علی علم وختم علی سمعه
وقلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا
تذکرون یعنی آیا چون می بینی آنرا که فرا گرفت خدای خود را او
از روی خود یعنی فرمان برداری آرزوی خود کند همچنانکه فرمان
برداری خدا می باید کرد وچون می بینی که گمراه ساخت حق تعالی او را

بجهت

بجهت دانستن که خدای تعالی است بر عاقبت آنکس ومهر نهاد بر گوش
که سخن حق نشنود ومهر نهاد بر دل او که تعقل آیات حق نکند و
بر چشم ایشان پوششی تا بنظر عبرت ننگرد پس کیست که راه نماید
این کس را بعد از فرو گذاشتن خدای تعالی او را آیا پند نمیگیرید یعنی
باید که پند بگیرید ومتنبه شوید یا ابن مسعود خدای تعالی فرموده است
که افرایت ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما کانوا یوعدون
ما کانوا یمتعون یعنی آیا دانستی که اگر برخوردار دهیم ایشان را سا
لها وزندگانی بخشیم پس بیاید مر ایشان را آنچه وعده داده شده از عذاب
ما دفع نکند از ایشان عذاب را آنچه بدان برخورداری یافته بودند یعنی
تمتع دنیا ونعیم آن رافع عذاب ومانع عقاب نخواهد بود یا ابن مسعود
اسلام در اول غریب بود یعنی مسلمانان در اول زمان اسلام کم
بودند وزود باشد که غریب شود همچنانکه در اول بود پس خوشحال
آنکسانی که مسلمان بودند در اول زمان اسلام ومسلمان خواهند
بود در آخر زمان اسلام پس آنکسی که در یابد آخر زمان را از فرزندان
شما باید که سلام نکند آن منافقان را که در آخر زمان باشند وحاضر
نشود بجنازه ایشان وعیادت نکند بیماران ایشان بدرستی که
ایشان بطریق شما سلوک میکنند همچنانکه شما میکنید وافعال
ایشان مخالف افعال شما خواهد بود پس ایشان خواهند بود
بغیر ملت اسلام پس ایشان از امت من نیستند ومن از ایشان

بترسم یا ابن مسعود باید که نترسد کسی غیر از حق تعالی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیدة
یعنی هر کجا باشید در یابد شما را مرگ و اگرچه باشید در حصارهای
محکم و نیز گفته است که یوم یقول المنافقون والمنافقات للذین
آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا
نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره
قبله العذاب ینادونهم الم نکن معکم قالوا بلی ولکنکم فتنتم
وتربصتم وارتبتم وغرتکم الامانی حتی جاء امر الله وغرکم
بالله الغرور فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة ولا من الذین کفروا
مأویکم النار هی مولیکم وبئس المصیر یعنی یاد کن ای روز را
که مردمان منافق و زنان منافقه مر آنکسانی را که ایمان آورده
اند که نظر کنید بما تا بگیریم از نور شما مؤمنان بایشان گویند
باز گردید باز پس خویش یعنی بدنیا روید پس بجویید نوری را
که در محشر کسب نتوانید نمود و از دنیا با خود باید آورد منافقان
فهم این معنی نکرده اند بتصور اینکه نور در عقب ایشان است
روی باز پس کنند پس فرشتها بحکم الهی بزنند میان منافقان
و مؤمنان دیواری بزرگ چون باره شهری که مر او را دری باشد
که مؤمنان بدان در آیند اندرون آن دیوار در رحمت بود
زیرا که نزدیک بهشت است و بیرون آن دیوار که طرف منافقانست

عذاب باشد زیرا که نزدیک دوزخ است اما منافقان چون باز پس
نگرند و نور نبینند باز متوجه مؤمنان شوند دیواری بینند میان
خود و ایشان از آن در بنگرند مؤمنان را آیا نبودیم ما با شما نماز در دنیا
میگذاردیم و بموافقت شما روزه میداشتیم گویند مؤمنان بلی با ما بودید
ولیکن در فتنه افکندید نفسهای خود را بسبب نفاق و لذت معاصی
و سزاوار عقوبت کشید و تاخیر کردید در توبه و شک آوردید
درینوقت حضرت پیغمبر ص و فریفته ساخت شما را آرزوهای شما
تا وقتی که آمد فرمان حق تعالی بقبض روح شما و فریب داد شما را بخدای
دنیای ناپایدار پس امروز فرا گرفته شود از شما چیزی که فدای خود
کنید و از عذاب برهید و فرا نگیرند نیز از ایشان که کافرند بدرستی
که جای ایشان و شما دوزخ بود و آتش سزاوارتر است بایشان
و شما و بد بازگشتی است آتش یا ابن مسعود بر ایشان باد لعنت حق تعالی
از من و از جمیع پیغمبران مرسل و فرشتهای مقرب و بر ایشان باد غضب
خدای تعالی و بدی حساب در دنیا و آخرت بدرستی که گفته است
حق تعالی که لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود
و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا وکانوا یعتدون کانوا
لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون تری
کثیرا منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم
انفسهم ان سخط الله علیهم وفی العذاب هم خالدون ولو

يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالنَّبِىِّ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ اَوْلِيَاءَ
وَلٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ یعنی لعنت کرده است خدا کافران از بنی اسرائیل
در زبور بزبان داود و در انجیل بزبان عیسی و این لعنت مر ایشان را بسبب آن
بود که نافرمانی کردند و از حد در میگذشتند و منع نمیکردند بعضی از ایشان
بعضی را از عمل زشت که میکردند بدرستی که بد چیز است آنچه ایشان میکردند
می بینی بسیاری از اهل کتاب را که از غایت حسد مسلمانان دوستی میکنند
با کافران هر آینه بد چیز است آنچه از پیش فرستاده برای ایشان نفسهای ایشان
و آن چیز خشم گرفتن خدای تعالی است بر ایشان و ایشان جاوید باشند
در عذاب و اگر بودی ایمان می آوردند بخدا و پیغمبر خود و بآنچه فرستاده شده
است بان پیغمبر هر آینه هر آینه نمیگرفتند کافران را بدوستی ولیکن بسیار
از منافقان بیرون رفته اند از دایرهٔ اسلام یا ابن مسعود عالمان و
فقیهان آن زمان خاین و فاسق و بدترین خلق خدا خواهند بود
و آن کسانی که تابع ایشان شود و بیایند نزد ایشان و از ایشان خبر
فرا گیرند و دوست دارند ایشان را و بنشینند با ایشان و مشورت
کنند با ایشان نیز بدترین خلق خدا خواهند بود حق تعالی ایشان را بدوزخ
خواهد فرستاد و ایشان کر و گنگ و کور خواهند بود جای ایشان
دوزخ است هرگاه ساکن شود زبانهٔ آتش فرو نشیند بر
افروزد حق تعالی آتش را و هرگاه سوخته شود یا پخته شود پوستهای
بدن ایشان بدل کند حق تعالی آن پوستها را بپوستهای دیگر تا

بخشند

بخشند عذاب را و چون در افکنده شوند در دوزخ بشنوند از دوزخ
آوازی مانند آواز دراز گوش یعنی چون ایشان را بدوزخ برند دوزخ
بفریاد آید و بجوشد و ایشان را در جوش آورد و نزدیک باشد که پاره
پاره شود دوزخ از خشم ایشان و هرگاه خواهند که بیرون آیند از دوزخ
باز گردانیده شوند در دوزخ و گفته شود مر ایشان را که بچشید عذاب
آتش سوزنده و مر ایشان راست دود دوزخ تا که ایشان در دوزخ میشوند
سختی که بدان شاد شوند یا ابن مسعود آنچه میرسد بامت من از جماعت
که گفته شد دشمنی و جدل است و این جماعت ذلیل و خوار خواهند شد
در دنیا بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که خوار خواهد کرد حق تعالی ایشان را و
بصورت بوزینه و خوک خواهد ساخت ایشان را گفت ابن مسعود که
در گریه شد رسول خدا صلعم و ما نیز در گریه شدیم بجهت گریهٔ آنحضرت
و گفتیم یا رسول الله چه چیز ترا در گریه آورد آنحضرت گفت رحم برین
بدبختان باعث گریه شد بدرستی که حق تعالی فرموده است وَلَوْ تَرَى
اِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ یعنی اگر ببینی ایشان را
وقت فزع و ترس با ایشان پس هیچ عذاب از ایشان فوت نشود و
گرفته شوند از جای نزدیک از روی زمین یعنی فرو روند بزمین
یا ابن مسعود آنکسی که قرآن و علم بیاموزد بجهت دنیا و زینت او حرام کرداند
حق تعالی بهشت را برا و آنکسی که علم بیاموزد بجهت ریا و برای آنکه مردم
بشنوند و قصد او از ان علم آن باشد که مال دنیا حاصل شود او را

برد حق تعم برکت را از وی و تنگ گرداند معیشت او را و اگذارد او را
بخودش و انکسی که حق تعم او را و اگذارد هلاک شود بدرستی که حق تعم
فرموده است که فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ
بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا یعنی پس هر که امید میدارد لقای پروردگار خود را
در آخرت پس باید که عمل صالحی پسندیده بکند و شریك نسازد در پرستش
پروردگار خود احدی را یا ابن مسعود بر تو باد که بترسی از حق تعم و
ادا کنی انچه واجب گردانیده است حق تعم بر تو بدرستی که خدای تعم
فرموده است که هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ یعنی خدای تعم
است سزاوار انکه ازو ترسید و سزاوار آمرزیدن ترسندگان و نیز
گفته است که رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ یعنی
خشنود باشد خدای تعم از صالحان و طاعت ایشانرا قبول کند و
خشنود باشند ایشان از خدای تعم بجهت دادن ثواب و بهشت ایشانرا
و ثواب و بهشت مر انکسانراست که بترسند از عقوبت پروردگار
خود یا ابن مسعود بپرهیز از انکه ترک کنی طاعت حق تعم را و معصیت
کنی بجهت شفقت بر اهل و بیت خود زیرا که حق تعم فرموده است که
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ
وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ یعنی ای مردمان بترسید از
عقوبت پروردگار خود و بترسید از روزی که دفع نکند عذابها

بدران

بیداران پسر خود و نه فرزند باز دارد از پدر خود چیزی را بدرستی که وعده خدا
بثواب و عقاب حق است و در ان خلاف نخواهد بود پس باید که فریب
ندهند شما را زندگانی دنیا و باید که مغرور نسازد شما را بعفو و کرم خدا
شیطان فریبنده یا ابن مسعود حذر کن از دنیا و لذتها و آرزوها و زینتهای او
و از حرام خوردن و از پیران و از نگاه داشتن اسبها و زنان و طلا و نقره
و ظرفهای پر طلا و نقره و از اسبان خوب و دیگر چهارپایان و از کشت
زار اینها که یاد کرده متاع زندگانی دنیاست و نزد حق تعالی است نیکویی
بازگشت و حق تعم فرموده است که بگو ای محمد باصحاب خود که ایا خبر دهم
شما را بر بهتر ازینها که گفته شد برای انکسانی که متاع دنیا را ترک کردند
بدرستی که نزد پروردگار ایشان بوستانهاست که اندك ازان بهتر است
از دنیا و انچه درو ست و میرود در زیر قصرها و درختان ان بوستانها
جویهای اب جاویدان باشند متقیان در ان بوستانها و مر ایشانرا جفتها
از حور و آدمی که پاکیزه اند از انچه زنانرا می باشد در دنیا و مر ایشانراست
خشنودی از خدای تعم و این از بهشت و نعیم او بهتر است و خدای بیناست
بر بندگان و احوال ایشان یا ابن مسعود فریفته مشو باین که حق تعم رحیم است
و مغرور مشو بعمل صالح و نیکویی و عبادت خود وقتی که قران میخوانی
چون برسی بایتی که در ان امر یا نهی باشد مگذر بخوان آن ایه را و فکر کن
در ان و عبرت بگیر و غافل مشو از ان آیه و سهو مکن بدرستی که نهی کردن
حق تعم دلالت میکند بر ترک معاصی و امر کردن حق تعم دلالت میکند

بنیکویی و عمل صالح بجا آوردن بدرستی که حق تعالی فرموده است که فکیف
إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
یعنی پس چگونه باشد حال ایشان آنهنگام که جمع کنیم ایشان را از برای حساب
روزی که هیچ شک نیست در وقوع آن روز و جزا داده شود هر نفسی را تمام
آنچه کسب کرده است و ایشان ستم دیده نشوند بنقصان حسنات و زیادتی
سیئات یا ابن مسعود هیچ گناه را حقیر مدان و اجتناب کن از گناهان کبیره بدرستی
که بنده چون نظر کند در روز قیامت بگناهان خود بریزد از چشمهای
او ریم و خون بدرستی که حق تعالی فرموده است که يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ
مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا یعنی
روزی که بیابد هر کسی از عمل کند که آنچه کرده است از نیکویی حاضر
کرده شده نزدیک خود و آنچه کرده باشد از بدی دوست دارد که باشد
میان او و میان آن عمل بدان اندازه دور یعنی نخواهد که مطلقا عمل خود را
ببیند یا ابن مسعود وقتی که بگویند بتو که بترس از خدای تعالی در
غضب مشو بدرستی که حق تعالی فرموده است وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ
أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ یعنی چون گویند مر منافقان را که
بترس از خدای بگیرد او را حمیت جاهلیت بارتکاب گناه پس بسنده
است مر او را جهنم یا ابن مسعود این گروه که در آخر الزمان خواهند بود
ظلم خواهند کرد بر نیکان و تحسین خواهند کرد فاسقان و فاجران را
حق تعالی نزد ایشان باطل خواهد بود و باطل نزد ایشان حق اینها همه از برای دنیاست

وایشان

و ایشان میدانند که حق نیستند و لیکن بیاراست شیطان برای ایشان
عملهای ایشان را پس بازداشت ایشان را از راه راست پس ایشان نمی یابند
راه حق را ایشان خشنود شدند بزندگانی دنیا و پسندیدند از او آرام
گرفتند بآن و حق تعالی فرموده است که آنکسانی که از آیات کتاب ما
غافلند جای ایشان دوزخست بجهت معاصی که کردند یا ابن مسعود
خدای تعالی فرموده است که آنکسی که یاد من نکند و یاد آخرت نکند
و از عقاب من نترسد و برحمت من امیدوار نباشد برگماریم برو شیطان را
پس آن شیطان مصاحب و دمساز و همنشین او باشد در دنیا و پیوسته
بوسوسه او اشتغال نماید و بدرستی که شیطان باز میدارد همنشینان
خود را از راه حق و گمان می برند آنکسانی که متابعت شیطان میکنند که
بسبب پیروی شیطان راه راست می یابند تا وقتی که بیایند نزد ما در
محشر پس بگوید بشیطان آنکسی که متابعت شیطان کرده بود و شیطان
مصاحب او بود که کاشکی میان من و تو دیواری بود باندازه آنکه میان
مشرق و مغرب است پس بد همنشینی تو یا ابن مسعود حذر کن از مستی
گناه بدرستی که گناه را مستی می باشد همچو مستی شراب بلکه مستی گناه
سخت تر است از مستی شراب بدرستی که حق تعالی گفته است صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ
فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ یعنی منافقان کر و گنگ و کورند پس ایشان باز
نمیگردند از این صفتها و بر همین وجه حشر خواهند کرد ایشان را و نیز
فرموده است که إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ

لَحْسَنُ عَمَلًا وَاِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا یعنی بدرستی که ما کرده ایم
انچیزیرا که بر زمین است از معدنیات و نباتات و حیوانات زینت و
آرایش مر اهل زمین را تا بیازمایم که کدام ایشان نیکوتر است بجهت عمل و بدرستی
که ما خواهیم کردانید انچیزیرا که بر روی زمین است از کوه و درخت و
بناها زمین هامون یعنی باخر این عمارتها را خراب خواهیم ساخت پس دل
برو منهید و بزینت ناپایدار او فریفته مشوید یا ابن مسعود دنیا ملعون است پس
دل برو منهید و بزینت ناپایدار او فریفته مشوید و انکسی که طلب دنیا
کند و دوست دارد دنیا را نیز ملعونست بموجب این کریمه که کُلُّ مَنْ
عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ یعنی هر کسی
که بر روی زمین است از صاحب روح فانی نیست خواهند شد و باقی
میماند ذات پروردگار تو که خداوند بزرگی و عظمت است و خداوند
کرامی ساختن بفضل و کرم خود هر کرا که مستحق آن باشد و این آیه
نیز مصدق این سخن که کل شیء هالك الا وجهه یعنی همه چیزها فانیست
مکر ذات حق سبحانه تعم یا ابن مسعود هر عملی که میکنی از روی اخلاص
بکن بجهت آنکه حق تعم قبول نمیکند از بندکان خود مکر عملی میکنی از
روی اخلاص بکن بجهت آنکه حق تعم قبول نمیکند از بندکان خود
مکر عملی را که از روی اخلاص باشد بدرستی که حق تعم فرموده است
که وَمَا لِاَحَدٍ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى اِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلَى وَلَسَوْفَ
يَرْضَى یعنی نبود هیچکس را نزد او سنتی که مکافات کرده شود لیکن

این

این کار کرد برای رضای پروردگار خود که بزرکتر است از همه چیز و نزد
باشد که خشنود کردد و برسد بثوابی که خدای تعم با او وعده کرده است
یا ابن مسعود بکذار نعمتهای دنیا و خوردن از او و شیرینها و کرم و سرد او را بخیر
خود بب از دنیا و لازم بنفس خود صبر کردن را از اینها بدرستی که در آخرت از
تو سؤال خواهند کرد از اینها همه چنانچه حق تعم فرموده است که وَلَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ
عَنِ النَّعِيمِ یعنی هر اینه پرسیده شوید در روز قیامت بوقت محاسبه از نعمتها
که بدان مشغول شدید یا ابن مسعود باید که مشغول نکرداند ترا دنیا و آرزوها
او از طاعت و عبادت بدرستی که حق تعم فرموده است که اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا
خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنَّكُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ یعنی آیا می پنداشتید شما از
بسیاری غفلت که ما شما را آفریدیم برای بازی و کمان بردید که بسوی
ما باز نمیکردید برای جزای اعمال یعنی شما را برای عبادت آفریدیم
و جزای اعمال شما مقرر کردیم یا ابن مسعود وقتی که عملی چیزی بکنی و آن عمل
قربة الی الله نباشد پس امید ثواب مدار بان عمل از خدای تعم
بدرستی که حق تعم فرموده است که فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَزْنًا
یعنی اقامت نخواهیم کرد برای اعمال کسانی عمل ایشان بصورت نیکو
نماید و از برای خدا نباشد روز قیامت ترازویی که بدان بسنجند
آن عملها را یا ابن مسعود وقتی که مدح کنند ترا مردمان و بکویند که تو
روز روزه میداری دوست بعبادت مشغولی می نمایی و حال
آنکه تو این کار نکنی خوشحال مشو زیرا که حق تعم فرموده است وَلَا

لا تحسبنّ الذین یفرحون بما اتوا ویحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا
فلا تحسبنّهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب الیم یعنی مپندار ای
محمد انان را که شادمان می باشند بانچه کردند از پوشیدن نعت تو ودوست
میدارند که ستوده شوند بانچه نکردند از اعمال نیکو که ایشان رستکار
میشوند از عذاب قیامت یا دنیا و مر ایشان راست عذاب دردناک
در روز رستخیز یا ابن مسعود عمل صالح و نیکوی بسیار بکن بدرستی که نیکو
کار و بدکار هر دو پشیمان خواهند بود در روز قیامت اما نیکو
کار خواهد کفت که کاشکی بیشتر نیکوئی نکردم و مصدق اینست
قول خدای تع که ولا اقسم بالنفس اللوامة یعنی خبر کرده شود آدمی
روز قیامت بانچه فرستاده است از اعمال و بانچه باز پس داشته
ست از اموال یا ابن مسعود میل مکن بدنیا و آرام مکیر با وجهت انکه
زود مفارقت خواهی کرد از دنیا بدرستی که حق تع فرموده است
که واخرجناهم من جنات وعیون وزروع ونخل طلعها هضیم
هضیم یعنی بیرون می آوریم ما ایشان را از بوستانها و از چشمه
سارها و خرماستانهای که شکوفه درختان وی تازه و لطیف است
یا ابن مسعود یاد کن قرنهای کذشته را و پادشاهان ظالم را که بیشتر
بوده بدرستی که حق تع فرموده است وعادا وثمودا واصحاب الرس وقرونا
بین ذلك کثیرا یعنی هلاك کردانیدیم قوم عاد را بسبب انکه
ایمان نیاوردند بهود عم وقوم ثمود اصحاب الرس وقرونا بین

ذلك

ذلك کثیرا یعنی هلاك کردانیدیم قوم عاد را بسبب انکه ایمان نیاوردند
بهود عم و قوم ثمود را بجهت انکه ایمان نیاوردند بصالح عم و اصحاب
رس را که پیغمبر خود را در چاه انداختند و کشتند و رس نام چاهیست
و اهل قرنهای بسیار را که بودند میان قوم عاد و ثمود و اصحاب رس که
جز خدای کسی ایشان را نداند یا ابن مسعود کناه مکن پنهان و اشکارا صغیره
و کبیره بدرستی که حق تع می بیند هر جا که باشی و خدای تع با تست پس
اجتناب کن از کناه یا ابن مسعود بترس از خدای تع پنهان و اشکارا و
در صحرا و دریا و شب و روز بدرستی که حق تع فرموده است که ما
یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی
من ذلك ولا اکثر الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی
من ذلك ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا یعنی نباشد سه تن راز کوینده
با هم مکر انکه خدای چهارم ایشانست و اطلاع دارد بر سخن ایشان و پنج راز
کوی باشد مکر انکه خدا ششم ایشانست و اطلاع دارد بر سخن ایشان
و پنج راز کوی باشد مکر انکه خدا ششم ایشانست و اطلاع دارد
بر سخن ایشان و نه پنج راز کوی باشد مکر انکه خدا ششم ایشانست نه
و نه کمتر باشد از سه عدد و نه بیشتر از پنج که راز کویند مکر انکه خدا با
ایشانست هر جا باشند در آسمان یا در زمین یا ابن مسعود شیطان را
خود بدان بدرستی که حق تع فرموده است که ان الشیطان لکم عدوا
فاتخذوه عدوا یعنی بدرستی که شیطان مر شما راست دشمنی است قدیمی

پس فرا گیرید شما هم مر او را بدشمنی و از وحی عوده در کارها بدو اعتماد
مینمایید و نیز در بن ابن حکایت کرده است از شیطان که ثم لآتینهم من بین
ایدیهم ومن خلفهم وعن شمائلهم ولا تجد اکثرهم شاکرین یعنی گفت
شیطان که پس بیایم از پیش ایشان یعنی در امر آخرت و گویم که نیست و
حشر و بهشت و دوزخ نیست و در آیم از پس ایشان یعنی از جانب دنیا و ایشان را
در جمع آن بیارایم و بیایم از جانب راست ایشان یعنی از جهت حسنات
و ایشان را در عجب و ریا اندازم و در آیم از چپ ایشان یعنی از جهت شهوات
و آن را در دل ایشان شیرین کردانم و نیابی تو که خداوندی بیشتر فرزندان
آدم را شکر گوینده و خدای تعالی گفته است بشیطان که قال فالحق والحق
اقول لاملان جهنم منک وممن تبعک منهم اجمعین یعنی گفت خدای
که راستی از منست و راست میگویم که هر آینه پر کنم دوزخ را از تو و از هر که
پی روی تو کند و از آدمیان و دیوان همه ایشان یابن مسعود باید که حرام نخوری
و حرام نپوشی و مال حرام بگیری و گناه نکنی و عاصی نشوی بدرگاه حق تعالی
بجهت آنکه خدای تعالی گفته است بشیطان که واستفزز من استطعت
منهم بصوتک واجلب علیهم بخیلک ورجلک وشارکهم فی الاموال
والاولاد وعدهم وما یعدهم الشیطان الا غرورا یعنی بلغزان و از راه
ببر از ذریت آدم ای شیطان هر کرا توانی لغزانیدن از فرزندان آدم باواز
خود یعنی خواندن بفساد و برانگیزان بر ایشان سواران و پیادگان خود را
یعنی دیوانی که یاری میدهند ترا در وسوسه همه را جمع کن در تسلط بر ایشان

و شرکت

شرکت کن با ایشان از مالها تا از حرام جمع کنند و در معصیت صرف نمایند
و در فرزندان نیز شریک شو تا از زنا حاصل کنند و وعده ده ایشان را
بچیزهای باطل چون انکار حشر و بهشت و دوزخ و وعده نمیدهد شیطان
ایشان را مگر بفریب یعنی خطا را در صورت صواب می نماید و نیز فرموده
که ولا تغرنکم الحیوة الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور یعنی پس باید که فریب
ندهد شما را زندگانی یعنی متاعهای دلفریب و زینتهای آن فریفته
مشوید و باید که مغرور نسازد شما را بکرم و عفو خدا شیطان فریبنده
یا ابن مسعود چیزی که نشنیده و ندیده مگوی بدرستی که حق تعالی فرموده است
ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل او
اولئک کان عنه مسئولا یعنی از پی مرو و چیزها که نیست ترا بآن
دانائی یعنی تا ندانی مگو دانستم و تا نشنوی مگو شنیدم و تا نبینی مگو
دیدم بدرستی که گوش و چشم و دل هر یک از اینها سوال خواهند کرد که چه
شنیدی و چه دیدی و چه دانستی و نیز گفته است که ستکتب شهادتهم
ویسئلون یعنی زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند
در قیامت از آن و نیز گفته است که اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین وعن
الشمال قعید ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید یعنی چون فرا گیرند
دو فرشته فرا گیرنده اقوال و اعمال بندگان را و بنویسند آن دو فرشته که
بر جانب راست و جانب چپ بنده نشسته اند و نگوید بنده هیچ سخنی
مگر آنکه نزد او نگاهبانی بود آماده که فی الحال بنویسد و نیز گفته است که

اِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
یعنی ما نزدیکتریم با آدمی از رگ جان وی یعنی دانائیم باقوال و افعال
وی یا ابن مسعود غم روزی مخور بدرستی که حق تعالی فرموده است وَمَا مِنْ
دَابَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا یعنی نیست هیچ جنبنده در زمین مگر
انکه بر خداست روزی ایشان و نیز گفته است که وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا
تُوعَدُونَ یعنی روزی شما در آسمان است و نیز گفته است که وَاِنْ يَمْسَسْكَ
اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
یعنی اگر برساند خدای تعالی بتو سختی چون مرض و درویشی هیچ باز دارنده
و برنده نیست از اومگر انکه و اگر برساند و اگر برساند بتو نیکویی چون توانگری
وصحت پس او بر همه چیز از بینا تواناست یا ابن مسعود دوست دار صالحان
را بدرستی که مرد مان در آخرت باکسی می باشند که دوست داشته
باشد او را در دنیا پس اگر قادر نباشی بر عمل نیکو دوست دار علما را بدرستی
که حق تعالی فرموده است که وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَاُولٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ اَنْعَمَ
اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّا
لِحِينَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِيقًا یعنی انکسانی که فرمان خدای برند و فرمان
برداری رسول کنند پس انگروه در روز قیامت با انکسان باشند که انعام
کرده است خدای بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان
و چه نیکو یند این جماعت همسایان یا ابن مسعود اختیار مکن بر ذکر حق
چیزی را بدرستی که حق تعالی فرموده است ولذکر الله اکبر یعنی هر آینه ذکر

خدای تعالی بزرگتر است از همه چیز و نیز گفته است که فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَ
اشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ یعنی مرا یاد کنید بعبادت تا من شما را یاد کنم بمغفرت
و شکر کنید نعمتهای مرا و ناسپاس مکنید و نیز گفته است وَاِذَا سَاَلَكَ
عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ یعنی چون بپرسند
از تو ای محمد بندگان من از معامله من با ایشان در وقت دعا پس من نزدیکم
اجابت میکنم دعای خواننده را و حاجت او را روا میسازم وقتی که بخواند مرا
و نیز گفته است که ادْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما
یا ابن مسعود باسکینه و وقار و خوش خلق و ملایم و پرهیزکار و مسلمان و
متقی و پاکیزه کار و پاک و راست و خالص و بی غش و بی عیب و درست
و عاقل و صالح و صابر و شاکر و مؤمن و عابد و زاهد و رحیم و عالم و فقیه باش
بدرستی که حق تعالی فرموده است اِنَّ اِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ اَوَّاهٌ مُنِيبٌ یعنی بدرستی
که ابرهیم بردبار بود و آه زننده و تاسف خورنده بر آدمیان و رجوع کننده
بحضرت عزت و نیز گفته است که وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْاَرْضِ
هَوْنًا وَاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا
یعنی بندگان خدای بزرگ ... انانند که میروند بر روی زمین از روی تواضع
و سکینه و وقار و بردبار و نیکوکار و چون خطاب کنند با ایشان نادانان و سخنی
بی ادبانه گویند با ایشان بگویند ایشان در جواب سخنی بگویند سالم از تعرض
و اعراض کنند از مجادله و انانند که شب روز می ارند برای پروردگار خود
سجده کننده و برپا ایستاده و نیز گفته است که قولوا للناس حسنا یعنی بگوئید

مر عامه مردمان را سخنی که مشتمل بر نیکویی باشد یا ابن مسعود باید که نباشی از
کسانی که راه می نمایند مردم را بخیر و امر میکنند ایشان را بآن و خود غافلند ازان
و عمل نکنند ازان بدرستی که حق تعالی فرموده است أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ
أَنْفُسَكُمْ یعنی ایا امر میفرمایید مردمان را بر نیکوئی و فراموش میکنید نفسهای خود را
یعنی باید که چنین نکنید یا ابن مسعود بر تو باد که نگاه داری زبان خود را بدرستی که
حق تعالی فرموده است که الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ یعنی امروز مهر می نهیم بر دهنهای ایشان و سخن گویند
با ما دستهای ایشان و گواهی دهند پای ایشان بانچه در دنیا کسب کردند
یا ابن مسعود بر تو باد که عبادت کنی پنهان یکی بدرستی که حق تعالی فرموده است
که يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ یعنی روزی که اشکارا شود
نهانیها پس نیست آدمی را هیچ توانائی تا از عذاب خود را باز دارد و نه یاری
که مدد کاری او منع کردد یا ابن مسعود بترس از روزی که برپا کرده شود تا
نهای اعمال بندگان و اشکارا شود رسوائیها بدرستی که حق تعالی فرموده است
که وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ
حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ یعنی وضع کنیم ترازوهای
عدل بجهت جزاء روز رستخیز پس ستم دیده نشود نفسی چیزی از حق خود
یعنی از نیک و بد عملی ناسنجیده بگذارند و اگر باشد عملی هم سنگ از
سپندان که خردترین دانهاست بیاریم ازو نزد تو ازان حاضر
سازیم و بسنده ایم ما بجهت حساب کردن عملهای بندگان یا ابن مسعود

نمیه

بترس از خدای و همچنان سلوک کن که گویا می بینی او را بدرستی که اگر نمی بینی
او را او ترا می بیند زیرا که حق تعالی فرموده است که مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ
وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ یعنی هر که بترسد
از خدای پنهانی و بیارد دلی بازگشته بحق پس این کس و امثال او را گویند
که در آیید به بهشت با ایمنی و سلامت این روز روز بقا و جاودانیست
زیرا که درین روز زوال نباشد یا ابن مسعود انصاف ده مردمان را از نفس
خود و نصیحت کن مردمان را و رحم کن بر ایشان پس هر گاه چنین باشی
و اهل شهری مستوجب غضب حق تعالی شوند و تو در ان شهر باشی و
خواهد حق تعالی که بر ایشان عذاب بفرستد نظر کند بسوی تو و رحم کند بر
ایشان بجهت تو و غضب نکند بدرستی که حق تعالی فرموده است وَمَا كَانَ
رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ یعنی نیست پروردگار
تو که هلاک کند اهل ان دههارا بظلم و حال انکه اهل ان مواضع بصلاح
آورنده باشند در میان یکدیگر کارها را یا ابن مسعود بر تو باد که راست
بگوئی و هرگز دروغ نگوئی و انصاف دهی مردمان را از نفس خود و نیکوئی
کنی و بخوانی مردمان را بر نیکوئی و صله رحم بجا آوری و مکر نکنی بمردمان
و وفا کنی بعهدی که بمردمان کرده باشی بدرستی که حق تعالی فرموده است
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی بدرستی که خدای تعالی
میفرماید براستی و بنیکوئی کردن و چیزی دادن بخویشان نزدیک

در ساختن بدنیان آنچه بدان محتاج باشند و نهی میکند از عمل زشت
و از فعلی که انکار کنند بر سازشان و از ستم کاری شنیده هید خدای
شما را بامر و نهی شاید که شما نیز کنید **فصل بیست و نهم** در وصیت
رسول خدا صلعم اباذر غفاری را رضی الله عنه **مصنف** کتاب میگوید
که گفته است بنده من فضل بن الحسن که این وصیت که کرده است رسول خدا صلعم
اباذر غفاری را خبر داده است مرا باین وصیت شیخ الوفا عبد الجبار بن عبد
المقری الرازی و شیخ اجل حسن بن حسین بن حسن بابویه رضی الله عنهما
و ایشان هر دو گفتند که نوشت برای ما این وصیت شیخ عالم حسن
بن فتح الواعظ الجرجانی در مشهد امام رضا ع باین وصیت شیخ عالم حسین
بن فتح الواعظ الجرجانی در مشهد امام رضا ع و گفت شیخ جرجانی که خبر
داد مرا شیخ ابو علی حسن بن محمد الطوسی و او گفت که خبر دادند مرا جماعتی
از ابو الفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن المطلب الشیبانی و او گفت که
خبر داد مرا ابو الحسن رجاء بن یحیی العبرتای الکاتب در سال داود
گفت که خبر داد مرا ابو الحسن رجاء بن یحیی که در سال سیصد و چهارده
از هجرت و او گفت که خبر داد مرا محمد بن حسن میمون و او گفت که خبر داد
مرا عبد الله بن عبد الرحمن الاصم از فضل بن یسار و فضل بن یسار روایت
کرده است از وهب بن عبد الله الهنائی پس خبر داد مرا ابوذر و گفت
روزی رفتم نزد رسول خدا و آنحضرت در مسجد بود و هیچکس در مسجد
نبود بغیر آنحضرت و امیر المؤمنین علی ع و امیر المؤمنین ع در پهلوی آنحضرت

دنشسته

نشسته بود پس غنیمت داشتم خلوت پس گفتم یا رسول الله پدر و مادرم
من فدای تو باد وصیتی کن مرا که نفع دهد خدای تعالی مرا بآن وصیت
آنحضرت گفت چنین کنم ای اباذر که امیدوارم ترا بدرستی که تو از اهل
بیت منی و من ترا وصیتی میکنم یاد گیر این وصیت را بدرستی که این وصیت
جامع جمیع چیزهاست پس اگر حفظ کنی این وصیت را از راه خطی کاملی
باشد و کافی باشد ترا **یا اباذر** عبادت کن حق تعالی را چنان که گویا تو
می بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را او ترا می بیند و بدانکه اول چیزی
که واجبست شناخت حق تعالی است باین طریق که پیش از همه چیز بود و هیچ چیز
پیش از او نبود و یگانه است و شریکی ندارد و همیشه خواهد بود و نیست
آسمان و زمین و آنچه در آسمان و زمین است و پیدا کننده آنهاست
و بر همه چیزها قادر و تواناست و بعد از آن واجبست ایمان آوردن بمن
و اقرار کردن باین که خدای تعالی پیغمبری فرستاده مرا بتمام خلقان که بشارت
دهم ایشان را ببهشت و رحمت خدای تعالی پیغمبری فرستاده مرا بتمام خلقان
که بشارت دهم ایشان را ببهشت و رحمت خدای تعالی و بیم کنم کافران و عاصیان
را از دوزخ و عذاب خدای تعالی و بخوانم بندگان را بپرستش حق تعالی
بیرهان و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود او و بعد از آن واجبست دوستی
اهل بیت من آنچنان اهل بیتی که دور گردانیده است خدای تعالی از
ایشان را از جمیع گناهان و بدان ای اباذر که حق تعالی گردانیده است
اهل بیت مرا در میان امت من همچو کشتی نوح هر که در آن کشتی نشست

از طوفان نجات یافت یا اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از
پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری را پیش
از درویشی و فراغت را پیش از مشغولی و زندگانی را پیش از مردن
یا اباذر بپرهیز از تأخیر کردن در کار خود با امید آنکه زنده خواهم
کرد انا بدرستی که زندگی امروز بجهت آنست که کار خود را بکنی و بجهت
آن نیست که کار خود را عقب اندازی پس اگر روز دیگر زنده باشی همچنان
باش که امروز بودی و اگر روز دیگر زنده نباشی پشیمان نخواهی بود از آن
کاری که کردی یا اباذر بسا کسان که در یابند اول روز را و باخر آن روز
نرسند یا اباذر انکسی که علم بیاموزد بجهت آنکه فریب دهد مردم را
در نیابد بوی بهشت را یا اباذر وقتی که بپرسند ترا از چیزی که ندانی
بگو نمیدانم تا نجات یابی از گناه و فتوی مده بانچه نمیدانی تا نجات
یابی از عذاب حق تعالی در روز قیامت یا اباذر خواهند دید جماعتی
از اهل بهشت جماعتی از اهل دوزخ را پس خواهند گفت بایشان که چکار
کردید که مستحق دوزخ شدید و حال آنکه ما مستحق بهشت شده ایم بجهت
ادب و علمی است که از شما فرا گرفته ایم پس آنجماعت بگویند که ما بجهت
آن مستحق دوزخ شدیم که امر میکردیم شما را بخیر و خود بآن عمل نمیکردیم یا اباذر
بدرستی که حقوق حق تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان قیام توانند نمود و نعمتهای
حق تعالی بیشتر از آنست که آنرا بندگان توانند شمرد و لیکن صبح و شام توبه
کنید یا اباذر بدرستی که در دنیا عمر تو کوتاه است و عملهای ترا می نویسد

ونکاه

و نگاه میدارند و مرگ ناگهان می آید وانکسی که تخم نیکی بکارد نیکی بدرود
وانکسی که تخم بدی بکارد ندامت و پشیمانی حاصل شود و هر که زراعت
کند بدرود آنچه کشته است و کسی حرص ندارد و بحظ خود میرسد و انکسی
که حرص دارد در نمی یابد آنچیزی را که مقدر نشده است از برای او و انکسی
نیکویی کند حق تعالی باو نیکویی کند و انکسی که نگاه دارد خود را از بدی
کردن حق تعالی او را نگاه دارد از بدیهای یا اباذر متقیان و پرهیزکاران
بهترین مردمانند و عالمان راه نمایند و نشستن با ایشان زیاده میکند
دانش را بدرستی که مومن می بیند گناه را همچو سنگ بزرگ که بر بالای سر خود
و می ترسد که آن سنگ بر بالای او بیفتد و کافر می بیند گناه را همچو پر
مگس که بنشیند بر بینی او یعنی باکی ندارد از گناه یا اباذر بدرستی
که حق تعالی وقتی که خواهد به بنده بدی محو کند از خاطر او گناه داشتن
اعمال بد را یا اباذر در وقتی که مومن گناه کند اضطراب بیشتر کند
از گنجشکی که در دام افتاده باشد یا اباذر بدرستی که مردمان محروم
میشوند از روزی بجهت گناه کردن یا اباذر بدرستی که حق تعالی خواهد
برد قومی ببهشت و اعتقاد چیزی از نعمتهای بهشت بایشان خواهد
داد که بر تنگ آیند و بالاتر از ایشان قومی باشند در درجات بلند
از بهشت چون نظر کنند آنجماعت باین قوم که در درجات بلندترند
نشناسند ایشانرا پس بگویند بار خدایا اینها برادران مایند
که در دنیا با ما بودند بچه تفضل کردی ایشانرا بر ما و مرتبه ایشانرا

بلند نوکردانیدی از مرتبه ما پس در جواب با ایشان بگوید هیهات هیهات
ایشان در دنیا گرسنه بودند و شب بر میخواستند وقتی که شما در خواب بودید و حج
و جهاد میرفتند و شما در آسایش بودید یا اباذر گردانیده است خدای تعالی
روشنایی چشم مرا در نماز و دوست میدارم نماز را همچنانکه دوست میدارد
گرسنه طعام را و تشنه آب را و گرسنه چون طعام خورد سیر میشود و تشنه چون آب
خورد سیراب میشود و من سیر نمیشوم از نماز یا اباذر انکسی که در شبانروزی
دوازده رکعت نماز بگذارد البته بهشت میرود یا اباذر مادام که تو در نمازی
میکوبی در خانه پادشاه جبار را و انکسی که در خانه پادشاه را بسیار بکوبد گشوده شود
از برای او یا اباذر هر مومنی که برخیزد و مشغول شود بنماز ریخته شود
برو ثواب وار و تا عرش پر از ثواب شود و موکل شود باو فرشته و منادی کند
و گوید ای فرزند آدم اگر بدانی که چه مقدار ثواب است ترا در نماز و بکه مناجات
میکنی برنگردی از نماز و ترک نکنی نماز گذاردن را یا اباذر خوشحال آنکسانی
که علمها برخواهند داشت روز قیامت و پیش از مردمان دیگر بهشت خواهند
رفت و آنجماعت آنکسانند که پیشتر از مردم دیگر بمسجد روند در سحرها و غیر
سحرها یا اباذر نماز ستون دین است و دین باو قایم است و صدقه محو میکند
گناه را و روزه سپریست که نگاه میدارد از آتش دوزخ یا اباذر تفاوت میان
درجات بهشت در بلندی و پستی اینقدر می باشد که تفاوت میان آسمان
و زمین بدرستی که بنده در بهشت بگشاید چشم خود را و نظر کند بدرجه بلند
تر از درجه خود پس بدرخشد نوری که ببرد روشنی چشم ترا پس بترسد

آن

آن بنده بجهت این و بگوید چه چیز است این حق تعالی بگوید این نور برادر تست
فلان پس آن بنده بگوید که ما با هم عمل میکردیم در دنیا پس چرا مرتبه او زیاده
است از مرتبه من پس بگویند عمل او بیشتر بود از عمل تو یا اباذر دنیا زندان مومن است
و بهشت کافر و مومنی صحیح در ره نیاید در دنیا مگر انکه اندوهگین باشد
و چگونه مومن اندوهگین نباشد و حال انکه حق تعالی وعده داده است و
ترسانیده است مومنانرا و گفته است که هر کس که هست از دوزخ خواهد
گذشت و نگفته است که مومن نخواهد گذشت از دوزخ و میرسد بمومن
بیماریها و مصیبتها و کارها که در خشم آورد او را و ظلم برو میکنند و انتقام نمیکند
بجهت انکه ثواب میخواهد از حق تعالی پس مومن همیشه در دنیا حزین و اندوهناک
تا وقتی که از دنیا برود پس وقتی مفارقت نماید از دنیا راحت می یابد
و بکرامت میرسد یا اباذر ثواب هیچ عبادت نزد حق تعالی برابر ثواب
بسیاری اندوه نیست یا اباذر انکسی که علمی داشته باشد که در گریه
نیاورد او را از ترس خدای تعالی آن علم نفع ندهد او را بدرستی که
حق تعالی ستایش کرده است علما را باین طریق و گفته است که اِنَّ الَّذِیْنَ
اُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ اِذَا یُتْلٰی عَلَیْهِمْ یَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ یَبْکُوْنَ وَیَزِیْدُ
خشوعا یعنی بدرستی که آنکسانی که داده شده است بایشان علم پیش
از نزول قرآن چون خوانده شود برایشان قرآن بیفتند بر ذقنهای
خود یعنی برو بیفتند در حالتی که سجده کنند کانند برای تعظیم
امر خدا و گویند پاک است پروردگار ما از خلاف وعده او بیکاد

ما کرده شده یعنی وافتند وسفتند در رویهای خود یعنی سجده
کنند وبجهت متاثر شدن از مواعظ قرانی بکویند وزیاده کند شدن
قرآن خضوع وفروتنی وترس ایشانرا یا اباذر اگر کسی را عملی باشد
مثل عمل هفتاد پیغمبر حقیر خواهد شمرد عمل خودرا روز قیامت وخواهد ترسید
که نجات نیابد از شر روز قیامت در میان جماعتی که ان گناه کرده باشند
پس آن بنده بکوید که در وقت کردن آن گناه می ترسید از حق تعالی پس
امرزیده شود یا اباذر بدرستی که بنده باشد که گناه کند وبسبب آن
گناه بهشت رود ابوذر میکوید که گفتم که پدر ومادر من فدای تو باد
یا رسول الله چگونه تواند بود که کسی بسبب گناه بهشت رود انحضرت گفت
که باین طریق که گناهی کند وبعد از ان پشیمان شود واشک ریزد چشمهای
او وتوبه کند از ان گناه وپناه جوید بحق تعالی پس خدای تعالی اورا بهشت
برد یا اباذر بحق انکسی که نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا برابر
پر پشه یا مکسی اعتبار میداشت نزد حق تعالی هرگز هیچ کافری شربت آبی
از دنیا نمیداد یا اباذر بدرستی که جبرئیل آورد نزد من خزینهای دنیا را
بر استر سفیدی وگفت ای محمد این خزینهای دنیاست ونقصان
نمیشود در قرب ومنزلت تو نزد حق تعالی اگر قبول کنی این را گفتم ای جبرئیل
ای دوست من حاجتی نیست مرا بدنیا میخواهم که گاهی سیر باشم وشکر
بکویم حق تعالی را خواهد هر بنده خود چیزی دانش میدهد اورا در دین
وبی میل میسازد اورا بدنیا وبینا میکرداند اورا بعیبهای خودش یا اباذر

هرشده

هرشده که ترک کند دنیا را ثابت کرداند حق تعالی علم وحکمت را در دل او وگویا
سازد زبان اورا بعلم وحکمت وبینا کرداند اورا بعیبهای دنیا ودرد و
دوای دنیا وبیرون برد اورا از دنیا بسلامت بهشت یا اباذر وقتی که ببینی
برادر مومن را که زاهد است در دنیا یعنی ترک دنیا کرده است پس
گوش کن از انچه میکوید بدرستی که هرچه میکوید حق است ابوذر میکوید
که گفتم یا رسول الله زاهدترین مردمان کیست انحضرت گفت که زاهدترین
مردمان انکسی است که فراموش نکند اهل قبر را ودر یاد مردن باشد و
ترک کند زینت دنیا را واختیار کند انچیزی را که باقی می ماند بر آن اخرت
بر انچیزی که فانی میشود که آن دنیاست ونشمرد فردا را از ایام عمر خود
وجزم نکند که فردا زنده خواهد بود وشمرد خودرا از مردکان یا اباذر سَبِّحْ
بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ یعنی
تسبیح بکو پروردگار خودرا تا وقتی که برسد ترا مرگ یا اباذر دوستی
مال وبزرگی بیشتر می برد دین مرد را از دو گرگ که عادت کرده باشد
بر بردن گوسفند از جائی که گوسفند می باشد وشب می برده باشد
گوسفند را چون صباح شود هیچ چیز باقی نماند از ان گوسفند گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله انکسانی که می ترسند وفروتنی وتواضع
دارند وبسیار ذکر میکوئید ایا ایشان پیشتر بهشت خواهند رفت
انحضرت گفت نی ولیکن درویشان که مسلمان باشند پیشتر خواهند
رفت بر بهشت بدرستی که درویشان قدم خواهند نهاد بر گردن

مردم وخواهند رفت ببهشت چون بدر بهشت برسند خازنان بهشت بگویند
بایشان که همچنان بجای خود باشید تا آنکه حساب شما بکنند ایشان بگویند
که چگونه حساب ما بکنند بحق خدای که ما پادشاهی نبودیم که ظلم و عدل
کرده باشیم ومالی نداشتیم که نگاه داشته باشیم وصرف کرده باشیم
ولیکن عبادت وپرستش حق تعالی میکردیم تا آنکه اجل ما رسید وحضرت
پروردگار خود را یا اباذر دنیا مشغول میگرداند دلها و بدنها را وخود و
حق تعالی سوال خواهد بود حال آنکسانی که فراغتها کرده باشند از وجه حرام
یا اباذر بدرستی که من طلب کردم از حق تعالی که بگرداند روزی آنکسی را
که دوست میدارد مرا بقدر که کفایت کند او را وبدهد بآنکسی که دشمن
میدارد مرا مال وفرزند بسیار یا اباذر خوشا حال آنکسانی که ترک کرده اند
دنیا را ورغبت کرده اند بآخرت وبساط ایشان زمین است وفرش ایشان
خاک است وبوی خوش ایشان آب است ومشغول بکتاب حق تعالی وبآن
عمل میکنند ودعا میکنند وترک کرده اند دنیا را یا اباذر کشت آخرت عمل
صالح است وکشت دنیا مال وپسران است یا اباذر بدرستی که پروردگار
من خبر داد مرا وگفت که بعزت وجلال من که درنمی یابند عابدان مرتبه
گریه کنندگان را بدرستی که من بنا کرده ام برای گریه کنندگان قصری در اعلی
علیین که شریک نیست بایشان در آن قصر هیچکس گفت ابوذر که گفتم یا
رسول الله کدام از مومنان عاقلند آنحضرت که عاقل آنکسی است
که بیشتر یاد مردن کند وبهتر مهیا باشد برای مردن یا اباذر وقتی

کدر

که در آمد نور در دل مومن دل وگشاده میشود گفت ابوذر که گفتم که
پدر ومادر من فدای تو باد یا رسول الله علامت این کدام است آنحضرت
گفت که علامت این بازگشتن است از کارهای بد ومتوجه شدن
بآخرت ودور شدن از دنیا که دار غرور است ومهیا شدن برای مردن
پیش از رسیدن اجل یا اباذر بترس از حق تعالی وچنین مباش که بترسد دل
تو از خدای تعالی وبنمائی بمردم که میترسی از خدای تعالی بجهت آنکه مردمان ترا اکرام
کنند یا اباذر باید که در هر کاری نیت کنی حتی خواب کردن وچیزی خوردن
یا اباذر اگر کسی را عمل هفتاد پیغمبر باشد اندک شمرد عمل خود را در روز قیامت
از سختی آنچه ببیند در آنروز واگر دلوی از خون وریم که از اندرون دوزخیان
بیرون می آید بریزند در مشرق هرآینه جوش آید از آن کاسهای سرکسانی
که در مغرب اند وچون آواز کند دوزخ در روز قیامت هیچ فرشته مقربی
وپیغمبری مرسلی نماند مگر آنکه بزانو در افتد وبگوید که پروردگارا نفس مرا نگاه
دار وهیچکس یاد کسی نکند وهمه کس بخود درمانند در آنروز تا آنکه فراموش
کند حضرت ابراهیم اسحق را وبگوید که پروردگارا منم خلیل تو ابراهیم فراموش مکن
مرا یا اباذر اگر زنی از زنان بهشت نمایان شود آسمان در شب تاریک هرآینه روشن
شود زمین از جهت او وبهتر از روشن شدن زمین بماه شب چهارده وبیابند
بوی خوش او را تمام اهل زمین واگر جامه از جامهای اهل بهشت را بیاویزند
روزی در دنیا بیهوش شود آنکسی که نظر کند در آنجا وتاب دیدن او نیارد
یا اباذر بلند مکن آواز خود را در وقت حضور جنازه ودر وقت جنگ کردن

با کافران و در وقتی که کسی قرآن میخواند یا اباذر هر گاه در عقب جنازه بروی
باید که در فکر آخرت باشی و با خضوع و خشوع باشی و بدانی که تو هم با او لا
حق خواهی شد یا اباذر دو رکعت نماز که کسی بگذارد از روی تفکر بهتر است
از عبادت شبی که دل او غافل باشد یا اباذر کسی کمال دانش وقتی پیدا میکند
که حقیر داند مردمان را در جنب حق تعالی و خود را از همه حقیرتر داند یا اباذر نمیرسی
بحقیقت ایمان تا نبینی مردمان را نادان در دین و عاقل را در کار دنیا یا اباذر
حساب کن گناهان خود را پیش از آنکه در قیامت حساب کنند گناهان
ترا بدرستی که این سبب آسانی حساب میشود در روز قیامت و مهیا باش
از برای قیامت و طاعت و عبادت کن بدرستی که روز قیامت اعمال بندگان
را تمام عرض خواهند کرد و هیچ چیز پوشیده نخواهند ماند بر حق تعالی
شرم دار از حق تعالی بحق آنکسی که نفس من در قبضهٔ قدرت اوست که وقتی که
میروم بغایط کردن می پوشم سر و بدن خود را بجهت آنکه شرم میدارم از آن
دو فرشته که با منند یا اباذر میخواهی که بهشت روی گفت ابوذر که گفتم بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت کوتاه کن امید را در دنیا و مرگ را برابر خود بدار
و شرم دار از حق تعالی چنانکه حق شرم است گفتم یا رسول الله همه ما شرم میداریم
از حق تعالی آنحضرت گفت شرم داشتن چنین نیست ولیکن شرم داشتن
از حق تعالی آنست که فراموش نکنی اهل قبور را و پوسیدن ایشان را و فراموش
نکنی شکم را و آنچه میخوری از طعام و آب و بدانی که آن حلالست یا حرام و آنکسی
که خواهد بزرگی آخرت را باید که بگذارد زینت دنیا را پس وقتی که چنین باشی

نزدیک

نزدیک میشوی بحق تعالی یا اباذر کسی که نیکوکار است اندک دعایی کافیست
او را همچنانکه طعام را اندک نمکی کافیست یا اباذر پروردگار تو مباهات
میکند بر فرشتها بسه کس یکی مردی که در بیابانی که هیچکس نباشد اذان
و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگذارد پس بگوید خدای عز فرشتها را که نظر
کنید بر بندهٔ من که نماز میگذارد در جایی که هیچکس ایشان را نمی بیند غیر از من
پس فرود آیند هفتاد هزار فرشته و نماز گذارند در عقب او و استغفار
کنند برای او از این روز تا روز دیگر و دیگر مباهات میکند بمردی که برخیزد
در شب و نماز گذارد تنها و بعد از آن نماز سجده کند و بخواب رود
و در سجده پس بگوید حق تعالی بفرشتها که نظر کنید بر بندهٔ من که روح او نزد
منست و بدن او در سجده است و دیگر مباهات میکند بمردی که در میان
گروهی بوده باشد که جهاد کنند با کافران پس آن گروه بگریزند و او ایستاده
باشد و جنگ کند تا آنکه کشته شود یا اباذر هر مردی که سجده کند بر موضعی
از زمین گواهی دهد آن زمین برای او در روز قیامت و هر منزلی که فرود
آیند قومی و شب در آنجا باشند چون صباح شود آن منزل صلوات بفرستد
بر ایشان اگر عبادت کرده باشند و اگر ترک عبادت کرده باشند لعنت کند
بر ایشان یا اباذر نیست صباح و شامی مگر آنکه مواضع زمین ندا میکنند
بعضی بعضی و میگویند بلی پس وقتی که بگوید آن موضع که بلی بجنبش در آید
آن موضع که پر سبزه است و شکافته شود و ببیند که آن موضع فضیلت
و زیادتی هست بر مواضع دیگر یا اباذر بدرستی که حق تعالی آفریده زمین را

واانچه در وست درختها نفع میرساند از زمین وانچه در وبود از درختها تا انکه
کفتند فاسقان بنی آدم که اتخذ الله ولدا یعنی فرا کرفت حق تعالی فرزند
یعنی عزیر ومسیح چون کفتند این کلمه را زمین در لرزه آمد وآن منفعت
وفایده رفت یا اباذر چون مؤمنی بمیرد زمین چهل صباح بر وی بگرید
یا اباذر در وقتی که بنده در بیابان که هیچکس نباشد پس وضو سازد
یا تیمم کند وبعد از ان اذان واقامت بگوید ونماز بگذارد امر کند حق تعالی
فرشتها که در عقب او نماز بگذارند پس صف کشند فرشتها در عقب او
همچنان صفی طرف او نمایان نباشد و رکوع کنند آن فرشتها وقتی که آن
بنده رکوع کند وسجده کند وقتی که او سجده کند وامین کویند وقتی که
او دعا کند یا اباذر انکسی که اقامت بگوید واذان نگوید نماز گذارند
با او ان فرشتها مگر آن دو فرشته که موکل اویند یا اباذر هر جوانی که ترک
دنیا کند و زینت او را برای خدا وبگذراند جوانی را در طاعت وعبادت
بدهد حق تعالی او را ثواب هفتاد ودو صدیق یا اباذر نشستن با کسی که صالح
باشد بهتر است از تنهایی وتنهایی بهتر است از نشستن با کسی که بد باشد
وسخن خیر کفتن بهتر است از خاموشی وخاموشی بهتر است از سخن بد کفتن
یا اباذر بدرستی که حق تعالی عالم است بر سخنان هر کس پس باید که بترسد از
حق تعالی وبداند که چه میکوید یا اباذر سخن زیادتی مکو واکتفا کن در سخن کفتن
با نچه حاجت تو بر آورده شود یا اباذر همین بس است از برای انکه کسی را دروغ
کوئی نکو بنده که هر چه بشنود بگوید یا اباذر نیست چیزی سزاوارتر بر بنده

از زبان

از زبان یا اباذر عمل چیزی نیست کسی را که زبان خود را نگاه ندارد یا اباذر
عیب مکن مردمان را ومدح مکو وطعنه مکن وستیزه وجدل مکن با مردمان
یا اباذر همیشه دوری بنده از حق تعالی زیاده میشود پس بداند که از کجاست
خوردن واشامیدن وپوشش او باز وجه حلالی یا از حرام یا اباذر انکسی
که باکی نداشته باشد که کسب مال کند از ممر حلال یا حرام باکی ندارد حق تعالی
از بردن او بدوزخ یا اباذر انکسی که خواهد که بزرکترین مردمان باشد
باید که پرهیزکاری نماید یا اباذر دوسترین شما نزد حق تعالی انکسی که بیشتر
ذکر کوید حق تعالی را ویاد حق تعالی کند وکرامی ترین مردمان نزد حق تعالی پرهیزکار
ترین شماست وانکسی که خواهد که نجات او از عذاب حق تعالی بیشتر باشد
باید که ترس او از حق تعالی بیشتر باشد یا اباذر بدرستی که متقیان انکسانند
که پرهیز کنند از چیزی که پرهیز کردن از و لازم نباشد از ترس اینکه مبادا
که در شبهه افتد یا اباذر انکسی که فرمان برداری حق تعالی کند بتحقیق
که در یاد حق تعالی است واکر نماز سنتی کم بگذارد وروزه سنتی کم بدارد
وکم بدارد وکم قرآن بخواند یا اباذر اصل دین ورع وپرهیزکاری است
وسر دین طاعت وفرمان برداری است یا اباذر پرهیزکار باش تا عابد
ترین مردمان باشی وبهترین کارهای شما پرهیزکاریست یا اباذر
فضیلت علم زیاده است از فضیلت عبادت وبدانکه اکر شما نماز بگذارید
تا انکه پشت شما همچو کمان خم شود وروزه بدارند تا انکه بدن شما همچو زه
کمان باریک شود فایده نمیدهد شما را این نماز وروزه بی پرهیزکاری

یا اباذر هر کسی که سه چیز با او نباشد در روز قیامت او زیان کار است گفت
ابوذر که گفتم پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله آن سه چیز کدام است
آنحضرت گفت پرهیزکاری که منع کند او را از آنچه که حرام کرده شده است
حق تعالی او را و حلمی که تحمل کند و درگذارند از جاهلان بی ادبی را و خلقی که
مدارا کند با آن با مردمان یا اباذر اگر میخواهی که باشی قوی ترین مردمان
باید که اعتماد تو با چیزی که در تحت تصرف حق تعالی است بیشتر باشد از
اعتماد تو با چیزی که در تحت تصرف تست یا اباذر اگر همه مردمان عمل کنند
بمضمون این آیه کافیست ایشان را و آن آیه اینست که وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ
لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ یعنی هر که بترسد از خدای تعالی و مرتکب مناهی نشود
بگرداند خدای تعالی برای او بیرون شدی و خلاصی یابد از اندوه دنیا
و آخرت و روزی دهد او را از جایی که گمان نبرد و در شمار در نیابد و
آنکس که توکل کند برای خدای و کار خود را بخدا گذارد پس کافیست خدا
او را در کفایت مهمات بدرستی که خدای رساننده است کار را بهر جا
که خواهد یا اباذر حق تعالی گفته است که بعزت و جلال من که آنکس که اختیار
کند آنچه را که من میخواهم و ترک کند آرزوی خود را غنی گردانم نفس او را
و چنان سازم که دل او در فکر آخرت باشد و من ضامن سازم برای روزی
او آسمان و زمین را و برطرف کنم تنگی معاش او را و غنی گردانم بر وجهی
که احتیاج تجارت هیچ تاجری نداشته باشد یا اباذر بنی آدم بگیرند از

روزی خود همچنانکه میگیرند از مردن هر آینه روزی ایشان میرسد بایشان
یا اباذر بیاموزم ترا کلمه چندی که فایده دهد ترا حق تعالی بآن کلمات گفت ابوذر
که گفتم بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که محافظت کن رضای حق تعالی را تا محافظت
کند خدای تعالی ترا و یاد حق تعالی کن در وقت خوشحالی تا آنکه حق تعالی متوجه تو شود
در حالت سختی و هرگاه خواهی از حق تعالی بطلب و اگر خواهی که طلب یاری
کنی طلب کن از خدای تعالی بدرستی که آنچه واقع خواهد شد تا روز قیامت نوشته
شده است در لوح محفوظ پس اگر تمام خلق جهد کنند که نفع و فایده رسانند بتو
بچیزی که نوشته نشده است برای تو قدرت نباشد بر آن و اگر جهد کنند که ضرر
رسانند بتو بچیزی که نوشته شده است قادر نشوند بر آن پس اگر استطاعت
و قدرت داری که عمل کنی که رضای حق تعالی در آن باشد و اگر قدرت نداری صبر کن
بدرستی که در صبر کردن بر چیزها که مکروه است خیر بسیار است بدرستی که نصرت
با صبر است و خوشحالی با اندوه است و خوشحالی با اندوه است و با هر دشواری
آسانی است یا اباذر طلب غنا کن از حق تعالی تا غنی گرداند خدای تعالی ترا گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله غنای که حق تعالی میدهد کدام است آنحضرت فرمود
که بمقدار چیزی که صباح و شام چیزی بخوری پس آنکسی که قناعت کند
بآنچه حق تعالی روزی او کرده است او غنی ترین مردمان است یا اباذر حق تعالی
گفته است که من قبول نمیکنم سخن کسی را که دانا باشد و لیکن نظر در نیت و
قصد او میکنم پس اگر یافتم که نیت او موافق رای منست میگردانم خاموشی
او را حمد و ثنای خود و اگر چه بزبان حمد نگوید یا اباذر حق تعالی نظر در صورتها

وسالهای شما نمیکند بلکه نظر بدلهای شما میکند یا اباذر تقوی اینجاست
واشارت بسینه مبارک خود کرد یا اباذر چهار خصلت است که نمی باشد
مگر در مومن خاموشی واین بهتر عبادتهاست وتواضع برای خدا وذکر خدای
تعالی در همه حال ومالی اندک داشتن یا اباذر قصد نیکوئی کن واگرچه نیکوئی
نکنی تا آنکه نشوند ترا از غافلان یا اباذر آنکسی که نگاه دارد فرج خودرا
از فسق ودهان وزبان خودرا از حرام بهشت دارد گفت ابوذر که گفتم یا
رسول الله ما مؤاخذ خواهیم شد بچیزی که بگوییم آنحضرت گفت ای اباذر
نمی اندازد مردمانرا در دوزخ مگر زبان ایشان بدرستی که تو همیشه بسلامتی
مادام که خاموشی هرگاه سخن گفتی پس اگر سخن نیکو گفتی ثواب می نویسد
برای تو واگر سخن بد گفتی گناه می نویسند برای تو یا اباذر بدرستی که آنکسی
که سخن بگوید در مجلسی بجهت آنکه مردمان بخندند بیندازد خدا اورا در جهنم
یا اباذر وای برآنکسی که سخن دروغ گوید بجهت آنکه مردم بخندند وای برو
وای برو یا اباذر آنکسی که خاموش باشد نجات می یابد پس اگر سخن
گنی بر تو باد که راست بگویی وآنکسی که دروغ بگوید بیرون نمیرود از
عقوبت دروغ گفتن هرگز گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله چیست توبه
آنکسی که دروغ گفته باشد آنحضرت گفت استغفار ونماز پنجگانه میشود
گناه اورا یا اباذر بپرهیز از غیبت کردن بدرستی که غیبت بدتر است
از زنا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله پدر ومادر من فدای تو باد غیبت
چرا بدتر است از زنا آنحضرت گفت بجهت آنکه اگر کسی زنا کرده باشد

توبه

توبه اورا قبول میکند واگر غیبت کند حق تعالی نمی آمرزد اورا تا آنکه آنکسی که
اورا غیبت کرده است بحل کند یا اباذر دشنام دادن مسلمان فسق است
وکشتن ایشان کفر است وغیبت کردن ایشان معصیت است وگرفتن
مال ایشان حرام است همچنانکه کشتن ایشان حرام است گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله غیبت کدام است آنحضرت فرموده که ذکر کردن برادر مؤمن
بروجهی که خوش نیاید اورا گفتم یا رسول الله اگر آن چیز در او باشد غیبت است
آنحضرت میگفت که بدان ای ابوذر که وقتی که بگوئی چیزی که در او نباشد
تهمت است یا اباذر آنکسی که منع کند کسی را از غیبت کردن برادر مسلمان
واجبست بر خدای تعالی که آزاد کند اورا از آتش دوزخ یا اباذر آنکسی که
غیبت کنند نزد او برادر مسلمانرا واو قدرت داشته باشد که یاری کند
اورا در دنیا وآخرت واگر یاری نکند وفرو گذارد وقدرت داشته
باشد بر یاری کردن فرو گذارد اورا در دنیا وآخرت یا اباذر سخن چین
بهشت نمیرود یا اباذر که سخن چینی کند خلاصی نمی یابد از عذاب حق
تعالی در آخرت یا اباذر آنکسی که دو رو ودو زبان باشد در دنیا او دو زبان
خواهد بود در آتش دوزخ یعنی عذاب او بیشتر خواهد بود یا اباذر
در مجالس با امانت باش یعنی سخنانی که در مجالس گفته شود که در جای
دیگر نباید گفت مگو یا اباذر فاش کردن سر برادر مؤمن خیانتست
پس اجتناب کن از آن واجتناب کن از رفتن بمجالس یا اباذر عرض
کرده میشود عملهای اهل دنیا در هفته دو روز دوشنبه وپنجشنبه

پس آمرزیده میشود گناهان بندگان مؤمن مگر گناه بنده مؤمنی
که میان او و میان مؤمنی دیگر دشمنی باشد پس بگوید حق تعالی که بگذارید
عمل این دو کس را تا وقتی که با یکدیگر صلح کنند یا اباذر منع میکنم ترا
از ماندن برادر مؤمن و اگر دوری ناچار و ضروری باشد دوری مکن
سه روز تمام پس آنکسی که دوری کند از برادر مؤمن سه روز تمام و بمیرد
درین سه روز دوزخ سزاوارتر است باو یا اباذر که بمیرد و در دل او
ذره از تکبر باشد در نیابد بوی بهشت را مگر آنکه توبه کند مردی گفت
یا رسول الله خوش می آید مرا که با زیب و زینت باشم تا آنکه دوست
میدارم که علاقه تازیانه من و بند نعلین من نیکو باشد آیا این تکبر است
آنحضرت فرمود که چگونه می یابی دل خود را عرض کرد گفت می یابم دل خود را
شناسای حق و آرمیده و مایل بحق آنحضرت گفت که این تکبر نیست تکبر آنست
که ترک کنی حق را و بگذری از حق و متوجه غیر حق شوی و نظر کنی بمردمان
و عرض و ناموس خود را بیشتر از عرض مردمان دانی و حرمت خون خود را
زیاده از حرمت خون دیگران دانی یا اباذر اکثر اهل دوزخ متکبران خواهند
بود مردی گفت یا رسول الله آیا برطرف می توان کردن تکبر را آنحضرت فرمود
که بلی بسبب پوشیدن پشمینه و سوار شدن بر درازگوش و دوشیدن گوسفند
و نشستن با مسکینان تکبر برطرف میشود یا اباذر آنکسی که بردارد متاع
خود را که خریده است از بازار و ببرد بخانه خود از تکبر خلاص میشود یا اباذر
آنکسی که بکشد جامه خود را بر زمین از روی تکبر نظر نکند حق تعالی باو در روز

قیامت یا اباذر زود باشد که مردمان پیدا شوند از امت من که متولد شوند
در میان نعمتها و غذای ایشان الوان نعمتها باشد و همت ایشان خوردن
طعامهای رنگ برنگ و شربتهای گوناگون باشد و تعریف میکرده باشند
که لباسهای نیکو پوشند و نپوشند بجهت تواضع حق تعالی و ذلیل و خوار کرده اند
نفس خود را و صرف کند در غیر معصیت مالی را که جمع کرده است و رحم کند
بر آنهایی که خوار میکنند و مصاحبت کند با اهل علم و حکمت حق تعالی ببرد
او را به بهشت یا اباذر خوشا حال کسی که با صلاح باشد باطن او و نیکو باشد
ظاهر او و دور گرداند از مردمان شر خود را یا اباذر خوشا حال کسی که عمل
کند بعلم خود و صرف کند مالی را که زیاده از معیشت اوست و نگاه دارد
زبان خود را از سخنان بی فایده یا اباذر گاهی جامه درشت بپوش و گاهی
جامه نازک و دایم جامه نازک مپوش تا تکبر بتو راه نیابد یا اباذر در آخر الزمان
قومی پیدا شوند که پشمینه بپوشند در تابستان و زمستان بجهت آنکه مردمان
با ایشان اعتقاد پیدا کنند این گروهند که لعنت میکنند بر ایشان فرشتهای
آسمان و زمین یا اباذر خبر دهم ترا که اهل بهشت کیست گفتم بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت اهل بهشت کسی است که ژولیده موی و گردآلود باشد و
جامهای کهنه پوشیده باشد بجهت آنکه اهمیت و عظمت نداشته باشد
در نظر مردم و اگر سوگند خورد بخدای تعالی راست گرداند سوگند خود را گفت
ابوذر رحمة الله علیه که روزی رفتم نزد رسول خدا صلعم و آنحضرت در مسجد
تنها نشسته بود خلوت را غنیمت دانستم پس آنحضرت گفت یا اباذر بدرستی

که مسجد را تحیتی است و تحیت مسجد کدام است آنحضرت گفت مسجد دو رکعت نماز
است بعد از آن متوجه آنحضرت شدم و گفتم یا رسول الله امر کردی مرا بنماز
پس چیست نماز آنحضرت گفت پس نماز چیزیست که خدای تعالی وضع کرده است
پس آنکسی که میخواهد کم میگذارد و آنکسی که میخواهد بسیار میگذارد گفتم یا رسول الله
کدام عمل از عملهای بنی آدم بهتر است نزد حق تعالی آنحضرت گفت که ایمان آوردن بحق
تعالی و بعد از آن جهاد کردن در راه خدا گفتم ایمان کدام مؤمن کاملتر است
آنحضرت ع گفت که ایمان آنکس کاملتر است که خلق او بهتر است گفتم کدام مؤمن
فاضلتر است آنحضرت گفت که آنکسی که مردمان سالم باشند از دست و زبان
او گفتم دور بودن از چه چیز فاضلتر است آنحضرت گفت که از بدی گفتم کدام
وقت از شب فاضلتر است آنحضرت گفت نصف آخر شب گفتم کدام نماز فا
ضلتر است آنحضرت گفت نمازی که قنوت او بیشتر باشد گفتم کدام صدقه
فاضلتر است آنحضرت گفت پنهانی صدقه دادن کسی که مال اندک داشته باشد
گفتم کدام زکوة فاضلتر است آنحضرت گفت که جهاد آنحضرت گفت آنچه بهای او
بیشتر باشد و نفیس تر باشد گفتم کدام فاضلتر است آنحضرت گفت که جهاد
آنکسی که اسب او پی کرده باشند و خون او ریخته شود گفتم کدام آیت از آیتهای
قرآن بزرگتر است آنحضرت گفت آیة الکرسی گفتم یا رسول الله صحف ابراهیم
چه چیز بود آنحضرت گفت مثلها بود و از جمله مثلها اینست که ای پادشاه
که مبتلی شده بپادشاهی مغروری که نفرستادم ترا که جمع کنی دنیا را و لیکن
فرستادم ترا که رد کنی از من دعای مظلوم را بدرستی که رد نمیکنم من دعای مظلوم

راواکر

٣٣٦

واگر چه آن مظلوم کافر یا فاسق باشد و مثل دیگر اینست که واجبست
بر عاقل که در هر شبانروزی ساعتی مناجات کند بپروردگار خود و
ساعتی فکر کند در مصنوعات حق تعالی و ساعتی حساب نفس خود کند
در آنچه گذشته است و در آنچه می آید و ساعتی مشغول شود بخوردن و آشامیدن
از وجه حلال و نیز بر عاقل واجبست که سفر نکند مگر بجهت سه چیز برای توشه
آخرت و برای معاش و برای لذتی که حرام نباشد و نیز واجبست بر عاقل
که بینا باشد بزمان یعنی اوقات خود را بعبث صرف نکند و متوجه باشد
بکار خود و نگاه دارد زبان خود را و آنکسی که سخن کردن را از جمله اعمال
داند سخن نکند در چیزی که ضرورت باشد گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
صحف موسی ع چه چیز بود آنحضرت گفت که تمام چیزهائی بود که مردمان بآن
عبرت میگرفتند و از جمله آنها اینست که عجبست از کسی که بیقین میداند
که دوزخ هست و میخندد و عجبست از کسی که بیقین میداند که میمیرد و
خوشحالی میکند و عجبست از کسی که بیقین میداند دنیا و گردش او را بسبب
باهل دنیا و تغیرات آنرا و آرام و قرار میگیرد در دنیا و عجبست از کسی که
بیقین میداند که حساب خواهد بود در روز قیامت و عمل نیکو نمیکند و
گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله آیا از چیزهائی که حق تعالی بر تو فرستاده است
در صحف ابراهیم و موسی هست آنحضرت فرمود که مضمون این آیتها هست
که قد افلح من تزکی وذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا والآخرة
خیر وابقی انّ هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم وموسی یعنی

بدرستی که رستگاری یافت آنکه پاک شد از کفر و معصیت و نام پروردگار
خود را بدل و زبان خود بسیار یاد کرد بلکه شما اختیار میکنید زندگانی دنیا
را و آخرت بهتر و پاینده تر است بدرستی که این سخن در صحیفهای پیشینست
که پیش از قرآن نازل شده که آن صحف ابراهیم و صحف موسی است گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله وصیتی کن مرا آنحضرت گفت که وصیت میکنم
ترا بتقوی و پرهیزکاری بدرستی که بدرستی که تقوی بهترین همه نیکوییهاست
گفتم یا رسول الله زیاده کن وصیت آنحضرت گفت که بر تو باد که قرآن بخوانی
و ذکر حق تعالی بگویی بدرستی که قرآن خواندن و ذکر گفتن موجب ذکر تست
در آسمان و نور تست در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت
که بر تو باد که جهاد کنی بدرستی که جهاد بهترین عملهای امت منست
گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت که بر تو باد که خاموش باشی
مگر از سخن خیر بدرستی که خاموشی دور میکند شیطان را از تو و یاری
میدهد ترا در امور دین گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت بپرهیز
از خنده کردن بسیار بدرستی که می میراند دل را و می برد نور و صفای
رو را گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت که نظر کن با کسی که
از تو درویش تر است و نظر مکن با کسی که از تو غنی تر است بدرستی
که این موجب آنست که شکر بگویی نعمتی را که حق تعالی بتو داده است
و چون حق تعالی را شکر بگویی نعمت خود را از تو باز نگیرد گفتم یا رسول
الله زیاده کن آنحضرت گفت که صله رحم بجا آر با خویشان خود و اگر

چه ایشان نسبت بتو صله رحم بجا نیارند و دوست دار درویشان را
و بسیار با ایشان بنشین گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت سخن
حق بگو و اگر چه تلخ باشد گفتم یا رسول الله زیاده کن گفت مترس در راه
خدا از ملامت کردن مردمان ترا گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت
که باید که عیب نکنی مردمان را بچیزی که آن چیز در تو باشد و همچنین بس
است در نادانی کسی که عیب مردمان را میداند و عیب خود را نمیداند
گفت ابوذر که آنحضرت دست بر سینه من زد که یا اباذر نیست عقلی مانند
تدبیر **فصل ششم** در اختیارات ایام برای کارها درست
از امام جعفر صادق ع که روز اول از هر ماه نیکوست برای دیدن
امرا و طلب کردن حاجتها و خرید و فروخت و زراعت و سفر روز دوم
از هر ماه نیکوست برای دیدن طلب حاجتها و سفر کردن روز سیوم
ماه بد است و برای هیچ کار نیکو نیست روز چهارم ماه برای نکاح
کردن نیکو است و مکروه است سفر کردن در آن روز روز پنجم ماه
نحس است و بد است برای جمیع کارها روز ششم ماه مبارک است و
نیکوست برای نکاح و طلب حاجت روز هفتم مبارک است برای هر چه
خواهد روز هشتم ماه برای حاجت بغیر سفر روز نهم نیکوست برای
هر چه اراده کند هر کس سفر کند مال بسیار حق تعالی روزی کند خیر بیند
روز دهم نیکوست برای همه حاجتها بغیر دیدن سلطان و اگر کسی بگریزد
گرفتار شود و در این روز خرید و فروخت نیکوست و اگر بیمار شود

صحت یابد یازدهم نیکوست برای خرید و فروخت و سفر و همه حاجتها
بغیر رفتن نزد سلطان و پنهان شدن خوبست دوازدهم مبارکست
طلب حاجت کردن بهر سنی که درین روز برآورده میشود سیزدهم نحس است
هیچ کار نباید کرد پرهیز کنید از جمیع کارها چهاردهم نیکوست برای
حاجتها و کارها پانزدهم نیکوست برای هر حاجت بهر سنی که درین
روز حاجتها بر می آید شانزدهم نحس است برای همه کارها هفدهم نیک است
طلب کنید آنچه میخواهید و نکاح کردن و زراعت و خرید و فروخت
بنا نهادن نزد سلطان رفتن برای حاجت مبارکست هجدهم مبارکست
طلب حاجت و صفر و انکسی که جنگ کند با دشمن غالب شود بقدرت حق
نوزدهم نیکوست برای کارها و تولد فرزند درین روز مبارکست بیستم
برای طلب حاجت و سفر و بنا نهادن و عروسی و نزد سلطان رفتن مبارکست
بیست و یکم روز نحس است روز بیست و دوم مبارکست برای خرید و فروخت و
ملاقات سلطان و صدقه دادن و سفر کردن روز بیست و سیم نیکوست برای نکاح
و تجارت و نزد سلطان روز بیست و چهارم روز نحس و شوم است روز بیست و پنجم بد است
حذر کن از همه کارها روز بیست و ششم نیکوست برای هر حاجتی بغیر نکاح و سفر
و درین روز صدقه دادن نیکوست روز بیست و هفتم نیکوست برای حاجتها و کارها و
ملاقات سلطان روز بیست و هشتم میانه است روز بیست و نهم مبارکست برای همه حاجتها
بغیر از کتابت و انکسی که بیمار شود صحت یابد و اگر سفر کند مال بسیار باو برسد
و اگر بنده گریخته باشد پیدا شود روز سیم نیکوست برای هر کاری و هر حاجتی

از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و اگر بیمار شود صحت یابد و اگر فرزندی متولد
متولد شود حلیم و راستگو و وفادار باشد دیباچه آنچه میباید خواند در عقب
هر نماز فریضه و فی که مضطر شود ضرور باشد توجه نمودن بکاری یکی ازین
روزها که منع شده امام جعفر ع میفرماید این دعا از جمله دعاها فرج است
دعا اینست لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اُفَتِّحُ بِهَا كُلَّ كُرْبَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَفْتَحُ بِهَا كُلَّ بَابٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَعِينُ بِهَا
عَلَىٰ كُلِّ شِدَّةٍ وَمُصِيبَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَعِينُ بِهَا عَلَىٰ كُلِّ اَمْرٍ
يَنْزِلُ بِي لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَعْتَصِمُ بِهَا مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ اُحَاذِرُهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَوْجِبُ بِهَا الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالرِّضَا مِنَ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ يُفَرِّقُ اَعْدَاءَ اللهِ وَغَلَبَ حُجَّةُ اللهِ وَبَقِيَ وَجْهُ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَرَبَّ
الشُّعُورِ الْمُتَمَعِّطَةِ وَرَبَّ الْجُلُودِ الْمُتَمَزِّقَةِ وَرَبَّ الْعِظَامِ النَّخِرَةِ وَرَبَّ السَّاعَةِ
الْقَائِمَةِ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ وَافْعَلْ بِي ذٰلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ آمِينَ آمِينَ
رَبَّ الْعَالَمِينَ فصل هفتم در خاتمه کتاب چون افتتاح کردم این
کتاب را بخطبه امیر المؤمنین علی ع بجهت تیمن و تبرک و بجهت آنکه این
خطبه مشتمل بود بر جمیع آداب و اخلاق و خواستم که ختم کنم این کتاب
را بخطبه دیگر از امیر المؤمنین ع که روشن مومنان و پرهیزکاران از وی
معلوم میشود بجهت آنکه این خطبه بهترین پیشوایانست برای کسانی

که پیروی او کنند روایتست که یکی از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علی ع که نام
او همام بود روزی با میرالمؤمنین علی ع گفت صفت کن برای من متقیان
و پرهیزکاران را بر وجهی که خوب ظاهر شود احوال ایشان بر من انحضرت بعد از
ساعتی گفت که ای همام بدرستی که خدای تع با کسانیست که پرهیزکار و نیکوکارند
همام قناعت نکرد و قسم داد بانحضرت که صفت کند متقیان را پس حضرت حمد کرد
خدای تع و صلوات فرستاد بر پیغمبر بعد از ان گفت بدرستی که حق تع افرید خلق را
و بی نیاز است از طاعت ایشان و ایمن است از معصیت ایشان بجهت انکه ضرر نمیرسد بحق تع
از نافرمانی ایشان و نفع نمیدهد طاعت انکسانی که فرمان برداری کنند پس قسمت
کرد روزی ایشان را و تعین کرد از دنیا مکان خلقان پس متقیان درین دنیا اهل
فضل اند و سخنان ایشان راست و لباس ایشان میانه است نه خوب و نه بد و راه رفتن
بطریق تواضع و پوشیده اند چشمهای خود را از انچه حرام است و سختی و خوشحالی
پیش ایشان یکسانست و اگر نبودی اجلی که مقرر شده بر ایشان قرار نگرفتی
روح در بدن ایشان بجهت شوق ثواب و ترس از عقاب بزرگ است حق تع
نزد ایشان پس خورد است انچه غیر حق تع است در نظر ایشان گویا ایشان بهشت
را می بینند و در بهشت تنعم میکنند و گویا که دوزخ را مشاهده میکنند و در دوزخ
معذب اند دلهای ایشان اندوهگین است و مردمان از بدیهای ایشان
ایمنند و بدنهای ایشان ضعیف و لاغر و حاجتهای ایشان اندک و نفسهای
ایشان پاک است از گناه و یاری کردن ایشان در اسلام بسیار است
صبر کرده اند روزهای دنیا که اندکست که راحت بسیار بیابند و در آخرت

میسر

میسر گردانیده است حق تع برای ایشان تجارتی را که سود کننده است
میخواهد دنیا ایشان را و ایشان دنیا را نمیخواهند و دنیا میطلبد ایشان را
و ایشان را عاجز گردانیده اند دنیا را و اسیر کرده است دنیا ایشان را و ایشان
باز خریده نفسهای خود را و حاصل میکنند از قرآن دوای درد خود را چون
برسند بایتی که دران شوقی باشد میل کنند بان بجهت رحمت و نزدیک باشد
که براید جان ایشان از شوق آن رحمت و گمان برند که آن پیش چشم ایشان است
و چون برسند بایتی که دران ترسی باشد دلهای خود را متوجه آن سازند
و گمان برند که ناله دوزخ در گوش ایشان است پس ایشان دوتا شوند
و بزرگی یاد کنند پروردگار را و بر زمین نهند پیشانی و دستها و زانوها
و انگشتان پای خود را و طلب کنند از حق تع خلاصی خود را از اتش دوزخ
و اما در روز حلیمان و دانایان و نیک مردان و پرهیزکاران باشند
و ضعیف ساخته باشد ایشان را ترس حق تع که کسی که نظر کند بایشان گمان
برد که ایشان بیمارند و حال ایشان بیمار نباشند و اگر کسی که نظر کند بایشان
بگوید که ایشان دیوانه اند و حال انکه دیوانه ساخته است امر عظیمی که آن
غم آخرت است و راضی نباشند از عملهای خود باندک و هرچند عمل خیر
کنند در نظر ایشان نمیاید و ایشان نفس خود را متهم سازند و گویند که
عمل نیک نکردی و از عملهای خوب نترسید و چون مدح گویند ایشان را بترسند
ازانچه گفته شود در حق ایشان و بگویند ما دانا تریم بنفس خود از غیر و پروردگار
دانا تر است از ما بنفس ما بار خدایا مگیر ما را بانچه میگویند در حق ما و بگردان

ما را هنوز از آن چه گمان می برند و بیامرزد گناهانی را که ایشان نمیدانند
که دانای عیبها و پوشنده عیبها پس از علامت ایشان آنست که بر سینی
ایشان را که قوتی داشته باشد و ضبطی داشته باشد در حلم و میانه روی
کنند در غنی و توانگری و ترس داشته باشند در عبادت و توانگری نمایند
خود را در درویشی و صبر کنند در سختی و طلب حلال کنند و شادی کنند
بجهت یافتن راه راست و ایشان شکر باشد و صباح و قصد در شام قصد ایشان ذکر
باشد شب بروز آورد ترسناک و صباح بسبب فضل و رحمتی است
که بایشان رسیده و فرمان برداری نفس نکنند در آنچه دوست میدارد
نفس از دوستی چشم ایشان در عملها نیست که برای آخرتست و رغبت
ندارند در چیزی که باقی نمی ماند که آن امور دنیویست و ترسناکست
دل ایشان و قانع است نفس ایشان و اندکست خورش ایشان و آسانست
کار ایشان و محفوظست دین ایشان و مرده است شهوت ایشان و
فرو خورده اند خشم را کراست شر ایشان و بیاراست خیر ایشان و صادق
است قول ایشان و امیدوارند مردمان از خیر ایشان و ایمنند از شر
ایشان و اگر در میان غافلان باشند ذکر میگویند و نوشته میشوند
از زمره ذاکران و اگر در میان ذاکران باشند ایشان نیز ذکر میگویند
و نوشته نمیشود از جمله غافلان عفو کنند از آن کسی که ظلم کند بر ایشان
و چیزی بدهند بانکسی که بایشان چیزی ندهند و صله رحم بجا آورند
نسبت بکسی که قطع صله رحم کند و ایشان دور باشند از سخنان فحش

وملایم

و ملایم باشد گفتار ایشان کارهای ناشایسته نکنند و نیکویی کنند
متوجه خیر شوند و از شر احتراز کنند و در چیزهائی که موجب اضطراب
شود آرمیده و با وقار باشند و در مشقتهای تحمل و صبور باشند و در
آسایش شاکر باشند ظلم نکنند بر کسی که دشمنی کند بایشان و بدی
نکنند بکسی که دوست دارد ایشان را اعتراف کنند بحق پیش از آنکه گواه
گذارانیده شود بر ایشان ضایع نکنند آنچه را که نگاه می باید داشت و
فراموش نکنند پندی را که بایشان بدهند و نخوانند مردم را بلقبهای بد و ضرر
نرسانند بهمسایه خود و شادی نکنند بمصیبتهای دشمنان و سعی کنند
که در اول وقت نماز را بجا آورند و ادای امانت کنند و دور دارند خود را
از چیزهای بد و امر معروف و نهی منکر بجا آورند و در نیایند در چیزهای
باطل و بیرون نروند از حق اگر خاموش باشند اندوهگین نسازد ایشان را
خاموشی و اگر سخن کنند خطا و ناصواب نگویند و اگر بخندند بلند نشود
آواز ایشان گوش ایشان قانع است بشنیدن چیزی که برای شنیدن آن
مخلوق شده است سرکشی نکنند در حالت خشم و آرزوهای نفس و بخل
بر ایشان غالب نشود و مصاحبت کنند با مردمان بجهت آنکه چیزها بیاموزند
از مردمان و خاموش باشند بجهت آنکه دانا باشند و تجارت آخرت کنند
بجهت آنکه ثواب حاصل شود ایشان را و نیکویی نکنند بجهت آنکه فخر کنند
بر مردمان بلکه بجهت رضای خدا نیکویی کنند و تکلم ایشان بسخنان
نیکو بجهت آن نیست که تکبر کنند بر مردمان و اگر ظلم کنند بر ایشان صبر کنند

تا حق تعالی انتقام کشد برای ایشان نفس ایشان در مشقت باشد از ایشان
و مردمان از ایشان در راحت باشند در مشقت اندازند نفس خود را برای
آخرت و در راحت اندازند مردمان را از نفس خود دوری کند از آنکس که پرهیز
کاری و پاکیزگی ندارد و نزدیکی جویند با نکسی که نزدیک باشد بملایمت و رحمت
نباشد راوی میگوید که چون امیر المؤمنین علی ع این سخنان را بیان فرمود
همام بیهوش شد و در آن بیهوشی جان را تسلیم کرد شخصی گفت که چیست حال
تو یا امیر المؤمنین بجهت مردن همام امیر المؤمنین علی ع گفت یا شخص که
وای بر تو هر اجلی را محلی است که در نمیگذرد از آن وقت و سببی است که
تجاوز نمیکند از آن سبب پس مثل این سخنان مگوی دیگر که شیطان این
سخنان را بیاد تو میدهد **مصنف کتاب** میگوید که اینست
آنچه اراده کردیم که جمع کنیم از سیرت حضرت رسالت پناهی ص و آدابی که روایت
کرده شده است از آنحضرت بدرستی که وفا کردیم بآنچه شرط کرده بودیم و سؤال
میکنیم از حق تعالی که توفیق دهد ما را بعمل کردن باین آداب بجهت رضای حق
و خشنودی و مغفرت او و رسیدن بیهشت و کرامت او و بفضل و جود و رحمت
او و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب تمام شد این
ترجمه بعون عنایت الهی و روحانیت حضرت رسالت پناهی ص و ارواح
حضرات ائمه معصومین و اهل بیت طیبین و طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین و بیمن و همت حضرت خان عالیشان مظهر آثار خیرات و احسان
منبع جود و عرفان منظور انظار ملک منان محمد خان اللهم اجعل ارکان

دولته مصونة من لدنك حشمته محفوظة عن الخلل بمحمد و آله
اجمعین آمین رب العالمین مأمول و مرجو از کرم الهی و فضل نامتناهی
آنکه توفیق کرامت کند خواص و عوام که از این ترجمه بهره مند گردند انه
ولی ذلک و هو علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر و ملتمس از
ناظرین در این ترجمه آنکه آمر و مترجم را بدعای خیر یاد آوری نمایند
و اگر بر قصور و خللی مطلع شوند مترجم را معذور فرموده در
اصلاح کوشند قد فرغ من ترجمته احوج خلق الله الی رحمة الله البر
نصیر الدین محمد بن عبد الکریم الانصاری فی لیلة الثامن والعشرین
من شهر شعبان المعظم من شهور سنه
ثمانین احدی والف فی
دار السلطنة اصفهان

طریق طلب فرزند صالح بغایت مجربست و او بدین دستور است که
روز سه شنبه و چهار شنبه و پنجشنبه روزه بدارد زوج و زوجه هم
و شب جمعه بوقت افطار کاسه ابی حاضر سازند و هر کدام از
زوج و زوجه بیست یک بار یا مصور بگویند بر آن آب دمند و زوج پاره از آن
آب بخورد و زوجه پاره و مقاربت واقع شود ان شاء الله تعالی
بقدرت کامله حق سبحانه و تعالی فرزند صالح بایشان کرامت فرماید
کتبه اقل الخلیقة بل لا شیء فی الحقیقة محمد مقیم تبریزی عفی عنه

